

تاریخ منتظم

ناصری

جلد اول

محمد حسن صنیع الدولہ اعتماد السلطنہ

بہ تصحیح

محمد اسماعیل رضوانی

سالها بود که کتاب منتظم ناصری در کتابخانه محترم وجود داشت که گاهی به صورت مرجع از آن استفاده می شد اما هیچگاه آن را بطور جدی مورد مطالعه قرار ندادم تا مدیر محترم دنیای کتاب از من خواست که آن را برای چاپ دوم آماده سازم. این خواسته را بدون تأمل پذیرفتم زیرا وجود چنین کتابی را برای رشته های تاریخ ضروری می دانستم و می دانم. منتظم ناصری کتابی است که در آن وقایع تمام جهان بخصوص جهان اسلام و به ویژه ایران در سه جلد کم حجم خلاصه شده و باید نخستین کتابی باشد که پیش روی محصل تاریخ قرار گیرد تا نخست فهرست رویدادهای مهم جهان را بداند، آنگاه یک یا چند فصل را به قصد تحقیق و تتبع براساس ذوق و علاقه خود برگزیند.

اهمیت دیگران به نظرم این بود و این است که در طی صفحه های معدودی پشت سر هم حوادث غم انگیز روزگار، عزت ها، ذلت ها، فتح ها، شکست ها، در بدریها و ناکامیها، مرگ ها، کشتارها، غارتها، تجاوزها، تعدیها، قیافه کریه ستمگران، چهره زیبای دادگران، خشم های طبیعت بر بشر، سیل، زلزله، قحطی و خشکسالی، آتش سوزی، وبا، طاعون، نوبه و غیره به سرعت نوارهای سینمایی از جلوچشمان خواننده رد می شود و بی اعتباری این دنیا و جاه و جلال آن و مقام آن و ثروت آن ناخودآگاه در نظر مجسم می شود و به آدمی حالتی لطیف، انسانی و

روحانی می بخشد و به هر مقامی و هر جاهی و هر ثروتی به هر درجه از فریبندگی بی اعتنا می سازد. همان حالیکه در طی سه بار مطالعه جدی و کلمه به کلمه این کتاب به این ناچیز دست داد و آنچه را که از نوک قلم من بر روی کاغذ چکید انعکاسی از حالات روحی خودم بود، در طی چهل سال مطالعه دائمی در متون تاریخ هیچ متنی نخوانده‌ام که به این سرعت و شدت حال مرا دگرگون کند و هیچ نوشته‌ای ندیده‌ام که بتوانم مفهوم و معنا و عظمت این آیه شریفه را با تمام وجود لمس کنم «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ. وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ. كَذٰلِكَ وَاورثٰنَهَا قَوْمًا آخَرِينَ. فَمَا بَکَّتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْتَظَرِينَ. چه بسیار مردمی که باغها و چشمه سارها و کشتزارها، و مقام بلند و نعمتی که از آن برخوردار بودند رها ساختند و آنها را به قومی دیگر به ارث دادیم، نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین ندبه کرد و نه برای بقا مهلتی یافتند (سوره ۴۴ از آیه ۲۴ بعد) در برابر اینهمه جراحات زندگی یگانه مرهمی که میتواند آلام بشر را اندکی تسکین بخشد اندکی داد گسترتری است از ناحیه زمامداران و دولت مردان.

در تصحیح این کتاب موانعی پیش نیامد. منابع و مآخذی که در اختیار مؤلف قرار داشته در اختیار این بنده نیز قرار داشت تنها تاریخ نایاب ابوالفدا را نداشتم که آنهم به عنایت دانشمند گرامی جناب آقای دکتر اصغر مهدوی که گل وجودش از سماحت سرشته شده تا هر مدت که خواستم در اختیارم قرار گرفت.

مشخصات کتاب

الف - مؤلف این کتاب محمد حسن خان صنیع الدوله است که بعدها ملقب به اعتماد السلطنه شد اما بنظر نمی رسد که خود به تنهایی بدین کار خطیر پرداخته باشد. بطور یقین شخصیت هائی که نام آنها در صفحه های آخر همین کتاب تحت عنوان «ادارات جناب صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون» از قبیل آقامیرزا حسن معلم و مترجم عربی - میرزا محمد حسین ادیب ملقب به فروغی و امثال این دوه وی کمک کرده اند اما تردید ندارم که خود نیز سهم

بزرگی داشته است زیرا نکاتی در این کتاب دیده می شود که دخالت کامل او را عیان می سازد. از جمله اینکه نام بعضی از اعلام جغرافیائی را به زبان فرانسه آورده است و من که در آغاز کار از این نکته غافل مانده بودم مدتی دچار سرگشتگی شدم. مثلاً به جای فاس «فز» و به جای طلیطله «تولدو» و به جای قرطبه «کردو» و به جای الجزایر «الژر» و به جای آسیای صغیر «آزی میئر» آورده است و در تاریخ محاصره و فتح بغداد «به موجب مسطورات تواریخ فرنگ» نوشته است «در روز بیست و دویم ژانویه محاصره شد و در دهم فوریه مفتوح گردید» و نیز در ذیل وقایع سال ۳۱۶ در آخرین مسطور مربوط به «ابتدای امر مرداو یج» می نویسد: «دمستق اسم نایب بلادی است که در مشرقی خلیج قسطنطنیه واقع است و بعید نیست که معرب دُمستیک باشد که در لغت فرانسه به معنی نوکر است» این نوع کارها و اظهار نظرها نمی تواند کار مرحوم فروغی و امثال او باشد.

ب - این کتاب تا سال ۶۲۸ خلاصه ای است از کتاب «الکامل فی التاریخ لابن الاثیر» که بدون تردید لا اقل دو نسخه خطی اما هر دو مغلوط در اختیار مؤلف قرار داشته، زیرا در تلفظ بعضی از اعلام جغرافیائی و یا تاریخی در حاشیه ضبط نسخه بدل را نیز آورده که در این چاپ این حواشی بنام مؤلف به ذیل صفحه منتقل شده است. خود مؤلف ذیل وقایع سال ۶۳۰ آن جا که از تاریخ تولد و وفات ابن اثیر سخن می گوید می نویسد: اخبار مندرجۀ در این کتاب خلاصه و ترجمۀ کامل التواریخ ابن اثیر است»

پس از تاریخ ابن اثیر تاریخ ابوالفدا خلاصه شده و به نظر می رسد که نسخه ای دقیق تر و صحیح تر از «الکامل» در دست داشته است زیرا با نسخه چاپ شده ای که در اختیار ابن بنده قرار داشت به ندرت اختلافی دیده شد. این نسخه در سال ۱۲۸۶ هـ - ق در استانبول در امپراطوری سلطان عبدالعزیز خان یعنی دوازده سال قبل از تألیف منتظم به چاپ رسیده است و قطعاً در کتابخانه صنیع الدوله یا در اختیار او قرار داشته است اما نمی توانم حکم کنم که وی از این چاپ استفاده کرده است زیرا در این نسخه وقایع سال ۶۷۱ از چاپ افتاده در حالی که در منتظم

وقایع این سال نیز به همان سیاق و روش ابوالفدا ترجمه و ضبط شده است. خودش ذیل وقایع سال ۶۷۲ می نویسد: «بسیاری از وقایع مندرجه در این کتاب از تاریخ ابوالفدا ترجمه و نقل شده است» بدیهی است که سوای این دو کتاب به کتب دیگری نیز مراجعه می شده اما این مراجعه فقط برای ثبت و ضبط تاریخ تولد یا وفات شخصیت های علمی ایرانی و یا دانشمندان و نامورانی بوده که مورد توجه مؤلف قرار داشته اند. در این جا نیز منبع اصلی و اساسی او وفيات الاعیان ابن خلکان بوده و از جمله ذیل وقایع سال ۴۲۸ از ابن خلکان نام برده. بعد از تاریخ ابوالفدا منابع مهم وی مطلع السعدین، حبیب السیر، روضة الصفویه، احسن التواریخ روملو بوده که بدون تردید در حاشیه این متون اصلی منابع دیگری نیز وجود داشته است.

هدف مؤلف از تألیف این کتاب

در تألیف این کتاب هدف خاصی دنبال نشده است اکنون نمی توانم حکم کنم که آیا قصد او ارائه خلاصه ای از وقایع مهم جهان بوده یا دنیای اسلام یا کشور ایران. اگر بگوئیم عنایت و توجه وی به تاریخ ایران بوده است می بینیم که در باره سامانیان آل بویه و آل زیار اطلاعات کمی به دست داده در حالیکه در «الکامل» از کارهای آنان به تفصیل یاد شده است اگر بگوئیم نظر وی به جهان اسلام بوده است تا آن زمان که از کتاب الکامل و تاریخ ابوالفدا استفاده می کرده از سرزمین هایی که امروز در زبان سیاست خاور نزدیک و خاورمیانه نام گرفته مصر، شام، اردن، لبنان، الجزایر، مراکش، تونس، عربستان، آسیای صغیر و غیره مطالب زیادی آورده از آن پس که به منابع دیگر مراجعه کرده به ندرت مطالبی از وقایع این سرزمین ها می توان یافت فقط گاهی از امپراطوری تازه تأسیس و روبه گسترش عثمانی اطلاعاتی درج شده است. جالب اینکه وقایع امپراطوری عثمانی نیز ذیل وقایع اروپا آمده است. گمان می کنم هدف غائی و نهائی ارائه کتابی به ناصرالدین شاه و جلب عنایت وی بوده است ناصرالدین شاه یکی از پادشاهان مطلع و دانش دوست ایران بوده و اگر روزی بخواهیم در باره پادشاهان دانشمند یا دانش

دوست ایران کتابی تألیف کنیم ناچار باید از ناصرالدین شاه نیز نامی به میان آوریم. اسناد و مدارک بازمانده از آن دوران نشان می‌دهد که شاه از تألیف کتابهای علمی خوشحال می‌شده است. از جمله در همین کتاب در فصل آخر مربوط به «وقایع سال سی و چهارم از سلطنت ناصرالدین شاه» ذیل وقایع مهم ماه رجب می‌نویسد: «میرزا علی اکبر طبیب حضور همایون... کتابی در امراض عصبانی ترجمه و تألیف و طبع نمود و چون کمال امتیاز را داشت به اعطای یک حلقه انگشتی الماس سرافراز شد» و ضمن وقایع مهمی که در ماه جمادی الثانیه همین سال اتفاق افتاده می‌نویسد: «انتشار جلد چهارم کتاب مرآت البلدان ناصری».

با این همه نباید این توهم بوجود آید که پس این کتاب ارزشی ندارد. منتظم ناصری کتاب عزیزی است که تا کتابی بهتر از آن تألیف نشود (و باید بشود) یکی از مراجع مهم محققین و مؤلفین قرار خواهد داشت و اگر در کتابخانه یک محقق تاریخ این کتاب وجود نداشته باشد آن کتابخانه ناقص خواهد بود.

در آن روزگار حوزه‌های علمیه بسیار قوی با دانشمندانی بسیار بزرگ در نجف، اصفهان، تهران، مشهد و سایر شهرها وجود داشت که بعضی از این دانشمندان در مقام علمی پای بر طارم هفت اختر داشتند و در اطراف و جوانب دربار سلطنت نیز دولت مردانی کتاب دان و کتاب خوان و صاحب نظر می‌زیستند که محمد حسن خان صنیع الدوله با مقام و موقع خاص علمی که داشت نمی‌توانست کتابی مبتذل و بی ارزش عرضه دارد تمام کتابهایی که وی تألیف کرده یا مسبب تألیف آن شده بصورت آثاری جاودانی باقی خواهد ماند و مکرر تجدید چاپ خواهد شد و اگر به فرض محال آثار او از میان برود لااقل یک چهارم از تاریخ ایران در طی قریب به یک قرن و نیم حکومت قاجارها از میان خواهد رفت و ایکاش تمام دولت مردان تاریخ از این راه به مخدوم خود تقرب می‌جستند.

روش تصحیح

الف - هم‌چنانکه گفته شد این کتاب تا تأسیس سلسله تیموریان خلاصه‌ای است از تاریخ ابن اثیر و تاریخ ابوالفدا بنابراین کافی بود که متن کتاب با دومتن مذکور مطابقت شود و اختلافات ذیل صفحه یادداشت گردد اما چون قرن اول هجری به خاطر وجود صحابه و تابعین از اهمیت و حساسیت بسیاری برخوردار است به کتابهای دیگری نیز مراجعه شد که از آن جمله است تاریخ طبری، طبقات ابن سعد، رجال کشی، رجال بوعلی، امل الأمل، معجم البلدان و از همه عزیزتر «تنقیح المقال فی احوال الرجال» تألیف الحاج شیخ عبدالله المامقانی قدس سره که اگر در علم رجال خود را صاحب نظر می‌دانستم مدعی می‌شدم که در میان کتبی که در این علم تألیف شده اگر رجال ممقانی بی‌نظیر نباشد لا اقل کم‌نظیر است و در شگفتم که چرا تاکنون شخصیت‌های علمی حوزه‌ها با امکانات مالی که از وجوه شرعی در اختیار دارند به چاپ قابل استفاده‌ای از آن نپرداخته‌اند و تنها به افست کردن چاپ اول آن که چاپ سنگی است اکتفا کرده‌اند. در دنیای امروز با این کمی وقت مراجعه به این نوع چاپها آنهم از نوع افست عمرسوز است.

از قرن دوم بعد مطابقت متن فقط با الکامل و تاریخ ابوالفدا انجام گرفت مگر در مواردی که این دو کتاب قانع‌کننده نبود زیرا کتاب الکامل فی التاریخ با اینکه چاپ اروپاست و ناچار باید اعتراف کنیم که محققین اروپائی بهتر از ما کار می‌کنند و کتابهایی که در محافل علمی آنان تصحیح میشود دقیق‌تر و صحیح‌تر از کتابهایی است که وسیله من و امثال من تصحیح می‌گردد اما باز هم در همین چاپ اروپا به اشتباهاتی برخوردم که اعتقاد و اطمینان مرا از خود سلب نمود مثلاً در جلد ۴ ص ۲۰ نام حبیب بن مظاهر را «حبیب بن مُطَهَّر» نوشته و در همین جلد ص ۵۶ نوشته است «غفله به فتح غین وفا» اما چاپ آن به سکون «فا» می‌باشد و در همین جلد ص ۶۱ نوشته است «عبدالرحمن بن محمد بن الاشعث» و نام همین

شخص را در ص ۴۷۶ چنین ضبط کرد. «عبدالرحمن بن الاشعث» یعنی یک نسل را از قلم انداخته و در جلد ۸ ص ۱۷۵ و نیز جاهای دیگر به جای ماکان بن کاکي نوشته است «ماکان بن کالی» و در همین جلد ص ۱۹۱ سمنان را سمنان ضبط کرده است.

از این نمونه اشتباهات در این چاپ فراوان دیده شد و نباید تعجب کرد درست است که محققین غرب که در چهار گوشه ایوان خود به خاطر جمع نشسته اند که کس نگوید از این جای خیز و آن جا روه توفیق زیادتری دارند و در تحقیقات خود حد اعلای وسواس را بکار می برند و مرز استقضا را به نهایت می رسانند اما باز هم غربی هستند و نسبت به تمدن و فرهنگ عالم شرق و جهان اسلام بالذات بیگانه اند.

ب - متن کتاب به همان صورتی که از زیر دست مؤلف بیرون آمده عرضه گردید نه تصحیحی بعمل آمد و نه دخل و تصرفی شد تنها اختلافات ذیل هر صفحه یادداشت گردید و قضاوت به عهده خوانندگان واگذار شد و دلیلی نیز برای تصحیح یا تنقیح وجود نداشت این کتاب وسیله مؤلف یا زیر نظر دقیق او تألیف شده وسیله خطاطانی که در اداره خود او و کارمندان خود او بوده اند تحریر شده متن تحریر شده بازخوانی شده و افتادگی ها در حاشیه صفحه ها نوشته شده در چاپخانه ای که خود رئیس آن بوده است چاپ شده و صفحه به صفحه به نظر وی رسیده است. مگر نمی بایست اندازه علم و دانش خود او و همکارانش که از مؤلفین مشهور ایرانند روزی سنجیده شود؟ با اینکه در بسیاری از موارد بر من مسلم بود که متن غلط است تنها به ذکر آن ذیل صفحه با استناد به متون دیگر اکتفا کردم حتی «گرک» که همان یونان است بصورت «کرک» که رسم الخط زمان است باقی گذاشتم. فقط رسم الخط معمول روز رعایت گردید آنهم نه به حد وسواسی که امروز گریبانگیر نویسندگان شده خط را باید خوانا نوشت تا خواننده مجبور به توقف و تأمل و تفکر نگردد چه مانعی دارد که می دانم را سرهم بنویسیم «میدانم» و در می بینم «می» را جدا سازیم؟ با این الفبای مشکل چرا باید یک بار اضافی بردوش نوآموزان و

دانش آموزان بگذاریم وقاعده وقانونی وضع کنیم که برای بیان آن یک کتاب قطور تألیف شده است؟

در سراسر این کتاب فقط یک تصرف به عمل آمد و آن در باره تلفظ کلمه «جِمَص» بود که در همه جا جِمَص بر وزن صَحْت آمده بود و چون در سراسر این کتاب نام این بلد مکرر در مکرر آمده نمی توانستم ذیل هر صفحه این نکته را یادآوری کنم ناچار به استناد معجم البلدان که می نویسد «جِمَص بالكسر ثم السكون والصاد المهملة بلد مشهور قديم كبير...» و به استناد بیتي از امرؤ القیس:

لقد انكرتني بَعْلَبَك واهلها

ولا بن جُرَيْج كان في جِمَص انكرا

و نیز به استناد الكامل و متون دیگر همه جا آن را به جِمَص بر وزن فعل اعراب گذاری کردم امیدوارم که اشتباه نکرده باشم.

ج - کلیه اعلام جغرافیائی و تاریخی دور از ذهن با استناد به معجم البلدان تاریخ طبری طبقات ابن سعد تنقیح المقال و به خصوص خود الكامل اعراب گذاری شد تا در تلفظ آن اشکالی پیش نیاید خوشبختانه خود مؤلف اعلام فرنگی را اعراب گذاشته اما نیازی به اعراب گذاری نام های اسلامی ندیده است قدما نه تنها کلمات را اعراب نمی گذاشتند بلکه بعضی از آنان نقطه هم نمی گذاشتند و از این مهمتر که بعضی از خوانا نویسی هم ابا داشتند و این کارها را یعنی نقطه گذاری اعراب گذاری خوانا نویسی را دون شأن خود و دانشمندان می دانستند و معتقد بودند که اینها کارهای بیسوادان است. اگر کسی با سواد باشد او را یک علامت و یک اشاره کافی است زیرا تحصیلا نشان بقدری عمیق و دقیق انجام می گرفت که نیازی به انجام این کارها نبود بعضی کتابخانه هم نداشتند و خود یک کتابخانه متحرک بودند.

د - در تطبیق سالهای هجری به سالهای میلادی در بعضی از سالها دو سال هجری در یک سال میلادی آمده است مثلاً ۵۲ هجری مساوی با سال ۶۷۲ میلادی و سال ۵۳ نیز مساوی با ۶۷۲ آمده است این امر به این علت است که سال

میلادی که سال واقعی است ده روز و چند ساعت بیش از سال هجری است معذالک نمی توان در این کتاب در تطبیق سالها اعتماد کرد باید برای اطمینان خاطر به کتابها و رساله های تطبیقی که در سالهای اخیر بطور متعدد تدوین شده مراجعه فرمایند و در این کتاب فقط سال هجری را ملاک قرار دهند.

نتیجه

با این همه پژوهشگران گرامی و خوانندگان عزیز گمان نبرند که کاری انجام یافته و متنی دقیق و صحیح به دستشان رسیده است تنها میتوان گفت که اعتبار این چاپ از چاپ نخستین اندکی بیشتر است و برای ارائه متنی دقیق تر هنوز کارهای زیادی باقی است که بردوش دیگران می گذارم و می گذرم علوم اسلامی به همان نسبت که دامنه ای وسیع و بی نهایت دارد آشفته گی ها و آلودگی های بسیاری نیز در آن راه یافته بخصوص در علم تفسیر و علم رجال و علم حدیث و علم فقه و علم تاریخ که دامنه دارتر از همه آنهاست آشفته گی بیشتر دیده می شود و اگر کسی مدعی شود که در این راه کاری انجام داده دلیل براین است که هنوز در موقعی قرار دارد که به عظمت کاری نبرده است هزار و چند صد سال صدها هزار نفر از نوابغ عالم اسلامی به تحقیق و تتبع در این دانش ها اشتغال داشته اند اما حکایت هم چنان باقی است و اینهم شاید از کرامات قرآن باشد. قل لوکان البحر مداداً لِّکَلِمَاتِ رَبِّی لَئِفْدَ الْبَحْرِ قَبْلَ أَنْ تُفْقَدَ کَلِمَاتُ رَبِّی وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا.

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحيم

سلطنت و جهانبانی ملکی کریم راست، که ملکش از زوال مصون است، و مملکتش از حیز تحدید بیرون. یرلیغ بلیغش به طغرای کن فیکون موشح، و توقیع وقیعش به طراز — له الخلق والامر مطرز. در قلمرو حکمش کره زمین جرمی صغیر است و گوی آسمان مسخر و ربوده صولجان تقدیر. سنین این سلطنت که ازل و ابد بعضی از قرون آن می باشد ناموئخ است، و حوادث و سوانح آن که بقد و حصر نیاید لاعلی التعمین و غیر مدون. کیست که موئخ این تاریخ تواند بود و حساب این شهور و سنین تواند نمود؟ در دفتر ایام حرفی از آن نیست، و مجموعه اوهام را طرفی از آن نه. سندیکه بدان دست رسی باشد کجاست و خبریکه اعتماد را شاید کراست؟ تنها اگر کشف رازی توان کرد از سفرای کبار آنحضرتست که رسولان مرسل اند، و امنای وحی منزل. خاصه پیغمبری که علت بعثت آن تتمیم مکارم اخلاق است، و قانون و دستور متقن او مایه تکمیل ترقی و زینت انفس و آفاق. پناه امت، نبی اقی، فرستاده گزیده پروردگار، محمد مختار، صلوات الله علیه و علی آله الاطهار والائمة الاخیار الابرار

اقا بعد — مذهب این بود که در ظرف سنه لوی نیل جلد پنجم کتاب مرآت البلدان ناصری که از حرف حاء شروع می شود و حاوی شرح جغرافی ممالک محروسه و تواریخ متعلقه به آن می باشد نگاشته و طبع شده، در اوایل سال خیر مال نیلان نیل به شرف مطالعه دانشمندان مملکت و طالبان علم و درایت مشرف آید، اما از آنجا که مقصود انتقصای کامل و استکمال آن بود تا پس از تدوین، جامع کلیات بل مجموعه جزئیات نیز باشد. بعبارة اخری از امکان و محال و آبادانیهای ماضی و حال به قدر امکان چیزی نماند که قلمداد بنان بیان نگردد. شرح هر موضوعی به طور مشبع ایراد شود، و بسط هر موقعی به وجه لایق سمت نگارش یابد. و حصول این مقصود موقوف به فراهم آوردن اسباب وافی و اسناد کافی بود، و مدت استکشاف در آن دخیل، و مهلت استقرار مانع تعجیل. لهذا این اقدام را به شهر و ایام سنه هزار و سیصد هجری محول داشت و برای آن اوقات گذاشت. اکبر بمانیم و بار زندگانی را بدان منزل رسانیم.

اما در ضمن تحصیل آن لوازم، باوجود مشاغل مهم، باز خود را از متعطلین می دید، و بدین واسطه خاری در پای خاطر می خلید. طبیعت که با بیکاری مأنوس نبود احساس تحسّر و افسوس می نمود. شباهنگامیکه خیل خیال ابواب خواب را بر دیده مسدود کرده، و لشکر اندیشه برکشور دماغ از هرطرف هجوم آورده، باخود گفتم: بنای حیات برآبست و هستی ما چون وجود حباب. شک نیست که بسی نباید و اعتماد را نشاید. تا زمام فرصت و لجام توانائی به چنگ است چه جای تعلل و درنگ است. تمثالی باید ساخت و نقشی باید پرداخت، که از ما بازماند و آیندگان را فیضی رساند. در زمانیکه کلیه امور عالم را میل به انتظام است و مهام گیتی را حله و زیور نظام، تواریخ فارسی را غیر منتظم داشتن و سوانح هرسالی را مبهم و غیر معین گذاشتن، نوعی از قصور است و قسمی از سستی و فتور، چه زیان اگر در ضمن جمع آوری اسباب مرآت البلدان اینکار نیز صورت پذیرد، و در مضممار انتشار جولان

نموده بر مجلیان میدان مسابقت سبقت گیرد. در زمان این خیالم پسند آمد و خاطر من به انجام آن نیازمند. برای نگارش تاریخی منتظم، از اول هجرت سید عالم، و نبی خاتم، صلی الله علیه و آله و سلم دامن همت بر کمر زدم و مُصمّم اتمام آن شدم. حوادث عمده و سوانح معظمه تمام روی زمین را بی اطناب محلّ و ایجاز مخلّ، به عبارتی سلیس و روان سهل و آسان نگاشتم، و برای صحت اسناد و روایات و تطبیق سنوات، نظر دقت و اهتمام را محضّل گماشتم. و با آنکه اختصار منظور بود هر جا که حاجت به بسط داشت از آن بطور اجمال نگذشتم، و شرحی که ایضاح مطلب بدان محتاج بود نوشتم، و فقط وقایع را محصور و محدود به شرح سلطنت سلاطین و جنگ و صلح آنها و امثال آن سوانح ننمودم. بلکه هر گونه حوادث را از قبیل تولّد و ارتحال علما و اعیان ممالک، و اختراعات و انکشافات، و وقوع زلازل و طوفان و طغیان میاه و بروز امراض عمومی، و سقوط صواعق و ظهور عجایب، حتی بعضی از خسوف و کسوف و غیرها را بر آن مزید نمودم تا مجمع فواید و مجموعه مواید بوده مقبول طباع بوده باشد و قابل انطباع.

و از آنجا که در ممالک اسلامیّه، شید الله ارکانها، از صدر اسلام تا کنون دو قسم فرمانفرمائی در کار بوده: یکی حکمرانی مذهبی به عنوان خلافت، دیگری حکومت اسلامیّه به اسم سلطنت. این کتاب را در دو جلد قرار دادم، جلد اول را که عبارت از همین دفتر باشد به انقراض و زوال دولت خلفای بنی عباس که اشهر خلفا می باشند ختم کردم، و جلد ثانی را از استیلای هلاکوخان و طایفه مغول بر این ممالک شروع نموده به آخر هذه السنه ثیلان ثیل خیریت دلیل می رسانم. و چون اخبار این سفینه، و سیر این گنجینه سال به سال منتظم نوشته شده، و نگارنده نیز از پرتو آفتاب تربیت و سحاب مکرمات و عنایت اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه اسلام پناه، وارث افسر کیان، خسرو صاحبقران، السلطان بن السلطان، ناصر الدین شاه قاجار، لازال ملکه مقروناً بالفخار، به نیل هر مقصدی نایل، و هر چه دارد از این آستان سپهر توان مقدس حاصل کرده، ادای شکر و لینعمت را که از

واجبات اعمال و مفترضات اشغال است، کتاب را موشح و منسوب به اسم همایون این پادشاه معدلت دستگاه نموده منتظم ناصری نامیدم. و جلد اول را که عبارت از شرح سوانح ششصد و پنجاه و شش سال است به یاری قادر متعال در این سال منتشر ساخت، جلد ثانی انشاءالله در ابتدای سنه آتیه جلوه ظهور می یابد، و در هر حال از زلالت گذشته و آینده استغفار می نماید. کیست که از سهو و نسیان مصونست و هرچه گوید به صحت و درستی مقرون؟ همینکه اغلب صواب باشد مقبول اولی الالباب گردد.

والسلام علی من اتبع الهدی



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

[سنه ۱ هجری = سنه ۶۲۲ مسیحی]

آسیا۔ از وقایع اینسال مهاجرت حضرت رسول (ص) است از مکه به مدینه که در بیست و دویم صفر یا غره ربیع الاول اتفاق افتاد. فرض شدن نماز جمعه در قبا قبل از ورود به مدینه. اول خطبه پیغمبر (ص) به مسلمین. بنای مسجد حضرت رسول (ص) در مدینه. به روایتی در قبرستان مُشرکین، به روایتی در نخلستان از بنی نجار، به روایتی در موضع خوابگاه شتران بنی نجار. بنای مسجد قبا وفات براء بن معرور و ابوامامه اسعد بن زرارۃ انصاری از نقبای بنی نجار. وفات کلثوم بن الہدم^۲. زفاف پیغمبر (ص) به عایشه، هشتماء بعد از ورود به مدینه در شهر ذیقعدہ. افزودن دو رکعت نماز بر نماز عصر بعد از یکماه به ورود مدینه، تولد عبداللہ بن زبیر از مهاجرین. تولد نعمان بن بشیر از انصار. تولد مختار بی ابی عبیدۃ ثقفی و زیاد بن ابیہ. بستن لوای سفید برای حمزہ، و مأمور نمودن او به سر راه قریش که اول لوائیست در اسلام. مأموریت سعد و قاص به وادی بواء در ذیقعدہ. غزوۃ بواء و وذان، غزوۃ بواط. غزوۃ ینبوع در جمادی الاولی. مکتی نمودن حضرت رسول (ص) علی بن ابیطالب علیہ السلام را به ابوتراب. این سال را سنۃ الهجرة و سنۃ الاذن بالرحیل خوانند، و سنۃ چهاردهم از مبعث پیغمبر است، و سنۃ هفتم سلطنت هرقل در قسطنطنیہ، و سال سلطنت سی و چهارم خسرو پرویز. ابتدای این سنہ از محرم گرفته شد. خروج از مکه به صحابیت ابوبکر، و توقف در غار ثور سه روز. اسلام بریدۃ بن خصیب که از طرف قریش به طلب حضرت آمده بود. والی مدینه در این سال ہنودہ*

۱. در متن (ابوانامۃ).

۲. در رجال ممقانی (کلثوم بن هرم) آمده و نوشته شده «کلثوم بن هرم الاوسی... و قیل انه اول من مات من اصحاب رسول اللہ (ص) بعد قدومه الی المدینہ...»

حنفی^۱ بود. ملاقات حضرت رسول الله (ص) طلحه و زبیر را در بین راه مکه و مدینه که از تجارت شام معاودت می کردند. اسلام عبدالله بن سلام از بزرگان یهود. شیوخ مرض تب و لرز در مدینه و مبتلا شدن جمعی از صحابه بدان. مواخات و مواسات بین مهاجر و انصار. معاهده با جماعت یهود. وفات عاص بن وائل. وفات ولید بن مغیره از مشرکین مکه. مأموریت زید بن حارثه به آوردن عیال حضرت (ص) از مکه به مدینه. اسلام سلمان فارسی. بقولی ابتدای اذان و اقامه

اروپا — هرقل قیصر روم بعد از شکستهای پی در پی از خسرو پرویز بشخصه با قشون زیاد از قسطنطنیه به اناطولی آمده طرابزون را مفتوح ساخت، و جنگی سخت در ایسوس نمود، و ملوک غسانیه در شام اطاعت هرقل می کردند. سلطنت دگبر با تاتاری پین در لرن یکقسمتی از فرانسه.

افریقا — حاکم اسکندریه در این سال مقوقس بود



[سنه ۲ هجری = سنه ۶۲۳ مسیحی]

آسیا — مزاجت علی بن ابیطالب علیه السلام با فاطمه در ماه صفر المظفر. قتال مسلمین به سرداری عبدالله بن جحش. وضع خمس از برای حضرت رسول (ص) قبل از فرض خمس. تحویل قبله از بیت المقدس به مکه معظمه در سه شنبه نیمه شعبان ماه هیجدهم از هجرت. وجوب روزه رمضان در ماه شعبان. وجوب فطریه قبل از دخول به غرة شوال. نماز عید فطر گذاشتن حضرت رسول (ص) و امر به اذان. غزوه بدر کبری در روز جمعه هفدهم یا نوزدهم شهر رمضان، غلبه مسلمین بر مشرکین. قتل ابوجهل، و عتبه بن ربیع، و شیبه بن ربیع، و ولید بن عتبه، از مشرکین. و شهادت ابو عبیده عامره صحابی، و حارثه بن سراقه انصاری. و هلاک ابولهب بعد از شکست مشرکین از غزوه بدر کبری. غزوه بنی قینقاع در شوال، با طایفه خزرج و شکست ایشان، و تصرف مسلمین غنایم ایشان را و فرض خمس. اول نماز عید اضحی و قربانی. غزوه الکدری^۲ در شوال

۱. با مراجعه به رجال ممقانی، بوعلی، کشی، تاریخ طبری، الکامل ابن اثیر، طبقات ابن سعد چنین کسی شناخته نشد.

۲. در طبقات ابن سعد «غزوة قرقرة الکدر» و يقال قرارة الکدرن».

که حامل لوا علی بن ابیطالب علیه السلام بود. غزوة السویق که ابوسفیان جنگ کرد. فوت عثمان بن مظعون از صحابه. بروایتی تولد حسن بن علی علیهما السلام در ذیحجه اینسال. تعیین حدود شرعی و دیات، و فرمایش حضرت پیغمبر (ص) که انا بنی بالسیف. این سال را سنة الامر بالقتال خوانند. وفات رقیة دختر حضرت رسول (ص) زوجه عثمان بن عفان. فرض زکوة اموال. وفات امیه بن صلت.

اروپا - قشون هرقل تا تبریز بلکه تا اصفهان تاخت و با شکست سختی معاودت به قسطنطنیه نمود. سوان تیلایونانیان را کلاً از اسپانیول خارج کرده خود مُستقلاً در آنجا سلطنت نمود.

[سنه ۳ هجری = سنه ۶۲۴ مسیحی]

آسیا - اجتماع بنی ثعلبه و بنی محار به برمقاتله مسلمین. خروج رسول الله (ص) به قصد دفع ایشان و فرار نمودن آن دو طایفه به قلال جبال، که حضرت (ص) بدون مقاتله معاودت فرمودند. در جمادی الاولی این سنه غزوة حضرت رسول (ص) بابنی سلیم در نجران، متفرق شدن مشرکین و مراجعت پیغمبر (ص) بعدینه. قتل کعب بن اشرف یهودی به امر پیغمبر (ص). تزویج عثمان بن عفان ام کلثوم بنت پیغمبر (ص) را. غزوة القرده به سرداری زید بن حارثه، و غلبه مُسلمین بر مشرکین که به ریاست ابوسفیان بوده، و اسلام فرات بن حیان در جمادی الاخری. قتل ابی رافع بن ابی الحقیق یهودی، در خیبر به دست چهار نفر از خزرج. تزویج رسول الله (ص) حفصه بنت عمر را در ماه شعبان. از واقعات این سنه غزوة أحد است در هفتم شوال. ابی سفیان با جماعتی کثیر از قبایل عرب و تمام نسوان خود قصد مدینه نموده عدد ایشان سه هزار نفر بوده، حضرت رسول (ص) از مدینه خروج فرموده، ابن ام مکتوم را به جای خود گذاشته، در أحد که کوهیست نزدیک مدینه مقاتله نمودند، و شکست فاحشی به مسلمین وارد آمد، و بسیاری از مؤمنین به درجه شهادت فایز شدند، از آنجمله حمزه عم رسول الله (ص) به دست وحشی بن حرب غلام جبیرین مطعم شهید شد. و مصعب بن عمیر و عبد الله بن جحش به شهادت رسیدند، و مجروح شدن جبهه حضرت رسول (ص) به سنگ ابن شهاب و مکسور شدن دندان آنحضرت (ص) به سنگ عتبه بن ابی وقاص، و ذکران انصاری^۱ و حنظله بن ابی عامر غسیل

۱. در رجال ممقانی «ذکوان بن عبدقیس الخزرجی... خرج من المدینه و هو بمکه، یقال له انصاری... و قتل يوم احد شهیداً...».

الملائكة نیزه شهادت رسیدند. در ابتداء حامل لوائی مسلمین مُصعب بن عُمیر، و پس از شهادت وی حامل لواء علی بن ابیطالب علیه السلام شد، و حامل لوائی مشرکین طلحة بن عثمان بود، و شهدای مسلمین را نسوان مشرکین مثله نمودند. و پس از سه روز از غزوة احد غزوة حمراء الاسد واقع شد. حمراء الاسد مکانیست در هفت فرسخی مدینه، حضرت رسول (ص) مشرکین را تعاقب نموده تا حمراء الاسد، و یکنفر از مشرکین که ابی عره بن عبدالله الجحنی است از اسرای بدر بوده که رهائی یافته و مشاهده فرموده اند او را، و به قتل آوردند. بروایتی ولادت حسن بن علی علیهما السلام و حامله شدن حضرت فاطمه (ع) به حسین بن علی (ع) پنجاه روز بعد از ولادت حسن (ع). بعضی وفات رقیه دختر حضرت رسول (ص) زوجه عثمان عفان را در این سال نوشته اند، و همچنین فرض زکوة اموال، و وفات امیه بن صلت را. این سنه را سنة التَّمحِیص می خوانند.

[سنه ۴ هجری = سنه ۶۲۵ مسیحی]

آسیا - در ماه صفر غزوة الرّجیع و قتل جمعی از صحابه به غدرو حبله. مأموریت عمرو بن امیه بن ضمیری از طرف رسول الله (ص) به مکه به جهت قتل ابوسفیان، و مکشوف شدن قصد او و بی نیل مقصود مراجعت کردن او بمدینه. غزوة بئر معونه و شهادت جمعی از مسلمین در آن غزوه. غزوة ذات الرّقاع، و نزول صلوة خوف. غزوة بدر الثانیة در شهر شعبان که غزوة السّویق هم نامیده شده تزویج حضرت رسول (ص) امّ السّلمه را. مأموریت زید بن ثابت به تعلّم کتب یهود. وفات عبدالله بن عثمان بن عفان دختر زاده حضرت رسول، تولّد الحُسن بن علی علیهما السلام در شهر شعبان. بقولی غزوة بنی نضیر و جلاء دادن ایشان بمحلی دیگر. وفات عبدالله مخزومی از صحابه. این سنه را سنة التّرفیه مینامند. سرّیه ابی سلمه در قطن و وفات ابی واسطه جراحاتی که در غزوة احد باورسیده بود. سرّیه عبدالله بن أنیس. وفات زینب بنت خزیمه زوجه حضرت رسول (ص). وفات فاطمه بنت اسد بن هاشم مادر علی علیه السلام.

[سنه ۵ هجری = سنه ۶۲۶ مسیحی]

آسیا - تزویج کردن حضرت رسول (ص) زینب بنت جحش عمّه زاده خود را که سابق زوجه زید بوده و قصّه او معروف است. غزوة دومة الجندل در ربیع الاول این سنه. معاهده عیینة بن حصن الفزازی رئیس طایفه غطفان با رسول الله (ص). غزوة خندق که آنرا غزوة احزاب نیز

گویند در شهر شوال، و مباشر حفر خندق سلمان فارسی بود، و حدیث «السَّلمانُ مَثاهِلُ البیت» و اوّل نفاق مُسلمین در حفر خندق، و نازل شدن آیه اذ یقول المنافقون الی اخر، در این موقع عدد نفوس مشرکین ده هزار و مُسلمین سه هزار، مدت محاصره یکماه، و منازعه علی بن ابیطالب علیه السّلام با عمرو بن عبدود و قتل عمرو به دست علی (ع). و نفاق انداختن نعیم بن مسعود اشجعی مابین مشرکین، و وزیدن باد سرد سخت، و خوف ابی سفیان و سایر رؤسای مشرکین و فرار آنها به سمت مکه. و حدیث نبوی (ص) که بعد از این ما بسر مشرکین خواهیم رفت نه آنها. غزوه بنی قریظه اول. قضای نماز عصر که بانماز عشاء شب خوانده شد. و قتل ششصد یا هفتصد نفر از یهود بنی قریظه در مدینه. و انتخاب نمودن حضرت رسول (ص) ریحانه بنت عمرو بن خنامة^۱ را از اسرای بنی قریظه برای خود. وفات سعد بن معاذ. و این سنه راسنه الزلازل مینامند. فگ رسول آله (ص) سلمان فارسی را از رقیّت مولای او بیچهل و قیه زرو سیصد نخیله. نزول آیه تیمم. خسوف قمر. نزول آیه حجاب. وقوع زلزله در مدینه. نزول فرض حج. تزویج حضرت رسول (ص) جویریّه بنت حارث بن ابی ضرار را.

اروپا - ابداع مذهب جدید عیسویان که تنها به شخص عیسی (ص) که پسر خداست و به هیأت بشریت درآمده اکتفا کنند، برخلاف عقیده سابقشان که به اقانیم ثلاثه اب و ابن و روح معتقد بودند. و کشیش بزرگ سرژ یوس معتقد به اینطریقه شد، قیصر روم هم پیروی کرد و این طریقه در انظار سایر ملل عیسویه کفر است.

[سنه ۶ هجری = سنه ۶۲۷ مسیحی]

آسیا - غزوه بنی لحيان در جمادی الاولى. و مراجعت کردن مُسلمین بی نیل مقصود، غزوه ذی قُرد در اینسال. غزوه بنی المصطلق در ماه شعبان، کشته شدن مشرکین و فتح مُسلمین. و تزویج نمودن حضرت رسول (ص) بقولی جویریّه بنت حارث بن ابی ضرار که رئیس اینطایفه است. و نزاع بین مهاجر و انصار در مراجعت از این غزوه بواسطه جهجاه نام از موالی عمر یا سنان الجهنی الانصاری. درشت گفتن عبدالله بن ابی بن سلول در اینمورد. تحریک انصار به ضدیت مهاجر. انتقال حضرت رسول (ص) از آن منزل بجهة رفع غایله. از واقعات این سنه حدیث اُفک و تهمت است که بر عایشه زده شده که معروف است، این واقعه در مراجعت از

۱. در طبری و طبقات ابن سعد «جنافة».

غزوة بنی المصطلق است. از واقعات این سنه غزوة حدیبیه است و مصالحه با قریش؛ و مراجعت حضرت رسول (ص) به مدینه، و اسلام جمع کثیری از مشرکین، و بیعت تحت شجره سمرة معروف در همین سفر بود. از واقعات این سنه نزول سورة مبارکه فتح است. از واقعات این سنه سریة عکاشة بن مخصن به غمر است. سریة محمد بن مسلمه به بنی ثعلبه. سریة ابو عبیده جراح است به جانب به ذی القصة. سریة زید بن حارثه است به جموم. سریة زید بن حارثه به جانب جسی در جمادی الاخری. سریة زید بن حارثه به ام القری. سریة عبدالرحمن عوف به دومة الجندل. سریة علی بن ابیطالب در شعبان به فدک سریة زید بن حارثه است به ام القرفه در شهر رمضان، سریة کرز بن جابر الفهري در شوال، بروز خشکسالی و قحطی در مدینه و به استسقا رفتن حضرت رسول (ص) در ماه رمضان. مکاتبات حضرت رسول (ص) به ملوک، فرستادن ابن ابی بلتعه را بسوی مقوقس والی مصر، و دحیه الکلبی را بسوی قیصر روم، و شجاع بن وهب الاسدی را بجانب حارث بن ابی شمر غسانی، و عبدالله بن حذافه را بسوی خسرو پرویز و عمرو بن امیه بن ضمیری را به جانب نجاشی پادشاه حبشه، و علاء بن الخصرمی را بسوی منذر بن ساوی در بحرین.

آفریقا - قبول کردن مقوقس پادشاه مصر کتاب حضرت رسول (ص) را و میل کردن او بقبول دین اسلام و مصمم شدن برای هدیه فرستادن خدمت حضرت رسول بهمراهی حاطب فرستاده حضرت.

اروپا - قبول تبعیت کردن قیصر روم هرقل باطناً، و ظاهراً بواسطه اجماع مردم منکر شدن.

[سنه ۷ هجری = سنه ۶۲۸ مسیحی]

آسیا - فتح قلاع خیبر بدین ترتیب: اول ناعم، دویم قموص، صفیه دختر حنی بن اخطب که شوهر او کنانه صاحب این قلعه بود اسیر شد و بشرف مزاجت حضرت رسول (ص) رسید. سیم صعب، پس از آن وطیح و سالم، و از این قلعه مرحب بیرون آمد و بدست حضرت علی بن ابیطالب (ع) کشته شد. بعضی بر این اند که قاتل مرحب محمد بن مسلمه بود و این ضعیف است. گویند در ماه صفر فتح خیبر شده است. هدیه دادن زینب دختر حارث زوجه سلام بن مشکم بزرگ یهود بربه بریانی مسموم، برای حضرت رسول (ص) و خبر دادن آنحضرت مسموم

بودن بزه بریان را، غزوة وادی القری و محاصره کردن رسول الله (ص) وادی القری را و فتح نمودن بغلبه قصه لیلۃ التعریس که در مراجعت از خیبر بین راه شبی حضرت رسول (ص) نشسته بزنان مهاجر و انصار عطا یا دادند و بخواب رفتند تا بعد از طلوع آفتاب. بعقیده ابن اثیر و غیره وقعه فدک، و مصالحه کردن یوشع بن نون با محصنه بن مسعود بدان نصف فدک بر رسول الله (ص)، تزویج کردن حضرت رسول (ص) زینب دختر خود را بابی العاص بن الربیع در محرم این سال. مراجعت حاطب بن ابی بلتعہ از پیش مقوقس پادشاه مصر با هدایا که از جمله ماریه قبطیه و شیرین خواهر او بود، و قاطر دلدل نام، و حمار مشهور به یعفور، که ماریه به مزاجت حضرت رسول (ص) مشرف شد. ساختن منبر برای وعظ و خطبه. سریه بشیر بن سعد به جناب که ناحیه ایست به یمن و مقاتله با جماعتی که میخواستند بمدینه تازند و مخدول نمودن آنها. خروج حضرت رسول (ص) از مدینه اول ذیحجه بعزم مکه و قصد عمره فرمودن که هفتاد شتر برای قربانی همراه داشتند، و برای مکان حضرت در مکه دارندوه معین شد و تزویج نمودن میمونه بنت حارث را، در مکه و مراجعت بمدینه پس از حج. غزوة ابن ابی العوجا بابنی سلیم که خود و اصحابش همه شهید شدند، و بقولی خود او نجات یافت. انعقاد مصالحه فیما بین شیرویه پسر خسرو پرویز و هرقل قیصر روم در حینی که عساکر قیصر در تبریز بودند. رد نمودن شیرویه به هرقل صلیبی را که حضرت عیسی را بر آن صلیب بداز زده بودند.

اروپا - فرانک: بعد از فوت کلوتر دو یم د کبر برادر خود را محروم کرده خود مستقلاً سلطنت نمود.

[سنه ۸ هجری = سنه ۶۲۹ مسیحی]

آسیا - وفات زینب دختر حضرت رسول (ص)، سریه غالب بن عبد الله اللیثی بجانب کلب اللیث و قتل و غارت کردن. سریه شجاع بن وهب بسوی بنی عامر و غنیمت گرفتن مواشی بسیار از آنها. سریه کعب بن عمیر الغفاری به ذات الاطلاق که از نواحی شام است^۱ و کشته شدن همراهان کعب و نجات وی. اسلام خالد بن ولید و عمرو بن عاص و عثمان بن طلحه. رفتن عمرو بن عاص با عساکر اسلام بذات السلاسل و امداد ابی عبیده جراح او را در این غزاه. فرستادن حضرت رسول (ص) عمرو بن عاص را بعثمان بسوی جیفر و عیاذ پسران جلدی که

۱. طبقات ابن سعد «ذات أطلاع وهي من وراء واد القری».

هر دو ایمان آوردند و گرفتن جزیه از مجوس آنجا. مخدول کردن ابی قتاده و بعضی از عساکر اسلام جماعتی را که برای حرب با حضرت رسول (ص) به غابه که مکانیست در حجاز جمع شده بودند. محاربه عساکر اسلام در قریه موته بالشکر هر قل که علاوه بر صد هزار نفر و رومی صد هزار نفر دیگر از طوایف مُستعر به در تحت فرمان هر قل بُودند، سردارهای لشکر اسلام که در این جنگ کشته شدند زید بن حارثه و جعفر بن ابیطالب و عبدالله بن رواحه بودند، و در این جنگ خالد بن ولید به سیف الله ملقب گردید، و مراجعت کردن بقیة السیف لشکر اسلام بی نیل مرام. فتح کردن حضرت رسول (ص) مکه را در حالتیکه ده هزار عساکر اسلام در رکاب حضرت بودند. اسلام آوردن ابی سفیان و عکرمه بن ابی جهل و ورود حضرت رسول (ص) باشکوه هر چه تمامتر بمکه، در حالتیکه عمامه سیاهی بر سر داشتند و خضوع آنحضرت بدرگاه خداوند در نیل این موهبت زیاده بود، و چون آزاد نمودند اهل مکه را موسوم به طلقاء شدند. داخل شدن حضرت بکعبه بعد از طواف و شکسته شدن بتها تیکه در کعبه بُودند با اشاره عصای حضرت که عده بتها سیصد بود. نشستن حضرت در صفا و بیعت کردن زن و مرد با آنحضرت. غزای خالد بن ولید با بنی جذیمه و کشتن بسیار از آنها و نهب اموال آنها. چون این قضیه مرضی حضرت رسول (ص) نبود علی بن ابیطالب علیه السلام را فرستادند تا مقتولین آنها را دیه دهند و اموال آنها را رد نمایند و خالد از کرده خود عذر خواست. تزویج حضرت رسول (ص) ملیکه دختر داود الیلشی را که پدر او در فتح مکه کشته شده بود و مفارقت حضرت رسول (ص) از او. خراب کردن خالد بن الولید غزی را که یکی از معابد بت پرستی بود در بطن نخله. شکستن عمرو بن عاص سواع را که بتی بود در رُهاث. شکستن سعد بن زید الاشعلی منات را که بتی بود در مُشَلَل. غزا کردن حضرت رسول (ص) با طایفه هوازن به حنین که در این غزوه دوازده هزار نفر در رکاب حضرت بودند، حضرت (ص) بجهة کثرت همراهان فرمودند که ما مغلوب نمیشویم از عده قلیل و اشاره به این است آیه شریفه و یوم حنین - اذ اعجبتکم کثرتکم فلن تغن عنکم شیئا. و مغلوب شدن طایفه هوازن بالمال، و فرار کردن مالک بن عوف که قاید جیش هوازن بود بطایف. محاصره کردن حضرت رسول (ص) طایف را و مقاتله شدید با محصورین. اسلام آوردن مالک بن عوف التصری که از بنی نصر بن معاویه بن نصر بود. تزویج کردن حضرت رسول (ص) کلایه دختر ضحاک بن سفیان را که اسمش فاطمه بود و بعدها مفارقت نمودند از او. تولد ابراهیم بن حضرت رسول (ص) که در ماه ذیحجه از ماریه قبطیه متولد شد. سریه بنی العنبر بسرداری عیینة بن حصن الفزازی و گرفتن غنایم و اسیر بسیار از آنها. سفرهی اوان چه سنگ عالم چینی در داخله هندوستان که در ظرف شانزده سال در این مملکت سیاحت می نمود و نقل کردن کتب دینی و اشیاء مقدسی که متعلق

به بودای رئیس مذهب بودائی بوده از هندوستان به چین.

اروپا — ایجاد مدارس در انگلیس به تقلید فرانسه

[سنه ۹ هجری = سنه ۶۳۰ مسیحی]

آسیا — اسلام کعب بن زهیر که از اشراف و فصحای عرب بود — اسلام به حیر بن زهیر برادر کعب. — رفتن حضرت رسول (ص) به تبوک بعزم مقاتله با هرقل و لشکر روم، و چون اثری از عساکر روم ظاهر نشد معاودت بمدینه فرمودند. آمدن یوحنان بن رید صاحب ابله در تبوک خدمت حضرت رسول (ص) و مصالحه کردن با آنحضرت به اینکه سالی سیصد دینار جزیه دهد. آمدن اهل اُدُرُح در تبوک خدمت حضرت رسول (ص) و مصالحه کردن با آنحضرت باینکه هر ساله در ماه رجب صد دینار جزیه دهند. آمدن اهل جریا و مقنا،^۱ [با] هم خدمت حضرت رسول (ص) و مصالحه کردن با آنحضرت به این که هر سال ربع ثمر این دو ولایت را جزیه دهند. فرستادن حضرت رسول (ص) خالد بن الولید را از تبوک نزد اکیدر بن عبد الملک صاحب دومة الجندل که نصرانی بود و مقهور کردن خالد اکیدر را به مصالحه و جزیه. فرستادن حضرت رسول (ص) مالک بن و خشم^۲ را به خراب کردن و سوزانیدن مسجد ضرار که منافقین در آن بر ضد آنحضرت جمع شده معاهده مینمودند. آمدن عروة بن مسعود ثقفی خدمت حضرت رسول (ص) و اسلام آوردن و مأمور شدن به اینکه قوم خود را به اسلام دعوت کند، و انکار قوم او و شهید شدن او در این مأموریت. آمدن جمعی از اشراف ثقیف به خدمت حضرت رسول (ص) و اختیار کردن اسلام، و مراجعت به بلاد خود به همراهی مغیره بن شعبه و ابی سفیان بن حرب با آنها، برای خراب کردن طاغیه و شکستن لات که بتی بود و مبادرت نمودن مغیره در این عمل. فرستادن حضرت رسول (ص) علی بن ابیطالب (ع) را به غزاء طایفه طی، و خراب کردن بت آنها را، و اسیر کردن و غارت نمودن آنها، و اسیر شدن دختر حاتم که حضرت رسول (ص) او را رها نمودند. و فرار عدی بن حاتم به شام، و بازگشتن از شام به خدمت حضرت رسول (ص) به دلالت خواهرش و داخل شدن در دین اسلام. آمدن جمیع اشراف عرب خدمت حضرت رسول (ص) و قبول کردن اسلام به متابعت قریش که امام عرب بودند، و در فتح مکه قبول اسلام نموده. آمدن اشراف بنی اسد و

۱. در طبقات ابن سعد «مقنا، قریب من ابله».

۲. در طبقات ابن سعد «مالک بن دُخْشُم» یا (دال).

اشراف بلی و اشراف بنی تمیم و قبول کردن اسلام— رسیدن نامه های ملوک حمیر به حضرت رسول (ص) در اقرار آنها به اسلام— فرستادن دزعه دو یزن مالک بن مرة الزهابی را خدمت حضرت رسول (ص) و تصدیق بر اسلام— آمدن فرستادگان بھراء، و بنی الکلاء، و بنی فزاره، و بنی ثعلبه بن منقذ و بنی سعد بن بکر خدمت حضرت رسول (ص) و اظهار قبول اسلام این طوایف— حج ابو بکر— روانه ساختن حضرت رسول (ص) عمال به اطراف— وفات ام کلثوم دختر حضرت رسول (ص) که زوجه عثمان باشد در ماه شعبان— وجوب صدقات— مردن عبدالله بن ابی بن سلول سر حلقه منافقین.

افریقا— فوت نجاشی پادشاه حبشه در ماه رجب، وفات ابی عامر راهب در نزد نجاشی.

اروپا— مرادۀ دگر پادشاه فرانک بایونانیها و مشرق زمین.



[سنه ۱۰ هجری = سنه ۶۳۱ مسیحی]

آسیا— فرستادن خالد بن الولید را سوی طایفه بنی الحارث بن کعب در نجران برای دعوت کردن آنها با اسلام و داخل شدن آن طایفه به اسلام. فرستادن نصاری نجران خدمت حضرت رسول (ص) عاقب و السید را با چند تن دیگر و خواهش مباحله کردن آنها از حضرت رسول (ص)، و بعد انکار کردن مباحله به واسطه دیدن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را همراه حضرت رسول (ص) حین مباحله، و مصالحه کردن حضرت باینکه سالی دو هزار حله که هر حله چهل درهم قیمت داشته باشد بدهند با بعضی تقبلات دیگر. آمدن فرستادگان سلمان خدمت حضرت رسول (ص) و قبول اسلام کردن. آمدن فرستادگان طایفه غبشان^۱ و عامر خدمت حضرت رسول (ص) و قبول اسلام کردن. آمدن فرستادگان طایفه از خدمت حضرت رسول (ص) و قبول کردن اسلام. انقیاد و قبول اسلام اهل مدینه بحرش. آمدن فرستادگان طایفه مراد خدمت حضرت رسول (ص) و قبول اسلام نمودن. آمدن فرستاده فروه بن العمر، و الجذامی که عامل روم بود بر اعراب متصله به روم خدمت حضرت رسول (ص) و اسلام فروه را اظهار کردن، و کشته شدن فروه بدست رومیان بواسطه قبول اسلام. آمدن فرستادگان

۱. در طبری «زرعة ذو یزن» با (ز).

۲. در طبقات ابن سعد «ابو غبشان».

طایفه زبید با عمرو بن معدیکرب خدمت حضرت رسول (ص). آمدن فرستادگان طایفه عبدالقیس خدمت حضرت رسول (ص) و قبول آنها اسلام را. ورود فرستادگان بنی حنیفه خدمت حضرت رسول (ص) و بودن مسیلمه کذاب با آنها که پس از عود به یمامه ادعای نبوت کرد و دعوی نمود که در رسالت حضرت رسول (ص) شریکست. آمدن فرستادگان طایفه بنی کنده خدمت حضرت رسول (ص) که اشعث بن قیس کندی از آنها بود. آمدن فرستادگان بنی محارب خدمت حضرت رسول (ص). آمدن فرستادگان رهاو یث که از طایفه مذحج بودند خدمت حضرت رسول (ص). آمدن فرستادگان طایفه عبس خدمت حضرت رسول (ص). آمدن فرستادگان طایفه صدف در حجة الوداع خدمت حضرت رسول (ص). آمدن فرستادگان خولان خدمت حضرت رسول (ص) و اسلام آوردن. آمدن فرستادگان بنی عامر بن صعصعه خدمت حضرت رسول (ص). آمدن فرستادگان طایفه طی خدمت حضرت رسول (ص) و اسلام آوردن بزرگ ایشان که زید الخیل نام داشت و حضرت او را زید الخیر نامیدند. نامه نوشتن مسیلمه کذاب از یمامه به حضرت رسول (ص) و ادعای شرکت در نبوت با آنحضرت. فرستادن حضرت رسول (ص) علی بن ابیطالب علیه السلام را بمن با نامه و اسلام آوردن طایفه همدان و متابعت نمودن باقی اهل یمن همدان را در اسلام. فرستادن حضرت رسول (ص) امرای خود را با طرف برای جمع صدقات. حجة الوداع که در بیست و پنجم ذیقعده حضرت رسول (ص) از مدینه عزیمت مکه فرمودند. ورود عبدالله البجلی خدمت حضرت رسول (ص) و اسلام آوردن و مأمور شدن بخرابی ذوالخلفه و هدم بتی که از سنگ سفید بود و طایفه خثعم و بجیله و ازداو را میپرستیدند. اسلام آوردن باذان حاکم یمن که از جانب سلاطین عجم در آنجا حکومت داشت.

اروپا - محاربه دگر با طایفه سلاو (صقالبه) که راه زنی و دزدی در مملکت اومی کردند.

[سنه ۱۱ هجری = سنه ۶۳۲ مسیحی]

آسیا - فرستادن حضرت رسول (ص) جمعی از مسلمین را بشام با امارت اسامة بن زید که مأمور بود لشکر تا سرحد بلغاء و داروم از ارض فلسطین کشد. مریض شدن حضرت رسول (ص) در آخر صفر این سال. و وفات آنحضرت در دوشنبه دوازدهم ربیع الاول یا در دوشنبه بیست و هفتم این ماه بمرض ذات الجنب. حدیث ثقیفه و

بیعت مُسلمین با ابی بکر قبل از تجهیز و تکفین حضرت رسول (ص). تجهیز رسول (ص) و غسل دادن علی بن ابیطالب علیه السلام جسد آن حضرت را. و عُمر حضرت به روایت اصحّ شصت و سه سال بوده. برقراری اسامه و جیش او به مأموریتی که از حضرت رسول (ص) داشتند به فرمان ابوبکر و تاراج نمودن قبایل قضاعه که مرتد شده بودند در حدود شام. دعوت نبوت اسود عنسی که اسمش عبهله بن کعب بن عوف بود^۱ و لقبش ذوالخمار، به واسطه مداومت در خمر و رفتن بسوی نجران، و بعد از آن به صنعاء و کشتن شهر بن باذان عامل رسول الله (ص) را، و قوی شدن و غلبه بر مفازه حصرموت تا طایف، و بریمن تا بحرین و احساء و مقاتله عمال حضرت رسول (ص) با او و مقتول شدن او یکروز قبل از وفات آن حضرت، و مرده قتل او اول بشارتست که بعد از وفات حضرت رسول (ص) به مسلمین رسید. رحلت حضرت فاطمه سلام الله علیها در سَم رمضان به سنّ بیست و نه سالگی - دعوت نبوت طلیحه بن خویلد الاسدی و آمدن به غارت مدینه و مقاتله لشکر ابی بکر با متابعین او و غالب شدن بر آنها و این اول فتحی بود که بعد از وفات حضرت رسول (ص) مُسلمین نمودند. فرار طلیحه و زوجه او به شام، این طلیحه بعد از فوت اُبی بواسطه آنکه قبیله او قبول اسلام کردند خود نیز مُسلم شد. جلوس یزدجرد به تحت سلطنت عجم. بموجب اسناد و تواریخ معتبره بعد از کشته شدن خسرو پرویز، شیرویه پسر او ششماه پادشاهی کرد و پس از شیرویه اردشیر بن شیرویه نیز ششماه بر تخت سلطنت بود و بعد از او شهرزاد از سرداران ایران چهار ماه جای سلاطین عجم داشت، پس از او پوران دخت دختر پرویز شش ماه سلطنت کرد بعد از آن آذرمدخت خواهرش چهار ماه، پس از او فرخ زاد بن خسرو پرویز یکماه، آنگاه یزدجرد بر تخت سلطنت عجم جلوس کرد و بیست سال پادشاهی داشت که چهار سال آن بطور استقلال بود و شانزده سال از حمله عساکر عرب متزلزل تا در مرو کشته شد و سلطنت ساسانیان بدو منقرض گردید. اینکه در متن بعد از جلوس یزدجرد از

۱. در طبری: الاسود ذوالخمار عبهله بن کعب العنسی.

اردشیر و پوران دخت و بعضی حوادث که در واقع متعلق است به قبل از جلوس یزدجرد سخن می رود عقیده ابن اثیر صاحب کامل التواریخ است که ذکر شده و اگر مسامحتی در این باب به نظر مطالعه کنندگان آید به مؤلف محلّ اعتراض نیست.) مرتد شدن بنی عامر و هوازن و سلیم و مخذول شدن آنها بدست عساکر اسلام. خروج امّ زمل بنت امّ قرقه و بالا گرفتن کار او و کشته شدن او و متابعتش بدست مسلمین به سرداری خالد بن الولید. مراجعت عمرو بن عاص از عمان به مدینه و خبر دادن از ارتداد بنی عامر و دیگران. دعوت نبوت کردن سجاح دختر حارث بن غطفان التمیمیه و بالا گرفتن کار او و عزم یمامه کردن و آمدن مسیلمه کذاب نزد او و وقوع موافقت و موافقت و مصالحت فیما بین آن دو. گویند سجاح بعدها اسلام قبول کرد و در بصره درگذشت. کشته شدن مالک بن نویره و گرفتن خالد بن الولیده امّ تمیم زوجه مالک را و پسند نکردن عمر این وقایع را و نیکو دانستن ابی بکر عمل خالد را. مقاتله خالد با اهل یمامه به فرمان ابی بکر و کشته شدن مسیلمه کذاب. ارتداد اهل بحرین و مخذول شدن آنها بدست عساکر مسلمین - ارتداد اهل عمان و مهره و مخذول شدن بدست مسلمین - به عقیده بعضی فتح یمامه و یمن و بحرین و سوق عسکر بشام در سنه دوازده بوده - ارتداد اهل یمن ثانیاً - ارتداد اهل حضرموت و کنده - مراجعت معاذ بن جبل از یمن - قضاوت عمر بن الخطاب به امر ابی بکر که تا آخر خلافت این خلیفه عمر متقلّد این شغل باشد - وضع تاریخ یزدجردی که از سال جلوس یزدجرد سیّم می باشد.

اروپا - تقسیم نمودن دگر پادشاه فرائک مملکت خود را به دو پسر خود.

[سنه ۱۲ هجری = ۶۳۳ مسیحی]

آسیا — فرستادن ابی بکر خالد بن ولید را به عراق با ده هزار مرد — مصالحه اهل حیره با خالد بر نه هزار درهم این اول جزیه عجم است در اسلام — تاختن خالد تا جُفر — مقاتله با سپاه عجم — قتل هرمز سردار عجم به دست خالد و هزیمت آنها — آمدن خالد تا موضع جسر اعظم بصره — فتح ابله — فرستادن اخبار فتوح با غنایم نزد ابی بکر، این وقعه بذات السلاسل موسوم است، چونکه قشون عجم یکدیگر را به زنجیر بسته بودند تا فرار نکنند — مقاتله خالد بن الولید با عجم ثانیاً در کنار شط — مغلوب شدن عجم — کشته شدن سرداران عجم بدین تفصیل: قار بن قریانس بدست معقل بن الاعشی، انوشجان بدست عاصم، قباد بدست عدی بن حاتم — و عدد مقتولین درین جنگ به سی هزار رسید غیر از غرق شدگان به شط، و اسیر و غنایم فراوان مُسلمین را شد. و از این اسرا ابوالحسن بصری است که نصرانی بوده. جزیه دادن اهلا فلاحین — این مقاتله بوقعة الثنی موسوم است — فرستادن اردشیر سپاهی به سرداری اندرزغر و بهمن جاذویه به مقاتله عساکر اسلام — کمین آنها به ولجه بین بحیره و کسکر — مقاتله شدید خالد بن الولید. فرار عجم، فرار اندرزغر و مردن او بعطش و اسیر و غنایم بسیار مُسلمین را شد. امان دادن خالد اهل فلاحین را. این مقاتله بوقعة الولجه موسوم است. اجتماع نصاری عرب در اَلیس کنار فرات. ملحق شدن سردار عجم جابان به آنها. اطلاع خالد بن الولید و مقاتله شدید خالد با آنها. انهزام نصاری و عجم که عدد مقتولین آنها به هفتاد هزار رسید. رفتن خالد از اَلیس به امغیشیا. خراب کردن امغیشیا. تاراج مسلمین اموال و غنایم فراوان را، و فرستادن خبر فتح با غنایم و اسرا نزد ابی بکر، و تعریف ابوبکر از خالد. این فتح بوقعة اَلیس موسوم است رفتن خالد بن الولید از امغیشیا به حیره. کشتن خالد پسر آزاد به مرزبان حیره را با اصحابش به بادقُلی کنار فرات. فرار مرزبان به شنیدن قتل پسرش. وفات اردشیر. محاصره خالد قصور حیره را و

مقاتله باسكنه اطراف حيره. مصالحه اهل قصور باخالد بدو يست و نود هزار درهم باهدايای وافره. فتح حيره در ماه ربيع الاول بوده. فرستادن خبر فتح و هدايا نزد ابی بکر. محسوب داشتن ابی بکر هدايا را بعوض جزیه، و امر نمودن باخذ باقی جزیه. مصالحه دهاقین فرات باخالد بن الولید بعد از فتح حیره بهزار هزار درهم. فرستادن امراء ثغور را بشریعه های دجله. فرستادن خالد نامه ای به عجم بقبول اسلام یا دادن جزیه. رسیدن نامه به عجم و اختلاف اهالی بعد از موت اردشیر، و تفتیش عجم از آل کسری کسی را برای سلطنت. محاصره خالد بن الولید شهر انبار را، و مقاتله او با سپاه شیرزاد، صاحب طاق کسری. مصالحه شیرزاد باخالد بخواهش اینکه شیرزاد تنها بی متاعی بمأمن خود رود. گذاردن خالد زبرقان بن بدر را در انبار جای خود. رفتن خالد بن الولید به عین التمرکه مهران بن بهرام چوبین بابسیاری از سپاه عجم و جمعی از اعراب تمرو تغلب و ایاد بسرداری عقه بن ابی عقه در انجا بودند — مقاتله خالد، اول با اعراب، انهزام سپاه عرب، اسیر کردن عقه بن ابی عقه، و فرار مهران — محاصره کردن خالد و فتح آنحصار — اسیر کردن اهل حصار و کشتن عقه و اخذ غنائم آنها — فرستادن خبر فتح را باخمس غنائم نزد ابی بکر — کشته شدن عمیر بن رثاب التهمی — وفات بشیر بن سعد الانصاری در آنجا — استمداد عیاض بن غنم از خالد بن الولید در مقاتله با اهل دومة الجندل — رفتن خالد به امداد او و مقاتله خالد — کشتن اکیدر بن عبدالملک، وجودی بن ربیعه رئیس دومة الجندل را، و انهزام مقاتلین به حصار، فتح آنحصار به غلبه، قتل مقاتلین، اسیر نمودن اهل حصار، بردن غنائم بیشمار، و اقامت خالد در آنحصار — فرستادن عجم زرمهر و روزه سردار را به جانب شهر انبار، و رسیدن آنها به حصید و خنافس و اطلاع خالد از آمدن آنها، و فرستادن قعقاع بن عمرو را به حصید، و ابی لیلی فدکی را به خنافس — مقاتله قعقاع با سپاه عجم — کشته شدن زرمهر به دست او، و روزه به دست عصمه بن عبدالله، انهزام عجم به خنافس، بردن مسلمین غنائم حصید را، رفتن ابولیلی به خنافس، انهزام مهبوذان بزرگ خنافس و رفتن به مصیح^۱ به سوی طایفه هذیل بن عمران — خبر شدن خالد از اجتماع هذیل در طلب خون عقه بن ابی عقه — مواعده خالد با قعقاع و ابی

۱. الْمُصَيِّح: بضم المیم، وفتح الصاد، و یاء مشدده، (معجم البلدان) ضبط طبری نیز همین

لیلی برای شبیخون و تاراج هذیل و غارت آنها از سه جانب و به قتل رسیدن بسیاری از آنها در مَضِیح^۲ - بیرون آمدن ربیعة بن بجیر التغلبی از ثنی رصافه^۳ به طلب خون عقیة بن ابی عقی و مواعده او با هذیل - اطلاع خالد از این تفصیل - مواعده خالد و ابی لیلی به غارت او، تاختن آنها بر ربیعه و کشتن ربیعه، اخذ مسلمین اسرا و غنائم بسیار از آنها، و رفتن خالد به زمیل، مقاتلة شدید با اهل زمیل، و کشته شدن بسیاری از آنها، و به دست آمدن غنائم بی شمار - فرستادن خالد نزد ابی بکر اخبار فتوح را با غنائم و اسراء - خریدن علی بن ابی طالب علیه السلام دختر ربیعه را، و تولد عمر بن علی (ع) و رقیة از وی - اجتماع اهل فراض و استعانت آنها از روم، و عجم، و اعراب نمر، و تغلب و ایاد، به مقاتلة خالد بن الولید - تلافی فتنین در کنار فرات، مقاتلة خالد با آنها و انهزام آنها، گویند عدد مقتولین آن جماعت به صد هزار رسید - رجوع مسلمین به حیره در بیست و پنجم ذیقعدة بعد از فتح فراض - رفتن خالد بن الولید پنهانی به مکه برای حج، بی اطلاع سپاه وی، و اطلاع ابی بکر بعد از رجوع او، و خشم نمودن ابی بکر بر او، و این بود سبب انصراف خالد از عراق به شام به امر ابی بکر - غارت نمودن خالد سوق بغداد را بر جمع طایفة قضاعة و بکر - غارت نمودن خالد مسکن، و قطربل، و تل عقر قوف، و باد و ریا را - نزویج عمر عاتکه بنت زید را. وفات ابی العاص ابن ربیع در ذیحجة این سنه - تزویج علی بن ابیطالب علیه السلام دختر ابی العاص را که زینب دختر رسول الله (ص) مادر وی بود - حج ابی بکر در این سنه و استخلاف عثمان در مدینه - وفات ابی مرثد الغنوی.

[سنه ۱۳ هجری = سنه ۶۳۴ مسیحی]

آسیا - مقابله و مقاتلة عساكر اسلام با رومیان به یرموک، از صفر تا آخر ربیعین این سنه، و استمداد آنها از ابی بکر، رفتن خالد بن الولید از عراق به شام بانصف لشکر عراق که نه هزار یا شش هزار نفر بوده اند به امر ابی بکر، و امیر کردن مثنی بن حارثه را به جای خالد در عراق، وصول خالد به منازل بین عراق و شام، و مصالحه نمودن و

۱. الْمُصَيِّح: بضم المیم، وفتح الصاد، ویاة مُشَدَّدة، (معجم البلدان) ضبط طبری نیز همین است.

۲. الثَّنی: وهو غَلَمٌ لموضع بالجزيرة قرب الشرقی، شرقی الرصافة (معجم البلدان).

جزیه دادن اهل بعضی منازل، و مقاتله نمودن و غنایم و اسرا گرفتن از بعضی تا شهر بصری^۱ و مقاتله کردن با اهل بصری و ظفر یافتن و مصالحه اهل بصری، فرستادن خالد خمس غنایم را با اسرا نزد ابی بکر، ملحق شدن خالد بن الولید در یرموک به مسلمین — گویند عدد لشکر اسلام بعد از وصول خالد به چهل هزار یا چهل و دو هزار رسید. مقاتله کردن مسلمین با رومیان در جمادی الاخره — رسیدن بریدچین — مقاتله فثین از مدینه و خبر دادن بخالد از فوت ابی بکر و امارت ابی عبیده جراح به پنهانی بدون اطلاع لشکر اسلام — آمدن جرجه^۲ سردار روم قبل از مقاتله بین صفین، و گفتگو کردن با خالد و اسلام قبول کردن و ملحق شدن به لشکر اسلام و قتال شدید وی به همراهی خالد با رومیان و شهادت او در عصر آن روز، و حمله نمودن رومیان یکدفعه به لشکر اسلام، و هن مسلمین اولاً، و غلبه آنها ثانیاً به ثبات خالد و عکرمه بن ابی جهل، انهزام و کشته شدن بسیاری از رومیان. گویند غیر از آنچه در معرکه به قتل رسیده دوازده هزار نفر بود که در خندق معسکر رومیان هلاک شد حین انهزام، عدد مقتولین مسلمین زیاده از سه هزار نشد. از مقتولین آن روز عکرمه ابن ابی جهل و چند نفر دیگر از اصحاب رسول الله (ص) بود. رفتن مثنی بن حارثه به مدینه به جهت دیر رسیدن اخبار ابی بکر، و اختلاف عجم در نصب سلطنت از رمی دخت، و کشته شدن شایبور بن شهریزان که مثنی فارغ از مقاتله بود. ورود مثنی به مدینه و ملاقات ابی بکر در مرض موت — وصیت کردن ابوبکر به عمر در امر مثنی و رجوع دادن سپاه عراق را از شام — گویند وقعه جنادین قبل از یرموک بوده در بیست و هشتم از جمادی الاولى، ملاقات کردن خالد با ابی عبیده و یزید بن ابی سفیان و رفتن آنها بامداد عمرو بن العاص در فلسطین — اجتماع رومیان در جنادین به سرداری تذارق برادر هرقل و قیقلا، آمدن عمرو و خالد به جنادین، و مقاتله مسلمین با رومیان، قتل تذارق و قیقلا، و شهادت جمعی از مسلمین. انهزام رومیان و فتح مسلمین — وفات ابی بکر در شب بیست و دویم جمادی الاخره، ستش شصت و سه سال خلافتش دو سال و سه ماه، انتقال نمودن ابی بکر خلافت را به عمر، و نوشتن عهدنامه، و اظهار نمودن به مسلمین حین مرض، بر منبر شدن و خطبه خواندن و اظهار خلافت کردن عمر —

۱. بُصْرَى: «فی موضعین، بالضم، والقصر: احدهما بالکاف...» (معجم البلدان).

۲. در طبری — جَرْجَه.

گویند اول حکم عمر عزل نمودن خالد بن ولید و نصب ابوعبیده جراح بود در سپاه عراق که بشام رفته بودند — محاصره ابوعبیده و خالد دمشق را، و فتح کردن به غلبه و مصالحه اهل دمشق، فرستادن خبر به جانب عمر و گذاشتن یزید بن ابی سفیان را در دمشق، فتح بسترا^۱ در شام، مقاتله شدید ابوعبیده در قحل^۲ و کشتن رئیس آنجا سقلار را و اهزام قشون او گویند عدد رومیان هشتاد هزار بود — رفتن ابوعبیده با خالد پس از آن به حمص — فتح کردن یزید بن ابی سفیان به همراهی معاویه برادر خود مدینه صیدا و اورقه؟ و جبیل و بیروت را که ولایات سواحل دمشق است، فرستادن ابی عبیده ثقفی شرحیل^۳ بن حسنه را به بیسان، و مقاتله بایسانیان و مصالحه آنها با شرحیل^۴ فرستادن ابوعبیده ثقفی اعور را به طبریه، و محاصره کردن اعور طبریه را، و مصالحه اهل آنجا با اعور، فرستادن عمر مثنی بن حارثه را با جماعتی از مسلمین به عراق، و امیر نمودن ابوعبیده ثقفی را به همراهی و به موجب وصیت ابی بکر، رفتن آنها به عراق و وارد شدن به حیره، فرستادن رستم فرخزاد از قبیل پوران دخت که تازه پادشاهی عجم یافته بود جابان سردار را به اذقلی فرات^۵، و نرسی را به کسکر — برانگیختن تمام دهاقین فرات را بر مقاتله با مسلمین، بیرون آمدن ابوعبیده ثقفی و مثنی از حیره، تلاقی فتنین به نمارق و مقاتله شدید و غلبه مسلمین و انهزام عجم و دهاقین، اسیر شدن جابان، رها نمودن ابوعبیده جابان را و این وقعه نمارق است. مقاتله کردن ابوعبیده ثقفی و مثنی در سقاطیه کسکر^۶ با عجم و دهاقین به سرداری نرسی و غلبه مسلمین، فرستادن رستم فرخزاد جالینوس را به امداد نرسی، ورود جالینوس به باقشیاتا^۷ آمدن ابوعبیده به باقشیاتا و منهزم کردن مسلمین جالینوس و همراهانش را — ورود جالینوس منهزماً بر رستم فرخزاد و فرستادن رستم بهمن جاذویه را با سپاه فراوان و فیلهای جنگی و درفش کاویانی بمقاتله مسلمین، و نزول بهمن بر سر جسر،

۱. در معجم البلدان «بسترة بالفتح: و هی مدینه، و یقال بستیره».

۲. در طبری فیحل (به کسرفا) من ارض الاردن. در معجم البلدان بکسر اوله و سکون ثانیه، اسم موضع بالشام کانت فیه وقعة للمسلمین مع الروم».

۳ و ۴. در طبری و متون دیگر: شرحبیل بن حسنه.

۵. در طبری: «فرات بادقلی».

۶. در طبری «فالتقوا اسفل من کسکر بمکان یدعی السقاطیه».

۷. در طبری دو ضبط دارد: باقشیاتا و باقشیاتا.

و آمدن ابو عبیده ثقفی و مسلمین به سوی آنها و مقاتله فتنین و شکست لشکر اسلام — شهادت ابو عبیده و برادر او حکم بن مسعود و هفت امیر دیگر از مسلمین، مجروح شدن مثنی بن حارثه، هلاک چهار هزار نفر از مسلمین به قتل و غرق — کشته شدن شش هزار نفر از عجم، و مخالفت بارستم فرخزاد، رجوع بهمن جاذویه به مداین — این وقعه قس الناطف است، یعنی جسر^۴ گرفتن مثنی بن حارثه جابان و مردانشاه را و به قتل رساندن آنها نزدیک الیس فرات، شنیدن عمر انهام مسلمین و شهادت ابو عبیده و جمعی دیگر را، فرستادن عمر جریر بن عبدالله بجلی را باطایفه بجیله، و عصمه بن عبدالله الضبی را باجماعتی به امداد مثنی، اجتماع سپاه عظیم نزد مثنی، اطلاع رستم فرخزاد و فیروزان اینفقره را و فرستادن آنها مهران همدانی را به حیره، تلاقی فتنین در بویب، کنار فرات — مقاتله شدید و غلبه مسلمین و به قتل رسیدن صد هزار نفر عجم و عقب کردن مسلمین آنها را تا طاق کسری، رفتن مثنی به سوق الخنافس، و سوق البغداد، در روز مبیعه تجار عجم، و عرب قضاعه، و تغلب و به قتل آوردن تمام اهل سوق و تاراج غنائیم و اموال این دو بازار، حج نمودن عمر در این سنه و امر نمودن به جمیع عمال خود که هر که را اسبی و سلاحی است در مدینه حاضر شوند، اگر به مدینه نزدیک اند، و به عراق روند نزد مثنی، اگر به عراق نزدیک اند — در این سنه قضاء، باعلی بن ابیطالب علیه السلام بوده. وفات ابی کبشه غلام حضرت رسول (ص)، وفات ارقم بن ابی الارقم.

اروپا — محاربه قشون قیصر باخالد

[سنه ۱۴ هجری = سنه ۶۳۵ مسیحی]

آسیا — اجتماع مردم از اطراف در مدینه به حکم عمر، بیرون رفتن عمر از مدینه بر سر آب ضرار و آنجا را معسکر نمودن برای فرستادن لشکر به عراق و مقاتله باعجم، مشورت عمر با اصحاب حضرت رسول (ص) در امارت شخصی کاردان و قابل — اختیار نمودن عمر سعد بن ابی وقاص را به تصدیق دیگران، چون سعد عامل صدقات هوازن بود، او را از آنجا خواست و حاضر شد و بعد از محاوره و نصایح او را بر سپاه

۴. در ترجمه فتوح البلدان بلاذری «نبرد قس الناطف، و آن به نبرد پل (یوم الجسر) مشهور است.

عراق امیر نمود، و رفتن سعد به عراق — اطلاع مثنی از قدوم سعد و انتظار وی، وفات مثنی به واسطه جراحاتی که در وقعه قس الناطف به او رسیده، قبل از ورود سعد به یکروز، ورود سعد به شراف، اجتماع طایفه اسد و کنده و سپاه مثنی بامعن بن حارثه برادر مثنی نزد سعد، که عدد لشکر اسلام به سی هزار رسید. تزویج نمودن سلمی زوجه مثنی بن حارثه را، رفتن سعد از شراف به عذیب، و از عذیب به قادسیه، نزول وی میانه عتیق و خندق به حوالی قنطره و قدیس، متوقف شدن در آنجا دوماه، فرستادن سعد سربه به اطراف عراق و نهب و غارات بکسکر و انبار برای طعام و آذوقه لشکر اسلام، تظلم اهل اطراف دجله و فرات به یزدجرد از تطاول لشکر اسلام، مشورت یزدجرد ملک عجم بارستم فرخزاد برای دفع مسلمین، اجتماع سپاه عجم به امر یزدجرد در ساباط به سرداری رستم، و فیروزان، و جالینوس، و مهران ابن بهرام الرازی، فرستادن سعد چند نفر از اشراف مسلمین را نزد یزدجرد به امر عمر، رفتن ایشان نزد یزدجرد و مکالمه رسل با او، و بی اعتنائی وی به آنها و مراجعت ایشان، بیرون آمدن رستم، و هرمزان، و جالینوس از مداین با صد و بیست هزار لشکر، و سی و سه فیل جنگی و روانه شدن بقادسیه — کراهت رستم از محاربه مسلمانان و به تأنی آمدن و صلح جوئی کردن. گویند آمدن او از ساباط تا قادسیه چهارماه به طول انجامید. ورود رستم به قادسیه و تلافی فتنین، مقاتله کردن با عجم روز دوشنبه ماه محرم، مقاتله شدیدی که بسیاری از طرفین به قتل رسیدند تا غروب آفتاب، و رجوع فتنین به معسکر خود اینروز به یوم ارمات موسوم است. مقاتله کردن فریقین روز سه شنبه، ورود قعقاع بن عمر تمیمی و هاشم بن عتبّه بالشکر عراق که در شام بودند در اینروز به میدان جنگ. مقاتله کردن آنها با عجم به قتل آوردن قعقاع بن ذوالحاجب و فیروزان دو سردار عجم را و شکست عجم به قتل آنها، اینروز بیوم اغواث موسوم است. عدد مقتولین مسلمین دو هزار و مقتولین عجم به ده هزار رسید. مقاتله کردن فریقین روز چهارشنبه که بیوم اعماس موسوم است، از اول طلوع آفتاب تا عصر و اشتداد مقاتله از عصر تا تمام شب که به لیلۃ الهزیر موسوم شد، و تا صبح و از صبح تا ظهر مقاتله و محاربه به طول انجامید، فرار لشکر عجم در ظهر آن روز، بقتل رسیدن رستم فرخزاد به دست هلال بن علقمه و تعاقب کردن زهرة ابن الحوی التمیمی^۱ منزهمین را و

۱. این نام در متون مختلف ضبط های مختلفی دارد: طبری، زهرة بن الحویه. کامل ابن اثیر، زهرة بن حیوة و فتوح البلدان، زهرة بن حویه. معجم البلدان ذیل (کُوثی) زهرة بن جُوثیة.

رسیدن وی بجالینوس و قتل جالینوس، رسیدن غنائم و اموال پیخذ و عذ به مسلمین — گویند عدد مقتولین مسلمین زیاده از شش هزار نشد اما مقتولین عجم از سی هزار فزونتر بود. فرستادن سعد خبر فتح را باخمس غنائم نزد عمر، فرستادن عتبة بن غزوان را به بصره، یعنی موضع بصره، که از ثغور عجم بوده. نزول عتبة به حوالی جسر صغیر^۱ در ربیع الاول این سنه، صاحب فرات با چهار هزار نفر به مقاتله عتبة آمد و بنود باعثه مگر پانصد نفر مقاتله عتبة با او و به قتل رسیدن تمام آن سپاه و اسیر نمودن صاحب فرات، مقاتله عتبة با اهل ابله و به قتل آوردن بسیاری از آنها، خالی نمودن اهل ابله شهر را از رعب عتبة، و داخل شدن مسلمین ابله را، و غنائم و اسیر فراوان به دست آوردن در ابله به جای آنها، عامل نمودن عتبة مجاشع بن مسعود را به جای خود و مراجعت عتبة به مدینه نزد عمر، حد زدن عمر عبید پسر خود را با همراهانش بواسطه شرب خمر، امر کردن عمر به قیام مردم در ماه رمضان به مسجد، وفات سعد بن عبادة الانصاری، وفات ابی قحافه پدر ابی بکر، وفات هند مادر معویة، حج کردن عمر در این سنه.



[سنه ۱۵ هجری = سنه ۶۳۶ مسیحی]

آسیا — بعضی گویند که بنای شهر کوفه در این سنه واقع شد به سعی سعد بن ابی وقاص و دلالت ابن بقیله. فتح یرموک، و شکست منول^۲ سردار هرقل به دست خالد، و تصرف قشون اسلام تمام شامات را که بعضی آن تفصیل در ذیل بیاید. بنیان بصره به دست مسلمانان در ساحل شط العرب به قصد قطع مراوده ایران با هندوستان، رفتن ابو عبیده جراح با خالد بن ولید از قحل بجانب حمص، اطلاع هرقل ملک روم، فرستادن اوتوذر، و شنش را با سپاه کشیری به مقابله و مقاتله ابو عبیده و خالد. تلاقی فشتین در مرج روم، رفتن توذر به دمشق و ماندن شنش در مرج مقابل ابو عبیده، و رفتن خالد به تعاقب توذر، اطلاع یزید بن ابی سفیان از آمدن توذر، و تلاقی خالد و یزید و مقاتله با توذر و به قتل آوردن آن و انهزام رومیان، معاودت یزید به دمشق، معاودت خالد نزد ابو عبیده، مقاتله ابو عبیده بعد از رفتن خالد با شنش و به قتل آوردن شنش، انهزام رومیان، رفتن هرقل بعد از اطلاع از حمص به رها، رفتن ابو عبیده به بعلبک و محاصره

۱. طبری: الجسر الاصغر بالكوفة.

۲. طبری، منویل صاحب الروم

کردن آن و امان طلبیدن اهل بعلبك و مصالحه نمودن، محاصره ابو عبیده حمص را و مصالحه آنها بامسلمین، داخل شدن مسلمین به حمص، فرستادن خمس غنائم و خبر فتح نزد عمر، عامل نمودن ابی عبیده عباد بن صامت را، رفتن ابو عبیده به حماة و فتح نمودن حماة و معرّه ولاذقیه و عنوه و انطرطوس و سلمیه بلاد قریب به حمص را، فرستادن ابو عبیده خالد را به قنسرین و ملاقات خالد بامیناس که از اکابر روم بود پس از هرقل، و باجماعت بسیار از رومیان، و بقتل آوردن میناس، و انهزام رومیان، و محاصره خالد قنسرین را، اظهار مصالحه اهل قنسرین و امتناع خالد از مصالحه و خراب کردن قنسرین، محاصره کردن ابو عبیده حلب و انطاکیه، و قورس، و حصن سلمان، و تل عرازو یالس^۱ و قاصرین را و فتح کردن ابو عبیده، و مصالحه اهل هریک از آن ولایات و عامل گزاردن برهریک، و معاودت ابو عبیده به فلسطین، فرستادن ابو عبیده حبیب بن مسلمه را به جبل اللکام مدینه جرجر، و به حصن الحدث، و فتح کردن حبیب و مصالحه اهل ان نواحی، فرستادن ابو عبیده میسرة بن مسروق العیس را به غراس و مقاتله کردن و فتح نمودن او، فرستادن یزید بن ابی سفیان معاویه برادر خود را بامر عمر به قیساریه و مقاتله معاویه با اهل آنجا و به قتل رسیدن هشتاد هزار نفر از رومیان و فتح آنجا به غلبه، فتح عمرو بن عاص بیسان را، مصالحه اهل اردن و عامل نمودن ابوالاعور را در اردن، اجتماع عسکر روم به سرداری ارطوبن به جنادین و گذاشتن سپاه عظیم به رمله و ایلایا و نزول عمرو بن عاص به جنادین، فرستادن علقمه بن حکیم الفراس و مسروق بن فلان العکبی را برقتال ایلایا و ابویوب المالکی را برقتال رمله. مقاتله کردن خود عمر و بارطوبن و انهزام ارطوبن به ایلایا، فتح نمودن مسلمین به غلبه و فرار نمودن ارطوبن از ایلایا به مصر فتح نمودن عمر و غزه و سبسطیه و نابلس و مدینه لدر، رفتن عمر به شام و گزاردن علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه به جای خود، امر نمودن عمر به احضار امراء شام در جابیه، ورود عمر به جابیه و ملاقات امراء، مصالحه اهل ایلایا و رمله با عمر، رفتن عمر به بیت المقدس و مصالحه با اهل آنجا، و خواهش اهل بیت المقدس به حضور عمر در مسالحه که سبب آمدن عمر شد به شام. قسمت کردن عمر فلسطین را به دو نصف که یکنصف را به علقمه بن حکیم داد و او را در رمله گزارد، و نصف دیگر را به علقمه بن مجرز^۲ داد و او را در

۱. طبری: یالس. در معجم البلدان شرح مبسوطی در باره یالس آمده است.

۲. طبری: مجرز. طبقات ابن سعد: مجرز.

ایلیاء نشاند، و خود معاودت به مدینه نمود. قرار دادن عمر فرایض، مرثومات، عطایا، و نوشتن دیوان را برای تخلف نشدن. و اینست اول دیوان گذاشتن در اسلام، فارغ شدن سعد بن ابی وقاص از قادیسیه، نوشتن عمر به سعد و امر کردن او را به رفتن مداین و مقاتله با عجم و گذاردن عیال و نسوان را به عتیق قادیسیه، رفتن سعد به جانب مداین غربیه دجله، رسیدن مقدمه سعد به سرداری زهره بن الحوی الثمیمی به برس و تلاقی بابُصَهیرا^۱ بزرگ عجم، انهزام عجم از برس و به قتل رسیدن بصهبرا و افتادن درنهر، آمدن بسطام دهقان برس و مصالحه کردن و بستن جسر، اخبار اجتماع عجم در بابل به زهره، ورود سعد به برس، رفتن زهره به بابل و اجتماع نخیرخان و مهران رازی، و مقاتله شدید زهره با آنها و گریختن آنها به مداین و کشته شدن فرخان و فیومان، نزول زهره میانه دیر^۲ و کوئی، مقاتله دیگر زهره در آنجا، بقتل رسیدن شهریار سردار دیگر عجم، ورود سعد به کوئی، رفتن زهره به بهر شیر، از مداین غربیه، آمدن شیرزاد دهقان سابط و فرستادن وی نزد سعد و مصالحه وی و اجابت سعد، تلاقی پوران دخت، دختر کسری با مسلمین و فرار از آنجا به مداین شرقی دجله — کشتن هاشم بن عتبه شیرمالوف کسری را که قرطه نام داشت، ورود سعد به ظاهر بهر شیر، دیدن اعراب ایوان کسری را از دور، و تعجب آنها از آن بنا، و تذکر آنها وعده های رسول الله (ص) را، و وفای به آنها، حج گذاردن عمر در این سنه، وفات نوفل بن حارث بن عبدالطلب.

اروپا — بروز بعضی صنایع در مملکت فرانک و ترقی کردن علوم، بنا کردن کلیسای سن دنی به حوالی پاریس.

۱. طبری: بُصَهیری بن صلوبا.

۲. در صدر اسلام دیرهای بسیاری بوده که در جریان لشکرکشی ها و جنگها در جوار بسیاری از آنها حوادثی رخ داده که می تواند موضوع تحقیقی مبسوط و مفصل قرار گیرد. اما هیچ دیری تنها ذکر نشده یعنی هر دیری منسوب به کسی یا چیزی یا ناحیه ای یا واقعه ای بوده است مانند دیرالجماجم، دیرسمعان دیر حبیب و امثال آن. و این دیر نیز بدون تردید بی مضاف و بی نسبت نیست. ناحیه کوئی نیز در تاریخ اسلام شهرت زیادی دارد. یکی از سبب های شهرت آن حدیثی است از حضرت علی که در تعیین نژاد و اصل قبیله قریش اهمیت دارد «سأل رجل علیاً، اخبرنی عن اصلکم معاشر قریش فقال نحن من کوئی» «رجوع شود به معجم البلدان ذیل کوئی».

[سنه ۱۶ هجری = سنه ۶۳۷ مسیحی]

آسیا — محاصره سعد بن ابی وقاص بهر شیرمداین غریبه دجله را تا دو ماه، و مقاتله مُسلمین همه روزه، و تنگ گرفتن کار بر آنها، و فتح لشکر اسلام در ماه صفر، و داخل شدن سعد به قهر و غلبه در آمدن، و فرار اهل بهر شیر از معابر مخفی به تکریت، عبور لشکر اسلام از دجله به امر سعد به جانب مداین شرقیه که ایوان ملوک عجم و طاق کسری آنجا بود، گویند در این سنه دجله کثیرالمد، و زایدالماء بوده باوجود این به سعی عاصم بن عمرو و تقدم وی، لشکر اسلام از دجله عبور نمودند، و همین معنی سبب رعب و خوف عجم گردید. مقاتله عاصم پس از عبور با عجم و انهزام آنها و فرار یزدجرد با عیال خود به حلوان، بردن یزدجرد بامنهزمین اموالیکه سبک و قیمتی بود، دخول مُسلمین به مداین، نزول سعد به ایوان کسری و به جای آوردن صلوة فتح در ایوان، گویند اول صلوة جمعه ای که در عراق به جای آورده شد در ماه صفر این سال در روز جمعه بود. تعاقب لشکر اسلام مننهزمین مداین را به اطراف و به قتل رساندن هریک، و گرفتن مُسلمین غنایم و اموال آنها را که همراه داشتند. گویند آنچه اثاث و اسباب و جواهر و اسلحه و خزاین ملوک عجم بوده به نهروان فرستاده بودند مگر نصف از خزانه مدفونه که در مداین بود، تقسیم کردن سعد غنایم را بعد از وضع اثاث سلطنت و خمس، گویند لشکر اسلام شصت هزار نفر بوده اند و بهر یک دوازده هزار تومان رسید. فرستادن سعد خبر فتح را با خمس غنایم نزد عمر، اجتماع عجم بعد از فرار از مداین در جلولا و نزدیک خانقین به امر یزدجرد و سرداری مهران رازی و فیروزان، و حفر کردن خندق عظیم که با قطعات آهن شبیه به خار اطراف خندق مسدود شده بود، و اطلاع سعد از این فقره و نوشتن به عمر و امر کردن عمر لشکر اسلام را به سرداری هاشم بن عتبّه و قعقاع بن عمر بمقاتله و محاصره جلولا، و امر عمر بر اینکه عدد لشکر زیاده از دوازده هزار نباشد، رفتن هاشم و قعقاع به جلولا و محاصره لشکر اسلام آنجا را تا هشتاد روز و مقاتله های شدید با آنها تا عاقبت به واسطه هبوب ریاح شدید و تاریکی هوا، قعقاع بالشکر اسلام در خندق راه یافته مقاتله سختی واقع شده، آنها منهزم شدند، مهران رازی و فیروزان به قتل رسیده، گویند عدد مقتولین عجم به صد هزار رسید، اطلاع یزدجرد از ماجرای و گذاشتن خسروستوم^۱ را به جای خود و رفتن او به ری از

۱. طبری: خسرو شوم الهمذانی.

حلوان، رفتن قعقاع بن عمر به حلوان و وصول وی بقصر شیرین، و بیرون آمدن خسروستوم، و زینبی دهقان حلوان و مقاتله و غلبه لشکر اسلام و به قتل آوردن زینبی و فرار خسروستوم، و فتح حلوان به غلبه، داخل شدن قعقاع به حلوان، آمدن انطاق از موصل به تکریت باجمعی از رومیان و اعراب تغلب و ایاد و نمر و شهرجه، و اطلاع سعد و نوشتن به عمر و امر کردن عمر سعد را به فرستادن عبدالله بن معتم و ربیع بن الافکل^۲ را بادوازده هزار از لشکر اسلام به تکریت، محاصره کردن عبدالله تکریت را چهل روز، اتفاق کردن عبدالله با اعراب تغلب و ایاد و نمر و قبول اسلام نمودن آنها به خفیه، شبیخون عبدالله به تکریت، ملحق شدن تغلب و ایاد به لشکر اسلام، و قتل نمودن تمام رومیان و فتح آنجا به غلبه، فرستادن عبدالله ربیع بن افکل را به موصل و نینوا با اعراب تغلب و ایاد و محاصره نمودن آنجا، و امان خواستن و مصالحه کردن و غنایم به دست آوردن لشکر اسلام و فرستادن خبر فتح را با خمس غنایم نزد سعد و عمر، اجتماعی جمعی از عجم با آذین بن هرمزان در ماسبدان، و اطلاع سعد و فرستادن ضرار بن الخطّاب را باجمعی از لشکر اسلام، و نزول ضرار در دشت ماسبدان و مقاتله سخت ضرار و اسیر نمودن آذین و به قتل رساندن او، و انهزام اهل آنجا به جبال و امان دادن و جمع نمودن آنها و تاختن ضرار تا سیروان، فرستادن هرقل جمعی از اعراب جزیره رابه هیت و اطلاع سعد و فرستادن مالک بن عتبه و حارث بن یزید عامری را به مقابله ایشان، نازل شدن مالک و حارث به هیت، رفتن مالک بانصف لشکر به قرقسیا، و مصالحه آنها به جزیره دادن و عود کردن سپاه هیت به واسطه مصالحه اهل قرقسیا، تزویج عبیدالله بن عمر صفیه بنت ابی عبیده بن مسعود ثقفی خواهر مختار را وفات ماریه مادر ابراهیم بن رسول الله (ص) حج کردن عمر در این سنه و گذاردن زید بن ثابت را به جای خود.

[سنه ۱۷ هجری = سنه ۶۳۸ مسیحی]

آسیا — بنای شهر کوفه و شهر بصره از خشت و گل به امر عمرو سمی سعد بن ابی وقاص بعد از آنکه از قصب ونی بود و آتش گرفت اول بقعه ای که بنا شد در این دو شهر مسجد آنجا بود، سبب بنای کوفه شکایت لشکر اسلام بود از وخامت آب و هوای

۲. طبری: ربیع بن الافکل العنزی.

بلاد عراق، اختیار کردن حذیفه و سلمان به امر عمر زمین کوفه را که اعدل بقاع و اراضی عراق بود، قصد نمودن هرقل مقاتله ابوعبیده جراح را در حصص به اشاره واعانت اعراب جزیره، متحصن شدن ابی عبیده و اطلاع عمر و امر نمودن سعد بن ابی وقاص را به فرستادن قعقاع بن عمرو، و چند نفر دیگر از سران لشکر اسلام را به یاری ابوعبیده و محارست باقی شهرهای شام. بیرون رفتن عمر از مدینه و ورود او به جاییه برای امداد ابی عبیده، اطلاع اعراب و معاونین هرقل از بیرون آمدن عمر و امداد لشکر عراق به معاونت ابی عبیده و متفرق شدن آنها به دیار خود، مقاتله ابی عبیده با رومیان، فتح لشکر اسلام و انهزام رومیان. و پس از مقاتله ابوعبیده با شخص هرقل انطاکیه را ابوعبیده به غلبه تصرف کرد، محاصره نمودن عیاض بن غنم^۱ جزیره را. مصالحه اهل جزیره به دادن جزیره، و عامل نمودن حبیب بن مسلمه را بر عجم جزیره، و ولید بن عقبه را بر اعراب آنجا، فتح کردن مسلمین شهر رقه را و مصالحه آنها به جزیره به سعی سهیل بن عدی، فتح نمودن عبدالله بن عبان نصیبین را و مصالحه کردن آنها با عبدالله به دادن جزیره، مقاتله عثمان بن ابی العاص با اهل ارمنیه و فتح نمودن به غلبه و مصالحه کردن آنها به جزیره، مقاتله عیاض بن غنم^۲ و محاصره نمودن شهررها را، و غلبه عیاض و انهزام آنها و فتح مسلمین، مقاتله صفوان بن المعطل با اهل حران و غلبه مسلمین و مصالحه کردن آنها به جزیره، فتح کردن عیاض بن غنم سمیساط، و ارض بیضاء، و قراء کنار فرات را تاجسر منبج، و عین ورده، و تل موزون، و آمد، و میافارقین، و طور عبیدین، و ماردین و ارزن، و بدلیس، و خلاط، و عین الحامضه را از ارمنیه و مصالحه هریک به جزیره، عزل نمودن عمر خالد بن الولید را از تقدم جیوش و سرایا در این سنه، و سبب عزل او این شد که در حمام تدلیک^۳ کرد بدن خود را با چیزی که خمر جزء او بود. عمره کردن عمر در ماه رجب این سنه که به جای خود گذارد زید بن ثابت را. تجدید و توسعه نمودن در بناء مسجد الحرام و اذن دادن عمر اهل مدینه و مکه را که بر سر میاه منازل بنا کنند برای ابتأ سبیل که سایه بانی باشد و آب دهند آنها را، تزویج عمر ام کلثوم بنت علی بن ابیطالب (ع) را که از فاطمه بنت

۲.۱. در طبری و طبقات ابن سعد: عیاض بن غنم [غنم به فتح (غ) و سکون (ن)].

۳. تدلیک از باب تفعیل در لغت دیده نشده. تدلک از باب تفعیل همه جا آمده است. به استناد المنجد «تدلک: دلک جسده عند الاغتسال. تطییب. و به استناد شرح قاموس «تدلک به از باب تفعیل یعنی مالید به او خلوق را و خلوق بروزن صبور قسمتی از بوی خوش است.

رَسُولُ اللَّهِ (ص) بود به موجب کامل التواریخ ابن اثیر، و غیره، فرستادن علاء بن الخضرمی^۱ به غیر اذن عمر سپاهی را از مُسلمین به سرداری جارود بن معلی^۲ و سوار بن هما^۳ و خلید بن منذر السّاوی به فارس برد وی بحر باسفاین و عبور کردن و رفتن آنها به اصطخر، مقاتله کردن مسلمین با سپاه عجم به سرداری هر بزد در جائیکه او را طاوس می گفتند و حایل شدن عجم و سدّ طریق مُسلمین به بحر، و کشته شدن جارود و سوار، و استیصال خلید بن المنذر، و اطلاع عمر و امر به عتبه بن غزوان در بصره به فرستادن امداد، و امداد رسیدن از عتبه و نجات خلید و مُسلمین و فتح آنها و انهزام عجم و معاونت مسلمین، عزل علاء بن الخضرمی از بحرین و عَمّان و نصب نمودن عمر عثمان بن ابی العاص را بر آن نواحی. استعفاء عتبه بن غزوان از امارت بصره و نصب مغیره بن شعبه تا سه ماه، ایضاً عزل او و نصب نمودن عمر ابی موسی اشعری را بر امارت بصره، اجتماع عجم بر هرمان در خوزستان و اهواز و منازل و نهر تیری، و استمداد عتبه بن غزوان از سعد بن ابی وقاص، و فرستادن سعد بن نعییم بن الْمُقَرّن و نعییم بن مسعود را به امداد، و فرستادن عتبه سلمی بن القین و حرمله بن مریطه را، و معسکر نمودن هرمان میانه^۴ دلب و نهر تیری، و مقابل شدن سلمی و حرمله هرمان را، و تعبیه سپاه نمودن، و رسیدن نعییم بن مقرن و نعییم بن مسعود از کوفه، و مقاتله کردن لشکر اسلام، اهزام هرمان و عجم و عبور از جسر سوق الاهواز و اقامه هرمان در سوق الاهواز، حایل شدن دجیل بین فُتَین، رسیدن حرقوص بن زهیر السّعدی باجمعی از مُسلمین از بصره به امداد سلمی و حرمله و نعیمان^۵ و عبور حرقوص با مسلمین از جسر و مقاتله با هرمان و فرار او به رامهرمز، فتح لشکر اسلام سوق الاهواز را، رفتن لشکر اسلام به رامهرمز و مقاتله با هرمان به رامهرمز و امداد رسیدن از کوفه و بصره به امر عمر، انهزام هرمان از

۱. صحیح (الخضرمی) است. به استناد تنقیح المقال «الخضرمی بالحاء المهملة والضاد المعجمة الساكنة والراء المهملة المفتوحة ثم الميم والياء نسبة الى قبيلة من قحطان او الى حضرموت» ر. ک ذیل ابراهیم الخضرمی.

۲. طبری: الجارود بن عمرو بن حنش بن المعلی (ابو المنذر).

۳. طبری: السوار بن هما.

۴. این کلمه ضبطهای مختلفی دارد: دلت — ذلت — دلف و غیره در طبری چاپ اروپا «الدلوث» و در معجم البلدان چاپ اروپا و چاپ بیروت نیز «دلوث».

۵. نعیمان در این جا منظور دو نعییم است نعییم بن مقرن و نعییم بن مسعود.

رامهرمز به تُسترا و فتح لشکر اسلام رامهرمز را، اجتماع مُسلمین به ظاهر تستر و مقاتله شدید بالشکر عجم و هرمزان، بطول انجامیدن مقاتله و محاصره، کشته شدن بسیاری از مُسلمین، و به قتل آوردن هرمزان براء بن مالک و مجزاة بن ثور را، و شهادت محمد بن جعفر بن ابیطالب (ع)، غلبه نمودن لشکر اسلام بعد از چند ماه، فتح قلعه تستر و اسیر نمودن هرمزان، و رسیدن غنائم فراوان به مُسلمین، فرستادن خمس غنائم و هرمزان را نزد عمر، فتح کردن لشکر اسلام به غلبه بعد از مقاتلات بسیار حصار سُوس را به سعی ابی سیرة بن رهم و ذر بن عبدالله، یافتن جسد دانیال نبی (ع) را در سُوس و اطلاع دادن به عمر و امر نمودن به دفن آن، فتح نمودن ابی سیرة بن رهم جندیسابور را، حج کردن عمر در این سنه، رفتن لشکر اسلام در این سنه به جانب کرمان از فارس. بنابر بعضی از روایات فتح بیت المقدس به دست عمرو بن عاص در این سال بود، و سُفزن یوس کشیش بزرگ بیت المقدس شهر بیت المقدس را به شخص خلیفه دویم عمر تسلیم کرد. بنای مسجد اسلام در شهر بیت المقدس.



اروپا - فوت دُکُبر پادشاه فرانک.

[سنه ۱۸ هجری = سنه ۶۳۹ مسیحی] *پیرامون مسیحی*

آسیا - وقوع قحطی و گرانی این سنه در حجاز، فرستادن عمر نزد امراء شام برای فرستادن اطعمه و غله به مدینه، آمدن ابوعبیده با چهار هزار راحله طعام به مدینه و معاودت او بر سر عمل خود، فرستادن عمرو عاص از دیار قلزم اطعمه فراوان به مدینه و ارزان شدن اطعمه به قیمت مصر. وزیدن بادهای شدید که می پاشید خاکی مثل خاکستر، و به این واسطه این سنه را عام الزماد گفتند، گویند در این سنه از خشکی و بی گیاهی همه وحوش بریه و جبلیه آتش گشتند، وقوع طاعون عمواس در شام که گویند بیست و پنج هزار نفر در شام از طاعون هلاک شدند. وفات ابی عبیده بن الجراح امیر لشکر اسلام در شام به طاعون، وفات معاذ بن جبل در شام به طاعون، وفات سهیل بن عمرو در شام به طاعون، وفات یزید بن ابی سفیان در دمشق به طاعون، وفات عتبة بن سهیل نیز در شام، وفات حارث بن هشام در شام به طاعون، وفات عامر بن غیلان الثقفی به طاعون. رفتن عمر در این سال بعد از طاعون به شام و حکم کردن او در اموال مواریث لشکر اسلام و غیره، منظم کردن عمر شامات را، تقسیم کردن ارزاق و مسدود کردن ثغور شامات را، و گذاردن علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه به جای خود، معاودت کردن عمر به مدینه در ماه ذیقعد،

اسلام آوردن کعب الاحبار، عامل نمودن عمر معاویه را در این سنه به جای یزید برادر وی در دمشق، حج کردن عمر.

[سنه ۱۹ هجری = سنه ۶۳۹ مسیحی]

فتح جلولای و مداین و جزیره، و فتح قیساریه را به دست معاویه و کشته شدن صفوان المعطلی السلمی را بعضی در این سال نوشته اند. حج کردن عمر، وفات ابی بن کعب، آتش گرفتن حرّه لیلی در ظاهر مدینه و خوااموش نشدن و امر کردن عمر که تصدّق کنند چون تصدّق کردند آتش خوااموش شد.

افریقا - فتح قسمتی از مصر به دست عمرو بن عاص و تصرف شهر یلوزا و ممفیس و محاصره نمودن اسکندریه.

[سنه ۲۰ هجری = سنه ۶۴۰ مسیحی]

آسیا - عزل کردن عمر قدامة بن مظعون را از بحرین و حذردن او به واسطه شرب خمر، و عامل نمودن ابی بکره را بر بحرین و یمامه، تزویج کردن عمر فاطمه بنت الولید را که مادر عبدالرحمن بن حارث بن هشام بود، عزل نمودن عمر سعد بن ابی وقاص را از کوفه به واسطه شکایت اهل کوفه، قسمت کردن عمر خیبر را بر مسلمین و جلادادن یهود را از آنجا، قسمت کردن عمر وادی القری را بر مسلمین جلادادن عمر یهود نجران را به کوفه، وفات کردن اسید بن حضیر، وفات زینب بنت جحش زوجه رسول الله (ص)، وفات عیاض بن غنم، وفات بلال بن رباح مؤذن حضرت رسول (ص) به دمشق و قولی به حلب، وفات انیس بن مرثد بن ابی مرثد الغنوی^۲، وفات سعد بن عامر بن حذیم الجمحی^۳ در حمص، وفات ابی سفیان بن حارث بن عبدالمطلب، وفات صفیه بنت عبدالمطلب عمه حضرت رسول (ص). کشته شدن مظهر بن الرافع الانصاری به دست قومی از یهود خیبر که سبب جلای عمر آنها را همین بود.

۱. یلوز در متون دیده نشد.

۲. طبری: انیس بن مرثد. الکامل ابن اثیر: ذیل وقایع سال ۲۰ «وفیها مات انیس بن مرثد بن ابی مرثد الغنوی».

۳. الکامل ابن اثیر: وفیها مات سعید بن عامر بن حذیم الجمحی.

اروپا - غزاء ابوبحریه عبدالله بن قیس در ارض روم و فتح کردن و غنائیم و اسیر آوردن. مردن هرقل و سلطنت پسر او در قسطنطنیه، و بعضی فوت هرقل را در سال بیست و یک نوشته اند شش هفته بعد از فتح اسکندریه.

افریقا - رفتن عمرو بن العاص و زبیر بن العوام به جانب مصر و مقاتله و تلافی عساکر اسلام با جنود مصر و مقوقس در عین الشمس و انهزام مصریان به جانب مصر و فرار مقوقس به جانب اسکندریه، محاصرهٔ مسلمین و بالا رفتن زبیر بن العوام بر سور مصر، و مشاهده مصریان و راضی شدن به صلح، و بیرون آمدن رؤسا و مصالحه نمودن به دادن جزیه و خواهش ابومریم و ابومریام^۱ از عمرو بن عاص رد اسرار را، و فرستادن نزد عمر خبر فتح و خمس غنائیم را، رفتن عمرو بن العاص به طرف اسکندریه و ملاقات عساکر اسلام با جنود اسکندریه بین راه، و مقاتله شدید با آنها و به قتل رسانیدن بسیاری از آنها و انهزام آنها به اسکندریه، و اظهار کردن مصالحه تا مدت معینی و قبول نکردن عمرو بن العاص، و محاصره نمودن اسکندریه که پس از چهارده ماه محاصره در اواخر پائیز این سال مفتوح شد، و کتابخانه سلاطین از طایفه بطلموس که بهترین کتابخانه های عالم بود به حکم عمرو بن عاص سوخته شد و فتح کردن آنجا را بقتل، و بردن غنائیم بسیار و مصالحه آنها با عمرو بن عاص رفتن عمرو بن العاص جانب نوبه، و بنا بر قولی مقاتلهٔ مسلمین با آنها و مجروح شدن بسیاری از مسلمین به سبب آنکه اهل نوبه ماهر در تیراندازی بوده اند و مراجعت مسلمین، و بنا بر قول دیگر مصالحه کردن آنها قبل از مقاتله، و استیذان عمرو از عمر، و اجازه دادن عمر مصالحه را.

[سنه ۲۱ هجری = سنه ۶۴۱ مسیحی]

آسیا - فتح نهاوند و موسوم به فتح الفتوح به سرداری نعمان بن مقرن المزنی که در این جنگ کشته شد به معاونت سائب ابن اقرع، و مغیره بن شعبه ثقفی، و طلحه بن خویلد اسدی، و قیس بن هبیره مرادی، و غیرهم، و بعضی این فتح را در سال نوزده، و برخی در سنه بیست، و جماعتی در هیجده نیز گفته اند. فتح دینور، و صیمره، و سیروان، فتح همدان به سرداری نعیم بن مقرن، و قعقاع بن عمرو. فتح اصفهان به سرداری عبدالله بن عبدالله بن عتبان به معاونت ابوموسی و غیره. داخل شدن مسلمین به بلاد عجم به امر خلیفهٔ ثانی. ولایت ابوموسی در کوفه بعد از عزل شدن عمار بن

۱. طبری: ابومریم عبدالله بن عبدالرحمان جاثلیق مصر. ابومریام الاسقف.

یاسر و معزول شدن او. نیز ولایت مغیره بن شعبه در کوفه. و بعضی این حوادث را به سال بیست و دو یم نسبت داده اند، فرستادن عمرو بن عاص عقبه بن نافع الفهری را به فتح زویله، حج کردن خلیفه ثانی با جماعتی از مسلمین و زید بن ثابت را در مدینه جانشین خود نمودن، فرستادن عثمان ابن ابی العاص جماعتی را به ساحل فارس به محاربه، وفات کردن صمعه^۱ که از صحابه بود در اصفهان، در گذشتن علاء بن الحضرمی در بحرین و مامور نمودن خلیفه ثانی ابوهریره را به جای او، وفات نمودن خالد بن ولید در حمص. بعضی فوت خالد را در سال بیست و سیتم و برخی در مدینه نوشته اند.

اروپا - ایتالیا تصرف کردن پادشاه لمبارد بعضی از نقاط را که متعلق به هرقل بود و واقع در ایالت تسکان.

[سنه ۲۲ هجری = سنه ۶۴۲ مسیحی]

آسیا - فتح همدان که یاغی شده بودند ثانیاً به دست نعیم بن مقرن و بعضی این فتح را به دست جریر بن عبداللّه، و برخی به سرداری مغیره بن شعبه نوشته اند، اجتماع اهل دیلم وری و آذر بایجان برای مقاتله با عسا کر اسلام و مبادرت نعیم بن مقرن به قتال با آنها و شکست دادن آنها را در واج رود و این واقعه در عظمت معادل جنگ نهاوند بود، فتح قزوین و ابهر و زنجان به دست البراء بن غالب^۲ و مقاتله البراء با گیلان و طلیسان، فتح ری به سرداری نعیم بن مقرن که غنائم عسا کر اسلام در ری به قدر غنائم مداین بود. بعضی فتح ری را بدست قرظه بن کعب نوشته اند، فتح قومس و جرجان و طبرستان بدست سوید بن مقرن برادر عمر بن مقرن، فتح طرابلس غرب و برقه به دست عمرو بن عاص و مقاتله با اهل سبّرة و مصالحه با آنها به اخذ جزیه، فتح آذر بایجان به سرداری بکیر بن عبداللّه با معاونت سماک بن خرشة الانصاری و عتبه بن فرقد. امر کردن خلیفه ثانی به عمال خود که در اخذ حقوق رعایت موسم را نمایند تا به کسی ظلم وارد نیاید، فتح باب الابواب بسرداری سراقه بن عمرو به معاونت عبدالرحمن بن ربیع که این هر دو را ذوالتور می گفتند و معاونت حذیفه بن اسید الغفاری و بکر بن عبد الله و سلمان بن ربیع الباهلی و غیرهم، فتح موقان (مغان) به دست بکیر بن عبداللّه و مردن سارقه ابن عمرو، و مقاتله عسا کر اسلام

۱. طبری: حمزة مالک بن سعد بن عدی بن قزازه. الکامل ابن اثیر در ذیل وقایع سال ۲۱:

«وفیها مات حمزة وهو من الصحابة باصبهان بعد فتحها».

۲. الکامل: البراء بن عازب و صحیح نیز همین است.

با اهالی بلنجر و ترک و کشته شدن عباد الرحمن بن ربیعہ سرکردهٔ عسا کر اسلام و متفرق شدن لشکر، فتح خراسان به سرداری احنف بن قیس و فرار کردن یزدجرد تا فرغانه، و بعضی این حوادث را به سال هجدهم نسبت داده اند. برخی گویند خراسان در عهد خلیفه سیم فتح شد، فتح شهر زور و صامغان^۱ به دست عتبہ بن فرقہ، حکومت عتبہ در آذر بایجان، حکومت هرثمة بن عرفجه در موصل و شهرزور.

اروپا - جنگ کردن معاویه در بلاد روم

افریقا - حمل کردن عمرو بن عاص غله زیادی از مصر به مدینه بجهت قحطی و سختی که در مدینه رو داده بود و مرمت کردن راهی که از نیل به بحر احمر از قدیم بود به جهت سهولت حمل و نقل غله، فتح طرابلس غرب و برقه به دست عمرو بن عاص و مقاتله با اهل سبره و مصالحه با آنها به اخذ جزیه که بعضی این حوادث را به سال قبل نسبت داده اند.



[سنه ۲۳ هجری = سنه ۶۴۳ مسیحی]

آسیا - فتح توج^۲ به سرداری مجاشع بن مسعود و قتال شدیدی در این محل، فتح جور (فیروزآباد) و اوسط خرو و کازرون و بند گمان بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی، فتح شیراز، و ازجان، و سینیز بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی و ابوموسی، فتح جناب و جهرم بدست عثمان بن ابی العاص الثقفی و کشته شدن شهرک از ملک زادگان عجم و پسر او در مقاتله با عثمان بن ابی العاص در خاک فارس، و بعضی این حوادث را به اختلاف نوشته اند، فتح شهر شاپور، فتح فساد و دارابجرد بدست ساریه بن زینم الدثلی، فتح کرمان بدست سهیل بن عدی و عبدالله بن عبدالله بن عتبان و بعضی گویند کرمان را عبدالله بن بدیل بن ورقاء الخزاعی فتح کرد، فتح سجستان بدست عاصم بن عمرو، و عبدالله بن عمیر، و بعضی غیر از این گفته اند، فتح مکران بدست حکم بن عمرو و التغلبی با معاونت شهاب بن مخارق و سهیل بن عدی، و عبدالله بن عبدالله بن عتبان، مقاتله نمودن عسا کر اسلام در پیروذ از خاک اهواز با سپاه عجم و مغلوب شدن عجم، مقاتله سلمه بن قیس الاشجعی با جماعتی از اکراد و غلبه کردن سلمه، حج کردن خلیفه ثانی که آخرین حج

۱. کورة من کور الجبل فی حدود طبرستان (معجم البلدان).

۲. توج: در تاریخ اسلام بسیار مشهور است به گفته معجم البلدان «هی مدینه صغیره و اسمها کبیر» شهری بوده در فارس نزدیک کازرون.

او بود، کشته شدن خلیفه ثانی بدست ابولؤلؤ غلام مغیره بن شعبه در اوایل ماه ذیحجه، فتح کردن معاویه عسقلان را، وفات قتاده بن نعمان الانصاری، وفات عویم بن ساعدة الانصاری، وفات سهیل بن رافع الانصاری، و وفات عبدالله التمیمی و ابو جندل بن سهیل بن عمرو، و برادر او عبدالله و ابو خالد حارث بن قیس بن خالد، و ابو خراش هذلی شاعر، و غیلان بن سلمة الشقفی و صعب بن جثامة بن قیس الیسی، و وقوع زلزله در خراسان که هفتاد روز طول کشید.

[سنه ۲۴ هجری = سنه ۶۴۴ مسیحی]

آسیا - بیعت مسلمین با خلیفه سیم در سیم محرم، و بعضی چهار روز قبل از این روز را گفته اند، عزل شدن مغیره بن شعبه از ولایت کوفه و والی شدن سعد بن ابی وقاص بر این ولایت، بعضی را عقیده اینست که یکسال عمالی که از جانب خلیفه ثانی در ولایات عامل بودند در عمل خود مستقل و مشغول می بودند، پس از انقضای مدت یکسال خلیفه سیم آنها را عزل و نصب کرده و تغییر و تبدیل داد، در صورت صحت این روایت عزل شدن مغیره بن شعبه از ولایت کوفه از حوادث و وقایع سال بیست و پنجم می باشد. در هر حال پس از عزل مغیره سعد بن ابی وقاص به جای او ولایت یافت. حج کردن خلیفه سیم با جماعتی از مسلمین، بعضی گفته اند مسلمین را در این حج عبدالرحمن بن عوف به امر خلیفه سیم همراهی نمود، وفات عبدالله بن کعب انصاری و سراقه بن مالک بن جعشم المدلجی، و بعضی وفات سراقه را در غیر این سال نوشته اند. چند فتح از فتوحات که قبل از این سنه نگاشته شده مورخین به این سال نسبت داده اند چنانکه ابن اثیر صاحب کامل التواریخ بدین مطلب اشاره نموده است و ما نیز پیش از این اجمالا ذکر از این فقره کردیم.

افریقا - عزل عمرو بن عاص از ولایت مصر و نصب عبدالله برادر رضاعی عثمان به جای او به روایت اصح و این عبدالله پسر سعد بن ابی سرح است.

[سنه ۲۵ هجری = سنه ۶۴۵ مسیحی]

آسیا - عزل سعد بن ابی وقاص از ولایت کوفه و نصب ولید بن عقبه به جای او. طغیان اهل آذر بایجان و مصالحه نمودن آنها ثانیاً با ولید بن عقبه، مقاتله عساکر اسلام با اهل ارمن و مصالحه کردن با آنها، جنگ کردن معاویه با اهل روم، و پس از مراجعت مأمور نمودن یزید بن حر عبسی را به همین غزوه و خراب نمودن او قلاع فیما بین طرسوس و انطاکیه را، فرستادن عمرو بن

عاص عبد الله بن سعد بن ابی سرح را با طرف افریقیه به امر خلیفه سیم، و امداد کردن عمرو او را به عده ای از قشون، و اجازه یافتن عبد الله از عثمان به جهة جنگ با افریقیه، فرستادن خلیفه سیم عبد الله بن عامر را به کابل، حج کردن خلیفه سیم به همراهی مسلمین، مقاتله جیش اسلام بار و میها و گرفتن قلاع بسیار از آنها به سرداری سلمان بن ربیع با هلی و فتح بیلقان و تفلیس و شمکور و مصالحه کردن حکمران سکر^۱ و پادشاه شیروان و سایر ملوک جبال و غیره با سلمان به دادن خراج.

افریقا - خلاف و نقض اهل اسکندریه نسبت به خلافت اسلام و تدمیر آنها.

[سنه ۲۶ هجری = سنه ۶۴۶ مسیحی]

آسیا - افزودن و وسیع نمودن مسجد الحرام به امر عثمان و تجدید کردن ستونهای حرم، حج کردن خلیفه سیم، فتح اصطخر ثانیاً به دست عثمان بن ابی العاص، جنگ معاویه بن ابی سفیان در قنسرین، وفات حفصه دختر عمر بن خطاب که از زوجات حضرت رسول (ص) بود، و بعضی وفات حفصه را در سنه چهل و یک برخی در سال چهل و پنج نوشته اند.

افریقا - مامور شدن عبد الله بن سعد بن ابی سرح از مصر به جنگ بعضی بلاد افریقیه با معاونت عبد الله نافع بن عبد القیس و عبد الله بن نافع بن الحارث و غیرهما و مقاتله با جرجیر ملک افریقیه که از طرابلس تا طنجه در تحت فرمان او بود و به هر قل پادشاه رومیة الصغری خراج می داد و فتح سیبیطله از شهرهای افریقیه در نزدیکی قیروان، و کشته شدن جرجیر و مقتول شدن ابو ذؤیب هذلی شاعر درین جنگ، فرستادن عثمان عبد الله بن نافع بن الحصین و عبد الله بن نافع بن عبد القیس را به محاربه اندلس و فتح کردن ایشان اندلس را.

[سنه ۲۷ هجری = سنه ۶۴۷ مسیحی]

آسیا - تفویض نمودن عثمان ایالت اندلس را به عبد الله بن نافع بن الحصین، حج کردن عثمان.

۱. جائی به نام سکر در آن نواحی شناخته نشد تنها در کامل ابن اثیر آمده «وسار سلمان الی مجمع أرس... وصاله صاحب سکر و غیرها علی الأتاوة».

[سنه ۲۸ هجرى = سنه ۶۴۸ مسیحى]

آسیا - مزاجت عثمان با نائله دختر فرافسه که نصرانیّه بود و اسلام اختیار نمود، حجّ کردن عثمان در این سال.

اروپا - جنگ کردن حبیب بن مسلمه بار و میان در سوریه از خاک روم.

افریقا - لشکر کشیدن معاویه به جزیره قبرس و مصالحه اهل این جزیره با معاویه به دادن سالی هفتصد هزار دینار جزیه، و وفات امّ حرام بنت ملحان در جزیره قبرس چنانکه حضرت رسول (ص) خبر داده بودند، و بعضی واقعه قبرس را در سال بیست و نه و برخی در سنه سی و سه نوشته اند. در هر حال پس از فتح، معاویه جماعتی را مأمور کرد تا در قبرس مسجدی بساختند، از مشاهیر صحابه در جنگ قبرس بسیار بودند از جمله ابوذر غفاری.



[سنه ۲۹ هجرى = سنه ۶۴۹]

آسیا - معزول شدن ابوموسی از ولایت بصره، منصوب شدن عبدالله بن عامر بن کریز بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس به جای او، حکمرانی عمیر بن عثمان بن سعد در خراسان که در آن صفحات تسلط تامی بهم رسانیده راند تا فرغانه، حکمرانی عبدالله بن عمیر الیشی در سجستان که او نیز تا کابل را در تحت حکمرانی خود در آورد. مأمور شدن عبدالله بن معمر به مکران که تا جیحون راند، مأمور شدن عبدالرحمن بن عبیس به کرمان، مأمور شدن جماعتی به فارس و اهواز، طغیان اهل فارس و فرستادن عبدالله بن عامر لشکر از بصره به تدمیر آنها و فتح کردن عساکر اسلام اصطخر و دارابجرد و جور (فیروز آباد) را و مصفی نمودن آن حدود را از طغیان یاغیان و نوشتن این واقعه را به عثمان، و امر کردن عثمان به اینکه هرم بن حیان الیشکری و هرم بن حیان عبدی و خریّت بن راشد، و منجاب بن راشد، و ترجمان الهجیمی را در بلاد فارس عامل نمایند. حکومت احنف در مرو، حکومت حبیب بن قرة الیربوعی در بلخ، حکومت خالد بن عبدالله بن زهیر در هرات، حکومت امیر بن احمد در طوس، حکومت قیس بن هبیره السّلمی در نیشابور، افزودن عثمان بر مسجد حضرت رسول (ص) و نقل کردن گچ از بطن نخل به مدینه برای عمارت مسجد، و بنا کردن آنرا با سنگهای منقوش و ستونهای آنرا سنگی نمودن و ریختن سرب در آنها و قراردادن طول مسجد را به صد و شصت ذراع و عرض آنرا به صد و پنجاه ذراع، حجّ کردن عثمان و سرپرده

زدن درمنی که اول سراپرده ای بود که عثمان درمنی زده بود و نماز را با تمام کردن که بهمین جهت شروع کردند به بعضی گفتگوها در حق این خلیفه، و برخی این فقره را نسبت به سال سی ام داده اند.

[سنه ۳۰ هجری = سنه ۶۵۰ مسیحی]

آسیا - عزل ولید بن عُقبه از کوفه، و نصب سعید بن عاص بن امیه به جای او، گرفتن سعید بن عاص گرگان را صلحاً و تمیشه راقتلاً، و در این غزا حضرت امام حسن و امام حسین (ع) و ابن عباس و بعضی دیگر از معارف با او بودند. مقاتله حذیفه بن الیمان در باب الابواب به قصد معاونت عبدالرحمن بن ربیع، ملاحظه اختلاف در نسخ قرآن و امر کردن عثمان به استنساخ نسخ چندی از روی نسخه ای که به خط این خلیفه در پیش حفصه دختر عمر بود، و پس از استنساخ منتشر نمودن این نسخه ها و ناپدید کردن آن نسخه ها که بایکدیگر اختلاف داشتند، افتادن خاتم حضرت رسول (ص) در چاه اریس که واقع در دو میل از شهر مدینه بوده از دست عثمان و پیدا نشدن آن و ساختن خاتمی به شکل آن برای مهر کردن نامه که آن نیز در مقتول شدن عثمان مفقود شد، فرستادن معاویه اباذر را از شام به مدینه و خواهش کردن ابوذر از عثمان رفتن و اقامت کردن در ربه را، و قبول شدن این خواهش، وفات حاطب بن ابی بلتعہ اللخمی، وفات عمرو بن ابی سرح الفهری، فوت مسعود بن ربیع، یا ابن ربیع بن عمرو القاری^۱ وفات عبداللہ بن کعب بن عمرو الانصاری، در گذشتن عبداللہ بن مظعون برادر عثمان، فوت دحیة کلبی صحابی به قولی.

[سنه ۳۱ هجری = سنه ۶۵۱ مسیحی]

آسیا - بعضی فتح ارمنیه را به دست حبیب بن مسلمة در این سال سی و یکم نوشته اند، هلاک شدن یزدجرد آخرین پادشاه عجم از سلسله ساسانی در مرودر خانه شخص آسیابانی و دفن کردن یکی از رؤسای مذهبی ناصری او را و ساختن حظیره برای قبر او و منقرض شدن دولت عجم به هلاکت یزدجرد که بیست سال سلطنت کرده بود، چهار سال به آسایش، و شانزده سال در زد و خورد با عسا کرام، لشکر کشیدن عبداللہ بن عامر به خراسان، و فتوحات او در این سفر صلحاً و قهراً از این قرار بود طبسین صلحاً، قهستان صلحاً، و باخرز و جوین از اعمال نیشابور،

۱. در متن «ابن ربیع بن عمر» به استناد الکامل ذیل وقایع سال ۳۰ تصحیح شد.

بیہق، ہشت از اعمال نیشابور، خواف، اسفراین، ارغیان، نیشابور، نساء، ابیورد، سرخس، طوس، ہرات، بادغیس، بوشنج، مرو، سوانجرد، مرو رود، طخارستان وغیرہا، و در ہمین سفر اہالی جوزجان، و طالقان، و فاریاب با جمعیت زیادی با عسا کر اسلام مقاتلہ شدیدی نمودہ مغلوب شدند و جیش اسلام جوزجان را قہراً بہ گرفتند و طالقان و فاریاب و بلخ را نیز فتح کردند، و لشکر اسلام بہ خوارزم رفتہ ولی بی نیل مرام معاودت کرد، و ابن عامر پس از این فتوحات شکرانہ را از نیشابور بہ عزم حج و محرم و روانہ شد، فتح کرمان و ولایات این ایالت از سیرجان و جیرفت و غیرہ بہ سرداری مجاشع بن مسعود سلمی، بہ حکم عبد اللہ بن عامر، فتح سجستان و کابل و بلاد این نواحی بہ مأموریت ربیع بن زیاد حارثی از جانب عبد اللہ بن عامر، فتح کردن معاویہ والی شام جزیرہ بُردُس^۱ را و شکستن مجسمہ برنجی کہ از دو یست و ہشتاد سال قبل از حضرت عیسی (ع) درین جزیرہ بر پا شدہ و یکی از ہفت عجایب عالم بود، حج کردن عثمان، فوت ابودرداء انصاری کہ بعضی در سال سی و دو یم نوشتہ اند، فوت ابوطلحہ انصاری کہ نیز بعضی در سال سی و دو یم نوشتہ اند و برخی در سال پنجاہ، فوت ابواسید الساعدی کہ بعضی در سال شصتم نوشتہ اند، فوت ابوسفیان بن حارث بن عبد المطلب بن ہاشم و برادر او طفیل، و ابوسفیان بن حرب بن امیہ در ہشتاد و ہشت سالگی.

اروپا — وقوع غزوہ صواری یعنی لشکر کشیدن قسطنطین بن ہرقل بہ مقاتلہ مسلمین کہ پانصد یا ششصد فروند کشتی حامل قشون او بود بہ بداعیہ باز پس گرفتن ممالکی کہ از افریقہ و غیرہ از تصرف او خارج شدہ بود، و مقاتلہ لشکر شام کہ در تحت حکمرانی معاویہ بود با معاونت عسا کر مصر و اسکندریہ کہ در تحت عبد اللہ بن سعد بن ابی سرح و مجموعاً چہل سفینہ بودند ایشانرا، و تلافی فتنین در میان دریا در محلّ موسوم بہ ذات الصواری، و قتال شدید، و فتح عسا کر اسلام، و زخمی شدن قسطنطین و فرار او کہ پس از وصول بہ صقلیہ نصاری از ورنجیدہ اورا ہلاک کردہند، گویند در این غزوہ محمد بن ابی بکر یا متابعین خود در مصالح جہاد سخنها میراند کہ بہ میل عبد اللہ بن سعد نبود، عبد اللہ آنہا را منع کرد و این فقرہ سبب شد کہ آنجماعت بہ افشای مثالب عثمان پرداختند و گفتند برخلاف سنت حضرت رسول (ص) و شیخین رفتار کردہ، از جملہ عبد اللہ بن سعد را کہ حضرت رسول (ص) حکم بہ قتل او کردہ بودند و قرآن بہ کفر اونا زلشده عثمان اورا حاکم ممالک اسلام می نماید و در اینگونہ گفتگوہا از این وقت باز

۱. بُردُس شناختہ نشد قطعاً جزیرہ بُردُس است کہ در ہمین کتاب ذیل وقایع سال ۵۳ فتح دوبارہ آن آمدہ است.

شد، و بعضی غزوه صواری را در سال سی و چهارم نوشته اند.

[سنه ۳۲ هجری = سنه ۶۵۲ مسیحی]

آسیا - رفتن عبدالرحمن بن ربیع به غزوه بلنجرو کشته شدن او و جمعی کثیر از عسا کر اسلام، و متفرق شدن آنها به باب الابواب و گیلان و گرگان، وفات ابوذر در ربه و بعضی وفات ابوذر را در سال سی و سیم نوشته اند، طغیان قارن که یکی از مرازمه عجم بود در خراسان، و مقاتله او با عسا کر اسلام، و غلبه کردن عبدالله بن حازم بر او که بدین واسطه ایالت خراسان ابن حازم را شد، و قیس بن هیشم از این شغل معاف گردید، وفات عباس رضی الله عنه عم حضرت رسول (ص) در هشتاد و هشت سالگی، فوت عبدالرحمن بن عوف در هفتاد و پنج سالگی، فوت عبدالله بن مسعود، فوت عبدالله بن زید بن عبدربه.

اروپا - گویند در این سال معاویه بن ابی سفیان در تنگه قسطنطنیه جنگ کرد، و زوجه او عاتکه دختر قرظه و به روایتی زوجه او فاخته با او بود.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۳۳ هجری = سنه ۶۵۳ مسیحی]

آسیا - رفتن احنف بن عبدالله به خراسان و فتح مروین، و بعضی رفتن عبدالله بن عامر را به خراسان با وقایعی که از او در طی سال سی و یکم مسطور شد نسبت به این سال داده اند، و بعضی فتح قبرس را که نیز پیش ذکر شد از وقایع این سنه دانسته اند. جماعتی بر این اند که قبرس در سال بیست و هشتم فتح شد ولی در سال سی و دویم جمعی از رومیها مسلمین را به سفاین که اسباب جنگ بحر است کمک کرده و معاویه در سال سی و سیم قبرس را به غلبه فتح کرد و آنها را به ساختن مساجد و شهری واداشت، جماعتی این جنگ آخری را به سال سی و پنجم نسبت داده اند. نامه نوشتن سعید بن عاص و بعضی از اشراف کوفه به عثمان و اخبار نمودن او باینکه مالک بن حارث نخعی مشتهر به اشتر، و ثابت بن قیس، و زید بن صوحان، و صعصعه بن صوحان، و عروه بن عدی، و کمیل بن زیاد، و غیره زبان به طعن و عیب او گشوده اند، و اندازیه ظهور فساد، و حکم کردن عثمان به فرستادن آنجماعت به شام نزد معاویه، و امر کردن معاویه را به نصیحت آنها و قبول نکردن آن نصایح را، و حکم کردن خلیفه به فرستادن آنها به حمص نزد عبدالرحمن بن خالد، تا وی به تجبرایشان نرازم کند، حج کردن عثمان، فوت مقداد بن عمرو، معروف به مقداد

بن اسود، صاحب رسول الله (ص) وفات طفیل وخصمین پسران حارث بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف، وبعضی فوت ایندورا در سال سی ویکم و برخی درسی و دو یم نوشته اند.

اروپا - جنگ معاویه در حصن مرأة و کرید^۱ از خاک روم در ناحیه ملطیه.

افریقا - جنگ عبد الله بن سعد در افریقته ثانیاً بجهة عصیان آنها.

[سنه ۳۴ هجری = سنه ۶۵۴ مسیحی]

آسیا - زیاد شدن رنجش مردم از عثمان و شاکي شدن از و به واسطه ولات و عمال او، و مناصبی که به اقوام و عشیره خود از بنی امیه می داد و عطایای و افره که به آنها بذل می کرد، و تعییب او از اخراج نمودن بعضی از صحابه و مسلمین را از اوطان خود، عزل سعید بن عاص از امارت کوفه و نصب ابوموسی اشعری به جای او محض خواهش و استرضای مردم، گفتگوی مردم با علی بن ابیطالب (ع) در باب اعمال عثمان و ظلم و جور بنی امیه نسبت به مسلمانان و رفتن آنحضرت به خانه عثمان و نصیحت کردن او و ثمر نکردن و اصرار مروان بن حکم در خرابی کار، و ابرام علی بن ابیطالب علیه السلام در اطفاء نایره فساد، و فراهم آمدن مقدمه قتل عثمان، وفات کعب الاحبار که کعب بن مایع باشد، وفات ابو عبید بن جبر الانصاری، فوت مسطح بن اثاثه المطلبی، و برخی گویند مسطح در جنگ صفین زنده و حاضر بود، فوت عباد بن صامت الانصاری، وفات عاقل بن بکیر.

[سنه ۳۵ هجری = سنه ۶۵۵ مسیحی]

آسیا - آمدن جماعتی از مصر به شکایت به مدینه و جماعتی از کوفه نیز به همین جهت، همچنین از بصره، و طغیان و شورش بر عثمان و استمداد عثمان از اهالی بلاد و امصار، و عزیمت جمعی به معاونت و امداد او و اشتعال نایره فساد به شدت، و گرفتن دورخانه عثمان را و او را تقریباً چهل روز در بند محاصره داشتن، و فرستادن علی بن ابیطالب علیه السلام آب برای عثمان و حسنین علیهما السلام را برای دفع شر از او، و مقتول شدن عثمان در خانه خود در ماه ذیحجه این سال در

۱. کرید شناخته نشد در تاریخ ابن اثیر که به نظر می رسد مرجع اصلی مؤلف در تدوین این مطالب بوده ذیل وقایع سال ۳۳ نوشته است «فی هذه السنة كانت غزوة معاوية حصن المرأة من أرض الروم بناحية ملطیه».

حالتیکه قرآن مجید در نزدیکی او گذاشته بود و ریختن خون او بر صفحه کلام الله بر روی آیه شریفه فسیکفیکهم الله، و مورخین در قاتل عثمان اختلاف کرده اند، بعضی گویند قاتل عثمان سودان بن حمران بوده، برخی کنانه بن بشر التَّجِیبی را گفته اند، به عقیده بعضی غافقی و قُثَیْرَة به زعم دیگران رومان بن سرحان قاتل عثمان بود، ظاهر اینجمله مدخلیت و مشارکت در این عمل داشته و عمرو بن الحَیْق پس از مجروح شدن عثمان به نه ضربت کار را تمام کرده است، در روز وقوع این واقعه نیز اختلاف است بعضی در هجدهم ذیحجه، و زمره ای در ایام التَّشْرِیق اینماه نوشته اند، بیعت مُسلمین با علی بن ابیطالب علیه السلام روز بیست و پنجم یا بیست و ششم ذیحجه.

اروپا - در این سال قسطنطین بن هرقل باصد کشتی قشون متوجه قتال مُسلمین شد ولی طوفان شدیدی سفاین او را غرق کرده خود او نجات یافت و مراجعت کرد و در صقلیه رومیها او را در حمام بکشتند، بعضی این واقعه را نسبت به سال سی و یکم داده اند، در این صورت واقعه همان غزوه صواری است که در سال سی و یکم ذکر شد، برخی نیز در سال دیگر نوشته اند ولی اصح روایات اینست که در این سال معاویه والی شام که مصمم به تسخیر قسطنطنیه بود در سواحل لیسی^۱ با سفاین جنگی قسطنطین تلافی نموده جنگ سختی بحری روی داد و معاویه غلبه کرده و فتح نمود.

[سنه ۳۶ هجری = سنه ۶۵۶ مسیحی]

آسیا - قبول کردن ابوموسی والی کوفه و اهل کوفه بیعت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را، آمدن اشراف یمن به مدینه به تهنیت آنحضرت و قبول بیعت نمودن، عزیمت علی بن ابیطالب علیه السلام بر عزل عمّالیکه از جانب عثمان بر سر عمل بودند، و منع کردن مغیره بن شعبه آنحضرت را از این عمل، به تخصیص از عزل معاویه والی شام، و تصدیق کردن عبدالله بن عباس کلام مغیره را، و ابای آنحضرت از قبول این گفتار، و در کار داشتن عاملین جور، عزیمت عایشه پس از حج از مکه به مدینه و استماع خبر قتل عثمان در نزدیکی مدینه و مراجعت به مکه بجهت تحریر و خونخواهی و انتقام از قاتلین عثمان، منصوب شدن سهیل بن حنیف^۲ به ولایت شام و

۱. لیسی شناخته نشد.

۲. ابن اثیر: سهل بن حنیف.

رفتن اوتا حوالی شام واستقبال کردن لشکر معاویه اورا و اظهار عدم رضایت از خلافت امیر المؤمنین علیه السلام، مامور شدن قیس بن سعد بن عبادہ به ولایت مصر و پذیرفتن مصریها او را. منصوب شدن عبید اللہ بن عباس به ولایت یمن و معزول شدن یعلی بن منیہ تمیمی از این ولایت، و نقل کردن جنس و نقد این ولایت را از بیت المال به مکه، مامور شدن عثمان بن حنیف به حکومت بصره و گریختن عبد اللہ بن عامر حاکم سابق بصره به مدینه، منصوب شدن عمار بن هشام^۱ به ولایت کوفه، آمدن تا حوالی این ولایت، و باز گردانیدن طلحه و قعقاع او را به مدینه، به عنوان اینکه ابوموسی اهل کوفه را با خود مہتق ساخته و در طلب خون عثمانست و داخل شدن تو به کوفه مصلحت نیست، درخواست طلحه ولایت بصره را از حضرت امیر المؤمنین (ع)، و درخواست زبیر ولایت کوفه را و به عمل نیامدن مسئول آنها ورنجیدن، و پس از چندی اجازه عمره خواستن، و به همراهی عبد اللہ بن عامر به مکه رفتن به قصد افساد و پیوستن به جماعتی از بنی امیہ و عایشه، و ملحق شدن یعلی بن منیہ به آنها و مظاهرت او آنها را، بواسطه جوہی که از بیت المال تصرف کرده بود، و رفتن آنها با عسا کر و تہتہ، و همراهی عایشه به بصره به جہت مخالفت با امیر المؤمنین (ع) و نوشتن ام سلمہ و ام الفضل بنت الحارث ماجرا را به حضرت امیر المؤمنین (ع) و بیرون شدن آن حضرت به قصد بصره و دفع مواد شر و رفتنہ و مقاتلہ طلحه و زبیر با عثمان بن حنیف^۲ که از جانب امیر المؤمنین علی (ع) حکومت بصره داشت و رفتن حضرت امام حسن (ع) و مالک اشتر به کوفه به جہت اعتماد، و آمدن چندین هزار نفر از لشکر کوفه به امداد حضرت امیر المؤمنین (ع) و پیوستن آنها به آن حضرت در موضع ذیقار، و پیوستن عسا کر یمن و غیره به قولی به آن حضرت، و آمدن به بصره و در گرفتن جنگی معروف به جنگ جمل (زیرا کہ عایشه در این جنگ بر شتر سوار بود) در موضع خریبه کہ موضعی است در بصره در دہم جمادی الآخرہ این سال و کشته شدن طلحه در این جنگ به تیر مروان حکم، و پشیمان شدن زبیر از فراہم آمدن اسباب جنگ با امیر المؤمنین (ع)، و رفتن او به وادی سباع و کشته شدن در آنجا به دست عمرو بن جرموز، فتح کردن عسا کر امیر المؤمنین (ع) در جنگ جمل، مراجعت عایشه به مدینه به حکم امیر المؤمنین (ع) منصوب شدن عبد اللہ بن عباس به ولایت بصره، عزیمت امیر المؤمنین علیہ السلام از بصره به کوفه روز شنبہ شانزدہم رجب، و ورود به کوفه، از وقایع این سال به عقیدہ ابن اثیر قصد کردن خوارج است سجستان را، به این معنی کہ پس از جنگ جمل حسکہ بن عتاب الحبطی و عمران ابن الفضل

البرجمی^۱ با جمعی بی سرو پایان عرب به سجستان آمده استقلال را در اینجا به هم رسانیدند، مؤلف گوید خوارج بعد از جنگ صفین پیدا شدند، بهر حال امیر المؤمنین (ع) عبدالرحمن جروالقطائی را به دفع ایشان مامور فرمود آنها او را بکشتند بعدها آنحضرت به عبدالله بن عباس نوشتند شخصی را به ولایت سجستان بفرستد اور بقی بن کاس عنبری را با حصین بن ابی الحر عنبری فرستاد تا حسکه را کشتند و ولایت را ضبط کردند. رسالت طرماس از جانب امیر المؤمنین علیه السلام به معاویه، کشته شدن محمد بن حذیفه از دوستان امیر المؤمنین (ع) به دست هواخواهان معاویه پس از اسیر شدن به دست لشکر یکه به همراهی عمرو بن عاص در عریش با او تلافی نمودند و او را گرفته بردند به شام و حبس کردند، و بعضی گفته اند محمد بن حذیفه در جنگ صفین زنده بوده است، حکومت قیس بن سعادة^۲ در مصر بفرمان امیر المؤمنین علیه السلام که بعد عزل شد و محمد بن ابوبکر به جای او برقرار گردید و او به مدینه بازگشت و با خلوص تمام خود را در صفین به خدمت امیر المؤمنین (ع) رسانید، و رفتن عمر و بن عاص با عبدالله و محمد پسران او از فلسطین به شام و اتفاق نمودن با معاویه، آمدن ابراز پسر مرزبان مرو^۳ خدمت امیر المؤمنین (ع) بعد از وقعه جمل و اقرار کردن به صلح و فرمان دادن حضرت امیر المؤمنین (ع) به او برای حکمرانی مرو و آنحدود و طغیان اهالی آن نواحی بر او و فرستادن امیر المؤمنین (ع) خلید بن قره یا طریف الیربوعی را به نظم خراسان، فرمان امیر المؤمنین (ع) به جریر بن عبدالله بجلی که حاکم همدان بود از جانب عثمان، و به اشعث بن قیس که او نیز از جانب عثمان حکومت آذر بایجان داشت باخذ بیعت، و حاضر شدن آن دویه کوفه خدمت حضرت، و فرستادن جریر را با نامه به شام نزد معاویه، و طلب بیعت کردن، و مماطله معاویه در جواب جریر، و مشاوره با عمرو، و برانگیختن عمرو او را به جنگ با امیر المؤمنین (ع) به عنوان طلب خون عثمان، و برانگیزانیدن معاویه اهل شام را به مقاتله، و مراجعت نمودن جریر به کوفه، و اخبار از حالت معاویه و اهل شام، و مکاتبات متعدده که فیما بین امیر المؤمنین علیه السلام و معاویه اتفاق افتاد، مامور شدن جمعی به ری و قزوین به سرداری ربیع بن خثیم^۴، عزیمت امیر المؤمنین (ع) به شام و مقاتله با معاویه و فرستادن

۱. طبری: عمران بن الفضیل البرجمی. ابن اثیر: عمران الفضیل البرجمی.

۲. ابن اثیر: ابوعبدالله قیس بن سعد بن عباده الانصاری. قیس بن سعادة مسلم غلط است و قطعاً اشتباه کاتب است.

۳. در طبری و ابن اثیر: ابراز مرزبان مرو (نه پسر مرزبان).

۴. ضبط موافق ابن اثیر است در طبری: ربیع بن خثیم در کتاب «امل الامل» بحثی است درباره

زیاد بن نضر حارثی را با هشت هزار نفر به طور مقدمه الجیش، و فرستادن شریح بن هانی را بعدها با چهار هزار نفر و تجهیز کردن از مداین، و سعد بن مسعود غم مختار بن ابی عبیده ثقفی را و الی مداین نمودن، و فرستادن معقل بن قیس را با سه هزار نفر از راه موصل، و امر کردن که چون به رقه رسیدند اهالی را بران بدارند که جبری به بندند که از آن جسر عبور نموده به راه شام بروند، رسیدن زیاد بن نضر و شریح بن هانی به سور الرّوم، و ملاقات با ابوالاعور سلمی، و قشون شام که از جانب معاویه آمده بودند، و خبر فرستادن به امیر المؤمنین (ع) و فرستادن حضرت مالک اشتر را به معاونت آن دو، و محاربه با شامیان و بازگشت شامیان نزد معاویه، و حرکت کردن معاویه بالشکر خود، و صفین را که در نزدیکی فراتست معسکر خود کردن، و رسیدن امیر المؤمنین و همراهان آن حضرت به صفین، تصرف جیش معاویه پیش از وقت راه شریعه فرات را که دیگر شریعه ای در آن نواحی نبود که عساکر امیر المؤمنین (ع) را سیراب کند، و حکم کردن معاویه جماعتی را با ابی الاعور که عساکر امیر المؤمنین علیه السلام را از آب ممنوع نماید، و شنیدن امیر المؤمنین (ع) این فقره را، و حکم دادن که مالک و جمعی با مخالفین بر سر آب مقاتله کنند، و داوطلب شدن اشعث بن قیس کندی به مقاتله آنها، و قتال کردن و فرستادن معاویه یزید بن اسد بجلی قسری را با جماعتی به امداد ابی الاعور، و فرستادن امیر المؤمنین (ع) شبث بن ربعی ریاحی را به معاونت عساکر خود، اشتداد نایره حرب و فرستادن معاویه عمرو بن عاص را بالشکر زیادی به مدد ابی الاعور، و یزید بن اسد، و فرستادن امیر المؤمنین (ع) اشتر را با عساکر بسیاریه کمک اشعث و شبث، و عظیم شدن جنگ تا وقتی که عساکر امیر المؤمنین (ع) جلو آب را از قشون طرف مقابل خالی کردند، و بعد از آنکه شریعه را عساکر امیر المؤمنین (ع) متصرف شدند آن حضرت آب را بر مخالفین میذول داشتند، فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام ابو عمرو و بشیر بن عمرو بن محسن الانصاری، و سعید بن قیس همدانی، و شبث بن ربعی تمیمی را نزد معاویه به نصیحت، و این در اول ذیحجه بود و پذیرفتن



شخصیت ها و روایاتی که در کتابت اشتراک خطی دارند ولی در تلفظ متفاوتند و مثالهایی آورده است از جمله می نویسد «مثل خُثِیم و خَیْثِیم کلاهما بالخاء المعجمة إلا أن أحدهما بضمها و تقدیم الشاء المثناة ثم الیاء المثناة من تحت، و الآخر بفتحها ثم المثناة ثم المثناة، فالاول ابوالریع خُثِیم احد الزهاد الثمانية، والثانی ابوسعید خَیْثِیم الهلالی التابعی و هو ضعیف» بنابراین نباید تردید کرد که ضبط این کتاب و ابن اثیر غلط و ضبط طبری صحیح است.

معاویه نصیحت آنها را، و پس از آن دسته دسته از جانبین عساکر ماورمی شدند و جنگ می کردند، و همه روز ماه ذیحجه به جنگ گذشت، و سا بود که یکروز دو مرتبه جنگ می کردند، هم در این سال حذیفه بن یمان قبل از جنگ جمل وفات کرد، و سلمان فارسی نیز در گذشت در سنّ دو یست و پنجاه سالگی، و بعضی سلمان را سیصد و پنجاه نوشته اند، وفات عبداللّه بن سعد بن ابی سرح در عسقلان، در حالتیکه با معاویه بیرون آمده بود به عزم صفین و کراهت داشت از اینکار، فوت عبدالرحمن بن عدیس البلوی، وفات قدامة بن مظعون الجحمی^۱، فوت عمرو بن ابی عمرو بن ضبة الفهری ابوشداد. حکومت یزید بن حبیه تمیمی^۲ درری که مقطهر و معزول و محبوس شد و از حبس به شام نزد معاویه فرار کرد.

اروپا - محاصره قسطنطنیه.



[سنه ۳۷ هجری = سنه ۶۵۷ مسیحی]

آسیا - از وقایع عمده این سال جنگ صفین است و اسامی امراء امیر المؤمنین علیه السلام از این قرار بوده: سلیمان بن صرد الخزاعی، حارث بن مرّة العبیدی، عمرو بن الحمق، حصین بن المنذر، احنف بن قیس، نعیم بن هبیره، جارية بن رقاعة بن الشّداد، ابویوب الانصاری، ابوالهشیم بن التیهان نقیب رسول الله (ص) عدی بن حاتم، عمرو بن عطار، جنید بن زهیره، خالد بن معمر، شبت بن ربیع، سعید بن قیس، عبداللّه بن طفیل، عمرو بن حنظله، قیس بن سعد بن عبادة انصاری، شداد الهانی، قاسم بن حنظله، قیس الجهنی، عمرو بن مزید، مالک بن حارث الاشر النخعی، سعد بن مسعود الثقفی، زیاد بن النصر، شریح بن هانی، معقل بن قیس، قبیصة بن شداد، عامر بن وابله،^۳ حارث بن نوفل، زید بن صعصعة بن صوحان، عمر بن جبلة،^۴ اعین بن

۱. ابن اثیر: الجحمی و همین صحیح است.

۲. طبری: التیمی.

۳. طبری: عامر بن وائله. تنقیح المقال: وائله بالواو والالف والهاء المثناة المكسورة و صحیح همین است.

۴. شناخته نشد.

طیعه^۱، رویم بن الیثبان^۲، حصیان بن نمیر^۳، حجر بن عدی، خزیمه بن جابر، عمار یاسر که سر کرده جمیع سواران بود، و عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی که سر کرده جمیع پیاده ها بود، و اشعث بن قیس که میمنه لشکرید و سپرده شده بود، و عبدالله بن عباس که میسره او را بود، و هاشم بن عتبة بن ابی وقاص که حامل لوای اعظم بود، و سرکردگان و سرهنگان معاویه نیز از اینقرار بودند: ضحاک بن قیس، ذوالکلاع حمیری، زفر بن الحارث، سفیان بن عمرو، مسلمة بن خالد، بشیر بن اوطاة^۴، حارث بن خالد، همام بن قبط، جوشب ذی^۵ ظلم، حسان بن بجذل، مالیس بن ربیع^۶، عابد بن زبیر بن بهیره، یزید بن اسد، طریف بن خاليس^۷، همتی بن عمیر^۸، مخارق بن حارث، قاتل بن قیس^۹، حمزة بن مالک، قعقاع بن اذهر، عمرو بن العاص، هلال بن ابی هیره^{۱۰}، ابوالاعور، یزید بن امیه، و عبدالله بن العاص که سر کرده جمیع سواران بود، و مسلمة بن عقبه که سر کرده مجموع پیادگان بود، و عبیدالله بن عمر بن خطاب که بر میمنه بود، و حبيب بن مسلمة که میسره را داشت، و عبدالرحمن بن ولید که حامل رایت بود، مقاتله عساکر امیر المؤمنین علیه السلام و سپاه معاویه به کرات و شجاعتها که از شخص امیر المؤمنین (ع) به ظهور رسید، و رشادت مالک اشتر و غیره، کشته شدن عبیدالله بن عمر بن خطاب به دست یکی از بنی ربیع، کشته شدن عمار یاسر و مرثیه گفتن امیر المؤمنین (ع) برای او، شهادت او یس قرن، و خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین، و عبدالله بن بدیل خزاعی، و هاشم بن عتبة بن ابی وقاص، و ابوالهشیم بن التیهان^{۱۱}، و یعلی بن منیه، کشته شدن ذوالکلاع

۱. طبری، ابن اثیر: أعيان بن ضبيعة المجاشعي. تنقيح المقال «أعيان بن ضبيعة الدارمي المجاشعي... ضبيعة تصغير ضبعة حيوان معروف» و صحيح همین است.

۲. شناخته نشد.

۳. شناخته نشد. به استناد تنقيح المقال آنکه در صفین عنوانی داشته الحظین المنذر بوده که رأیت جنگ در دست او بوده است.

۴. طبری و ابن اثیر: بسر بن ابی اوطاة و همین صحيح است.

۵. طبری: شب ذو ظليم.

۶. شناخته نشد.

۷. شناخته نشد.

۸. شناخته نشد.

۹. شناخته نشد.

۱۰. شناخته نشد.

۱۱. ابن اثیر: ابوالهشيم التيهان و این صحيح است.

حمیری، وجوشب بن ذی ظلم، از سرکردگان معاویه، تکرار فرار دسته های لشکر معاویه، فتور و ضعف لشکر معاویه و نامه نوشتن او به امیر المؤمنین (ع)، و طلب مصالحه کردن، و استدعای حکومت شام و معاف بودن از بیعت با امیر المؤمنین (ع) و جواب نوشتن آنحضرت و رد کردن مسئولات معاویه را، آخرین جنگ صفین که ذیل قتال وسیع شده شب آن روز را نیز تا صبح دیگر طرفین به محاربه مشغول بودند و چندین هزار نفر از طرفین به قتل رسیدند و مقتولین طرف معاویه به اضعاف مضاعف بودند که این واقعه به لیلۃ الہریر موسوم شد. مهیا شدن عساکر امیر المؤمنین علیہ السلام بعد از وقعۃ لیلۃ الہریر و مصاحف بر سر سنان نمودن شامیان به تمهید و حیلۃ عمرو بن عاص، و تفریق کلمه میان عساکر امیر المؤمنین (ع)، و ابرام بعضی از زادقه به امیر المؤمنین که باید دعوت معاویه را اجابت کرد، و این جماعت بعد از این معروف به خوارج شدند، مقرر شدن امر بر تعیین دو نفر حکم که یکی از جانب امیر المؤمنین (ع) باشد و یکی از جانب معاویه و امر خلافت را فیصل دهند و بعدها در دومة الجندل که موضعی است در میان عراق و شام درین باب گفتگو کنند. و معین شدن ابو موسی اشعری از جانب امیر المؤمنین (ع) و عمرو عاص از جانب معاویه و جمع کثیری به همراهی این دو مامور شدند، مصالحه کردن فریقین و بازگشت امیر المؤمنین به کوفه و عود معاویه به شام — و در ایام غیبت امیر المؤمنین (ع) از کوفه ابو موسیٰ انصاری در این ولایت جانشین آنحضرت بود، جمع شدن حکمین و همراهان آنها در دومة الجندل، و فریب دادن عمرو بن عاص ابو موسیٰ را و اختلاف میان مردم، حکومت مالک اشتر در ولایت جزیره و مقاتله با ضحاک بن قیس که از جانب معاویه در آنجا بود و غلبه مالک با وجود کمکی که معاویه برای ضحاک فرستاده بود، و رفتن مالک به تسخیر بصره، و استیلای او، و این واقعه قبل از جنگ صفین بود و پس از جنگ صفین باز مالک به محل حکمرانی خود رفت، رنجیدن خوارج از اینکه امیر المؤمنین (ع) رضا داده است که ابو موسیٰ از جانب آنحضرت حکم شده و شاد شدن آنها پس از وصول خبر حکمین به وجه مسطور و خواهش کردن از امیر المؤمنین (ع) که نقض عهد فرماید و به جنگ مخالفین قیام نماید، و قبول نکردن آنحضرت و متفق شدن خوارج بر مخالفت امیر المؤمنین (ع) و بیعت کردن با عبد الله و هب بن الراسی که یکی از بزرگان این قوم بود، و نامه نوشتن به خوارج بصره و میعاد گاه قرار دادن کنار جسر نهر و ان را برای اجتماع در آن محل به قصد امر بمعروف و نهی از منکر، و قبول خوارج بصره دعوت خوارج کوفه را و بیرون رفتن این جماعت یک یک و دود و آواز کوفه به طرف میعاد گاه و پیوستن خوارج بصره به آنها و فراهم آمدن جمعیت و نامه نوشتن امیر المؤمنین علیہ السلام به عبد الله و هب و یزید بن الحصین بزرگ خوارج و دعوت نمودن آنها را به اتفاق با آنحضرت، و جواب نوشتن آنها

برخلاف صواب، و شرارت کردن خوارج در سواد عراق، و کشتن بعضی از دوستان امیر المؤمنین (ع) را و عزیمت آنحضرت قتال معاویه را و پس از استماع خبر خوارج فسخ آن عزیمت کردن، و متوجه دفع شر آنها شدن، و پس از نزدیک شدن دو فرقه بهم فرستادن عبدالله بن عباس و ابویوب انصاری را به لشکرگاه خوارج به موعظت آنها و قبول نصیحت نکردن آنها، و نصیحت کردن امیر المؤمنین علیه السلام به نفس مقدس خود آنها را، و محاجه با عبدالله بن الکوا، و غلبه بر او به دلیل که اینمعنی نیز در مزاج خوارج مفید نیامد، مهیا شدن جانبین برای حرب، گذاشتن امیر المؤمنین (ع) حجر بن عدی را بر میمنه، و شبت بن ربیع را بر میسر، و دادن سرکردگی جمیع سواران را به ابویوب انصاری، و سرکردگی جمیع پیادگان را به ابوقتاده، و دادن خوارج میمنه لشکر خود را به یزید بن حصین و میسر را به شریح بن ابی اومی العبسی و ریاست سواران را به حرقوص بن زهیر السعدی، و سرکردگی پیادگان را به عبدالله بن الکوا، و فرمان امیر المؤمنین علیه السلام که هر که بجانب من آید یا به طرف کوفه رود و به ترک جنگ گوید ایمن باشد، و رفتن قروت بن تودل اشجعی^۱ از رؤسای خوارج با پانصد نفر از متابعین خود به طرف کوفه و ملحق شدن جمعی دیگر از خوارج به لشکر امیر المؤمنین (ع) و متابعت کردن، در گرفتن جنگ و کشته شدن رؤسای خوارج و متابعین آنها چنانکه تقریباً از چهار هزار مرد جنگی زیاده از نه نفر زنده نماند و دو نفر از این نه نفر به خراسان رفته و از خراسان به سیستان آمده و خوارج سجستان منتسب به این دو نفر می باشند. گویند در این جنگ از عساکر امیر المؤمنین (ع) بیش از نه نفر یا هفت نفر کشته نشد، این است جنگ مارقین چنانکه جنگ صفین را جنگ با قاسطین گویند و جنگ جمل را جنگ بانا کشین، بعضی گویند جنگ با مارقین در سال سی و هشتم بود، مراجعت امیر المؤمنین علیه السلام به کوفه و خواندن مردم را به جهاد و مقاتله با معاویه و اقدام نکردن آنها مگر معدودی و صورت نگرفتن این قصد، فرستادن امیر المؤمنین (ع) در این سال جعدة بن هبيرة المخزومی را به ولایت خراسان بعد از معاودت از صفین، و رفتن اوتانیشابور، و مخالفت اهل این ولایت با او و بازگشتن او به خدمت آنحضرت، و فرستادن خلید بن قرة البیر بوعی را به این ولایت که آنها را محاصره کرد تا مصالحه نمودند، و مصالحه کردن مرو و یهانیز با او حجت کردن عبیدالله بن عباس که از جانب امیر المؤمنین (ع) حکمران یمن بود، حکومت قثم بن عباس در این سال بزمگه و طایف، و حکومت سهیل بن حنیف در مدینه و محمد بن ابی بکر در مصر، فوت خباب بن الارت، فوت سهیل بن حنیف انصاری بقولی، وفات صهیب بن سنان و صفوان ابن

۱. طبری وابن اثیر: فروة بن نوفل الاشجعی و صحیح همین است.

بیضاً، فوت عبدالله بن سعد بن ابی سرح در عسقلان فجأة.

[سنه ۳۸ هجری = سنه ۶۵۸ مسیحی]

آسیا — از وقایع اینسال کشته شدن محمد بن ابی بکر است در مصر، تبیین آنکه چون بعد از عزل قیس بن سعد بن عبادہ محمد بن ابی بکر ولایت مصر یافت با هواخواهان عثمان که در سلک اطاعت امیرالمؤمنین علیه السلام در نیامده بودند برخلاف مصلحت جنگ کرد و وهنی در کار او پدیدار آمد و شخصی بُود در مصر موسوم به معاویة بن حدیج و دشمن امیرالمؤمنین (ع)، پس از قصه حکمین با جمعی او باش همدست شده به عنوان طلب خون عثمان بنای طغیان گذاشت، محمد واقعه را به عرض امیرالمؤمنین (ع) رسانید حضرت مالک اشتر را که در جزیره حکومت داشت از نصیبین طلب فرموده ولایت مصر دادند که بدان ساحت رفته اطفای نایرة فساد نماید و مالک روانه شد، معاویة این خبر را شنیده متوخش گردید و دهقانی را بران داشت که در عرض راه مالک را مسموم کرد و به سرای جاوید رسانید. امیرالمؤمنین (ع) نامه ای به محمد نوشتند و او را مجدداً به حکومت مصر و مدافعة مخالفین امر فرمودند و چون مهم خوارج حضرت را مشغول ساخت معاویة فرصت یافته عمروعاص را که وعده حکومت مصر داده بود باشش هزار نفر بر سر محمد فرستاد و عمروعاص به معایه بن حدیج پیوست و او را به جنگ محمد فرستاد و بعد از محاربه محمد تنها ماند، معاویة بن حدیج او را کشته و جسد او را در شکم اسبی یا حماری نهاده بسوخت و عمروعاص داخل مصر شده بی منازعی مشغول حکمرانی گردید و در اینواقعه امیرالمؤمنین خواستند لشکری به کمک محمد فرستند ولی عساکر کوفه اقدامی ننمودند، فرستادن معاویة عبدالله حضرمی را به تسخیر بصره، و مختفی شدن زیاد بن ابیه که از جانب ابن عباس کارگذاران ولایت بود، و فرستادن امیرالمؤمنین (ع) اعین بن ضبیعة المجاشعی را به جنگ عبدالله حضرمی و کشته شدن او، و فرستادن امیرالمؤمنین جاریه بن قدامه را به حرب و مغلوب کردن او عبدالله را، و محصور شدن در قصری و سوزانیدن جاریه آن قصر را باهر که در او بُود، اظهار مخالفت خریّت بن راشد الناجی با امیرالمؤمنین (ع) به جهة راضی شدن آنحضرت به حکمین، و بیرون شدن از کوفه بامتابعینش، و تعاقب کردن زیاد بن خفصة البکری او را به جهة برگردانیدن او و مقاتله خریّت و زیاد در نِقَر، یا در جرایا^۱ و رفتن خریّت به اهواز و زیاد به بصره و فرستادن

امیرالمؤمنین (ع) معقل بن قیس را بادو هزار نفر به محاربه خَریت، و نوشتن آنحضرت به ابن عباس که شخص شجاعی را بادو هزار نفر مقد معقل سازد، و جمع آمدن اجامره و اوباش عرب و عجم برخَریت، و ملاقات معقل و خَریت در یکی از کوههای رامهرمز، و فرار خَریت بعد از مقاتله شدید به سواحل دریا که در آنجا از کسان او بسیار بودند، و دعوت کردن مردم را به مخالفت امیرالمؤمنین (ع) و رفتن معقل به فرمان امیرالمؤمنین (ع) به تعاقب او، و وقوع محاربه و کشته شدن خَریت به دست نعمان بن صهبان الرّاسی، خروج اشرس بن عوف شیبانی دردمکرة، و رفتن به انبار، و فرستادن امیرالمؤمنین اشرس بن حسان را به مدافعة او و کشته شدن اشرس، خروج هلال بن علفه از خوارج از تیم الرّباب، و آمدن به ماسبذان و کشته شدن او و متابعتش به دست معقل بن قیس ریاحی، خروج بعضی دیگر از خوارج و دفع آنها، حج کردن قثم بن عباس حکمران مکه از جانب امیرالمؤمنین (ع) در اینسال، وفات صهیب بن سنان به قول بعضی.



[سنه ۳۹ هجری = سنه ۶۵۹ مسیحی]

آسیا - فرستادن معاویه نعمان بن بشیر انصاری را با هزار نفر به عین التمر و مقاتله مالک بن کعب که از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت عین التمر را داشت بانعمان و مراجعت نعمان به شام، و درینمورد امیرالمؤمنین (ع) هرچه خواستند از عساکر کوفه مددی به مالک فرستند آنها مسامحه نمودند. فرستادن معاویه سفیان بن عوف را به هیت که شهریست میان موصل و شام و آمدن سفیان از هیت به انبار و مقاتله او با اشرس بن حسان بکری که حاکم آن سواد بود و کشتن او اشرس را و غارت کردن انبار را و معاودت به شام، فرستادن معاویه عبدالله بن مسعدة بن حکمة بن مالک بن بدر الفزازی را با هزار و هفتصد نفر به جانب تیما که شهریست در کنار بادیه که متقل است به حدود شام و گرفتن صدقات از اعراب بادیه و فرستادن امیرالمؤمنین (ع) مسیب بن نجبة الفزازی را بادو هزار نفر به دفع او و غلبه کردن بر او بعد از مقاتله شدید و مراجعت عبدالله به شام، فرستادن معاویه ضحاک بن قیس را به بادیه به جهة خرابی منازل و قتل مردم، و منع حاج از رفتن به مکه، و فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام حجر بن عدی الکندی را به دفع او و هزیمت ضحاک، آمدن معاویه به موصل به عنوان تماشای دجله و مراجعت او پس از چند روز به دمشق، فرستادن معاویه یزید بن شجرة رهاوی را به مکه با سه هزار نفر برای اینکه

مردم با او حج گذارند، و عامل امیرالمؤمنین (ع) را از مکه بیرون کند و خبردادن قثم بن عباس حاکم مکه امیرالمؤمنین (ع) را و فرستادن حضرت جمعی را به دفع او، و مراجعت یزید بن شجره به شام که فرستادگان امیرالمؤمنین (ع) به معدودی از همراهان او رسیده آنها را اسیر کردند. فرستادن معاویه عبدالرحمن بن قباث بن اشیم را به بلاد جزیره و مقاتله کمیل بن زیاد که در هیت بود با عبدالرحمن و غلبه کمیل و رسیدن شیبب بن عامر از نصیبین به کمک کمیل، فرستادن معاویه زهیر بن مکحول عامری را به ساوه برای اخذ صدقات و فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام جمعی را به مدافعه او و مغلوب شدن آنجمیع، انکار متابعت اهل دومة الجندل امیرالمؤمنین (ع) را و معاویه را، رفتن مرة بن حارث العبیدی به سند و مقاتله در این مملکت و دعوت کردن مردم را بمتابعت امیرالمؤمنین (ع) و گرفتن اسیر و غنائیم بسیار، ولایت زیاد بن سمیة در فارس و کرمان از جانب امیرالمؤمنین (ع) و تصفیة آنحدود، فوت ابومسعود انصاری، به عقیده بعضی.

اروپا — (انگلیس) پادشاه یسی دختر پادشاه کنت را که عیسوی مذهب بود در حباله مزاجت درآورده و خود نیز مذهب عیسوی را اختیار نمود، پیش رفت کار عساکر اسلام در قسطنطنیه.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۴۰ هجری = سنه ۶۶۰ مسیحی]

آسیا — فرستادن معاویه بسر بن ابی اریطه را به حرمین و یمن برای دعوت مردم به بیعت معاویه، و قبول کردن بسیاری بیعت معاویه را که از جمله ابوموسی اشعری و جابر بودند، و رفتن بسر از حرمین به یمن و فرار عبیدالله بن عباس و برقرار شدن عبدالله حارثی به جای او و کشتن بسر او را، و پدر او را، و دو پسر او عبدالرحمن و قثم را، و فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام جاریه بن قدامه، و وهب بن مسعود ثقفی را با چهار هزار نفر به مدافعه بسر و گریختن بسر، مصالحه امیرالمؤمنین (ع) با معاویه به بعضی روایات به اینکه عراق امیرالمؤمنین (ع) را باشد و شام معاویه را، و جنگ و غارت از جانبین متروک باشد، رنجش عبدالله بن عباس که حاکم بصره بود از امیرالمؤمنین (ع) بجهة اینکه آنحضرت حساب بیت المال را از او خواستند و رفتن از بصره به مکه و استمالت امیرالمؤمنین (ع) او را به روایتی، و مراجعت او به محل حکمرانی خود — دل تنگی عقیل برادر امیرالمؤمنین (ع) از آن حضرت به جهة اینکه از بیت المال مدد و سعتی به او مبذول نمیشد

ورفتن او به شام نزد معاویه و اکرام معاویه از او گویند معاویه صد هزار درهم به عقیل انعام کرد.

شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام بدست عبدالرحمن بن ملجم مرادی از خوارج در صبح نوزدهم رمضان و بعضی روز دیگر گفته اند و صورت این واقعه اینست که ابن ملجم با بُرک بن عبدالله تمیمی و عمرو بن بکر التمیمی السعدی که آن دو نیز از خوارج بودند هم عهد شدند که امیرالمؤمنین (ع) و معاویه و عمروعاص را بکشند، و ابن ملجم که اهل مصر بود متعهد قتل امیرالمؤمنین (ع) شد و بُرک بن عبدالله به شام بقتل معاویه رفت و شمشیری برآلیه معاویه زد که کارگر نشده و بحکم معاویه بُرک کشته شد، و عمرو بن بکر به مصر رفت و چون این هر سه وعده کرده بودند که در فلان شب رمضان اقدام به مقصود خود نمایند اتفاقاً آن شب عمروعاص نقاهتی داشت و به جای خود یکی از بنی عامر را فرستاد تا امامت کند و او به دست عمرو بن بکر کشته شد، بالجمله ابن ملجم به کوفه آمد و با جماعتی از تیمم الزباب ملاقات کرد و زنی قطامه نام با آنها بود صاحب حسن، و پدر و برادرش در نهر وان کشته شده بودند. ابن ملجم شیفته او شده او را به زنی بخواند، قطامه گفت سه شرط دارد سه هزار درهم، و کنیز و غلامی، و قتل علی علیه السلام، و ابن ملجم که خود به این قصد بود رضا شده و قطامه از طایفه خود وردان نامی را مدد ابن ملجم قرارداد و شیب بن بجره را نیز با او همراه کرد و در شب موعود آن سه ملعون به مسجد حاضر شده کمین کردند چون حضرت امیرالمؤمنین (ع) به نماز صبح تشریف به مسجد آوردند و مردم را به نماز خواندند شیب شمشیر به طرف حضرت انداخت ولی آن شمشیر بر عضاده در خورد و ابن ملجم شمشیر بفرق انور حضرت زد و گفت یا علی حکم خدا راست نه تورا و آن حضرت فرمودند فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَفَّةِ و وردان را یکی از کسان خود او کشت و شیب بن بجره بگریخت و ابن ملجم را گرفتند و حضرت امیرالمؤمنین به جناب امام حسن علیه السلام وصیت فرمودند که اگر من رحلت کردم ابن ملجم را به یک ضربت بکشید و اگر ماندم خود حکم او را خواهم کرد نیز در مخفی داشتن مدفن آن جناب سلام الله علیه مبالغه بر زبان معجز بیان مبارک رفت، در روز رحلت حضرت اختلاف کرده اند، شهر بیستم و بیست و یکم رمضانست. عمر شریف حضرت به روایت اصح شصت و سه سال و مدت خلافت ظاهری چهار سال و نه ماه است، کشته شدن ابن ملجم علیه اللعنه و سوزانیدن مردم جسد او را بابوریا، بیعت جماعتی با حضرت امام حسن علیه السلام و اول کسی که بیعت کرد قیس بن سعد انصاری بود، بیعت مردم با معاویه در

بیت المقدس، مردن اشعث بن قیس کندی چهل روز بعد از رحلت امیرالمؤمنین (ع)، فوت حسان بن ثابت و ابورافع از صحابه.

[سنه ۴۱ هجری = سنه ۶۶۱ مسیحی]

آسیا - بیعت قیس بن سعد بن عبادہ با امام حسن (ع)، نهضت معاویہ از شام باشصت هزار قشون بعزم تسخیر عراق، انتهاض امام حسن (ع) از کوفه با چهل هزار نفر به مدافعت معاویہ که قیس بن سعد بادوازه هزار نفر مقدمه لشکر بود، مصالحه امام حسن (ع) با معاویہ و واگذاشتن خلافت را به او به توسط عبدالله بن عامر و عبدالرحمن بن سمره فرستادگان معاویہ به شرط اینکه پنجهزار درهم^۱ که از بیت المال در کوفه موجود بود به آنحضرت واگذار کند که دیون خود را ادا فرمایند و خراج دارابجرد فارس را هم مخصوص آن حضرت نماید، و شتم حضرت امیرالمؤمنین (ع) را نیز غدغن کند، گویند معاویہ دو شرط او را قبول کرد و شرط سیم را نپذیرفت، آنحضرت خواهش فرمودند که غدغن کند در حضور آنحضرت شتم نکنند، معاویہ قبول کرد ولی وفا ننمود، و ادای خراج دارابجرد را نیز اهل بصره مانع شدند، و بعضی گفته اند امام حسن (ع) خراج فسا و ۵۰۰۰۰ دارابجرد هردو را خواستند، مدت خلافت آنحضرت پنج یا ششماه بود، مصالحه قیس بن سعد با معاویہ بعد از مصالحه با امام حسن (ع) بشرط اینکه او و شیعه علی علیه السلام در امان باشند، رفتن امام حسن (ع) از کوفه به مدینه، خروج خوارج بر معاویہ، کشته شدن مُعَیْن خارجی، خروج ابی مریم و فرستادن مغیره جابر بجلی را بدفع او و کشته شدن ابی مریم، خروج ابی لیلی و فرستادن مغیره معقل بن قیس ریاحی را به دفع او که ابی لیلی ۵۰۰۰۰ در سواد کوفه در سنه چهل و دو کشته شد، ولایت مغیره بن شعبه در کوفه از جانب معاویہ، ولایت بُسر بن ابی ارطاة در بصره از جانب معاویہ، ولایت ابن عامر در بصره در آخر اینسال و دادن معاویہ حکومت خراسان و سجستان را به او، و در این وقت اهل بادغیس و هرات و بوشنج طغیان کرده بودند مامورین ابن عامر آنها را مطیع کرده و نوبهار بلخ را خراب کردند. خروج سهم بن غالب الهیجمی^۲ بر ابن عامر، دادن عمرو عاص حکومت افریقیه را به عقبه بن نافع بن عبد قیس که پسر خاله عمرو بود و او تا لواته و مزاته

۱. در کامل ابن اثیر: «مبلغه خمسة آلاف الف» یعنی پنج هزار هزار درهم.

۲. در کامل: سهم بن غالب الهیجمی.

رفته ابتدا اطاعت او کردند بعد سروازدند، و او با آنها مقاتله ها کرد و در سنوات بعد بسیاری از این مملکت را مسخر کرد، فوت لبید بن ربیع شاعر و بعضی در سال دیگر گفته اند.

اروپا — امپراطور قسطنطین به واسطه افراط در عیش و لهو و لعب مبعوض اهالی قسطنطنیه شده براو شوریدند و او از سلطنت استعفا کرده به طرف ایتالیا فرار کرد.

[سنه ۴۲ هجری = سنه ۶۶۲ مسیحی]

آسیا — جنگ مسلمین در اللان، جنگ مسلمین با رومیها و منهزم شدن رومیها و کشته شدن جمعی از بطارقه آنها، تولد حجاج بن یوسف به قوی، ولایت مروان بن حکم در مدینه به حکم معاویه، ولایت خالد بن عاص بن هاشم در مکه، اتفاق سه نفر از بزرگان خوارج که مُشْتَوِرِ بْنِ عُلْفَةِ التیمی باشد از نیم الزباب و مُعَاذِ بْنِ جُوَیْنِ الطائی و حیان بن ظَبَّیَانِ السُّلَمی و بیعت کردن با مُشْتَوِرِ و قبول کردن او را به ریاست و مصمم خروج شدن، آمدن زیاد بن سمیه که از جانب امیر المؤمنین (ع) عامل فارس بود نزد معاویه به دلالت مغیره بن شعبه و استیذان او از معاویه و آمدن به کوفه نزد مغیره، فوت حبیب بن مسلمة الفهری در ارمینیه که از جانب معاویه امارت این ولایت داشت، فوت عثمان بن طلحة بن ابی طلحة العبدری، فوت عبد یزید بن هاشم بن مطلب که مصارعه با حضرت رسول کرده بود و صفوان بن امیه بن خلف الجحمی، فوت هانی بن نیار بن عمرو الانصاری که خال براء بن عازب بود و بعضی فوت هانی را در سال سی و پنج نوشته اند، فتح عبدالرحمن بن سمره زنج را.

[سنه ۴۳ هجری = سنه ۶۶۳ مسیحی]

آسیا — جنگ بُسر بن ابی ارطاة در روم و تاختن تا قسطنطنیه به عقیده بعضی، فوت عمرو عاص در مصر روز فطر، ولایت عبدالله بن عمرو بن عاص در مصر، فوت محمد بن مسلمة در مدینه، رفتن مُشْتَوِرِ بْنِ عُلْفَةِ التیمی با جمعی از خوارج از کوفه و مامور شدن معقل بن قیس از جانب مغیره با سه هزار نفر به مقاتله او و تعاقب کردن معقل مُشْتَوِرِ را به مسافت زیادی و پس از جنگهای سخت، کشته شدن معقل به نیزه مُشْتَوِرِ و کشته شدن

مستورد به شمشیر معقل، عامل کردن عبدالله بن [عامر] عبدالرحمن بن سمره را به سجستان و جنگ او با اهل سجستان که صغیان کرده بودند، و راندن تا کابل، و گرفتن این شهر را به غلبه و رفتن به بست و گرفتن بست را نیز به غلبه و فتح کردن سایر نواحی سجستان را جنگ عبدالله بن سوار العبدی در قیقان از سند به امر عبدالله بن عامر و بعضی گفته اند به امر معاویه، عزل کردن عبدالله بن عامر قیس بن هشیم بن قیس^۱ را از خراسان و عامل کردن عبدالله بن حازم را به جای او، فوت عبدالله بن سلام.

[سنه ۴۴ هجری = سنه ۶۶۴ مسیحی]

آسیا — عزل عبدالله بن عامر از بصره، استلحاق معاویه زیاد بن سمیه را، یعنی قبول کردن که او پسر ابوسفیان است، جنگ مهلب بن ابی صفرة در ثغرسند و آمدن به نَیبه و اهواز و مقاتله بادشمن در این حدود، فتح کردن عبدالرحمن کابل را. ساختن مروان بن حکم مقصوره ای در مدینه و این اول مقصوره ایست که در مدینه ساخته شد، فوت ام حبیبه دختر ابوسفیان از زوجات حضرت رسول (ص) مقتول شدن رفاعه عدوی بصری از عدی رباب، وفات ابوموسی اشعری.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۴۵ هجری = سنه ۶۶۵ مسیحی]

آسیا — ولایت حارث بن عبدالله ازدی در بصره که پس از چهار ماه معزول شد، ولایت زیاد بن سمیه در بصره که خراسان و سجستان و هند و بحرین نیز ابواب جمع او شده و او کار سلطنت معاویه را نهایت محکم نمود و اهل بصره را از فسق و فجور نهی کرد، فوت زید بن ثابت الانصاری و بعضی فوت زید را در سال پنجاه و پنج گفته اند، فوت سلمه بن سلمه بن وقش الانصاری، فوت ثابت بن ضحاک بن خلیفه الکلابی از اصحاب شجره.

[سنه ۴۶ هجری = سنه ۶۶۶ مسیحی]

آسیا — مراجعت عبدالله بن خالد بن ولید^۲ از روم و مسموم شدن او در خیمه به دست

۱. در کامل: قیس بن الهیثم القیسی.

۲. در کامل: عبدالرحمن بن خالد بن ولید و همین صحیح است.

ابن اثنال نصیرانی به اشاره معاویه که خالد پسر او بعد قاتل پدر را بکشت و چند گاهی به این واسطه محبوس معاویه شد، خروج ستم و خطیم و کشته شدن آنها، حج کردن عتبه بن ابی سفیان، فوت صالح بن کیسان، فرار کفار ترک از ربیع بن زیاد در سجستان.

[سنه ۴۷ هجری = سنه ۶۶۷ مسیحی]

آسیا — در زمستان این سال مالک بن هبیره در خاک روم بود و عبدالرحمن قینی در انطاکیه، عزل عبدالله بن عمرو عاص از ولایت مصر و نصب معاویه ابن حذیفه را به جای او، مقاتله حکم بن عمرو در جبال غور و غلبه او.

[سنه ۴۸ هجری = سنه ۶۶۸ مسیحی]

آسیا — جنگ عقبه بن عامر جهنی یا اهل بحرین و اهل مدینه، عامل کردن زیاد، غالب بن فضالة لیشی را در خراسان، فرستادن معاویه لشکر عظیمی با سفیان بن عوف به قسطنطنیه و محاصره کردن آنها قسطنطنیه را، و وفات ابویوب انصاری در مدت محاصره — گویند معاویه یزید را امر به همراهی این لشکر کرد و او تقاعد نموده اشعاری خواند که از مضمون آن میل به آسایش و عیش و اعراض از مخاطرات مفهوم می شد معاویه شنید و او را مجبور به این سفر کرد بعضی این واقعه را به سال چهل و نهم نسبت داده اند.

[سنه ۴۹ هجری = سنه ۶۶۹ مسیحی]

آسیا — عزل مروان بن حکم از مدینه و نصب سعید بن عاص به جای او، شهادت حضرت امام حسن (ع) بواسطه مسموم کردن جعده دختر اشعث بن قیس الکندی زوجه آن حضرت آن بزرگوار را، گویند چون معاویه می خواست یزید را ولیعهد کند و این فقره با حیات حضرت امام حسن (ع) درست نمی آمد جعده را بفریفت و به او وعده ها داد و او آن حضرت را مسموم کرد و پس از رحلت خواستند در جوار قبر منور رسول (ص) آن حضرت را دفن کنند مروان بن حکم با بنی امیه مانع شدند لهذا جسد آن حضرت را در قبرستان بقیع به خاک سپردند.

[سنه ۵۰ = سنه ۶۷۰ مسیحی]

آسیا- وفات مغیره بن شعبه والی کوفه که مدتها بود اعور شده و یکچشم او در یرموک نابینا گردیده، ولایت زیاد بن سمیه در کوفه علاوه بر اینکه ولایت بصره را داشت، فتح قهستان بقولی خروج قریب ازدی و زحاف طائی از خوارج و کشته شدن آنها، قصد کردن معاویه که منبر حضرت رسول (ص) و عصای آنحضرت را به شام نقل نماید و گرفتن آفتاب و نهی جمعی و ترک معاویه این قصد را، فوت حکم بن عمرو الغفاری در مرو به قولی، فوت سعد بن ابی وقاص در عتیق^۱ به قولی، فوت صفیه دختر حنی بن اخطب از زوجات حضرت رسول (ص) بقولی، وفات عثمان بن ابی العاص الثقفی و عبدالرحمن بن سمره بن حبیب بن عبدالشمس در بصره، وفات ابوموسی اشعری به قولی، فوت مدلاج بن عمرو سلمی.

اروپا - جنگ بُسر بن ارطاة و سفیان بن عوف ازدی در خاک روم به قولی، و جنگ فضالة بن عبدالله الانصاری در دریا.

افریقا - عزل معاویه بن حُذَیج السکونی از ولایت مصر و ولایت مِثْلَمَة بن مُخَلَّد در مصر و افریقا به قولی، اما اصح اینست که در این سال ولایت افریقا باعُثْبَة بن نافع بود، و گفته اند معاویه بن حُذَیج در این سال فقط از حکمرانی افریقا معزول شد و عُثْبَة بن نافع به جای او مامور شده، بهر حال چون لشکر کشی در این ناحیه زیاد بود در این سال عقبه در سمت جنوب کرتاژ در چهار هزار ذرعی دریا شهر قیروان را بنا نهاد که مأمن عساکر مُسلمین و اموال آنها باشد و دوره این شهر سه هزار و شصت باع بود (باع اندازه گشودن و دراز کردن هردو دست است و تیکه از هم بگشایند) در سال پنجاه و پنجم این شهر تمام و مسکون شد، و در ظرف این مدت عساکر اسلام در اطراف افریقا فتوحات کردند و متصرفات مسلمانان اتساعی بهم رسانید و اختلاف در این اخبار بسیار است الا آنکه مسلم است قیروان را عُثْبَة ساخته و مسکون نموده، و ولایت مِثْلَمَة بن مُخَلَّد در مصر و افریقا پس از عزل عقبه بوده و از جانب مسلمة ملازم او موسوم به ابوالمهاجر حکومت افریقا یافته.

[سنه ۵۱ هجرى = سنه ۶۷۱ مسیحی]

آسیا - مخالفت حُجر بن عدی از دُستان علی بن ابیطالب علیه السلام بامعاویه و زیاد بن سمیّه، که آخر الامر با اصحاب خود کشته شد، کشته شدن عمرو بن الحمق و متابعتین او نیز، دادن زیاد بن سمیّه حکومت خراسان را به ربیع بن زیاد الحارثی، کوچانیدن پنجاه هزار نفر بصری و کوفی را با اهل و عیال به همراهی ربیع به خراسان و غلبه بر بلخ صلحاً بعد از آنکه خود سری مینمودند، و غلبه بر قهستان قهراً، فوت جریر بن عبدالله بجلی به قولی، فوت میمونه بنت الحارث از زوجات حضرت رسول (ص) به قولی، کشته شدن سعید بن زید از عشره مبشره بامر معاویه.

[سنه ۵۲ هجرى = سنه ۶۷۲ مسیحی]

آسیا - خروج زیاد بن خیراش عجلی و فرستادن زیاد بن شمیّه، سعد بن حذیفه را با جماعتی به دفع او و مقاتله کردن در ارض مسکن از سواد و رفتن ازین محلّ، خروج مُعاذ طائی بر زیاد و کشته شدن او به قولی، فوت عمران بن الحصین الخزاعی در بصره فوت کعب بن عُجره.

اروپا - جنگ سفیان بن عوف اسدی در روم و ماندن فصل زمستان در خاک روم و وفات او در آنجا به قولی، بعضی گفته اند بُسر بن ابی ارقطه در این سال در زمستان با سفیان بن عوف در خاک روم بود، و محمد بن عبدالله ثقفی در تابستان با رومیها جنگ کرد، اصح روایات اینست که در این سال یزید بن معاویه شهر قسطنطنیه را محاصره کرد و درین محاصره یکنوع فشنگ آتشین که به (آتش کرزوا) معروف بود بکار برده ولی بفتح قسطنطنیه نایل نشد (آتش کرزوا بمعنی آتش یونانیانست و مخترع آن کالی نیک نامی از اهل یونان بوده که در شام سکنی داشته و آن عبارتست از اختلاط بعضی مواد محترقه از قبیل سندروس و نفت و غیره که دخلی به اجزای باروط ندارد و در آب هم میسوزد و در ماه هفتم مخصوصاً برای سوزانیدن سفاین جنگی اعراب اختراع شده بود).

[سنه ۵۳ هجرى = سنه ۶۷۲ مسیحی]

آسیا - فوت زیاد بن سمیّه، فوت ربیع بن زیاد حارثی که از جانب زیاد عامل خراسان

بود، فوت عبدالرحمن بن ابی بکر صدیق در راه مکه به قولی، فوت فیروز دیلمی عامل معویه در صنعا، فوت عمرو بن حزم انصاری، فوت فضالة بن عبید الانصاری در دمشق به قولی.

اروپا — فتح کردن جنادة بن ابی امیه از دی مجدداً جزیرهٔ رُدی را و ورود مسلمین در اینجزیره که اینمعنی برای رومیها نهایت مضر بود و دائماً سفاین آنها را مُسلمین می گرفتند.

[سنه ۵۴ هجری = سنه ۶۷۳ مسیحی]

آسیا — عزل سعید بن عاص از حکمرانی مدینه و نصب مروان بن حکم به جای او، حکومت عبدالله بن عمرو بن غیلان در بصره در ظرف ششماه، عامل نمودن معاویه عبیدالله بن زیاد را در خراسان و آمدن او به اینولایت و عبور کردن از جیحون و رفتن تا جبال بخارا و آنحدود بالشکر و گرفتن راقمی و نسف و بیکند را ازاعمال بخارا و دریافت غنایم بسیار. گویند در جنگ باترک یعنی در فرار آنها زوجهٔ پادشاه که باپادشاه در آنجنگ همراه بود چون مهبّای فرار شد یک کفش خود را در پا کرده و کفش دیگر را می خواست بپوشد و فرار کند که بدست عساکر اسلام اسیر شد و او را به دو یست هزار درهم اتراک خریدند، فوت ابوقتاده انصاری به قولی، فوت حو یقلب بن عبدالعزی در صد و بیست سالگی، فوت ثوبان غلام رسول الله (ص)، فوت اسامة بن زید به قولی، فوت سعید بن یربوع بن عثکته در صد و بیست و چهار سالگی، فوت مخرمة بن نوفل، فوت عبدالله بن أنیس الجهنی، مقتول شدن زید بن شجرة الزهاوی در جنگ به قولی.

اروپا — جنگ معن بن زید سُلمی در روم، فتح جزیرهٔ ارواد که در نزدیکی قسطنطنیه است به سرداری جنادة بن امیه که تا هفت سال مسلمین در این جزیره بودند، بعد به حکم یزید مراجعت کردند.

[سنه ۵۵ هجری = سنه ۶۷۴ مسیحی]

آسیا — عزل عبدالله بن عمرو بن غیلان از ولایت بصره و نصب عبیدالله بن زیاد به جای او، و دادن ابن زیاد ولایت خراسانرا به أسلم بن زُرعة الکلابی که او نه جنگی در

خراسان کرد و نه فتحي، عزل عبدالله بن خالد از ولايت كوفه، و نصب ضحاک بن قيس به جای او بروایتی، فوت ارقم بن ابی الارقم المخزومی، و این آن کسی است که رسول (ص) در مکه در خانه او مخفی شدند، فوت ابوالنسر کعب بن عمرو انصاری، و بعضی فوت این هردو را در سال دیگر نوشته اند، وفات سعد از عشره مبشره که آخرین آنها بود.

[سنه ۵۶ هجری = سنه ۶۷۵ مسیحی]

آسیا - نصب کردن معاویه یزید را به ولايت عهد و بیعت گرفتن از مسلمین برای یزید طوعاً و کرهاً، ولايت سعید بن عثمان بن عفان در خراسان و عبور کردن او از جیحون و آمدن به سمرقند و فتح سغد و ترمذ که در این جنگها قثم بن عباس بن عبدالمطلب کشته شد، فوت جویریته دختر حارث زوجه رسول الله (ص).

اروپا - جنگ مسلمین با رومیها بقولی برآ و بحرأ که سردار لشکر بتری عیاض بود و سردار عساکر بحری یزید بن شجره و بعضی اشخاص دیگر را گفته اند.

[سنه ۵۷ هجری = سنه ۶۷۶ مسیحی]

آسیا - عزل مروان بن حکم از مدینه بقولی و نصب ولید بن عتبة بن ابی سفیان به جای او، فوت عبدالله بن عامر به قولی، فوت عبدالله بن قدامة السعدی یا عبدالله بن عمرو بن وقدان السعدی، فوت عثمان بن شیبۀ بن ابی طلحة العبدی که جذبنی شبیه بود و بنی شبیه خدام کعبه بودند و کلید کعبه به دست آنها است فوت جبیر بن مظلم بن نوفل القرشی فوت ام سلمه از زوجات حضرت رسول (ص) و بعضی گفته اند ام سلمه در سال شهادت حضرت سید الشهداء امام حسین (ع) زنده بود.

[سنه ۵۸ هجری = سنه ۶۷۷ مسیحی]

آسیا - عزل ضحاک بن قيس از ولايت كوفه و نصب عبدالرحمن بن عبدالله بن عثمان الثقفی معروف بابن ام حکم که خواهرزاده معاویه بود بجای او، خروج خوارجی که مغیره آنها را حبس کرده بود، به ریاست حیان بن ظبیان سلمی و معاذ بن جؤین طائی و

کشته شدن آنها به دست لشکر کوفه، سوء سیرت و عمل ابن امّ الحکم در کوفه، و راندن اهل کوفه اورا، و آمدن نزد معاویه و دادن معاویه ولایت مصر را به او و برگردانیدن معاویه بن حُدیج اورا از دو منزلی مصر به جهة سوء عمل او، و بعضی مراجعت ابن امّ الحکم را از کوفه در سال بعد نوشته اند، خروج طوایف بن غلاق^۱ با بعضی خوارج بصره و مقتول شدن آنها به دست لشکر بصره، کشته شدن عُرْوَة بن اُذَیْه برادر ابی بلال مرداس از خوارج و جمع دیگر از خارجیها به حکم عبیدالله بن زیاد و حبس جمعی از خوارج نیز به حکم عبیدالله، وفات عقبه بن عامر الجُهَنی، وفات عایشه بنت ابی بکر از زوجات رسول الله (ص)، وفات سُمره بن جندب و مالک بن عُبادَة الغافقی و عمیره بن یثربی قاضی بصره.

اروپا — جنگ کردن مالک بن عبدالله خثعمی در خاک روم، و عمرو بن یزید الجُهَنی در دریا، و بعضی به جای عمرو و جُنَادَة بن ابی امیه را گفته اند.

[سنه ۵۹ هجری = سنه ۶۷۸ مسیحی]

آسیا — ولایت نعمان بن بشیر الانصاری در کوفه، ولایت عبدالرحمن بن زیاد در خراسان، عزل عبیدالله بن زیاد از بصره و نصب او مجدداً، فوت قیس بن سعد بن عُبادَة الانصاری در مدینه به قولی، وفات سعید بن عاص، وفات مُرّة بن کعب البهری السّلمی، وفات ابومحذوره جُمَحی که در مکه مؤذن حضرت رسول (ص) بود به قولی، وفات عبدالله بن عامر گریز به مکه، وفات ابوهریره، جنگ مُسلمین در حصن کَمَخ و مقاتله عُمر بن حباب سُلمی و سعی شخص او در گرفتن قلعه و غلبه بر رومیها.

[سنه ۶۰ هجری = سنه ۶۷۹ مسیحی]

آسیا — وفات معاویه در شب اول رجب یا در نیمه رجب یا بیست و دویم اینماه در حالتیکه زیاده از هفتاد سال داشت و مدت ملکش نه سال و سه ماه بود تقریباً، بیعت مردم بایزید در ماه رجب، و نوشتن به ولید بن عُتْبَة بن ابی سفیان که از حضرت امام حسین علیه السلام، و عبدالله بن عمر، و ابن زبیر، برای او بیعت بگیرد، و دعوت ولید حضرت امام حسین (ع) و ابن زبیر را به بیعت یزید و قبول نکردن و رفتن آن بزرگوار و ابن

۱. کامل: ظَوَاف بن غَلّاق.

زبیر به مکه، عزل کردن یزید و لید بن عتبہ را از مدینہ، و نصب کردن عمرو بن سعید اشدق را به جای او، نامه نوشتن اهل کوفہ بحضرت امام حسین (ع) و مستدعی قدوم آن بزرگوار شدن برای بیعت با آنحضرت و معارف اشخاصی که نامه نوشتند: سلیمان بن صرد خزاعی، و مسیب بن نحبۃ^۱، و رفاعة بن شداد، و حبیب بن مظاهر، و شبت بن ربیع، و حجار بن أبجر، و یزید بن حارث و یزید بن رُویم و عروقه بن قیس، و عمرو بن حجاج زبیدی، و محمد بن عمرو التمیمی^۲ بودند. فرستادن حضرت امام حسین (ع) مُسلم بن عقیل را به کوفہ برای معلوم کردن آرای اهل کوفہ، آمدن مسلم به کوفہ و نزول او در خانه مختار، و بیعت کردن مردم با مُسلم، و نوشتن عبدالله بن سعید حضرمی و غیره واقعه را برای یزید، و عزل کردن نعمان بن بشیر را از ولایت کوفہ، و دادن ولایت کوفہ را به علاوۃ حکومت بصره به عبیدالله بن زیاد و امر کردن او را به قتل یا نفی مُسلم بن عقیل، نامه نوشتن حضرت امام حسین (ع) به اشراف بصره و دعوت کردن آنها را به راه حق، بیرون آمدن ابن زیاد از بصره با مسلم بن عمرو باهلی، و شریک بن اعور الحارثی، و خدم و حشم و اهل [بیت]^۳ خود به قصد کوفہ و آمدن به این شهر و مردم را به اطاعت یزید ترغیب کردن، و وعد و وعید نمودن و شنیدن مسلم ماجرا را و رفتن از خانه مختار به خانه هانی، مریض شدن شریک بن اعور و رفتن به خانه هانی، و وفات کردن او در حالتیکه مجده در تشیع بود و در عیادت ابن زیاد از او مسلم را که در خانه هانی پنهان بود به قتل ابن زیاد تحریض کرد ولی مُسلم اقدام ننمود، خبر شدن ابن زیاد از محل و مکان مسلم و بیرون آمدن مسلم از خانه هانی و جمع شدن اشخاصی که با مسلم بیعت کرده و هیجده هزار نفر بودند، و گرفتن دوردارالاماره را که ابن زیاد در آن بود، و متفرق شدن اصحاب مسلم به وعد و وعید تبعه ابن زیاد، و تنها ماندن مسلم و گرفتار شدن و شهادت آن بزرگوار به دست بکر بن حرمان در بام دارالاماره در هشتم ذیحجه و کشته شدن هانی، و فرستادن ابن زیاد سر مسلم و هانی را برای یزید، توجه حضرت امام حسین علیه السلام از مکه به عراق و شنیدن خبر شهادت مسلم را در ثعلبیّه، فوت جرهد الأسلمی، وفات حکیم بن جزام، وفات ابواسید الساعدی، و بعضی فوت ابواسید را در شصت و پنج نوشته اند. وفات

۱. کامل: مسیب بن نَجْبَة تنقیح المقال: نجبة بفتح النون والجيم والباء الموحدة.

۲. کامل: محمد بن عُثْمیر التمیمی ضبط طبری نیز همین است در تنقیح المقال نامی از او نیست.

۳. عبارت الکامل این است: «ثم خرج من البصرة و معه ... حشمه و اهل بینه».

صَفْوَان بن الْمُعَقَّل السَّلَمی به قولی.

اروپا - داخل شدن جُناده جزیره ردوس را، و خراب کردن شهر این جزیره را به قولی، جنگ مالک بن عبدالله در سوریه، طایفه بلغار که یکی از طوایف ترکستان هستند ساحل رود دانوب (طونه) را متصرف شده هر سال باج و خراج از سلاطین قسطنطنیه طلب میکنند و سالها سلاطین قسطنطنیه از آنها در وحشت و دهشت می باشند.

[سنه ۶۱ هجری = سنه ۶۸۰ مسیحی]

آسیا - ورود حضرت امام حسین علیه السلام به کربلا روز پنجشنبه دویم محرم به همراهی حرّ که بادو هزار سوار از لشکر ابن زیاد به مقابله آنحضرت شتافته و در مکان معروف به سراف^۱ با آنحضرت ملحق شده و تکلیف می کرد که جناب خامس ال عبارا به کوفه نزد ابن زیاد برد، و فرود آوردن حرّ حضرت را به محلی که وصول به آب متعسر بود، ورود عمر بن سعد بن ابی وقاص با چهار هزار سوار به کربلا روز بعد از ورود حضرت امام حسین (ع) یعنی سیم محرم، و اظهار حضرت ابی عبدالله (ع) به او که بگذارد حضرت از همان راهی که تشریف آورده اند معاودت فرمایند، یا تجهیز رفتن نزد یزید نمایند، یا بروند به یکی از ثغور، و نوشتن ابن سعد تفصیل را به ابن زیاد، و در غضب شدن ابن زیاد، و مامور کردن شمر ذی الجوشن را که به کربلا آمده به ابن سعد اظهار دارد که اگر مقاتله با حضرت ابی عبدالله علیه السلام نمینماید سرداری قشون را به شمر واگذار کند، آمدن شمر به کربلا و اظهار داشتن مراتب را به ابن سعد، و اختیار کردن ابن سعد جنگ با ابی عبدالله (ص) را و مصمم شدن به قتال در عصر پنجشنبه نهم محرم، و مهلت طلبیدن امام مظلوم (ع) که فردا به جنگ اقدام شود، اظهار داشتن حضرت به همراهان خود واقعه را، و رخصت دادن که هر کس مایل است ترک خدمت آن بزرگوار را نموده به هرجا

۱. جایی به نام سراف شناخته نشد ظاهراً باید شراف باشد. شرحی در معجم البلدان در باره شراف آمده و محل آن را در هشت میلی الاحساء معین کرده عبارتست که در کامل ابن اثیر آمده در چاب اروپا ناقص است مینویسد: «و سارالحسین بن شراف...» بهرحال جایی بوده نزدیک قادسیه و صحیح آن نیز شراف است.

که می خواهد برود، و رفتن بسیاری و ماندن معدودی، و نظیر این واقعه نیز هنگام استماع خبر شهادت مسلم بن عقیل در بین راه اتفاق افتاده بود، واقعه جانسوز کربلا در روز عاشورا و شهادت حضرت خامس آل عبا و همراهان آنحضرت که سی و دو نفر سواره و چهل پیاده بودند، و قاتل حضرت یاسنان ملعون بوده یا شمر علیه اللعنه، و عمر شریف آن بزرگوار به روایت اصح پنججاه و پنج و بعضی شصت و یکسال گفته اند، بردن سرهای مطهر شهدا و اهل بیت آنحضرت را به اسیری به کوفه و از کوفه به شام نزد یزید ملعون و امر کردن آنملعون به نعمان بن بشیر که تهیه اهل بیت علیهم السلام را به نیکوئی دیده ایشانرا محترما به مدینه برساند، مؤلف گوید علاوه بر اینکه بنای نگارش این کتاب بر اختصار و اظهار رؤس وقایع و اخبار است واقعه حزن انگیز کربلا نیز با وجود اختلاف روایات چندان مشهور است که محتاج به شرح نیست.

(سیل سرشک دوستان این غم فزاتاریخ را هر ساله با آه و فغان از نو مجده می کند)

در مدفن سرمنور حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحية والثناء اختلاف است بعضی گویند به مدینه بردند و در جوار حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها دفن کردند، و برخی بر این اند که در دمشق نزدیکی باب الفردیس مدفون شد. بعقیده جماعتی در عسقلان دفن شده، بعد خلفای مصر آنسر مطهر را از عسقلان به قاهره برده در آنجا دفن کردند، و مشهد الحسین (ع) در مصر معروفست. ابن بطوطه گوید در جهة یسار باب شرقی جامع دمشق مشهد سر مبارک حضرت سیدالشهداست. ابرام عبدالله بن زبیر که در مکه اقامت داشت بر مخالفت وعدم اطاعت یزید، کشته شدن ابی بلال مرداس بن جدیر^۱ البحنظلی در مقاتله بالشکر ابن زیاد و کشته شدن جمعی دیگر از خوارج، ولایت سلم بن زیاد در خراسان و سجستان به امر یزید و مأمور شدن یزید بن زیاد برادر سلم از جانب او به سجستان، نیز مأموریت طلحة الطلحات از جانب سلم بن زیاد به سجستان، عزل کردن یزید عمرو بن سعید را از حکومت مدینه به جهة رفق او با عبدالله بن زبیر و نصب کردن ولید بن عتبة بن ابی سفیان را به جای او، وفات علقمة بن قیس نخعی صاحب ابن مسعود به قولی، وفات ابن جارود عبدی، و جابر بن عتیک الانصاری و حمزة بن عمر اسلمی^۲ و خالد بن عرفة اللیثی نیز بقولی در این سال در گذشت، وفات ام سلمه و میمونه

۱. کامل و طبری: حذیر.

۲. کامل: حمزة بن عمرو الأسلمی.

از زوجات حضرت رسول (ص) بقولی.

اروپا — (رُم) اقاتن پاپ از امپراطور قسطنطین خواهش نمود که مالیاتیکه هرساله پاپ بقسطنطنیه می فرستاد از آن معاف باشد و امپراطور خواهش او را قبول کرده معاف شد، ولی شرط کردند که در تعیین پاپها امپراطورهای قسطنطنیه حق مداخله ورده و قبول داشته باشند (انگلیس) فوت سه مان شاعر معروف که از دیوان او فقط قصیده ای که در خلقت عالم گفته به دست است.

[سنه ۶۲ هجری = سنه ۶۸۱ مسیحی]

آسیا — عزل کردن یزید ولید بن عتبه را از حکومت مدینه و نصب کردن عثمان بن محمد بن ابوسفیان را به جای او، ولادت محمد بن علی بن عبدالله بن عباس پدر سقاح و منصور، فوت عبدالمطلب ربیعه بن الحارث بن عبدالمطلب بن هاشم الهاشمی، وفات مسلمة بن مخلد الانصاری، فوت ابوالمسلم خولانی از کبار تابعین.

افریقا — ولایت عقبه بن نافع از جانب یزید در افریقا، و مقاتله او با رومیها و بربریهها، و غلبه او و فتح کردن بعضی از بلاد این اقلیم را، خروج کسيلة بن کرم البربری که از مسلمین بود در افریقا و استیلای او که تازمان عبدالملک بن مروان در این اقلیم فرمانروائی داشت و در اینوقت زهیر بن قیس ولایت افریقا یافته و با کسيلة مقاتله کرده او را بکشت، فوت مسروق بن اجدع در مصر بقولی.

[سنه ۶۳ هجری = سنه ۶۸۲ مسیحی]

آسیا — اتفاق اهل مدینه برخلع یزید و اخراج عثمان بن محمد بن ابی سفیان^۱ حاکم مدینه، مامور کردن یزید مسلم بن عقبه را باده هزار سوار به مقاتله اهل مدینه و نزول او به مدینه از جهة حرّه و مهیا شدن اهل مدینه جنگ را، و حفر کردن خندق و وقوع قتال شدید و کشته شدن فضل بن عباس بن ربیعه بن حارث بن عبدالمطلب، و کشته شدن جماعتی از اشراف انصار و مهاجرین و غیره، و انهزام اهل مدینه، و حکم کردن مسلم که

۱. در متن: محمد بن سفیان.

در ظرف سه روز همراهان او در مدینه قتل کنند؛ و هر چه بیايند غارت نمايند، و بانسوان درآميزند. و اين واقعه در عشر آخر ذیحجه واقع شده است، و پس از اين هتک و فتک مُسلم از باقيماندگان بيعت گرفت براينکه غلامان و کنيزان معاويه باشند و بالشکر به طرف مکه راند. و بعد از وقوعه حرّه مسلم را مسرف خوانده اند. وفات بریده بن خصيب و علقمه بن قيسر از اصحاب، و اسلمی صحابی، وفات ربیع بن خُثيم^۱ کوفی زاهد.

افریقا — کشته شدن عقبه بن نافع والی افریقیه در جنگ با مغربيهها.

[سنه ۶۴ هجرى = سنه ۶۸۳ مسیحى]

آسيا — رفتن مُسلم بن عقبه از مدینه به عزم مکه و مُردن او در بين راه، که حصين نمير سکونى به جای او به ریاست قشون برقرار گردید، محاصره کردن حصين مکه معظمه و عبدالله بن زبیر را تا چهل روز، و نصب منجنيقها بر کوه ابوقبيس و انداختن سنگ به کعبه و مسجد الحرام که عبدالله بن زبیر در آنجا بود، و سُوزانیدن آن به آتش که پس از اين مدت خبر فوت یزید به حصين رسید و دست از قتال کشید و به عبدالله بن زبیر تکلیف کرد با او به شام رود تا حصين عبدالله را به خلافت بردارد و انگار عبدالله و رفتن حصين به شام و پشيمان شدن عبدالله از اينکه تکلیف حصين را قبول نکرد، فوت یزید بن معاويه در نیمه ربیع الاول در سى و هشت سالگی، مادر یزید میسون دختر بجدل کلبيه بوده، مدت خلافتش سه سال و ششماه، بيعت مردم با معاويه بن یزید در ربیع الاول که چهل روز یا سه ماه خلافت کرد بعدها خود اعراض از اين شغل کرده مردم را مختار نمود که هر که را بخواهند خليفه کنند و از آنها غایب شده تا در گذشت، بيعت اهل مکه با عبدالله بن زبیر که بعد از آن اهل بصره و عراق و حجاز و یمن نیز با او بيعت کردند، رفتن مروان بن حکم به شام و دو فرقه شدن مردم، که یکفرقه تبعیت مروان را اختیار کردند، و فرقه دیگر تابع ضحاک بن قیس گردیده، و مقاتله اين دو فرقه در مرج راهط از غوطه دمشق و کشته شدن ضحاک و هزیمت تبعه او که بدینواسطه خلافت مروان در شام مسلّم گردید، و اينسال به آخر رسید، در حالتیکه مروان خليفه مصر و شام بود و ابن زبیر خليفه حجاز و عراق و یمن. خراب کردن ابن زبیر کعبه را که مرمت بهمرسانیده بود و بنا کردن آن را

به صورت اولیه و بعضی اینواقع را به سال بعد نسبت داده اند، ولایت عبدالله بن حارث در بصره و فرار ابن زیاد از بصره به شام، مخالفت اهل ری به ریاست فرخان رازی و مغلوب و منهزم شدن آنها از عتاب بن ورقاء الریاحی التمیمی که از جانب عامر بن مسعود حاکم کوفه به دفع آنها مامور شده بود و کشته شدن فرخان، بیعت اهل خراسان با سلم بن زیاد و مخالفت با او بعد از دوماه و مطیع کردن عبدالله بن خازم اهل این ایالت را به مقاتله و جنگهای شدید، تهیه دیدن جماعتی از دوستان حضرت سیدالشها (ع) و بزرگان شیعه برای طلب خون آن بزرگوار، کناره کردن خوارجی که به مکه آمده بودند از عبدالله بن زبیر، آمدن مختار بن ابوعبیده ثقفی به قصد فراهم نمودن اسباب قتال با قاتلین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، وفات شذاد بن اوس بن ثابت پسر برادر حسان بن ثابت، وفات میسور بن مخرمه در مکه، وفات ابوبرزه اشهلی در خراسان، وفات ولید بن عتبة بن ابی سفیان به قولی، وفات شقیق بن ثور السدوسی، کشته شدن نعمان بن بشیر انصاری صاحب حمص.



[سنه ۶۵ هجری = سنه ۶۸۴ مسیحی]

آسیا — فرستادن مروان، عبیدالله بن زیاد را به جزیره و محاربه زبیر بن حارث^۱ به قرقسیا و امر مروان باینکه هرجائی را که فتح کرد در تحت حکومت او باشد و پس از اتمام کار جزیره متوجه عراق شود و این مملکت را از دست گماشتگان ابن زبیر خارج کند، فوت مروان بن حکم که زوجه او که مادر خالد بن یزید بود او را خفه کرد و این در سیم رمضان بود، و مدت خلافتش نه ماه و هیجده روز و عمرش شصت و سه سال، خروج سلیمان بن صرد خزاعی به خونخواهی حضرت امام حسین علیه السلام و مقاتله او با سپاه شام در عین الورد که از شهرهای بلاد جزیره است و کشته شدن او و کشته شدن مسیب بن نجبه و جمعی دیگر و این واقعه در ربیع الاخر بود، خلافت عبدالملک بن مروان و بیعت مردم با او در رمضان، رسیدن خبر فوت مروان در جزیره به ابن زیاد و مامور شدن او از جانب عبدالملک به همان ماموریتی که داشت، کشته شدن نافع بن ازرق از خوارج و منهزم شدن تبعه او که معروف به ازرقه میباشند از مهلب بن ابی صفره. معزول کردن عبدالله بن

زبیر برادر خود عبیده بن زبیر را از حکومت مدینه و منصوب کردن مصعب بن زبیر برادر دیگر خود را، محاربه ابن حازم سلمی و بنی تمیم در خراسان، ظهور طاعون شدید در بصره.

افریقا — وفات عبدالله بن عمرو بن عاص السهمی در مصر که در آخر عمر کور شده بود و بعضی فوت او را در سال شصت و هشت نوشته اند.

[سنه ۶۶ = سنه ۶۸۵ مسیحی]

آسیا — خروج مختار بن ابوعبیده ثقفی در کوفه به جهة خونخواهی حضرت سیدالشهدا علیه السلام و جمع شدن جمع کثیری دورا و بیعت کردن با او و بیرون کردن عبدالله بن مطیع عامل ابن زبیر را از کوفه و تمکن او در کوفه و به دست آوردن شمر ذی الجوشن و کشتن او، و کشتن و سوزانیدن خولی اصبحی، و کشتن عمر بن سعد و حفص پسر عمر را و فرستادن سراین دورا برای محمد بن حنفیه، و فرستادن مختار امراء به ولایات برای ضبط و حکمرانی بلاد، و بعضی کشتن شمر و غیره از قاتلین سیدالشهداء علیه السلام را به سال بعد نسبت داده اند، بیعت مثنی عبدی با مختار، اظهار میل کردن مختار به اطاعت و معاونت محمد بن حنفیه، حبس کردن ابن زبیر محمد بن حنفیه را برای اخذ بیعت و نوشتن محمد ماجرا را به مختار، و لشکر فرستادن مختار به مکه و خلاص کردن محمد را از حبس، مقاتله ابن حازم در خراسان با اشخاصی که از طایفه بنی تمیم بودند، فرستادن مختار ابراهیم بن مالک اشتر را با عساکر به جنگ عبیدالله بن زیاد در عشر آخر ذیحجه اینسال، وفات اسماء بن حارثه الأسلمی از اصحاب صفه به قولی، استیلاي نجد و حروری بریمامه، وفات یزید بن ارقم، وفات عدی بن حاتم در مکه بقولی.

افریقا — ظهور طاعون سخت در مصر.

[سنه ۶۷ هجری = سنه ۶۸۶ مسیحی]

آسیا — مقاتله ابراهیم بن مالک بالشکر عبیدالله بن زیاد در حوالی موصل و غلبه عساکر ابراهیم و کشته شدن عبیدالله بن زیاد به دست ابراهیم، و فرستادن ابراهیم سر او را با سر حصین بن نمیر، و سر شرجبیل بن ذوالکلاع، و سر ربیع بن محارب، و بعضی سرهای

دیگر از سران سپاه ابن زیاد به کوفه نزد مختار و فرستادن مختاران سرها را باسی هزار دینار به مکه نزد محمد بن حنفیه و مصفی شدن تمام ولایت کوفه تا آمدن این و دیار ربیع و غیره مختار را، والی کردن عبدالله بن زبیر مصعب برادر خود را به بصره و طلبیدن مصعب مهلب بن ابی صفره را از خراسان و همراهی کردن او را با عساکر بیشمار به فتح کوفه و جنگ بامختار، و قتال شدید لشکر مصعب با جیش مختار و مغلوب شدن عساکر مختار، داخل شدن مصعب به کوفه و محاصره مختار در قصر دارالاماره و جنگ کردن مختار تا وقتیکه کشته شد، و مقتول شدن تبعه مختار که هفت یا شش هزار نفر بودند، کشته شدن عمر بن علی بن ابیطالب علیه السلام درین جنگ که باقشون مصعب همراهی داشت، فرستادن مصعب سر مختار را با فتح نامه به مکه نزد برادر خود عبدالله بن زبیر، فوت احنف بن قیس تابعی در کوفه، و بعضی فوت احنف را در سال هفتاد و یک برخی در سال شصت و نه نوشته اند، و احنف ابوبحر الضحاک بن قیس بن معاویه بن حصین بن عباده است که معروف به احنف شده و در حلم ضرب المثل میباشد، عزل مصعب از ولایت عراق به حکم عبدالله بن زبیر و نصب حمزه بن عبدالله به جای او بقولی.

اروپا — معاهده ژوستین امپراطور قسطنطنیه با عبدالملک بن مروان به اینکه طایفه قرئیت که عیسوی مذهب متعصب و در کوهستان شامات سکنی داشتند با مسلمانان جنگ نکنند (فرانک) پپن نامی بدون اینکه لقب سلطنت قبول کند در این مملکت سلطنت می نماید و اولاد سلاطین قدیم رابی دخل می سازد.

[سنه ۶۸ هجری = سنه ۶۸۷ مسیحی]

آسیا — عزل حمزه بن عبدالله از ولایت عراق و نصب مصعب به جای او و مراجعت مصعب به این ولایت، حرب عساکر ابن زبیر با خوارج در فارس و عراق، مقاتله عتاب بن ورقاء الریاحی که از جانب مصعب حکومت اصفهان داشت با اهل ری که معاونت خوارج نموده بودند و فتح کردن عتاب ری را به غلبه، مقاتله عبیدالله بن الحر الجعفی با عساکر عبیدالله بن زیاد به قصد ترویج امر عبدالملک بن مروان و مغلوب شدن و هلاکت او، اجتماع چهار لوا در عرفات که یکی از ابن حنفیه، و دیگری از ابن زبیر و سیمی از بنی امیه، و چهارمی از نجده خروری بود، وفات عبدالله بن عباس عم حضرت رسول (ص) بقولی، وفات واقد الیشی که اسمش حارث بن مالک بود، وفات ابوشریح

خزاعی که اسمش خویلد بن عمرو بود وفات عبد الرحمن بن حاطب بن ابی بلتعنه.

[سنه ۶۹ هجری = سنه ۶۸۸ مسیحی]

آسیا — مخالفت عمرو بن سعید اشدق با عبد الملک و کشته شدن او به حکم عبد الملک، عصیان جراحمه در شام، ظهور طاعون در بصره، بنای صخره قدس به امر عبد الملک، وفات ابوالاسود دؤلی واضع علم نحو که قاضی بصره بود.

افریقا — قتل زهیر بن قیس امیر افریقیه.

[سنه ۷ هجری = سنه ۶۸۹ مسیحی]

آسیا — رفتن مصعب با اموال و دواب زیاد به مکه معظمه و تقسیم آن اموال بر قوم خود، وفات عاصم بن عمر بن خطاب.

اروپا — غلبه رومیان بر شامیان و مصالحه عبد الملک با آنها به اینکه هفته ای هزار دینار به آنها بدهد.

[سنه ۷۱ هجری = سنه ۶۹۰ مسیحی]

آسیا — تجهیز و توجه عبد الملک به طرف عراق و تجهیز مصعب به مقاتله او و تلافی فتنین در دیرجائلیق در نزدیکی نهر دجله، تخلف بعضی از اهل اعراق از مصعب که در باطن با عبد الملک ساخته بودند، مقاتله فریقین و کشته شدن ابراهیم بن مالک و مصعب و پسر مصعب، عمر مصعب سی و شش سال بود، و حضرت سکینه بنت حضرت سید الشهداء (ع) و عایشه دختر طلحه در حباله نکاح او بودند، ورود عبد الملک به کوفه و بیعت مردم با او و تمکن او در عراقین که پس از عود از عراق بشر برادر خود را در اینولایت والی کرد، ولایت خالد بن عبدالله در بصره به امر عبد الملک، فتح کردن عبد الملک قیساریه را بقولی، عزل کردن عبدالله بن زبیر جابر بن اسود بن عوف را از حکومت مدینه و نصب کردن طلحه بن عبید الله بن عوف را به جای او و این آخرین والی ابن زبیر بود در مدینه، فوت براء بن عازب در کوفه در امارت مصعب، وفات یزید بن مفرغ الحمیری

الشاعر، وفات رافع بن خدیج انصاری به قولی و عوف بن مالک انصاری صحابی.

[سنه ۷۲ هجری = سنه ۶۹۱ مسیحی]

آسیا - فرستادن عبدالملک بن مروان حجاج بن یوسف ثقفی را بالشکری به مکه به جنگ عبداللّه زبیر و آمدن حجاج در جمادی الاولی به طایف و جنگهای عدیده فیما بین لشکر حجاج و جیش ابن زبیر و محصور کردن حجاج ابن زبیر را در مکه و نصب منجیق و انداختن سنگ به بیت الله الحرام و محاصره در کار بود که سال بسر رسید، خروج ابی فریک الخارجی از بنی قیس بن ثعلبه و غلبه او بر بحرین و کشتن نجده بن عامر حنفی را، مقاتله ابن خازم بابکیر بن وّسّاج که از جانب او حکومت مرو داشت و قبول دعوت عبدالملک کرده بود و کشته شدن ابن خازم و ولایت بکیر در خراسان، فوت عبیده السلمانی از اصحاب علی علیه السلام.

[سنه ۷۳ هجری = سنه ۶۹۲ مسیحی]

آسیا - کشته شدن عبداللّه بن زبیر در مقاتله با حجاج پس از هفتم ماه جنگ در ماه جمادی الثانیه، و عمر ابن زبیر هفتاد و سه سال و اول مولودی بود که بعد از هجرت از مهاجرین متولد شد و مدت خلافتش نه سال، بیعت اهل حجاز و یمن با عبدالملک و اجتماع ناس بر اطاعت او، وفات عبداللّه بن عمر بن خطاب سه ماه بعد از کشته شدن ابن زبیر، ولایت محمد بن مروان برادر عبدالملک در جزیره و ارمینیه، رفتن عساکر بصره و کوفه به جنگ ابوفریک^۲ و کشتن او، عزل کردن عبدالملک خالد بن عبداللّه را از حکمرانی بصره و نصب کردن بشر را به جای او که ولایت کوفه را نیز داشت، وفات اسماء دختر ابوبکر معروف به ذات النطاقین که مادر عبداللّه بن زبیر بود، کشته شدن عبدالرحمن بن عثمان بن عبیدالله که پسر برادر طلحه بن عبیدالله بود و با ابن زبیر کشته شد.

اروپا - جنگ کردن محمد بن مروان با رومیها و شکست دادن آنها، جنگ عثمان بن ولید با رومیها از طرف ارمینیه.

[سنه ۷۴ هجرى = سنه ۶۹۳ مسیحى]

آسیا — خراب کردن حجاج کعبه را، و بیرون آوردن حجر الاسود از بیت و بنای بیت به وضعی که در عهد حضرت رسول (ص) بود، امارت حجاج در حجاز و عزل طارق از مدینه، عزل بکیر بن و ساج از خراسان و ولایت امیه بن عبدالله بن خالد به جای او، فرستادن امیه بن عبدالله پسر خود عبدالله بن امیه را به حکومت سجستان، وفات بشر بن مروان امیر عراقین در بصره، وفات عمرو بن میمون اودی از معمرین به قولی، وفات عبدالله بن غثبه بن مسعود به قولی، وفات ابوسعید بن معلى الانصارى، وفات اوسن بن ضمعج الکوفی.

اروپا — جنگ محمد بن مروان در روم و رسیدن او به اندولیه.

افریقا — دادن عبدالملک ولایت افریقا را به حسان بن نعمان، و ورود او به این اقلیم بالشکری جرّار، و رفتن او به قیروان و تجهیز او در آنجا و رفتن به قرطاجنه، و مقاتله با امیر آنجا و فرار لشکر بربر و روم بعضی به صقیله و برخی به اندلس به واسطه سفاین و خراب کردن بعضی اماکن قرطاجنه را و غلبه بر بسیاری از شهرهای افریقیه، و مقاتله با کاهنه که ملکه افریقیه بود و شوکت و اقتدار تمامی داشت و حکم کردن کاهنه خراب نمودن افریقیه را به جهة مایوس شدن عساکر عرب و مقتول شدن او بالمآل به دست عساکر حسان و مصفی شدن این اقلیم او را.

[سنه ۷۵ هجرى = سنه ۶۹۴ مسیحى]

آسیا — دادن عبدالملک ولایت عراق را به حجاج و رفتن حجاج از مدینه به کوفه، ولایت سعید بن اسلم بن زُرعه در سند از جانب عبدالملک و کشته شدن او و فرستادن عبدالملک مُجَاعَة بن سعد^۱ تمیمی را به جای او و غلبه مجاعه در سند، شورش اهل بصره به واسطه سخت گیری حجاج و کسر شأن مردم، مقاتله مهلب و ابن مخنف با خوارج به امر حجاج و راندن آنها را از راهرمز و کشته شدن ابن مخنف، حج کردن عبدالملک.

۱. کامل: مُجَاعَة بن سعرا التمیمی.

اروپا — خروج رومیها و جمعیت آنها در غنثیق^۱ از ناحیه مرغش^۲ و جنگ محمد بن مروان با آنها.

افریقا — خروج رباح زنگی ملقب به شیرزنگی باجماعتی از زنگیها و جمع شدن در نزدیکی فرات و مقاتله عساکر حجاج با آنها و کشته شدن شیرزنگی و متفرق شدن اصحاب او.

[سنه ۷۶ هجری = سنه ۶۹۵ مسیحی]

آسیا — خروج صالح بن مسرح به معاونت شیبب بن یزید بن نعیم الشیبانی خارجی و کشته شدن او به دست عساکر حجاج که در تحت فرمان حارث بن عمیره بن ذی العشار^۳ بودند و بیعت تبعه صالح بعد از کشته شدن او با شیبب و منهزم نمودن حارث بن عمیره را و بالا گرفتن کار شیبب و جنگهای عدیده او با حجاج. حکم کردن عبدالملک به سگه زدن د رهم و دینار که این اول سگه بود که در اسلام زده شد، اگرچه بعضی گفته اند مصعب بن زبیر در زمان عبدالله بن زبیر قلیلی در اهم مسکوک نمود، ولی این روایت ضعیف است خلاصه پیش از این اعراب مسکوکات رومی و ایرانی را رایج داشته به واسطه آن معاملات خود را دایر داشتند. حکومت ابان بن عثمان در مدینه، ولادت مروان بن محمد بن مروان.

اروپا — جنگ محمد بن مروان با رومیها در ناحیه ملطیه، امپراطور ژوستین در صدد است که یکشب علی الغفلة به واسطه قشون تمام اهالی قسطنطنیه را بقتل رساند اهالی قسطنطنیه مطلع شده او را از سلطنت خلع کرده، امپراطور معزول خود را به میان بلغار انداخته پناه می جوید.

۱. جائی بنام غنثیق شناخته نشد. عقیق هم نمی تواند باشد زیرا عقیق در موصل است.
۲. کامل: مرغش. جائی به نام مرغش شناخته نشد ذیل وقایع سال ۱۱۳ نیز در این کتاب مرغش آمده است.
۳. کامل: حارث بن عمیره بن ذی الشعار.

[سنه ۷۷ هجری = سنه ۶۹۶ مسیحی]

آسیا - هلاکت شیب در سر جسر دُجیل اهواز به افتادن از اسب و غرق شدن در آب بعد از جنگهای زیباد که با عساکر حجاج کرده بود و بعضی هلاکت شیب را به وجه دیگر ایراد کرده اند، خروج مطرف بن مغیره بن شعبه و کشته شدن او به دست عساکر حجاج بعد از قتال شدیدی، اختلاف میان ازرقه از خوارج که بعضی تبعه قَظری شدند و برخی تابع عبدربه کبیر گردیدند، و جنگ دو فرقه باهم و رفتن قَظری پس از یکماه جنگ به طرف طبرستان و جنگ عظیم مُهَلَب با عبدربه کبیر در نواحی جیرفت، و کشته شدن عبدربه و متفرق شدن اصحاب او و دادن مهلب حکومت کرمان را به یزید پسر خود و رفتن نزد حجاج و معظم داشتن حجاج او را، فرستادن حجاج لشکری به طبرستان بدفع قَظری و کشته شدن قَظری و عبیده بن هلال و انقراض ازرقه به کشته شدن این دونفر، و اولین رئیس ازرقه نافع بن ازرق بود، مخالفت و مقاتلت بُکَیْر بن وِثَاح با امیه بن عبدالله بن خالد بن اسید بن ابی العیص بن امیه حکمران خراسان و کشته شدن او با امر امیه، عبور کردن امیه از نهر و محاصره نمودن بلخ و مراجعت او به مرو، و فوت جابر بن عبدالله بن عمرو الانصاری.

مرآتیه کتب و تاریخ

اروپا - جنگ ولید بن عبدالملک با رومیها و فتح هرقلیه.

[سنه ۷۸ هجری - سنه ۶۹۷ مسیحی]

آسیا - عزل کردن عبدالملک امیه بن عبدالله را از حکمرانی خراسان و سجستان و ضمیمه کردن این ولایت را به حکومت حجاج و فرستادن حجاج مهلب بن ابی صفره را به حکمرانی خراسان و عبیده بن ابی بکره را به حکومت سجستان، وفات عبدالرحمن بن عبدالله القازی در هفتاد و هشت سالگی (قازی به تشدید یاست)، وفات زید بن خالد الجُهَنی به قولی، وفات عبدالله بن غنم الأشعری، توجه موسی بن نصیر به مغرب بقولی.

اروپا - (ونیز) تعیین دژ یعنی رئیس جمهوری به انتخاب اهالی در این شهر که چندین ماهه برقرار بود.

افریقا - حسان که از جانب عبدالملک والی افریقیه بود مجدداً شهر قیروان را که از تصرف مسلمین خارج شده بود فتح کرد.

[سنه ۷۹ هجری = سنه ۶۹۸ مسیحی]

آسیا — جنگ عبیدالله بن ابی بکره حاکم سجستان بارتبیل که تبعه او جماعت اتراک بودند و گاهی در ادای خراج و اطاعت تهاون مینمودند، بروز طاعون شدید در شام، استعفای شریح قاضی کوفه از قضاوت، وقضاوت ابابرد بن ابی موسی به جای او، فوت محمد بن^۱ ربیع مکنی بابو ابراهیم که در عهد حضرت رسول (ص) متولد شده بوده، وفات عبدالرحمن بن عبدالله بن مسعود.

اروپا — تلاقی اهل انطاکیه با رومیها و غلبه بر آنها.

افریقا — حسان والی افریقیه پس از فتح قیروان چنانکه ذکر شد شهر کرتاژ را که یکی از شهرهای معتبر افریقیه و واقع در مراکش بود فتح کرده اهالی را قتل عام کرد و شهر را چنان ویران کرد که هنوز آبادی نیافته.



[سنه ۸۰ هجری = سنه ۶۹۹ مسیحی]

آسیا — آمدن سل عظیم در حجاز و مکه و آسیب رسانیدن به حجاج و غرق کردن خانه های مکه را و رسیدن به رکن، گویند طوری این سیل شدید بود که شتر را با بار می برد و این سال را عام جُحاف نامیدند، بروز طاعون شدید در بصره، عبور مهلب والی خراسان از جیحون و جنگ او در مارواء النهر، فرستادن حجاج لشکر به غزای رتبیل و فتوحات این لشکر با اخذ غنائم بسیار، وفات ابودریس خولانی فقیه شام و حلب، وفات عبدالله بن جعفر بن ابیطالب به قولی، کشته شدن معبد بن عبدالله بن عُلَیم جُهنی اول شخص از قدریه به امر عبدالملک یا به امر حجاج، وفات محمد بن علی ابیطالب علیه السلام معروف به ابن حنفیه، وفات جناده بن امیه، وفات سائب بن یزید خواهرزاده تمر به قولی، وفات سوید بن غفله وفات عبدالله بن ابی اوفی، و اواخر صحابه بود که در کوفه درگذشت وفات جُبَیر بن نفیر بن مالک الحضرمی، وفات عبدالله بن جعفر طیار و ابوامامه، ولادت ابوحنیفه.

۱. کامل: محمود بن الربیع.

۲. کامل: جناده بن ابی امیه.

۳. کامل: وفیهمات السائب بن یزید ابن أخت التمر.

سنه ۸۱ هجری = سنه ۷۰۰ مسیحی]

آسیا فتح قالیقا به دست مروان بن عبدالملک، کشته شدن بحیر بن ورقاء الصّریمی در خراسان به دست صعصعة بن حرب العوّفی از هواخواهان بُکیر بن وِسّاج و کشته شدن صعصعة به امر مهلب، داخل شدن جماعتی از دیلم به قزوین که سرحدّ مسلمین بود به طرف دیلم و قتال مسلمین با آنها و مغلوب و مقتول شدن دیلم، مخالفت عبدالرحمن بن محمّد بن اشعث با حجاج و استمداد حجاج از عبدالملک و ورود عبدالرحمن به بصره در ذیحجه، و بیعت مردم با او که در آخر این سال سجستان و کرمان و فارس و بصره به دست عبدالرحمن بود.

[سنه ۸۲ هجری = سنه ۷۰۱ مسیحی]

آسیا - مقاتله حجاج با عبدالرحمن بن محمّد بن اشعث که ابتدا عساکر حجاج هزیمت یافتند و در جنگ دیگر لشکر ابن اشعث شکست یافته و ابن اشعث به کوفه آمد و در آنجا استقراری بهم رسانید، بیعت اهل بصره بعد از عزیمت ابن اشعث به کوفه با عبدالرحمن بن عباس بن ربیع بن الحارث بن عبدالمطلب و مقاتله شدید با حجاج در ظرف پنج شب و پس از آن پیوستن به ابن اشعث، و این واقعه آخری موسوم به یوم الزاویه شد، و قعه دیرجام در شعبان این سال و بعضی وقعه دیرجام را در سال بعد گفته اند. و تفصیل این واقعه اینست که حجاج از بصره به عزم قتال ابن اشعث به طرف کوفه آمده به دیر قوه منزل کرد، و ابن اشعث از کوفه خارج شده به دیرجام آمد و جمعیت فتنین عظیم شد و مشغول قتال شدند و عبدالملک به جهة اطفای این نایره عبدالله پسر خود را با محمّد بن مروان برادر خود نزد اهل عراق فرستاده که اگر قصد شما عزل حجاج است من او را معزول می کنم و شما دست از جگ بکشید و ابن اشعث به هر شهری که بخواهد حاکم باشد، و به مشارالیهما عبدالملک حکم کرد که اگر اهل عراق تمکین به این معنی هم نکردند حجاج به ولایت خود باقی باشد و شما نیز در تحت حکم او به قتال مشغول شوید، عبدالله و محمّد بدیرجام آمده و پیغام عبدالملک را رسانیدند و مردم تمکین نکرده هر روز جنگ در کار بود، وفات مغیره بن مهلب در خراسان، صلح مهلب والی خراسان با اهل کش از مارواء النهر و مراجعت او به مرو، وفات مهلب بن ابی

صُفْرَه والی خراسان و ولایت یزید پسرش به جای او، عزل کردن عبدالملک ابان بن عثمان را از حکومت مدینه و نصب هشام بن اسمعیل مخزومی به جای او، جنگ محمد بن مروان با ارمنیه و شکست دادن آنها را و مصالحه با آنها که اباشیخ بن عبدالله را والی ارمنیه کرد و بعدها ارمنیه را بکشتند کشته شدن عبدالله بن شداد بن الهاد الیشی در دجیل، وفات ابوالجوزاء اوس بن عبدالله الرّبعی و عطاء بن عبدالله السّلمی العابد، وفات زادن و ابواوائل و عمر بن عبیدالله بن معمر التیمی، و ابوامامة الباهلی به قولی، وفات خالد بن یزید بن معاویه.

[سنه ۸۳ هجری = سنه ۷۰۲ مسیحی]

آسیا — بقیّه وقعه دیرجماجم که در مدّت یکصد و سه روز جنگ فیما بین حجاج و عبدالرحمن بن محمد ابن اشعث در کار بود و پس از انقضای مدّت مذکور ابن اشعث منهزم شد و اختتام این وقعه در چهاردهم جمادی الاخره بود، وقعه مَشِکِن، یعنی آمدن ابن اشعث به بصره و در محل معروف به مَشِکِن تجهیز جنگ حجاج نمودن و جنگهای شدید که بالمآل ابن اشعث به سجستان گریخت و به ربیل پیوست و از او به اکرام نایل آمد، و بعضی از متفقین با او به خراسان رفته بایزید بن مهلب جنگ کردند و مغلوب شدند و یزید جمعی از آنطایفه اسیر کرده چند تنی از آنها را نزد حجاج فرستاد و حجاج آنها را بکشت، بنا کردن حجاج شهر واسط را، فرستادن حجاج اهل و عیال خود را به شام از خوف ابن اشعث، وفات واثله بن اسقع در صد و پنج سالگی به قولی، وفات زَر بن حُبیش در صد و بیست و دو سالگی، وفات ابواوائل شقیق بن سلیمه الاسد الکوفی، ولادت امام جعفر صادق علیه السلام.

[سنه ۸۴ هجری = سنه ۷۰۳ مسیحی]

آسیا — فتح کردن یزید بن مهلب والی خراسان قلعه نِزَک را در بادغیس، جنگ محمد بن مروان در ارمنیه و سوختن کنایس این ولایت، که اینسال را سنه الحریق گفتند، وفات عبدالله بن حارث بن نوفل.

اروپا — جنگ عبدالله بن عبدالملک با رومیها و فتح مصیصه و ساختن قلعه و گذاشتن

سه هزار نفر از عساکر اسلام در این قلعه، و پیش ازین یعنی تا اینوقت مسلمین در این محل سکنی نگرفته بودند.

[سنه ۸۵ هجری = سنه ۷۰۴ مسیحی]

آسیا — خواستن حجاج ابن اشعث را از ربیل به وعد و وعید و مواضع گماشتگان حجاج بارتبیل به اینکه او سر ابن اشعث را برای حجاج بفرستد و هفت سال از ادای خراج معاف باشد و فرستادن ربیل سر ابن اشعث را برای حجاج و بعضی هلاک ابن اشعث را به سال قبل نسبت داده اند، عزل کردن حجاج یزید بن مهلب را از ولایت خراسان و نصب مفضل برادر او به جای او، جنگ مفضل در بادغیس و فتح کردن و دریافت غنیمت بسیار، کشته شدن موسی بن عبدالله بن خازم بعد از پانزده سال اقامت در ماوراءالنهر و تغلب در آن بلاد و جنگهای عظیم با عساکر عرب و قشون ترک که آخرالامر به دست عساکر مفضل که به جنگ او فرستاده بود از پا درآمد، وفات عبدالعزیز بن مروان در مصر و بیعت گرفتن برای ولید بن عبدالملک به ولایت عهد و ولایت عبدالله بن عبدالملک در مصر، جنگ محمد بن مروان در ارمینیه، وفات عمرو بن حرث المخزومی، وفات عبدالله بن الحارث جزء الزبیدی بقولی، وفات عبدالله بن عامر بن ربیع، بنای شهر اردبیل به مصلحت محمد بن مروان.

اروپا — هزیمت عساکر اسلام از رومیها.

افریقا — بروز و بای عظیم در مصر.

[سنه ۸۶ هجری = سنه ۷۰۵ مسیحی]

آسیا — وفات عبدالملک بن مروان بن حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبدمناف در نیمه شوال در شصت سالگی یا شصت و سه سالگی که مدت خلافتش از وقت کشته شدن عبدالله بن زبیر تقریباً سیزده سال و چهارماه بود، بیعت مردم با ولید بن عبدالملک بعد از دفن عبدالملک، ولایت قتیبه بن مسلم در خراسان از جانب حجاج و فتوحات او در ماوراءالنهر، حبس کردن حجاج یزید بن مهلب را و عزل کردن حبیب بن متهلب را از حکومت کرمان، فوت قبیصة بن ذؤیب الخزاعی که در سال اول هجرت

مبتولد شده و مهرداد عبدالملک بود، وفات عبدالله بن ابی اوفاء الاسلمی به قولی، وفات لاحق بن حمید ابومجازا^۱ السدوسی.

اروپا — جنگ مسلمة بن عبدالملک با رومیها

[سنه ۸۷ هجری = سنه ۷۰۵ مسیحی]

آسیا — عزل هشام بن اسمعیل از حکومت مدینه، و امارت عمر بن عبدالعزیز در این بلدة طیبه به حکم ولید بن عبدالملک، و تاسیس عمر بن عبدالعزیز اساس معدلت را، صلح قتیبه بانیزک طرخان بادغیس، فتح قتیبه بیگند را که نزدیک ترین شهر ولایت بخارا بود به جیحون و دریافت غنایم بسیار و قوت گرفتن مسلمین در اینحدود، فوت عبیدالله بن عباس به مدینه و بقولی در یمن، وفات مظرف بن عبدالله بن شخیر در طاعون سختی که در بصره بروز کرده بود، وفات مقداد بن^۲ معدیکرب کنندی بقولی، وفات امیه بن عبدالله بن أسید.

اروپا — گویند در اینسال مسلمة بن عبدالملک در روم جنگ کرده جمع کثیری را در سوسنه از ناحیه مصیصه بکشت و چند قلعه فتح کرد، و به زعم بعضی درینسال هشام بن عبدالملک به غز و روم پرداخت و قلعه بولق و قلعه أخرم و بولس و قمقم را بگرفت و تقریباً هزار نفر از مستعربه آن نواحی را به قتل رسانید و اهل و عیال آنها را اسیر کرد. ژوستین دوم امپراطور بمعاونت طایفه بلغار ورود به قسطنطنیه نموده آنجا را و شهر را ون را قتل عام کرد.

[سنه ۸۸ هجری = سنه ۷۰۶ مسیحی]

آسیا — امر کردن ولید به عمر بن عبدالعزیز که حجرات ازواج رسول الله (ص) را داخل در مسجد آنحضرت کند و نیز از اطراف مسجد خریده برمسجد بیفزاید تا دو یست ذرع در

۱. طبری: ابومجلاز لاحق بن حمید الفقیه الراوی. کامل: «وفی هذه السنة (۸۵) توفي لاحق بن حمید ابومجلاز السدوسی.

۲. کامل: مقدم بن معدی کرب الکنندی.

دو یست ذرع شود و ولید به امپراطور قسطنطنیه مکتوبی نوشته او را از این قصد خود یعنی عمارت مسجد رسول الله (ص) خبر داده امپراطور معاونت را صد هزار مثقال طلا و صد نفر کارگر صاحب صنعت و بعضی مایلزم دیگر نزد ولید فرستاد، ولید آنها را نزد عمر بن عبدالعزیز فرستاد و عمر اقدام به کار مسجد کرد. جنگ قتیبه در ماوراء النهر و غلبه او، امر کردن ولید به بنای جامع دمشق، امر ولید به عمر بن عبدالعزیز در تسطیح طرق و کندن چاهها و فراهم نمودن موجبات آسایش عامه، وفات سهل بن سعد ساعدی بقولی، وفات عمرو معدیکرب^۱، وفات عبدالله بن بسرمازنی از مازن بن منصور و این شخصی است که رو بقبلتین نماز کرده و آخر صحابیست که در شام در گذشت.

اروپا - جنگ مسلمة بن عبدالملک با رومیها و فتح طوانه از شهرهای روم.

[سنه ۸۹ هجری = سنه ۷۰۷ مسیحی]

آسیا - عبور کردن قتیبه از جیحون و جنگ در ماوراء النهر و مقاتله باوژدان خداه پادشاه بخارا و مراجعت قتیبه به مرو، ولایت خالد بن عبدالله قسری در مکه به قولی، راندن محمد بن القاسم بن محمد بن الحکم بن ابی عقیل عامل حجاج در ثغر سند به داخله سند، و گرفتن بعضی از شهرهای این مملکت، و مقاتله ذاهر پادشاه سند با محمد و کشته شدن ذاهر، و رفتن عساکر اسلام تا ملتان و لاهور هند، و نایل شدن مسلمین به غنائم کثیره، بعضی قتیبه را سردار این لشکر نوشته اند، جنگ مسلمة بن عبدالملک در آذربایجان و فتح بعضی از قلاع این مملکت، وفات عبدالله بن ثعلبه بن صغیر العذری حلیف بنی زهره.

افریقا - وفات ظلم غلام عبدالله بن سعد بن ابی سرح در افریقیه، مأمور کردن ولید، موسی بن نصیر را به ولایت افریقیه و رفتن او به این اقلیم و مأمور کردن عبدالله پسر خود را به ناحیه ای از افریقا و مأمور کردن هارون پسر دیگر خود را به ناحیه دیگر به قتال، و خود نیز از جهتی به محاربه مشغول شد و هریک غلبه کرده غنائم بسیار به دست آوردند و مواضع عدیده را فتح نمودند که از جمله طنجه بود و موسی طارق بن زیاد غلام خود را عامل طنجه قرار داد و لشکر جرّاری مصحوب و همراه او نمود. بالجمله افریقیه بدون

۱. در کامل که مرجع اصلی مؤلف است مطلبی از وفات عمر و معدیکرب در این سال نیست.

منازعی در تحت حکمرانی موسی بن نصیر درآمد، و بعضی گفته اند موسی بن نصیر را در سنه هفتاد و هشت عبدالعزیز بن مروان که از جانب عبدالملک بن مروان در مصر حکمران بود ولایت افریقیه داد.

[سنه ۹۰ هجری = سنه ۷۰۸ مسیحی]

آسیا - فتح بخارا به دست قتیبه والی خراسان، مصالحه سلطان سغد با قتیبه به ادای خراج، غدر نیزک با قتیبه و فتح کردن قتیبه طالقان را و قتل عام نمودن، فرار یزید بن مهلب و برادران او از زندان حجاج، وفات مالک بن انس انصاری^۱ به قولی، وفات ابوالعالیه ریاحی، وفات نصر بن عاصم لیثی نحوی.

اروپا - جنگ مسلمة بن عبدالملک با رومیها و گرفتن پنج قلعه از سوریه و جنگ کردن عباس بن ولید در خاک روم که او نیز راند تا سوریه، گرفتن رومیها خالد بن کیسان صاحب بحر را و فرستادن سلطان روم او را نزد ولید.

افریقا - در این سال مملکت مغرب کاملاً به تصرف اعراب درآمد جزایر مالابار را در دریای سفید متصرف شدند، عزل عبدالله بن عبدالملک از مصر و نصب قرة بن شریک به جای او.

[سنه ۹۱ هجری = سنه ۷۰۵ مسیحی]

آسیا - مقاتله قتیبه با نیزک و محاصره او و امان دادن قتیبه نیزک را و آمدن نیزک نزد او، و امر کردن حجاج به قتیبه به واسطه نامه که نیزک را به قتل رساند و کشتن قتیبه نیزک را و جمع کشیری از اعوان او را، مخالفت پادشاه شومان و کش و تَسف با قتیبه، و فتح کردن قتیبه این بلا در او کشتن پادشاه شومان را و سوزانیدن فاریاب که محترقه نامیده شد، حج کردن ولید و آمدن به مدینه و بازدید مسجد رسول الله (ص) که به امر او عمارت یافته بود، عزل کردن ولید محمد بن مروانرا از جزیره و ارمینیه و نصب کردن مسلمة بن عبدالملک را به جای او و جنگ مسلمة در مملکت آذربایجان که تا در بند راند و شهرها و قلعه ها

۱. کامل: انس بن مالک انصاری.

فتح نمود به نصب منجنيقها به آن بلاد و قلاع.

اروپا — جنگ عبدالعزيز بن وليد بارومياها، مابين طايفة فرائك و ژرمن که بت پرست بودند جنگ و خونريزي که سه سال امتداد يافت در ساحل رود رن روی داد.

[سنه ۹۲ هجرى = سنه ۷۱۰ مسيحى]

آسيا — جنگ قتيبه در سجستان به قولى، ورود قتيبه به سجستان به عزم قتال بارتيل اعظم، و آمدن فرستادگان رتبيل نزد قتيبه، و درخواست صلح و قبول کردن قتيبه و عامل قرار دادن عبدربه بن عبدالله ليشی را برايشان و بازگشتن، وفات مالک بن اوس بن الحدثان البصرى از اولاد نصر بن معاويه در مدينه.

اروپا — ورود عساكر موسى بن نصير به جزيره سردانيه در بحر روم که بعد از جزيره صقليه اعظم جزاير بود و به دست آوردن غنائم بيشمار، جنگ مسلمة بن عبدالملک در خاک روم و فتح حصون ثلاثه و جلادادن اهل سُوسنة را به بلاد روم، و يتى زاپادشاه اسپانيول و آن نواحى به واسطه ظلم و تعدى از سلطنت خلع شده ورود ريك (رذريق) به جای او منصوب گرديد، بعضى ورود طارق بن زياد غلام موسى بن نصير را به اندلس از وقايع اينسال شمرده، چون در کتب معتبره در ضمن سوانح سال بعد نوشته شده ما نيز چنان نموديم.

[سنه ۹۳ هجرى = سنه ۷۱۱ مسيحى]

آسيا — رفتن قتيبه با عساكر به هزار اسب از شهرهاى خوارزم و مصالحه خوارزم شاه با قتيبه و فتح خام جرد، فتح کردن قتيبه سمرقند را و به دست آوردن دختری از اولاد يزدجرد پادشاه عجم در سغد و فرستادن او را نزد حجاج که حجاج آنرا نزد وليد فرستاد و يزد بن وليد از او متولد شد، عزل کردن وليد عمر بن عبدالعزيز را از ولايت حجاز و حکومت خالد بن عبدالله در مکه و حکومت عثمان بن حيان در مدينه، وفات ابوالشعفاء جابر بن زيد، وفات بلال بن ابى درداء انصارى قاضى دمشق.

اروپا — جنگ عباس بن وليد بارومياها و فتح سبسطيه و مرزبانين و طرسوس، جنگ

مروان بن ولید بارومیها و راندن تا خنجره، جنگ مسلمة بارومیها و فتح ماسیسه، و حصن الحديد، و غزاله، از ناحیه مَلَطِیَه، زوستین امپراطور قسطنطنیه از سلطنت خلع شد و این آخرین پادشاه بود از نسل هرقل (اسپانیول) دشمنان رودریک (رذریق) پادشاه جدید اسپانیول موسی بن نصیر را که از طرف ولید حکومت مغرب داشت دعوت نمودند، او نیز طارق غلام خود را با هفت هزار نفر از عساکر اسلام به خاک اسپانیول مأمور ساخت و طارق با سپاه خود در خاک اروپ در حوالی کوه کلیه که حالا بجبل الطارق معروف است ورود کرده در ظرف پانزده ماه عساکر اسلام تقریباً تمام اسپانیول را متصرف شدند فقط ایالات کوهستانی آستوری به دست عیسویان ماند.

افریقا — خشک سالی در این اقلیم و استسقای موسی بن نصیر و نزول باران.

[سنه ۹۴ هجری = سنه ۷۱۲ مسیحی]

آسیا — کشتن حجاج سعید بن جبیر را که با عبدالرحمن بن محمد بن اشعث خروج کرده بود و اختلال عقل حجاج به همین جهت، قتال قتیبه در شاش (چاچ) و فرغانه، و خجند، و فتح کردن کاشان شهر فرغانه را، زلزله های شدید در شام که چهل روز طول کشید و زلزله انطاکیه اشد زلازل بود، فتح کردن قاسم بن محمد ثقفی بعضی اراضی هند را، ارتحال حضرت امام زین العابدین علیه السلام، وفات عروہ بن زبیر، و سعید بن مسیب و ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام.

اروپا — جنگ عباس بن ولید در خاک روم و فتح انطاکیه، جنگ عبدالعزیز بن ولید بارومیها که تاغزاله راند، مقاتله ولید بن هشام مُعَیْطِی بارومیها و راندن تابرچ حمام، مقاتله یزید بن ابی کُبْشَه بارومیها و راندن تا ارض سوریه.

[سنه ۹۵ هجری = سنه ۷۱۳ مسیحی]

آسیا — قتال قتیبه در شاش (چاچ) به معاونت سپاهی که حجاج از عراق به امداد او فرستاده بود که درین بین خبر فوت حجاج به او رسید و مراجعت به مرو کرد و ولید نامه به او نوشته او را مأمور به همان امر کرد، وفات حجاج بن یوسف ثقفی که بیست سال حکمرانی عراق داشت، فتح عباس بن ولید قنسرین را، ولادت منصور عبدالله بن

محمّد بن علی بن عبد الله بن عباس، وفات ابو عثمان التّهدی به قولی که اسمش عبد الرحمن بن مَلّ بود و صد و سی سال عمر داشت، وفات سعید بن ایاس^۱ ابو عمرو الشیبانی که صد و بیست سال عمر داشت. وفات سالم بن ابی الجعد، وفات جعفر بن عمرو بن امیه ضَمَری برادر رضاعی عبد الله بن مروان، فتوحات عساکر اسلام بلاد اقصای هند را سوی کیرج و مندل.

اروپا اعراب را در اسپانیا و در سایر نقاط اروپا مورنایند زیرا که اغلب قشون ایشان از داوطلبان ناحیه موری تانی از نواحی افریقه بودند و در این سال بود که مملکت اسپانیا از طرف خلفای بنی امیه ضمیمه حکمرانی مغرب گردید، غزو مسلمة بن عبد الملك در بلاد روم، غزو عباس بن ولید در بلاد روم و فتح هرقله و غیرها.

[سنه ۹۶ هجری = سنه ۷۱۴ مسیحی]

آسیا - فتح کاشغر به دست قتیبه بن مسلم والی خراسان که بعد از این فتح تا حوالی چین تاخستن آورد و از خاقان چین هدیه و جزیه گرفته به خراسان عود کرد، ایجاد مناره به جهة مؤذنین مساجد در خلافت ولید، سفرای ولید که از دمشق حرکت کرده بودند بعد از عبور از ایران و ترکستان از کاشغر گذشته به چین رفتند و عهد تجارتی با آن دولت منعقد نموده از این به بعد تا چندین مائه مراوده تجارتی اعراب با کانتن چین از راه سمرقند باز بود، وفات ولید بن عبد الملك در نیمه جمادی الاخره در دیر مسران که عمرش چهل و دو سال و ششماه بود به قولی و مدت خلافتش تقریباً نه سال و هفتماه، مدفنش بیرون دروازه صغیر دمشق، بیعت کردن مردم با سلیمان بن عبد الملك برادر ولید در همانروز، وفات ولید و وزارت عمر بن عبد العزيز او را، کشته شدن قتیبه بن مسلم با هلی والی خراسان و مضافات در خراسان، وفات محمد بن اسامة بن زید بن حارثه، و عباس بن سهل بن سعد الساعدی.

اروپا - فتح طرطوس به دست عباس بن ولید.

افریقا - وفات قره بن شریک حکمران مصر و بعضی وفات قرقره در سال قبل نوشته و

۱. کامل: سعد بن ایاس ابو عمرو الشیبانی.

گفته اند قره و حجاج در یکماه در گذشتند.

[سنه ۹۷ هجری = سنه ۷۱۵ مسیحی]

آسیا - ولایت یزید بن مهلب در خراسان از جانب سلیمان بعد از آنکه نه ماه و کعب در خراسان ولایت داشت، بنابحکم سلیمان زبان رسمی دولتی و ملتی در تمام ممالک متصرفی اسلام زبان عربی خواهد بود، بعضی اینواقع را به ولید نسبت داده اند، وفات موسی بن نصیر به قولی.

اروپا - کشته شدن عبدالعزیز بن موسی بن نصیر که پدرش اورا والی اندلس کرده بود گویند عبدالعزیز زوجه رودریک (رذریق) پادشاه اسپانیا را به زنی گرفته بود و او شوهر خود را به رسمی که معمول مملکت بود بران داشت که تاجی از طلا و جواهر ساخته بر سر گذاشت، مسلمین را اینمعنی ناخوش آمده بر او شوریدند و او را بکشتند، برخی گفته اند چون سلیمان بر موسی بن نصیر غضب کرد حکم به کشتن عبدالعزیز کرده او را در محراب مسجد بکشتند و سراورا برای سلیمان فرستادند و سلیمان آن سر را برای موسی فرستاد. بهر حال پای تخت اعراب در اسپانیا شهر کرد و آمد، عزیمت داود بن سلیمان بن عبدالملک به قسطنطنیه برای غزو، رفتن عمر بن هبیره به غزو روم از طرف بحر، پاپ شدن گرگوار دویم در روم.

افریقا - عزل کردن سلیمان بن عبدالملک عبدالله بن موسی بن نصیر را از افریقیه و نصب محمد بن یزید قرشی به جای او که در این عمل بود تا خلافت عمر بن عبدالعزیز که عزل شد و اسمعیل بن عبدالله که مرد نیکوسیرتی به جای او نصب آمد.

[سنه ۹۸ هجری = سنه ۷۱۶ مسیحی]

آسیا - حرکت سلیمان به سمت حلب و نزول او در مرج دابق و اقامت در این محل و

۱. در هیچ جا از متون تاریخ و جغرافیای اسلامی جائی به نام «کردو» نیست کردو همان قرطبه است که مؤلف در این جا شاید به قصد اظهار فضل نام فرانسوی آن ۳۳۳۳۳۳۳۳ را بکار برده است. ذیل وقایع سال ۱۴۹ به این معنی اشاره شده.

مامور کردن مسلمة برادر خود را به لشکر کشیدن به جانب قسطنطنیه، فرستادن یزید بن مهلب والی خراسان لشکری جزا به طرف جرجان و طبرستان و مصالحه اهل ایندو ولایت بالشکر یزید و فتح قهستان^۱ و طغیان اهل جرجان پس از صلح و محاصره کردن قشون یزید اهل جرجان را و غلبه کردن بر آنها بعد از هفتماه، گویند یزید در طغیان اهل جرجان قسم خورد که این بار چون بر این جماعت غلبه کنم از خون آنها آسیا بگردانم و از آرد آن آسیا نان خورم و چنانکه گفته بود کرد، و چهل هزار نفر از اهل جرجان بکشت، و شهر جرجان را او بنا کرده است، فتح حصار مرانه از یمن که نزدیک به ملطیه و معدن نمک عربستان از آن محل است به دست عساکر اسلام^۲، زلزله شدید در غالب ربع مسکون که ششماه طول کشید.

[سنه ۹۹ هجری = سنه ۷۱۷ مسیحی]

آسیا — وفات سلیمان بن عبدالملک در ماه صفر که خلافتش دو سال و پنجمه و پنجروز بود در دابق از خاک قنسرین در گذشت، خلافت عمر بن عبدالعزیز که در زمان خلافت خود سب امیر المؤمنین علی علیه السلام را نهی و متروک ساخت — طغیان اتراک در آذربایجان و کشتن جماعتی از مسلمین و فرستادن عمر بن عبدالعزیز حاتم بن نعمان باهلی را به آن مملکت و قتل کردن نعمان در آذربایجان، عزل کردن عمر یزید بن مهلب را از عراق.

اروپا — گویند چون سلیمان بن عبدالملک برادر خود مسلمة را مامور جنگ قسطنطنیه کرد لشون نام از طرف آذربایجان به او پیوست و با مسلمة به قسطنطنیه رفت و به راهنمایی او قسطنطنیه را محاصره کرده استیلای تامی یافت، اهالی قسطنطنیه چون خود را مستأصل دیدند بالئون مواضعه نموده گفتند اگر قشون عرب را دفع کنی تو را سلطان خود

۱. این قهستان به استناد الکامل ابن اثیر قهستان مشهور واقع در جنوب خراسان نیست. در این کتاب در باره این واقعه می نویسد: «ان صولاً التركي کان ينزل قهستان والبحيرة و هي جزيرة في البحر بينها وبين قهستان خمسة فراسخ و همامن جرجان متخيلي خوارزم».

۲. عبارت ابن اثیر این است: «وفيها (سال ۹۸) غزا داود بن سليمان أرض الروم ففتح حصن المرأة ممالي ملطيه».

نمائیم. لشون آذوقه لشکر اسلام را پراکنده ساخت و کار مسلمانان به سختی کشید و مسلمة بی نیل مقصود بازگشت و چون این خبر به سلیمان رسید از غصه هلاک شد، بعضی گفته اند بدی هوا و قوت بحری قشون قسطنطنیه مانع دخول مسلمة و غلبه او به قسطنطنیه گردید به هرحال لشکر اسلام بدون پیشرفت در اینسال از آنحدود بازگشتند. بمعقیده بعضی عمر بن عبدالعزیز خود متوجه آنطرف گردیده مسلمة را مراجعت داد، سلطنت لشون سیم در قسطنطنیه.

[سنه ۱۰۰ هجری = سنه ۷۱۸ مسیحی]

آسیا - خروج شوذب که اسم او بسطام و از بنی یشکر بود در جُوحی که قریه ایست از اعمال واسط و فرستادن عبدالحمید والی کوفه به حکم عمر بن عبدالعزیز محمد بن جریر بن عبدالله بجلی را بادو هزار نفر به مدافعه او، نوشتن عمر نامه به شوذب و از جهة خروج او پرسیدن و اظهار داشتن که قبل از خونریزی نزد عمر آید و مباحثه نماید و هریک برحق باشند امر او را باشد و قبول کردن شوذب و فرستادن دو نفر را نزد عمر و مباحثه عمر با آنها و ملزم شدن یکی از آنها و انکار آن دیگری و محمد بن جریر در مقابل خوارج بود و هیچیک متعرض هم نشده منتظر معاودت رسولان شوذب بودند، طلبیدن عمر بن عبدالعزیز یزید بن مہلب را از خراسان و آمدن او به بصره در حالتیکه پسر خود مخلد را در خراسان به جای خود برقرار کرده و فرستادن عدی بن ارطاة موسی بن الوجیه الحمیری بحکم عمر یزید را مغلولاً نزد او و حبس کردن عمر او را به جهة اینکه مہلبی که باید به بیت المال ایصال نماید ننموده و یزید در حبس عمر بن عبدالعزیز بود تا عمر وفات کرد. ابتدای دعوت بنی عباس که محمد بن علی بن عبدالله بن عباس هفتاد نفر را به امصار فرستاد تا برای او بیعت بگیرند و خود در شِراء و حَمِیْمَه که جایگاهی است مابین دمشق و مدینه منزل^۱ نمود، دعوت عمر ملوک هند^۲ را به اسلام و قبول کردن جیشة بن ذاهر^۳

۱. عبارت کامل این است «قصد الحَمِیْمَه من ارض الشِراء» بنابراین حمیمه و شِراء دو جای مختلف نیستند.

۲. عبارت کامل این است «وفیها کتب عمر بن عبدالعزیز الی ملوک السند یدعوهم الی الاسلام».

۳. کامل: «جیشة بن ذاهر».

ایندعوت را به جهة حسن سیرت عمر، و مامور کردن عمر بن عبدالعزیز عمرو بن مسلم برادر قتیبه را باین سرحد و جنگ کردن عمرو بن مسلم در بعضی مواضع هند و ظفر یافتن او، و ملوک سند در خلافت عمر بن عبدالعزیز و یزید بن عبدالملک بدین اسلام بودند ولی در عهد هشام بن عبدالملک مرتد شدند، وفات ابوطفیل عامر بن وائله به مکه و این آخر شخصی است که از صحابه فوت شده.

[سنه ۱۰۱ هجری = سنه ۷۱۹ مسیحی]

آسیا — وفات عمر بن عبدالعزیز در ماه رجب در دیر سمعان یا در خناصر که شهری از شام و از اعمال حلب است در سی سالگی تقریباً که مدت خلافتش دو سال و پنجماه بود و بعضی عمر عمر را چهل سال نوشته اند و از سیرت های عمر زندقه است که است به بنی فاطمه، فرار یزید بن مهلب از حبس در حین اشتداد مرض عمر از ترس یزید بن عبدالملک و رفتن با غلامان خود به طرف بصره، خلافت یزید بن عبدالملک، کشته شدن شاذب خارجی و تبعه او پس از چندین جنگ و دلیریها به دست لشکری که مسلمة بن عبدالملک به امر یزید بن عبدالملک از کوفه به قتال او فرستاده بود، وفات محمد بن مروان بن حکم که والی جزیره و ارمینیه و آذربایجان بود، جود یزید بن مهلب به اهل بصره و استمالت آنها و عامل کردن مروان بن مهلب برادر خود را به اهل بصره و رفتن یزید به طرف واسط، فرستادن یزید بن عبدالملک برادر خود مسلمة و برادرزاده خود عباس بن ولید را با هشت هزار مرد جنگی به طرف عراق، وفات سعید بن ایاس الشیبانی که یکصد و بیست و هفت سال عمر کرده بود، فوت ربیع بن حراس زاهد در کوفه.

افریقا — عزل اسمعیل بن عبدالله از حکمرانی افریقیه و نصب یزید بن ابی مسلم کاتب حجاج به جای او که در این حکومت باقی بود تا کشته شد.

[سنه ۱۰۲ هجری = سنه ۷۲۰ مسیحی]

آسیا — مقاتله یزید بن مهلب با مسلمة بن عبدالملک در حوالی انبار و کشته شدن او و حبیب و محمد از بنی المهلب و غلبه مسلمة و فرار مفضل بن مهلب به طرف واسط و جمع کردن جمعی در بصره و رفتن از راه دریا به کرمان و مقاتله کردن در آن دیار با عساکر

یزید بن عبدالملک و مغلوب شدن و مقتول شدن مُفَضَّل و مروان پسران مهلب، ولایت مسلمة بن عبدالملک در کوفه و بصره و خراسان، ولایت سعید بن عبدالعزیز بن حارث بن حکم بن ابی العاص داماد مسلمة از جانب او در خراسان و چون سعید به تنعم مایل بود به خُذینه معروف شد یعنی بانوی^۱ خانه، ولایت شُعْبَة بن طَهْر تَهْشَلی در سمرقند از جانب سعید والی خراسان، تعذیب سعید عمال یزید بن مهلب را در خراسان از روی بهانه جوئی چنانکه بعضی در شکنجه به مردند، ولیعهد کردن یزید بن عبدالملک برادر خود هشام را و بعد از آن ولید پسر خود را که در این وقت نابالغ بود، عبور سعید از جیحون و رفتن به طرف سفد به عزم جنگ، گویند چون مسلمة والی خراسان و عراق شد از خراج این ولایت چیزی به یزید عاید نمیساخت و یزید از عزل او حیا می کرد لهذا به بها نة ملاقات او را بخواست و چون او از عراق حرکت کرد یزید عمر بن هبیره فزازی را به چاپاری بعراق فرستاد، فرستادن میسره داعی عباسیین در عراق مأموری چند درزی تجارت به خراسان که برای محمد بن علی بن عبدالله بن عباس از مردم بیعت بگیرند، جنگ عمر بن هبیره در نواحی ارمینیه و این قبل از آن بود که عمر به جای مسلمة والی کوفه و بصره و خراسان شود، وفات ضحاک مفسر در خراسان.

اروپا — عساکر عرب بسرداری زمانامی به خاک فرانسه ورود کرده در حوالی شهر تولوز (اود) نامی از نجبای مملکت شکست فاحشی به آنها داد و سردار عرب کشته شد، در حکومت همین شخص بود که فضلی زیاد در شهر کرد و از بلاد اسپانیا جمع شدند.

افریقا — تعدی یزید بن مسلم عامل افریقیه و شوریدن بر او و کشتن او و عریضه معذرت نوشتن به یزید بن عبدالملک و پذیرفتن یزید عذر آنها را و ولایت محمد بن یزید در افریقیه و بعضی این واقعه را به سال قبل نسبت داده اند.

۱. عبارت کامل این است «و اَئِمَّا لُقَبَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا لِّنَا مُتَنَقِّمًا» و باز در جای دیگر ذیل همین سال (۱۰۲) نوشته است «لَمَّا وَلِيَ سَعِيدُ خُرَاسَانَ اسْتَضَعَفَهُ النَّاسُ وَ سَمَوْهُ خُذِينَةً» طبری در وجه این تسمیه تفصیل بیشتری داده می نویسد: «و اَئِمَّا لُقَبَ بِذَلِكَ فِيمَا ذَكَرَ أَنَّهُ كَانَ رَجُلًا لِّنَا سَهْلًا مُتَنَقِّمًا قَدِمَ خُرَاسَانَ عَلَى بُخْتِنَةَ مَعْلَقًا سَكِينًا فِي مِثْلَةِ فِدْخَلٍ عَلَيْهِ مَلِكُ أَبْتَرٍ وَ سَعِيدٌ مُتَفَضِّلٌ فِي ثِيَابٍ مَصْبُغَةٍ حَوْلَهُ مُرَافِقٌ مَصْبُغَةٌ فَلَمَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ قَالُوا لَهُ، كَيْفَ رَأَيْتَ الْإِمِيرَ؟ قَالَ خُذِينَةُ لَمَتَهُ سَكِينَةُ فَلَقَبَ خُذِينَةً، وَ خُذِينَةُ هِيَ الدِّهْقَانَةُ رَبَّةُ الْبَيْتِ (جلد ۹ ص ۱۴۱۸).

[سنه ۱۰۳ هجرى = سنه ۷۲۱ مسیحی]

آسیا — عزل کردن عمر بن هُبیره والی کوفه و بصره و خراسان سعید والی خراسان را که در سغد سمرقند بود و نصب کردن سعید بن عمر و الحَرشی از بنی خَریش بن کعب بن ربیعۀ بن عامر بن صعصعه را به جای او که اینمعنی اسباب خوف و هراس اهل سغد شد. وفات مجاهد و عطا و خالد بن سعدان فقیه حمص و ابوبُرّدة بن ابوموسی اشعری قاضی کوفه، فوت شعبی به قولی، وفات عُمره بنت عبدالرحمن بن سعید زُرارة الانصاری.

[سنه ۱۰۴ هجرى = سنه ۷۲۲ مسیحی]

آسیا — توجّه سعید الحَرشی والی خراسان به جانب اهل سغد، و عبور از جیحون و مقاتله با آنها که پس از صلح باز اسباب کدورت و قتل فراهم آمده. سعید حکم کرد سوای تجار که از اینحکم معاف اند سایر سغدیها را بالکلیه طعمه شمشیر کنند و خبر این فتح را به جای اینکه به عمر بن هبیره بنو بسد به یزید بن عبدالملک نوشت و اینفقره اسباب رنجش و کینه عمر بن هبیره گردید، بالجمله در اینسفر سعید حَرشی زرنج و کش و نسف را از بلاد ترکستان به گرفت و سلیمان ابی السّری را بر امر حرب و خراج اینولایت گماشت و سلطان ایشان را که سُغری نام داشت به خراسان آورده بکشت و بردارزد، و رود عسا کر اسلام بر بلاد خزر و معاونت اهل قفقاق طایفه خزر را و مقاتله اینطایفه با عسا کر اسلام در مرج الحجاره و غلبه آنها بر مسلمین و فرار مسلمین پس از نهب اموال آنها، و آمدن نزد یزید بن عبدالملک که وی جراح بن عبدالله الحَکَمی را به جنگ خزر مامور کرد و جراح در باب الابواب باطایفه خزر جنگ کرده فتح نمایانی نمود، ولادت ابوالعبّاس عبدالله بن محمد بن علی بن محمد بن علی که سَقّاح باشد در ربیع الاخر، عزل کردن عمر بن هبیره سعید الحَرشی را از خراسان و نصب سعید بن أسلم بن زُرعة الکلابی به جای او، وفات عبدالرحمن بن حیان بن ثابت انصاری، وفات عامر بن سعد بن ابی وقاص.

[سنه ۱۰۵ هجرى = سنه ۷۲۳ مسیحی]

آسیا — خروج حروری معروف به عُقّاقان بر یزید بن عبدالملک که به دلالت برادر یزید

ترک مخالفت کرد. خروج مسعود بن ابی زینب العبدی در بحرین بر اشعث بن عبدالله جارود و کشته شدن او، خروج هلال بن مُذَلِّج که بعد از مسعود رئیس خوارج شد و مقتول شدن او و پس از آن خوارج یا در آخر دولت یزید بن عبدالملک که در همین سال باشد یا در خلافت هشام بقتل رسیدند، وفات یزید بن عبدالملک در اوایل شعبان در چهل یا سی و پنج سالگی که مدت خلافتش تقریباً چهار سال و یکماه بود، خلافت هشام بن عبدالملک، عزل کردن هشام عمر بن هبیره را و نصب نمودن خالد بن عبدالله قسری را به جای او، مراجعت بُکیر بن ماهان از سنده که با جُنَید بن عبدالرحمن در این مملکت بود چون جنید عزل شد و عود کرد، بکیر هم مراجعت کرده به کوفه آمد و قضه دعوت برای عباسیین را شنیده شاد شد و نزد محمد بن علی آمد و میسره داعی عباسیین وفات کرده بکیر بن ماهان قایم مقام وی گردید. جنگ جِراج حَکَمی در اللّان و بَلْجَر و آن نواحی و فتح بعضی از آن بلاد و نیل غنائم کثیره، محاربه مسلم بن سعید کلابی حکمران خراسان با اهالی ترکستان که اتراک او را تعاقب کرده و او بی نیل مقصود بازگشت، وفات کثیر غزه اروپا - جنگ سعید بن عبدالملک با رومیها که نتیجه خوبی نداشت.

[سنه ۱۰۶ هجری = سنه ۷۲۴ مسیحی]

آسیا - وقوع محاربه مابین یمانیّه و مُضَرّیه در بردقان از ارض بلخ، به سبب اینکه مسلم بن سعید والی خراسان عزیمت جنگ کرده بود و جمعی از همراهان او تخلف کرده از آنجمله بختری بن درهم بود و مسلم نصر بن سیار و بعضی را به بلخ مراجعت داد که مردم را با او همراه سازند، نصر در بخانه بختری و زیادهای طریف باهلی را بسوزانید و این فقره موجب ظهور فتنه گردید که اخرا الامر غلبه نصر را بود، عبور مسلم بن سعید از جیحون برای جنگ اتراک و رسیدن به بخارا که در اینجا نامه خالد بن عبدالله بوی رسید که از خراسان معزولست و به عراق منصوب و باید عاجلاً دست از حرب کشیده بیاید، او امتثال کرده مراجعت نمود ولی قشون خاقان در مراجعت متوجه او گردیده صدمه کَلّی به همراهان او وارد آوردند و مسلم فراراً هشت روز راه پیموده تا به جیحون رسید و عبور کرد و پسر خاقان

تا حوالی جیحون او را تعاقب می نمود، والی نمودن خالد بن عبدالله برادر خود اسد را بر خراسان، حکومت حُر بن یوسف بن یحیی بن حکم بن ابی العاص در موصل از جانب هشام، و عمارت معروف به دارمنقوشه در موصل از بناهای او بوده است و نهریکه از میان موصل می گذرد از آثار او می باشد، عزل کردن هشام عبدالواحد التضری را از حکومت مکه و مدینه و طایف و نصب نمودن خال خود ابراهیم بن هشام را به جای او، وفات یوسف بن مالک بزرگ حضرمیین و بکر بن عبدالله المزنی و طاوس بن کیسان.

اروپا - اعراب اسپانیا بورگونی یکی از ایالات فرانک را غارت کردند و قتل عام نمودند، شارل مارسل از اعیان فرانک از رود رن عبور کرده مملکت باویر را به اطاعت درآورد بعضی اینفقره را به سال بعد نسبت داده اند و ظاهراً اصح باشد.

سنه ۱۰۷ هجری = سنه ۷۲۵ مسیحی

آسیا - ولایت جُتید بن عبدالرحمن از جانب خالد قسری در سند، و وقوع موافقت بدو فیما بین او و جیشة بن ذاهر ملک سند که از جانب عمر بن عبدالعزیز بر ولایات خود والی خود والی بود و مخالفت جیشة بعدها که به دست سپاه جنید مقتول گردید و فتوحات جنید در آن حدود، فرستادن بکیر بن ماهان جمعی را به خراسان برای اخذ بیعت به جهة بنی عباس و مطلع شدن اسد بن عبدالله و گرفتار شدن و مقتول شدن جمیع آنها، وقوع صلح مابین اسد بن عبدالله و ملک غرستان که در حوالی جبال طالقانست و اسلام آوردن ملک غرستان، رفتن اسد بن عبدالله به غزوة غور از جبال هرات و اخذ غنایم بسیار، عزل جراح بن عبدالله حکمی از حکومت ارمینیه و آذربایجان و نصب مسلمة بن عبدالملک بجای او که حارث بن عمرو الطائی از جانب مسلمة بدان ولایات رفت و قرا و رساتیق بسیار از بلاد ترک بگرفت و آثار خیر در آن اماکن برقرار کرد. وفات سلیمان بن یسار از فقهای سبعة و کثیر شاعر محمد بن ابی بکر، مامور شدن برمک ابو خالد بن برمک از جانب اسد بن عبدالله به بنای شهر بلخ، هزیمت اسد در سیستان.

اروپا - رفتن عنیس بن شحیم الکلبی^۱ عامل و حکمران اندلس به غزو بعضی از بلاد

۱. کامل: عنیسة بن شحیم الکلبی.

فرنگ و گرفتن او شهر قرقسونه را و استرداد اسرای مسلمین و اخذ جزیه.

[سنه ۱۰۸ هجری = سنه ۷۲۶ مسیحی]

آسیا — غلبه اسد بن عبدالله بر بلاد ترک از ختل (ختلان) و غیره و اخذ اسیر و غنیمت بسیار، جنگ مسلمة بن عبدالله بارومیها در حوالی جزیره که موضعی است به یمامه و فتح کردن قیساریه را در این غزوه، وقوع حرق در دابق و سوختن چراگاه و چار پایان و بارهای آنها، آمدن پسر خاقان ترک به آذربایجان و محاصره کردن بعضی از بلاد این مملکت را و مدافعه حرب بن عمرو الطائی^۱ قشون او را که منهزم شدند و تا کنار رود ارس آنها را تعاقب نمود و بسیاری را بکشت. بعضی گویند حرب در این جنگ کشته شد. بروز طاعون شدید در شام.

اروپا — جنگ ابراهیم بن هشام بارومیها که یکی از قلاع آنها را بگرفت.

[سنه ۱۰۹ هجری = سنه ۷۲۷ مسیحی]

آسیا — عزل کردن هشام بن عبدالملک خالد بن عبدالله و برادرش اسد را از عراق و خراسان و نصب نمودن حکم بن عوانه کلبی را در خراسان و حکم نیز چون یکتا بستان در خراسان اقامت کرد و هیچ اقدامی در کار حرب نکرد معزول شد و آشرس بن عبدالله به جای او منصوب شد و آشرس به واسطه فضیلتی که داشت معروف به کامل بود، غزو مسلمة بن عبدالملک در حدود آذربایجان با تراک و غلبه او و اخذ اسیر و غنیمت بسیار و معاودت او.

اروپا — غزوات معویه بن هشام در خاک روم و گرفتن قلعه طیبه که جماعتی از اهل انطاکیه در این جنگ کشته شدند.

افریقا — بشر بن صفوان عامل افریقیه به غزو جزیره صقلیه شتافت و با غنیمت بسیار به قیروان برگشته در این شهر درگذشت.

۱. کامل: حارث بن عمرو الطائی. ذیل وقایع سال ۱۰۷ نیز حارث است.

[سنه ۱۱۰ = سنه ۷۲۸ مسیحی]

آسیا - فرستادن اشرس والی خراسان ابوالصیذان صالح بن طریف بزرگ بنی ضبه^۱ و ربیع بن عمران تمیمی را به دعوت اهل سمرقند و ماوراءالنهر به قبول اسلام و رفع جزیه از آنها که اهل سمرقند اسلام اختیار کردند، محاصره کردن اشرس بخارا را و محاصره کردن خاقان ترک با اهل فرغانه و افشین و نسف و غیره گمترجه را که از بلاد معظمه خراسان و در انوقت مجمع مسلمین بود و عاقبت کار مسلمین و اتراک به مصالحه انجامید، ارتداد اهل کرد و فرستادن اشرس لشکری بر سر ایشان و ظفر یافتن این لشکر، ریاست بلال بن ابی بکره امر قضاوت و عسکری و دیوان احکام و بعضی مشاغل دیگر بصره را به امر خالد^۲ قسری، جنگ مسلمة بن عبدالملک با اتراک در اللان با خاقان ترک که پس از یکماه قتال نزول باران شدید اسباب هزیمت لشکر خاقان شد، وفات حسن بصری و فرزدق شاعر و محمد بن سیرین معبر و جریر خطفی شاعر.

اروپا - رفتن معاویه بن هشام به جنگ رومیها به قولی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۱۱۱ هجری = سنه ۷۲۹ مسیحی]

آسیا - عزل کردن هشام اشرس بن عبدالله را از خراسان که جنید بن عبدالرحمن بن عمرو بن حارث بن خارجه بن سنان^۳ مری به جای او منصوب شد، رفتن جنید به ماوراءالنهر و مقاتله با جیش ترک در دوفرسخی بیکند و غلبه جنید و اسیر شدن برادرزاده خاقان ترک که جنید او را نزد هشام بن عبدالملک فرستاد و خود به مرو مراجعت کرد و عمالی که از جانب جنید در ولایات خراسان و مضافات عامل شدند همه از سلسله مضریه بودند و از جمله قطن بن قتیبه را به بخارا و ولید بن قعقاع عیسی را به هرات و مسلم بن عبدالله باهلی^۴ را ببلخ فرستاد، والی کردن هشام حکم بن قیس بن مخزومه بن عبدالمطلب بن عبد

۱. کامل: طریف مولی بنی ضبه.

۲. ریاست های بلال بن ابی بکره در کامل چنین آمده: الصلوة والأحداث والشرط والقضاء.

۳. کامل: جنید بن عبدالرحمن بن عمرو بن الحارث بن خارجه بن سنان بن ابی حارثة المری.

۴. کامل: مسلم بن عبدالرحمن الباهلی.

مناف را برعامه مردم شام و مصر. آمدن لشکر ترک به طرف آذربایجان و شکست دادن حارث بن عمرو آنها را، ولایت جراح بن عبدالله حکمی در ارمنیه و عزل مسلمة از این مملکت و داخل شدن مسلمة به بلاد خزر از ناحیه تفلیس و فتح کردن شهر بیضا را و اجتماع قشون خزر و توجه آنها به بلاد اسلام برای جنگ.

اروپا — جنگ کردن معاویه بن هشام و سعید بن هشام در دو محل بارومیها و جنگ کردن عبدالله بن ابی مریم نیز در اطراف دریا بارومیها.

[سنه ۱۱۲ هجری = سنه ۷۳۰ مسیحی]

آسیا — رفتن جراح بن عبدالله به جنگ خزر در ناحیه اللان و مقاتله شدید با تراک و کشته شدن جراح و همراهان او در مرتع اردبیل یا در بُلُنْجَر که بعد از آن پسر خاقان ترک در نواحی آذربایجان به قتل و نهب پرداخت و هشام سعید الحَرشی را بالشکری به دفع و غزو خزر مأمور کرده، سعید جنگها با خزر کرد و آنها را مخدول نمود، رفتن جنید والی خراسان به غزو خان ترک به طخارستان و محاصره کردن سمرقند و مقاتله با تراک که در اینموقع سوره بن حُرکه از جانب جنید والی سمرقند بود تقریباً باده هزار نفر قشونیکه همراه داشت کشته شد و عده عظیمی نیز غیر از اینها مقتول شدند و جنید واقعه را به هشام نوشته، هشام بیست هزار نفر از کوفه و بصره و مقداری اسلحه به امداد جنید فرستاد، وفات رجاء بن حیات^۲ کندی و مکحول ابوعبدالله الشامی الفقیه.

اروپا — جنگ معاویه بن هشام بارومیها و فتح خَرَشْنَه که اماسیه باشد.

[سنه ۱۱۳ هجری = سنه ۷۳۱ مسیحی]

آسیا — مقاتله مسلمة با خزر و گرفتن قلاع و بلاد و قرای بسیار از آنها، و دستگیر کردن بسیاری از تراک و نزدیک شدن از طرف جبال به بُلُنْجَر و کشتن پسر خاقان ترک، و فراهم آمدن لشکر بیشماری از قبایل ترک برای جنگ با اعراب که چون این خبر به مسلمة رسید چاره ای جز فرار ندید و به باب الابواب آمد. وفات عدی بن ثابت الانصاری، و معاویه

۱. کذا، قطعاً در سلسله نسب (هاشم) از قلم کاتب افتاده.

۲. کامل: رجاء بن حیوة (حیوة). بالحاء المهملة المفتوحة، وسكون الياء المثناة من تحت).

بن قرة بن اياس المزنی، و عبدالرحمن ابی سعید الخدري مکتی بابی جعفر، رفتن بعضی از داعیان بنی عباس به خراسان که جنید یکی از آنها را به دست آورده بکشت.

اروپا - جنگ معاویة بن هشام بارومیها در ناحیة مرغش^۱ (رُم) جلوس گرگوار سیم پاپ، جنگ عبدالوهاب بن بُخت و عبدالله بقال در خاک روم، و کشته شدن مالک بن شبیب و عبدالوهاب در سیواس.

افریقا - عبیدالله بن حجاب والی افریقیة قشونی به سرداری حبیب بن عبیده به بلاد حبشه مامور کرده سودان را به غلبه فتح کردند و غنائم موفوره به دست آوردند.

[سنه ۱۱۴ هجری = سنه ۷۳۲ مسیحی]

آسیا - دادن هشام بن عبدالملک ولایت جزیره و آذربایجان و ارمینیه را به مروان بن محمد بن مروان ابن عم خود و مامور کردن او را بایکصد و بیست هزار نفر قشون به جنگ خزر، و خبر شدن پادشاه خزر و رفتن به اقصی بلاد خود و خالی گذاشتن بلاد و اماکن را، و خراب کردن مروان بعضی بلاد خزر را و اخذ غنائم و اسیر، و آمدن به بلاد سلطان سریر و خاک حمزین و سُغدان تا قلعه لکر و مصالحه کردن با مروان به ادای خراج و مخدول شدن زمره دیگر و معاودت مروان بعد از آنکه تاشروان و دودا نیه رانده بود، وقوع طاعون شدید در واسط، وفات عبیدالله بن بُریده بن حصیب اسلمی قاضی مرو، وفات عطاء بن بن رباح^۲ فقیه حجاز، ارتحال امام محمد باقر علیه السلام و بعضی ارتحال آنحضرت رادر سال صد و پانزده نوشته اند.

اروپا - عبدالرحمن بن عبدالله الغافقی که از جانب هشام بن عبدالملک حکمران اسپانیول بود با قشون زیاد بخاک فرانک تاخت و مابین شهر حالیة تور و پو و اتیه جنگ سختی با شارل مارسل که فی الواقع پادشاه فرانک بود کرده، سردار عرب مقتول و قشون عرب معاودت به اسپانیول نمود، جنگ معاویة بن هشام و سلیمان بن هشام در دو محل بارومیها.

۱. کامل: مرغش.

۲. کامل: عطاء بن ابی رباح.

[سنه ۱۱۵ هجری = سنه ۷۳۳ مسیحی]

آسیا — بروز طاعون شدید در شام، ظهور قحط و غلا در خراسان، وفات جنید والی خراسان و بعضی فوت جنید را در صد و شانزده نوشته اند.

اروپا — لئون امپراطور قسطنطنیه به قصد تدمبرپاپ از قسطنطنیه سفاین جنگی زیاد به طرف رُم مامور نمود ولی در دریای آدریاتیک تمام آن سفاین دچار طوفان و غرق شد، عبدالملک بن قطن حاکم اسپانیول به غزوۀ ارض بشکنس رفته و معاودت کرد.

[سنه ۱۱۶ هجری = سنه ۷۳۴ مسیحی]

آسیا — بروز طاعون شدید در عراق و شام که در اواسط قتال تربود، عزل کردن هشام، جنید بن عبدالرحمن را از خراسان به واسطه اینکه فاضله دختر یزید بن مهلب را تزویج کرده بود، و نصب شدن عاصم بن عبدالله بن یزید هلالی بجای او، بنابراین فوت جنید در این سال بوده است، خروج حارث بن سُرَیج در خراسان و رفتن به سوی فاریاب و فرستادن عاصم بن عبدالله رسولان نزد او برای اصلاح و رفتن حارث از فاریاب به طرف بلخ و مقاتله او با نصر بن سیمار حکمران بلخ و منهزم شدن بلخیان و ورود حارث به بلخ و خروج نصر بن سیمار از اینولایت، و حاکم کردن حارث یکی از اولاد خازم بن عبدالله را در بلخ و رفتن به طرف جوزجان و طالقان و مرور و غلبه کردن به این نواحی و مقاتله با عاصم بن عبدالله و فرار عساکر حارث، و حارث درین قتال، و هلاک شدن بسیاری از آنها به غرق شدن در مرورود که بعدها باز دور حارث جمع شدند، وفات عدی بن ثابت کوفی و میمون بن حمدان فقیه جزیره، و عمرو بن مراره تابعی، و علی بن عبدالله بن عباس در قریه حمیمه از دمشق.

اروپا — جنگ معاویه بن عبدالملک با رومیها.

افریقا — عزل کردن هشام عبدالله بن حجاب موصلی را از ولایت مصر و والی کردن او را بر افریقیه و لشکر کشیدن او به طرف صقلیه و مقاتله با رومیها که اگرچه رومیها منهزم شدند ولی اسیر زیادی از مسلمین بردند و از آنجمله عبدالرحمن زیاد که مدت شش سال به اسیری گذرانید.

[سنه ۱۱۷ هجرى = سنه ۷۳۵ مسیحی]

آسیا — فرستادن مروان بن محمد بن مروان حکمران ارمینیه دو دسته قشون از دو جانب به جنگ اتراک خزر که یکی از آن دو دسته سه قلعه از ناحیه اللان فتح کردند و دسته دیگر برتومان شاه ورود نموده و با اهل آن ناحیه صلح کردند، عزل کردن هشام عاصم بن عبدالله را از ولایت خراسان و نصب نمودن خالد بن عبدالله قسری را به جای او که خالد برادر خود اسد بن عبدالله را به خراسان فرستاد، محاصره حارث بن سُرَیج ترمذ را و منهزم کردن ترمذی ها را که در ثانی جمع شده حارث را شکست دادند و بسیاری از اتباعش را بکشتند. بدست آوردن اسد بن عبدالله جمعی از دُعاة بنی عبّاس را و هلاک کردن ایشانرا، وفات فاطمه و سکینه سلام الله علیهما دختران حضرت امام حسین علیه السلام^۱، وفات عایشه دختر سعد بن ابی وقاص، وفات قتاده بن دعامة بصری اعمی، وفات ابن ابی ملیک^۲ و سعید بن بشار و نافع فقیه مدینه.

اروپا — جنگ معاویه و سلیمان پسران هشام بن عبدالملک با رومیها در حوالی جزیره در دو محل و مامور کردن سلیمان دسته های عساکر به نقاط مختلفه خاک روم.

افریقا — مُسلم داشتن هشام مصر و افریقته را بر عبیدالله حجاب^۳ که حکومت اسپانیول نیز او را بُود و از جانب خود عقبه بن حجاج را بر آن مملکت حکمران کرد و والی کردن عبیدالله پسر خود را بر مصر و رفتن به جانب افریقته و دادن حکومت طنجه را به پسر دیگر خود اسمعیل نام و فرستادن حبیب بن ابی عبیده بن عُقبه بن نافع را به جنگ مغرب زمین و سودان که فتوحات نموده غنائم موفوره به دست آوردند، محاربه مسلمین با اهل بربر و شکست خوردن مسلمانان و کشته شدن حبیب و کلثوم بن عیاض القشیری و جماعتی از بزرگان عرب، و بعد از این واقعه هشام حنظله بن صفوان الکلبی را حکمران اسپانیول کرد و به حرب مغرب زمین و بربرستان مامور نمود و عکاشه خارجی با جمعی از اهل بربر در قیروان با حنظله جنگ کرده ولی عکاشه منهزم و جمعی از بربرها کشته شدند بعد عبدالواحد بن یزید الهواری بابر بر متفق شده در حوالی قیروان در محل معروف به اصنام

۱. کامل: وفیها توفیت فاطمة بنت الحسن بن علی بن أبی طالب و سکینه بنت الحسین.

۲. کامل: ابن ابی ملیکه.

۳. کامل: عبیدالله بن الحجاب.

بائِسلمین جنگ سختی کرده غالب شدند و سرعبدالواحد را برای حنظله آوردند؛ در این جنگ گویند صد و هشتاد هزار نفر طعمه شمشیر مسلمانان گردیدند.

[سنه ۱۱۸ هجری = سنه ۷۳۶ مسیحی]

آسیا — فرستادن بکیر بن ماهان عمار بن یزید را به خراسان به ریاست هواخواهان بنی عباس که او تغییر اسم داده به این مملکت آمد و بعضی حرفهای ناشایسته در دین بگفت و اسد بن عبدالله مطلع شده او را به دست آورد و بکشت. نزول اسد بن عبدالله به بلخ و مامور کردن جُذیع کرمانی را به قلعه موسوم به تبوشکان از طخارستان علیا که حارث بن سریج و تبعه او و پسران برزی که تغلیون و دامادهای حارث بودند^۱ درین قلعه جادداشتند و جُذیع آن قلعه را محاصره کرده تا فتح نمود و پسران برزی را بکشت و اهل قلعه را عموماً اسیر کرد و زنان آنها را در بازار بلخ به فروخت و مردان آنها کشته شدند، اقامت اسد بن عبدالله در شهر بلخ و نقل کردن دیوان قضا و احکام را به این بلده و رفتن از بلخ به غزو طرف جتوبی طخارستان^۲ و اخذ غنائم و اسیر بسیار، جنگ مروان بن محمد بن مروان با یورنیس پادشاه ترک و غلبه بر او و فرار ورنیس به طرف خزر که در راه کشته شده و تبعه او غارت و اسیر شدند، وفات علی بن عبدالله بن عباس در حُمَیمه از قرای شام که ولادت او در شب شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود و پدرش گفت من او را موسوم می کنم به اسم کسیکه او را از جمیع ناس بیشتر دوست دارم و او را علی نامید و کنیه او را نیز ابوالحسن گردانید، وفات عبدالله بن عامر قاری شام و ذوالرّمه شاعر.

اروپا — جنگ معاویه و سلیمان پسران هشام در خاک روم.

[سنه ۱۱۹ هجری = سنه ۷۳۷ مسیحی]

آسیا — رفتن اسد بن عبدالله والی خراسان به خُتَل (ختلان) و پراکنده کردن عساکر خود

۱. کامل: بنو برزی التغلیون اصهار الحارث.

۲. کامل: ثم غزا طخارستان ثم أرض جبویه.

[سنه ۱۲۰ هجری = سنه ۷۳۷ مسیحی]

آسیا - وفات اسد بن عبدالله القسری والی خراسان در بلخ، و قیام جعفر بن حنظله بن بَهرانی به امر خراسان در مدت چهارماه که بعد از آن نصر بن سيارالکتنانی والی خراسان گردید، فرستادن هواخواهان بنی عباس سلیمان بن کثیر را از خراسان نزد محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برای اینکه از حالات او را اعلام کرده باشند، عزل کردن هشام بن عبدالملک خالد بن عبدالله قسری را از ایالت عراق و خراسان، و نصب کردن یوسف بن عمرالثقفی والی یمن را به جای او و در عهد یوسف اسلام در این حدود نهایت ضعیف بود و کفار غلبه داشتند، وفات مسلمة بن عبدالملک بن مروان، وفات محمد بن سلیمان فقیه و واقد بن عمرو بن سعد بن معاذ.

اروپا - جنگ سلیمان بن هشام بن عبدالملک بارومیها و فتح شهر سندرہ.

[سنه ۱۲۱ هجری = سنه ۷۳۸ مسیحی]

آسیا - بیعت کردن چهل هزار نفر از اهل کوفه با زید بن علی بن الحسین (ع) که از جمله مسلمة بن کهیل و نصر بن خزیمه بن عبسی^۱ و معاویه بن اسحق بن زید بن حارثة الانصاری، و بعضی دیگر از اعیان کوفه بودند، و فراهم آمدن اسباب ظهور زید و مخالفت با هشام بن عبدالملک، و بایوسف بن عمرالثقفی که از جانب هشام ولایت عراق داشت، و نصیحت کردن داود بن علی بن عباس زید را، و منع کردن او را از اینکه به عهد و وفای اهل کوفه اعتماد ننمایند، همچنین نصیحت کردن مسلمة بن کهیل زید را به منوال داود و نپذیرفتن زید از هیچیک، و نوشتن عبدالله بن حسن بن حسن (ع) نامه به زید باینمضمون که مبادا به قول اهل کوفه مغرور گردی که آنها باتو همان کنند که باجۀ تو کردند، و مؤثر نشدن اینکلمات در مزاج زید و تزویج کردن زید در کوفه دختر یعقوب بن عبدالله سلمی را و دختر عبدالله بن ابی العنسی ازدی را که پس از آن گاهی در خانه این زوج و گاهی در خانه آن زوج و گاهی در میان عبس و گاهی در میان بنی هند و زمانی در میان بنی تغلب و غیرهم بود تا ظهور کرد، جنگ نصر بن سيار در

۱. کامل: سلمة بن کهیل و نصر بن خزیمه العبسی.

ماوراءالنهر در بلاد و ولایات چند و گرفتن عاصم بن عمیر کورصول را که یکی از سلاطین ترک و صاحب چهار هزار قبه بود، و کشته شدن کورصول به امر نصر بن سيار و پیش رفت کار عساکر نصر در نواحی و بلاد ماوراءالنهر و مصالحه نصر با سران و ملوک ترک، جنگ مروان بن محمد بن مروان والی ارمینیه در ارمینیه و داخل شدن به قلعه غومیک که دختر پادشاه در آن بود و فرار پادشاه و راندن مروان تا قلعه خیزج که تخت طلای پادشاه در آن بود و وقوع مصالحه مابین مروان و پادشاه به مال المصالحه زیادی و رفتن مروان به خاک بطران^۱ و مصالحه پادشاه بطران بامروان و رسیدن مروان به ارض تومان و مصالحه با او و وصول به دیار حمزین و خراب کردن بلا داو، و مصالحه حمزین بامروان و رفتن مروان به خاک مسدازه^۲ و فتح کردن آن و ورود به کیران و مصالحه طبرسران و فیلان بامروان و جمیع این ولایات در ساحل دریای ارمینیه است تا طبرستان، حج کردن محمد بن هشام بن اسمعیل مخزومی حاکم مدینه و مکه و طایف در این سال، فراغت ولید بن بُکیر حاکم موصل از حفر نهریکه داخل شهر می شد و هشتاد هزار درهم خرج آن شده بود و هشت سنگ آسیا آب این نهر می گردانید که هشام منافع آنها را وقف مرمت نهر نمود، وفات سَلَمَة بن شَهْثَل به قولی، وفات عامر بن عبدالله بن زبیر به قولی، وفات محمد بن یحیی بن^۳ حیان، شیاع علم کیمیا در میان اعراب.

اروپا — جنگ سَلَمَة بن هشام در خاک روم و فتح کردن مطامیر را، کشته شدن یعقوب بن عبدالله بن أشج در جنگ بارومیها.

[سنه ۱۲۲ هجری = سنه ۷۳۹ مسیحی]

آسیا — باخبر شدن یوسف بن عمر والی عراق از امر یزید بن علی بن حسین (ع) که با اصحاب خود مواعده کرده بود که شب اول ماه صفر ظهور کنند و نوشتن یوسف از حیره به حکم بن صلت حاکم کوفه که اهل کوفه را در مسجد احضار کند و به دفع ماجرا پردازد. محصور کردن حکم اهل کوفه را در مسجد و فرستادن یوسف ریان سَلَمَة الانی^۴ را بآباد و هزار نفر

۱. کامل: ارض ارزو بطران.

۲. کامل: مسداز.

۳. کامل: حیان (حَبان بفتح الحاء، و بالباء الموحدة).

۴. کامل: ریان بن سَلَمَة الأَرانی.

به امداد حکم، مقاتله زید و اصحاب او که در اینوقت به همه جهة دو یست و هیجده نفر بودند و باقی یا عذر کرده یا محصور بودند با سپاه کوفه و شام که در تبعیت یوسف و حکم بودند، و کشته شدن زید بعد از چند روز جنگ و دفن کردن اصحاب زید جسد او را، و آب بستن بر روی مزار او که مدفن او از معاندین مخفی ماند، و پیدا کردن اعادی مدفن زید را و نبش کردن قبر و بیرون آوردن جسد او و بریدن سر او که حکم بن صلت ان سر را به حیره برای یوسف بن عمر فرستاد و یوسف حکم کرد جسد زید و نصر بن خزیمه و معاویه بن اسحق و زیاد التهدی را در کناسه بیاویزند و مستحفظی بر آنها قرار دهند که مبادا دوستان زید این جسد ها را برده دفن کنند. و یوسف سر زید را نزد هشام فرستاد و هشام آنها را در دروازه دمشق آویخت بعد به مدینه فرستاد و بدن زید مصلوب بود تا هشام مرد و بعد از هشام ولید آن جسد را بسوخت و یحیی بن زید بعد از کشته شدن زید به نینوا و از آن جا بخراسان رفت. توجه یوسف بن عمر بن شبرمه به سجستان، وفات ایاس بن معاویه بن قره قاضی بصره که به ذکاوت معروفست، وفات زید بن حارث یامی و محمد بن المنکدر بن عبدالله ابوبکر التیمی از تیم قریش و یعقوب بن عبدالله بن الأشج و محمد بن اسمعیل کوفی و ثابت البنانی تابعی.

اروپا — کشته شدن بطلال که با جماعتی از مسلمین در بلاد روم جنگ می کرد و اسم بطلال عبدالله ابوالحسین الانطاکی بوده و جنگهای شدید در بلاد روم نموده رومیها از او نهایت خائف بودند. بعضی کشته شدن بطلال را در سال صد و بیست و سه نوشته اند.

آفریقا — کشته شدن کلثوم بن عیاض القشیری که از جانب هشام با سپاه شام به آفریقه رفته بود و در فتنه بربر هلاک شد و فتنه بربر عبارتست از خروج عبدالواحد یهودی (نسخه بدل — هوازی) در مغرب با طایفه بربر را غیر ازین شرح داده اند.

[سنه ۱۲۳ هجری = سنه ۷۴۰ مسیحی]

آسیا — مصالحه نصر بن سيار والی خراسان با اهل سغد و جنگ کردن با اهل فرغانه، وفات محمد بن واسع الازدی البصری به قولی، وفات جعفر بن ایاس و سعید بن ابی سعید المقبری موسوم به کیسان به قولی، وفات مالک بن دینار زاهد به قولی.

اروپا — وقوع زلزله سختی که شهر قسطنطنیه و شهر بی سیه و شهر بی کومدی را معدوم

صرف نمود و این زلزله تا مصر امتداد یافت، وفات عقبه بن حجاج السلولی حکمران اندلس و دخول بلج بن بشر العبسی به اندلس بعد از آنکه در افریقیه محصور بود و ولایت او در این مملکت.

[سنه ۱۲۴ هجری = سنه ۷۴۱ مسیحی]

آسیا — ابتدای امر ابومسلم خراسانی، بعضی گفته اند اسم ابومسلم ابراهیم بن عثمان بن بشار بن سدوس بن جود زده و از اولاد ابوذر جمهر بوده، کینه اش ابا اسحق، و مولدش اصفهان و نشو و نمایش در کوفه، برخی براین اند که اسمش ابراهیم و لقبش حیکان و از اهل ضیاع بنی معقل عجلیه بوده است در اصفهان، یا در شهر دیگر از بلاد جبل. به هرحال چون به ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس پیوست به امر او تغییر اسم داده موسوم به عبدالرحمن بن مسلم شد و مکنی به ابومسلم گردید. جماعتی ابومسلم را حر ندانسته و عید شمرده اند و ابراهیم بن محمد پس از آنکه ابومسلم چند سال به او خدمت نموده بود او را به واسطه کیاستی که داشت بر هواخواهان بنی عباس که در خراسان بودند امیر نمود. در سال صد و بیست و هشت او به خراسان آمده بخانه سلیمان بن کثیر منزل کرد و ابراهیم بن محمد نامه ای به ابی سلمة الخلال که داعی عباسیین بود در خراسان نوشته هواخواهان بنی عباس را به اطاعت ابومسلم امر کرد و بقیه امر ابومسلم در سال صد و بیست و هشت بیاید. وفات محمد بن علی بن عبدالله بن عباس به قولی، وصیت کردن محمد به ابراهیم پسر خود که به امر دعوت مردم به بیعت بنی عباس قیام نماید. وفات محمد بن مسلم بن شهاب الزهری امام اهل مدینه.

اروپا — جنگ سلیمان بن هشام با رومیها و ملاقات بالئون^۱ امپراطور قسطنطنیه، فوت لئون امپراطور و جلوس قسطنطین به جای او (فرانک) فوت شارل مارسل که پادشاه و امیر الامراء یکقسمت عمده فرانک گردیده بود و تقسیم کردن مملکت به سه اولاد خود (رُم) فوت گرگوارسیم و نصب زاشری به جای او (اسپانیا) وفات بلج امیر اندلس و ولایت ثعلبه بن سلامه عجلی در این مملکت.

افریقا — حرب مناریه و صفریه در مغرب.

[سنه ۱۲۵ هجری = سنه ۷۴۲ مسیحی]

آسیا — وفات هشام بن عبدالملک در رُصافه در عشر اول ربیع الاول^۱ در پنجاه و پنجسالگی یا پنجاه و شش سالگی که تقریباً نه سال و نه ماه خلافت کرده بود و در رُصافه مدفون شد (مقصود از این رُصافه یکی از شهرهای شام است) بیعت مردم با ولید بن یزید بن عبدالملک، ولیعهد کردن ولید دو پسر خود را که حکم و عثمان باشند که ولایت عهد ابتدا یکی را باشد و بعد از آن دیگری را، ولایت دادن ولید نصر بن سيار را بر تمام خراسان و فرستادن یوسف بن عمر والی عراق جمعی را نزد ولید و خریدن نصر و عمال او را و دادن ولید ولایت خراسان را به یوسف، و فرستادن یوسف رسولی نزد نصر که خود را از حکومت خلع کرده نزد یوسف آید و ماطله کردن نصر و نوشتن ولید به نصر که بر بطنها و طنبورها و ابریهای طلا و نقره برای او تمام نموده با مطربها از خراسان متوجه خدمت ولید گردد، و هر چه از باز و قوش و اسباب شکار در خراسان بیابد با خود آورده به خلیفه تقدیم نماید و نصر به تهیه مشغول شده وقتی روانه شد که در راه خبر قتل ولید را شنید و به محل خود بازگشت نمود، کشته شدن یحیی بن یزید بن علی بن حسین (ع) در جوزجان در جنگ با سالم بن احوز که نصر بن سيار او را به قتال با یحیی امر کرده بود و جسد یحیی در جوزجان مصلوب بود تا ابو مسلم در خراسان تسلط بهم رسانید و جسد یحیی را دفن کرد و از قاتلین یحیی هر کس زنده بود بکشت و هر کس مرده بود ببازماندگان او صدمات وارد آورد. حکومت یوسف بن محمد بن یوسف الثقفی خال ولید بن یزید در مکه و مدینه و طایف، وفات محمد بن علی بن عبدالله بن عباس به قولی، وفات سماک بن حرب، و ابن ابی بزه موسوم به یسار از قاریهای مشهور و اشعث بن ابی الشعثاء سلیم بن اسود المحاربی و سید بن ابی اُنَیسَه الجزری فقیه عابد.

اروپا — امارت ابوالخطار حسام بن ضرار کلبی در اندلس.

افریقا — ولایت حنظله بن صفوان الکلبی در افریقیه.

۱. کامل: لست خلون من شهر ربیع الآخر.

[سنه ۱۲۶ هجری = سنه ۷۴۳ مسیحی]

آسیا - آمدن خالد بن عبدالله القسری نزد ولید و تسلیم کردن او را به یوسف بن عمر ثقفی و بردن یوسف او را به کوفه و عذاب کردن و کشتن او، اضطراب امر بنی امیه، کشته شدن ولید بن یزید بن عبدالملک در ماه جمادی الاخره به سبب اکثار او در لهو و لعب و شرب خمر و فسق و اقدام به اعمال شنیعه که مردم بایزید بن ولید بن عبدالملک بیعت کردند و او لشکری در تحت فرمان عبدالعزیز بن حجاج بن عبدالملک بر سر ولید فرستاده در حوالی قصر نعمان بن بشیر با او مقاتله کردند و چون ولید درماند به قصر رفت و در رابر روی خود بست و قرآنی به دست گرفته گفت امروز نظیر روز عثمان است، بالجمله هواخواهان یزید دور قصر را گرفتند و یزید بن غنیمه از دیوار قصر بالا رفته داخل قصر شد و دست ولید را گرفته که ببرد و او را حبس کند، ده نفر دیگر در آن هنگام ورود به قصر نموده که از جمله منصور بن جمهور، و عبدالسلام اللخمی بودند. عبدالسلام ضربتی به سر ولید زد، و سندی بن زیاد ابن ابی کبشه ضربتی بر روی ولید زد و سر او را بردند و نزد یزید بردند و او حکم کرد سر او را بر سر نیزه نموده در شهر دمشق گردانیدند مدت خلافتش تقریباً یکسال و سه ماه، خلافت یزید بن ولید بن عبدالملک معروف به ناقص در اواخر جمادی الاخره، و او را ناقص می گفتند زیرا که عشراتی که ولید بر عطایای مردم افزوده بود او کم کرد، و مقرر نمود به وضعی که در ایام هشام بود. مخالفت اهل حمص بایزید و لشکر فرستادن یزید به تدمیر آنها و قتال شدید در حوالی ثنیة العقاب که اهل حمص منهزم و مقهور شدند. اجتماع اهل فلسطین برخلاف یزید و بیرون کردن عامل یزید را از فلسطین و احضار کردن یزید بن سلیمان بن عبدالملک را، و بیعت کردن با او و فرستادن یزید بن ولید لشکری به سرداری سلیمان بن هشام بن عبدالملک به قتال یزید بن سلیمان بن عبدالملک و متفرق شدن بزرگان فلسطین از دور یزید بن سلیمان به وعد و وعید سلیمان بن هشام، و رسیدن لشکر سلیمان بن هشام به جیش یزید بن سلیمان و نهیب کردن آنها را و رفتن سلیمان بن هشام تا طبریه و رمله و گرفتن بیعت برای یزید ناقص، عزل کردن یزید ناقص یوسف بن عمر را از عراق و نصب کردن منصور بن جمهور را به جای او و ضمیمه نمودن مملکت خراسان را به حکومت منصور و اطاعت نکردن نصر بن سيار و عزل کردن یزید ناقص منصور را و نصب کردن عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز را به جای او، ظهور مروان بن محمد بن مروان به مخالفت یزید ناقص، شورش اهل مدینه و

مخالفت آنها با حاکم خود که بعد از آن جنگها در این ولایت متوالی بود، آمدن حارث بن سریج که در میان اتراک بود و بانصر سیار مخالفت میکرد نزد نصر، و امان یافتن و پس دادن نصر به او آنچه را از او گرفته بود، رفتن بکیر بن ماهان از جانب ابراهیم بن محمد عباسی به خراسان و خبر دادن وفات محمد را به هواخواهان بنی عباس و دعوت کردن آنها را به متابعت ابراهیم و قبول کردن آنها، بیعت گرفتن یزید ناقص برای برادرش ابراهیم بن ولید به ولایت عهد، و بعد از او برای عبدالعزیز بن حجاج بن عبدالملک، فوت یزید ناقص در ذیحجه در دمشق که ششماه و دوازده روز خلافت کرد، و جلوس ابراهیم به جای او که استقراری نیافت و حکمرانی او چهارماه یا هفتاد روز بود و بعد مروان او را خلع کرد، وفات عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق و ابو حمزة صاحب ابن عباس.

افریقا — استیلای عبدالرحمن بن حبیب بن ابی عبیده بن عقبه بن نافع در افریقیه.



[سنه ۱۲۷ هجری = سنه ۷۴۴ مسیحی]

آسیا — عزیمت مروان بن محمد بن مروان بن حکم امیر دیار جزیره به شام برای خلع ابراهیم بن ولید و آمدن به حمص و بیعت اهل حمص با او و همراهی با او به عزم قتال و فرستادن ابراهیم لشکری به سرداری سلیمان بن هشام بن عبدالملک به دفع مروان و جنگ کردن در نزدیکی دمشق که لشکر ابراهیم صد و بیست هزار و عساکر مروان هشتاد هزار بودند و پس از قتال شدیدی لشکر ابراهیم فرار کردند و با سلیمان منهنجا به دمشق آمده به ابراهیم پیوستند و دو پسر از ولید بن یزید که در زندان بودند بکشتند، بعد از آن ابراهیم گریخت و پنهان شد، و سلیمان بن هشام بیت المال را غارت کرده میان اصحاب خود تقسیم نمود و از دمشق خارج شد، بیعت مردم بامروان در دمشق و رفتن مروان به جایگاه خود یعنی به حران، استیمان ابراهیم و سلیمان بن هشام از مروان و امان دادن مروان آنها را و بیعت کردن آنها بامروان، مخالفت کردن اهل حمص بامروان و رفتن لشکر مروان از حران به حمص و محصور کردن آنها و خراب کردن بعضی از باروی حمص، طغیان اهل غوطه دمشق و برداشتن یزید بن خالد قسری را به امارت خود و محاصره کردن دمشق را و فرستادن مروان ده هزار سوار به تدبیر آنها به سرداری ابوالورد بن

کوشر، و عمرو بن صباح^۱ که اهل غوطه را منهزم کردند و بعضی از قرار آتش زدند، مخالفت اهل فلسطین بامروان که آنها را نیز ابوالورد مقهور نمود، رفتن مروان به قرقسیا و خلع کردن سلیمان بن هشام مروان را، و جمع شدن هفتاد هزار نفر از اهالی شام دور سلیمان و اردو زدن در قنسرین، و آمدن مروان با عساکر خود از قرقسیا به قنسرین، و وقوع قتال شدید مابین فتنین، و منهزم شدن سلیمان و عسکر او، و تعاقب لشکر مروان قشون او را که زیاده از سی هزار نفر آنها را بکشتند، و رفتن سلیمان به حمص، و جمع شدن اهل حمص و بقیة منهزمین دور او، و لشکر فرستادن مروان بر سر او که در ثانی او را شکست دادند، و سلیمان به تدمر گریخت و اهل حمص باز عصیان نموده و عساکر مروان مدتی مدید حمص را در بند محاصره داشت تا امان خواستند و تسلیم شدند، و ولاتی که از جانب سلیمان در این ولایت بودند اهل حمص آنها را به کارگذاران مروان دادند و ایمنی یافتند، ظهور عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر در کوفه، و مقاتله او با عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز و هزیمت یافتن اصحاب معاویه که زیدیه بودند، و گرفتن طایفه ربیعه امان برای ابن معاویه و خودشان و زیدیه به اینکه از کوفه بروند، چنانکه ابن معاویه به مداین آمده و جمعی از اهل کوفه بر او جمع شده و او بر حلوان و همدان و جبال و اصفهان وری غلبه کرد، خروج ضحاک بن قیس شیبانی و داخل شدن بکوفه و مقاتله با عبدالله بن عمر که آخر الامر در واسط پس از سه ماه جنگ عبدالله با ضحاک مصالحه کرد که سلیمان بن هشام بن عبدالملک نیز با او بود، قوت گرفتن کار هواخواهان بنی عباس و برقرار شدن ابوسلمه بن حفص بن سلیمان از جانب ابراهیم بن محمد به جای بکیر بن ماهان داعی عباسیین در خراسان به خواهش خود بکیر که در خود امارات موت می دید و پذیرفتن اهل خراسان ابوسلمه را، وفات محمد بن واسع ازدی زاهد، وفات عبدالله بن اسحق مولی الحضرمی^۲ از خلفاء عبد شمس که مکتبی به ابو بحر و از ائمه علم نحو و لغت بود، فوت اسمعیل میمندی مفسر اهل کوفه و مالک بن دینار^۳ زاهد بصری بقولی.

۱. کامل: عمر بن الواضح.

۲. کامل: مولی الخضر.

۳. کامل: عبدالله بن دینار.

اروپا — خلع ابی الخطار حسام بن ضرار از امارت اندلس و امارت یافتن ثوابه بن سلمه الحدانی بجای او در این مملکت.

[سنه ۱۲۸ هجری = سنه ۷۴۵ مسیحی]

آسیا — فرستادن مروان یزید بن هبیره را به عراق به مقاتله اشخاصیکه درین مملکت خروج کرده بودند، و ظهور فتنه در خراسان و مقاتله حارث بن سُرَّیج با کرمانی و کشته شدن حارث، فرستادن ابراهیم بن محمد ابومسلم خراسانی را به خراسان در حالیکه نوزده ساله بود برای دعوت مردم به متابعت بنی عباس و قوت عمل هواخواهان بنی عباس در خراسان، کشته شدن ضحاک بن قیس خارجی در مقاتله با عساکر مروان و کشته شدن خیبری نیز که بعد از ضحاک تبعه او با خیبری بیعت کرده بودند و بعد از قتل خیبری شیبان حروری بر تبعه او امارت یافت، بیعت ابی حمزه خارجی که موسوم به مختار بن عوف اُزدی سلمی بصری بود با عبدالله بن یحیی معروف به طالب الحق به اینکه طالب الحق خلیفه باشد و خواندن مردم را به خلاف مروان و آل مروان، خروج بسطام در آذربایجان و کشته شدن او، وفات عاصم بن ابی النجود صاحب القرآت (النجد الحماره الوحشیة)، وفات جابر بن یزید الجعفی از غلات شیعه، ولادت امام موسی کاظم علیه السلام.

[سنه ۱۲۹ هجری = سنه ۷۴۶ مسیحی]

آسیا — ظهور دعوت بنی عباس در خراسان بواسطه ابومسلم و مکاتبات فیما بین نصر سیار و ابومسلم که منجر به مقاتله شد، و غلبه ابومسلم در بعضی از بلاد خراسان، و کشتن چند نفر از عمال نصر را و نوشتن نصر به مروان ماجری را و حکم کردن مروان به عاملی که در بلقا داشت که ابراهیم بن محمد را که معروف به ابراهیم بن امام بود و در قریه حُمَیْمَه در شِراة شام سکنی داشت بگیرد و محبوساً نزد مروان فرستد، و گرفتن عامل مروان ابراهیم را، و فرستادن نزد مروان که او را در حران حبس کرد، و او در حبس مروان بود تا درگذشت، کشته شدن کرمانی که با ابومسلم موافقت کرده بود، به حکم نصر بن سیار، و ملحق شدن علی بن کرمانی با تبعه خود به ابومسلم و مقاتله کردن بانصر در مرو و بیرون کردن او را از دارالاماره، غلبه عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار بر فارس که بعد

از چندی معن بن زائده از جانب ابن هبیره والی عراق و جمعی دیگر با او مقاتله کرده، ابن معاویه منهزم شد و به خراسان رفت و با امر ابومسلم کشته شد، وفات یحیی بن یعمر عدوی در خراسان و یحیی از فصحاء تابعین بود و از ابوالاسود دؤلی نحو آموخته بود، وفات وهب بن گیسان و یحیی بن ابی کثیر الیمامی.

اروپا — وفات ثوابه بن سلمه امیر اندلس و ولایت یوسف بن عبدالرحمن الفهری در این مملکت، طایفه سلاو از ساحل دانوب تا حوالی مقدونیه آمده آنجا را یورت خود قرار دادند.

[سنه ۱۳۰ هجری = سنه ۷۴۷ مسیحی]

آسیا — استیلاء ابومسلم در خراسان و داخل شدن او به شهر مرو و منزل کردن در قصر دارالاماره و گریختن نصر بن سیمار از مرو، کشته شدن شبیان حروری را در ابیورد به دست بسم بن ابراهیم به فرمان ابومسلم و کشتن ابومسلم علی و عثمان دو پسر کرمانی را، آمدن قحطبه بن شیبب نزد ابومسلم بالوائیکه ابراهیم امام بسته بود و برای ابومسلم فرستاده و ابومسلم او را مقدمه خود قرار داده جیشی در تحت فرمان او قرار داد و او را در امور عسکری بسط ید داد و عزل و نصب را موقوف به رأی او کرد، فرستادن ابومسلم عمال به ولایات خراسان، و عزیمت قحطبه به نیشابور، و کشته شدن تمیم بن نصر بن سیمار در جنگ با قحطبه و فرار نصر از نیشابور به قومس و متفرق شدن لشکر او، کشته شدن ثباته بن حنظله عامل یزید بن هبیره در جرجان در مقاتله قحطبه، کشته شدن ابو حمزه خارجی به دست عساکر مروان به سرداری عبدالملک بن محمد بن عطیه السعدی، سعد هوازن و رفتن ابن عطیه به یمن و مقاتله او با عبدالله بن یحیی طالب الحق و کشته شدن طالب الحق، قتل کردن قحطبه در جرجان که شنیده بود اراده خروج دارند و کشتن زیاده از سی هزار نفر را، وفات ابوجعفر یزید بن قعقاع القاری، وفات محمد بن اسکندر زاهد در مدینه، وفات عبدالعزیز بن رفیع که ابوعبدالله مکی فقیه باشد، وفات اسمعیل بن ابی حکیم کاتب عمر بن عبدالعزیز و یزید بن ابان معروف به یزید رشک، و حفص بن سلیمان بن مغیره، بروز طاعون در بصره.

اروپا — جنگ ولید بن هشام با رومیها.

[سنه ۱۳۱ = سنه ۷۴۸ مسیحی]

آسیا - وفات نصر بن سيار در ساوه نزديکی ری در هشتاد و پنجسالگی، آمدن قحطبه بن شبيب به ری و استقرار امر بنی عباس در اینجا و غلبه عساکر قحطبه بر خوارجیکه در دستبندی جمع شده بودند، نوشتن ابومسلم خراسانی نامه ها به اسپهبد طبرستان و مصمغان حاکم دماوند و خواندن آنها را به تبعیت بنی عباس و ادای خراج و قبول کردن اسپهبد ورد کردن مصمغان که تا زمان منصور به مخالفت باقی بود و دائماً به کارزار می پرداخت تا در خلافت منصور حماد بن عمرو دماوند را فتح کرد، جنگ قحطبه با عامر بن ضباره و داود بن یزید بن هبیره در نواحی و حوالی اصفهان که این دو به حکم یزید بن عمر بن هبیره که والی مروان بود در عراق به جنگ قحطبه شتافتند و منهزم شدند و عامر کشته شد و این حدود نیز برای قحطبه مصفی گردید، و قحطبه چند روزی در شهر اصفهان مانده بعد به نهاوند رفت و این شهر را نیز فتح کرد، فرستادن قحطبه ابوعون عبدالملک بن یزید الخراسانی را به شهر زور و فتح کردن ابوعون این ولایت را، توجه قحطبه به عراق برای جنگ با یزید بن عمر بن هبیره و نزول او در کنار فرات، وفات ابو حذیفه واصل بن عطاء الغزال المعتزلی که از حسن بصری کناره کرده و مخالفت با او نمود درینقول که صاحبان کبایر نه مسلم اند و نه کافر بلکه منزلی میانه اسلام و کفر دارند و از این جهت او و متابعی او معروف به معتزله شدند و واصل لثغه در حرف راء داشت یعنی نمیتوانست این حرف را تلفظ کند، وفات مالک دینار زاهد را نیز بعضی در این سال نوشته اند، وفات منصور بن المعمر السلمي ابو عتاب کوفی.

[سنه ۱۳۲ هجری = سنه ۷۴۹ مسیحی]

آسیا - مقاتله ابن هبیره و قحطبه در حوالی فرات و فرار ابن هبیره و عساکر او که به واسطه گریختند و هلاکت قحطبه درین جنگ که بعضی گفته اند در عبور از نهر غرق شد، برخی براین اند که هنگام عبور از نهر معن بن زایده او را بکشت، بروایتی قحطبه از نظرها ناپدید شد چون در صدد جستجوی او برآمدند او و حرب بن سالم ابن أحوز را دیدند که هردو کشته شده و جسد هردو در کنار نهر افتاده احتمال دادند که این هردو یکدیگر را کشته اند، و بعد از قحطبه به موجب وصیت او پسرش حسن بن قحطبه جای او را بگرفت،

خروج محمد بن خالد بن عبدالله القسری در کوفه، و بیرون کردن عامل ابن هبیره را از کوفه و آمدن حسن بن قحطبه به کوفه، و عامل کردن محمد بن خالد را در کوفه، و رفتن به واسط به عزم قتال با ابن هبیره که محمد بن خالد معروف به امیر در کوفه حکومت داشت تا ابوالعباس سفاح ظهور کرد، بیعت کردن با ابوالعباس سفاح که اسمش عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بود در ربیع الاول یا در ربیع الآخر در کوفه، تبیین آنکه چون مروان ابراهیم امام را حبس کرد و ابراهیم خود را در حالت وفات دید برای اهل خود پیغام داد که اطاعت ابوالعباس برادر او را نمایند و ابوالعباس خلیفه باشد و اهل بیت ابراهیم با ابوالعباس از حُمَیمه به کوفه روند و ابوالعباس با برادر خود ابوجعفر منصور و اهل بیت ابراهیم در ماه صفر به کوفه آمدند و تا ماه ربیع الاول یا ربیع الآخر در کوفه پنهان بودند بعد ظاهر شده و مردم ابوالعباس را به خلافت تهنیت گفتند و او داخل دارالاماره شد، بعد به مسجد رفته خطبه خواند و امامت کرد و ابوجعفر را در مسجد نشاند و برای او از مردم بیعت گرفت، بعد ابوالعباس از کوفه خارج شده در حَتّام اُغین اردوزد و عمّ خود داود بن علی را والی کوفه کرد، و در اینوقت عبدالله بن بسام حاجب ابوالعباس سفاح بود، پس از آن سفاح عمّ خود عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس را به شهرزور فرستاد و اهل شهر به اطاعت بنی عباس بودند و برادرزاده خود عیسی بن موسی بن محمد را نزد حسن بن قحطبه فرستاد و حسن در اینوقت ابن هبیره را در واسط محصور کرده بود. نیز سفاح یحیی بن جعفر بن تمام بن عباس را به مداین نزد حمید بن قحطبه برادر حسن فرستاد و خود سفاح یکماه در اردوی خود توقف کرده بعد به شهر هاشمیه کوفه آمده در قصر امارت نزول نمود، اما مروان بن محمد بن مروان الحکم بن العاص که چهاردهمین خلیفه اموی و آخرین خلیفه از بنی امیه و ملقب به حمار و معروف به مروان جعدی بود از حرّان به مقاتله ابی عون عبدالملک بن یزید ازدی که از جانب بنی عباس در شهرزور بود و استیلائی یافته انتهاز کرد، و با صد و بیست هزار نفر روانه شده تا رسید به زاب و در اینجا خندقی برای عساکر خود حفر کرد، ابوعون نیز از شهرزور به زاب آمد و سفاح ابوعون را به جیشی کمک کرد که سردار آن عبدالله بن علی عمّ سفاح بود، و سلمه بن محمد بن عبدالله الطّائسی نیز در این قشون بود و چون عبدالله به ابی عون پیوست ابی عون سرافرده خود را خاصّ عبدالله کرده خود در عدد عساکر درآمد، پس از آن مروان جسری برنهر زاب بسته از آن عبور کرد و با عبدالله مشغول قتال شد و عساکر عبدالله بیست هزار نفر یا کمتر بودند و جنگ شدیدی با قشون مروان کرده او را شکست دادند و این در یازدهم جمادی الآخر

بکشت و جسد آنها را در راهها انداخته طعمهٔ سگها نمود، هم درین سال ابوالورد بن کوثر از اصحاب مروان بعد از آنکه در اطاعت بنی عباس درآمد بود بنای عصیان گذاشت، عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس بالشکر جزاری متوجه او شده و او در قنسرین بود پس از جنگ شدید قشون اسی ورد منهزم شدند و خود او جنگ کرد تا کشته شد و اهل قنسرین امان یافته مجدداً با عبدالله بیعت کردند و او به دمشق مراجعت کرد و اهل دمشق هم طغیان نموده و اهل عبدالله را غارت کرده چون عبدالله به دمشق نزدیک شد طاغیان گریختند و عبدالله بعدها آنها را امان داد، والی کردن سفاح یحیی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادر خود را به موصل و چون اهل موصل سرکشی نموده حاکم خود را بیرون کرده بودند یحیی یازده هزار مرد از آنها کشت و حکم به قتل زنان و اطفال نمود و سرداری بایحیی بود که چهار هزار زنگی با او بود، یکروز زنی از اهل موصل به یحیی گفت ما را عار می آید از اینکه زنگیها زنهای عرب را تزویج کنند یحیی به قول او عمل کرده جمیع زنگیها را بکشت، ولایت دادن سفاح برادر خود اباجعفر منصور را بر جزیره و آذربایجان و ارمنیه، والی کردن سفاح عم خود داود را در مدینه و مکه و یمن و یمامه. دادن سفاح ولایت کوفه و سواد آنرا به پسر برادر خود عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، و والی شام عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس، و والی مصر ابوعون بن یزید بود و ابومسلم خراسانی در خراسان حکمرانی داشت و وزارت مالیه باخالد بن برمک بود، کشته شدن اسی سلمة الخلال معروف به وزیر آل محمد به اشارهٔ سفاح، کشته شدن سلیمان بن کثیر به امر اسی مسلم خراسانی که اینمعنی اسباب کینه ابوجعفر و سفاح نسبت به اسی مسلم شد، وفات عبدالله بن طاوس بن گئسان الهمدانی از عباد و فقهای اهل یمن.

[سنه ۱۳۳ هجری = سنه ۷۵۰ مسیحی]

آسیا - والی کردن سفاح عم خود سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را بر بصره و رستاق دجله و بحرین و عمان و مهران قنق، دادن سفاح حکومت اهواز را به عم خود اسمعیل بن علی بن عبدالله بن عباس، وفات داود بن علی عم سفاح در مدینه و نصب کردن سفاح زیاد بن عبدالله حارثی را به جای او، عزل کردن سفاح برادر خود یحیی را از حکومت موصل به جهت کثرت قتلی که درین ولایت کرده بود و نصب کردن عم خود

اسمعیل بن علی را بجای او، فرستادن ابومسلم زیاد بن صالح را به جنگ پادشاه شاش (چاچ) و آخشید و فرغانه و غلبه زیاد برجیش ترک.

اروپا - غلبه و استیلای قسطنطین امپراطور قسطنطنیه بر قالیلا و ملطیه، گریختن عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک بن مروان به اندلس و پذیرفتن امرای بنی امیه که در اندلس بودند او را و به حکومت نشستن او که سالهای دراز آن مملکت اولاد او را بود و ابتدای دولت آل مروان در اندلس در سال ۱۳۹ می باشد. چنانچه بیاید.

[سنه ۱۳۴ هجری = سنه ۷۵۱ مسیحی]

آسیا - نقل سفاح دارالخلافة را از حیره کوفه به انبار، مخالفت بسام بن ابراهیم بن بسام که از خراسان بود و رفتن باجماعتی به مداین و فرستادن سفاح خازم بن خزیمه را به تدمیر آنها و منهزم شدن بسام و همراهان او بعد از قتال شدید، مأمور شدن خازم به جنگ خوارج و آمدن به بصره و رفتن به واسطه سفاین به جزیره برواکان^۱، و فرستادن خازم فضله بن نعیم النهشلی را با پانصد نفر به جنگ شبیان بن عبدالعزیز و گریختن شبیان بعد از قتال شدید به واسطه سفاین به عتمان با همراهان او که صفریه بودند و مقاتله جُلندی با شبیان و کشته شدن او، و جنگ کردن خازم در سواحل عمان با جُلندی و کشتن او و جمع کشیری از خوارج را، و چند ماه خازم در اینجا بود تا سفاح او را احضار کرد، جنگ ابوداود خالد بن ابراهیم با اهل گش و کشته شدن اخرید پادشاه کش و بسیاری از همراهان او، و گرفتن ابوداود از آنها از امتعه نفیسه چین مقدار زیادی و فرستادن برای ابومسلم که در سمرقند بود و کشتن بسیاری از دهاقین کش و پادشاه کردن طاران برادر اخرید را در کش و مقاتله ابومسلم با اهل سغد و بخارا، و امر کردن به بنای سور سمرقند، و والی کردن زیاد بن صلیح را بر سمرقند و بخارا و برگشتن به مرو و مراجعت کردن ابوداود به بلخ، مأمور کردن سفاح موسی بن کعب را به سند به جنگ منصور بن جمهور و منهزم شدن منصور از او، و در ریگزار از تشنگی مردن، وفات محمد بن یزید بن عبیدالله عامل یمن و نصب کردن سفاح علی بن ربیع بن عبیدالله را به جای او، نصب کردن میلهها و منارها از

۱. در کامل نام این جزیره در متن «ابن کاوان» و در حاشیه «برکاوان» ضبط شده است.

[سنه ۱۴۲ هجری = سنه ۷۵۹ مسیحی]

آسیا — وفات سلیمان بن علی عمّ منصور که حکومت بصره داشت، طغیان عُیَیْنَه بن موسی بن کعب حکمران سند، و فرستادن منصور لشکری به تدمیر او، و دادن حکومت این مملکت را به عمر بن حفص بن ابی صفراء العتکی که به سند آمده و غلبه بر این مملکت نمود، نقض عهد و خلاف اسپهبد طبرستان و مقهور شدن او به دست عساکر خلیفه و خود را به خوردن زهر هلاک کردن، عزل نُوْفَل بن فرات از مصر و ولایت حُمَیْد بن قحطبه به جای او، و ولایت عباس بن محمد برادر منصور در جزیره و ثغور و غیره، عزل اسمعیل بن علی عمّ منصور از موصل که مالک بن هَیْثَم خزاعی جدّ احمد بن نَصیر که واثق او را بکشت، به جای اسمعیل منصوب شد، وفات موسی بن عتبه^۱ از موالی آل زبیر و حُمَیْد طویل بصری.

اروپا — عبدالرحمن اموی قبول لقب امیرالمؤمنینی نکرده این لقب را فقط خاص خلفای بنی عباس دانست و به خطاب امیری تنها راضی گردید و از عیسویان شمال جزیه گرفت، قسمتی از خاک فرانسه که در تصرف اعراب بود از تصرف آنها خارج گردید.

[سنه ۱۴۳ هجری = سنه ۷۶۰ مسیحی]

آسیا — طغیان دیلم و کشتن بسیاری از مُسْلِمِین و تحریض منصور مردم را بر جهاد بادیلم، عزل هیشم بن معاویه از مکه و طایف و ولایت سری بن عبدالله بن حارث که حکومت یمامه داشت به جای او، و حکومت قُتَم بن عباس بن عبدالله در یمامه، عزل حُمَیْد بن قحطبه از مصر و نصب نوفل بن فرات به جای او که نوفل معزول شده یزید بن حاتم حکومت مصر یافت، وفات عبدالرحمن بن عطاء صاحب الشّارعه (شارعه نخلی است)، وفات سلیمان بن طرخان تمیمی^۲ و اشعث بن سوار، و مجالد بن سعید، شروع اهل اسلام در طلب علوم، خاصه فقه و تفسیر و حدیث.

۱. کامل: موسی بن عتبه و نیز در نسخه بدل عتبه.

۲. کامل: تیمی و نیز در نسخه بدل تمیمی.

کوفه تا مکه، وفات محمد بن اسمعیل بن سعد بن ابی وقاص و سعد بن عمر بن سلیم الزُرَقی.

[سنه ۱۳۵ = سنه ۷۵۲ مسیحی]

آسیا — وفات یحیی برادر سفاح در فارس که پس از عزل از موصل به اینولایت نصب شده بود، خروج کردن زیاد بن صالح در ماوراءالنهر و توجه ابومسلم به جانب او و ترک کردن تبعه زیاد او را، و ملحق شدن به ابی مُسلم و پناه بردن زیاد به دهقانی، و کشتن دهقان او را و فرستادن سراور برای ابومسلم، وفات عطاء بن عبدالله از موالی مطلب یامهلب، وفات ابوخازم اعرج.

اروپا — جنگ عبدالله بن حبیب با اهل جزیره صقلیه پس از جنگ با اهالی تلمسان و گرفتن غنیمت زیادی از اهل جزیره صقلیه



[سنه ۱۳۶ هجری = سنه ۷۵۳ مسیحی]

آسیا — اسیتدان ابومسلم از سفاح که به خدمت خلیفه آید و حج گذارد و اذن سفاح او را و رفتن ابومسلم به مکه، حج ابوجعفر منصور که در اینسال امیر حاج بُود، وفات سفاح اولین خلیفه عباسی در انبار در ماه ذیحجه در سی و سه سالگی که مدت خلافتش از وقت کشته شدن مروان چهار سال بود، و هشت ماه قبل از قتل مروان با او بیعت کرده بودند و در انبار عتیق مدفون^۱ شد، خلافت منصور برادر سفاح که ولیعهد او بُود و در وفات سفاح منصور به سفر مکه و حج اشتغال داشت، و گرفتن عیسی بن موسی بن محمد بن علی عبدالله برادرزاده او بیعت برای او، بیعت کردن ابومسلم با ابوجعفر منصور که در حج با ابوجعفر همراهی داشت، و بیعت کردن عامه ناس با ابوجعفر، وفات عطاء بن سائب ابوزید الثقفی و غزوة بن رُویم.

[سنه ۱۳۷ هجری = سنه ۷۵۴ مسیحی]

آسیا — آمدن ابی جعفر منصور از مکه به کوفه و نماز جمعه خواندن با مردم که به او اقتدا

۱. متن کامل این است: «و دفنه بالأنبار العتیقة فی قصره»

کردند و خطبه خواندن او در مسجد و رفتن به انبار، بیعت گرفتن عم منصور عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس از مردم برای خودش به خلافت و فرستادن منصور ابومسلم را به جنگ عبدالله که در نصیبین بود و وقوع جنگهای سخت بین فتنین که آخر عبدالله هزیمت یافت و به طرف عراق رفت، و چون ابومسلم از کار عبدالله فراغت یافت ابوجعفر منصور او را به ولایت مصر و شام امر کرد ابومسلم قبول نکرده قصد رفتن خراسان نمود منصور از انبار به مداین آمده نامه به ابومسلم نوشت و او را احضار نمود، ابومسلم عذر آورد و به خدمت منصور نیامد و مراسلات فیما بین زیاد شد اخرا الامر ابومسلم به مداین آمده به حضور منصور حاضر شد، و سه هزار نفر از عساکر او با او بود و باقی را به حلوان گذاشته، روز اول که باریافت دست منصور را بوسیده و بازگشت، روز بعد منصور چند نفر از قراولان خود را حکم کرد پشت رواق حاضر باشند و هروقت منصور دستهای خود را بهم زد داخل شوند و ابومسلم را بکشند، آنگاه ابومسلم را احضار کرد و تقصیرات او را براو می شمرد و ابومسلم عذر می خواست، ناگاه منصور دستهای خود را بهم زد و قراولان داخل شده ابومسلم را کشتند و این در ماه شعبان بود، و ابوداود خالد بن ابراهیم درینوقت به حکومت خراسان اشتغال داشت، خروج سنیاد مجوسی به خونخواهی ابومسلم و کشته شدن او، خروج ملبد بن حرمله شیبانی در جزیره و جنگهای متوالی او با عساکر خلیفه.

[سنه ۱۳۸ هجری = سنه ۷۵۵ مسیحی]

آسیا — وسعت دادن منصور مسجد الحرام را، عصیان جمهور بن مرار العجلی و فرستادن منصور محمد بن اشعث را بالشکر جرّاری به جنگ و تدمیر او و مقاتله فتنین در قصر فیروزان میانه اصفهان و ری و هزیمت سپاه جمهور و فرار جمهور به آذر بایجان و کشته شدن او، فرستادن منصور خازم بن خزیمه را باهشت هزار نفر از عساکر مرورودی به دفع ملبد بن حرمله شیبانی و جنگ شدید فتنین در موصل و کشته شدن ملبد و متفرق شدن بقیة السیف سپاه او، بیعت عبدالله بن علی بامنصور، و عبدالله بابرا درش سلیمان مقیم عراق بود، وفات سواد بن رفاعه بن ابی مالک القرطبی و سعید بن جهان ابی حفص الاسلمی.

اروپا — آمدن قسطنطین امپراطور قسطنطنیه به بلاد اسلام و گرفتن ملطیه را به غلبه و خراب کردن باروی این بلد، جنگ عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس

باهمراهی صالح بن عیسی و عیسی بن علی بارومیها، و بنا کردن صالح باروی ملطیه را، و بعضی این واقعه را نسبت به سال بعد داده اند.

[سنه ۱۳۹ هجری = سنه ۷۵۶ مسیحی]

آسیا — عزل کردن منصور سلیمان غم خود را از حکومت و معدوم کردن غم خود عبدالله برادر سلیمان را که در بصره از خوف منصور پنهان شده و بعد با سلیمان و عیسی پسران علی بن عبدالله بن عباس نزد منصور آمد، نصب سفیان بن معاویه به حکومت بصره به جای سلیمان.

اروپا — استیلای عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک بن مروان بن حکم در اندلس و ابتدای دولت امویّه در این مملکت که از تحت حکمرانی بنی عباس خارج گردید، گویند عبدالرحمن از ترس بنی عباس به مصر گریخت و از مصر به مغرب روی کرده و از مغرب متوجه اسپانیول شد و رایت سلطنت برافراشت، بعضی این واقعه را نسبت به سال قبل داده اند (رُم) تا این سال پاپ فقط ریاست مذهبی داشت از این به بعد ریاست جسمانی را نیز به ریاست روحانی الحاق کرده وضع سلطنت بهمرسانید، سنت بونی فاس از ائمه عیسوی در مملکت ژرمن که بت پرست بودند مقتول شد.

[سنه ۱۴۰ هجری = سنه ۷۵۷ مسیحی]

آسیا — هلاکت ابی داود خالد بن ابراهیم الذّهلّی حکمران خراسان، و ولایت عبدالجبار بن عبدالرحمن اُزدی به جای او، حج کردن منصور و محرم شدن از حیره، و پس از حج رفتن به بیت المقدس و از آنجا به رقه و کشتن منصور بن جَعْفُونَه عامری را در اینجا و مراجعت نمودن به هاشمیه کوفه، امر کردن منصور به عمارت نمودن مدینه مصیصه که به مباشرت جبرئیل بن یحیی به انجام رسید و باروی آن ساخته شده موسوم به معموره گردید، و مسجد جامعی در آن بنا و دایر شد و هزار نفر لشکری در این شهر برای ساخلو مقرر شدند، فرستادن منصور عبدالوهاب بن ابراهیم امام برادرزاده خود را با حسن بن قحطبه و هفتاد هزار نفر مرد جنگی به ملطیه که در ششماه این شهر را ساختند و هر چه رومیها خراب کرده بودند مرمت نمودند و چهار هزار نفر لشکری منصور ساخلوی این شهر قرار داد

و اسلحه زیاد در اینجا ذخیره کرده قلعه قلوذیه را ساختند، امپراطور قسطنطنیه چون خبر عبدالوهاب و حسن بن قحطبه را شنید با صد هزار قشون متوجه آنها گردیده به کنار جیحان فرود آمد و در اینجا کثرت مسلمین معلوم او شده برگشت، وفات ابوجعفر محمد بن عبدالله الاسکافی از متکلمین معتزله و ائمه آنها که طایفه ای به او منسوب اند.

اروپا — مخالفت یوسف فهری که امارت اندلس داشت با عبدالرحمن اموی و مقاتله شدید او با گماشتگان عبدالرحمن و هزیمت او که در بلاد سرگردان بود تا در سنه صد و چهل و دو کشته شد، هلاک اذفنس که در قسمتی از اسپانیا سلطنت داشت و جلوس تدو یلیه پسرش به جای او که زیاده از پدرش قوت یافته و مسلمین را از بعض بلاد و ثغور براند.

[سنه ۱۴۱ هجری = سنه ۷۵۸ مسیحی]

آسیا — خروج راوندیه بر منصور، و راوندیه اهل خراسان و در طریقه ابومسلم بودند و معتقد تناسخ، و عقیده آنها این بود که روح آدم در عثمان بن نهیک است و پروردگاری که آنها را روزی می دهد منصور خلیفه است، خلاصه این جماعت ششصد نفر بودند چون بر در قصر خلیفه آمدند گفتند این قصر پروردگار ماست منصور دو یست نفر از رؤسای آنها را حبس کرد سایرین در غضب شده جنازه ای را حمل کردند و به بهانه تشییع جنازه بر در محبس آمدند و در را شکسته رؤسای خود را خلاص کردند و قصد منصور نمودند، منصور به دفع آنها بیرون آمده و معن بن زایده که از منصور متواری بود بیرون آمده در جلو منصور جنگ کرده آنها را بکشت و به همین جهت مورد التفات منصور شد و راوندیه تماما کشته شدند، طغیان عبدالجبار والی خراسان و فرستادن منصور مهدی پسر خود را به این مملکت و مقاتله اهل مرو رود با عبدالجبار و گرفتن او و فرستادن او نزد منصور که به حکم منصور کشته شد. توجه عساکر مهدی به امر منصور بطبرستان و جنگهای سخت خازم بن خزیمه در این مملکت با اسپهبد و مصمغان حکمران دماوند و فتح کردن رویان و دماوند و غیره را، عزل زیاد بن عبدالله حارثی از مکه و مدینه و طایف و نصب محمد بن خالد بن عبدالله القسری به حکومت مدینه و حکومت هشتم بن معاویه العتکی از اهل خراسان بر مکه و طایف، وفات موسی بن کعب از امرای منصور، وفات سعد بن سعید برادر یحیی بن سعید، وفات ابان بن تغلب قارئ.

اروپا — طغیان و مخالفت رزق^۱ بن نعمان غسابی با عبدالرحمن حکمران اندلس و مقتول شدن رزق.

[سنه ۱۴۴ هجری = سنه ۷۶۱ مسیحی]

آسیا — فرستادن منصور جمعی از اهل کوفه و بصره و جزیره و موصل را به جنگ دیلم و دادن حکومت دیلم را به محمد بن ابی العباس سفاح، مراجعت مهدی از خراسان و مزاجت او باز یظه دختر سفاح، دادن منصور حکومت مدینه را به ریاح بن عثمان الثوری و معزول کردن محمد بن خالد بن عبدالله القسری را از اینولایت، و حبس کردن ریاح به حکم منصور یازده نفر از بنی الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام را، وفات عبدالله بن شبرمه و عمرو بن عبید معتزلی زاهد و عقیل بن خالد صاحب الزهری.

اروپا — مخالفت و قتال هشام بن عذرة الفهری و یوسف بن عبدالرحمن الفهری با عبدالرحمن اموی حکمران اندلس، بنای باغات و عمارات عالیّه در شهر سویل بفرمان عبدالرحمن.

[سنه ۱۴۵ هجری = سنه ۷۶۲ مسیحی]

آسیا — ظهور محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام، و استیلای او بر مدینه، و متابعت اهل مدینه او را، و فرستادن منصور عیسی بن موسی برادرزاده خود را به مدینه به جنگ محمد، و حفر کردن محمد خندقی به جای همان خندقی که حضرت رسول (ص) در جنگ احزاب ترتیب داده بودند، و وقوع جنگها فیما بین فشتین و کشته شدن محمد بن عبدالله و بعضی از اصحاب و اهلبیت او و فرار بعضی دیگر، و این محمد ملقب به مهدی و نفس زکّیه بود، ابتدا کردن منصور بنای بغداد را به جهت اینکه کراهت داشت از ساکن بودن در هاشمیه که سفاح برادرش در حوالی کوفه بنا کرده بود و نیز مجاورت اهل کوفه مکروه او بود و بر آنها اعتمادی نداشت، ظهور ابراهیم بن عبدالله برادر نفس زکّیه که پنهان بود و از این شهر به آن شهر می رفت و منصور اصراری به دستگیر کردن او داشت و رسیدن او به بصره بدون اینکه از کشته شدن نفس

۱. در متن رزق بود که بدون تردید از ناحیه کاتب اشتباه شده در کامل نیز رزق آمده در عبارت بعدی رزق بود که به رزق تصحیح شد.

زکّیه باخبر باشد، و خواندن مردم را به بیعت نفس زکّیه، و اجابت مردم و علماء و فقهاء او را که تبعه او از خدم به چهار هزار نفر رسیدند، و متحصّن شدن سفیان بن معاویه حاکم بصره در دارالاماره، و محاصره کردن ابراهیم او را و امان خواستن سفیان از ابراهیم، و امان یافتن و داخل شدن ابراهیم به دارالاماره، و تصرف کردن بیت المال را که دو هزار هزار درهم در آن بود، و تقسیم کردن نقود را به اصحاب خود که به هریک پنجاه درهم داد، و رفتن به خانه زینب دختر سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس که زینبیون از بنی عباس به او منسوب اند، و امان دادن به اهل بصره که کسی متعرّض آنها نشود، و پس از استقرار در بصره ابراهیم جماعتی را به اهواز فرستاده بر این ولایت مستولی شدند، و فرستادن هارون بن سعلی عجل^۱ را با هفده هزار نفر به واسط و گرفتن هارون واسط را، و فرستادن ابراهیم از بصره عمّال و جیوش به اطراف تا وقتی که خبر کشته شدن نفس زکّیه به او رسید، بعد از آن با صد هزار نفر متوجّه کوفه شده [در] باخمرا که از کوفه و در شانزده فرسخی کوفه است فرود آمد و منصور عیسی بن موسی را که از حجاز احضار کرده بود بالشکری جلو ابراهیم فرستاده جنگ شدیدی بین فُثَیْن در گرفت ابتدا بیشتر از عساکر عیسی فرار کردند بعد برگشتند و لشکر ابراهیم را شکستند و ابراهیم کشته شد و سرش را بریده نزد عیسی فرستادند و او نزد منصور فرستاد و این در ماه ذی قعدة این سال بود، مقاتله ترک و خزر در باب الابواب با مسلمین، عزل کردن منصور مالک بن هَیْثَم را از موصل و فرستادن پسر خود جعفر بن ابی جعفر منصور را با همراهی حرب بن عبدالله که از اکابر سرداران منصور بود به موصل، تولّد زبیده دختر جعفر زوجه هارون الرشید، وفات حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در حبس منصور، وفات میمون بن مهران^۲، وفات اسمعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام، و عبدالله محض، و اسمعیل بن یحیی تابعی، و رومه بن حجاج.

اروپا — علاء بن مغیث الیحصبی والی مغرب به حکم منصور قشونی به محاربه عبدالرحمن اموی به اسپانیول کشیده بعد از جنگ سخت سردار خلیفه عباسی مقتول و عبدالرحمن فاتح و غالب آمد.^۳

۱. کامل: و أرسل ابراهیم مروان بن سعید العجلی فی سبعة عشر ألفا الی واسط و بها هارون بن حُمَید الأیادی من قبل المنصور، فملكها العجلی.

۲. کامل: عمرو بن میمون بن مهران.

۳. در کامل داستان قیام علاء بن مغیث ذیل وقایع سال ۱۴۶ آمده است.

[سنه ۱۴۶ هجری = سنه ۷۶۳ مسیحی]

آسیا - نقل کردن منصور دارالخلافه را از مدینه ابن هبیره به بغداد و تکمیل عمارت این شهر، گویند که منصور شهر بغداد را مدوّر ساخته بود که قرب و بعد جمیع اهل شهر به سلطان از روی تناسب باشد و قصر خود را در وسط شهر قرار داده و جامع شهر را در پهلوی قصر، عزل کردن منصور سلم بن قُتیبه را از بصره و نصب نمودن محمد بن سلیمان را به جای او، عزل عبدالله بن ربیع حارثی از مدینه و نصب جعفر بن سلیمان به جای او، عزل سری بن عبدالله از مکه و نصب عبدالقصد بن علی به جای او، وفات ابن سائب کلبی نسابه و عوف اعرابی و طلحه بن یحیی بن طلحه بن عبیدالله تمیمی کوفی.

اروپا - جنگ جعفر بن حنظله البهرانی و مالک بن عبدالخثعمی که اهل فلسطین بود بارومیهای رومیة الصغری.



[سنه ۱۴۷ هجری = سنه ۷۶۴ مسیحی]

آسیا - خلع کردن منصور عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادرزاده خود را از ولایت عهد و بیعت گرفتن از برای پسر خود مهدی بن منصور، حمله کردن استرخان خوارزمی با التراک در ناحیه ارمنیه بر مسلمین و اسیر کردن جمعی، و فرستادن منصور جبرائیل بن یحیی، و حرب بن عبدالله را به مقاتله آنها که حرب کشته شد و جبرائیل منهزم گردید و جمع کثیری از همراهان جبرائیل به قتل رسیدند، وفات عبدالله بن علی عم منصور، وفات محمد بن ابی العباس، وفات اشعث بن عبدالملک الحمرانی البصری و عبدالرحمن بن زبید بن الحارث الیامی ابوالاشعث الکوفی، ولادت حضرت امام رضا علیه السلام، وفات ابی علی تابعی و سلیمان بن مهران معروف به اعمش تابعی.

[سنه ۱۴۸ هجری = سنه ۷۶۵ مسیحی]

آسیا - تولد فضل بن یحیی بن خالد بن برمک، تولد هارون الرشید نه روز بعد از تولد فضل

که مادر رشید فضل را شیر^۱ داد، دادن منصور ولایت موصل را به خالد بن برمک، وفات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سنه هشتاد سال ولادت باسعادت آنحضرت بود و در بقیع مدفون شدند، و مادر آنحضرت دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق بود، بعضی وفات حضرت امام جعفر صادق و ولادت حضرت رضا سلام الله علیهما را در یکسال نوشته اند، وفات محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی قاضی، خروج حسان بن مجالد بن یحیی بن مالک بن اجدع الهمدانی از علمای خوارج در نواحی موصل، وفات زکریا بن ابی زائده، و ابوامیه عمرو بن حارث بن یعقوب از موالی قیس بن سعد بن عباده به قولی.

اروپا — خروج سعید یحصبی معروف به مطری در اندلس و غلبه عبدالرحمن اموی بر او، نیز غلبه عبدالرحمن بر عبدالله بن خراشه الاسدی که در کوره جیان خروج کرده و بر قرطبه حمله نموده بود.

افریقا — دادن منصور ولایت افریقیه را به اغلب بن سالم بن عقال بن خفاجه تمیمی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۱۴۹ هجری = سنه ۷۶۶ مسیحی]

آسیا — تمام کردن منصور باروی بغداد را باخندق و سایر ابنیه لازمه برای شهر، وفات مسلم بن قتیبه باهلی^۲ که از مشاهیر بود در ری، وفات کهمش^۳ بن الحسن ابوالحسن التمیمی البصری، و عیسی بن عمر الثقفی التحوی که خلیل نحور را از او فرا گرفته بود.

اروپا — (اسپانیا) بنای حصار دور شهر کرد و به حکم عبدالرحمن اموی حکمران اندلس (کرد و همان شهری است که اعراب قرطبه می نامند) فرستادن عبدالرحمن بدر غلام خود را به بلادی که در تبعیت او نبودند و گرفتن بدر جزیه از آنها، معزول کردن عبدالرحمن ابوالصباح حتی بن یحیی حاکم اشبیلیه را و مخالفت ابوالصباح و حاضر کردن

۱. عبارت کامل این است: «وُلِدَ الْفَضْلُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَالِدِ بْنِ بَرْمَكٍ لِسَبْعِ بَقِيَّينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ قَبْلَ

أَنْ يُولَدَ الرَّشِيدُ بْنُ الْمَهْدِيِّ بِسَبْعَةِ أَيَّامٍ».

۲. کامل: سَلَمُ بْنُ قُتَيْبَةَ.

۳. کامل: کهمس.

عبدالرحمن او را به حيله و کشتن او، (رومية الصغرى)، جنگ عباس بن محمد باروميها که حسن بن قحطبه و محمد بن اشعث در اين سفر با او بودند و محمد در راه درگذشت.

[سنه ۱۵۰ هجرى = سنه ۷۶۷ مسیحى]

آسيا — خروج استاذسيس با اهل هرات و بادغيس و سجستان و غيرها و فرستادن منصور که در راذان بود خازم بن خزيمه را نزد مهدى و مامور کردن مهدى خازم را به جنگ استاذسيس که او را مقهور و فرارى کرد، و کشته شدن خيشم^۱ مروزی سردار منصور در جنگ، عزل کردن منصور جعفر بن سليمان را از مدینه و نصب نمودن حسن بن زيد بن حسن (ع) را به جای او، وفات جعفر بن ابوجعفر المنصور، وفات امام اعظم ابوحنيفه نعمان بن ثابت در بغداد، و معمر بن راشد و عبدالملک بن عبدالعزيز جریج و مقاتل بن سليمان البلخی المفسر، وفات محمد بن اسحق صاحب مغازی و بعضی وفات او را در سال بعد گفته اند.

اروپا — (اسپانيا) خروج غياث بن مسير در بعضی از نواحی اندلس و فرستادن عبدالرحمن لشکری جرّار به دفع او که او را بکشتند و جمعيت او را متفرّق کردند (رومية الصغرى) منجمد شدن خليج قسطنطنيه از شدّت سرما.

[سنه ۱۵۱ هجرى = سنه ۷۶۸ مسیحى]

آسيا — والی کردن منصور هشام بن عمر التغلبی (الثعلبی) را بر سند و عزل کردن عمر بن حفص بن قبيصة بن ابی صفره^۲ را از ولايت سند و دادن ولايت مافريقه را به او و اين عمر معروف به هزار مرد بود، بنا کردن منصور رصافه را (محلّه ایست در بغداد) در جانب شرقی بغداد برای مهدی پسر خود و دسته ای از قشون را در رصافه جادادن، و حالا شهر بغداد در آن مکان است، کشته شدن معن بن زاید شيبانی در بُست سجستان به دست خوارج که به خانه او ريختند و در بين اينکه حجامت می کرد او را کشتند، و معن از جانب منصور

۱. کامل: هيشم.

۲. کامل: عمر بن حفص بن عثمان بن قبيصة.

در سجستان حکومت داشت، و بعد از او پسر برادر او یزید بن مزید (مرثد) زایده شیبانی جای او گرفت، رفتن عُقبه بن مسلم حاکم بصره به مقاتله با اهل بحرین و کشتن سلیمان بن حکیم عیدی را و اسیر کردن اهل بحرین را که جمعی از اسرارانزد منصور فرستاد و منصور بعضی از آنها را بکشت و برخی را به مهدی بخشید و مهدی آنها را رها کرد، عزل شدن عُقبه از حکومت بصره و حکومت جابر بن توبه کلابی در این ولایت، حکومت اسمعیل بن خالد بن عبدالله قسری در موصل، وفات عبدالله بن عَوْن شیخ بصره، وفات اسد بن عبدالله امیر خراسان و حنظله بن ابی سفیان جحمی^۱ و علی بن صالح بن حبی برادر حسن بن صالح که هر دو از اتقای اهل تشیع بودند.

اروپا — (فرانک) فوت پین و تقسیم مملکت او در میان دو پسرش شارل و کارلمان (اسپانیا) خروج شقنابن عبدالواحد از اهل بربر در طرف شرقی اندلس و اسم مادر شقنا فاطمه بود و شقنا مدعی بود که از اولاد فاطمه زهراء سلام الله علیها و امام حسین علیه السلام می باشد به هر حال شقنا سه سال با عساکر عبدالرحمن اموی و با خود او جنگ کرد و بسیاری از بنی امیه را بکشت و خسارتها به دولت عبدالرحمن وارد آورد، (رومیه الصغری) جنگ عبدالوهاب بن ابراهیم امام بارومیهها.

[سنه ۱۵۲ هجری = سنه ۷۶۹ مسیحی]

آسیا — جنگ حمید بن قحطبه در کابل و حمید را سال قبل منصور ولایت خراسان داده بود، عزل کردن منصور جابر بن توبه را از بصره و حکومت یزید بن منصور به جای او، کشتن منصور هاشم بن اساجیج را که در افریقیه مخالفت منصور کرده بود، عزل کردن منصور یزید بن حاتم را از مصر و نصب محمد بن سعید به جای او، وفات محمد بن عبدالله بن مسلم بن عبدالله بن شهاب برادرزاده شهاب زهری، وفات یونس بن یزید الأیلی، و طلحه بن عمر الحضرمی و ابراهیم بن ابی عبّله.

اروپا — جنگ عبدالوهاب بن ابراهیم بارومیهای رومیه الصغری.

[سنه ۱۵۳ هجری = سنه ۷۷ مسیحی]

آسیا — مراجعت منصور از مکه به بصره، گرفتن ابومنصور ایوب موریانی و کسان او را، گرفتن منصور اشخاصی را که کلاه بلند به سر می گذاشتند^۱، وفات عبید ابن نبت ابن ابی لیلی قاصی کوفه و قضاوت شریک بن عبدالله النخعی در این شهر، وفات هشام بن غاز بن ربیعۃ الجرشۃ^۲ به قولی، وفات حسن بن عماره، و عبدالرحمن بن یزید بن جابر، و ثور بن یزید، و عبد الحمید بن جعفر بن عبدالله انصاری، و ضحاک بن عثمان بن عبدالله خالد بن حزام و فطر بن خلیفه الکوفی.

اروپا — جنگ معیوف بن یحیی الحجوری با رومیهای رومیه الصغری و غارت نمودن لاذقیه را.

افریقا — کشته شدن عمر بن حفص والی افریقیه در جنگ با خوارج.

[سنه ۱۵۴ هجری = سنه ۷۷ مسیحی]

آسیا — رفتن منصور به شام و بیت المقدس، سقوط صاعقه که پنجنفر را در مسجد حضرت رسول (ص) هلاک نمود، هلاکت ابویوب موریانی وزیر منصور و برادر او و بریدن دست و پای برادر زاده های ابویوب به حکم منصور، حکومت عبدالملک بن ایوب بن ظبیان نمیری در بصره، فرستادن منصور یزید بن حاتم بن قبیصه بن المهلب بن ابی صُفَیره را با پنجاه هزار لشکر به حرب خوارج افریقیه که عمر بن حفص را کشته بودند، وفات عمرو بن العلاء^۳ بن عمار از اولاد حصین التمیمی المازنی البصری که یکی از قرآء سبعه و اعلم ناس به قرآن کریم بود، وفات اشعب^۴ طماع، و وهیب بن ورد مکی از زهاد و محمد بن عبدالله الشَّعِثِی التَّصْرِی و عثمان بن عطا.

اروپا — جنگ زفر بن عاصم هلالی با رومیهای رومیه الصغری

۱. عبارت کامل این است: «وفیها أخذ المنصور الناس بتلبیس القلائس الطوال المفرطة الطول، فقال أبودلامة: و كنّا نرجی من أمام زیادة فزاد الأمام المصطفى فی القلائس».

۲. کامل: هشام بن الفاز بن ربیعۃ الجرشۃ.

۳. کامل: أبوعمر بن العلاء.

۴. در متن اشعث.

[سنه ۱۵۵ هجری = سنه ۷۷۱ مسیحی]

آسیا - بنا کردن منصور قلعه و خندق برای بصره و کوفه، فرستادن منصور مهدی را برای ساختن رافقه که شهرست در کنار نهر فرات، عزل کردن منصور برادر خود عباس بن محمد را از جزیره و نصب کردن موسی بن کعب را به جای او، عزل نمودن منصور محمد بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را از کوفه و نصب کردن عمرو بن زهیر ضبی برادر مسیب بن زهیر را به جای او، عزل کردن منصور حسن بن زید بن حسن بن علی (ع) را از حکومت مدینه و نصب کردن عبدالصمد بن علی عم خود را به جای او، وفات مسعد بن کدام الکوفی الهلالی^۱، عزل کردن منصور عبدالملک بن ایوب بن طیبان را از حکومت بصره و نصب هشیم^۲ بن معاویه العتکی به جای او.

اروپا - (فرانک)، وفات کارلمان و سلطنت بالاستقلال شارل برادر او در تمام مملکت که بشارلمن ملقب شد، (رومیه الصغری)، جنگ یزید بن اسید التلمی با رومیها، طلب نمودن امپراطور روم از منصور مصالحه را به ادای جزیه.

افریقا - هزیمت خوارج افریقّه در مقاتله با یزید بن حاتم سردار منصور، طغیان و انکار خوارج صُفَرِیّه که در شهر سجلماسه جمع شده بودند از امارت عیسی بن جریر که بر آنها امیر بود، و قبول کردن ابوالقاسم سمکون و اسول الیگناسی را به امارت به جای او.

[سنه ۱۵۶ هجری = سنه ۷۷۲ مسیحی]

آسیا - گرفتن هشیم^۳ بن معاویه حا کم بصره عمرو بن شداد را که از جانب ابراهیم بن عبدالله بن علی حا کم فارس بود و کشتن او، عزل کردن منصور هشیم^۴ را از حکومت بصره که بعد از آن سوار قاضی امامت و قضاوت بصره داشت و سایر اعمال حکومتی برعهده سعید بن دعلج موکول آمد و چون هشیم^۵ به بغداد رسید درگذشت، وفات حمزه بن حبیب الزیات که یکی از قراء سبعه بود.

اروپا - (فرانک)، ابتدای منازعه شارلمن با طایفه ساکسن که سی سال این جنگ

۱. کامل: مشتر بن کدام الکوفی الهلالی.

۲. ۳. ۴. ۵. کامل: هشیم.

امتداد یافت، (اسپانیول)، مخالفت اهل اشبیلیّه با عبدالرحمن اموی به ریاست عبدالغفار و حیوة بن ملبس و اتفاق طایفه یمانیه با اینجماعت و فرستادن عبدالرحمن ابن عمّ خود عبدالملک بن عمر را که معروف به شهاب آل مروان بود به دفع مخالفین و غلبه بر آنها که خیلی مورد التفات عبدالرحمن گردید و به درجه وزارت رسید و این عبدالملک ان کسی است که عبدالرحمن را منع کرد از اینکه خطبه به اسم منصور بخواند، (رومیه الصغری)، جنگ زفر بن عاصم هلالی بارومیها.

افریقا — غلبه قشون یزید بن حاتم امیر افریقا بر عبدالرحمن بن حبیب که پدرش پیش از این امیر افریقیه بود و خود با خوارج متفق شده دم از خود سری میزد. طغیان ابویحیی بن فانوس هوّاری در ناحیه طرابلس و مغلوب شدن او به دست عساکر یزید بن حاتم که جمیع اتباع ابویحیی کشته شدند و خود او فرار کرد و افریقیه یزید بن حاتم را مسلم و مصفی گردید.



[سنه ۱۵۷ هجری = سنه ۷۷۳ مسیحی]

آسیا — بنا کردن منصور قصر موسوم به خلد راه و نقل کردن بازارهای بغداد را به محله کرخ، دادن منصور حکومت بحرین را به سعید بن ذعلج که پسر خود تمیم را به اینولایت فرستاد، سان دیدن منصور لشکر خود را در حالتیکه مسلح بودند و خود نیز کلاه خود و زره بر سر و در برداشت، وفات عامر بن اسمعیل المسلمی، و سوار بن عبدالله قاضی بصره که عیدالله بن حسن بن حصین عنبری به جای او برقرار شد، عزل محمد بن سلیمان کاتب از مصر و نصب مطر از موالی او به جای او، عزل هشام بن عمرو از سند و نصب معبد بن خلیل به جای او، کشتن منصور یحیی بن زکریای محتسب را که به طعن منصور سخن رانده بود، وفات عبدالوهاب بن ابراهیم امام به قولی، وفات اوزاعی فقیه که اسم او عبدالرحمن بن عمرو و امام اهل شام بود (اوزاع قبیله ایست از ذی کلاع یا از همدان)، وفات مصعب بن ثابت بن عبدالله بن بیر بن عوام جد زبیر بن بکار.

اروپا — (اسپانیول)، عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول بنادر سمت افریقیه خود را مستحکم ساخت که علی الغفلة یزید بن حاتم که از جانب منصور والی افریقیه بود به مملکت او تعدی نکند.

[سنه ۱۵۸ هجرى = سنه ۷۶۷۴ مسیحی]

آسیا - عزل کردن منصور موسی بن کعب را از حکومت موصل، و نصب کردن خالد بن برمک را به جای او، و دادن حکومت آذربایجان را به یحیی بن خالد، دادن منصور حکومت فارس را به نصر بن حرب بن عبدالله، عزیمت منصور زیارت مکه معظمه را که در بین راه در بثریمون در ششم ذیحجه وفات نمود و مدت خلافتش تقریباً بیست و دو سال بود، بیعت مردم بامهدی بن منصور سیمین خلیفه عباسی، وفات مالک بن میقول البجلی در کوفه و حیوة بن شریح بن مسلم الحضرمی المصری، بروز و با در بعضی از بلاد عربستان^۱.

اروپا - (اسپانیول)، جنگ عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول در شهر قوریه و لشکر کشیدن او بر سر طایفه بربر و کشتن جماعتی کثیر از این طایفه را به تلافی اینکه از بعضی عمال او را به شقنادشمن او تسلیم نموده بودند.



[سنه ۱۵۹ هجرى = سنه ۷۷۵ مسیحی]

آسیا - ظهور مقتع در خراسان که مرداعور کوتاه قدی بود از اهل مرو و موسوم به حکیم، و صورتی از طلا ساخته بر روی خود گذاشته و بدین واسطه او را مقتع می گفتند، و دعوی الوهیت داشت و می گفت خدایتعالی آدم را خلق کرد و خود در صورت او آمد، بعد در صورت نوح و همین طور تا در صورت ابومسلم خراسانی، بعد در صورت هاشم که خود مقتع باشد. خلاصه جمع کثیری دور او جمع شده و او را سجد می کردند و این جماعت در قلعه سیام^۲ و سنجرده، از رستاق گش متحصن شده و طایفه مبیضه از بخارا و سغد معاون او شده و کفار اترک نیز با او مع گردیده بر مسلمین حمله می کردند و اموال آنها را غارت می نمودند، بالجمله مقتع بعضی قصور کش و قلعه نواکت را مسخر کرد و با ابونعمان و جلید و لیث بن نصر اصحاب او چند مرتبه مقاتله نمودند، و حسان بن تمیم بن نصر بن سیار را و محمد بن نصر را کشتند، و در کار فساد بودند تا خلیفه مهدی ابوعون را

۱. عبارت کامل این است: «واصاب الناس هذه السنة و بأعظم».

۲. کامل: بسنام.

به جنگ مقتع فرستاده ابوعون در اینکار ابرامی ننموده مُعَاذُ بنِ مسلم برای اینکار مقرر آمد، عزل کردن مهدی اسمعیل را از کوفه و نصب اسحق بن صبیاح کندی اشعی^۱ به جای او و بعضی به جای اسحق عیسی بن لقمان بن محمد بن خاطب بن الجحمی را نوشته اند. عزل سعید بن ذُغَلَج از امور بصره و عبیدالله بن الحسن از امامت این شهر، و نصب عبدالملک بن ایوب بن ظبیان النمیری به جای ایندو، عزل قُثم بن عباس از یمامه و وفات او، و نصب بشر بن منذر البجلی به جای او، عزل هَیثَم بن سعید از جزیره و نصب فضل بن صالح به جای او، عزل مَظَر از موالی منصور از مصر و نصب ابوضمره محمد بن سلیمان به جای او، ولایت حمزه بن یحیی در سجستان و جبرائیل بن یحیی در سمرقند، عزل عبدالصمد بن علی از مدینه، و نصب محمد بن عبدالله گُثیری به جای او که او هم عزل شد، و محمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن صفوان الجحمی^۲ به جای او آمد. بنا کردن مهدی قلعه و مسجد رُصافه را و حفر نمودن خندق آن را، وفات مُعَبِد بن قلیل^۳ عامل مهدی در سند، و حکومت رُوح بن حاتم درین مملکت به تصدیق ابوعبیدالله وزیر مهدی، وفات حُمَید بن قحطبه والی خراسان که بعد از او مهدی ابوعون عبدالملک بن یزید را والی این ولایت کرد، برقرار شدن ثابت بن موسی به مباشری خراج بصره^۴، حکومت عمارة بن حمزه در رستاق دجله و اهواز و ولایت فارس.

اروپا — (رومیه الصغری)، جنگ عباس بن محمد بارومیها که حسن و صیف در مقدمه لشکر او بود و رسیدن عساکر اسلام تا انقره و گرفتن یکی از شهرهای رومیّه الصغری را.

[سنه ۱۶۰ هجری = سنه ۷۷۶ مسیحی]

آسیا — امر کردن مهدی به ردّ نسب آل زیاد که معاویه آنها را استلحاق نموده و خود را از قریش میدانستند بسوی عبید رومی که غلام حارث بن کلدّه ثقفی و به موجب الولد

۱. عبارت کامل این است: «عزل المهدی اسماعیل عن الکوفه، واستعمل علیها اسحاق بن الصبیاح الکندی ثم الأشعثی، وقیل عیسی بن لقمان بن محمد بن خاطب الجحمی».

۲. کامل: الجحمی.

۳. کامل: معبد بن خلیل.

۴. در کامل ثابت بن موسی مباشر خراج کوفه است.

للفراش پدر زیاد بُود، حج کردن مهدی و بذل اموال زیاد به مردم و وسیع نمودن مسجد رسول الله (ص) را و بردن یخ به مکه معظمه، وفات داود طائی زاهد از اصحاب ابوحنیفه وفات عبدالرحمن بن عبدالله بن عتبة بن مسعود المسعودی، وفات خلیل بن احمد بصری نحوی استاد سیویه، خروج یوسف بن برم در خراسان بر قصد مهدی و گرفتار شدن و به قتل رسیدن او، فتح شهر باژبد از بلاد هند به دست عساکر مهدی، عزل ابوعون از خراسان و نصب مُعاذ بن مُسلم به جای او، وفات عبدالله بن صفوان حاکم مدینه و حکومت محمد بن عبدالله کثیری در این بلده طیبیه که او نیز عزل شد، و زُفر بن عاصم هلالی به جای او منصوب آمد، خروج عبدالسلام خارجی در نواحی موصل، عزل بسطام بن عمرو از کارگزاری سند و حکومت روح بن حاتم در این مملکت، حکومت محمد بن سلیمان در رستاق دجله و ولایت بحرین و عمان و فارس و اهواز، ولایت معاذ بن مُسلم در خراسان.

اروپا — (قسطنطنیه) یکی از رؤسای طوایف بلغار که بت پرست بودند فرارا از میان طایفه خود به قسطنطنیه آمده قبول دین عیسوی نموده یکی از دخترهای قسطنطین را در حباله نکاح درآورد و این اول بلغاریست که عیسوی شده است.

مرکز تحقیقات کمپوزیتور مهدی

[سنه ۱۶۱ هجری = سنه ۷۷۷ مسیحی]

آسیا — امر کردن مهدی به ساختن برکه ها و سقاخانه ها در راه مکه و تجدید میلها و کوتاه کردن منبرها در بلاد که به وضع منبر حضرت رسول (ص) باشد، وفات سفیان ثوری که در سال نود و هفت متولد شده بُود، وفات ابراهیم بن ادهم بن منصور زاهد معروف به تصوف که در بلخ متولد شده بود و در شام درگذشت. جنگ کردن سعید حرشی با اصحاب مقتع و محاصره کردن او را در سیام^۱ که چون عساکر خود را مغلوب دید برای اینکه دستگیر نشود خود را با اهل و عیال خود در قلعه هلاک کرد، و چون سعید در قلعه داخل شد برواقعه مطلع گردیده سراو را برید و برای مهدی فرستاد و سر مقتع در سال صد و شصت و سه در حلب به مهدی رسید، و از کارهای مقتع این بُود که ماهی ساخته بود که در هوا بلند و از خیلی راه دیده می شد، کشتن مهدی محمد پسر ابی عبیدالله وزیر را که بهمین جهت بعدها وحشتی از ابی عبیدالله در خاطر مهدی پدیدار آمد، ولایت نصر بن

محمد بن اشعث در سند، عزل فضل بن صالح از جزیره و نصب عبدالقصد بن علی به جای او، حکمرانی عیسی بن لقمان در مصر، و یزید بن منصور در سواد کوفه، و حسان الشّروی در موصل، و بسطام بن عمرو التغلبی در آذربایجان، حجّ موسی هادی که ولایت عهد داشت.

اروپا — (رومیه الصّغری)، جنگ ثُمّامة بن ولید بارومیها که در دابق نزول کرد، و از رومیها هشتاد هزار نفر به سرکردگی میخائیل حرکت کرده به مرعش آمدند و قتل و غارت زیاد نمودند و این شهر را محاصره نموده جنگ با مسلمین در انداختند پس از آن رومیها به جیحان معاودت کردند و این خبر به مهدی رسید و تجهیز جنگ بارومیها را نمود.

[سنه ۱۶۲ هجری = سنه ۷۷۸ مسیحی]

آسیا — کشته شدن عبدالسلام خارجی در قنسرین به دست جنود مهدی، جنگ یزید بن اُسَید سُلمی در ناحیه قالیقلا و گرفتن سی قلعه^۱ در این حدود و غنائیم بسیار، عزل علی بن سلیمان از یمن، و نصب عبدالله بن سلیمان به جای او، عزل سلیمه بن رجا از مصر و ولایت عیسی بن لقمان درین مملکت که او نیز عزل شده، واضح از موالی مهدی حاکم شد و او هم معزول گردیده یحیی الحرّشی منصوب گشت، و حکومت طبرستان و رویان در این سال باسعید بن دَعْلَج بُود و جرجان با مُهَلْهَل بن صَفْوَان بود.

اروپا — (اسپانیول)، جنگ شارلمن با عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول و شکست شارلمن و قتل رولاند و برادرزاده او در این معرکه، کشته شدن عبدالرحمن بن فهری معروف به صقلبی در اندلس به اشاره عبدالرحمن، زیادتی استقلال عبدالرحمن و تدمیر بعضی عصاة در اسپانیول.

[سنه ۱۶۳ هجری = سنه ۷۷۹ مسیحی]

آسیا — لشکر کشیدن مهدی به عزم جنگ بارومیهای رومیه الصّغری و رفتن بالشکر خراسان و غیرها به حلب و بردن هارون الرّشید پسر خود را با خود و کشتن بسیاری از

زنادقه را که در حلب جمع شده بودند و رفتن به جیحان و فرستادن هارون را به بلاد روم و جنگ کردن او در این بلاد که فتوحات بسیار عساکر هارون نمودند و غلغله در بلاد روم انداختند بعد از آن هارون الرشید سالماغانما مراجعت کرد، و در مدت غیبت مهدی از بغداد پسرش موسی هادی جانشین او بود، عزل کردن مهدی در اثنای سفر خود عبدالضمد بن علی را از حکومت موصل، دادن مهدی ولایت تمام مغرب را به علاوه آذربایجان و ارمینیه به هارون الرشید و قرار دادن ثابت بن موسی را وزیر مالیه هارون، عزل زفر بن عاصم از جزیره و نصب عبدالله بن صالح به جای او، عزل معاذ بن مسلم از خراسان و نصب مسیب بن زهیر الضبی به جای او، عزل یحیی الحرشی از اصفهان و نصب حکم بن سعید به جای او، عزل سعید بن دعلج از طبرستان و رویان، و نصب عمرو بن علاء به جای او، عزل مهلهل بن صفوان از جرجان و نصب هشام بن سعید به جای او، وفات ابراهیم بن طهمان نیشابوری از اجله علما و فضلا درمکه، وفات ابوالاشهب جعفر بن طیّان^۲ و بگارب بن شریح قاضی موصل.



[سنه ۱۶۴ هجری = سنه ۷۸۰ مسیحی]

آسیا — عزل محمد بن سلیمان از بصره و سایر اعمالیکه داشت و نصب صالح بن داود به جای او، عزل عبدالله بن سلیمان از یمن و نصب منصور بن یزید بن منصور به جای او، حکومت محمد بن فضل در موصل، وفات شیخان بن عبدالرحمن ابومعویة التمیمی الثحوی، و عبدالعزیز بن عبدالله بن ابی سلمة الماجشون، وفات عیسی بن علی بن عبدالله بن عباس عم منصور و بعضی فوت عیسی را در سال قبل نوشته اند.

اروپا — (اسپانیول)، جنگهای متوالی عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول با فرانکها، (قسطنطنیه)، فوت امپراطور لئون چهارم و سلطنت قسطنطین پسر او در سن نه سالگی، (فرانک)، غلبه شارلمن بر طایفه ساکسن.

[سنه ۱۶۵ هجری = سنه ۷۸۱ مسیحی]

آسیا — عزل خلف بن عبدالله از ری و نصب عیسی از موالی جعفر به جای او، حکومت

نعمان^۱ از موالی مهدی در رستاق دجله و بحرین و عمان و گشگر و اهواز و فارس و کرمان، حکومت احمد بن اسمعیل بن علی بن عبدالله بن عباس در موصل، وفات یزید بن منصور بن عبدالله بن یزید بن شهر بن مثوب از اولاد شهر ذی الجناح حمیری خال مهدی که حکومت یمن و بصره داشت، وفات فتح بن و شاح الموصلی الزاهد.

اروپا — هارون پسر مهدی از بغداد قشون اسلام را تاحوالی قسطنطنیه آورده ایرن^۲ مادر قسطنطین پنجم که نیابت سلطنت پسر صغیر خود را داشت خراج گذارد و هارون مظفر و منصور مراجعت کرد.

[سنه ۱۶۶ هجری = سنه ۷۸۲ مسیحی]

آسیا — دادن مهدی ولایت عهد را به هارون که بعد از موسی هادی، او ولیعهد باشد و ملقب کردن او را به رشید، غضب کردن مهدی بر وزیر خود یعقوب بن داود بن ظهمان و گرفتن و حبس کردن او، و یعقوب قبل از وزارت مهدی منشی نصر بن سیار بود، و پس از نصر چندی بیکار می گذرانید تا به این مقام رسید^۳، بالجمله در حبس بود تا زمان هارون که از حبس خلاص شده به مکه رفت و در آنجا در گذشت، رفتن مهدی به جرجان و دادن قضاوت این ولایت را به ابی یوسف، وضع چاپارخانه میانه مکه و مدینه [و یمن] به امر مهدی، حکومت فضل بن سلیمان طوسی مکنی به ابی العباس در خراسان و سجستان که تمیم بن سعید بن ذعلج را در سجستان نایب الحکومه خود کرد، حکومت ابراهیم بن یحیی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس در مدینه، عزل منصور بن یزید بن منصور از یمن و نصب عبدالله بن سلیمان الربعی به جای او، حکومت فراشه از موالی مهدی در

۱. در متن (المُعَلّی) در حاشیه، نسخه بدل (النعمان).

۲. عبارت کامل این است: «و صاحب الروم یومئذ عطسه امرأة الیون» شاید در ترجمه (الیون) را (ایرن) خوانده اند؟ ذیل وقایع سال ۱۸۱ نیز نام این زن ایرن آمده اما در کامل ذیل سال ۱۸۲ نام او رینی و در نسخه بدل رینی ضبط شده!! و تعب او عطسه آمده است.

۳. یعقوب منشی نصر بن سیار نبوده پدرش داود مکنی به ابو یعقوب این سمت را داشته است در کامل شرح مبسوطی درباره یعقوب ذیل وقایع همین سال آمده است.

دماوند و قومس، کشته شدن بشار بن بردالشاعر اعمی به واسطه زندقه.

اروپا — (اسپانیول)، کشتن عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول برادرزاده خود مغیره بن ولید بن معاویه بن هشام را به سبب اینکه باجمعی در خلع عبدالرحمن متفق شده بود.

[سنه ۱۶۷ هجری = سنه ۷۸۳ مسیحی]

آسیا — رفتن موسی هادی بالشکر جزار و تهیه زیاد به جرجان برای محاربه و نداد هرمز و شروین حکمرانان طبرستان و محاصره کردن عساکر موسی هادی حکمرانان مشارالیهما را، وفات عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس برادرزاده سفاح و منصور و این آنکسی است که سفاح وصیت کرده بود بعد از منصور او خلیفه باشد و منصور او را خلع کرده مهدی را ولیعهد نمود. زیاد کردن مهدی در مسجد الحرام و مسجد رسول (ص) عزل کردن مهدی اباعبیدالله معاویه بن عبیدالله را از دیوان رسایل و استقرار ربیع به جای او، بروز و با در بصره و بغداد و شیوع سرفه شدید میان مردم، عزل یحیی حرشی از طبرستان و رویان و نصب عمرو بن العلاء به جای او، ولایت فراشه از موالی مهدی در جرجان، در روز سیم ذیحجه این سال یکروز تا مبلغی از روز گذشته دنیا تاریک بود، وفات ابراهیم بن یحیی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس حاکم مدینه بعد از فراغ او از حج، حکومت یافتن اسحق بن عیسی بن علی به جای او، وفات جعفر احمر ابوشیبه، و حسن بن صالح بن حُبّی که شیعی و عابد بود.

[سنه ۱۶۸ هجری = سنه ۷۸۴ مسیحی]

آسیا — فرستادن مهدی سعید حرشی را باچهل هزار نفر قشون به طبرستان، وفات حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) که منصور پنجسال او را حکومت مدینه داده بود و بعد عزل کرده در بغداد حبس نمود و اموال او را تصرف کرد و چون مهدی خلیفه شد او را از حبس بیرون آورد و اموال او را به او برد نمود، وفات عمر گلوذانی بزرگ زنداقه و برقرار شدن محمد بن عیسی بن حمدویه به جای او و کشته شدن بسیاری از زنداقه، خروج یاسین خارجی در موصل و غلبه او بر اکثر دیار ربیع و جزیره بعد از آنکه از لشکر موصل شکست خورده بود و فرستادن مهدی جیشی را به دفع او که بعد از جنگ سختی بر او غلبه

کرده او را بکشتند.

اروپا — نقض کردن رومیهای رومیه الصغری صلحی را که باهارون الرشید به ادای جزیه نموده بودند و رفتن عساکر اسلام به بلاد روم و قتل و غارت کردن، (اسپانیول) مخالفت ابوالاسود محمد بن یوسف بن عبدالرحمن فہری که پیش از این در حبس عبدالرحمن اموی بود و تعامی نموده (خود را بدورغ کور قلم داده) و از حبس گریخته با عبدالرحمن و مقاتله او با عبدالرحمن و شکست خوردن او که سال بعد نیز تجهیز مقاتله با عبدالرحمن اموی نمود و باز منہزم شد و در سال صد و هفتاد به هلاکت رسید و بعد از او برادرش قاسم نیز به امر عبدالرحمن کشته شد.

افریقا — وفات ابوالقاسم بن واسول سرکرده خوارج صفریہ در سجلماسہ کہ دوازده سال و یکماه امارت کرده بود و پس از او پسرش الیاس امارت یافت.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

[سنه ۱۶۹ هجری = سنه ۷۸۵ مسیحی]

آسیا — وفات مهدی محمد بن عبداللہ المنصور بن محمد بن علی بن عبداللہ بن عباس در ما سبذان در بیست و دویم محرم در چهل و سه سالگی کہ ده سال و یکماه خلافت کرده بود، بیعت گرفتن هارون برای موسی هادی کہ در جرجان و مشغول محاربه بود و آمدن موسی هادی به چاپاری از جرجان به بغداد و وزیر نمودن ربیع را، ظهور حسین بن علی بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیہ السلام در مدینہ کہ جماعتی از اهل بیت او با او بودند از جمله حسن بن محمد بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) و عبداللہ بن اسحق بن ابراہیم بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب (ع)، و عبداللہ مذکور پسر عاتکہ بود و در میان حسین و عمر بن عبدالعزیز بن عبداللہ بن عبداللہ بن عمر بن خطاب کہ عامل موسی هادی بود و در مدینہ جنگ در گرفت و عمر منہزم شدہ با حسین بیعت کردند و حسین با اصحاب خود یازده روز در مدینہ مانده تہیہ دیدند و روز بیست و چہارم ذیقعدہ از مدینہ بیرون شدہ بہ مگہ آمدہ و جماعتی از عبید مگہ بہ ملازمان حسین ملحق شدند و جمعی از بنی عباس و دوستان آنها در اینسال بہ حج و زیارت مگہ

آمده از جمله سلیمان بن ابی جعفر منصور، و محمد بن سلیمان بن علی و عباس بن محمد بن علی بودند بنابراین بسیاری از دوستان آل عباس و لشکریان ایشان به مشارالیه پیوسته در روز ترویه باحسین جنگ کردند و اصحاب حسین منهدم شده حسین کشته شد و سر او را بردند و زیاده از صد سر نیز از همراهان او بریده نزد موسی هادی آوردند ولی موسی از این عمل در غضب شد و جایزه به حاملین رؤس نداد، محل مقاتله حسین با آل عباس در مکانی بود که آن را فتح می گفتند و آن از مکه و در جهت طایف واقع است، و از همراهان حسین ادريس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام به مصر گریخت و از مصر به طنجه آمد و در این بلاد بود تا رشید شماخ نامی را بدین جا فرستاده او را زهر خوراند و هلاک کرد، پس از وفات ادريس زوجه او که آبستن بود زائیده پسری آورد که موسوم به ادريس شد و نشو و نما کرده چون کبیر شد در این بلاد استقلالی بهمرسانید، عزل کردن هادی هاشم بن سعید بن خالد را از حکومت موصل به جهت سوء سلوک او و نصب عبدالملک بن صالح هاشمی به جای او، وفات مطیع بن ایاس شاعر، و نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعيم المقری که یکی از قراء سبعة و امام اهل مدینه بود در قرائت، و این نافع غیر از نافع بن ابی نعيم المقری است که از موالی عبدالله بن عمر محدث بوده، وفات ربیع بن یونس که حاجب منصور و از موالی او بود.

اروپا — (رومية الصغرى) جنگ معیوف بن یحیی بارومیها)

[سنه ۱۷۰ هجرى = سنه ۷۸۶ مسیحى]

آسیا — وفات موسی بن هادی بن محمد المهدی بن عبدالله المنصور در شب نیمه ربیع الاول در بیست و شش سالگی و مدت خلافتش یکسال و سه ماه بود، خلافت هارون الرشید و بیعت مردم با او در همان روزیکه موسی هادی وفات کرد و هارون درینوقت بیست و دو ساله و مادر او و موسی هادی خیزران ام ولد بود و هارون در ری متولد شده، تولد امین محمد بن رشید از زبیده، وزارت یحیی بن خالد و تفویض کردن هارون کلیه امورها و دادن هارون مهر خود را به یحیی، امر کردن هارون بنای طرسوس را به مباشری فرج خادم ترک و نزول مردم در آن، عزل کردن رشید عمر بن عبدالعزیز عُمَری را از مدینه و نصب اسحق بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس به جای او.

اروپا — (اسپانیول)، بنای مساجد شهر قرطبه (کرد و) به امر عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیا که صد هزار دینار در این بنا خرج نمود. گویند این مسجد در محلی نباشد که پیش کلیسا بوده، اولین ضرب و سگه‌ای که سلاطین مسلمان در اسپانیول زدند در این سال بود به وزن و عیاریکه خلفای بنی امیه در دمشق معمول داشته بودند، (رومیه الصغری)، جنگ سلیمان بن عبدالله البکائی با رومیها و برخی براین اند که هارون خود در این سال با رومیها جنگ کرد.

افریقا — وفات یزید بن حاتم مهبلی والی افریقیه که داود پسر او به جای او بود تا هارون تعیین والی کرد.

[سنه ۱۷۱ هجری = سنه ۷۸۷ مسیحی]

آسیا — دادن هارون ولایت خراسان را به جعفر بن محمد بن اشعث و فرستادن او پسر خود عباس را به کابل و فتح کردن عباس کابل را، نیز فتح کردن اوسانهار را و دریافت غنائم کثیره، کشتن رشید ابی هزیره محمد بن قروخ را که حاکم جزیره بود و هارون او را از جزیره به بغداد طلبیده هلاک نمود، دادن هارون ولایت افریقیه را به روح بن حاتم برادر یزید بن حاتم مهبلی.

اروپا — (اسپانیول)، وفات عبدالرحمن اموی پادشاه اسپانیول در قرطبه (کرد و) در ربیع الآخر و او معروف به عبدالرحمن داخل بود زیرا که داخل بلاد مغرب شده و تولد او در دمشق در سال صد و سیزده و مدت حکمرانی او در اندلس سی و سه سال بود و بعد از او پسر سیم او هشام در اندلس پادشاهی یافت، (فرانک)، شارلمن پادشاه فرانک بعد از مراجعت از رُم چند نفر از علمای نحو و مردمان محاسب به مملکت فرانک آورد که به تعلیم این دو علم پردازند.

[سنه ۱۷۲ هجری = سنه ۷۸۸ مسیحی]

آسیا — عزل کردن رشید اسحق بن محمد را از موصل و نصب سعید بن سلم باهلی به جای او، عزل یزید بن مزید بن زائده برادرزاده معن بن زائده از ارمینیه و نصب عبیدالله بن مهدی برادر هارون به جای او.

اروپا — (اسپانیول) خروج سلیمان و عبدالله پسران عبدالرحمن بر برادر خود هشام و معارضه میانه برادرها که در هر حال هشام غالب بود، (فرانک) الحاق مملکت باویر به سایر ممالک شارلمن.

[سنه ۱۷۳ هجری = سنه ۷۸۹ مسیحی]

آسیا — مردن خیزران مادر هارون الرشید، حج کردن هارون الرشید که از بغداد محرم شد، وفات محمد بن سلیمان بن علی در بصره و تصرف کردن رشید اموال او را که زیاد بود، گرفتن رشید مهر خود را از جعفر بن یحیی بن خالد و دادن به فضل بن ربیع، احضار رشید جعفر بن محمد بن اشعث را از خراسان و والی کردن عباس بن جعفر پسر او را در این ولایت، وفات سلام بن ابی مطیع و جویریة بن اسماء بن عیید البصری و مروان بن معاویة بن حارث بن اسماء الفزازی ابو عبدالله.

اروپا — (اسپانیول) چون بعد از فوت عبدالرحمن اموی میان هشام که جانشین او بود و دو برادر او مخالفت در گرفت و اختلال در امر سلطنت آنجا بهم رسید شارلمن پادشاه فرانک باقشون زیاد به اسپانیول آمده قسمت عمده از آن مملکت را متصرف شد.

[سنه ۱۷۴ هجری = سنه ۷۹۰ مسیحی]

آسیا — دادن رشید حکومت سند و مکران را به اسحق بن سلیمان، هلاک شدن رُوح بن حاتم، رفتن رشید به جودی و نزول نمودن به قُرْدی و باز بَدی از اعمال جزیره ابن عمر، و بنا کردن قصری در آن، عزل علی بن سهراب از قضای موصل و نصب اسمعیل بن زیاد دولابی به جای او.

اروپا — جنگ عبدالملک بن صالح با رومیهای رومیه الصغری.

[سنه ۱۷۵ هجری = سنه ۷۹۱ مسیحی]

آسیا — ولیعهد کردن رشید پسر خود محمد بن زبیده را و ملقب نمودن او را به امین و امین

در این وقت پنج ساله بود، عزل عباس بن جعفر از خراسان و نصب خالد العظریف بن عطاء، رفتن یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام به دیلم و متزلزل نمودن آنجا را، خروج حُصَین خارجی در خراسان که در سال صد و هفتاد و هفت به دست عساکر خلیفه مقتول شد، وفات محمد بن اسحق بن ابراهیم ابوالعَبَّاس الشاعر، ولادت ادریس بن ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) و ما اجمالی از حال ادریس بن عبدالله را پیش ذکر نموده ایم.

اروپا — (اسپانیول) فراغت هشام از کار دو برادر خود سلیمان و عبدالله به اخراج و جلادادن آنها از اسپانیول، جنگ عیسویان اسپانیول با مسلمانان این مملکت و کشته شدن شصت هزار نفر از قشون اسلام، حبس کردن هشام پسر خود عبدالملک را که سؤ ظنی در حق او حاصل نموده بود و عبدالملک در حبس ماند تا درگذشت، (رومیه الصغری) جنگ عبدالرحمن بن عبدالملک بن صالح بارومیها و بعضی. گفته اند که خود عبدالملک بن صالح مباشر این جنگ بود، به هر حال سرمای سختی به قشون اسلام زیاد صدمه وارد آورد.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۱۷۶ هجری = سنه ۷۹۲ مسیحی]

آسیا — یحیی بن عبدالله حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در میان دیلم شوکت بهمرسانیده، رشید لشکری جرّار بافضل بن یحیی به دفع او مامور کرد و فضل نامه ای به او نوشته او را امان داد. به هر چه اختیار کند، یحیی در جواب نوشت اگر رشید قسم بخورد که آسیبی به من نرساند و به خط خود بنویسد و جمعی از اکابر هم شهادت خود را در آن ورقه بنویسند من تمکین خواهم نمود، چنان کردند و یحیی به بغداد آمد، ابتداء هارون به او اکرام نمود بعد او را گرفته حبس کرد و محبوس بود تا درگذشت، وقوع فتنه فیما بین طایفه مضریه و یمانیه در دمشق که دو سال باهم مقاتله کردند و به همین جهت رشید عبدالصمد بن علی حاکم دمشق را عزل و ابراهیم بن صالح را به جای او نصب کرد، وفات فرج بن فضاله و صالح بن بشر قاری که در حدیث چندان ربطی نداشت، وفات نُعَیم بن مسیره^۱ نحوی کوفی، عزل کردن رشید موسی بن عیسی را از مصر و واگذار

کردن امر این مملکت را بجعفر بن یحیی که جعفر عمر بن مهران را والی مصر کرد و او امور این مملکت را اصلاح کرده به بغداد مراجعت نمود، حکومت حاکم بن سلیمان در موصل، خروج فضل خارجی در نواحی نصیبین و کشته شدن او و اصحابش.

اروپا - (اسپانیول)، هشام پادشاه اسپانیول حکم پسر خود را حاکم طلیطله کرده حکم بدین ولایت آمد و در اینجا پسرش عبدالرحمن بن حکم متولد شد و ذکر عبدالرحمن بعدها [خواهد آمد].^۲

[سنه ۱۷۷ هجری = سنه ۷۹۳ مسیحی]

آسیا - مخالفت عطف بن سفیان ازدی از جنگجویان موصل بارشید که دو سال بدین منوال می گذشت تا رشید به موصل آمده و قلعه موصل را خراب کرد، عزل کردن رشید جعفر بن یحیی را از مصر و نصب اسحق بن سلیمان به جای او، عزل حمزه بن مالک از خراسان که این ولایت را نیز رشید مزید سایر اعمال فضل بن یحیی بر مکی کرد، وفات ابوعبدالله شریک بن عبدالله بن ابی شریک که در ایام مهدی قضاوت داشت و مرد عالم عادل کثیرالضواب حاضر جوابی بود، و ارتحال او در کوفه اتفاق افتاد.

اروپا - (اسپانیول) یکی از سردارهای هشام بن عبدالرحمن با قشونی مستعدتا کارکاسون شهر فرانک تاخت و غنیمت زیادی به دست آورده مراجعت کرد. (رومیه الصقری) جنگ عبدالرزاق بن عبدالحمید تغلبی با رومیها.

افریقا - در این سال فضل بن روح بن حاتم از جانب رشید ولایت افریقا یافته در سال بعد به دست اصحاب عبدالله بن جارود معروف به عبدویة الانباری کشته شد و هرثمة بن اعین بعد از او از جانب رشید ولایت افریقیه یافته بعد از آنکه دو سال و نیم در این ولایت حکمرانی داشت استعفا کرد و به عراق آمد.

[سنه ۱۷۸ هجری = سنه ۷۹۴ مسیحی]

آسیا - خروج ولید بن طریف خارجی تغلبی در جزیره، و تاختن به ابراهیم بن خازم بن خزیمه در نصیبین، و زیاد شدن شوکت او و داخل شدن به ارمینیه، و محاصره کردن چند روزی

۱. متن: طلیله.

۲. متن ناخوانا، تصحیح قیاسی شد.

خلاط را، و آمدن به آذربایجان و از آنجا به حلوان و ارض سواد، و عبور کردن به طرف غربی دجله، و فرستادن رشید یزید بن مزید بن زائدة الشیبانی را که پسر برادر معن بن زائده بود به جنگ ولید، و غلبه کردن او بر ولید و کشته شدن ولید و بسیاری از اصحاب او، تفویض کردن رشید کلیه امور دولت خود را به یحیی بن خالد برمکی، رسیدن فضل بن یحیی به خراسان و جنگ کردن در ماوراءالنهر و ساختن رباطات و مساجد در خراسان.

اروپا — (اسپانیول) جنگ کردن عساکر هشام با طوایف فرانک، شورش بر بریه‌ای رستاق تاگرتا^۱ در اندلس و فرستادن هشام لشکری جرّار به سرداری عبدالقادر بن ابان بن عبدالله از موالی معاویه بن ابی سفیان به تدمیر آنها که عبدالقادر بسیاری را بکشت و بقیّة السیف فرار کردند و رستاق تاگرتا^۲ و کوهستان آن هفت سال خالی از سکنه بود، (رومیه الصغری) جنگ معاویه بن زفر بن عاصم با رومیها.

افریقا — شوریدن طایفه حوفیه در مصر بر عامل خودشان اسحق بن سلیمان و فرستادن رشید هرثمه بن اعین را به کمک اسحق که آنها را مطیع کرد و رشید اسحق را از مصر معزول کرده هرثمه یکماهی در این مملکت حکمرانی نمود بعد عبدالملک بن صالح والی مصر شد.

[سنه ۱۷۹ = سنه ۷۹۵ مسیحی]

آسیا — مراجعت فضل بن یحیی از خراسان و دادن رشید حکمرانی این ولایت را به منصور بن یزید بن منصور حمیری خال مهدی، خروج حمزة بن اترک سجستانی در خراسان، وفات مالک بن انس بن مالک بن ابی عامر بن عمرو بن حارث از اولاد ذی الاصبیح که به این جهة او را اصبیحی می گفتند و اسم او حارث بن عوف و استاد شافعی بود و مالک در مدینه وفات کرده در بقیع مدفون شد، وفات مُسلم بن خالد زنجی فقیه مکی و مُسلم چون سفید مایل به سرخی بود او را زنجی می گفتند، وفات سید اسمعیل حمیری شاعر معروف که شیعی بود،

اروپا - (زُم) فوت آدرین اول پاپ و برقرار شدن لشون سیتم به جای او، (اسپانیول) جنگ عساگر هشام باطوایف فرانک.

[سنه ۱۸۰ هجری = سنه ۷۹۶ مسیحی]

آسیا - عزل کردن رشید منصور بن یزید را از خراسان و نصب کردن علی بن عیسی بن ماهان را به جای او که ولایت او ده سال طول کشید و بسیاری از خوارج را بکشت و حمزة بن اترک سجستانی را مقهور کرد و میان اتباع حمزة و عساگر علی بن عیسی جنگهای بسیار اتفاق افتاد، گرفتن رشید مهر خود را از جعفر بن یحیی و دادن به خود یحیی، عزل کردن رشید هرثمة بن اعین را از افریقیة، خروج طایفه محمرة به جرجان، عزل فضل بن یحیی از طبرستان و رویان و نصب عبدالله بن خازم به جای او، ولایت سعید بن سلم در جزیره، حکومت یحیی بن سعید حرشی در موصل که بامردم بد رفتاری کرده و مطالبه مالیات سنوات گذشته را کرده مردم به این جهة جلای وطن نمودند، امر کردن رشید به ساختن شهر عین زربه^۳ و قلعه آن و ساکن کردن جماعتی از لشکریان خراسان را در آن (عین زربه سرحدیست نزدیک مصیبه) وفات عمرو بن عثمان بن قنبر معروف به سیبویه که اعلم علمای نحو بود و بعضی وفات او را در سنه صد و هفتاد و هفت نوشته اند.

اروپا - (رومیه الصغری)، جنگ محمد بن معاویه بن زفر بن عاصم با رومیها (اسپانیول) اتمام مسجد جامع قرطبه (کردو)، فوت هشام پادشاه اسپانیول در ماه صفر که تقریباً هفت سال و هفت ماه سلطنت کرده و سی و نه سال داشت کنیتش ابوالولید و مادرش ام ولد و در سیرت به عمر بن عبدالعزیز شبیه بود، سلطنت حکم بن هشام که ملقب به منتصر بود به جای پدرش و در زمان حکم دو عم او سلیمان و عبدالله بر او خروج کرده جنگها کردند و سلیمان را حکم گرفته کشت، و عبدالله آخر الامر از در صلح درآمده و فتنه بنشست، مجبور نمودن حکم و عمال او اهالی اسپانیول را به تحصیل زبان عرب، (فرانک)، بنای معبدی در شهر اکسلاشاپل به حکم شارلمن و ساختن عمارتی برای خود در همین شهر.

سنه ۱۸۱ هجری = سنه ۷۹۷ مسیحی]

آسیا — غلبه طایفه محمره در خراسان، وفات عبدالله بن مبارک فقیه مروزی، وفات مروان بن ابی حَفْصه شاعر، وفات ابویوسف قاضی که اسم او یعقوب بن ابراهیم و اکبر اصحاب ابی حنیفه بود، وفات علی بن حمزه ابوالحسن الأزدی المعروف بکسائی المقرئ النحوی درری و بعضی فوت کسائی را در سال صد و هشتاد و سه نوشته اند.

۱ اروپا — (قسطنطنیه) ایرن مادر پادشاه که نیابت سلطنت داشت چشم پسر خود را که پادشاه حقیقی بود میل کشیده بعد او را به قتل رسانید، (رومیه الصغری) جنگ هارون الرشید با رومیها و گرفتن قلعه صفصاف را، جنگ عبدالملک بن صالح در خاک روم که به آنقره رسید و مطموره را فتح کرد، (اسپانیول) چون در این سال حکم بن هشام پادشاه اسپانیول چنانکه پیش اشاره نمودیم با اعمام خود مشغول مجادله بود طایفه فرانک موقع و فرصت به دست آورده تاشمال سراکوس تاختند.

افریقا — دادن هارون الرشید ولایت افریقیه را به محمد بن مقاتل بن حکیم العکی که رضیع رشید بود.

[سنه ۱۸۲ هجری = سنه ۷۹۸ مسیحی]

آسیا — در این سال هارون الرشید قرارداد که بعد از امین، عبدالله مأمون ولیعهد باشد و او را بر خراسان و بلادیکه متصل به این ولایت است تا همدان والی نمود و مأمون لقب داد و جعفر بن یحیی را پیشکار او کرد، وفات جعفر الطیالسی محدث، تجهیز پادشاه خزر برای جنگ با مسلمین.

اروپا (رومیه الصغری) جنگ عبدالرحمن بن عبدالملک بن صالح با رومیها و رسیدن او به افسوس شهر اصحاب کُهف، (اسپانیول) آمدن سیل عظیم در قرطبه (کردو) و خراب کردن بسیاری از خانه ها و اماکن را.

[سنه ۱۸۳ هجری = سنه ۷۹۹ مسیحی]

آسیا استیلاء خزر بر بلاد گنجه و شیروان غیرها و اسیر کردن صد هزار نفر از اهالی این بلاد از مسلمین و غیرهم و دادن رشید ولایت ارمینیه را به اضافه آذربایجان به یزید بن مرثد^۱ که او و خزیمه بن خازم به این نواحی آمده به دفع این فساد پرداختند، و حصار باب الابواب را محکم کردند و خزر را بیرون نمودند، ارتحال حضرت امام همام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام در حبس هارون که عمر مبارکش پنجاه و چهار سال بود و داستان سپردن هارون آن حضرت را به سندی بن شاهک و حبس آن بزرگوار و مسموم شدن آن امام مظلوم با مر هارون مشهور است، وفات موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، وفات محمد بن صبیح ابوالعباس المذکر معروف به این سماک واعظ، وفات یونس بن حبیب نحوی مشهور که زیاده از صد سال عمر داشت.

اروپا - (فرانک) مجادله عساکر شارلمن با اعراییکه جزایر باله آرواقعه در دریای مدیترانه را متصرف بودند.

[سنه ۱۸۴ هجری = سنه ۸۰۰ مسیحی]

آسیا - دادن هارون ولایت یمن و مکه را به حماد بربری، و ولایت سند را به داود بن یزید بن مرثد بن حاتم المهلبی^۲ و ولایت جبل رابه یحیی الحارثی، و ولایت طبرستان را به مهرویه رازی، و حکومت موصل و اعمال آن ده این سال با یزید بن مرثد بن زائده الشیبانی^۳ بود، وفات عبدالله بن عبدالعزیز بن عمر بن خطاب که او را عابد می گفتند.

اروپا - (فرانک) سفرای شارلمن که به سمت فلسطین رفته بودند با هارون الرشید ملاقات کرده علمی را که در بیت المقدس بود و کلیدهای محل رفع عیسی (ع) معروف به مقبره عیسی و یکدستگاه ساعت زنگ دار از طرف خلیفه بطور هدیه نزدش شارلمن آوردند، لئون سیم پاپ رم تاج اگوست قیصر معروف رومیه الکبری به شارلمن هدیه داد.

۱. کامل: یزید بن مرثد.

۲. کامل: داود بن یزید حاتم المهلبی.

۳. کامل: یزید بن مرثد بن زائده الشیبانی.

افریقا — ابراهیم بن اغلب از جانب هارون الرشید به حکومت افریقیه مامور شد و بعد از فوت هارون ابراهیم و اولاد او در مغرب بالاستقلال سلطنت می کردند بدون اطاعت خلفای بغداد و بسط این مملکت از تونس تا مصر بود و اغلب ملوک مغرب از نژاد ابراهیم بن اغلب می باشند، وفات احمد سیوطی در افریقیه.

[سنه ۱۸۵ هجری = سنه ۸۰۱ مسیحی]

آسیا — وفات عبدالصمد بن علی بن عبدالله بن عباس عم منصور، وفات یزید بن مرثد بن زائده شیبانی^۱ برادر زاده معن بن زائده و برقرار شدن اسد بن یزید بجای او، کشتن اهل طبرستان مهرویه رازی حاکم خود را و دادن رشید ولایت طبرستان را به عبدالله بن سعید الحرشی، وقوع صاعقه در مسجد الحرام که دو نفر را هلاک کرد، وفات محمد بن ابراهیم الامام بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس در بغداد.

اروپا — (اسپانیول) پادشاه آکلپتین شهر بارسلن را از قشون اعراب منتزع نمود.

مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

[سنه ۱۸۶ هجری = سنه ۸۰۲ مسیحی]

آسیا — هارون الرشید مقرر نمود که بعد از مأمون پسرش قاسم ولیعهد باشد و او را مؤتمن لقب داد، و مؤتمن سپرده به عبدالملک بن صالح شد، وفات عبدالله بن صالح بن عبدالله بن عباس، و علی بن عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس پسر برادر سفاح و منصور.

اروپا — (قسطنطنیه) بلوای عام سبب خلع ایرن ملکه شده و امپراطور نیسفر (نقفور) به جای او برقرار گردید، (اسپانیول) وقوع اتفاق مابین حکم و عموی او عبدالله بن عبدالرحمن، وفات شقران بن علی زاهد در اندلس.

افریقا — وفات راشد از موالی عیسی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب

۱. کامل: یزید بن مزید بن زائده الشیبانی.

عليه السلام که با ادريس بن عبدالله بن حسن به مغرب ورود کرده بود و امارت بربر داشت و بعد از او امارت بربر به ابو خالد یزید بن الیاس رسید.

[سنه ۱۸۷ هجری = سنه ۸۰۲ مسیحی]

آسیا — غضب کردن هارون بر برامکه و کشتن جعفر بن یحیی را در انبار، شب اول ماه صفر و جدا کردن سراورا از بدن و فرستادن سر و بدن او را به بغداد و نصب کردن سروقطعه ای از بدن او را به یکجسر، و قطعه دیگر از بدن او را به جسر دیگر، و عمر جعفر سی و هفت سال بود، و پس از کشتن او هارون حکم کرد یحیی و اولاد او را گرفتند و اسباب و اموال برامکه را ضبط نمودند و کسی را که متعرض نشدند محمد بن خالد بن برمک و اولاد او بودند که در عداد مقصرین شمرده نمیشدند، در سبب قتل جعفر و اعدام برامکه مؤرخین چیزها نوشته، بعضی گفته اند هارون عباسه خواهر خود را به مزاجت جعفر داده بود برای اینکه به او محرم باشد و مقرر نموده که با او مباشرت نکند جعفر خلاف این امر کرده و عباسه پسری آورد و خلیفه مطلع شده دودمان برامکه را برانداخت، برخی براین اند که هارون یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام را به جعفر داده بود که حبس کند جعفر او را رها کرده و این سبب خشم هارون شد، جماعتی گویند چون صیت کرم و کرامت برامکه به اقطار رسید و قلوب مایل به ایشان شد خلیفه توهم کرده آنها را قلع نمود، و چیزهای دیگر نیز گفته شده که موجب تطویل و لطائل تحت می باشد، خلاصه مدت وزارت برامکه هفده سال بوده است، وقوع مناقشه فیما بین مضریه و یمانیه در شام که هارون فرستاده فتنه را خوابانیدند. وفات فضیل بن عیاض زاهد که در سمرقند متولد شده و به مکه آمده در این مکان مقدس بود تا به رحمت ایزدی پیوست، وفات ابو مسلم فراء نحوی که کسائی از او اخذ علم کرده بود، کشتن رشید ابراهیم بن عثمان بن نَهِیک را به جهة هواخواهی که از جعفر برمکی داشت، وفات عمر بن عبید طنافسی کوفی.

اروپا — (قسطنطنیه) امپراطور جدید قسطنطنیه از ادای خراج به خلیفه هارون ابا و انکار کرده لهذا خلیفه بالشکر جرّاری به سمت آناتولی حرکت کرده و ظاهر شهر هراکله (هرّقه) را معسکر ساخته از این تاریخ تا سه سال نایره جنگ میانه هارون و نیسفر اشتعال داشت، (اسپانیول) گرفتن طایفه فرانک شهر تُطیلَه را و استرداد و استخلاص عمرو بن

یوسف که از جانب حکم حاکم ثغور بود این بلد را از فرانکها.

[سنه ۱۸۸ هجری = سنه ۸۰۳ مسیحی]

آسیا — حج رشید که به زعم بعضی این آخرین حج او بود، وفات عباس بن احنف شاعر بقولی.

اروپا — (اسپانیول) وفات شهید بن عیسی که با عبدالرحمن بن معاویه به این مملکت آمده بود در اندلس در نود و سه سالگی.

[سنه ۱۸۹ هجری = سنه ۸۰۴ مسیحی]

آسیا — آمدن رشید به ری از خوف طغیان والی خراسان علی بن عیسی بن ماهان که چهارماه در این بلد اقامت کرد و والی مشارالیه از خراسان به ری آمده هدایای وافره به رشید و همراهان او داد، و خلاف مظنون رشید ظاهر شده به بغداد مراجعت نمود و جسد جعفر را که مصلوب بود بسوزانید و در بغداد اقامت نکرده به رقه رفت، وفات محمد بن الحسن الشیبانی فقیه مصاحب ابوحنیفه صاحب کتاب جامع کبیر و جامع صغیر در فقه ابوحنیفه، امان دادن رشید به حکمران طبرستان و دیلم و اطاعت آنها از رشید، دادن رشید حکومت طبرستان و ری و دماوند و قومس و همدان را به عبدالله بن مالک.

افریقا — ظهور اغتشاش و فتنه در طرابلس غرب.

[سنه ۱۹۰ هجری = سنه ۸۰۵ مسیحی]

آسیا — عزل کردن رشید رافع بن لیث بن نصر بن سیمار را از حکومت ماوراءالنهر که پس از معزول شدن به مخالفت برخاست، خروج سیف بن بکیر خارجی که از ناحیه عبدالقیس خروج کرد و کشته شدن او به دست عساکر رشید، اسلام فضل بن سهل مجوسی به دست مأمون، و فضل شیعی مذهب بود و او بود که به مأمون گفت حضرت رضا علیه السلام را ولیعهد نماید، وفات اسد بن عمرو بن عامر الکوفی مصاحب ابوحنیفه، وفات یحیی بن خالد برمکی که در رقه در حبس رشید بود و هفتاد سال عمر داشت.

اروپا — (رومية الصغرى) فتح کردن رشید شهر هراکله (هرقله) را در ماه شوال و فرستادن داود بن عیسی بن موسی را بر سر سایر بلاد این مملکت.

افریقا — ابتدای سلطنت مستقله آل ادريس در مغرب که شهر فز (فاس) را پای تخت خود قرار دادند. دادن هارون حکومت مصر و سواحل شام را به حمید بن معیوف که اوتا قبرس رانده قتل و هدم و غارت زیاد نمود.

[سنه ۱۹۱ هجرى = سنه ۸۰۶ مسیحى]

آسیا — عزل کردن رشید علی بن عیسی بن ماهان را از ولایت خراسان و نصب هرثمه بن اعین به جای او، امر کردن رشید به هدم کلیساهائیکه در سرحدات بود.

اروپا — (قسطنطنیه) بعد از سه سال جنگ نيسفر (نقفور) قبول تبعیت خلیفه هارون را نموده و از ساختن قلعه و مستحکامات در سمت آناتولی ممنوع شد، (فرانک) شارلمن پادشاه فرانک در شهر تیون و یل مملکت وسیعه خود را به سه پسر خود شارل و پین و لوئی تقسیم کرد، (اسپانیول) کشته شدن بسیاری از اعظم اهل طلیطله^۱ به اشاره حکم پادشاه اسپانیول به واسطه تمرد آنها به مباشرت عبدالرحمن بن حکم، و عمرو بن یوسف که حکم او را والی این ولایت نموده بود و چون مقتولین در سرای حکومتی در حفره ای به قتل رسیدند این واقعه به وقعه حفره معروف شد. (ایطالیا) پادشاه ایطالیا جزیره گرس را از تصرف اعراب خارج نموده خود متصرف و مالک شد.

[سنه ۱۹۲ هجرى = سنه ۸۰۷ مسیحى]

آسیا — عزیمت رشید از رقه سفر خراسان را که به بغداد آمده امین را جانشین خود نمود و در پنجم شعبان به طرف نهروان راند و مقصود از این سفر جنگ بارافع بن لیث بود و از آنجا که نقاقت و مرض بر طبیعت رشید استیلا داشت فضل بن سهل مامون را محرک شد

۱. در متن (طلیله) بود که بلا تردید اشتباه کاتب بوده است در کامل نیز برای «وقعه الحفره» تحت عنوان مستقلی شرح مفصلی آمده است (جلد ۶ ص ۹۹).

که از هارون مسئلت نموده التزام رکاب او را داشته باشد و پس از الحاح هارون قبول کرد، شورش خرمیه در آذر بایجان که رشید عبدالله بن مالک را باده هزار نفر به دفع آنها فرستاده جمع کثیری از این جماعت را بکشت، دادن رشید حکومت ثغور را به ثابت بن نصر بن مالک که او مطمئنه را فتح کرد، وفات عیسی بن جعفر بن منصور درد سکره، محاصره کردن هرثمه بن اعین رافع بن لیث را در سمرقند، خروج حمزه خارجی در خراسان و اطاعت عمال هرات و سجستان و غیره به او که عبدالرحمن نیشابوری به دفع او برخاسته و او را در سال بعد تا هرات تعاقب نمود و بسیاری از اصحاب او را بکشت، وفات بهلول مجنون.

[سنه ۱۹۳ هجری = سنه ۸۰۸ مسیحی]

آسیا — مردن فضل بن یحیی بن خالد بن برمک در حبس رشید در رقه در ماه محرم در سن چهل و پنج سالگی و محاسن فضل غیر محصور است و وفات او پنج ماه قبل از وفات رشید اتفاق افتاد، جنگ هرثمه بن اعین والی خراسان با عساکر رافع بن لیث که هرثمه غالب بود و بخارا را فتح نموده و بشیر برادر رافع را دستگیر کرد و نزد رشید فرستاد، وفات رشید در سیم جمادی الاخره در طوس در چهل و هفت سالگی و مدفون شدن او در خانه ای که منزل داشت و در این وقت مأمون به امر رشید در مرو بود و فضل بن ربیع، و اسمعیل بن صبیح و مسرور، و حسین از ملازمان رشید بر سر بالین او حضور داشتند، مدت خلافت رشید سیزده سال و دو ماه و هیجده روز بود، خلافت امین بن رشید ششمین خلیفه عباسی، ابتدای اختلاف میانه امین و مأمون، آمدن زبیده مادر امین از رقه به بغداد و ملاقات کردن امین با او در انبار در حالتیکه جمیع بزرگان بغداد با او بودند. عزل کردن امین برادر خود قاسم مؤتمن را از جزیره و برقرار داشتن او را بر حکومت قنسرین و عواصم (ثغور) و دادن حکومت جزیره را به خزیمه بن خازم.

[سنه ۱۹۴ هجری = سنه ۸۰۹ مسیحی]

آسیا — مخالفت اهل حمص با حاکم خود اسحق بن سلیمان و عزل کردن امین او را و نصب نمودن عبدالله بن سعید الحرشی را به جای او که با اهل حمص جنگ کرد تا امان

طلبیدند، کشته شدن شقیق بلخی زاهد معروف به تصوّف در غزوة کولان از بلاد ترک.

افریقا — مخالفت اهل تونس و قیروان با ابراهیم بن اغلب، و غلبه ابراهیم بر آنها.

[سنه ۱۹۵ هجری = سنه ۸۱۰ مسیحی]

آسیا — انداختن امین اسم مامون را از خطبه، و خطبه خواندن به اسم پسر خود موسی بن امین که طفلی صغیر بود و ملقب کردن او را به ناطق الحق، و تجهیز لشکر نمودن برای جنگ مامون که در خراسان بود، و دادن سرداری این لشکر را به علی بن عیسی بن ماهان، و روانه شدن این لشکر به طرف ری، و در این وقت طاهر بن حسین از جانب مأمون با عساکر قلیلی در ری بود، چون علی بن عیسی به ری رسید طاهر از بیعت امین در گذشته مامون را به خلافت قبول نمود و با عساکر امین به قتال پرداخته جنگ سختی کردند عساکر امین منهزم، و علی بن عیسی کشته شد، و طاهر سر او را با خبر فتح برای مأمون به خراسان فرستاد، و چون در این جنگ طاهر یکنفر از اصحاب علی بن عیسی را که معروف به حاتم طائی بود با شمشیری که دو دسته گرفته به خاک انداخت معروف به ذوالیمینین شد. استیلای طاهر بر اعمال خیال، وفات ابونواس حسن بن هانی شاعر، ولادت امام محمد تقی علیه السلام، خروج علی بن عبدالله بن خالد بن یزید بن معاویه معروف به سفیانی که مادر او نفیسه دختر عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام بود.

اروپا — (اسپانیول) حکم پادشاه بعد از غلبه به شهر ساراگوسا با شارلمن پادشاه فرانک انعقاد عهد صلح نمود.

[سنه ۱۹۶ هجری = سنه ۸۱۱ مسیحی]

آسیا — فرستادن امین لشکری به همراهی احمد بن مرثد، و عبدالله بن حمید بن قحطبه به جنگ طاهر که باهریک از این دو نفر بیست هزار سوار بود، و چون به خانقین رسیدند

میان آنها اختلاف پدیدار شده بدون اینکه با طاهر تلاقی و جنگ کنند برگشتند و طاهر به حلوان آمده و هرثمه باقشونی از جانب مأمون به او پیوسته و مأمون به طاهر نوشته بود که بلادی را که مسخر نموده تسلیم هرثمه کند و خود متوجه اهواز شود طاهر به موجب این گفته به طرف اهواز راند، و هرثمه در حلوان ماند، امر کردن مأمون که او را امیرالمومنین خطاب کنند و خطبه به اسم او خوانند، دادن مأمون حکومت بلاد چند را به فضل بن سهل که حد قلمرو حکومت او از مشرق از کوه همدان بود تا تبست طولاً و از دریای عمان بود تا دریای دیلم و جرجان عرضاً، و او را ملقب به ذوالریاستین نمود که ریاست سیف و قلم باشد. دادن مأمون وزارت مالیه را به حسن بن سهل، استیلاء طاهر بر اهواز و واسط و مداین و نزول او به صرصر وفات عبدالملک بن صالح بن علی که در حبس رشید بود و امین او را از حبس بیرون آورده حکومت شام و جزیره را به او داد و او به رقه آمده در اینجا درگذشت، خلع کردن حسین بن علی بن عیسی بن ماهان امین را از خلافت در شب یازدهم رجب، و گرفتن بیعت برای مأمون که چند روز بعد باز مردم امین را به خلافت برداشتند و حسین در این مقدمه کشته شد. خلع کردن داود بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی حاکم مکه و مدینه امین را از خلافت و گرفتن بیعت از اهل این دو بلد برای مأمون.

افریقا — مخالفت اهل طرابلس غرب با ابراهیم بن اغلب و غلبه ابراهیم بر آنها و دادن ابراهیم حکومت این ولایت را به پسر خود عبداللّه، و مادامیکه ابراهیم زنده بود جنگ در میان عساکر او و اهل طرابلس غرب در کار بود بعد از فوت او شهر طرابلس و دریا عبداللّه بن ابراهیم راشد و خارج از شهر و دریا بر عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن رستم رئیس بربر مقرر آمد.

[سنه ۱۹۷ هجری = سنه ۸۱۲ مسیحی]

آسیا — محاصره کردن طاهر و هرثمه بغداد را و محصور داشتن امین را، و وقوع غارت و حرق در بغداد و مانع شدن طاهر دخول ماکولات و ارزاق را به بغداد، و ظهور غلا در این شهر و شدت حال و تنگی، و همین طور بغداد در بند محاصره بود تا سال بسر رسید، رفتن مؤتمن بن رشید و منصور بن مهدی به خراسان نزد مأمون و فرستادن مأمون مؤتمن را به جرجان.

اروپا — (ایطالیا) پین پسر شارلمن پادشاه ایطالیا وفات نموده، بزئارڈ پسر او به جای او برقرار می گردد.

[سنه ۱۹۸ هجری = سنه ۸۱۳ مسیحی]

آسیا — استیلاء طاهر بر بغداد بعد از قتال شدید و داخل شدن در این شهر و جازدن که هرکس در خانه خود نشست ایمن است، و متحصن شدن امین و اولاد او و مادر او در مدینه منصون، و محاصره کردن طاهر او را در این بلده، و چون امین دید به زودی به دست طاهر گرفتار می شود و به هلاکت می رسد از هرثمه امان خواست و کنار شط آمده در قایق هرثمه داخل شد هرثمه او را در بر گرفته دست و پای او را بوسید و قصد حراست و حفظ او را داشت ولی اصحاب طاهر دور قایق را گرفته و غرق نمودند، ملاح قایق هرثمه را از آب بیرون آورد و کسان طاهر امین را گرفتند و طاهر او را حبس نمود و نصف شبی چند نفر عجم فرستاده او را بکشتند و سر او را نزد طاهر آوردند، و طاهر آن سر را بریکی از برجهای بغداد نصب کرد و مردم او را دیدند، بعد طاهر سر را باخبر فتح برای مأمون فرستاد، و قتل امین در بیست و چهارم محرم اتفاق افتاد مدت خلافتش تقریباً چهار سال و هشت ماه و عمرش بیست و هشت سال بود، زیاده شرب خمر و استیفای لذات و لغ داشت، پس از کشته شدن امین تمام مملکت برای مأمون مصفی شد، و حسن بن سهل برادر فضل را والی جبال و عراق و فارس و اهواز و حجاز و یمن نمود، برخاستن فضل بن شبث العقیلی از هواخواهان امین به مخالفت مأمون و این نصر در کیسوم در ناحیه شمالی حلب ساکن بود.

اروپا — (اسپانیول) شورش اهالی بعضی محلات و أرباض قرطبه بر حکم پادشاه اسپانیا به جهة اکثار او و ملازمان او در شرب و ملاهی و غلبه حکم بر شورشیان و کشتن بسیاری از آنها را.

[سنه ۱۹۹ هجری = سنه ۸۱۴ مسیحی]

آسیا — ظهور ابن طباطبای العلوی محمد بن اسمعیل بن ابراهیم^۱ بن حسن بن حسن بن

۱. کامل: «ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن اسماعیل...»

علی بن ابیطالب علیه السلام در کوفه که مردم را دعوت به حضرت رضا سلام الله علیه می نمود و سرکرده متابعین ابن طباطبا ابوالسرایا السری بن منصور بود^۱ و اهل کوفه با او بیعت کردند، و حسن بن سهل زهیر بن مسیب ضبّی را باده هزار نفر به جنگ ابن طباطبا فرستاد ابن طباطبا آنها را منهزم کرد ولی در شب اول رجب ابوالسرایا محض اینکه خود ریاست و استبدادی داشته باشد ابن طباطبا را مسموم و هلاک کرد و پسرش موسوم به ابن زید را که از اولاد حضرت علی بن ابیطالب (ع) بود بر حسب ظاهر به جای ابن طباطبا برداشت و به اسم او جنگ می کرد چنانکه بر بصره و واسط غلبه نمود و میان او و عساکر مأمون زد و خوردها شد، وفات حسین بن مصعب بن زریق پدر طاهر ذوالیمینین به خراسان که مأمون به تعزیت او فرستاد، وفات عبدالله بن نمیر همدانی کوفی مکتبی به ابوهاشم پدر محمد بن عبدالله نمیر شیخ بخاری.

اروپا — (فرانک) فوت شارلمن در شهر اکس لا شاپل در بیست و هشتم ماه ژانویه و جلوس لوئی پسر بزرگ شارلمن به جای او و تصرف نمودن تمام ممالک پدر را سوی ایتالیا.

مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

[سنه ۲۰۰ هجری = سنه ۸۱۵ مسیحی]

آسیا — گریختن ابوالسرایا از کوفه با هشتصد سوار پس از آنکه هرثمه او را در این شهر محصور داشت، و ورود هرثمه به کوفه و ایمن نمودن اهالی را و رفتن ابوالسرایا به جلولا و متفرق شدن اتباع او و گرفتن حماد کندغوش ابوالسرایا و معدودی را که نزد او مانده بودند، و فرستادن نزد حسن بن سهل که در نهر وان بود، و کشتن حسن او را و فرستادن سر او را برای مأمون، ظهور ابراهیم بن موسی بن عیسی بن جعفر بن محمد العلوی^۲ و رفتن به یمن و در این وقت اسحق بن موسی بن عیسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس از جانب مأمون حاکم یمن بود و از ابراهیم علوی منهزم شده ابراهیم بر یمن مستولی شد و ابراهیم را به جهة اینکه مردم را زیاد می کشت و نهب می کرد جزا می گفتند، رفتن هرثمه به مرو نزد مأمون و گرفتن و حبس کردن و کشتن او را در حبس و اظهار نمودن که

۱. عبارت کامل این است: «وكان القیم بامرہ فی الحرب ابوالسرایا، السری بن منصور».

۲. در کامل نسب ابراهیم چنین آمده «ابراہیم بن موسی بن جعفر بن محمد».

او در حبس همرد و این جمله به سعایت حسن بن سهل شد. امر کردن مأمون به اینکه اولاد عباس را شماره کنند و از این شماره معلوم شد که عدد آنها تقریباً سی و سه هزار نفر است رجالاً و نساءً. وفات معروف کرخی معروف به تصوف صاحب الکرامات، و پدر معروف نصرانی بوده.

اروپا - (اسپانیا) فرستادن حکم پادشاه اسپانیول لشکری به سرداری عبدالکریم بن مغیث بر سر بلادیکه از اندلس به تصرف فرانکها بود و مقاتله شدید بین الجانبین.

[سنه ۲۰۱ هجری = سنه ۸۱۶ مسیحی]

آسیا - غلبه اجامره و او باش در بغداد که به راهزنی و دست درازی به نساء و اطفال مردم و انواع فسق و فجور مشغول بودند و دهات را غارت می کردند و آخر الامر اهل بعضی از محلات بغداد با شخصی که موسوم به خالد بن الدریوس بود متفق شده به دفع اشرار پرداختند، و بعد از خالد یکی از اهل خراسان که او را سهل بن سلامه انصاری می گفتند مصمم طرد فساق شده مصحفی به گردن او یخته امر بمعروف و نهی از منکر می کرد و جمع کثیری دور سهل جمع شده و مردم او را اطاعت می نمودند، ولیعهد کردن مأمون امام ثامن حضرت رضا علیه السلام را و امر نمودن به لشکریان که لباس سیاه خود را ترک نموده جامه سبز بپوشند، و این واقعه در دویم رمضان واقع شد و بسیار بر بنی عباس خاصه بر منصور و ابراهیم پسران مهدی گران آمد و بعضی از اهل بغداد از بیعت امتناع نمودند و شخصی که این بیعت را در بغداد می گرفت عیسی بن محمد بن ابی خالد بود، گفتگوی اهل بغداد در خلع مأمون و برداشتن ابراهیم بن مهدی را به خلافت به جهة اینکه حسن بن سهل را پیشکار خود قرار داده بود و خلافت را به خانواده آل علی بن ابیطالب علیه السلام راجع کرده است، فتح کردن عبدالله بن خرداد به والی طبرستان جبال طبرستان را و به دست آوردن شهریار بن شروین را که در آن جبال بود و دستگیر نمودن او ابولیلی پادشاه دیلم را، وقوع زلزله عظیم در خراسان، ابتدای امر بابک خرمی و ظهور او در میان طایفه جاودانیه که معتقد به تناسخ بود^۱ و می گفت ارواح نقل به ابدان

۱. عبارت کامل این است: «وفیها تحرک بابک الخرمی فی الجاودانیه اصحاب جاویدان بن سهل».

می نمایند.

افریقا — وفات ابوالعباس عبدالله بن ابراهیم بن اغلب و ولایت زیاده بن ابراهیم بن اغلب در افریقہ.

[سنه ۲۰۲ هجری = سنه ۸۱۷ مسیحی]

آسیا — بیعت کردن اول بغداد با ابراهیم بن مهدی و خلع نمودن مأمون را از خلافت و این بیعت را مطلب بن عبدالله بن مالک برای ابراهیم می گرفت، استیلای ابراهیم بر کوفه وارد و زدن در مداین، دادن ابراهیم حکومت جانب غربی بغداد را به عباس بن موسی هادی و حکومت جانب شرقی را به اسحق بن هادی، و گرفتن اسحق سهل بن سلامه را که امر به معروف و نهی از منکر می کرد. و فرستادن او را نزد ابراهیم بن مهدی در مداین که او را بعد از زدن حبس کرد، عزیمت مأمون از خراسان به عراق به جهت رفع ابراهیم بن مهدی، و جانشین کردن غسان بن عباد را در خراسان و چون مأمون به سرخس آمد در دو یم ماه شعبان چهار نفر در حتم برفضل بن سهل ذوالریاستین حمله کرده او را بکشتند مأمون گفت هر کس قاتلین ذوالریاستین را بگیرد ده هزار دینار با و انعام می دهم عباس بن هشتم دینوری آنها را گرفته نزد مأمون آورد آنها به مأمون گفتند تو امر کردی که ما فضل را بکشیم مأمون حکم کرد گردن آنها را زدند و متوجه عراق شد، ابراهیم بن مهدی و مطلب که بیعت از برای او می گرفت از آمدن مأمون خبر شدند مطلب تمارض کرده به بغداد آمد و در خفا شروع کرد به بیعت گرفتن برای مأمون و خلع ابراهیم، و این خبر به سمع ابراهیم رسید از مداین قصد بغداد کرد و مطلب را طلبید، مطلب از آمدن امتناع نمود ابراهیم حکم کرد خانه های او را خراب کردند ولی خود او را نتوانستند به چنگ بیاورند، مزاحمت بوران دختر حسن بن سهل با مأمون و در آوردن مأمون دختر خود را در نکاح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام. وفات ابو محمد یزیدی که یحیی بن مبارک بن مغیره مقری مصاحب ابی عمرو بن العلاء باشد و او را یزیدی می گفتند بجهة اینکه مصاحبت یزید بن منصور خال مهدی و معلم پسر او بود.

اروپا — (ایطالیا) شورش پادشاه ایطالیا بر نازد به عم خود، لونی پاسکال اول در رم

پایتت برقرار گردید.

[سنه ۲۰۳ هجری = سنه ۸۱۸ مسیحی]

آسیا — ارتحال امام ثامن ضامن حضرت رضا علیه السلام در طوس در پنجاه سالگی، و داستان مسموم شدن آنحضرت معروفست و اخبار کردن مأمون اهل بغداد را از ارتحال آن بزرگوار و خارج کردن بغدادیها ابراهیم بن مهدی را که یکسال و یازده ماه بر آنها ولایت داشت و متواری شدن ابراهیم که پنهان بود تا مأمون به بغداد آمد، رسیدن مأمون در آخر ذیحجه این سال به همدان، زلزله های شدید در خراسان و ماوراءالنهر خاصه در بلخ و جوزجان و فاریاب و طالقان که هفتاد روز طول کشید و خسارت زیاد وارد آورد، ابتلای حسن بن سهل به جنون به حدی که او را حبس و دربند آهن گذاشتند و سران سپاه که با او بودند این فقره را برای مأمون نوشتند.

ذکر قلوک بنی زیاد در یمن

شخصی از بنی زیاد بن ابیه موسوم به محمد که بعضی او را پسر ابراهیم بن عبدالله بن زیاد دانسته اند با جماعتی از بنی امیه را مأمون به فضل بن سهل یا به حسن بن سهل سهل سپرده بود، مأمون شنید که امر یمن مختل است، ابن سهل به مأمون گفت محمد مذکور را که از آل زیاد بود به امارت یمن مقرر نما، مأمون بدین گفته عمل کرد، محمد با جماعتی به حج رفته از آنجا به یمن روانه شد، و بعد از جنگها که با عرب کرد تهامه را بگرفت و استقراری در یمن بهمرسانید، و در سال بعد شروع به ساختن شهر زبید نمود، و هدایای وافره به صحابت جعفر غلام خود برای مأمون فرستاد، و در سنه دویست و شش مأمون دو هزار سوار برای محمد به یمن فرستاد، و کار محمد بالا گرفته بر تمام یمن استیلا یافت و جعفر مذکور را حکومت حبال داد و شهر مدیحه را در آن بنا نمود و بلاد محکومه جعفر معروف به مخالف شد، یعنی مملکت وسیع و جعفر شخصی کافی بود و دولت آل زیاد به اوقوت گرفت و دویست و چهار سال آل زیاد در یمن حکومت کردند بعد سال (۴) ۱ به مالیک و بندگان آنها رسید.

اروپا — (فرانک) غلبه لوئی پادشاه این مملکت بر برادرزاده خود برنارد و اسرو شجر (۴) ۲ و قتل او، و منصوب نمودن لئیز پسر خود را به جای او.

[سنه ۲۰۴ = سنه ۸۱۹ مسیحی]

آسیا — ورود مامون به بغداد که به واسطهٔ قدوم او نایرهٔ فتنه که در این شهر مشتعل بود منطفی شد، در روز ورود مامون و همراهان نش لباس سبز پوشیده بودند و مردم بالباس سبز به حضور او می آمدند و هرجا لباس سیاهی می یافتند مسیوزانیدند و هشت روز بر این منوال گذشت آنگاه بنی عباس و سرداران خراسان درینباب گفتگو کرده لباس سبز متروک و بازجامهٔ عباسیان سیاه شد، وفات شافعی محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سایب بن عبید بن عبد یزید بن هاشم المطلب بن عبد مناف و شافعی منسوب به شافع بن سایب مذکور است، عمر شافعی پنجاه و چهار سال بوده، وفات حسن بن زیاد اللؤلؤی فقیه از اصحاب ابوحنیفه و ابوداود و سلیمان بن داود الطیالسی، وفات نصر بن شُمیل خزانه بصری نحوی که در صحبت مامون مقامی بهم رسانید، دادن مامون ولایت کوفه را به برادر خود ابوعیسی، و ولایت بصره را به برادر دیگر خود صالح، و حکومت حرمین را به عبیدالله بن الحسین بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام.

[سنه ۲۰۵ هجری = سنه ۸۲۰ مسیحی]

آسیا — عامل کردن مأمون طاهر بن حسین را بر مشرق از بغداد تا آخر عمل مشرق، وفات یعقوب بن اسحق بن زید البصری المقری که یکی از قراء عشره بود، دادن مامون ولایت جزیره را به یحیی بن معاذ، و ولایت آذربایجان و ارمنیه را به عیسی بن محمد بن ابی خالد و مأمور کردن او را به جنگ بابک خرمی، وفات داود بن یزید عامل سند، و دادن مامون ولایت سند را به بشیر بن داود که سالی هزار هزار درهم از بابت مالیات این ولایت بدهد، مأمور کردن مأمون عیسی بن یزید جلودی را به جنگ زُط (زُط طایفه ایست از هند)، زیاد شدن آب دجله به حدی که بسیاری از اماکن و ابنیه بغداد را خراب کرد.

[سنه ۲۰۶ هجری = سنه ۸۲۱ مسیحی]

آسیا — سپردن مأمون از رقه تا مصر را به حکومت عبدالله بن طاهر و مأمور کردن او را به جنگ نصر بن شبث، دادن مأمون ولایت بصره و رستاق دجله را به اضافهٔ یمامه و بحرین به داود بن ماسحور و مأمور کردن او را به حرب زُط، مدد دجله که خرابی زیاد وارد آورد، منکوب

کردن عیسی بن محمد بن ابی خالد بابک خرمی را، وفات محمد بن مستیز (مسیر)^۱ نحوی معروف به قطرب شاگرد سیویه، وفات ابو عمر اسحق الشیبانی اللّغوی.

اروپا — (اسپانیول) وفات حکم بن هشام پادشاه اسپانیول در بیست و ششم ذیحجه که جلوس او در ماه صفر سنه صد و هشتاد بود و عمر او پنجاه و دو سال، جلوس عبدالرحمن بن حکم بن هشام به تخت سلطنت اسپانیا.

[سنه ۲۰۷ هجری = سنه ۸۲۲ مسیحی]

آسیا — وفات طاهر ذوالیمینین در جمادی الاولى به مرض تب، و این در جمعه آخری بود که طاهر بعد از نماز جمعه اسم مأمون را از دعا متروک نموده و قصد خلع او را داشت، و بعد از طاهر طلحه پسر او والی خراسان شد، و هفت سال در ایام مأمون والی این ولایت بود، و مأمون احمد بن ابو خالد را به پیشکاری طلحه فرستاده، و احمد به ماوراءالنهر رفت و اشروسنه را فتح کرد و کاوس بن صارخره و فضل پسر کاوس را اسیر کرده نزد مأمون فرستاد. قحط و غلا در بغداد که قیمت یک قفیز هارونی گندم به چهل درهم و پنجاه درهم رسید، ولایت محمد بن حفص در طبرستان و رویان و دماوند، وفات محمد بن عمرو بن اقدالواقدی که عالم به مغازی و اختلاف آرای علما بود ولی در حدیث چندان قوتی نداشت، وفات محمد بن عبدالله عبدالاعلی معروف به ابن کناسه خواهرزاده ابراهیم بن ادهم که عالم به عربیت و شعر و روزگار مردم بود، وفات ابوزر کریم یحیی بن زیاد بن عبدالله معروف به فراء الدیلمی الکونی که اعلم علمای کوفه بود در نحو و لغت و فنون ادب.

اروپا — (اسپانیول) مجاعت شدید در اندلس، شیوع طریقه مالکی در این مملکت.

[سنه ۲۰۸ هجری = سنه ۸۲۳ مسیحی]

آسیا — وفات فضل بن ربیع، وفات موسی بن امین.

اروپا — (اسپانیول) وفات عبدالله بن عبدالرحمن الاموی معروف به بلنسی حکمران بلنسیه از ولایت اندلس.

افریقا — وفات الیسع بن ابوالقاسم حکمران سجلماسه و ولایت برادر او منتصر بن ابوالقاسم به جای او.

[سنه ۲۰۹ هجری = سنه ۸۲۴ مسیحی]

آسیا — محاصره کردن عبدالله بن طاهر نصر بن شیبث را در کیسوم و سخت شدن کار بر نصر که از عبدالله امان خواست و از اردوی خود به رقه نزد عبدالله آمد و عبدالله نصر را نزد مأمون فرستاد و در سال بعد در ماه صفر به حضور مأمون واصل گردید، والی کردن مأمون علی بن صدقه معروف به زُرّیق را بر ارمینیه و آذربایجان و مأمور کردن او را به محاربه بابابک. وفات ابوعبیده معمر بن مثنی لغوی به قولی.

اروپا — انعقاد مصالحه مابین امپراطور قسطنطنیه و عبدالرحمن دویم پادشاه اسپانیول برضه مأمون، غلبه دزدان بحری اسپانیول به جزیره کرید که در تصرف امپراطورهای قسطنطنیه بود و بنا کردن شهر کاندی را.

افریقا — خارج شدن منصور بن نصیر از اطاعت زیاده الله بن اغلب حکمران افریقیه.

[سنه ۲۱۰ هجری = سنه ۸۲۵ مسیحی]

آسیا — دستگیر کردن مأمون ابراهیم بن محمد بن عبدالوهاب بن ابراهیم امام را که معروف به ابن عایشه بود باجمعی از اعیان که با او بودند و سعی می کردند در بیعت گرفتن برای ابراهیم بن مهدی و پس از دستگیر شدن محبوس شدند، و ابن عایشه را به حکم مأمون به دار زدند و این اول شخصی است از آل عباس که مصلوب شد، گرفتن حارس اسود ابراهیم بن مهدی را که نقاب انداخته بود و به لباس زنانه ملّیس شده و دوزن نیز با او همراه بود. خلاصه حارس ابراهیم را نزد مأمون آورده مأمون او را حبس کرد بعد او را رها نمود به خیال خودیا به شفاعت حسن بن سهل، و بعضی گفته اند که بوران دختر حسن بن سهل شفیع ابراهیم شد. عروسی بوران و مأمون که حسن بن سهل در فم الصلح بود که مأمون از بغداد به فم الصلح آمده به مواقعه پرداخت، و جدّه بوران هزاردانه مروارید که از بهترین لالی دنیا بود بر مأمون نثار کرد و یکشمع عنبری که چهل من وزن آن بود در جشن این عروسی روشن کرد و حسن بن سهل اسامی املاک خود را بر روی رقعها نوشت و

آنها را در میان سرکرده ها پراکنده کرده و هرکس هر رقعہ ای که یافت ملکى که در آن مسطور بود مالک شد. در سنهٔ دو یست و سه مذکور شد که حسن بن سهل دیوانه و محبوس شد از این اخبار معلوم می شود که حسن دوباره صحیح العقل شده و به جای خود تمکن یافته، اگر چه مورخین این مطلب را تصریح نکرده اند. وفات علیہ دختر مهدی در پنجاه سالگی و شوهر او موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بود. طغیان اهل قم که تخفیفی در مالیات خود می خواستند و فرستادن مأمون علی بن هشام و عجیف بن عنبسه را که این دو آنها را منکوب نموده و به جای تخفیف مبلغ گزافی بر خراج آنها افزودند، وفات شهریار بن شروین حکمران اجبال طبرستان که پسر او شاپور به جای او برقرار شده و مازیار بن قارن با او مقاتله نموده او را اسیر کرد و کشت و جبال را متصرف آمد.

اروپا — (رُم) فوت اُزن دو یم پاپ خلیفه عیسویان.

[افریقا — استیلاء و غلبهٔ عبدالله بن طاهر ذوالیمینین بر مصر و اسکندریه.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

[سنه ۲۱۱ هجری = سنه ۸۲۶ مسیحی]

آسیا — کشته شدن سید بن انس ازدی امیر موصل به دست ملازمان زُرّیق بن علی بن صدقهٔ ازدی موصلی که از این معنی مأمون در غضب شده محمد بن حُمَید طوسی را مأمور به جنگ زُرّیق و بابک خرّمی نموده و حکومت موصل داد. وفات موسی بن حفص که پسرش والی طبرستان گردید، ولایت حاجب بن صالح در سند که بشر بن داود او را منہزم کرده و او به کرمان آمد، وفات ابوالعتاهیه شاعر، وفات اخفش نحوی بصری، وفات عبدالرزاق بن همام الصنعانی محدث که از مشایخ احمد بن حنبل بود و شیعی مذهب.

افریقا — اختلاف فیما بین عامر بن نافع و منصور بن نصر و کشته شدن منصور.

[سنه ۲۱۲ هجری = سنه ۸۲۷ مسیحی]

آسیا — ظاهر کردن مأمون قول به خلق قرآن را و تفضیل علی بن ابیطالب علیه السلام را بر جمیع صحابه و گفتن که علی (ع) بعد از پیغمبر (ص) افضل از جمیع ناس است،

وفات محمد بن یوسف الضبی از مشایخ بخاری، استیلا محمد بن حمید برموصل و غلبه او بر زریق بن علی، خلع احمد بن محمد العمری معروف به احمرالعین مأمون را در یمن که محمد بن عبد الحمید معروف بابی الرازی مامور به یمن شد، ولادت حضرت امام علی التقی علیه السلام، زلزله شدید در یمن که شدت آن در عدن بیشتر بود و خرابی زیاده از حد رسانید و بسیاری را هلاک کرد.

اروپا — (اسپانیول) جریان سیلهای عظیم و بارانهای متوالی در اندلس که سور اغلب بلاد سرحدی را خراب کرد، و پل سراكوس را آب برد^۱ و بعدها خرابیها را مبدل به عمارت و استحکام نمودند.

افریقا — غلبه اعراب افریقا بر جزیره سیسیل.

[سنه ۲۱۳ هجری = سنه ۸۲۸ مسیحی]

آسیا — دادن مأمون ولایت جزیره و ثغور و عواصم (سرحدات) را به پسر خود عباس و ولایت شام و مصر را به ابی اسحق المعتصم برادر خود و ولایت سند را به غسان بن عباد. وفات ابراهیم موصلی مغنی که کوفی بود به موصل رفت و برگشت، بعد مردم او را موصلی گفتند. فوت علی بن جبلة شاعر، و ابو عبد الرحمن مقرئ محدث، وفات طلحة بن طاهر به خراسان.

افریقا — طغیان اهل مصر که معتصم به این مملکت آمده بعد از مقاتله بر طاعیان غالب آمد و فتنه را خوابانید، وفات ابو محمد بن هشام بن ایوب الحمیری دز مصر که مؤلف تاریخ حضرت رشول (ص) موسوم به سیرت ابن هشام است.

[سنه ۲۱۴ هجری = سنه ۸۲۹ مسیحی]

آسیا — کشته شدن محمد بن حمید طوسی به دست اصحاب بابک خرمی و مامور کردن مأمون عبد الله بن طاهر را به جنگ بابک، دادن مأمون ولایت خراسان را به عبد الله بن

۱. عبارت کامل این است: «و خربت قنطرة سرّسطه».

طاهر، ولایت علی بن هشام در جبل و قم و اصفهان و آذربایجان، آمدن ابودلف از اصحاب امین نزد مأمون و پذیرفتن مأمون او را با اکرام، و ابودلف پیش از این زیاده از حد از مأمون خائف بود.

افریقا - وفات ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام در مغرب که بعد از او محمد بن ادریس پسرش در فاس و تبر بروجای او برقرار شد، و برادر خود قاسم بن ادریس را در طنجه و مضافات ولایت داد، و برادر دیگر خود عمر را والی صنهاجه و غماره کرد، و داود برادر دیگر را حکومت هواره با سلیب داد و یحیی برادر دیگر او والی شهر دانی (دای) و مضافات گردید، وفات ابوعاصم بن مخلد شیبانی که در فن حدیث امام بود.^۱

[سنه ۲۱۵ هجری = سنه ۸۳۰ مسیحی]

آسیا - وفات ابوسلیمان الدارانی الزاهد در داریا، و مکی بن ابراهیم البلخی از مشایخ بخاری، و ابوسعید التحوی اللغوی، وفات ابوسعید اصمعی لغوی بصری و بعضی وفات او را در سال دو یست و شانزده و برخی در دو یست و هفده نوشته اند و اسم اصمعی عبدالملک بن قریب بن عبدالملک بن صالح، و عمرش هشتاد و هشت سال بود و نسبت اصمعی به اصمع جد او است و در اخبار و نوادر و لغت امام و صاحب تصانیف کثیره است.

اروپا - راندن مأمون به بلاد رومیه الصغری و منازعه مابین عساکر اسلام و قشون قسطنطنیه و منشاء این نزاع این بود که یکنفر از معمارهای معروف را که از اهل تسالی و در جزو خدام امپراطور قسطنطنیه بود خلیفه بجهة بنای بعضی ابنیه احضار کرد امپراطور از فرستادن او مضایقه نمود لهذا جنگ در گرفت.

[سنه ۲۱۶ هجری = سنه ۸۳۱ مسیحی]

آسیا - رفتن مأمون به بلاد رومیه الصغری و فتح کردن حصون چند که از جمله هراکله

۱. عبارت کامل این است: «وفیها توفی ابوهاشم النبیل واسمه ضحاک بن محمد الشیبانی».

(هرقله) بُود و کشتن بسیاری از رومیها را و مراجعت کردن به دمشق که بعدها به واسطه ظهور عبدوس فهری در مصر در ماه ذیحجه از دمشق به مصر رفت، وفات امّ جعفر زبیده مادر امین در بغداد، ولایت عمران بن موسی العتّکی در سند.

[سنه ۲۱۷ هجری = سنه ۸۳۲ مسیحی]

آسیا — مراجعت مامون از مصر به شام بعد از آنکه در مصر عبدوس فهری را گردن زده بود. کشتن مامون علی بن هشام را که حاکم آذربایجان بُود و ظلم زیاد می کرد و آخر الامر می خواست به بابک خرمی ملحق شود، رفتن مامون به بلاد رومیّه الصّغری و اقامت کردن یکصد روز در لؤلؤة، و بازگشتن و فرستادن امپراطور قسطنطنیه نزد مأمون و طلب صلح کردن که کار مصالحه به انجام نرسید.

[سنه ۲۱۸ هجری = سنه ۸۳۳ مسیحی]

آسیا — وفات مامون در هیجدهم رجب در ساحل نهر بندنون در چهل و هشت سالگی که مدت خلافتش بیست و چهار سال و پنج ماه و بیست و سه روز بُود غیر از ایّامی که امین در بغداد محصور بود و مردم دعوت به خلافت و بیعت با مأمون می شدند، چون مامون درگذشت معتصم و عبّاس بن مأمون نعش او را به طرسوس آورده در خانه جلعان (خاقان) خادم رشید دفن کردند، خلافت ابواسحق محمّد معتصم برادر مأمون که هشتمین خلیفه عبّاسی است، و بیعت کردن عبّاس بن مأمون با او که این فقره سبب اتفاق مردم به تبعیت او گردید، مراجعت معتصم و عبّاس بن مامون به بغداد، وفات بشر بن غیاث الثّریسی، خراب کردن معتصم شهر طوانه را که مأمون امر به بنای آن نموده بود، داخل شدن جمعی از اهل جبال و همدان و اصفهان و ماسبذان و غیرها در دین خرمیه و فرستادن معتصم قشونی به همراهی اسحق بن ابراهیم بن مصعب به دفع خرمیه، و دادن حکمرانی جبال را به اسحق و کشته شدن شصت هزار نفر از خرمیه به دست عسا کر مزبوره و فرار کردن باقی به بلاد رومیّه الصّغری.

[سنه ۲۱۹ هجری = سنه ۸۳۴ مسیحی]

آسیا — چون بنی عبّاس اصرار داشتند که عقیده قول به خلق قران را در میان مردم شایع

کنند و علمارادراین عقیده امتحان می نمودند در این سال معتصم احمد بن حنبل را احضار کرد و از او این مسئله را سؤال نمود او اقرار به خلق قرآن نکرد لهذا معتصم او را تازیانه زیادی زده قید و حبس نمود. وفات ابونعیم فضل تمیمی از مشایخ بخاری و مسلم که شیعی مذهب بود، ظهور محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام در طالقان که مردم را به امام محمد تقی علیه السلام دعوت می کرد، و قبول کردن جمیع کثیری او را به امامت و محاربه های او با سرکرده های عبدالله بن طاهر که آخر الامر به نسا فرار کرده حاکم نسا او را بگیرفت و نزد عبدالله بن طاهر فرستاد، و طاهر او را نزد معتصم روانه نمود، معتصم او را حبس کرد و او در شب عید فطر از محبس فرار نمود، مأمور کردن معتصم عجبیف بن عبسه را به محاربه زط که بر راه بصره غلبه نموده بودند و کشتن بسیاری از آنها را، آمدن اسحق بن ابراهیم به بغداد با اسرای خرمیه، گویند اسحق صد هزار نفر از اینطایفه را بکشت سوای نسوان و اطفال.

[سنه ۲۲۰ هجری = سنه ۸۳۵ مسیحی]

آسیا — ساختن معتصم شهر سامرا (سرمین را) را در پنجاه هزار متری بغداد، گرفتن معتصم وزیر خود فضل بن مروان را که مُسلط بر کارها شده و دخلی به معتصم نمی داد، و برقرار کردن معتصم محمد بن عبدالملک زیات را به جای او، ارتحال حضرت امام محمد تقی علیه السلام در بیست و پنج سالگی در ماه ذیحجه، گرفتن طایفه زط را و آوردن به بغداد، مأمور کردن معتصم افشین خیزر بن کاوس^۱ را به جنگ بابک خرمی و دادن حکومت جبال را به او و کشتن افشین جمع کثیری از اتباع بابک را و گریختن بابک به مغان، وفات فتح موصلی زاهد که او را از اولیا و اجواد شمرده اند.

[سنه ۲۲۱ هجری = سنه ۸۳۵ مسیحی]

آسیا — منهزم کردن بابک خرمی بغاء کبیر را که از جانب خلیفه تهیه و آذوقه برای عساکر افشین آورده بود و منهزم کردن افشین بابک را، وفات آدم بن ابی ایاس (الیاس) عسقلانی از مشایخ بخاری.

۱. خیزر بر وزن حیدر باخاء و ذال می باشد (مؤلف)

افریقا — وفات احمد بن محرز قاضی قیروان که از علمای عاملین زاهدین بود.

[سنه ۲۲۲ هجری = سنه ۸۳۶ مسیحی]

آسیا — فرستادن معتصم جعفر خیاط را به کمک افشین باتهیّه و آذوقه گرفتن بَد شهر بابک را و گرفتار شدن بابک و عبدالله برادر او بعد از جنگهای سخت و نوشتن افشین گرفتاری بابک و برادر او را به معتصم و امر کردن معتصم به آوردن آن دورا بسامرا، نمودار شدن ذوذنبی که ذنب او بسیار طویل بود.

اروپا — (اسپانیول) استیلای عبدالرحمن دویم پادشاه اسپانیول بر شهر طلیله از مداین اندلس بعد از آنکه مدّتی در حال عصیان بودند و جنگها با عساكر عبدالرحمن نمودند. (رومیة الصّغری) تئوفیل امپراطور قسطنطنیه طرف شرقی اناطولی را که در تصرف خلیفه بود قتل و غارت نمود.



[سنه ۲۲۳ هجری = سنه ۸۳۷ مسیحی]

آسیا — آوردن افشین بابک خرمی و برادر او را به سامرا و کشتن بابک را به حکم معتصم که سراو را به خراسان فرستادند و جسد او را در سامرا بردار زدند، و معتصم حکم کرد عبدالله برادر بابک را به بغداد نزد اسحق بن ابراهیم بردند و با او همان کردند که بابابک نمودند و افشین در وقتی که بابابک از معسکر خود به طرف سامرا می آمد در هر منزل خلعتی و اسبی از خلیفه به افشین می رسید، و مخارج ایام جنگ افشین بابابک در روزیکه سوار می شد ده هزار درهم و در روزیکه سوار نمیشد پنج هزار درهم بود و عده اشخاصی که در ظرف بیست سال به دست اتباع بابک کشته شدند به دو یست و پنجاه و پنج هزار و پانصد نفر رسید و افشین به عطایای وافر و دوحمایل جواهر از جانب خلیفه بهره مند شده حکمرانی مند یافت، نهضت معتصم با عساكر جرّار برای انتقام کشدن از تئوفیل امپراطور قسطنطنیه در بیست و هشتم جمادی الاولی و رفتن به طرف عموریّه و سوختن و خراب کردن آبادانیهای رومیهارا و رسیدن به عموریّه در بیست و ششم رمضان و نصب کردن منجنیقها برای فتح این شهر و قتال شدید و خراب کردن چند موضع از سور شهر را بامنجنیق و وُرود کردن به شهر و نهب و قتل زیاد و امر کردن معتصم به خراب کردن ابنیه شهر و مدّت اقامت معتصم در عموریّه پنجاه و پنج روز بود، بعد مراجعت بسرحدات نمود و در بین

راه شنید که جماعتی از سرکرده‌ها باعباس بن مأمون بیعت نموده قصد خلع معتصم را دارند معتصم عباس را احضار کرده او را بگرفت و به افشین خیزر بن کاوس تسلیم کرد چون به منبج رسیدند عباس غذا خورد و او را از آب منع کردند تا او در منبج مرد و معتصم به سامرا آمد.

افریقا — مردن زیاده الله بن ابراهیم بن اغلب پادشاه افریقیه و برقرار شدن برادرش ابوعقال^۱ الاغلب بن ابراهیم الاغلب به جای او.

[سنه ۲۲۴ هجری = سنه ۸۳۸ مسیحی]

آسیا — اظهار خلاف کردن مازیار بن قارن بن ونداد هُرمز حکمران طبرستان با معتصم و محاربه عبدالله بن طاهر با او، ولایت عبدالله بن السید بن انس ازدی در موصل و مامور شدن به دفع اکرادیکه در این ولایت طغیان کرده بودند، ولایت جعفر بن دینار در یمن، وفات ابراهیم بن مهدی در رمضان، وفات ابوعبید القاسم بن سلام امام اللغوی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

[سنه ۲۲۵ هجری = سنه ۸۳۹ مسیحی]

آسیا — آوردن مازیار را به سامرا و حبس کردن او و اعتراف نمودن مازیار به اینکه افشین با او مکاتبه نموده و او را بر مخالفت ترغیب کرده که بعدها چهارصد و پنجاه تازیانه به او زدند و او پس از تازیانه آب طلبیده خورد و بمرد، غضب کردن معتصم بر افشین و حبس نمودن او، وفات ابو ذلف عجلی که اسم او قاسم بن عیسی بود، وفات علی بن محمد المدائنی^۲ مشهور صاحب تصانیف در مغازی و سیر.

[سنه ۲۲۶ هجری = سنه ۸۴۰ مسیحی]

آسیا — مردن افشین در حبس معتصم و بیرون آوردن جسد او را از محبس و به دار زدن و سوزانیدن، زلزله شدید در اهواز که پنج روز طول کشید و در حین زلزله باد سخت

۱. کامل: ابوعقان الاغلب بن ابراهیم بن الاغلب.

۲. کامل: علی بن محمد بن عبدالله المدائنی.

می وزید، وفات ابو هذیل محمد بن هذیل بن عبدالله العلاف البصری شیخ معتزله که زیاده از صد سال داشت.

افریقا — وفات ابوعقال الاغلب بن ابراهیم اغلب که برادرش ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن اغلب به جای او برقرار گردید، و مدت حکمرانی ابوعقال در افریقیه دو سال و نه ماه بود.

[سنه ۲۲۷ هجری = سنه ۸۴۲ مسیحی]

آسیا — وفات ابواسحق محمد المعتصم بن هارون الرشید در هیجدهم ربیع الاول در سامرا و مدت خلافت معتصم هشت سال و هشتماه دو روز و مدت عمرش سی و دو سال بود، خلافت الواثق بالله هارون بن معتصم نهمین خلیفه عباسی و مادر الواثق ام ولد رومیّه و مسماة به قراطیس می باشد، طغیان طایفه قیسیه در دمشق و محصور نمودن حکمران خود را و فرستادن الواثق رجاء بن ایوب را بالشکری به دفع آنها و جنگ کردن رجاء با آنها در مرج راهط که هزار و پانصد نفر از آنها را بکشت و باقی فرار کردند و امنیت در دمشق دایر گردید، وفات بشر بن حارث زاهد معروف به حافی در ربیع الاول، رفتن رجاء بن ایوب از دمشق به فلسطین به جنگ مبرقع که در اینجا خروج کرده بود و کشتن بیست هزار نفر از اصحاب او و گرفتن او را و فرستادن به سامرا، ابتدای برقرار کردن بنی عباس قراول ترک برای خود.

اروپا — (قسطنطنیه) امپراطور ثوفیل بعد از شکست از عساکر اسلام در اطاکی رفته از آن اطاق بیرون نیامد و ترک اکل و شرب نمود تا بمرد، بعد از او زوجه اوتا در (بدوره) به نیابت پسر صغیر خود که موسوم به میشل (میخائیل) بن ثوفیل بود به سلطنت پرداخت (لهستان) پیزانامی به سلطنت این مملکت منتخب گردید.

[سنه ۲۲۸ هجری = سنه ۸۴۲ مسیحی]

آسیا — اعطای الواثق بالله به شناس یک تاج و دو حمایل، قحط و غلای نان و آب در راه مکه و بروز سرمای سخت در موقف حج بعد از شدت گرما غفله، سقوط قطعه ای از جبل در جمره عقبه و هلاک شدن چند تن از حجاج، وفات عبدالملک بن عبدالعزیز ابونصر

تمّار زاهد، و محمد بن عبدالله بن عمرو بن معاوية بن عمرو بن عتبة بن ابي سفيان العتبي الاموي البصري و ابو عبد الرحمن که عالم به اخبار بود، و ابوسليمان داود اشقر التمسار المحدث، وفات ابوتمام حبيب بن اوس الطائي الشاعر.

[اروپا - محاربه موسى بن موسى عامل شهر تپيله با عساكر عبد الرحمن دويم پادشاه اندلس به سرداري حارث بن بزيغ و مغلوب شدن موسى که از جانب عبد الرحمن امان يافته والي شهر تپيله گرديد.

افريقا - فتح کردن عساكر اسلام چند محل از جزيره صقليه را و امير صقليه محمد بن عبدالله بن اغلب و ساكن در شهر بلزم از صقليه بود و خود از اين شهر بيرون نمي آمد ولي لشكر به اطراف ميفرستاد آنها فتح مي كردند و غنايم مي آوردند، و نوزده سال محمد بن عبدالله بن اغلب امارت داشت تا در رجب سنه دو يست و سي و هفت درگذشت.

[سنه ۲۲۹ هجري = سنه ۸۴۳ مسيحي]

آسيا - حبس کردن الواثق بالله كُتاب و مستوفيهاي خود را که جريمه زيادي از آنها بگرفت، ولايت شير پاسبان در [يمن]،^۱ ولايت محمد بن صالح بن عباس در مدينه، وفات خلف بن هشام البزاز^۲ المقرئ.

[سنه ۲۳۰ هجري = سنه ۸۴۴ مسيحي]

آسيا - فرستادن الواثق بغا كبير (سردار طلايه) را به دفع اعراب بنی سُليم که در نواحی مدينه به نهب پرداخته و جمعی از طایفه بنی مانه را کشته و سپاه محمد بن صالح حاکم مدينه را نیز منهزم ساخته بودند و مقهور ساختن آنها را و بنی هلال را، وفات عبدالله بن طاهر ذواليمينين حکمران خراسان که علاوه بر اين ولايت، امارت حرب و سپاه وری و طبرستان و کرمان و مضافات آنها نیز با او بود،^۳ و عبدالله در نيشابور در ربيع الأول

۱. کامل: عبد الملك بن ملوک بن عبد العزيز...

۲. عبارت کامل این است «وفیها ولی شیر پاسبان لإیتاخ الیمن» در نسخه بدل «شیر بامیان».

۳. کامل: البزاز.

۴. عبارت کامل این است: «وهو امیر خراسان، و کان الیه الحرب، و الشرطه، و السواد، و الرّی، و طبرستان، و کرمان، و خراسان، و ما یقتصل بها».

درگذشت و در این وقت خراج این اعمال چهل و هشت هزار هزار درهم بود، عمر عبدالله و همچنین عمر پدرش طاهر چهل و هشت سال و عبدالله ادیب و عالم و شاعر و جواد بود و پس از او الواثق پسرش طاهر بن عبدالله را به جای او بر اعمالی که داشت عامل کرد، فوت اشناس ترکی نه روز بعد از فوت عبدالله، وفات محمد بن سعد بن منیع ابو عبدالله کاتب واقدی صاحب طبقات و محمد بن یزداد بن سوید المروزی کاتب مامون و علی بن الجعد ابوالحسن الجوهری از مشایخ بخاری که شیعی بود.

اروپا — پادشاه طایفه بلغار موسوم به بُغری دین مسیح را اختیار نمود. (اسپانیول) مجوس از اقاصی بلاد اندلس از روی دریا حمله بر بلاد مسلمین نموده جنگها کردند و آنها را شکست داده تا رسیدند به اشبیلیه، در اینجا عساكر عبدالرحمن دویم به اتفاق مسلمین مجوس را منهزم و بسیاری از آنها را بکشتند و چهار فروند از سفاین آنها بگرفتند بقیه السیف در کشتیهای خود نشسته فرار کردند.



[سنه ۲۳۱ هجری = سنه ۸۴۵ مسیحی]

آسیا — خروج احمد بن نصر بن مالک بن هشام خزاعی که جدش مالک یکی از نقبای بنی عباس بود، چون احمد مذکور قائل به خلق قرآن نبود از الواثق و کسانی که قائل به خلق قرآن بودند بد می گفت، بالجمله جمعی بر ضد الواثق با او بیعت کردند و او علم داعیه افراشت، اسحق بن ابراهیم سردار قشون خلیفه چون غائب بود برادر و نایب او محمد بن ابراهیم احمد و تبعه او را گرفته به سامرا فرستاد و الواثق سراورا بریده به بغداد فرستاد و در محلی نصب کردند، ولایت جعفر بن دینار در یمن، نقب زدن دزدان به بیت المال که در دارالعامه بود و دستگیر شدن آنها، آمدن و صیف ترکی از نواحی اصفهان و جبال و فارس با پانصد نفر به عراق عرب به طلب اکرادیکه در نواحی مزبوره فتنه کرده بودند، و اعطای الواثق به و صیف هفتاد و پنج هزار دینار با یک قبضه شمشیر، وفات مخارق مغنی و ابو یعقوب یوسف بن یحیی بویطی فقیه (بویط قریه ایست در مصر) وفات محمد بن زیاد معروف به ابن اعرابی کوفی صاحب اللغة که پدر او بنده سندی و خود صاحب مصنفات ممتاز بود، وفات دختر حضرت موسی بن جعفر (ع) که مکئات به ام ابیها بود.

اروپا — طایفه پلیسی که در رومیه الکبری ساکن و پیرو مذهب مجوس بودند چون قبول

دین مسیح نمیکردند به حکم امپراطریس تاؤر صد هزار نفر از آنها مقتول شدند، (رومیه الصغری) تاختن عساکر اسلام بر بلاد این مملکت و غلبه کردن و گرفتن غنائم بسیار (اسپانیول) ایجاد چاپارخانه در اندلس به حکم عبدالرحمن دوم.

افریقا — محاربه مابین احمد بن اغلب و برادرش محمد بن اغلب در افریقیه و غلبه محمد بر احمد و نفی او از مملکت به طرف بلاد مشرق و استقرار امارت محمد و فوت احمد در عراق.

[سنه ۲۳۲ هجری = سنه ۸۴۶ مسیحی]

آسیا — مامور شدن بغاء کبیر از جانب الواثق به دفع طایفه بنی نمیر که در حدود حجاز و یمامه فتنه نموده بودند و غلبه بغاء بر آنها، وفات الواثق بالله ابو جعفر هارون بن محمد المعتصم بالله در بیست و چهارم ذیحجه به مرض استسقا، گویند اطباء در معالجه الواثق گفتند در تنور گرم نشیند چون چنین کرد بهبودی در خود دید، روز دیگر تنور را گرمتر کرد و بیشتر از روز پیش در تنور نشست تب عارض اوشده و به زودی در گذشت و در هارونی در راه مکه مدفون شده مدت خلافتش پنجاه سال و نه ماه و کسری و عمرش سی و دو یا سی و شش سال، خلافت متوکل جعفر بن معتصم دهمین خلیفه عباسی که در این وقت بیست و شش ساله بود، ولایت ابراهیم بن محمد بن مصعب در فارس، تنگی آب در راه مکه و مردن بسیاری از حاج از تشنگی و رسیدن قیمت آب جرعه ای به چند دینار، غرق و هلاکت بسیاری از اهل موصول در آب به جهة طغیان دجله که بسیاری از ابنیه را آب خراب کرد و صد هزار نفس به هلاکت رسید.

اروپا — (اسپانیول) خشکسالی و مجاعت سخت در اسپانیول که جمعی کثیر هلاک شدند، (ایتالیا) لئون چهارم در رم بپایت منصوب گردید، سفاین اعراب تا حوالی رم راند.

افریقا — ملخ خوارگی در مغرب و مهاجرت اغلب مسلمانان به سمت عربستان.

[سنه ۲۳۳ هجری = سنه ۸۴۷ مسیحی]

آسیا — گرفتن متوکل در ماه صفر محمد بن عبدالملک الزیات وزیر الواثق را، و حبس

کردن و اخذ نمودن جمیع اموال او را و او را انداخت در تنور تنگی که اطراف آن میخهای آهن کوبیده بود و در تنور ماند تا در نوزدهم ربیع الاول در گذشت، و این تنور را خود ابن زبایات ساخته و ابن اسباط مصری را در آن عذاب نموده و اموال او را از او گرفته، دادن متوکل ولایت حرمین و یمن را به پسر خود منتصر، غضب کردن متوکل بر بعضی از ارکان دولت واثق زیرا که در عهد واثق اهانت متوکل که مغضوب واثق بودند نموده بودند و گرفتن اموال آنها، عزل فضل بن مروان از دیوان خراج، و نصب یحیی بن خاقان خراسانی از موالی ازد به جای او، تفویض دیوان زمام نفقات به ابراهیم بن عباس بن محمد بن صول، وفات ابوزکریا یحیی بن معین بن عون بن زیاد بن بسطام مری بغدادی که با احمد بن حنبل مصاحبت و صحبت تامی داشت.

[سنه ۲۳۴ هجری = سنه ۸۴۸ مسیحی]

آسیا — فرار محمد بن بُعَیْث بن جلیس از سامرا به آذربایجان که او را از آذربایجان به اسیری به سامرا آورده بودند، بالجمله ابن بُعَیْث در شهر مرند که مسکن او بود و حصنی حصین و عیون و بساتین بسیار در داخل بلد داشت متحصن شده جمعی دورا و جمع شدند، عزل کردن متوکل محمد بن حاتم بن هرثمه والی آذربایجان را که در کار ابن بُعَیْث بی کفایتی کرده بود و نصب حمدویه بن علی بن فضل سعدی^۱ به جای او که حمدویه مرند را محاصره نمود و پس از کوشش زیاد به تمهید بغالشرابی حصار مفتوح و ابن بُعَیْث پس از فرار گرفتار شد، وفات محمد بن مبشر از معتزله بغدادی، و ابوجشیمه^۲ زهرالمحدث، و علی بن عبدالله بن جعفر معروف به ابن مدینی حافظ، و ابویوب سلیمان بن داود بن بشیر المقری البصری.

[سنه ۲۳۵ هجری = سنه ۸۴۹ مسیحی]

آسیا — شخصی موسوم به محمد بن فرج در سامرا ظهور کرده ادعای نبوت نمود، و خود را ذوالقرنین دانست، و هفده نفر تبعیت او را قبول کرده ملازمان خلیفه آنها را بگرفتند و

۱. در متن کتاب «ستدی» با مطابقه با کامل به «سعدی» تصحیح شد.

۲. کامل: ابوجشیمه زهیر بن حرب... وکان حافظا للحديث.

محمود را به ضرب تازیانه بکشته اصحابش را حبس نمودند، وفات حسن بن سهل در نود سالگی، وفات اسحق بن ابراهیم موصلی مغنی مشهور، وفات عبدالسلام بن رغبان شاعر مشهور معروف به دیک الجن در هفتاد و چند سالگی.

اروپا - وقوع سیل عظیم در بلاد اندلس که خرابی زیاد نمود.

[سنه ۲۳۶ هجری = سنه ۸۵۰ مسیحی]

آسیا - امر کردن متوکل به خراب کردن قبر مطهر حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام و هدم ابنیه که در حوالی آن قبر منور بود و منع کردن مردم را از زیارت حضرت ابی عبدالله (ع) صاحب کامل التواریخ و ابوالفدا و غیره گویند متوکل را بغض شدیدی با علی بن ابیطالب علیه السلام و اهل بیت آنحضرت بود و یکی از ندمای متوکل عبادة المختث بود که در مجلس متوکل حرکات شنیع می کرد و حرفهای ناسزا نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام میزد و متوکل شراب می خورد و می خندید، روزی منتصر در چنین مجلسی حاضر بود چون عبادة مختث زبان به سخنان نالایق گشود منتصر به متوکل گفت علی (ع) پسر عم تست تو خود اگر گوشت او را بخوای بخوری بخور اما او را بر سر زبان این سگ (عبادة مختث) و امثال او مینداز، متوکل روی خود به آوازه خوانها کرده گفت بخوانید، خلاصه اکثر مجالست متوکل بادشمنان علی بن ابیطالب بود و مذمت کردن او از آنحضرت حسنات او را پوشید و الا سیره احسن خلفا بود انتهى.

وفات منصور بن مهدی، مسموم کردن محمد بن ابراهیم بن مصعب را با مرمتوکل، مردن ابوسعید محمد بن یوسف مروزی که متوکل حکومت ارمنیه و آذربایجان را به اسم او کرده بود و پس از او این حکومت بر پسر او یوسف مقرر آمد، وفات ابراهیم بن محمد الشافعی.

[سنه ۲۳۷ هجری = سنه ۸۵۱ مسیحی]

آسیا - شورش اهل ارمنیه بر عامل خود یوسف بن محمد که او را به قتل رسانیدند و مامور شدن بغاء کبیر به خونخواهی یوسف که در ارمنیه قتل و غارت شدید نمود و تفلیس را

محاصره کرد، ظهور آتش عظیم در عسقلان، غضب کردن متوکل بر احمد بن ابی داود^۱ و ضبط اموال و حبس اولاد او، غلبه کردن مردی از اهل بست موسوم به صالح بن نصر کنانی بر سجستان، و صالح بایعقوب بن لیث متفق بود، طاهر بن عبدالله بن طاهر حکمران خراسان سجستان را از تصرف صالح بیرون آورد پس از آن درهم بن حسین از متطوعه بر سجستان غلبه کرد و چون از تدبیر ملکی و لشکرکشی بی خبر بود و یعقوب بن لیث در سیاست مَدَن بصیرت کامل داشت امر را به یعقوب واگذار کرد، و یعقوب مستقل شده رُوَز بروز بر ضبط بلاد و قوت خود افزود. و رُوَز محمد بن عبدالله بن طاهر به بغداد و دادن متوکل امر جزیه و عسکر و نیابت خود را در بغداد به او به علاوه ولایت سودان^۲، وفات حاتم بن اضم زاهد بلخی معروف به تصوف، تجارت اعراب با چین بحدیست که در بند رکانتن که در سمت جنوبست تجار عرب بیشتر از ملل دیگر دیده می شوند، دو نفر از مسافرین بحر پیمای عرب، وهاب و ابوسعید مدت بیست و پنج سال در دریای چین و براری این مملکت سیاحت نموده انکشاف عرق (جوهر شراب) و چای و ظرف چینی را آنها کرده و در میان اعراب متداول نموده اند، ایالت شمالی چین را ختای می گفتند و چون چای درین ولایت می روید معروف به چای ختائی شد و ایالات جنوبی چین را صین می نامیدند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

اروپا — تاختن عساكر اسلام بر بلاد نصاری و غلبه بر آنها که این واقعه در اندلس معروف به وقعة البیضاء گردید.

افریقا — وفات محمد بن عبدالله امیر صقلیه و برقرار شدن عباس بن فضل بن یعقوب فزاره به جای او که فتوحات بسیار در آن حدود کرد، و محمد بن اغلب والی افریقیه حکومت او را امضاء نمود و فرمان برای او فرستاد و در این سنه شهر قَضْرِیَّانَه را که پیش از اینها دارالملک صقلیه بود فتح کرد و در او مسجدی ساخت و منبری نصب نمود و نماز جمعه کرد و یازده سال حکمرانی داشت تا درگذشت.

۱. کامل: احمد بن ابی دؤاد.

۲. ولایت سودان غلط است و بی تردید سهو کاتب است عبارت کامل این است: «وفیها قدم محمد بن عبدالله بن طاهر من خراسان فی ربيع الاول فولی الحربة والشرطة، و خلافة المتوکل ببغداد، و اعمال السواد و اقام بها.

[سنه ۲۳۸ هجرى = سنه ۸۵۲ مسیحى]

آسیا - گرفتن زیرک ترکی شهر تفلیس را و آتش زدن شهر که پنجاه هزار نفر بسوختند، و اسحق بن اسمعیل بزرگ بنی امیه که به محاربه زیرک اقدام نموده بود، گرفتار شده به حکم بغاء کبیر کشته شد، وفات اسحق بن ابراهیم حنظلی معروف به راهویه، از علمای بزرگ و فوت محمد بن بکار المحدث.

اروپا - (اسپانیول) وفات عبدالرحمن دویم حکمران اندلس در ربیع الاخر و او مردی ادیب و شاعر و بلند همت بود و چهل و پنج پسر و چهل و یک دختر از عبدالرحمن بماند و بعد از او به موجب ولایت عهد، محمد اول پسر او به جای او برقرار گردید، مدت حکمرانی عبدالرحمن دویم سی و یکسال و سه ماه بوده است، در این سال علی بن ازیاب سازنده معروف که در خدمت خلفای بغداد بود به تطمیع عبدالرحمن به اسپانیول آمد، طریقه مالکی که در اسپانیول رواج داشت در سلطنت محمد اول مبدل به طریقه حنبلی شد، (رم) لشون چهارم پاپ چون می ترسید که اعراب شهر رم را مفتوح سازند حصارى گرد یکی از محلات کشید و آن محله موسوم به شهر لئونیم شد.

افریقا - جمعی کثیر از رومیها بفته به مصر ورود نموده بنای حرق و نهب و اسر را گذاشتند و تقریباً شصده نفر زن اسیر کرده و در سفاین خود جاداده از راه دریا بازگشتند.

[سنه ۲۳۹ هجرى = سنه ۸۵۳ مسیحى]

آسیا - امر کردن متوکل به خراب نمودن کلیساهائیکه در بلاد اسلام ساخته بودند و پوشیدن اهل ذمه بر روی قبا و دودراعه عسلی و نهی کردن آنها را از سواری اسب و یابو، وفات محمد بن غیلان مروزی از مشایخ بخاری و مسلم.

اروپا - نزول عساکر اسلام در حوالی قسطنطنیه.

[سنه ۲۴۰ هجرى = سنه ۸۵۴ مسیحى]

آسیا - شوریدن اهل حمص بر عامل خود ابوالمغیث موسی بن ابراهیم الرافعی که او را و

عامل خراج را نیز اخراج کردند، و متوکل عتاب بن عتاب و محمد بن عبّاد و یه الانباری را به جای آن دو نفر به حمص فرستاد، اهل حمص به حکومت عبّاد و یه راضی شدند و چون محمد مسلط شد بر حمصیها سخت گرفت تا به جنگ با او برخاستند، عزل کردن متوکل یحیی بن اکثم را از قضاوت و ضبط کردن معادل هفتاد و پنج هزار دینار از اموال او و چهل هزار جریب از اراضی و املاک او در بصره و قاضی القضاة نمودن جعفر بن عبدالواحد بن جعفر بن سلیمان بن علی را، وفات محمد پسر شافعی که مکتبی به ابو عثمان و قاضی جزیره بود و شافعی پسر دیگر داشت که او نیز موسوم به محمد بود و در سنه دو یست و سی و یک در مصر وفات کرد. وفات ابو ثور ابراهیم بن خالد بن ابی الیمان الکلبی فقیه بغدادی مصاحب امام شافعی.

اروپا - (اسپانیول) محاربه شدید فیما بین اهل فرنگ و مسلمین در اندلس که عدد مقتولین از دو جانب به بیست هزار نفر رسید و عاقبت از حسن کفایت محمد اول پادشاه اسپانیول مسلمین غالب آمدند.



[سنه ۲۴۱ هجری = سنه ۸۵۵ مسیحی]

آسیا - شورش حمصیها بر عامل خود محمد بن عبّاد و یه و همدستی نصاری با آنها، و کمک فرستادن متوکل برای محمد بن عبّاد و یه و غلبه او بر حمصیها و هلاک نمودن بسیاری از آنها را، و اخراج کردن نصاری را از حمص و خراب نمودن کلیساهای ایشان را، نزول باران شدید در سامراء پیدا شدن ستاره بسیار در آسمان که احصای آن ممکن نبود، وقوع زلزله شدید در ری که خرابی بسیار نمود و خلق کثیری را تلف کرد و چهل روز امتداد داشت، وزیدن باد شدید از طرف ترکستان که از سرخس به نیشابور و همدان و ری و به حلوان رسید، وفات احمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس منسوب به معد بن عدنان در ربیع الاول.

افریقا - طغیان طایفه بجاة و غارت کردن بعضی اماکن مصر را، و این طایفه پیش از این با مسلمین صلح کرده و از منافع معادن طلای خود هر ساله سهمی به مسلمین می دادند، و از بلاد آنها تا خاک اسلام یکماه راه و مسلکی بسیار صعب داشت متوکل محمد بن عبداللّه قمی را به جنگ آنها مامور کرده او بر سلطان بجاة که علی بابانام داشت غلبه کرده، او امان خواست و متقبل ادای خراج چندین ساله گردید و با محمد بن عبداللّه قمی

نزد متوکل آمده مخلف شد و به بلاد خود بازگشت.

[سنه ۲۴۲ هجری = سنه ۸۵۶ مسیحی]

آسیا — زلزله شدید در قومس و شام و فارس و خراسان و یمن که در قومس از همه جا شدیدتر بود و تقریباً چهل و پنج هزار نفر از اهالی قومس را هلاک نمود، وفات قاضی یحیی بن اکثم تمیمی در ربه در مراجعت از مکه، وفات ابو حصین یحیی بن سلیم الرازی المحدث.

اروپا — رومیهای رومیة الصغری از ستمیسات که شهرست در کنار فرات شروع به قتل و غارت کرده تا ناحیه ارین که در نزدیکی قریه قریباس می باشد تاختند و تقریباً ده هزار نفر را اسیر کردند، متوکل علی بن یحیی ارمنی را به تدمیر آنها مامور نمود. (اسپانیول) فتح کردن محمد اول پادشاه اسپانیول قلاع و حصون کثیره را که غنائم بسیار به دست آوردند.

افریقا — وفات ابوالعباس محمد بن اغلب امیر افریقیه که بعد از او پسرش ابوالبراهیم احمد بن محمد امارت افریقیه یافت.

[سنه ۲۴۳ هجری = سنه ۸۵۷ مسیحی]

آسیا — حرکت کردن متوکل به عزم دمشق از راه موصل در ماه ذیقعده، وفات ابراهیم بن عباس بن محمد بن صول صولی که مردی ادیب و شاعر بود و حارث بن اسدالمحاسبی الزاهد.

اروپا — وفات شهید بن عیسی بن شهیدالاندلسی از علمای اندلس^۱.

[سنه ۲۴۴ مسیحی = سنه ۸۵۸ مسیحی]

آسیا — ورود متوکل در ماه صفر به دمشق که عزم اقامت درین شهر داشت ولی هوای دمشق بامزاج او سازگار نشده به سامرا بازگشت و مدت اقامت او در این بلد دو ماه و چند

۱. شهید بن عیسی بن شهید. نسخه بدل (حاشیه مؤلف) ضبط کامل موافق یا ضبط متن است.

روز بود، غضب کردن متوکل بر بختیشوع طبیب و ضبط اموال او و فرستادن او را به بحرین، کشتن متوکل ابو یوسف یعقوب بن اسحق معروف به ابن سکیت نحوی لغوی را به جرم اینکه پسران متوکل المعتز و المؤمنین را بر حسنین علیهما السلام ترجیح و تفضیل نداده^۱، هلاک جمعی کثیر از اهل خلاط از شنیدن صدای مهیبی در جو و نزول تگرگ شدید در عراق، خراب شدن تبریز از زلزله، در این سال عید اضحی و عید فطریهود و شعانین ناصری در یکروز اتفاق افتاد.

اروپا — در ایامیکه متوکل در دمشق بود بغاء کبیر را به جنگ رومیهای رومیة الصغری فرستاد و او صمله را فتح کرد.

[سنه ۲۴۵ هجری = سنه ۸۵۹ مسیحی]

آسیا — امر کردن متوکل به بنای جعفریه در محلی که موسوم به ماحوره بود^۲ و آن را متوکلیه نیز نامیدند و مخارج زیاد برای بنای جعفریه کرد و قصر بسیار رفیعی را در آن بساخت و آن را موسوم به لؤلؤة نمود، و در حوالی جعفریه امر به حفر نهری کرد و پیش از اینکه این نهر تمام شود متوکل کشته شد و امر نهر مختل ماند و جعفریه خراب شد، وقوع زلزله شدید در انطاکیه که زیاده از نود برج از قلعه انطاکیه خراب شد و خلق کثیری هلاک شدند و کوه اقرع از هم پاشیده به دریاریخت، در شام و مکه و لاذقیه و دیار جزیره و بلاد سرحدیه نیز زلزله سختی شد، وفات ابوتراب نخشبی صوفی.

اروپا — خروج مجوس از طرف دریا و وصول ایشان به اشبیلیه و نزول به جزیره، و سوزانیدن مسجد جامع، و امر کردن محمد اول پادشاه اسپانیول عساکر اسلام را به دفع و حرب آنها.

افریقا — زلزله شدید در مغرب، محاربه سخت بر بر با سپاه ابوابراهیم احمد بن محمد بن الأغلب، وفات ذوالنون مصری در ماه ذیقعده.

۱. در کامل این واقعه ذیل وقایع سال ۲۴۵ آمده است.

۲. کامل: ماحوره.

[سنه ۲۴۶ هجرى = سنه ۸۶۰ مسیحى]

آسیا — آمدن متوکل به جعفریه، باران شدید در بغداد که زیاده از بیست روز بیاید و درودیوار گیاه رویانید، باریدن خون از آسمان در یکی از کوچه های بلخ که معروف به سگة اللهاقین است و شکافتن زمین، فوت دغبل بن علی خزاعی شاعر شیعی مذهب ماح آل رسول علیهم السلام، وفات سری بن معاذ الشیبانی والی ری که فاضل و نیکوسیرت بود، فتح کردن عمرو بن عبدالله بن الاقطع حصار انطاکیه را.

اروپا — رفتن عمرو بن عبدالله بن الاقطع به جنگ رومیهای رومیه الصغری که هفده هزار سر و اسیر از آنها آورد و تا فریاس^۱ رانده پنج هزار نفر را دستگیر نمود.

[سنه ۲۴۷ هجرى = سنه ۸۶۱ مسیحى]

آسیا — کشته شدن متوکل به مواعده منتصر پسر اوباقواد لشکر و وصیف در شب چهارشنبه چهارم شوال و سبب قتل او این بود که بامنتصر پسر خود بدرفتاری کرده او را از ولیعهدی خلع نمود و به فتح بن خاقان که دیوان رسایل او را بود امر کرد که به اصفهان و بلاد جبل بنویسد که املاک و مزارع و صیف را که یکی از رؤسای لشکر بود ضبط کنند، خلاصه در شب مزبور در حالتیکه متوکل مست بود بر او داخل شدند و او را و فتح بن خاقان را و چند نفر از خواص خدمت خلیفه را بکشتند. مدت خلافت متوکل چهارده سال و ده ماه و سه روز، عمرش تقریباً چهل سال بود صبح چهارشنبه که در شب آن متوکل کشته شد مردم و سران سپاه در جعفریه (جعفری) جمع شده بامنتصر ابا جعفر محمد بن جعفر المتوکل که یازدهمین خلیفه عباسی است بیعت کردند، نیز بطلب معتز و مؤید فرستاده ایشانرا حاضر ساخته آنها هم بامنتصر بیعت کردند. وفات ابوعثمان بکر بن محمد المازنی نحوی از علمای بزرگ نحو.

اروپا — غلبه عساكر محمد اول پادشاه اسپانیول بر شهر شیلونه^۲ که از بلاد فرنگ است و گرفتن دو برج از برجهای این بلد، و کشتن بسیاری و دریافت غنیمت وافر.

۱. کامل: قریاس.

۲. کامل: برشلونه.

افریقا — وفات عباس امیر صقلیه و ولایت عبدالله بن عباس در صقلیه و ورود خفاجه بن سفیان از افریقیه به صقلیه و فتوحات او در این جزیره و هلاک شدن او به دست یکی از لشکریان خود و برداشتن مردم محمد بن خفاجه را به امارت صقلیه و امضاء کردن محمد بن احمد بن اغلب حکمران قیروان امارت ابن خفاجه را و او امیر صقلیه بود تا در سنه دو یست و پنجاه و هفت خواجه های او او را بکشتند.

[سنه ۲۴۸ هجری = سنه ۸۶۲ مسیحی]

آسیا — وفات منتصر در سامرا در روز یکشنبه پنجم ربیع الاول که مدت خلافتش ششماه و دو روز و مدت عمرش بیست و پنج سال و شش ماه بود، منتصر مردم را امر به زیارت مرقد حضرت سیدالشهداء علیه السلام نمود و علوین را که در عهد متوکل خائف بودند ایمن کرد، عقل و انصاف کاملی داشت، اتفاق بزرگان از قبیل بغاء کبیر و بغاء صغیر و رؤسای اتراک بر خلافت المستعین احمد بن محمد المعتصم به جهة اینکه با وجود کشتن متوکل میل به خلافت پسران او نداشتند و او دوازدهمین خلیفه عباسی بود و در این وقت بیست و هشت ساله و مکتبی به ابوالعباس بود، رسیدن خبر وفات طاهر بن عبدالله بن طاهر والی خراسان به المستعین، که محمد بن طاهر پسر او را المستعین ولایت خراسان داد، وفات بغاء کبیر که المستعین پسرش موسی بن بغار را به جای او برقرار کرد، حرکت کردن یعقوب بن لیث صفار از سجستان به جانب هرات، وفات محمد بن علاء همدانی از مشایخ بخاری و مسلم، ولایت محمد بن عبدالله بن طاهر در عراق که حکومت حرمین و فراشباهی گری خلیفه و معاونت امر سودان^۱ نیز او را شد.

اروپا — منتصر قبل از آنکه وفات کند وصیف ترکی را به محاربه رومیهای رومیه الصغری فرستاد.

[سنه ۲۴۹ هجری سنه ۲۶۲ مسیحی]

آسیا — شورش یکدسته لشکر معروف به شاگریه و عامه ناس در بغداد بر اتراک به سبب

۱. عبارت کامل این است: «وجعل الیه الحرمین، و الشرطة، و معاون السواد» (رجوع شود به حاشیه ذیل سال ۲۳۷).

استیلائی که اتراک به مسلمین بهمرسانیده بودند و هر خلیفه را که می خواستند می کشتند و هر کس را می خواستند به خلافت اختیار می کردند و مسلمین را دحلی درینکارها نمانده بود. برپاشدن فتنه ای در سامرا که عوام منشاء آن شده، در زندانهای خلیفه را باز کردند و محبوسین را رها نمودند اتراک بنشانیدن فتنه قیام نموده جمعی را کشتند تا نایره فساد منطفی شده، کشته شدن اتمامش ترکی به دست موالی و غارت کردن خانه او به سبب اینکه المستعین مادر خود را و اتمامش را و شاهک خادم را در بیوت اموال مطلق العنان کرده و سایرین ممنوع بودند، بعد از کشته شدن اتمامش المستعین اباصالح عبدالله بن یزدارا خلعت وزارت داد، وقوع زلزله شدید در ری که خرابی زیاد وارد آورد و جمع کشیری را هلاک کرد و بقیه مردم به خارج بلد فرار نمودند، نیز وقوع زلزله در قزوین و تبریز، وفات علی بن جهم شاعر.

اروپا — در این سال در میان رومیها و مسلمین در مرج الاسقف جنگ سختی روی داد و سردار عساکر اسلام عمر بن عبدالله بن اقطع که از شجاعان بود در این جنگ کشته شد و مسلمین منهزم شدند و جماعتی از ایشان کشته و رومیها ثغور جزیره را غارت کردند.

افریقا — وفات ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن الاغلب^۲ حکمران افریقته و برقرار شدن زیاده الله بن محمد مکتی به ابو محمد برادران ابو ابراهیم به جای او.

[سنه ۲۵۰ هجری = سنه ۸۶۴ مسیحی]

آسیا — ظهور یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام که مکتی به ابوالحسین بود در کوفه و اجتماع خلق کشیری دور او، و استیلا یافتن بر کوفه، و تهیه دیدن محمد بن عبدالله بن طاهر قتال بایحیی را، و کشته شدن یحیی در جنگ، و منهزم شدن اصحاب او، و کشته شدن بسیاری، و فرستادن محمد بن عبدالله بن طاهر سربحیی را برای المستعین، ظهور حسن بن زید بن محمد بن اسمعیل بن زید بن حسن بن حسن^۳ بن علی بن ابیطالب علیه السلام به طبرستان که

۱. کامل: محمد بن یزداد.

۲. کامل: ابو ابراهیم احمد بن محمد بن الاغلب.

۳. کامل: الحسن بن الحسین...

جمعی کثیر دور او جمع شده و استقلالی در این مملکت بهمرسانید، و موسوم به داعی الحق گردید و به حالت استیلا باقیماند تا در سنه دو یست و هشتاد و هفت کشته شد. و بعد از او پسرش الناصر الحسن بن علی به جای او استقرار یافت. شورش اهل حمص برفضل بن قارن عامل خود که برادر مازیار بود و کشتن او و فرستادن المستعین موسی بن بغاء کبیر را به جنگ آنها و منهزم شدن حمصیها و کشته شدن جماعتی کثیر و مفتوح شدن حمص و بسیاری از اماکن او را سوزانیدن، وفات خلیع شاعر که اسم او تحسین بن ضحاک بود.

افریقا — وفات زیاده الله بن محمد بن ابراهیم بن اغلب امیر افریقته که هیجده ماه امارت کرده بود و برقرار شدن پسر برادر او ابو عبد الله محمد بن احمد به جای او.

[سنه ۲۵۱ هجری = سنه ۸۶۵ مسیحی]

آسیا — اتفاق کردن بغاء صغیر و وصیف کشتن باغر ترکی و شورش اتراک بدین واسطه، و محاصره نمودن المستعین و بغاء و وصیف را در قصر سامرا و نشستن المستعین و بغا و وصیف در قایقی و فرار کردن آنها به بغداد، یاس و وحشت اتراک از المستعین، و بیرون آوردن المعتز بالله را از محبس، و بیعت نمودن با او، و متصرف شدن المعتز و مادر او اموالی را که در سامرا بود، و دادن آنها را به قشون، و فرستادن پنجاه هزار نفر عساکر ترک به سرداری برادر خود الموفق طلحه بن متوکل به بغداد به جنگ المستعین، و تحصن المستعین به بغداد، و ماندن المعتز به سامرا و المستعین به بغداد، که جنگهای سخت در میان آنها دایر بود، تا ارکان دولت در بغداد به خلع المستعین اتفاق کردند. مقاتله شدید محمد بن طاهر با حسن بن زید و منهزم شدن حسن، ظهور طالبیین در ری و در کوفه و در مکه که نسب آنها به حضرت علی بن ابیطالب می رسید، و تسعیر غله و ماکول در مکه به واسطه اغتشاشی که در این نواحی روداده بود، و کشته شدن هزار و صد نفر از حاج دولت بنی اخضر از شرفاء حجاز. وفات سری سقطی زاهد معروف به تصوف.

اروپا — (روس) رودریک (روریک) نام که از سواحل بالتیک با ایل خود به شهر نوگروژ آمده بود و بر طایفه اسلاو غلبه کرده ایل خود و طایفه اسلاو مغلوب را روس نامید و ابتدای تشکیل ملت روس در این سنه شد. (اسپانیول) غلبه عساکر محمد اول بر فرنگیها.

[سنه ۲۵۲ هجرى = سنه ۸۶۶ مسیحی]

آسیا — خلافت المعتز بالله بن متوکل سیزدهمین خلیفه عباسی که بعد از خلع المستعین در چهارم محرم در بغداد خطبه به اسم المعتز خواندند، و از جمیع اهل بغداد بیعت برای او گرفتند، و المستعین را به واسط بردند، و المعتز امر به قتل المستعین نمود، و به احمد بن طولون نوشت که کار او را تمام کند، احمد از کشتن المستعین ابا نمود و او را به قاتول برد و او را به حاجب یعنی سعید بن صالح تسلیم کرد و سعید او را زد تا مرد و سر او را برای المعتز فرستاد، مدت خلافت المستعین تا روز خلع او سه سال و نه ماه و کسری بود، داخل شدن رمله در تبعیت عیسی بن شیخ بن سلیمک^۱ از اولاد جساس بن مرة بن ذهل بن شیبان که در فتنه عراق شیخ مذکور بردمشق و اعمال آن غلبه کرده و اموالی را که از شام برای خلیفه می بردند تصاحب نمود و کار او بالا گرفته بود، وفات محمد بن بشار و محمد بن المثنی الزمن که هردو بصری و از مشایخ بخاری و مسلم بودند. شیوع فتنه و قحط و غلاد در بغداد که سبب آن جنگی بود که میان لشکر بغداد و اصحاب محمد بن عبدالله بن طاهر به جهة اخذ جیره و مواجب در گرفت، خلع کردن المعتز برادر خود المؤید را از ولایت عهد و مردن او در ماه رجب، ولایت عبدالعزیز بن ابی دلف العجلی در جبل از جانب وصیف، تاختن جستان حکمران دیلم به اتفاق عیسی بن احمد علوی و حسن بن احمد کوکبی به مرزری، و قتل و غارت این ولایت، و گریختن عبدالله بن عزیز^۲ حاکم ری و مصالحه کردن اهل ری با آنها به دادن دو هزار هزار درهم که آنها باز گشتند و ابن عزیز^۳ به ری مراجعت کرد.

[سنه ۲۵۳ هجرى = سنه ۸۶۷ مسیحی]

آسیا — عساکر المعتز جیره و مقرری چهار ماهه از وصیف خواستند جوابی نداد، آنها طغیان کرده بر سر وصیف ریختند و او را بکشتند، خلیفه اعمال و مشاغل او را به عهده بغاء شرابی موکول نمود. وفات محمد بن عبدالله بن طاهر بن الحسین و برقرار نمودن المعتز برادرش عبیدالله را به جای او، انتزاع نمودن عساکر خلیفه گرج را از دست

۱. کامل: عیسی بن الشیخ بن السلیل...

۳.۲. کامل: ابن عزیر.

عبدالعزیز بن ابی دلف، تملک و فتح یعقوب صفاری هرات و بوشنج را، و ظهور و اقتدار او و خائف شدن والی خراسان و غیره از او و ابتدای دولت صفاریه.

اروپا — کشته شدن امپراطور میشل (میخائیل) به دست بزیل نامی و منصوب گردیدن بزیل به امپراطوری قسطنطنیه. (اسپانیول) ده ساله قحط و غلا و خشکسالی در اسپانیول و مغرب سبب ضعف مسلمانان شد.

[سنه ۲۵۴ هجری = سنه ۸۶۷ مسیحی]

آسیا — کشته شدن بغای شرابی از ملازمان خلیفه به امر خلیفه. ارتحال حضرت امام علی الثقی علیه السلام در ماه جمادی الاخره که تولد آن حضرت در سال دو یست و چهارده یا در سنه دو یست و سی و ارتحال آن بزرگوار در جمادی الاولی یا ربیع الاول بوده و ولادت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه در دو یست و پنجاه و پنج و ابتدای غیبت صغری به روایت اغلب مورخین در دو یست و شصت و پنج می باشد که آن حضرت سلام الله علیه نه ساله بوده اند، و روایات در این باب مختلف است، وفات احمد بن رشید عم واثق، خسوف کلّی قمر.

افریقا — ولایت احمد بن طولون در تمام مملکت مصر. وفات ابوالولید بن عبدالملک بن قطن النحوی القیروانی.

[سنه ۲۵۵ هجری = سنه ۸۶۸ مسیحی]

آسیا — استیلای یعقوب بن لیث صفاری بر کرمان و غلبه او بر فارس و داخل شدن به شیراز و امان دادن اهل این شهر را و اظهار انقیاد به المعتز و فرستادن هدایای کثیره برای او. مُطالبه کردن اتراک جیره خود را از المعتز و آن معادل پنجاه هزار دینار بود و المعتز نداشت که بدهد و مادرش ام ولد که معروف به قیحه بود اضعاف مضاعف این وجه را داشت و المعتز از او خاست او مضایقه کرد لهذا اتراک و مغاربه و فراعنه برخلع المعتز اتفاق کرده او را خلع کردند و به زجر بکشتند و در سامرا در پهلوی منتصر مدفون شد، مدت خلافت او از روزیکه در سامرا با او بیعت کردند چهار سال و ششماه و بیست و سه

روز بود و عمرش بیست و چهار سال و بیست و سه روز. خلافت محمد بن واثق ملقب به المهتدی بالله چهاردهمین خلیفه عباسی که در بیست و هفتم رجب با او بیعت کردند. خروج صاحب الزنج که اسمش علی بن محمد بن عبدالرحیم و از طایفه عبد قیس بود و زنگیهائی که در سبّاخ در طرف بصره سکنی داشتند دور او جمع آمدند و او ادعا کرد که علی بن محمد بن احمد بن عیسی بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است، اما صاحب زنج را نسب حقیقی همان بود که ذکر شد و پیش از این در حواشی منتصر و به مدح آل عباس می گذرانید و صله شعر از آنها می گرفت، در سنه دو یست و چهل و نه از سامرا به بحرین رفت و ادعا کرد که علوی هستم و در احسا اقامت نمود، بعد در دو یست و پنجاه و چهار به بصره رفت و در این سال خروج نمود و کار او بالا گرفت و اصحاب خود را از هر طرف به نهب و غارت فرستاد و از دجله عبور کرده به دیناری نزول نمود، وفات محمد بن کرام سجستانی صاحب مقاله در تشبیه. وفات عبداللّه بن عبدالرحمن دارانی^۱ صاحب المسند، وفات ابو عمران عمرو بن بحر جاحظ صاحب تصانیف مشهوره، ولایت سلیمان بن عبداللّه بن طاهر در بغداد و شوریدن قشون و عامه براو. استیلاء مُفْلِیح از ملازمان خلیفه بر طبرستان و منهزم شدن حسن بن زید علوی و گریختن او به دیلم. استیلاء مُساور خارجی بر موصل.

افریقا — وفات خفاجه بن سفیان حکمران صقلیه و ولایت محمد پسرش به جای او (مادر المعتز) و ولد را از کمال حسن قبیحه می گفتند مثل زنگی گفتن به کافور.

[سنه ۲۵۶ هجری = سنه ۸۶۹ مسیحی]

آسیا — جمع کردن موسی بن بغا اصحاب خود را به جهة کشتن صالح بن و صیف و گریختن صالح و مخفی شدن او که موسی او را به دست آورده بکشت. خلع کردن المهتدی را در نیمه رجب و علّت خلع او این بود که قصد قتل موسی بن بغا کرده و به بایکمال^۲ که از بزرگان ترک بود نوشت که موسی را به قتل برسان و خود به جای او برقرار باش، و موسی در این وقت در جلو بعضی خوارج اردو داشت، بایکمال موسی را از این

۱. کامل: دارمی.

۲. کامل: بایکمال.

فقره باخبر کرد و این هردو در قتل المهتدی متفق شدند و به سامرا آمدند بایکیال به حضور المهتدی رفت، المهتدی او را محبوس و مقتول ساخت، و به جنگ موسی برخاست اتراک که در ملازمت المهتدی بودند با عساکر خود از او روگردان شدند و به موسی پیوستند، المهتدی که خود را ضعیف دید فرار نمود و داخل یکخانه ای شد و او را بگرفتند و خصیه او را بفشردند و سیلی به صورت او زدند تا بمرد و در مقبره منتصر مدفون شد و این در هیجدهم رجب بود، خلافت المهتدی یازده ماه و نیم و عمرش سی و هشت سال باورع و کثیرالعباده بود و می خواست در میان بنی عباس مثل عمر بن عبدالعزیز باشد در بنی امیه. بیرون آوردن ارکان دولت ابوالعباس احمد بن متوکل را از حبس و برداشتن او را به خلافت که ملقب به المعتمد علی الله شد و او پانزدهمین خلیفه عباسی است، وزارت عبیدالله بن یحیی بن خاقان. گرفتن صاحب زنج ابله را به غلبه و کشتن بسیاری از اهل ابله را و سوزانیدن بیوتات آنها که از ساج بود و استیلای او بر عبادان بطور امان، نیز غلبه کردن او بر اهواز به ضرب شمشیر. عزل عیسی بن شیخ از شام که غلبه بر این ولایت کرده بود و مالیات به بغداد نمی فرستاد چنانکه پیش ذکر شد. خلاصه خلیفه حکومت ارمنیه را با اسم او کرده و اماجور را والی شام نمود و اماجور به شام آمده بعد از جنگ سخت با اصحاب عیسی بر او غالب آمد و در شام استقرار یافت. وفات محمد بن اسمعیل البخاری الجعفی صاحب المسند الصحیح در قریه خرشک دو فرسخی سمرقند. از این سال تا سال دو یست و هفتاد هجری در عراق عرب زلزله ها شد.

[سنه ۲۵۷ هجری = سنه ۸۷۰ مسیحی]

آسیا — گرفتن زنج بصره را که هرکس را یافتند کشتند و شهر را خراب کردند. تملک یعقوب صفاری بلخ را و راندن به کابل و استیلای او بر این شهر که بتهای آن بلاد و نواحی در این بلد بود، هدیه فرستادن یعقوب برای المعتمد خلیفه، راندن حسن بن زید العلوی حکمران طبرستان معروف به داعی کبیر به جرجان و تملک او این ولایت را. وفات عباس بن الفرّج الرّیاشی اللّغوی.

افریقا — دادن محمد بن احمد الاغلبی حکمران افریقیه حکومت صقلیه را به احمد بن یعقوب پس از کشته شدن محمد بن خفاجه امیر صقلیه چنانکه پیش ذکر شد.

[سنه ۲۵۸ هجری = سنه ۸۷۱ مسیحی]

آسیا - فرستادن المعتمد برادر خود الموفق ابوالاحمد را به جنگ زنج، و کشته شدن مفلح که با الموفق به جنگ زنج مامور بود، و متفرق شدن عساکر او، و گرفتار شدن یحیی بن محمد البحرانی سرکرده صاحب زنج که او را به سامرا بردند و بکشتند، و صاحب زنج و اصحاب او از کشته شدن یحیی بسیار جزع کردند. بروز و با در ستاق دجله که خلق کشیری در بغداد و واسط و سامرا و غیرها هلاک شدند. در این سال صدای عظیمی در صیمره مسُوع و بعد از آن صدائی عظیم تر از صدای اولی که اکثر شهر را خراب کرد و دیوارها افتاد و قریب بیست هزار نفر بمردند. وفات یار کوچ ترکی که فوت او اسباب استقلال احمد بن طولون در مصر شد. جنگ عساکر موسی بن بغا و لشکر حسن بن زید علوی و انهزام اصحاب حسن، اسیر شدن بسیاری از زنجه‌ها که آنها را به سامرا آورده گردن زدند. وفات یحیی بن رازی واعظ^۱ که مرد عابد صالحی بود و بابایزید و غیره مصاحبت داشت.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

[سنه ۲۵۹ هجری = سنه ۸۷۲ مسیحی]

آسیا - استیلای یعقوب صفاری بر نیشابور و تملک او این ولایت را و انقراض آل طاهر در خراسان، وفات محمد بن موسی بن شاکریکی از سه برادر هائیکه بنی موسی مشهور منسوب به آنها می باشند و اخوان ثلثه در تحصیل علوم قدیمه خاصه در هندسه همتی عالی داشتند و در عهد مامون به امر مامون دور کره ارض را به قانون علمی معین نمودند، غلبه زنج بر اهواز و مامور کردن المعتمد موسی بن بغا را به جنگ زنج و محاربه های دسته جات عساکر او در محلهای مختلف با اصحاب صاحب زنج، غلبه کردن حسن بن زید علوی بر قومس.

اروپا - (اسپانیول) متصرف شدن محمد بن عبدالرحمن بعضی از بلاد اسپانیا را که در تصرف او نبود و عود عمرو بن عمروس به اطاعت محمد بن عبدالرحمن.

۱. کامل: یحیی بن معاذ الرازی.

[سنه ۲۶۰ هجری = سنه ۸۷۳ مسیحی]

آسیا - کشتن عرب منجور والی حمص را و برقرار کردن بکتر را به جای او. وفات مالک بن طوق التغلبی (الثعلبی) بانی رجه در رجه و چون منسوب به اوست این رجه را رجه مالک گویند، ارتحال حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، وفات حسن بن صباح زعفرانی^۱ از بغدادیین اصحاب شافعی، وفات حسین بن اسحق طبیب عبادی که کتب حکمای یونان را به عربی ترجمه کرده، و کتاب اقلیدس و بطلمیوس و مجسطی را نیز تعریب و تنقیح نموده، و عبادی منسوب به عباد حیره است که چند شعبه از چند قبیله مختلف می باشند که در حیره منزل نمودند و نصاری بودند، تاختن یعقوب بن لیث بر طبرستان و محاربه او با حسن بن زید و انهزام حسن و داخل شدن او بر ساری و آمل و گرفتن خراج یکساله را از آنها، و یفتن در جبال طبرستان به تعاقب و طلب حسن، و چون در این هنگام چهل روز متوالی بر او باران ببارید به مرام خود نایل نگردید. جماعتی انقراض طایفه طاهری و ابتدای صفاریها را در این سال نوشته اند. شورش اهل موصل و بیرون کردن حاکم خود را. غلاء شدید در عموم بلاد اسلام.

اروپا - (اسپانیول) غلاء شدید در اندلس که این بلیه در افریقیه و بلاد مغرب نیز عموم داشت و بعد از آن طاعون و وباء عظیمی بروز کرد و خلق کثیری را بکشت.

[سنه ۲۶۱ هجری = سنه ۸۷۴ مسیحی]

آسیا - ابتدای دولت سامانیها در ماز و آندلس که نسب ایشان به بهرام چوبین می رسد و از زمان مأمون در خراسان به جهة اکرامیکه مأمون نسبت به ایشان نمود کار ایشان بالا گرفت، و در این سال نصر بن احمد بن اسد بن سامان برادر خود اسمعیل را والی بخارا کرد، بعد همامیان دو برادر سعایت کردند و در سال دو یست و هفتاد و پنج دو برادر با هم مقاتله نمودند و اسمعیل بر نصر ظفر یافت، و چون نصر را نزد اسمعیل آوردند پیاده شد و دست نصر را بوسید و به محل حکمرانی خود معاودت داد و خود در بخارا بماند و چون اسمعیل مرد خیری بود و اهل علم را دوست می داشت سلطنت در اولاد او امتدادی بهم رسانید، وفات حسن بن عبدالملک بن ابی الشوارب قاضی القضاة که از اولاد عتاب بن آسید بود

۱. کامل: ابوعلی الحسن بن محمد بن صباح الزعفرانی.

که حضرت رسول (ص) ولایت مکه را به او دادند، وفات ابو یزید بسطامی زاهد معروف بتصوف که اسم او طیفور بن عیسی بن سرو بیان و سرو بیان بدو مجوس بوده و اسلام اختیار کرده، وفات ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری صاحب المسند الصحیح.

اروپا — (اسپانیول) بسط و غلبه عساکر محمد اموی در نواحی اسپانیا.

افریقا — عصیان اهل بَرَقَه بر احمد بن طولون والی مصر که لشکری فرستاده آنها را محاصره کردند و بَرَقَه را فتح نمودند و جماعتی از رؤسای اهل بَرَقَه را گرفتند، وفات محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب حکمران افریقته در جمادی الاولی که ده سال و پنجاه و نیم حکمرانی کرده بود، و بعد از او برادرش ابراهیم بن احمد بن محمد به جای او برقرار شد و بیست و پنج سال فرمان روائی داشت و مخصوصاً در صقلیه فتوحات عظیمه نمود، و در شب نوزدهم ذیقعده سال دو یست و هشتاد و هفت یا دو یست و هشتاد و نه در گذشت و فطانت و بزرگواری ابراهیم مشهور است.



[سنه ۲۶۲ هجری = سنه ۸۷۵ مسیحی]

آسیا — فرستادن صاحب زنج لشکری به نواحی واسط که قتل و نهب و حرق زیادی نمودند. وفات عمر بن شبیه (شبه) نمیری اخباری. مقاتله شدید الموفق برادر المعتمد بایعقوب صفاری در دیر عاقول و هزیمت لشکر یعقوب، و خلاصی یافتن محمد بن طاهر که در بند یعقوب بود و آمدن او به بغداد. مردن صلاتی والی ری و ولایت گیلان به جای او.

(اسپانیول) فرستادن محمد اموی پادشاه اسپانیول پسر خود منذر را با لشکری به جنگ جلیقی که با محمد مخالفت می کرد، و رفتن جلیقی از شهر بظلیوس به قلعه گُرگُر و محاصره کردن عساکر محمد این قلعه را و کشتن بسیاری از متابعین جلیقی را.

[سنه ۲۶۳ هجری = سنه ۸۷۶ مسیحی]

آسیا — استیلای یعقوب صفاری براهواز، وفات عبیدالله بن یحیی بن خاقان وزیر المعتمد که وزارت المعتمد با سلیمان بن وهب شد.

اروپا — (اسپانیول) کشته شدن عساكر محمد پادشاه اسپانیول در جنگ جلیقی که احدی از این دسته قشون جان بدر نبرد.

افریقا — شروع کردن ابراهیم امیر افریقته بنای شهر رقاده را.

[سنه ۲۶۴ هجری = سنه ۸۷۷ مسیحی]

آسیا — وفات أماجور کارگذار دمشق و آمدن احمد بن طولون از مصر به دمشق و از دمشق به حمص و حماة الی حلب و گرفتن این بلاد را جمیعاً و راندن به انطاکیه، و دعوت کردن سیمالطویل امیر انطاکیه را به داخل شدن در اطاعت خود و ابا کردن سیمال و مقاتله شدید او با احمد بن طولون که سیمال کشته شد و انطاکیه را احمد تصرف کرده به طرسوس رفت و قصد احمد این بود که در طرسوس اقامت داشته باشد و به جهاد پردازد اما قیمت اجناس و ماکولات بالا رفت و قوت و آذوقه خیلی کم شد لهذا به شام مراجعت نمود. بروز طاعون در تمام مملکت خراسان و هلاک شدن خلقی کثیر. خروج خارجی مجهول التنبه گم نامی در چین که جمعیت او زیاد شد و قصد شهر خانقوا از بلاد چین نموده آنرا محاصره کرده و این بلد بسیار با حصانت بود و نهر عظیمی داشت و جمعیت کثیری از مسلمین و نصاری و یهود و مجوس و غیرهم در این بلد سکنی داشتند، خارجی این شهر را به غلبه گرفت و خلق بیشماری را بکشت و بر بعضی دیگر از بلاد چین استیلا یافت ولی در جنگ خاقان چین خود او معدوم و اصحاب او منهزم شدند. وفات قبیحه مادر معتز و ابوالبراهیم الزنی^۱ صاحب الشافعی.

اروپا — (اسپانیول) قتل و نهب عساكر محمد اموی پادشاه اسپانیا در بلاد این مملکت که در دایره اسلام نبودند.

افریقا — تمام کردن ابراهیم بن احمد بن محمد الاغلبی شهر رقاده را و ساکن شدن در آن، وفات یونس بن عبدالاعلی بن موسی در مصر، و یونس یکی از اصحاب شافعی بود و عبدالرحمن بن احمد بن یونس بن عبدالاعلی مؤلف تاریخ مشهور مصر از نبایر همین یونس است. بنای مسجد احمد بن طولون در مصر، تملک مسلمین شهر سرقوسه را که بزرگترین

۱. کامل: أبو ابراهیم المزنی.

مدینه صقلیه است.

[سنه ۲۶۵ هجری = سنه ۸۷۸ مسیحی]

آسیا — داخل شدن زنج برنهمانیه و غارت کردن و سوختن آن، و رفتن به جرجایا^۱، و آمدن اهل سواد به بغداد، وفات یعقوب بن لیث صفاری در نوزدهم شوال به جندی سابور از رستاق اهواز به ناخوشی قولنج، و در مرض موت او معتمد خلیفه نامه و رسولی نزد او فرستاده که او را استمالت و دعوت به اطاعت خلیفه نماید، یعقوب شمشیری و نان خشکی و پیازی حاضر کرده به رسول گفت به خلیفه بگو اگر من مردم هردو راحت میشویم و اگر ماندم میان من و توجز این شمشیر نخواهد بود نهایت این است کار من می کشد بخوردن نان خشک و پیاز، و از کارهای یعقوب یکی فتح رنج بود و کشتن پادشاه آن که دعوی الوهیب می کرد، و پس از غلبه یعقوب بر رنج اهالی به دست یعقوب اسلام اختیار کردند، برقرار شدن عمرو بن لیث برادر یعقوب به جای او و اظهار اطاعت کردن به خلیفه که الموفق خراسان و اصفهان و سجستان و سند و کرمان را به او داد و برای او خلعتها با فرمان فرستاد، وفات ابراهیم بن هانی بن اسحق نیشابوری از ابدال^۲.

اروپا — (ایطالیا) ژان هشتم پاپ رُم از پادشاه فرانسه به جهة دفع اعراب کمک می طلبید. (انگلیس) آلفرد اعظم که تمام طوایف مختلفه ساکن در جزایر انگلیس را در تحت تبعیت خود درآورده و پادشاه مستقل آن مملکت شده بود بعد از یک سلطنت ممتدی وفات می نماید.

افریقا — مخالفت عباس بن احمد بن طولون با پدر خود و رفتن به افریقیه و مقاتله با عساکر ابراهیم اغلبی حکمران افریقیه و منهزم شدن که بعد از آن به دست عساکر پدر خود گرفتار و محبوس شد.

[سنه ۲۶۶ هجری = سنه ۸۷۹ مسیحی]

آسیا — کشتن اهل حمص عیسی کرخی عامل خودشان را. سختی عظیم رعایای

۱. کامل: جرجزایا.

۲. کامل: ابراهیم بن هانی ابواسحاق النیسابوری.

بلادیکه در تحت تبعیت خلیفه بودند به جهة غلبه سر کرده ها و لشکریان و تسلط آنها بر امور و عدم خوف آنها، و عجز المعتمد و اشتغال او به غیر تدبیر مملکت، و مشغول بودن الموفق برادر خلیفه به قتال صاحب زنج. داخل شدن علی بن ابان و زنج به رامهرمز. جنگ علویین با جعفریین در مدینه و ظهور غلا در این بلد و سایر بلاد حجاز و عراق و موصل و جزیره و شام و غیر ذلک. وفات صالح بن احمد بن حنبل.

اروپا — (اسپانیول) امر کردن محمد بن عبدالرحمن پادشاه اسپانیول به ساختن کشتیها برای جنگ بحری با جلیقیه.

افریقا — (مصر) احمد بن طولون والی مصر از تبعیت المعتمد عباسی سر پیچیده مستقلاً سلطنت می کند.

[سنه ۲۶۷ هجری = سنه ۸۸۰ مسیحی]

آسیا — جنگهای متوالی الموفق و صاحب زنج، و راندن زنج از اهواز و رفتن موفق به شهر صاحب زنج که آنرا بیحد مستحکم نموده و مختاره می نامیدند، و محاصره کردن آنرا و امان خواستن اکثر اهل بلد از الموفق و بیرون آمدن از شهر و ضعیف شدن باقی، و تسلیم نمودن شهر را، و ابوالعباس پسر الموفق در این حروب با الموفق بود. زلزله عظیم در شام و مصر و بلاد جزیره و افریقیه و اندلس. اشتداد گرما در راه مکه که بسیاری از حاج ناچار به مکه نرفته از بین راه برگشتند و خلق کثیری از حرارت و تشنگی بمردند.

اروپا — (اسپانیول) ابتدای مخالفت ابن حفصون با محمد بن عبدالرحمن پادشاه اسپانیول و شکست دادن عساکر محمد را و ازدیاد شوکت ابن حفصون.

افریقا — ولایت حسن بن عباس در صقلیه و فرستادن سرایا به هر ناحیه.

[سنه ۲۶۸ هجری = سنه ۸۸۱ مسیحی]

آسیا — محاربه اصحاب صاحب زنج با عساکر الموفق و منهزم شدن آنها، گرفتن ابوالعباس احمد بن موفق که ملقب به المعتضد بود اعرابی را که آذوقه از برای عساکر صاحب زنج می بردند و کشتن بسیاری از آنها و اسیر کردن باقی را، رفتن عمرو بن لیث

به فارس به جنگ محمد بن لیث عامل فارس و منهزم کردن او و داخل شدن به اصطخر و غارت کردن این بلد و اسیر کردن محمد بن لیث را و رفتن به شیراز و اقامت نمودن در این بلد، وقوع زلزله در بغداد و سقوط چهار صاعقه در آن. فرستادن عمرو بن لیث سی صد هزار دینار و پنجاه من مشک و پنجاه من عنبر و دو یست من عود و سیصد ثوب جامه ضربفت و ظروف طلا و نقره و دواب و غلمان بسیار برای موقوف. وفات محمد بن عبدالله بن عبدالحکم بصری فقیه مالکی که مصاحب شافعی بود و از او اخذ علم کرده.

اروپا — (اسپانیول) در سمت جنوب و مغرب این مملکت زلزله سخت اسباب خرابی زیاد و تشویش مسلمانان این نواحی می گردد. (ایطالیا) پنجاه و چهار سال بود که مسلمانان جزیره سیسیل را متصرف بودند اما تصرفی در شهر سیراکوس نداشتند در این سال به غلبه نیز این شهر را مفتوح نمودند.

افریقا — مخالف لؤلؤ غلام احمد بن طولون با او. انقطاع خطبه عباسیه از مصر. مردن محمد بن عبدالحکیم مفتی مصر.



تذکره مستوفی

[سنه ۲۶۹ مسیحی = سنه ۸۸۲ مسیحی]

آسیا — امر کردن المعتمد به لعن احمد بن طولون بر سر منابر به جهت قطع کردن خطبه عباسیه، یعنی انداختن اسم الموفق را از خطبه و این امر را المعتمد از روی اکراه نمود زیرا که باطناً مایل به احمد بن طولون بود بلکه چون المعتمد مداخله در کارها نداشت و همه راجع به الموفق می شد خیال داشت به مصر نزد ابن طولون برود و او المعتمد را بر الموفق مسلط کند، ولی اسحق بن کنداج^۱ عامل موصل از بین راه المعتمد را کرهاً بازگردانید و او به سامرا آمد و در این وقت الموفق به جنگ صاحب زنج مشغول بود، خسوف کلی قمر همچنین کسوف کلی آفتاب. وفات عیسی بن شیخ بن سلیل شیبانی^۲ که ارمینیه و دیار بکر او را بود. بنای قبه عالیّه به امر احمد بن طولون بر قبر معاویه.

اروپا — رئیس طایفه ثرت مم که چندین سال بوده به مملکت فرانسه خرابی وارد می آورد

۱. کامل: اسحاق بن کنداجیق.

۲. کامل: عیسی بن الشیخ بن الشلیل الشیبانی.

تغییر مذهب داده قبول دین عیسوی نمود.

افریقا — (مصر) مخالفت لؤلؤ غلام احمد بن طولون والی مصر با آقای خود به قول بعضی در این سال بود.

[سنه ۲۷۰ هجری = سنه ۸۸۳ مسیحی]

آسیا — کشته شدن صاحب زنج در جنگ با الموفق بعد از محاربه های سخت و کشته شدن و غرق شدن خلق کثیری از اصحاب او، که سراورا بریدند و به اطراف گردانیدند و موفق به جای خود بازگشت و جمع کثیری از زنج نزد الموفق آمده امان خواستند و او آنها را امان داد و سر صاحب زنج را به بغداد فرستاد، خروج صاحب زنج روز چهارشنبه بیست و ششم ماه رمضان بود و روز شنبه دویم صفر این سال کشته شد بنابراین ایام حکمرانی و شورش او چهارده سال و چهارماه و شش روز می باشد، وفات حسن بن زید علوی (داعی کبیر) حکمران طبرستان در ماه رجب که مدت حکمرانی او نوزده سال و هشتماه و کسری بود، و برادر او محمد بن زید به جای او برقرار شد، وفات محمد بن اسحق بن جعفر الصّاغانی و داود بن علی الاصفهانی پیشوای اصحاب ظاهر که مرد زاهد باورعی بود و او و اصحاب او را به این جهت اهل ظاهر می گفتند که به ظاهر اخبار و احادیث عمل می کردند و از تأویل اعراض داشتند.

اروپا — محمد بن فضل امیر صقلیه با عساکر خود به بلاد رومیّة الصغری تاخته بسیاری از رومیها را بکشت و باغنیمت و اسیر زیاد به بلرم بازگشت.

افریقا — وفات احمد بن طولون حکمران مصر و شام در انطاکیه که تقریباً شانزده سال امارت داشت و مرد عاقل با حزمی بود و قلعه یافارا او بنا کرد و الا پیش از آن قلعه نداشت، و میان مصر و قاهره جامع معروف به جامع ابن طولون را او بساخت. ولایت خماروّه پسر ابن طولون بعد از او.

[سنه ۲۷۱ هجری = سنه ۸۸۴ مسیحی]

آسیا — جنگ معتضد بن موفق با خماروّه بن احمد بن طولون حکمران مصر که اخرا الامر معتضد و عساکرش گریختند و خماروّه نیز از این طرف منهزما تا حدود مصر رفت و

لشکر او ثابت قدم ایستاده بودند و از فرار او خبر نداشتند و العجب که معتضد هم از گریختن حماروئه بیخبر بود و این واقعه و قتال میانه دمشق و رمله اتفاق افتاد. احضار کردن المعتمد بعضی از حاج خراسانی را و اعلام کردن به ایشان که من عمرو بن لیث را از مشاغل و اعمال و ولایتی که داشت عزل کردم و خراسان را به محمد بن طاهر دادم، و لعن کردن المعتمد عمرو بن لیث را در حضور حاج مشارالیه و امر کردن به لعن عمرو بر سر منابر و رفتن صاعد بن مخلد به فارس به جنگ عمرو بن لیث. محاربه مابین عساکر خلیفه که احمد بن عبدالعزیز بن ابی دلف سردار بود با عمرو بن لیث در دهم ربیع الاول و شکست فاحش عمرو که مبلغی غنیمت و اسیر قسمت عساکر خلیفه شد.

اروپا — (اسپانیول) فرستادن محمد بن عبدالرحمن لشکری بامنذر پسر خود به شهر بظلیوس و رفتن مروان جلیقی که با محمد مخالفت داشت از این شهر و آتش زدن منذر این بلد را. غلبه غالب بن حفصون به شهر تیدل^۱.



[سنه ۲۷۲ هجری = سنه ۸۸۵ مسیحی]

آسیا — آمدن صاعد بن مخلد از فارس به واسط و امر کردن الموفق به جمیع سرکرده های خود که همه او را استقبال کنند و چون آنها به استقبال او شتافتند برای او پیاده شدند و دست او را بوسیدند و او از شدت تکبر با هیچیک تکلم نمیکرد ولی چیزی نگذشت که الموفق او و کسان او را بگرفت و خانه های آنها را غارت نمود، تسعیر غله و ظهور غلا در بغداد.

افریقا — زلزله شدید در مصر در ماه جمادی الاخره که بیوتات کثیره و جامع را خراب کرد و در یک روز هزار نفر را به شماره به خاک سپردند.

[سنه ۲۷۳ هجری = سنه ۸۸۶ مسیحی]

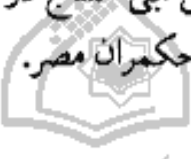
آسیا — وفات ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی صاحب کتاب سنن، وفات خالد بن

۱. در کامل شخصی بنام غالب بن حفصون دیده نشد اما وقایعی در باره عمر بن حفصون آمده است. شهر ۱۷ نیز شناخته نشد.

احمد السدوسی که امیر خراسان بود و قصد حج کرده المعتد او را بگرفت و حبس کرد و او در این سال در حبس بمرد، گویند خالد بخاری صاحب صحیح را از بخارا اخراج کرد بخاری او را نفرین کرده و رسید به او آنچه رسید، وفات حافظ محمد بن یزید بن ماجه قزوینی^۱ مشهور و مصنف کتاب سنن در حدیث، و حافظ در علوم حدیث، و جمیع ما یتعلق به کمال تبخرا داشت و این حافظ را تفسیر بسیار معتبری برای قرآن، و تاریخ خویست که بسیار محققانه نوشته.

اروپا — (اسپانیول) وفات محمد بن عبدالرحمن بن حکم بن هشام الاموی پادشاه اسپانیول در سلخ ماه صفر در شصت و پنج سالگی که سی و چهار سال و یازده ماه سلطنت کرده بود، بعد از محمد سی و سه اولاد ذکور از او ماند و پسرش منذر بن محمد بجای او سلطنت اسپانیول یافت یعنی سه روز بعد از فوت پدرش با او بیعت کردند.

افریقا — خطبه خواندن محمد بن ابی الساج در بعضی از ولایاتیکه در جزیره داشت به اسم خمارویه ابن احمد بن طولون حکمران مصر.

[سنه ۲۷۴ هجری = سنه ۸۸۷ مسیحی] 

آسیا — رفتن الموفق به فارس به جنگ عمرو بن لیث صفاری و رفتن عمرو به کرمان و از کرمان به سجستان و چون موفق برگرفتن کرمان و سجستان فایز نیامد باز گشت. وفات ابوالعباس بن کبش المتوکل^۲.

اروپا — راندن بازمار به خاک رومیه الصغری و قتل و نهب و اسر زیاد در آن نواحی و مراجعت کردن به طرسوس.

[سنه ۲۷۵ هجری = سنه ۸۸۸ مسیحی]

آسیا — گرفتن الموفق المعتضد پسر خود را و حبس نمودن که در حبس بود تا در مرض

۱. کامل: محمد بن یزید بن ماجه القزوینی.

۲. کامل: ابوالعباس بن کبش بن المتوکل.

موت مستخلص شد. وفات ابوسعید حسین بن حسن^۱ بن عبدالله الکبری الثحوی اللغوی صاحب التصانیف. استیلاء رافع بن هرثمه بر جرجان.

اروپا — (اسپانیول) وفات منذر بن محمد بن عبدالرحمن پادشاه اسپانیول در محرم در چهل و شش سالگی که یکسال و یازده ماه سلطنت کرده بود و برقرار شدن برادرش عبدالله بن محمد به جای او.

[۲۷۶ هجری = سنه ۸۸۹ مسیحی]

آسیا — وفات عبدالملک بن محمد الرقاشی. وفات عبدالله بن مسلم بن قتیبه صاحب کتاب ادب الکاتب. در مراجعت حاج یمن از مکه در وقتیکه در یک وادئی منزل داشتند سیلی آمده جمیعاً را به دریا برد. عامل کردن الموفق بالله ابن ابی الساج را برآذر بایجان و آمدن عبدالله بن الحسن الهمدانی حکمران مستقل مراغه به جنگ او که عبدالله منہزم و محصور شد و در سنه دو یست و هشتاد ولایت او را از او منتزع نمودند.

[سنه ۲۷۷ هجری = سنه ۸۹۰ مسیحی]

آسیا — وفات یعقوب بن سفیان نسوی پیشوا که شیعی مذهب بود^۲ وفات غریب مغنیه مامونیه که بعضی او را دختر جعفر بن یحیی بن خالد برمکی دانسته اند. وفات ابوحاتم رازی که اسم او محمد بن ادريس بن منذر و از اقران بخاری و مسلم بود.

[سنه ۲۷۸ هجری = سنه ۸۹۱ مسیحی]

آسیا — وفات ابواحمد طلحة الموفق بالله بن جعفر المتوکل در چهارشنبه بیست و دویم ماه صفر به ناخوشی داء الفیل و مقرر بود که الموفق بعد از المفوض بن المعتمد ولیعهد یعنی خلیفه باشد همچون درگذشت سرکرده های عساکر جمع باپسرش المعتضد بیعت نمودند به اینکه بعد از المفوض ولایت عهد المعتضد را باشد. در این سال جماعتی در

۱. کامل: الحسن بن الحسين...

۲. عبارت کامل این است: «ومات فيها يعقوب بن سفیان بن حوان السری و کان یتشیع».

سواد کوفه پیدا شدند معروف به قرامطه و شخصی که آنها را به مذهب و دین خود دعوت می کرد در قریه ای از سواد کوفه بیمار شد شخصی از اهل آن قریه که او را کرمیته می گفتند متحمل او شده و چون بزرگ قرامطه عافیت یافت خود را به اسم او نامید و کرمیته را که در لغت نبطی اسم از برای سرخی چشم است مخفف نموده قرمط گفتند، و قرامطه یعنی طایفه منسوب به قرمط خلاصه؛ او عوام اهل سواد و بادیه را بدین خود خواند و آنها اجابت نمودند و کتابی آورد که در او نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم — می گوید فرج بن عثمان از قریه نصرانه که داعی مسیح است، و عیسی است، و کلمه است، و مهدی است و احمد بن محمد بن حنفیه است، و جبرئیل است، و مسیح مصور شد در جسم انسان و گفت توئی داعی، و توئی حجة، و توئی ناقة، و توئی دابة، و توئی یحیی بن زکریا، و توئی روح قدس.

خلاصه احکام غریبه اظهار کرد از جمله گفت نماز چهار رکعت است دو رکعت قبل از طلوع آفتاب و دو رکعت قبل از غروب آفتاب، و اذان در هر نماز عبارتست از سه الله اکبر و دو اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان آدم رسول الله و اشهد ان نوحا رسول الله و اشهد ان ابراهیم رسول الله و اشهد ان عیسی رسول الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان احمد بن محمد حنفیه رسول الله، و بیت المقدس را قبله قرار داد و به جای جمعه روز دوشنبه را قبول کرد که در آن بکاری مشغول نشوند، و در هر رکعت نمازی استفتاح را بخوانند و استفتاح را ادعا می کرد که براحمد بن محمد بن حنفیه نازل شده و آن عبارت از دعائی بود که خود بهم بافته بود و از سنن او این بود که در سال دوروز روزه بگیرند روز مهرگان و روز نوروز و نیذرا حرام می دانست و شراب را حلال و غسلی برای جنابت لازم نمیدانست لیکن وضوی او مثل وضوی معمولی بود و گوشت هر صاحب ناب و مخلی را حلال می دانست. ظهور کوکب ذوذوالب.

اروپا — رفتن بازمار به همراهی احمد العجینی به فتح بلاد رومیة الصغری و در عین غلبه و استیلا بود که قطعه سنگی از منجنیق به پهلوی او خورد و بواسطه صدمه آن مراجعت نموده در بین راه درگذشت.

[سنه ۲۷۹ هجری = سنه ۸۹۲ مسیحی]

آسیا — وفات المعتمد علی الله ابن جعفر المتوکل بن معتصم در نوزدهم رجب در بغداد

که شراب زیاد خورد و شام و افراط در شراب نمود و شبانه مرد، المعتضد قضاة و اعیان را حاضر کرده جسد او را دیدند و او را حمل به سرمن رأی نموده در آنجا دفن کردند. عمر المعتضد پنجاه سال و شش ماه و مدت خلافتش بیست و سه سال و شش روزه کاری به دست او نبود رتق و فتق امور را موفق برادر او می کرد و چندان برالمعتضد سخت گرفته که یکوقتی محتاج به سیصد دینار شده و برای او آن وقت میسر نبود، خلاصه صبح آن شبی که المعتضد درگذشت مردم با ابوالعباس احمد المعتضد بالله بن موفق بیعت به خلافت نمودند و المعتضد شانزدهمین خلیفه عباسی است. وفات نصر بن احمد سامانی که برادر او اسمعیل بن احمد بن اسد بن سامان در ماوراء النهر به جای او برقرار آمد. آمدن حسین بن عبدالله معروف به جصاص از مصر با هدایای وافره از جانب خمارویه بن احمد بن طولون حکمران مصر به خدمت المعتضد برای اینکه المعتضد دختر خمارویه را تزویج کند. وفات ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوده^۱ الترمذی سلمی در ترمذ در رجب، و ابو عیسی باوجود کوری صاحب تصانیف معتبر و در علم حدیث مخصوصاً متبحر بود. شیوع علم نجوم و فلسفه و رواج کتب فلاسفه، عزل کردن المعتضد رافع بن هرثمه را از خراسان که اخرا را مرد در خوارزم به دست ملازمان خوارزمشاه کشته شده، و سراو را برای عمرو بن لیث فرستادند و چون او را المعتضد از خراسان معزول کرد عمرو بن لیث را منصوب نمود.

[سنه ۲۸۰ هجری = سنه ۸۹۳ مسیحی]

آسیا — وفات جعفر بن المعتضد که ملقب به المفوض بود و المعتضد او را از ولایت عهد خلع کرده المعتضد برادرزاده خود را ولیعهد نمود. گرفتن محمد بن ابی الساج از ملازمان خلیفه مراغه را بعد از جنگ و محاصره سخت، وفات احمد بن عبدالعزیز بن ابی دلف که برادرش عمر بن عبدالعزیز بن ابی دلف به جای او برقرار شد. جنگ اسمعیل بن احمد سامانی در بلاد ترک و گرفتن دارالملک ایشان را و اسر و نهب زیاد. کمی آب درری و طبرستان که قیمت سه رطل آب به یکدرهم رسید و غله تسعیر یافت. خسوف کلی قمر در شوال که بعد از آن باد سیاه وزید تا ثلث از شب و در آن وقت زلزله شد و خرابی زیاد نمود.

افریقا — وفات ابوجعفر احمد بن ابی عمران الفقیه الحنفی به مصر.

[سنه ۲۸۱ هجری = سنه ۸۹۴ مسیحی]

آسیا — راندن المعتضد به ماردین و گریختن حمدان که در ماردین حکمرانی داشت و گذاشتن پسر خود را در این بلد که المعتضد با او مقاتله کرده و او ماردین را تسلیم نمود. طغج بن جُف که از جانب خُمارَوَیّه عامل دمشق بود از طرسوس به بلاد رومیة الصغری تهاخت و بعضی اماکن را غارت نمود. وفات عبدالله بن محمد بن ابی عبدالله بن ابی الدنیا صاحب التصانیف الکبیره المشهوره.

اروپا — عساکر خمارویه بن احمد بن طولون یکی از بلاد رومیة الصغری را فتح نمودند.

[سنه ۲۸۲ هجری = سنه ۸۹۵ مسیحی]

آسیا — امر کردن معتضد به اینکه اول گرفتن خراج در نوروز معتضدی باشد و آن در حزیران ماه رومی و اواخر جوز است و مقصود از این حکم تسهیل عمل بود برای رعایا که حاصلی به دست آنها آمده باشد. وفات ابوحنیفه احمد بن داود الدینوری صاحب کتاب التّبات. وفات حارث بن ابی اسامه. وفات ابوالعینا محمد بن القاسم که از اصمعی روایت می کرد و کور بود، و صاحب نوادر و اشعار و سریع الجواب و از ظرفا و ذکاوتی فوق العاده داشت. آوردن ابن جصاص دختر خُمارَوَیّه زوجه المعتضد را از مصر به خدمت خلیفه. ولادت جعفر بن المعتضد که المقتدر باشد و مادر او جاریه ای مسمّاء به شغب بود.

افریقا — کشتن خواص خمارویه حکمران مصر او را در رختخواب به جهة وحشتی که از او بسهم رسانیده بودند و علت وحشت این بود که به خمارویه گفته بودند جواری او هر یک نفر از خواجه های سرای او را به منزله شوهر برای خود گرفته اند، خمارویه خواست تحقیق این مطلب نماید خواص او برای اینکه این سرفاش نشود او را بکشتند و فرار کردند پس از اوسران سپاه پسر او جیش را به جای او برقرار نمودند و او هنوز طفل بود.

[سنه ۲۸۳ هجری = سنه ۸۹۶ مسیحی]

آسیا — وفات بحتری شاعر که اسم او ولید بن عبادہ بود و در منبج یا در حلب درگذشت. وفات علی بن عباس معروف به ابن رومی شاعر. محاربه عساكر المعتضد با اولاد ابی دلف. محاربه عمرو بن لیث صفاری با رافع بن هرثمه در نیشابور که رافع در این شهر به اسم محمد بن زید علوی خطبه خوانده بود، و گریختن رافع به طوس و تعاقب کردن عساكر عمرو و او را گرفتن او به خوارزم و کشته شدن چنانکه پیش بدان اشاره نمودیم. امر کردن معتضد به اینکه مطاعن معاویه و پسرش یزید و پدرش ابوسفیان را بنویسند و مباح نمودن لعن آنها را و چون به او گفتند که این معنی بر اقتدار علویین که دائماً بر خلفاء ظهور می نمایند می افزاید المعتضد از این کار درگذشت. تویث ذوی الارحام به امر معتضد.

اروپا — محاصره کردن طایفه اسلاو (صقالبه) قسطنطنیه را که کار بر امپراطور قسطنطنیه تنگ شد اسرای مسلمین که در قسطنطنیه بودند اسلحه داد که امداد او نمایند و آنها اسلاوها را شکست دادند، بعد از آن امپراطور از خوف اینکه مسلمین بر خود او حمله نمایند اسلحه آنها را گرفت و خود آنها را در بلاد متفرق نمود.

[افریقا — طنج بن جق حکمران دمشق جیش پسر خمارویه را در دمشق خلع کرده و اختلاف مابین عساكر جیش افتاد بجهت اینکه او طفل بود و او باش را دور خود جمع کرده و به عساكر و لشکریان تهدید می نمود و این اختلاف سبب شد که او را بکشتند و خانه او را غارت کردند و مصر را نهب نموده بسوختند، بعد هارون بن خمارویه را به جای او نشانیدند و مدت حکمرانی جیش نه ماه بود.

[سنه ۲۸۴ هجری = سنه ۸۹۷ مسیحی]

آسیا — در این سال منجمین گفتند از کثرت باران و طغیان آب آنها را کثر اقلیم مستغرق در آب خواهد شد بالعکس چندان کم آبی شد که اهل بغداد به کرات به استسقا رفتند. وفات اسحق بن موسی الاسفراینی الفقیه الشافعی.

افریقا — اختلال حال هارون بن خمارویه بن احمد بن طولون در مصر و اختلاف میان

سرکرده‌های او در مخالفت با او و گسستن رشته نظام مملکت و طغج بن جَعَف از جانب هارون حکمرانی دمشق می‌کرد.

[سنه ۲۸۵ هجری = سنه ۸۹۸ مسیحی]

آسیا — آمدن المعتضد به آمد و فتح کردن آن را به امان و این بلد در تصرف محمد بن احمد بن عیسی بن الشیخ بود پس از آن المعتضد به قنسرین آمد و قنسرین و عواصم (سرحدات) را گماشتگان هارون بن خمارویه به المعتضد تسلیم نمودند، وفات ابراهیم بن اسحق از اعیان محدثین به بغداد. وزیدن باد زرد و سیاه در کوفه و باریدن بارانهای شدید بارعدهای غریب و ریختن سنگهای سیاه و سفید از آسمان در آن نواحی. وزیدن بادهای زرد و سبزه سیاه در بصره و باریدن بارانهای متوالی و آمدن تگرگ که هردانه از آن از قرار مذکور صد و پنجاه درهم بود. دادن المعتضد ولایت اعمال آذربایجان و ارمنیه را به محمد بن ابی الساج که در این نواحی غلبه کرده بنای مخالفت را گذاشت.

[سنه ۲۸۶ هجری = سنه ۸۹۹ مسیحی]

آسیا — ظهور شخصی از قرامطه در بحرین که معروف به ابوسعید جَنّا بی بود، و جمع شدن جمع کثیری دور او و کشتن او جماعتی را در قطیف و قرای آن نواحی. وفات مبرد نحوی لغوی مشهور که ابوالعباس محمد بن عبدالله بن زید باشد و مبرد صاحب تصانیف مشهوره است. عزل کردن المعتضد احمد بن محمد بن فرات را از دیوان مشرق و واگذار کردن این شغل را به محمد بن داود بن الجراح، وفات ابن اخشید حکمران طرسوس که ابا ثابت به جای او برقرار گردید، و در جنگ رومیهای رومیه الصغری اسیر و کشته شد.

[سنه ۲۸۷ هجری = سنه ۹۰۰ مسیحی]

آسیا — چون عمرو بن لیث صفاری سرافع بن هرثمه را نزد المعتضد فرستاد استدعا کرد که او را والی ماوراءالنهر کند، المعتضد قبول کرده خلعت ولوا برای او فرستاد، و عمرو بن محمد بن بشیر را که مقدم خواص او بود بالشکری به جنگ اسمعیل بن احمد سامانی حکمران ماوراءالنهر فرستاد، محمد منهزم و مقتول شد. عمرو خود تجهیز قتال اسمعیل کرد و اسمعیل ابرام نمود که عمرو به مملکت وسیع خود قانع شده متعرض ماوراءالنهر نشود عمرو قبول نکرده با عساکر خود متوجه ماوراءالنهر شد و از نهر بلخ عبور کرد، اسمعیل به مقاتله او رو نهاده بعد از جنگ شدیدی عمرو و لشکر او گریختند عساکر

اسمعیل عمرو را گرفته نزد او آوردند اسمعیل او را نزد المعتضد فرستاد المعتضد خلعتی برای اسمعیل فرستاده ولایت ولایاتی را که در دست عمرو بود به او مفوض داشت و اسمعیل بر خراسان مستولی شد، و المعتضد عمرو را در بغداد حبس کرد و مجبوس بود تا در سال دو یست و هشتاد و نه او را در حبس بکشتند. چون محمد بن زید علوی که طبرستان را متصرف بود شنید عمرو بن لیث صفاری اسیر شد به خراسان تاخت که این مملکت را تصاحب کند، و میان او و عساکر اسمعیل جنگ سختی در گرفت، اتباع و لشکر محمد بن زید گریختند و خود او چند زخم برداشته بعد از چند روز به واسطه آن زخمها در گذشت، پسر او زید را که در جنگ اسیر شده بود نزد اسمعیل سامانی آوردند اسمعیل او را اکرام نموده موسع بداشت. محمد بن زید مرد ادیب فاضل شاعر نیکوسیرتی بود بعد از او الناصر للحق حسن بن علی معروف به اطروش بجای او برقرار آمد، وفات قطرالتدی دختر خمارویه زوجه المعتضد.

افریقا — دادن ابراهیم اغلی حکمران افریقیه ولایت صقله را به پسر خود ابوالعباس بن ابراهیم بن احمد بن اغلب.

[سنه ۲۸۸ هجری = سنه ۹۰۰ مسیحی]

آسیا — بروزو بای شدید در آذر بایجان وفات محمد بن ابی الساج حکمران آذر بایجان به ناخوشی و با وفات عبید الله بن سلیمان وزیر المعتضد و دادن المعتضد شغل او را به پسرش ابوالحسن القاسم بن عبید الله وفات ثابت بن قره بن سنان الصابی طبیب مشهور.

[سنه ۲۸۹ هجری = سنه ۹۰۱ مسیحی]

آسیا — جنگهای متوالی در شام میان طغج بن جق حکمران دمشق و قرامطه. وفات ابوالعباس احمد المعتضد بن طلحة الموفق بن جعفر المتوکل بن محمد المعتصم بن هارون الرشید در بیست و دویم ربیع الاخر که شبانه در خانه محمد بن طاهر او را دفن کردند. المعتضد در ذیحجه سنه دو یست و چهل و دو متولد شده بود خلافتش نه سال و نه ماه سیزده روز، چون در گذشت سه پسر از او بماند که یکی علی المکتفی و دیگری جعفر مقتدر و سیمی هارون باشد، و یازده دختر داشت شجاعت و سطوت و عفت او معروف است. خلافت علی المکتفی که در وفات پدرش المعتضد در رقه بود و در جمادی الاولی به بغداد آمد، المکتفی هفدهمین خلیفه عباسی بود. کشته شدن عمرو بن لیث صفاری در حبس به اشاره وزیر المعتضد بدون رضایت المکتفی. زلزله های متوالی در بغداد. بروز

سرمادر جمص و بغداد در تابستان بطوریکه آب یخ بست. زیاد شدن آب دجله بقدر پانزده ذراع. وزیدن باد شدید در بصره که بسیاری از نخلها را برکند و موضعی خسف شد که شش هزار نفر را معدوم نمود.

اروپا — (انگلیس) فوت پادشاه الفِرْد از طایفه ساکسُن که در سمت جنوب انگلیس چند پشت سلطنت کردند، و طایفه دانُوا در سمت شمال موسوم به نواحی آنگل سلطنت می نمودند.

افریقا — وفات ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم اغلب حکمران افریقته و برقرار شدن پسرش عبدالله بن ابراهیم به جای او و عبدالله عادل و نیکوسیرت بود.

[سنه ۲۹۰ هجری = سنه ۹۰۲ مسیحی]

آسیا — ازدیاد شوکت قرامطه و منهزم کردن لشکر طُفج بن جُف حکمران دمشق را و محاصره کردن دمشق و کشته شدن بزرگ قرامطه که یحیی معروف به شیخ بود، و رئیس شدن حسین برادر یحیی بر قرامطه که خود را احمد نامید، و خالی در چهره خود پدیدار کرده اظهار داشت که این آیت و علامت منست، و چون جمعیت او زیاد شد اهل دمشق مبلغی به او دادند و با او صلح کردند او دست از دمشق کشیده به جمص رفت و غلبه بر جمص نمود و خطبه در منابر جمص به اسم او خواندند و او خود را مهدی امیر المؤمنین نامید، و ابن عم خود عبدالله را ولیعهد خود ساخت و او را المذثر لقب داد و گفت این همان مدثریست که در قرآن مذکور است، بعد به حماة و معره و آن نواحی راند و اهالی راحتی اطفال و نسوان را کشت و به سلمیه رفت و اهل سلمیه را امان داد چون آنها تسلیم شدند شمشیر در آنها گذاشته کشت، حتی اطفال مکتب خانه ها را، همینکه شوکت قرمطی صاحب خال^۱ زیاد شد المکتفی از بغداد به رقه آمد و بسوق عساکر به جهة دفع او پرداخت، وفات عبدالله بن احمد بن حنبل.

[سنه ۲۹۱ هجری = سنه ۹۰۳ مسیحی]

آسیا — عساکر خلیفه در دوازده میلی حماة به بزرگ قرامطه و همراهان او تاخته قرامطه

۱. در کامل همه جا به جای «صاحب خال» «صاحب الشامه» آمده است.

منهزم شدند و بزرگ قرامطه صاحب خال بامدثر ابن عم او و غلام رومی او فرار می کردند که دستگیر شدند و آنها را در رقه نزد المکتفی آوردند المکتفی آنها را به بغداد آورده کشت و سر صاحب خال را در اطراف و جوانب بگردانید. وفات قاسم بن عبدالله وزیر خلیفه. وفات ابوالعباس احمد بن یحیی بن زید المعروف به ثعلب (تغلب) پیشوای کوفتیین در نحو و لغت.

[سنه ۲۹۲ هجری = سنه ۹۰۴ مسیحی]

آسیا - فرستادن المکتفی لشکری به سرداری محمد بن سلیمان، به دمشق و استیلای محمد بردمشق و راندن به طرف مصر که هارون بن خُمارو^۱ به این مملکت را در تصرف داشت، چون محمد بن سلیمان به مصر نزدیک شد سرکرده های هارون بن خُمارو^۱ به از او اعراض کرده به عساکر خلیفه پیوستند و هارون باقیه لشکر خود به مقابله و مقاتله عساکر خلیفه بیرون آمد و میان او و محمد بن سلیمان جنگها اتفاق افتاد، آخر الامر در میان جیش خُمارو^۱ به خصومت افتاد و کار به جنگ کشید هارون سوار شد که فتنه را بخواباند یکی از مغربی ها مزایقی به او زد و او را کشت (مزراق نیزه کوتاهست) پس از کشته شدن هارون عم او شبیان به جای او برخاست و از محمد بن سلیمان امان خواست، محمد او را امان داد و شبیان نصف شبی گریخت و دیگر او را نیافتند و محمد بن سلیمان بر مصر استیلا یافت و بنو طولون را که هفده هیجده نفر بودند بگرفت و اموال آنها را ضبط نمود و خود آنها را با خبر فتح مغلولاً به بغداد فرستاد و این در ماه صفر این سال بود و سلطنت بنی طولون منقرض شد. عزل کردن خلیفه ابوالعشایر را از سرحدات و نصب کردن رستم بن برد^۲ او را به جای او، و جهة عزل ابوالعشایر این بود که اندرون نقس رومی مرعش و آن نواحی را غارت کرد^۳ و اهالی سرحد متزلزل گردیدند، زیاد شدن آب دجله به حدیکه خانه هائیکه در عراق در کنار دجله بود خراب شد. یانقین^۴ در بغداد در باب الطاق از جانب شرقی در رسته صفارها که هزار دکان پُر از مال التجاره بسوخت. طلوع ستاره

۱. کامل: رستم بن بردوا.

۲. عبارت کامل این است «وفیها أغار أندرونقس الرومی علی مرعش ونواحیها».

۳. عبارت کامل این است: «وفیها وقع الحریق ببغداد بباب الطاق...» ذیل وقایع سال ۳۰۳ و نیز جاهای دیگر به جای حریق «یانقین» آمده است.

دنباله داری در برج جوزا که دنباله بسیار بلندی داشت. وفات قاضی عبدالحمید بن عبدالعزیز ابوحازم قاضی المعتضد در بغداد و این قاضی از افاضل قضاة بود.

اروپا — (روس) هشتاد هزار نفر روس که بر دو هزار قایق سوار بودند به ریاست الُغ نامی از رود دنی پُر پائین آمده به قراَد نگیز رسیده الی بُسْفُر رانده قسطنطنیه را محاصره نمودند و اطراف این شهر را سوزانیده جمعیت زیادی را بکشتند، لئون امپراطور قسطنطنیه بعد از دادن مبلغ گزافی به آنها شهر را نگاهداری می نماید و طایفه روس فاتحاً غانماً معاودت به اوطان خود می نمایند.

[سنه ۲۹۳ هجری = سنه ۹۰۵ مسیحی]

آسیا — بعد از استیلاء عساكر خلیفه بر مصر و بازگشت محمد بن سلیمان از این مملکت شخصی خارجی که او را خَلْجی می گفتند در بلاد مصر خروج کرد و شوکت زیادی بهم رسانیده احمد بن کُیْلَغ عامل دمشق مأمور دفع خلجی گردید، قرامطه میدان را خالی دیده دمشق و طبریّه را غارت کردند و متوجه کوفه شدند، المکتفی لشکری با سردارهای مخصوص خودش مثل وصیف بن سوار تکین الترمکی، و فضل بن موسی بن بغاء، و بشر الخادم الافشینسی، و رابیع الجزری^۱ به رفع آنها فرستاد و جنگ سختی قرامطه با آنها نمود عساكر خلیفه بکلی منهزم و بسیاری کشته شدند و غنیمت زیادی قسمت قرامطه شد و همین اسباب عدت و قوت آنها گردید. وفات عبدالله بن احمد النّاشی^۲ الشاعر و نصر بن احمد الحافظ، وفات احمد الزندیق ابن یحیی بن اسحق معروف به ابن الراوندی که کتابها در کفر والحاد و مناقضه با شریعت و معارضه قران تالیف کرده بود و علمای اعلام جمیع اقوال و کتب او را بایرا هین قاطعه رد نموده اند، و فوت او در تاریخ قاضی شهاب الدین ابن ابی الذم الحموی در این سال نوشته شده اما ابن خلکان وفات او را از حوادث سنه دو یست و چهل و پنج شمرده است و بعضی دو یست و پنجاه هم گفته اند. دادن المکتفی ولایت موصل و اعمال آنرا به ابی الهیجاء عبدالله بن حمدان حمدون تغلبی و شورش اکراد هذبانیّه

۱. کامل: رائق الحرری.

۲. کامل: أبو العباس عبدالله بن محمد النّاشی الشاعر الکاتب الانباری.

به ریاست محمد بن بلال که ابن حمدان بر آنها غالب شده ایشان را امان داد و امنیت دایر گردید، و این است اول امارت بنی حمدان در موصل — گرفتار نمودن عساکر المکتفی بعد از جنگهای سخت خلنجی را که در مصر خروج کرده بود و آوردن او را به بغداد به امر خلیفه و مجبوس شدن او. فتح کردن اسمعیل بن احمد سامانی بعضی از بلاد ترکستان را.

[سنه ۲۹۴ هجری = سنه ۹۰۶ مسیح]

آسیا — قرامطه بر حجاج راه عراق تاخته تمام آنها را که بیست هزار نفر بودند بکشتند و اموال آنها را ضبط کردند بزرگ قرامطه ذکرویه^۱ بود، المکتفی لشکری بر سر آنها فرستاده با آنها جنگ کردند و جمع کثیری از آنها بکشتند و ذکرویه زخمدار و اسیر شد و پس از شش روز بمرد و سر او را بردند و به بغداد آوردند و در شهر بگردانیدند. وفات محمد بن نصر مروزی صاحب تصانیف کثیره در سمرقند.

اروپا — جنگ ابن کیغلیخ در بلاد رومیه الصغری و غلبه او بر رومیها که بسیاری را بکشت و بعضی شهرها را فتح کرد. *کتابت کتب و ترمیم کتب*

[سنه ۲۹۵ هجری = سنه ۹۰۷ مسیح]

آسیا — فات اسمعیل بن احمد بن اسد السامانی پادشاه ماوراء النهر در ماه صفر و برقرار شدن پسرش ابونصر احمد بن اسمعیل به جای او به امضای المکتفی، وفات المکتفی بالله ابومحمد علی بن المعتض بالله ابی العباس احمد بن الموفق بالله که مدت خلافتش شش سال و شش ماه و نوزده روز بود، و عمرش سی و سه سال، و در خانه محمد بن طاهر مدفون شد. خلافت المقتدر بالله ابوالفضل جعفر بن المعتض هجدهمین خلیفه عباسی که در این وقت سیزده ساله بود. وفات ابوجعفر محمد بن احمد بن نصر الترمذی فقیه شافعی محدث. (چین) طایفه تنگ که سیصد سال بود درین مملکت سلطنت می کردند منقرض شدند و طایفه هولی لگ به جای آنها برقرار آمدند.

[سنه ۲۹۶ هجری = سنه ۹۰۸ مسیحی]

آسیا — خلع کردن سرداران لشکر و قضاة المقتدر را، و بیعت کردن با عبدالله بن معتر، و ملقب نمودن او را به الرّاضی بالله، و وقوع مناقشه و محاربه میانه غلامانیکه هواخواه مقتدر بودند، و غلامانیکه به الرّاضی بالله میل داشتند، که آخر الامر ابن معتر منهزم شد و پنهان گردید و اتباع او متفرق شدند، پس از آن ابن معتر گرفتار و محبوس گشت و دو شب در حبس بود تا در زندان او را طناب انداخته و چنین شهرت دادند که او به اجل موعود درگذشت، عمر ابن معتر تقریباً چهل و نه سال و او مرد فاضل شاعری بود مدت خلافتش یکروز. نزول تگرگ در بغداد که از صبح تا عصر می بارید و چهار انگشت بر روی زمین بنشست و سرمای شدید شد. ولایت یوسف بن ابی السّاج در ارمنیّه و آذربایجان.

اروپا — جنگ مونس مظفر در بلاد رومیة الصغری و غلبه او بر رومیها.

افریقا — ابونصر زیادة الله بن عبدالله بن ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب^۱ که در سال دو یست و نود سلطان افریقیّه بود قبل از آنکه پادشاه شود پدرش به جهة شرب خمر او را حبس کرده او با سه نفر صقالیه بر قتل پدرش اتفاق کرده، آنها عبدالله پدر زیادة الله را بکشتند و سرش را در زندان نزد زیادة الله بردند چون او سلطان شد حکم کرد قاتلین پدرش را کشتند و از آنجا که ابونصر زیادة الله در استیفای لذات ولوع بود و بیشتر به صحبت اهل هزل مشغول و بر هر کس از اغالبه از اعمام و برادران خود دست می یافت می کشت و در امر مملکت اهمال می کرد، ابی عبدالله شیعی که دعوت به دولت علویّه فاطمیّه می نمود در مغرب قوی شد زیادة الله جمیع لشکر خود را که چهل هزار نفر بودند به سرداری ابراهیم نامی از بنی اعمام خود به جنگ ابی عبدالله شیعی فرستاد، ابوعبدالله آنها را منهزم کرد زیادة الله چون دید نمیتواند مقابل ابی عبدالله بایستد هر قدر توانست از اموال خود را برداشت به طرف مشرق مملکت خود رفت و در این سال به مصر آمد، نوشری عامل مصر بود، ماجری را به المقتدر نوشت و زیادة الله به رقه آمد، المقتدر او را حکم کسر کرد که به مغرب باز گردد و به نوشری نوشت که او را امداد نماید تا مملکت خود را مسترد سازد زیادة الله به مصر آمد و نوشری به او گفت که در خارج بلد

۱. کامل: أبو نصر زیادة الله بن ابی العباس بن عبدالله.

اقامت نما تا تهیه کمک برای تو نمایم و در ترتیب امداد اهماال کرد و مع ذلك زیاده الله به شرب خمر و ملاهی مداومت داشت و طولی کشید و از کمک اثری به ظهور نرسید همراهان زیاده الله متفرق گردیدند و امراض بر مزاج او غالب آمد به قصد اقامت در قدس شریف حرکت کرد و در رمله مرده همانجا مدفون شد و دولت بنی اغلب منقرض گردید و دیگر کسی از آنها در مغرب نماند و مدت سلطنت بنی اغلب تقریباً صد و دوازده سال بود. پس در این سال خلافت خلفاء علویین در مغرب شروع نمود و در پانصد و شصت و هفت در مصر منقرض شد چنانکه بیاید. و اول شخص از خلفای علویین ابو محمد عبیدالله بن محمد بن عبدالله بن میمون بن محمد بن اسمعیل بن جعفر بن محمد بن علی ابن الحسین علی بن ابیطالب علیه السلام است. و بعضی عبیدالله بن احمد بن اسمعیل الثانی بن محمد بن اسمعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام گفته اند، و در نسب این طایفه علماء زیاده از حد اختلاف کرده اند برخی آنها را علوی ندانسته جماعتی گویند بلاشک علوی می باشند شریف الرضی رحمه الله تصدیق به علوی بودن آنها کرده چنانکه گوید.

أَبَسُ الدَّلَّ فِي بِلَادِ الْأَعَادِي وَبِمَصْرِ الْخَلِيفَةِ الْعُلَوِيِّ

خلاصه چون ابو عبدالله شیعی بر افریقیه استیلا یافت برادر خود ابوالعباس و ابوزاکی را در افریقیه جانشین کرده به سجلماسه آمد و در این وقت عبیدالله که اولین خلیفه علوی و مشهور به مهدی باشد باپسرش در سجلماسه در حبس الیسع حکمران سجلماسه بود چون ابو عبدالله شیعی به سجلماسه نزدیک شد الیسع به مقاتله او شتافت ولی تاب مقاومت نیاورده نیم شبی بگریخت ابو عبدالله شیعی داخل سجلماسه شد و مهدی و پسرش را از زندان بیرون آورد و آنها را سوار کرد و خود ابو عبدالله و سران قبایل پیشاپیش آنها می رفتند و ابو عبدالله اشاره به مهدی میکرد و به مردم میگفت این است آقای شما و مهدی از شدت فرح گریه می کرد، خلاصه رفتند تا فسطاط و چون مهدی مُستقل شد فرستاد الیسع را آوردند و بکشتند، بعد مهدی متوجه افریقیه شده در ربیع الاول دو یست و نود و هفت به رقاده رسید و دوانین برقرار کرده مالیات معین نمود و عمال به اطراف فرستاد حسن بن احمد بن ابی حنتر را بر جزیره صقلیه حاکم کرد و به سلطنت مهدی دولت بنی اغلب در افریقیه و دولت بنی مدرار حکمرانان سجلماسه و دولت بنی رستم از تاهرت

زوال یافت، مدت حکمرانی بنی مدرار صد و سی سال و مدت ملک بنی رستم صد و شصت سال بود و چون با وجود مهدی حکمی برای ابو عبد الله شیعوی و ابوالعباس برادرش نماند آنها دلتنگ شده و بسمع مهدی رسید که ابو عبد الله و ابوالعباس به مردم می گویند این آن مهدی نیست که ما شما را به او دعوت کردیم لهذا آنها را طلبید و بکشت.

[سنه ۲۹۷ هجری = سنه ۹۰۹ مسیحی]

آسیا — وفات ابو عبد الله محمد بن سالم صاحب سهل بن عبد الله التستری و فیض بن الخضر و ابوبکر محمد بن داود بن علی الاصفهانی الفقیه الظاهری و موسی بن اسحق القاضي و قاضی ابو محمد یوسف بن یعقوب بن حماد.

اروپا — فرستادن المقتدر قاسم بن سیما را به جنگ رومیهای رومیه الصغری.

افریقا — وفات عیسی التوشری در مصر و برقرار کردن المقتدر تکین خادم را به جای او.

[سنه ۲۹۸ هجری = سنه ۹۱۰ مسیحی]

آسیا — وفات ابوالقاسم جنید بن محمد الصوفی البغدادی که پیشوای وقت خود بود و فقه را از ابی ثور مصاحب شافعی اخذ کرده و تصوف را از سری سقطی. استیلای ابونصر احمد بن اسمعیل السامانی بر سجستان. زلزله در کوفه و بغداد که بسیاری از خانه ها را خراب کرد.

اروپا — بیعت گرفتن ابو عبد الله علوی از مسلمانهای سیسیل.

[سنه ۲۹۹ هجری = سنه ۹۱۱ مسیحی]

آسیا — گرفتن المقتدر وزیر خود ابوالحسین بن فرات را و غارت کردن خانه او را و هتک در حرم او و برقرار شدن ابوعلی محمد بن یحیی بن عبید الله بن خاقان، و این وزیر حالت غریبی داشت یعنی اولاد او بر او غلبه داشتند و هر کس که به آنها رشوه می داد در کار او سعی می کردند لهذا به سرعت عمال اعمال تغییر می نمود چنانکه در مدت بیست روز هفت حاکم در ماه کوفه حکومت کردند که متوالیایکی مغرول و دیگری به جای او

منصبوب می شد و مع ذلک خلیفه به گفته نسوان و خدام عمل و کار می کرد و این معنی اسباب و هن کلی شد. وفات ابوالحسن محمد بن احمد بن کیسان النخوی که عالم به نحو بصریین و کوفیین هردو بود وفات اسحق بن حنین الطیب. زلزله شدید در مصر و کوفه.

اروپا — جنگ رستم حکمران ثغور بارومیهای رومیة الصغری.

افریقا — زلزله شدید در قیروان که هرگز نظیر آن را ندیده بودند.

[سنه ۳۰۰ هجری = سنه ۹۱۲ مسیحی]

آسیا — عزل کردن المقتدر را با علی محمد بن یحیی بن عبیدالله بن خاقان وزیر خود را و نصب کردن علی بن عیسی را به جای او. عصیان اهل سجستان نسبت به ابونصر سامانی که دوباره در ربقة اطاعت او درآمدند. اطاعت اهل صقلیه به المقتدر که باز از او روگردان شده مطیع مهدی علوی شدند. کثرت امراض و علل در بغداد، وفات عبیدالله بن عبدالله بن طاهر بن الحسین در شصت و هفت سالگی. وفات یحیی بن علی بن یحیی منجم معروف به ندیم.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

اروپا — (اسپانیول) وفات عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن حکم بن هشام بن عبدالرحمن داخل پادشاه اسپانیول در چهل و دو سالگی که بیست و پنج سال و کسری سلطنت کرد و یازده اولاد ذکور بهم رسانید، از جمله محمد مقتول بود که پدرش به جنایتی او را بکشت و بعد از فوت عبدالله عبدالرحمن سیم که بعدها معروف به الناصر شد و پسر محمد مقتول بود و به موجب ولایت عهد به جای عبدالله پادشاه اسپانیول گردید و اعمام او و اعمام پدر او بدون اینکه هیچگونه مخالفتی اظهار کنند تمکین او نمودند. در هفدهم ژون در اسپانیول کسوف کلی روی داد. (قسطنطنیه) لئون سیم امپراطور قسطنطنیه فوت کرد و پسرش قسطنطنین که هفت ساله بود به جای او جلوس کرد. (فرانسه) طایفه نرماند که اغلب نقاط فرانسه را متصرف بودند قبول دین عیسوی کردند. (روس) آلف پادشاه روس مطالبه خراج از امپراطور قسطنطنیه می کند و ایجاد قانون در میان طایفه خود می نماید.

[سنه ۳۰۱ هجری = سنه ۹۱۳ مسیحی]

آسیا - کشته شدن ابونصر احمد بن اسمعیل سامانی پادشاه خراسان و ماوراءالنهر در شکارگاه که شب بعضی از غلامان او را بر روی تخت گاه او کشتند و فرار کردند، و این در شب جمعه بیست و سیم جمادی الاخره بود و حمل کردن جسد او را به بخارا و دفن کردن در این شهر و گرفتن بعضی از غلامان او را و کشتن آنها، و جلوس پسرش ابوالحسن نصر بن احمد در سن هشت سالگی به جای او، کشته شدن ابوسعید حسن بن بهرام جُنّابی بزرگ قرامطه در حَمّام به دست یکی از خدام او که صَقلی بود و چون آن خدام او را کشت از حَمّام بیرون آمده به یکی دیگر از بزرگان قرامطه گفت که ابوسعید ترا احضار کرده او نیز داخل حَمّام و به دست آن غلام کشته شد، و به همین طور آن غلام چهار نفر از رؤسای قرامطه را کشت بعد از آن قرامطیها ملتفت شده جمع شدند و آن غلام را کشتند و ابوسعید جُنّابی پسر بزرگ خود سعید الاکبر را ولیعهد کرده بود اما سعید از عهده برنیامده برادر کوچک او ابوطاهر سلیمان که شجاعت و دلیری داشت مباشر مهام امور شد و در وقتی که ابوسعید کشته گشت بر هجر و احسا و قطیف و سایر بلاد بحرین استیلا داشت. استیلاء حسن بن علی بن حسن بن عمر بن علی بن الحُسن بن علی بن ابیطالب علیه السّلام معروف به اطروش بر طبرستان و منهزم شدن محمد بن ابراهیم صعلوک عامل امیرنصر به احمد سامانی از او، وفات قاضی ابوعبدالله محمد بن احمد المقرئ الثقفی، وفات محمد بن یحیی بن منده حافظ مشهور صاحب تاریخ اصفهان که یکی از حفاظ وثقات و از خانواده بزرگی بود که جماعتی از علماء از آن خانواده بیرون آمدند.

اروپا - (روس) وفات آلغ پادشاه روس و جلوس ایغُر به جای او.

افریقا - فرستادن مهدی علوی لشکری به سرداری پسر خود ابوالقاسم به بلاد مصر و استیلاي آنها بر اسکندریه و فیوم که مقتدر قشونی به سرکردگی مونس بن خدام مأمور نمود و آنها را از دیار مصر راندند.

[سنه ۳۰۲ هجری = سنه ۹۱۴ مسیحی]

آسیا - گرفتن مقتدر حُسن بن عبدالله جوهری معروف به ابن جصاص را که انواع اموال از او اخذ کرد و قیمت آنها معادل چهار هزار هزار دینار بلکه زیاده تر بود. به انتها رسیدن تاریخ ابی جعفر طبری، وفات ابوسعید فاطمی رئیس قرامطه، وفات علی بن احمد بن

منصور شاعر معروف به بسامی^۱ که از اعیان شعر او کثیرالهجاء بود و بعضی فوت او را در سال قبل نوشته اند.

اروپا — (رومية الصغرى) پادشاه بلغارسیمن^۲ شهرادرنه را مفتوح ساخته از تصرف سلاطین قسطنطنیه خارج می کند (اسپانیول) عبدالرحمن سیم پادشاه اسپانیول تغییر سکه می دهد، تا این وقت اسامی سلاطین در مسکوکات نبود از این به بعد اسم سلاطین مسلمان اسپانیول به خطاب امامی در مسکوکات نقش می شود و در خطب لقب خلیفه گی بخود دادند.

افریقا — فرستادن مهدی علوی لشکری بسرکردگی جاشه (هباشة) در دریا و استیلاء آن لشکر بر اسکندریه که المقتدر قشونی بامونس خادم مامور این نواحی نموده در میانه مصر و اسکندریه چهار مرتبه بالشکر مهدی جنگ کردند و جمع کثیری از طرفین کشته شدند آخر الامر مغربیهها منهزم شده به بلاد خود بازگشتند.



[سنه ۳۰۳ هجری = سنه ۹۱۴ مسیحی]

آسیا — وفات ابو عبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب النسائی صاحب کتاب السنن در مکه، و ابو عبدالرحمن از پیشوایان و حافظ و محدث بود و بین صفا و مروه مدفون شد. وفات ابوعلی محمد بن عبدالوهاب الجبائی المعتزلی. مخالفت حسین بن حمدان با المقتدر و گرفتار شدن او و گرفتن المقتدر ابوالهیجاء بن حمدان و جمیع برادران او را و حبس نمودن آنها. وقوع یانقین در بغداد در چند محل که بسیاری از اماکن را بسوزانید.

اروپا — (ایطالیا) برانژ پاشاه این مملکت از طرف پاپ به لقب امپراطوری نایل گردید. (رومية الصغرى) تاختن رومیها بر ثغور و آمدن به حصن منصور و نهب و غارت کردن آنچه را که در این حصن بود.

افریقا — اختیار کردن مهدی علوی موضع شهر مهدیه را در ساحل دریاوان موضع عبارت بود از جزیره متصل به بر به هیئت کف دستی که متصل به زندمی باشد و مهدیه را در آن بنا

۱. کامل: علی بن محمد بن نصر بن بسام الشاعر.

کرد و دارالملک خود قرار داد و قلعه بسیار محکم و دروازه های عظیم برای آن بساخت و ابتدای بنای مهدیه در روز شنبه پنجم ذیقعده بود، همینکه مهدیه تمام شد به واسطه حصانت آن مهدی گفت حالا من از بابت فاطمیه اطمینان بهم رسانیدم.

[سنه ۳۰۴ هجری = سنه ۹۱۶ مسیحی]

آسیا - وفات التاصر العلوی که او را اطروش میگفتند و در سال سیصد و یک طبرستان را متصرف شد. برقرار شدن حسن بن قاسم العلوی ملقب به داعی به جای اطروش، و در سال سیصد و شانزده حسن وفات نموده سلطنت علویین در طبرستان منقرض شد. وفات یوسف بن حسین بن علی الرازی مصاحب ذوالنون مصری. عزل شدن علی بن عیسی از وزارة المقتدر و وزارت ابوالحسین علی بن الفرات در ثانی.

اروپا - جنگ کردن مونس مظفر در بلاد رومیه الصغری که قلاع و حصون بسیار در این بلاد فتح کرد.

[سنه ۳۰۵ هجری = سنه ۹۱۷ مسیحی]

آسیا - آمدن دو سفیر از جانب سلطان روم به بغداد که در روز شرفیابی حضور المقتدر تزیینات و تشریفات زیاد منظور داشته بودند از جمله صد و شصت هزار عسکر سواره و پیاده صف کشیده بودند و غلامها بازیستها و کمر بندهای مزین ایستاده همچنین خواجه ها، و چهار هزار خادم سفید، و سه هزار خادم سیاه، و هفتصد نفر حاجب همه بالباسهای فاخر و کشتیها و قایقهای زیاد زینت نموده در شط انداخته بودند و شهر را نیز آراسته و سی و هشت هزار پرده آویخته که از جمله دوازده هزار و پانصد پرده زری بود، و از تجملات بسیار که آنروز سفرا دیدند درختی بود که از طلا و نقره ساخته بودند و هیچده شاخه داشت و اوراق درخت نیز از طلا و نقره بود، و مرغها و گنجشکهای طلا و نقره بر شاخه ها قرار داده و درخت به طور تناسب حرکت می کرد، و مرغها نیز به ترتیب و موزون می خواندند و چون سفرا به حضور خلیفه باریافتند سؤال و جواب ایشان را وزیر واسطه و مبالغ بود. وفات ابوجعفر محمد بن عثمان العسکری معروف به سمان رئیس امامیه که نیز به عمری معروف و مدعی بود که باب امام منتظر است. استخلاص ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان و برادران و کسان او از حبس خلیفه.

اروپا — مأمور شدن ثمال (ثمل) خادم بجنگ بحری بارومیهای رومیه الصغری و جنگ کردن جتی صهوانی در بلاد همین مملکت.

[سنه ۳۰۶ هجری = سنه ۹۱۸ مسیحی]

آسیا — عزل کردن المقتدر ابن فرات را از وزارت حامد بن العباس. امر کردن المقتدر به ساختن مریضخانه در بغداد، و قرار دادن مخارج زیاد بر آن، و این مریضخانه معروف به بیمارستان مقتدری شد. وفات قاضی محمد بن خلف بن حیّان ابوبکر ضبّی معروف به وکیع که عالم به اخبار ناس و صاحب تصانیف حسنه بود، وفات ابوالعباس احمد بن سربح^۱ فقیه شافعی از بزرگان شافعیّه و پیشوایان که او را باز اشهب می گفتند، و او در شیراز قضاوت یافت و مصنفات او به چهارصد کتاب رسید و مذهب شافعی از او منتشر در آفاق شد. گویند در راس هرامنه خداوند شخصی را برمی انگیزاند که احیای سنت و رفع بدعت کند و در راس اوّل مائه هجری عمر بن عبدالعزیز، و در رأس مائه دوّم شافعی و در رأس مائه سیّم باز اشهب نمودار شد.

اروپا — جنگ ثمل خادم در بحر روم، و غزو بُشراشینی در بلاد رومیه الصغری و گرفتن او حصون بسیار در این بلاد.

افریقا — استیلاء عساکر مهدی علوی بر اسکندریّه و بعضی اماکن صعيد مصر به واسطه سفاین که مونس خادم را المقتدر از بغداد به دفع آنها مأمور کرده با امداد کشتیهای طرسوس عساکر مهدی را مغلوب و بسیاری را مقتول نمود و مونس در این واقعه ملقب به المظفر شد بقیة السیف لشکر مهدی علوی به افریقیه برگشتند بعد از آنکه دو چار و با و غلا بودند.

[سنه ۳۰۷ هجری = سنه ۹۱۹ مسیحی]

آسیا — ظهور اغتشاش در بغداد بواسطه تسعیر غله و احتکار آن که پس از باز کردن در انبارهای غله رفع غلا و فتنه شد. یانقین در محله کرخ بغداد که بسیاری از خانه ها بسوخت.

۱. کامل: ابوالعباس احمد بن عمر بن شریح.

اروپا — (اسپانیا) غالب بن حفصون که با چهار پادشاه مُسلان اسپانیول سی و شش سال یاغیگری می کرد در این سال وفات نمود. (روس) غلبه طایفه جنگل نشین که در سواحل رود ولگا بودند به اُیغُر پادشاه روس و مصالحه بین الطرفین.

افریقا — انقراض دولت آل ادریس در مغرب و غلبه فضالة بن جبوس بریحیی بن ادریس بن عمر بن ادریس بن ادریس آخرین سلطان آل ادریس در فاس بعد از آن حسن بن محمد بن قاسم بن ادریس بن ادریس ظهور کرد و خواست دوباره دولت آل ادریس را برقرار کند اما چون کار مهدی علوی رو به اقبال بود حسن مذکور زیاده از دو سال سلطنت نکرد و دولت آل ادریس در جمیع مغرب اقصی منقرض شد و غالب اداره را گرفتند و نزد مهدی علوی و پسر او آوردند مگر آنها که پناه به کوهها بردند، در سال سیصد و چهل ادریس نامی از اولاد محمد بن قاسم بن ادریس بن ادریس ظهور کرد و دوباره این شخص امامت را برای خانواده و آل ادریس برقرار نمود که سال انقراض آنها رانیز بعدها ذکر خواهیم نمود، پس از آنها عبدالملک بن منصور بن ابی عامر بر برعدوه غلبه کرد و خطبه در این بلاد به اسم بنی امیه خواند و همینکه مراجعت باندلس نمود دولت او در برالعدوه متزلزل گردید و بنو ابی العافیه الزنایتون بر فاس غلبه نمودند تا وقتی که یوسف بن تاشفین امیر مُسلمین در این بلاد استیلا یافت.

[سنه ۳۰۸ هجری = سنه ۹۲۰ مسیحی]

آسیا — خلعت دادن المقتدر به ابی الهیجاء عبدالله بن حمدان و او را مامور راه خراسان و دینور کردن، و خلعت دادن به برادران او، وفات ابرهیم بن حمدان، تقلد بدر شرابی امور دقوqa و عکبرا و راه موصل را. آمدن فرستاده برادر صعلوک باتحف و هدایا نزد المقتدر و اظهار انقیاد دائمی او نسبت به خلافت.

[سنه ۳۰۹ هجری = سنه ۹۲۱ مسیحی]

آسیا — کشته شدن لیلی بن نعمان دیلمی که یکی از سرکرده های اولاد اطروش علوی

بود و از جانب حسن بن قاسم داعی ولایت جرجان داشت در جنگ حمویة بن علی سردار امیر نصر سامانی که سر او را به بغداد فرستادند. کشته شدن حسین بن منصور حلاج صوفی در بغداد بفتوای قاضی ابی عمرو، که حامد وزیر چون اصراری به کشتن حسین بن منصور داشت عُنْفاً فتوای قتل او را از قاضی گرفت و نزد خلیفه فرستاده اذن کشتن حسین را بخواست خلیفه اذن داد حامد هزار تازیانه به منصور زد و دست و پای او را برید و در آتش سوزانید و سر او را در بغداد در محلی نصب کرد و کرامات بسیار از حسین بن منصور نوشته اند. وفات ابوالعباس احمد بن محمد بن سهل بن عطاء صوفی از کبار مشایخ و علمای متصوفه. وفات ابراهیم بن هارون الحرانی الطیب. فرستادن المقتدر بالله سفرا نزد طایفه ترک بلغار که در حوالی رود ولگا بودند و رئیس سفراء ابن قُضْلان بود و مقصود از این سفارت دعوت طایفه بلغار است به دین اسلام و ابن فضلان اول شخصی است که تاریخ روس را به زبان عربی نوشت و تا این وقت هیچ تاریخی از ملت روس مدون نشده بود.

اروپا — (اسپانیول) غلبه عبدالرحمن سیم پادشاه اسپانیول بر سلاطین عیسوی که بر ضد او می جنگیدند و عبور او از کوه پیرنه و ورود کردن او به خاک فرانسه و محاصره شهر تولوز و در مراجعت به اسپانیول به واسطه غنیمت زیادیکه عساکر او آورده بودند و سنگین بار شده در یک دره تنگی طایفه ناوار بر آنها تاخته جمعیت زیادی از آنها را به قتل رسانید.

[سنه ۳۱۰ هجری = سنه ۹۲۲ مسیحی]

آسیا — وفات ابوجعفر محمد بن جریر طبری صاحب تاریخ طبری و تفسیر طبری در بغداد و تاریخ طبری از اول عالم است تا آخر سال سیصد و دو هجری، و تفسیر طبری بهترین تفسیرهاست و ابوجعفر فقیه و عالم و عارف به اقوال صحابه و تابعین بود و مصنفات رائقه او راست که همه قابل تمجید است. وفات ابوبکر محمد بن سَرین سهل نحوی معروف به ابن سراج که یکی از علمای بزرگ نحو بود، و اخذ علم از ابوالعباس مبرد کرده، و جمعی نیز از او استفاضه نموده اند از جمله ابوسعید سیرافی و علی بن عیسی الرمانی و غیرهما می باشند، و ابن سراج صاحب مصنفات مشهور بوده است و با وجود فضایل در حرف رالثغه داشته و راء را غاء تلفظ می کرده، رها کردن المقتدر به شفاعت مونس بن خدام یوسف بن ابی الساج را و خلعت دادن و دادن حکومت ری و قزوین و ابهر و زنجان

و آذربایجان را به او، به اینکه سالی پانصد هزار دینار به بیت المال بفرستد علاوه بر جیره و مواجبی که به عساکر متوقفه در این ولایت باید بدهد. ظهور ذوذنب عظیم در بُرج سنبله که تقریباً ذنب او دو ذراع به نظر می آمد.

اروپا — جنگ مسلمین با رومیهای رومیه الصغری برآ و بحرأ.

[سنه ۳۱۱ هجری = سنه ۹۲۳ مسیحی]

آسیا — شیخون زدن ابوطاهر سلیمان بن ابوسعید جَنّابی بزرگ قرامطه باقرمطیها به بصره و بالارفتن از دیوارهای بلد و کشتن حاکم بصره که هفده روز قرامطه در بصره مانده مردم را می کشتند و اموال از بصره حمل می نمودند. وفات ابومحمد احمد بن محمد بن محمد بن الحُسنین الجُریری از مشاهیر مشایخ صوفیه. و ابراهیم بن سری الزجاج النحوی صاحب کتاب معانی القرآن. وفات محمد بن زکریا الرازی طبیب مشهور، و محمد در جوانی عود می زد همینکه ملتحمی شد گفت آوازی که از میان شارب و ریش بیرون آید خوش آیند نیست و عمل خود را ترک کرده بنای تحصیل طب و فلسفه گذاشت و عمر زیاد کرد و در علم به مقامی بلند رسید، و کتب نافعه در طب نوشت که یکی از آنها حاوی و درسی مجلد بود، و یکی کتاب المنصوری، و یکی مختصر نافع که برای یکی از ملوک سامانی نوشته و علاوه بر کتب طبیّه و فلسفه سفرنامه محمد رازی نوشته و شرح سیاحت خود را در اغلب بلاد آسیا و شامات و مصرحتی اسپانیول در آن درج نموده است. تولد محمد بن زکریا در خراسان شده است.

اروپا — (قسطنطنیه) طایفه بلغاریکه در سمت دانونب بودند بعد از تصرف مقدونیه و اُتراس شهر قسطنطنیه را محاصره کردند ولی بشفاعت کشیش اعظم قسطنطنیه دست از محاصره کشیده مراجعت نمودند.

[سنه ۳۱۲ هجری = سنه ۹۲۴ مسیحی]

آسیا — گرفتن ابوطاهر قرمطی حجاج را و اخذ کردن مال بسیاری از آنها و هلاک شدن اکثر حجاج از گرسنگی و تشنگی. گرفتن المقتدر وزیر خود ابوالحسن بن فرات را که پس از گرفتن در قتل اوسعايت کردند و خلیفه حکم به کشتن او کرد او و پسرش محسن را

بکشتند و عمر ابن فرات هفتاد و یکسال بود و عمر پسرش محسن سی و سه سال و بعد از ابن فرات ابوالقاسم خاقانی وزیر شد. راندن ابوطاهر قرمطی به کوفه و شمشیر گذاشتن در میان اهالی و شش روز روزها ابوطاهر داخل شهر شده حمل اموال و ثیاب از این بلد می نمودند و شبها به اردوی خود می رفت. آمدن سفیر سلطان روم نزد المقتدر باهدایای وافر و طلب صلح نمودن، ظهور مردی در کوفه که مدعی بود به اینکه محمد بن اسمعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است و رئیس اسمعیلیه می باشد، خلاصه جمع کثیری دور او را گرفتند و کار او بالا گرفت، لشکری از بغداد به مقاتله او مأمور شد و بسیاری از تبعه او را بکشتند و بقیه السیف فرار کردند.

اروپا — (انگلیس) آتھیلستان به سلطنت مستقله تمام انگلستان جلوس نمود. (رومیه الصغری) جنگ مونس مظفر در بلاد روم، و فتح چندین قلعه، و جنگ بحری ثمل نیز با اهالی همین مملکت، و اخذ غنائم کثیره.



[سنه ۳۱۳ هجری = سنه ۹۲۵ مسیح]

آسیا — عزل ابوالقاسم الخاقانی از وزارت المقتدر و وزارت ابوالعباس الخصیبی، وفات عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز البغوی که صد و دو سال عمر داشت. وفات علی بن محمد بن بشار الزاهد.

افریقا — جنگ عساکر صقلیه به سرداری سالم بن راشد به اتفاق لشکر مهدی علوی با رومیهاییکه بعضی بلاد جزیره صقلیه و قلوریه را متصرف بودند.

[سنه ۳۱۴ هجری = سنه ۹۲۶ مسیح]

آسیا — مامور کردن المقتدر یوسف بن ابی الساج را به تقلد امور نواحی مشرق و رفتن به واسط به جنگ قرامطه، و یوسف مذکور در آذربایجان بود و از اینجا به واسط به مقاتله قرامطه رفت، استیلای نصر بن احمد سامانی برری که پس از دو ماه اقامت در این بلد به بخارا برگشت. فساد عرب در خاک موصل و راه خراسان و نوشتن عبدالله بن حمدان که در بغداد بود به پسر خود ناصر الدوله که در موصل بود که دفع این فساد را نماید و اطاعت و انقیاد عرب بعد از مقاتله با عساکر ناصر الدوله و ملاحظه شوکت و قوت او. عزل

ابوالعباس الخصیبی وزیر المقتدر و وزارت علی بن عیسی. انجماد دجله در حوالی موصل از شدت سرما بحدّیکه از روی آن عبور می کردند. وفات وزیر ابوالقاسم الخاقانی.

اروپا — آمدن رومیهای رومیّة الصغری به ملطیه و حوالی آن، که دُمُستق و ملیح ارمنی با آنها بود، و جنگ سختی میان آنها و اهل مَلَطِیّه اتفاق افتاد، و اهل مَلَطِیّه آنها را دفع کرده نگذاشتند بر شهر ظفریابند ولی خرابی زیاد در آن حدود کردند.

[سنه ۳۱۵ هجری = سنه ۹۲۷ مسیحی]

آسیا — وصول قرامطه به کوفه و راندن یوسف بن ابی السّاج از واسط به جنگ آنها بالشکری جرّار که تقریباً چهل هزار نفر بودند و قرامطه هزار و پانصد نفر، به این معنی که هفتصد سوار و هشتصد پیاده بودند، همینکه ابن ابی السّاج قَلت عدد آنها را دیده به نظر حقارت در آنها دید و گفت به خلیفه فتحنامه بنویسید زیرا که اینها از جنگ من جان بدر نخواهند برد، از قضا چون به قتال پرداختند عساکر خلیفه منهزم شدند و یوسف بن ابی السّاج دستگیر شد و ابوطاهر قرمطی او را بکشت، و مستولی بر کوفه شد و اموال زیاد از این شهر بگرفت. بعد المقتدر لشکر زیادی بامونس خادم به جنگ قرمطیها مامور کرد، اما اکثر این عساکر قبل از ملاقات با طرف مقابل فرار کردند و باقی هم بعد از تلافی فتنین گریختند، و بدین واسطه خوفی از قرامطه و غارت کردن آنها غالب بلاد فراتیّه را در دل اهل بغداد پدیدار آمد پس از آن قرامطه به هجر معاودت کردند. استیلاء اسفار بن شیرویه که از ملازمان ماکان بن کالی^۱ دیلمی بود بر جرجان.

اروپا — (اسپانیول) ظفر یافتن عبدالرحمن سیم براهل طلیله^۲ (تُلُذ) بعد از طول محاصره و خراب کردن بسیاری از عمارات این بلد را و این شهر چهل و دو سال به تصرف غالب بن حفصون و اولاد او بود و آنها بر سلاطین مسلمان اسپانیول یاغی بودند تا در این سال مجدداً این شهر مستخر سلاطین مشارالیه شد.

افریقا — فرستادن مهدی علوی حکمران افریقّه لشکر جرّاری باپسرش ابوالقاسم از مهدیه

۱. در کامل نیز ماکان بن کالی آمده است اما در نسخه بدلی که مصحح کامل در دست داشته «کاکلی» بوده است و البته صحیح کاکلی نمی باشد.

۲. کامل: طَلِیْطَلَة. و صحیح همین است

به مغرب و سبب سوق این عسکر این بود که محمد بن خرزالزنانی برجیشی از کتامة ظفر یافته و خلق کثیری را کشته بود و عسکر مهدی تا آن طرف تاهرت راند و دشمنان بعد از حرکت این لشکر متفرق شده بودند، ابوالقاسم از این سفر بازگشت و باتیره خود نقشه شهری را کشیده امر به بنای آن نمود و آن را محمديه نامید و جمع کثیری برای سکنی به این شهر آمدند و در این نواحی جز محمديه شهری نبود.

[سنه ۳۱۶ هجری = سنه ۹۲۸ مسیحی]

آسیا — داخل شدن قرامطه به رَحَبَه و غارت کردن و اسیر بردن و رفتن به رقه و نهب نمودن محلات بیرون شهر را، و راندن به سنجار و استیمان اهالی سنجار از آنها، و امان دادن قرامطیهها اهل سنجار را و تاراج کردن آبادیهای کوهستان و غیره را و مراجعت کردن به هجر، عزل کردن المقتدر علی بن عیسی وزیر را و گرفتن و وزارت ابوعلی بن مقله اول شخص در خط نسخ.

[ابتدای امر مرداویج]

اسفار بن شیرویه در سنه سیصد و پانزده بر جرجان استیلا یافت و از ملازمان اسفار سرکرده ای بود که بر سایر سرکرده ها تقدم داشت و او را مرداویج بن زیار دیلمی می گفتند بعد از آنکه اغلب لشکریان در خفا بامرداویج بیعت کردند او بر اسفار خروج نمود، اسفار گریخت مرداویج به طلب او شتافت و او را دریافت و کشت و در این سال شروع به تملک بلاد نمود و قزوین و ری و همدان و کنگور و دینور و بروجرد و قم و کاشان و اصفهان و کلپایگان را مسخر کرد و تختی از طلا ساخته بر آن جلوس می کرد، و عساکر او در مقابل او از دور صف می کشیدند و با کسی مکالمه نمی کرد مگر با حاجبهائیکه مخصوص اینکار قرار داده بود، و آنها واسطه سؤال و جواب او با هر کسی بودند بعدها مرداویج بر طبرستان هم غلبه نمود، کشته شدن حسن بن قاسم الداعی به دست عساکر اسفار بن شیرویه.

اروپا — (قسطنطنیه) دُستق بالشکر جزاری از جانب امپراطور قسطنطنیه آمده خلاط را محاصره کرد اهل خلاط طالب مصالحه شدند، دُستق گفت به شرط اینکه منبر مسجد جامع را از جای خود برکنده خاجی به جای او قرار دهید اهالی خلاط چنان کردند،

دمستق از آنجا به بدلیس راند و با اهالی بدلیس همین معامله نمود (دمستق اسم نایب بلادیست که در مشرقی خلیج قسطنطنیه واقع است و بعید نیست که معرب دُمِستیک باشد که در لغت فرانسه بمعنی نوکراست).

[سنه ۳۱۷ هجری = سنه ۹۲۵ مسیحی]

آسیا — در این سال المقتدر بالله را از خلافت خلع کردند و جهة این بود که لشکریان به واسطه غلبه نسوان و خدام بر امور دولتی و تصرف در اموال و املاک از المقتدر رنجیدند و وحشت مونس خادم نیز مزید علت شد بنابراین عساکر نزد مونس خادم جمع شده قصد دارالخلافت کردند و مقتدر را با مادر و خاله و خواص جواری و اولادش از بیت الخلافت بیرون آورده به خانه مونس بردند و بند نهادند و برادر المقتدر محمد بن المعتض را به خلافت برداشتند و با او بیعت کردند و القاهر بالله لقب دادند و المقتدر را واداشتند به اینکه اعتراف نماید بر اینکه خود را از خلافت خلع نموده است و بیت الخلافت را غارت کردند و ششصد هزار دینار که مادر المقتدر مدفون نموده بود از زیر خاک بیرون آوردند و به خانه خلیفه حمل کردند، و خلع المقتدر در نیمه محرم بود، سه روز بعد که روز دوشنبه هفدهم محرم باشد وقت صبح مردم در خانه القاهر جمع شدند اما مونس مظفر حاضر نشد و اهل سلاح از رجاله حاضر شده حق بیعت و جیره و علیق یکساله خود را طلبیدند و صداها بلند شد القاهر باروک (نازوک) را گفت: برو مردم را آرام و مطمئن کن، باروک چون بیرون آمد اهل سلاح را با شمشیرهای کشیده دید و ترسید و برگشت جمعی او را تعاقب کرده در دار خلافت او را کشتند و فریاد یا مقتدر و یا منصور بلند شد و هجوم به طرف القاهر نمودند، القاهر گریخت و پنهان شد و مردم متفرق شدند و احدی در سرای خلافت نماند. بعد رجاله در خانه مونس خادم آمده المقتدر را طلبیدند مونس المقتدر را بیرون آورده به آنها تسلیم نمود رجاله المقتدر را به گردن خود سوار کرده به دارالخلافت بردند و مقتدر فرستاده قاهر را امان داد و به حضور خود احضار کرد چون حاضر شد گفت من می دانم که تو را تقصیری نیست آسوده باش، این بگفت و پیشانی او را بوسید و القاهر اظهار تشکر نمود، پس از آن القاهر را المقتدر نزد مادر خود حبس کرد و مادر المقتدر کمال خوش رفتاری را از هر جهة بالقاهر نمود و المقتدر ثانی در خلافت مقتدر آمد و فتنه

۱. این اسم ضبط های مختلفی دارد. در کامل «نازوک» نسخه بدل ها: نازول، باروک.

خوابید و از آنجا که مونس اشاره به اعاده‌المقتدر نموده بود مخلف گردید، ضعف و عجز خلافت از نگاهداری سرحدات و ممالک همجوار بارومیهای رومیه القصری. هم در این سال ابوطاهر قرمطی روز ترویه به مکه رسید و اموال حجاج را در صورتیکه سالما به مکه رسیده بودند نهیب کرد و خود آنها را بکشت، حتی در مسجد الحرام و داخل کعبه، و حجر الاسود را از رکن برکند و به هجر برد و ابن محلب حکمران مکه را با کسان او مقتول ساخت و در بیت را قلع کرد و شخصی رفت که میزاب را هم قلع نماید اما از بام افتاد و بمرد بعضی از مقتولین را در چاه زمزم انداختند و برخی را دفن کردند و جامعه کعبه را نیز قرامطه بردند و قطعه قطعه کرده قسمت نمودند، وفات محمد بن جابر بن سنان الحرانی الاصل البتانی محاسب و منجم مشهور صاحب زیج صابی و ابن منجم در سال دو یست و شصت و چهار شروع به رصد نمود تا سال سیصد و شش. وفات نصر بن احمد بن نصر بصری معروف به خبزارزی (نان برنجی) که ادیب و راوی اشعار و اقی بود و در مرید بصره نان برنج می فروخت و اشعار بسیار ممتاز به نظم درمی آورد.



[سنه ۳۱۸ هجری = سنه ۹۳۰ مسیحی]

آسیا — بعد از عود المقتدر به خلافت گفتگوی طولانی میان رجاله و اهل سلاح در گرفته از بغداد بیرون آمدند و میانه آنها و لشکریان جنگ در گرفت و رجاله به واسطه گریختند و استیلاً بر این بلد یافتند، مونس مظفر مأثور دفع آنها شده به واسطه آمد و بسیاری از رجاله را کشته باقی را متفرق ساخت، وفات ابوبکر الحسن بن علی بن احمد بن بشار معروف به ابن علاف ضریر (کور) نهروانی که عمر او به صد سال رسیده بود و اشعار مرثیه ابوبکر در حق گربه مشهور است، بعضی وفات ابوبکر را در سال قبل نوشته اند گویا اشعار مرثیه گربه را ابوبکر مرموزاً به جهة ابن معتز گفته است و برخی غیر از این گفته اند. عزل ناصرالدوله بن حمدان از موصل و نصب سعید و نصر دو عم او به جای او، ولایت ناصر الدوله در دیار ربیع و نصیبین و سنجار و خابور و رأس عین و غیرها. عزل ابن مقله از وزارت و نصب سلیمان بن حسین^۱ به جای او، ظهور دولت آل الیاس از فروع سامانیه در کرمان.

۱. کامل: سلیمان بن الحسن.

اروپا - جنگهای ثمل والی طرسوس در بلاد رومیة الصغری که از جمله یکفقره تا عموریه راند و جمع کثیری را به قتل رسانید و اسیر و غنیمت وافر به چنگ آورد.

[سنه ۳۱۹ هجری = سنه ۹۳۱ مسیحی]

آسیا - فرستادن المقتدر سپاهی به جنگ مرداو یج و تلاقی فئین به نواحی همدان و انهزام عساکر خلیفه و استیلا مرداو یج بر تمام بلاد جبل، و رسیدن قشون اوبانهب و غارت تا نواحی حلوان و فرستادن مرداو یج سپاهی به اصفهان که این شهر را نیز گرفتند، زیاد شدن وحشت میانه مونس خادم و مقتدر در ذیحجه این سال، گرفتن المقتدر سلیمان وزیر را و وزارت ابوالقاسم الکلوذانی که بعد از آن کلوذانی نیز معزول و حسین بن قاسم وزارت یافت. جریان سیل شدید به جهة نزول باران زیاد در تکریت که خرابی و مضرت آن بسیار شد و وزیدن باد سرخ و سیاه شدید در موصل. وفات ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمود بلخی از متکلمین معتزله



[سنه ۳۲۰ هجری = سنه ۹۳۲ مسیحی]

آسیا - رفتن مونس خادم به موصل بارنجش تمام از خلیفه و استیلا المقتدر بر اقطاع و املاک و اموال مونس و بستگان او، و نوشتن المقتدر به بنی حمدان امراء موصل که مونس را برگردانند و با او جنگ کنند و وقوع محاربه میان امرای موصل و مونس و غلبه مونس و استیلا او بر موصل و جمع شدن عساکر از هر طرف نزد مونس که نه ماه در موصل اقامت کرد و بعد از آن آهنگ بغداد نموده به تکریت آمد و در باب شماسیه نزول نمود و چون مقتدر ضعف خود را مشاهده نمود و دید که لشکریان از او کناره کردند قصد رفتن به واسط کرد و کسانی که نزد او باقیمانده بودند بر جنگ با مونس اتفاق کردند و المقتدر را از رفتن به واسط منع نمودند، مقتدر کارها به جنگ مونس بیرون شد و فقها و قرا با المقتدر بودند و با آنها قرآنها بود بدین قسم آمدند تا مقابل دشمن، المقتدر و اصحاب او بالای تلی ایستادند و به عساکر خود ابرام نمود که تقدم بر قتال بجویند آنها تقدم جسته ولی منهزم شدند و قومی از مغربیها به المقتدر رسیدند المقتدر گفت وای بر شما من خلیفه ام آنها گفتند ای سفله تو را می شناسیم تو خلیفه شیطانی، این بگفتند و یکی از مغربیها شمشیری به المقتدر زد او به خاک افتاد و سرش را بریدند و به سرچوبی کردند و در این

حال تکبیر می گفتند و المقتدر را لعن می کردند و لباس او را حتی زیرجامه او را از بدنش بیرون آوردند و تنش را در حفره ای دفن و روی قبر را محو کردند که آثاری از او نمودار نباشد بعد سرش را نزد مونس خادم که در راشدیه بود و به جنگ حاضر نشده بودند همینکه مونس خادم سر المقتدر را دید لطمه بر روی خود زد و گریست. المقتدر در کار خلافت اهمال داشت و اموال تفریط می نمود و حکم بانسوان و خدام بود، مدت خلافت المقتدر بیست و چهار سال و یازده ماه و شانزده روز و عمرش سی و هشت سال. چون المقتدر مقتول شد مونس خادم گفت باید ابوالعباس بن المقتدر را به خلافت برداشت، ابویعقوب اسحق بن اسمعیل نوبختی بر او اعتراض کرده گفت ابوالعباس طفل است و خلافت او موجب فساد می شود، لهذا القاهر بالله محمد بن المعتضد را احضار کردند و در بیست و هشتم شوال با او بیعت کردند و القاهر نوزدهمین خلیفه عباسی است. چون القاهر به خلافت برقرار شد مادر المقتدر را طلبید و از او جویای اموال شد، مادر المقتدر هر چه نزد او بود اعتراف کرد القاهر او را به شدت زد در صورتیکه مریض و مستسقی شده بود بعد او را به پا آویخت و او قسم خورد که سوای آنچه اعتراف کرده چیزی نزد او نیست. وزیر کردن القاهر ابوعلی بن مقله را. وفات قاضی ابوعمر و محمد بن یوسف که از فضلا بود. وفات ابوالحسن بن صالح الفقیه الشافعی که از عباد بود. وفات ابونعیم عبدالملک الفقیه الشافعی الجرجانی معروف به اشتر الاسترابادی^۱.

[سنه ۳۲۱ هجری = سنه ۹۳۲ مسیحی]

آسیا — وفات شغب مادر المقتدر، حصول وحشت میانه مونس و القاهر، و مونس بلیق را حاجب قرار داده و امور دارالخلافه را راجع به او کرده و بلیق بر القاهر تنگ گرفته بود و نمیگذاشت هیچ زنی داخل بیت خلافت شود مگر آنکه او را بشناسد و بفهمد که که کیست و جهة این ملاحظات این بود که قاهر در باطن جماعتی را استمالت کرده بود که بلیق حاجب و مونس خادم را بگیرند و طریف السبکری که بزرگترین سرکرده ها بود در این باب بالقاهر اتفاق داشت، بالجمله در اول شعبان القاهر بلیق حاجب و پسرش و مونس خادم را بگرفت بجهة اینکه اینها متفق شده بودند که القاهر را خلع و ابوالاحمد بن

۱. کامل: المعروف بالاسترابادی این واقعه ذیل سال ۳۲۲ نیز آمده است.

المکتفی را به خلافت بردارند و ابن مقله وزیر نیز با آنها همدستان شده بود القاهر به تمهید هر بهه را بگرفت و ابن مقله را نیز از وزارت عزل کرد و اباجعفر محمد بن قاسم را وزارت داد و چون مونس و ابن بلیق و بلیق گرفتار و محبوس شدند لشکر به هیاهو درآمده استخلاص مونس را می خواستند القاهر سر هر سه را بریده در بازارهای بغداد بگردانید بعد از آن به موجب رسمی که داشتند این سرها را در خزانه سرها گذاشتند پس از آن القاهر اباجعفر را عزل کرد و خصیبی را وزارت داد و طریف السبکری را هم بگرفت و اگر طریف نبود القاهر بر مونس و بلیق و پسرش ظفر نمی یافت.

[ذکر ابتدای دولت بنی بویه]

بویه مرد متوسط الحالی بود از دیلم مکتی به ابی شجاع پس از آنکه کار آنها بالا گرفت نسب آنها را چنین گفتند (بویه بن فتاحسرو بن تمام بن کوهی بن شیرزیر اصغر بن شیرکنده بن شیرزیرالا کبر بن شیران شاه بن شیرفته بن بستان شاه بن شیر فیروز بن شیروزیک بن سبسا (سنستا) بن بهرام گور بن یزدجرد) همچنین تا اردشیر بابکان، و بویه سه پسر داشت عمادالدوله ابوالحسن علی، و رکن الدوله حسن، و معزالدوله ابوالحسن احمد، و اینها در خدمت ماکان بن کاکی دیلمی بودند، و وقتی که اسفار بن شیرویه و مرداو بیج دیلمی سلطنت یافتند ماکان بن کاکی هم طبرستان را تملک نمود، همینکه مرداو بیج مملکات ماکان بن کاکی را یعنی طبرستان را گرفت ماکان از طبرستان به دامغان رفته براین ولایت استیلا یافت بعد منزهما به نیشابور آمد و اولاد بویه با او بودند، چون ضعف او را دیدند گفتند تورا دست تنگی است بهتر این است که ما را مرخص کنی همینکه کار تو اصلاح شد باز ما بر سر خدمت آئیم، ماکان آنها را مرخص کرد و جمعی از لشکریان نیز متابعت آنها نمودند و آنها به مرداو بیج پیوستند، مرداو بیج عمادالدوله علی بن بویه را عامل گرج کرد و او در اینجا قوتی گرفت مرداو بیج جماعتی از سرکرده های خود را حواله مالی به کرج داد، چون آنها به کرج آمدند عمادالدوله از آنها استمالت کرد و آنها متقبل اطاعت او شدند مرداو بیج خبر شده وحشت او را گرفت، عمادالدوله در این وقت قصد اصفهان کرد و ابن یاقوت حکمران این شهر بود و از لشکر عمادالدوله منهزم شده، عمادالدوله بر اصفهان استیلا یافت و در این جنگ لشکر عمادالدوله نهصد نفر و عساکر ابن یاقوت ده هزار نفر بودند و این معنی اسباب هیبت عمادالدوله در انظار شد و هر چه مرداو بیج از او بالمراسله طلب ملاطفت کرد او

دفع الوقت نمود و نزد او حاضر نشد و دوماه در اصفهان مانده خراج گرفت و به ارجان در قفای ابن یاقوت که موسوم به ابی بکر بود راند، ابن یاقوت بدون جنگ گریخت و عمادالدوله بر ارجان مستولی شد و این در ذیحجه سال سیصد و بیست بود عمادالدوله از ارجان به نوبندگان آمد و آنجا را هم در ربیع الاخر سال سیصد و بیست و یک بگرفت بعد برادرش رکن الدوله را به کازرون و آن حدود فرستاد و مالیات آن نواحی را بگرفت و باقی اخبار آل بویه در سنوات بعد بیاید.

وفات ابوبکر محمد بن حسین دُرید لغوی فاضل شاعر صاحب قصیده مقصوره معروف به مقصوره ابن درید و صاحب تصانیف در نحو و لغت. وفات ابوهاشم بن ابی علی الجُبائی المتکلم المعتزلی. وفات محمد بن یوسف بن مطر القرطبی راوی صحیح بخاری (قرطبه ایست در بخارا یا بلده ایست در حوالی جیحون).

اروپا — قرائت خطبه به نام عبدالرحمن سیم پادشاه اسپانیول در شهر فز (فاس) و انقراض و برافتادن نسل بنی ادیس ولی بعد از یکسال خلفای فاطمی فاس را از تصرف عبدالرحمن بیرون آوردند. غلبه عیسویها بر مسلمانان و تسخیر شهر مادرید.

افریقا — وفات ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه الاردی الطحاوی الفقیه در مصر و ریاست اصحاب ابوحنیفه در مصر منتهی به ابوجعفر می شود.

[سنه ۳۲۲ هجری = سنه ۹۳۳ مسیحی]

آسیا — استیلای عمادالدوله بر شیراز، کشته شدن اسحق بن اسمعیل نوبختی به حکم القاهر و نوبختی همانست که گفت باید القاهر را به خلافت برداشت. خلع القاهر از خلافت به سبب غدیر که از او نسبت به طریف سبکری به ظهور رسید و نیز قسم دروغیکه خورده در امان دادن مونس و بلیق و پسرش. توضیح آنکه ابن مقله در این اوقات پنهان بود و به لباسهای مختلف در می آمد و به هر طوریکه بود قلوب را از القاهر متوحش می نمود و سرکرده ها را براو می شورانید تا اینکه سیما سرکرده طایفه ساجیه و بعضی دیگر از القاهر وحشت بهمرسانیده و برگرفتن او را اتفاق کردند و جمع شده در خانه او آمدند و درها را گرفتند القاهر شب شراب زیادی خورده و مست خوابیده بود از هیاهوی مخموراً بیدار شد و به بام حتمام گریخت عقب او رفتند و او را گرفتند و آوردند به محلی که طریف

السبکری در آن محبوس بود طریف را بیرون آوردند و القاهر را به جای او حبس کردند و چشمهای او را نیز میل کشیدند مدت خلافتش یکسال و شش ماه و هشت روز، وقتی که القاهر را گرفتند ابوالعباس احمد بن المقتدر بامادرش محبوس بودند آنها را از حبس بیرون آوردند و احمد را بر تخت القاهر نشاندند و به خلافت تهنیت گفتند و الرّاضی بالله لقب دادند، و روز چهارشنبه ششم جمادی الاولی با او بیعت کردند و الرّاضی بیستمین خلیفه عباسی است و به اشاره سیمای قاید، الرّاضی ابن مقله را وزیر کرد و هر چه کردند و اصرار نمودند که القاهر بگوید من خود را از خلافت خلع کردم نگفت و امتناع نمود. کشته شدن محمد بن علی الشّلمغانی تناسخی که صاحب عقاید باطله بود به فتوای فقها و حکم خلیفه (شلمغان قریه ایست در نواحی واسط). وفات ابونعیم فقیه جرجانی استرآبادی و ابوعلی محمد الرّوذباری الصّوفی. وفات حسین بن عبدالله النّساج^۱ الصّوفی از اهل سامرا که از ابدال بود و محمد بن علی بن جعفر الکتابی الصّوفی از اصحاب جنید^۲.

افریقا - وفات مهدی عبیدالله العلوی الفاطمی در مهدیه در ربیع الاول که پسرش قایم ابوالقاسم یکسال مردن او را مصلحه پنهان داشت و پس از آنکه آشکار کرد مردم با او بیعت کردند، عمر مهدی شصت و سه سال، ولایتش بیست و چهار سال و یکماه و بیست روز.

[سنه ۳۲۳ هجری = سنه ۹۳۴ مسیحی]

آسیا - کشته شدن مرداو یج دیلمی پادشاه جبل در حمام اصفهان به دست اتراک از عساکر خودش که نسبت به آنها بدرفتاری می کرد، و مرداو یج بسیار متکبر بود و کرسیها از نقره برای خواص خود ساخته بود و تاج مرصعی به وضع تاج کسری برای خود ترتیب داده، و چون مقتول شد برادرش وشمگیر بن زیار به جای او برقرار آمد، سخت گرفتن حنابله در بغداد بر مردم که خانه ها و منازل را کاوش می کردند و هر جا شراب می دیدند می ریختند و مطرب می دیدند می زدند و از این قبیل کارها و آخر الامر خلیفه قسم خورد

۱. کامل خیر بن عبدالله النّساج.

۲. کامل: محمد بن علی بن جعفر الکنانی.

اگر ترک این حرکات نکنند شمشیر در میانه آنها خواهد گذاشت و منازل آنها را خواهد سوزانید، کشتن ناصرالدوله حسن بن عبدالله حمدان حکمران موصل عم خود ابوالعلاء بن حمدان را به جهت اینکه قصد حکومت موصل کرده بود، استیلای عمادالدوله بن بویه بر اصفهان و منازعه او با وشمگیر بر سر این بلد و حمدان و قم و کاشان و کرج و ری و کنگور و قزوین و غیرها. وفات ابراهیم بن محمد بن عرفة المعروف به نفطویه النحوی الواسطی از اولاد مهلب بن ابی صفره.

افریقا — دادن الرّاضی ولایت مصر را به اخشید محمد بن طغج بن جف که پیش از اینها حاکم رمله بود و بعد از آن حکمران دمشق شد و در این وقت احمد بن کیغفغ والی مصر بود و الرّاضی او را معزول کرده شام و مصر هر دو را به اخشید داد و او در ماه رمضان به مصر آمد، فرستادن القائم علوی حکمران مغرب لشکری از طرف دریا به افریقیه که شهر جنوه را گرفتند و براهل سردانیه تاختند.



[سنه ۳۲۴ هجری = سنه ۹۳۵ مسیحی]

آسیا — گرفتن حجریه و مظفر بن یاقوت ابن مقله وزیر را که خلیفه این عمل رامستحسن شمرد. اغتشاش امر وزارت خلیفه و طلبیدن الرّاضی محمد بن رایق را از واسط به جهت تقلد وزارت و آمدن او به بغداد و چون ابن رایق قشون و عساکر معروف به ساجیه را گرفته بود عساکر حجریه نیز از او متوحش شدند و عمل و رارت باطل شد و ابن رایق ناظر جمیع امور شد و عمال و حکام اطراف دم از خود سری زدند و از برای خلیفه نمائد مگر بغداد و اعمال آن و در اینجا هم خلیفه حکمی نداشت بلکه حکم با ابن رایق بود اما باقی جاها: بصره به دست ابن رایق مذکور بود، و خوزستان در تصرف بریدی، و فارس در حکمرانی عمادالدوله، و کرمان در اطاعت ابوعلی محمد بن الیاس، و ری و اصفهان و جبل در تبعیت رکن الدوله بن بویه، وشمگیر بن زیار برادر مرداویج که باهم کشمکش داشتند، و موصل و دیار بکر و مضر ربیع در تحت بنی حمدان، و مصر و شام مسخر اخشید محمد بن طغج، و مغرب و افریقیه در تملک قائم بن مهدی علوی، و اندلس در چنگ عبدالرحمن بن محمد الاموی ملقب به الناصر، و خراسان و ماوراءالنهر در زیر حکمرانی نصر بن احمد سامانی، و طبرستان و جرجان مطیع دیلم، و بحرین و یمامه مقهور ابو طاهر قرمطی، طلبیدن ابن رایق فضل بن جعفر بن فرات را که عامل خراج مصر و شام بود

به بغداد که به وزارت ابن رایق و خلیفه پردازد. تولد عضدالدوله دیلمی در اصفهان. وفات جحظه برهکی از اولاد یحیی بن خالد بن برمک که در فنون مختلفه علوم عالم بود، وفات عبدالله بن احمد بن محمد بن مفلس فقیه ظاهری صاحب التصانیف. و عبدالله بن محمد الفقیه الشافعی النیشابوری.

[سنه ۳۲۵ هجری = سنه ۹۳۶ مسیحی]

آسیا — رفتن الرّاضی و ابن رایق به واسطه به جهت جنگ بابریدی، و گرفتن ابن رایق بعضی از عساکر حجریه را و متقبّل شدن بریدی آنچه را که الرّاضی از او مطالبه نماید، و برگشتن الرّاضی و ابن رایق به بغداد و نکول کردن ابو عبدالله بن بریدی تقبّل خود را، و فرستادن ابن رایق لشکری به سرداری بجکم (بحکم) ^۱ بر سر ابن بریدی که او را منهزم کردند و او نزد عمادالدوله بن بویه آمد و او را به طمع عراق انداخت و وقع خلیفه را از نظر او برد، وفات عبدالله بن محمد الخزاز (الجزار) ^۲ نحوی صاحب تصانیف در علوم قرآن.

افریقا — بد سلوکی کردن عامل صقلیه سالم بن راشد که از جانب القائم علوی حکمران صقلیه بود و عصیان اهالی جرجنت از صقلیه و نوشتن سالم به القائم، و مدد خواستن و فرستادن القائم لشکری به امداد او، و محاصره نمودن جرجنت را، و کمک خواستن اهل جرجنت از امپراطور قسطنطنیه، و کمک دادن امپراطور به آنها، و امتداد محاصره تا سال سیصد و بیست و نه، که بعضی از اهالی رفتند و باقی امان خواستند و بزرگان آنها را گرفتند و در کشتی نشاندند که به افریقیه ببرند چون به وسط دریا رسیدند کشتی آنها را غرق کردند.

[سنه ۳۲۶ هجری = سنه ۹۳۷ مسیحی]

آسیا — فرستادن عمادالدوله برادر خود معزالدوله را به اهواز و استیلای او بر این بلاد و این به واسطه پیوستن ابن بریدی به عمادالدوله بود چنانکه پیش اشاره نمودیم. قطع کردن دست ابن مقله به جهت اینکه خیال داشت ابن رایق را بگیرد و بجکم را به جای او برقرار کند ابن

۱. کامل: بجکم.

۲. کامل: الجزار.

رایق فهمید و او را گرفته حبس کرد، و در باب او گفتگوها بالراضی کرد، و آخر الامر ابن مقله را از حبس بیرون آوردند و دست او را بردند و این در نیمه شوال بود، و چون ابن مقله از این زخم منکر جان بدر برد و شفا یافت باز در تحصیل رتبه وزارت ساعی بود و قلم را به دست مقطوع خود می بست و می نوشت، ابن رایق باز خبر شد و دانست که ابن مقله مردم را برضه او و الراضی تحریک می کند زبان او را هم برید و در حبس بر او سخت گرفت تا از سختی در اواخر شوال سیصد و بیست و هشت در زندان در گذشت و در خانه خلیفه مدفون شد بعد اهل او جسد او را طلبیدند، لهذا قبر او را نبش کرده نعش او را بیرون آوردند و تسلیم آنها کردند، اهل ابن مقله او را در خانه خودش دفن نمودند بعد از آن محل هم او را به جای دیگر برده مدفون ساختند. از عجایب اینکه ابن مقله سه مرتبه مقلد امر وزارت شد و وزارت سه خلیفه را که المقتدر و القاهر و الراضی باشند نمود و سه سفر کرد، دو به شیراز و سفری در وزارت به موصل و سه دفعه پس از مردن مدفون شد. استیلاً بجکم بر بغداد و دارالخلیفه پس از آنکه به واسطه رفته بود و لشکر ابن رایق را که به جنگ او فرستاده بود منهزم ساخته، و چون به بغداد رسید ابن رایق به عکبرا گریخت و پنهان شد و الراضی بجکم را خلعت داد و امیر الامراء کرد، مدت امارت ابن رایق یکسال و ده ماه و شانزده روز و بجکم ابتداء مملوک وزیر ماکان کاکی دیلمی بود. ماکان او را از وزیر خود گرفت بعد از ماکان کناره کرده به مرداو یج پیوست و از جمله کشندگان مرداو یج شد و به عراق آمده بخدمت ابن رایق پرداخت و ابن رایق او را به اهواز فرستاد و ابن بریدی را دفع و طرد کرد. فساد حال قرامطه و کشتن یکدیگر را و ماندن آنها در هجر.

اروپا — (اسپانیول) اتمام قصریکه عبدالرحمن سیم در شهر زهرا در پنج میلی گرد و (قرطبه) بنا کرده بود و موسوم به القصر نموده و غالب ستونهای این قصر از سنگ مرمر سفید باچوب سدر بود و یک حوضی از شبه و طلا داشته و درین وقت از آن قصر و مکتب اثری نیست.

[سنه ۳۲۷ هجری = سنه ۹۳۸ مسیحی]

آسیا — راندن بجکم و الراضی به موصل و گریختن ناصرالدوله بن حمدان که پیشکشی گرفته با او صلح کردند و به بغداد برگشتند، و قبل از ورود به بغداد ابن رایق باجماعتی

به بغداد آمده بود و این معنی اسباب خوف خلیفه و بجکم شده اخرا لا مرقار دادند که ابن رایق والی حران و الرها و قنسرین و سرحدات باشد^۱، و ابن رایق به این نواحی آمده استیلاً یافت. وفات عبدالرحمن بن ابی حاتم الرازی صاحب الجرح و التعديل و عثمان بن خطاب ابوالدنیا معروف به اشج، گویند او حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را ملاقات نموده و صحیفه ای او راست که روایت از آن حضرت نموده اما این ضعیف است. وفات محمد بن جعفر صاحب تصانیف مشهوره از قبیل اغلال القلوب^۲ و غیره. وفات کعبی (العلنی) المعتزلی که اسمش عبدالله بن احمد بن محمود و مکتبی به ابوالقاسم و صاحب مقاله بود.

اروپا - (اسپانیول) مخالفت امیه بن اسحق با عبدالرحمن سیم پادشاه اسپانیول به شترین و کمک خواستن از جلالقه و شکست دادن مسلمین را، که در جنگ ثانی جلالقه شکست خوردند و بسیاری از آنها کشته شد و امیه از عبدالرحمن امان خواسته و امان یافت. در جنگ سیمانکاس را میزدیم^۳ بر قشون عبدالرحمن غالب آمده هشتاد هزار نفر از مسلمین به قتل رسیدند ولی مؤرخین سلاطین اسلام اسپانیول این واقعه را در سال بعد نوشته و می گویند بعد از آنکه پنجاه هزار نفر از قشون عبدالرحمن کشته شد برخصم غلبه نمود.

[سنه ۳۲۸ هجری = سنه ۹۳۹ مسیحی]

آسیا - استیلای ابن رایق بر شام و غلبه او بر دمشق و حِمص و راندن بدر نایب اخشید و رفتن تا عریش به قصد مصر و گرفتن اخشید جلوا و را، و جنگ سخت بین فتن و گریختن ابن رایق به دمشق و فرستادن اخشید لشکری بابرادر خود به جنگ ابن رایق، و فرار عساکر اخشید و کشته شدن برادرش، و فرستادن ابن رایق به تعزیت اخشید که مزاحم پسر خود را نزد او روانه کرد و اظهار داشت که برادر تو به حکم من کشته نشده باوجود این اگر بخواهی به جای او مزاحم پسر مرا بکش، اخشید مزاحم را خلعت داده نزد

۱. عبارت کامل این است: «حران والرّها و ماجاورها، و چند قنسرین والعواصم».

۲. کامل: اعتلال القلوب.

۳. کامل: رد میر.

پدرش معاودت داد و مصر بر اخشید و شام بر محمد بن رایق مقرر آمد. کشته شدن طریف السُّبکری در سرحد. وفات محمد بن کلینی از ائمه امامیه، و محمد بن احمد معروف به ابن شبنوذ المُقری، و ابو محمد المرتعش از مشایخ صوفیه، و ابوبکر محمد بن قاسم معروف به ابن انباری از علمای نحو و ادب. انتشار کواکب.

اروپا — (اسپانیول) وفات ابو عمر احمد بن عبدربه بن حبیب (جنیب) قرطبی از موالی هشام بن عبدالرحمن داخل که از علمای کثیر الحافظه و محفوظات زیاد داشت و مصنف کتاب عقد که از کتب نفیسه است.

[سنه ۳۲۹ هجری = سنه ۹۴۰ مسیحی]

آسیا — وفات الراضی در نیمه ربیع الاول به علت استسقا که مدت خلافتش شش سال و ده روز و عمرش سی و دو سال و ادیب و شاعر و سخی بود، و ادبا و فضلا را دوست می داشت و سنان بن ثابت القصابی الطیبی از ندمای او بود و الراضی آخرین خلیفه ایست که اشعار مدون دارد و خطب بسیار بر منبر خوانده است و باندا نشسته است و مقرری و مستمری و خزانه و مطبخ و امور او به ترتیب خلفاء متقدمین بوده است. بالجمله پس از وفات راضی چون بجکم در واسط بود امر خلافت معوق ماند تا بجکم نامه و دستور العملی به ابو عبد الله کوفی کاتب خود به بغداد فرستاد و او ارکان دولت را جمع کرد و پس از مشورت ابراهیم بن المقتدر بالله ابی الفضل جعفر را به خلافت برداشتند و ابراهیم المتقی لله را از میان القاب اختیار کرد و به اشاره بجکم سلامه الطولونی حاجب المتقی شد، و سلیمان بن حسن وزیر الراضی وزارت یافت اما از وزارت جز اسمی نداشت، و رسم آن با ابو عبد الله کوفی کاتب بجکم بود، و المتقی بیست و یکمین خلیفه عباسی است. کشته شدن ماکان بن کاکسی، تبیین آنکه: ماکان بر جرجان استیلاء یافته بود یکی از سرکرده های سامانی در لشکر خراسان موسوم به ابوعلی بن محمد بن مظفر بن محتاج به جانب او تاخته او را منهزم کرد، ماکان به طبرستان آمد ابوعلی بن محتاج از جرجان قصد ری کرد، و شمشگیر بن زیار برادر مرداو بیج در ری بود و از ماکان بن کاکسی در طبرستان به جهة مقاومت با ابوعلی بن محتاج کمک خواست، ماکان از طبرستان به ری آمده با و شمشگیر به مقاتله ابوعلی محتاج پرداختند، ناگاه تیری بر سر ماکان آمده او را بکشت و و شمشگیر به طبرستان گریخت و ابوعلی بن محتاج به ری استیلاء یافت. کشته

شدن بجکم، تفصیل این احوال آنکه: بجکم لشکری به جنگ ابوعبداللہ بریدی فرستاده بود و خود نیز از واسط عقب لشکر می رفت که شنید لشکر او بر بریدی غلبه کرده و بریدی گریخته، بجکم عزم مراجعت به واسط کرد و در راه مشغول به شکار بود تا رسید به نهر جور (خور)^۱ — در اینجا شنید که اگرادی در این نواحی هستند که صاحب ثروت اند، شره او را بر این داشت که با قلیل جماعت خود حمله بر آنها کند و ایشان را غارت نماید، چون قصد اکراد کرد آنها گریختند، کودکی از آنها نشناخته از پشت سر نیزه به تهیگاه او زد که همان نیزه او را بکشت، همین که خبر کشته شدن بجکم به المتقی رسید به خانه او فرستاد و اموال زیادی از خانه او بیرون آوردند که اکثر آن زیر خاک مدفون بود و برای بریدی هم فرج بعد از شدتی شد، امارت بجکم دو سال و هشتماه و چند روز بود، انگاه بریدی ببغداد آمد و چند روزی بر کارها مسلط گردید اما چون بدسلوک بود عامه و راجع خرج کردند و کورتکین روی کار آمد، بعد ابن رایق از شام به بغداد آمد و ابوالحسن احمد بن علی بن مقاتل را در شام نایب خود کرد، پس از مقاتله ها با کورتکین بر او غالب آمده او را حبس نمود و المتقی او را امیر الامراء کرد. وفات متی بن یونس الحکیم الفیلسوف^۲، و بختیشوع بن یحیی الطیب. وفات ابوالحسن علی بن محمد السمری آخرین سفرای اربعه از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه بر مذهب شیعه و غیبت کبری.

[سنه ۳۳۰ هجری = سنه ۹۴۱ مسیحی]

آسیا — عود بریدی به بغداد و استیلای او و گریختن ابن رایق و المتقی به طرف موصل و غارت کردن بریدی بغداد را و ظلم زیاد. و چون المتقی و ابن رایق به تکریت رسیدند به ناصرالدوله بن حمدان نوشته از او استمداد نمودند و روانه موصل شدند ناصرالدوله از موصل به جانب دیگر رفت، المتقی پسرش ابومنصور و ابن رایق را نزد ناصرالدوله فرستاد ناصرالدوله آنها را به خوبی پذیرفت و نقود بسیار خلیفه را اهدی کرد همین که قصد

۱. در کامل نیز «جور» آمده است.

۲. عبارت کامل این است: «وفی ایام الراضی توقی أبوبشر أخو متی بن یونس الحکیم الفیلسوف».

مراجعت کردند ناصرالدوله به ملازمان خود امر کرد ابن رایق را کشتند، و این در بیست و سیّم رجب بود آنگاه ابن حمدان به خدمت الممتقی آمد الممتقی او را خلعت داده امیرالامراء کرد و برادر او ابوالحسن علی را خلعت داده سیف الدوله لقب داد و این در اول شعبان بود، و الممتقی باناصرالدوله به بغداد آمد و بریدی بگریخت و مردم یکدیگر را غارت کردند و ورود الممتقی بابنی حمدان و عساکر کثیره به بغداد در ماه شوال این سال بود، همین که ناصرالدوله در بغداد استقرار یافت دنانیر را اصلاح کرد و دیناریکه ده درهم قیمت داشت سیزده درهم شد. وفات ابوبکر محمد بن عبدالله محاملی فقیه شافعی^۱ وفات ابوالحسن علی بن اسمعیل بن ابی بشر اشعری که حنابله از روی جهالت او را تکفیر می کردند و می خواستند قبر او را نبش کنند و جسد او را بسوزانند. طغیان دجله و غلاء شدید.

اروپا — (رومیه الصفری) استیلای پادشاه بلغار بر نواحی فرنگ در شرقی اندلس. آمدن عساکر روم تانواحی حلب و خراب کردن بلاد این حدود را و به علاوه خرابیها تقریباً پانزده هزار نفر از مسلمین را اسیر نمودند. داخل شدن نصر بن علی از ناحیه طرسوس به بلاد روم و قتل و نهب زیاد در این بلاد.

افریقا — چون خبر کشته شدن ابن رایق به اخشید حکمران مصر رسید لشکر به شام کشیده بردمشق مستولی شد.

[سنه ۳۳۱ هجری = سنه ۹۴۲ مسیح]

آسیا — رفتن ناصرالدوله از بغداد به موصل و غارت کردن دیلم خانه او را و سیف الدوله برادر ناصرالدوله در واسط بود، اتراک براو تاخته سیف الدوله به طرف ناصرالدوله گریخت و به او پیوست، بعد به بغداد آمد و طلب مالی از الممتقی نمود که به عساکر بدهد، الممتقی چهارصد هزار دینار برای او فرستاد و او در میان اصحاب خود تقسیم کرد، در این بین تیورون به بغداد رسید و سیف الدوله گریخت و الممتقی او را خلعت داده امیرالامراء کرد و از او به حالت خوف بماند. وفات ابوسعید نصر بن احمد سامانی^۲ پادشاه خراسان و

۱. عبارت کامل این است: ابوبکر محمد بن عبدالله المعروف بالصیرفی الفقیه الشافعی.

۲. عبارت کامل این است: «وفیها توفی السعید نصر بن احمد...»

ماوراءالنهر به مرض سل درسی و هشت سالگی که مدت سلطنتش سی سال و سی و سه روز و مرد حلیم کریمی بود و بعد از او پسر او نوح بن نصر در ماه شعبان به جای او برقرار گردید. خواستن امپراطور قسطنطنیه از المتقی مندیلی را که به زعم ناصری حضرت مسیح (ع) صورت خود را بران مسح نموده و عکس صورت مسیح در آن مانده و این مندیل در کلیسای الرها بود، و وعده کردن که در ازای این مندیل جمع کثیری از اسرای مسلمین را رها خواهد کرد، و امر کردن المتقی تسلیم مندیل را به گماشتگان امپراطور و مستخلص شدن جمعی از اسرای اسلام بدین واسطه. وفات محمد بن اسمعیل فرغانی صوفی استاد ابی بکر دقاق. وفات سنان بن ثابت بن قرة طیب حاذق، زلزله بسیار شدید در ناحیه نسا که دهکده های زیاد خراب شد و خلقی هلاک شدند.

[سنه ۲۳۲ هجری = سنه ۹۴۳ مسیحی]

آسیا — رفتن المتقی از ترس تورون و ابن شیرزاد از بغداد به طرف ناصرالذوله به موصل و آمدن سیف الدوله به ملاقات خلیفه به تکریت که بعد از آن ناصرالذوله هم به تکریت آمده المتقی را به موصل برد و بنو حمدان به اتفاق المتقی به رقه رفتند و در آنجا اقامت کردند، و بر المتقی معلوم شد که بنی حمدان باطن آمیل به بودن با خلیفه ندارند و مفارقت او را طالبند لهذا نامه به تورون نوشته طلب صلح نمود تا به بغداد برود و در اینکار بودند که سال به آخر رسید. فوت ابوطاهر قرمطی رئیس قرامطه، غلاء عظیم در بغداد، عامل کردن ناصرالذوله بن حمدان محمد بن علی بن مقاتل را بر قنسرین و عواصم و حمص که بعد از آن در همین سال پسر عم خود حسین بن سعید بن حمدان را براماکن مزبوره عامل نمود.

اروپا — طایفه ای از روس از طرف دریا به نهر گر آمده به برده رسیدند و براین ولایت استیلا یافتند و نهب زیاد کردند و سفاین آنها به روس، معاودت نمود.

[سنه ۳۳۳ هجری = سنه ۹۴۴ مسیحی]

آسیا — نوشتن المتقی نامه به اخشید حکمران مصر و شام و شکایت کردن از حالت خود و آمدن اخشید از مصر به حلب و از حلب به رقه و ملاقات کردن با المتقی و هدایای وافره دادن به او، و اصرار نمودن که با او به مصر یا به شام برود تا اخشید با او باشد و قبول نکردن

المتقی، و اظهار داشتن اخشید که پس در رقه بمان و از تورو بیندیش، اما از آنجا که المتقی به تورو نامه نوشته و طلب صلح کرده بود و تورو از برای متقی قسم خورده که مطابق میل او حرکت کند المتقی در بیست و ششم محرم به طرف بغداد منحدر شد و اخشید به طرف مصر بازگشت، و چون المتقی به هیت رسید توقف کرد و باز نزد تورو فرستاد و تجدید قسم نمود و تورو از بغداد به ملاقات المتقی شتافته در سندیه تلافی شد و موکل برالمتقی گماشت تا در سرابرده خود نزول کرد، فی الفور تورو آمده او را بگرفت و چشمهای او را میل کشید المتقی و حرم او بنای فریاد زدن را گذاشتند تورو امر کرد طبل زدند تا صدای آنها به گوش مردم نرسد و تورو المتقی را کور وارد بغداد کرد. خلافت المتقی سه سال و پنج ماه و بیست روز و مادرش ام ولد و اسمش خلوب بود. بیعت کردن با المستکفی بالله ابوالقاسم عبدالله بن المکتفی بالله علی بن المعتضد بیست و دو یمین خلیفه عباسی که او را به سندیه احضار کرد و مردم عموماً در اینجا با او بیعت کردند و این در ماه صفر در روز خلع المتقی بود. فرستادن المستکفی القاهر را از دار خلافت به خانه ابی طاهر، و القاهر بعد از بی چیز شده که جبّه پنبه و کفش چوبی پوشیده بود. استیلاء سیف الدوله ابوالحسن علی بن ابی الهیجاء عبدالله بن حمدان بر حلب و حمص و محاصره کردن او دمشق را و آمدن اخشید از مصر به مقاتله سیف الدوله و رفتن سیف الدوله به قنسرین و تلافی فتنین که هیچیک غالب و مغلوب نشدند و سیف الدوله بجزیره بازگشت و چون اخشید به دمشق آمد سیف الدوله به حلب معاودت نمود و این بلد را متصرف شد و در این وقت عساکر قسطنطنیه تا حوالی حلب آمدند و سیف الدوله آنها را منهزم کرد.

افریقا - خروج ابو یزید خارجی در قیروان و ازدیاد شوکت او و غلبه کردن بر اغلب بلاد این نواحی، و استیلاء او بر تونس و قیروان، و مقاتله های شدید او با القائم علوی و منهزم شدن عساکر القائم و محاصره کردن ابو یزید او را در مهدیه در جمادی الاولی که محصور و در تنگی بود تا سال بسر آمد، و در ماه صفر سال بعد ابو یزید به قیروان رفت و القائم در این سال که سال سیصد و سی و چهار هجری باشد وفات نمود و پسرش اسمعیل منصور به جای او برقرار شده با ابو یزید جنگها کرد و در بلاد صنهاجه در قریه عمره امیرزیری صنهاجی جده ملوک بنی بادیس به منصور علوی پیوست و بعدها باز مقاتله میانه ابو یزید خارجی و منصور علوی دایر بود تا در قلعه کتامه او را محصور کردند و قلعه را به غلبه فتح

کردند و ابو یزید را گرفته نزد منصور آوردند و او مجروح بود و در سلخ محرم سال سیصد و سی و شش بمرد و پوست او را کنندند و پراز کاه کردند و منصور به مهدیه بازگشت (مذهب ابو یزید تکفیر اهل ملت و اباحه اموال و دماء آنها بود).

[سنه ۳۳۴ هجری = سنه ۹۴۵ مسیحی]

آسیا — مردن توروں در محرم در بغداد و امارت او دو سال و چهارماه و نه روز بود و بعد از او ابن شیرزاد از هیت به بغداد آمده امارت قشون یافت و معزالدوله از اهواز متوجه بغداد شد، همینکه نزدیک بغداد رسید المستکفی و ابن شیرزاد مخفی شدند و امارت ابن شیرزاد سه ماه و چند روز بود. خلاصه حسن بن محمد مهلبی مصاحب معزالدوله به بغداد آمد و اتراک از بغداد به طرف موصل رفتند و مستکفی آشکار شد و بامهلبی ملاقات و اظهار سرور نمود و گفت پنهان شدن من از ترس اتراک بود، بعد در دوازدهم^۱ جمادی اولی معزالدوله به بغداد آمد و بالمستکفی ملاقات و بیعت کرد، و المستکفی او را خلعت داده و در این وقت ملقب به معزالدوله نمود و امر کرد القاب آل بویه را بردنایر و دراهم نقش کنند، و معزالدوله در خانه مونس منزل گرفت و همراهان او در خانه های مردم و این سبب زحمت شدید مردم شد، و معزالدوله قرارداد روزی پنج هزار درهم به جهة مخارج المستکفی به او کارسازی نمایند. خلع کردن معزالدوله المستکفی را و میل کشیدن به چشم او، و بیعت نمودن بالمطیع لله بیست و سیمین خلیفه عباسی که اسم او ابوالفضل بن المقتدر بود در روز پنجشنبه بیست و دویم جمادی الاخره و در واقع خلیفه جزا اسم واجرائی قلیل که معزالدوله برای او برقرار کرد چیزی نداشت. محار بهنصرالدوله بن حمدان و معزالدوله بن بویه که آخر الامر معزالدوله غالب آمد و کار به صلح انجامید. شدت غلا و عدم قوت در بغداد، وفات علی بن عیسی بن جراح وزیر که نود سال داشت و عمر بن حسین خرقی حنبلی، وفات ابوبکر الشبلی الصوفی که حاجب الموفق بود بعد از اعمال دیوانی احتراز کرد و صحبت عرفا را اختیار نمود و وحید عصر خود شد و شبلی مالکی مذهب بود. وفات محمد بن عیسی معروف به ابی موسی^۲ فقیه حنبلی.

اروپا — فوت ایغز پادشاه ملت روس. جلوس اِشویا تُشلا و به جای او.

۱. کامل: حادی عشر جمادی الأولى.

۲. کامل: یُعرفُ بابن ابی موسی.

افریقا - وفات اخشید حکمران مصر و شام که بعد از او پسرش ابوالقاسم أنوجور (یعنی محمود) به جای او برقرار آمد و کافور که غلام اخشید و سیاه بود بر امور استیلا یافت زیرا که أنوجور صغیر بود و بعد از مردن اخشید کافور به مصر رفت و سیف الدوله به دمشق آمده این ولایت را تملک نمود و اهل دمشق قدوم کافور را استدعا نمودند، و کافور آمد و سیف الدوله را از دمشق بیرون کردند و سیف الدوله در حلب استقرار یافت و کافور به مصر مراجعت کرد، و بدر اخشیدی را والی دمشق کرد و او یکسال در دمشق ولایت داشت بعد ابوالمظفر بن طُفُج ولایت دمشق یافت.

[سنه ۳۳۵ هجری = سنه ۹۴۶ مسیحی]

آسیا - وفات ابوبکر الصولی که عالم به فنون ادب و اخبار بود و صاحب تصانیف مشهوره. صلح معزالدوله و ناصرالدوله. استیلاء رکن الدوله برری.

[سنه ۳۳۶ هجری = سنه ۹۴۷ مسیحی]

آسیا - استیلاء معزالدوله بر بصره. تملک رکن الدوله طبرستان و جرجان را. ظهور ذوذنبی در طرف مشرق که تقریباً ذنب او دو ذرع به نظر می آمد. وفات سلامة الطولونی که حاجب خلفاء بود.

اروپا - (روس) ایجاد شهر پِلیسِگُف به حکم ملکه این مملکت الگا.

افریقا - وفات مسعودی ملقب به قطب الدین که اصولاً مدنی و در بغداد متولد شده بود و در قاهره درگذشت و مروج الذهب از مصنفات مسعودی مشهور است. دادن منصور علوی ولایت جزیره صقلیه را به حسن بن علی بن ابی الحسین الکلبی که از این تاریخ دولت بنی کلب در جزیره صقلیه شروع نمود.

[سنه ۳۳۷ هجری = سنه ۹۴۸ مسیحی]

آسیا - تصرف نمودن معزالدوله موصل را و رفتن ناصرالدوله به نصیبین و در این حال خبر رسید که لشکر خراسان متوجه بلاد معزالدوله شده اند، ناچار معزالدوله از موصل حرکت

کرد و ناصرالدوله به موصل معاودت نمود. رفتن سیف الدوله حمدان به بلاد رومیه الصغری و مقاتله بارومیها و منهزم شدن سیف الدوله و گرفتن رومیها مرعش را و تاختن بر سر اهل طرسوس.

[سنه ۳۳۸ هجری = سنه ۹۴۹ مسیحی]

آسیا — وفات عمادالدوله ابوالحسن علی بن بویه در شیراز در ماه جمادی الاخره و چون عمادالدوله اولاد ذکور نداشت یکسال قبل از آنکه وفات نماید نزد برادرش رکن الدوله فرستاده عضدالدوله فتاً خسرو پسر رکن الدوله را طلبید که او را ولیعهد خود کند، عضدالدوله نزد عماد الدوله آمد در حیات خود او را حکمرانی داد و مردم را به اطاعت او امر کرد، همین که عماد الدوله درگذشت عضدالدوله به فارس ماند و در میان عساکر او نسبت به او خلاف افتاد رکن الدوله پدر او به فارس آمد و مبانى امور را متقن ساخت، و همینکه رکن الدوله به فارس رسید ابتدا به زیارت قبر برادرش عمادالدوله به اصطخر پرداخت و پابرهنه و سربرهنه در حالتیکه عساکر در ملازمت او بودند به طرف قبر شتافت و سه روز در سر قبر اقامت جست تا سرکرده ها و بزرگان بازگشت او را به شهر استدعا کردند، تا عمادالدوله حیات داشت امیرالامراء بود همین که مرد رکن الدوله امیرالامراء شد و معزالدوله مستولی بر عراق شد، و به منزله نایب این دو نفر بود، وفات المستکفی مخلوع اعمی در حبس در خانه خلافت، وفات ابوجعفر نخاس نحوی.

[سنه ۳۳۹ هجری = سنه ۹۵۰ مسیحی]

آسیا — بازآوردن قرامطه حجرالاسود را به مکه و حجرالاسود را قرامطه بیست و دو سال نگاهداشته بودند. وفات ابونصر محمد بن طرخان الفارابی الفیلسوف معروف به معلم ثانی که اصلاً ترک بود و در فاران که در این وقت معروف به اظرار است متولد شده، فارابی در ابتدای تحصیل به بغداد آمد و مشغول به علم حکمت شد و نزد متی بن یونس حکیم مشهور منطق خواند بعد به شهر حران رفت و نزد ابی حیا حکیم نصرانی درس خواند، آنگاه به بغداد برگشت و به حلّ کتب ارسطو و اتقان علم موسیقی پرداخت و عمده تصانیف خود را در بغداد نمود پس از آن به دمشق و از دمشق به مصر رفت و باز به دمشق برگشت و در ایام سیف الدوله در این بلد اقامت کرد، و سیف الدوله نسبت به او اکرام نمود و چون فارابی

مرد زاهدی بود سیف الدوله روزی چهار درهم برای او مستمری قرار داده بود و او به همین قناعت می کرد تا در دمشق درگذشت و در بیرون دروازه صغیر مدفون شد، وفات زجاجی که ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحق باشد و چون مصاحب ابراهیم السری الزجاج بود او را زجاجی گفتند، جنگ سیف الدوله در بلاد رومیة الصغری و قتل و غارت کردن و دریافت غنیمت، و در مراجعت سیف الدوله در جاهای سخت رومیها براو تاختند و اغلب عساکر او را کشتند و سیف الدوله بامعدودی از همراهان خود جان بدر برد. طلوع قمر در ماه ذیحجه منخفا که تمام آن بگرفت.

اروپا — (اسپانیول) عبدالرحمن سیم پادشاه مُسلمان اسپانیول محض اشاعه عدل و تعمیم احکام پسر خود را به جهة مرتکب شدن خلاف شرعی بکشت.

[سنه ۳۴۰ هجری = سنه ۹۵۱ مسیحی]

آسیا — وفات عبدالله بن الحسین الکرخنی فقیه مشهور حنفی معتزلی که مرد عابدی بود. وفات ابوجعفر فقیه در بخارا، وفات ابوعلی اسمعیل بن محمد بن اسمعیل الصقار النحوی المحدث از اصحاب مبرّد که نود و سه سال داشت.

افریقا — وفات ابواسحق ابراهیم بن احمد بن اسحق المروزی الفقیه الشافعی بمصر که ریاست در عراق بعد از ابن سریح باو منتهی میشود و کتب زیادی تصنیف نموده و مختصر مزنی را تشریح کرده است، زلزله شدید در مصر.

[سنه ۳۴۱ هجری = سنه ۹۵۲ مسیحی]

آسیا — راندن یوسف بن وجیه حکمران عمان از طرف خشکی و دریا به بصره و محاصره کردن این بلد را و امداد کردن قرامطه به یوسف و ماندن چندی در اینجا که بعد از آن مهلبی وزیر معزالدوله با عساکر متوجه آنها شده آنها از بصره برفتند.

اروپا — گرفتن رومیهای رومیة الصغری شهر سُرُوج را که اهالی اسیر شده و اموال آنها را به غارت بردند و مساجد را خراب کردند.

افریقا — بنای شهر منصوریّه در مصر در ساحل نیل، وفات منصور بالله العلوی ابوطاهر

اسمعیل بن القائم به امرالله ابوالقاسم محمد بن عبدالله المهدی در سلخ شوال که مدت خلافتش هفت سال و شانزده روز و عمرش سی و نه سال بود، منصور خطیب و بلیغ و در اختراع خطبه در هر وقتی جیادت ذهن داشت و شجاعت او در جنگ ابویزید خارجی مشهود گشت. خلافت ابی تمیم سعد بن منصور اسمعیل ملقب بالمعز لدین الله بجای او.

[سنه ۳۴۲ هجری = سنه ۹۵۳ مسیحی]

آسیا — ملخ خواری در سواد عراق و اهواز و موصل و جزیره و شام و سایرالنواحی. وفات علی بن ابی الفهم داود ابوالقاسم جد قاضی علی بن حسن بن علی التتوخی که عالم به اصول معتزله و نجوم و شاعر بود.

اروپا — (اسپانیول) شهر لیزبن که حالا پای تخت مملکت پرتوغال است و آن وقت در تصرف اعراب مسلم بود عیسویان آن شهر را به حیطه تصرف درآوردند.

[سنه ۳۴۳ هجری = سنه ۹۵۴ مسیحی]

آسیا — وفات امیرنوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل السامانی در ربیع الاخر که ملقب به امیرحمید و کریم الاخلاق و حسن السیره بود و ابتدای سلطنت او در سال سیصد و سی و یک بوده و بعد از او پسرش عبدالملک بن نوح سلطنت یافت. جنگ سیف الدوله بن حمدان در بلاد روم و دریافت غنیمت و کشته شدن جمع کثیری از جانبین و غلبه و نصرت سیف الدوله. فرستادن معزالدوله سبکتکین را بالشکری به شهرزور که فتح نکرده مراجعت کردند. وفات محمد بن عباس معروف به ابن النحوی فقیه، و محمد بن قاسم کرخی.

[سنه ۳۴۴ هجری = سنه ۹۵۵ مسیحی]

آسیا — وفات ابوعلی بن المحتاج سردار لشکر خراسان بعد از آنکه امیرنوح او را از خراسان عزل کرده بود و او به این واسطه از ربه اطاعت امیرنوح خارج شده ملحق به رکن الدوله بن بویه گردیده و در خدمت او درگذشت، انقراض دولت آل طباطبا در کوفه و یمن.

اروپا - (اسپانیول) ساختن کشتی بزرگی در اسپانیول به حکم عبدالرحمن الناصر الاموی که مثل او تا آن وقت نساخته بودند و مقصود از ساختن این کشتی این بود که امتعه مملکت را به واسطه آن بلاد شرق برده بفروشند و امتعه بلاد شرق را در عوض به مملکت حمل کنند و این کشتی در دریا رسید به سفینه ای که رسولی با مراسلات از صقلیه در آن بود و نزد المعز علوی می رفت، کشتی اندلسی هرچه در آن سفینه بود قهراً بگرفت و این خبر به المعز رسید دسته قشونی با حسن بن علی که از جانب او عامل صقلیه بود به اندلس فرستاد و آنها به مرته آمده هرچه در بندرگاه کشتی بود بسوزانیدند و کشتی بزرگ مذکور را بعد از آنکه از اسکندریه برگشته و حامل کنیزهای مغنیه و امتعه بود و همه تعلق به عبدالرحمن داشت بگرفتند و به خشکی نیز داخل شده جنگی با عساکر عبدالرحمن کردند و سالما مراجعت به مهدیه نمودند و بعد از آن عبدالرحمن دسته قشونی مامور کرد و به افریقیه آمدند و جنگی با عساکر المعز نموده معاودت کردند.

(روس) - الگاملکه ملت روس مایل بدین عیسوی شده سفری به قسطنطنیه کرده تابع دین مسیح میشود ولی در مراجعت پسر خود را که پادشاه بود نمیتواند عیسوی کند.

افریقا - مدت سه ساعت در مضر زلزله شد.

[سنه ۳۴۵ هجری = سنه ۹۵۶ مسیحی]

آسیا - وفات ابوعمر محمد بن عبدالواحد الزاهد غلام ثعلب معروف به المطرز که یکی از ائمه لغت بود و صاحب تصنیفات عدیده و به واسطه سعت روایت و کثرت محفوظات او را تکذیب نموده جقال خواندند. جنگ کردن سیف الدوله بن حمدان در بلاد روم و گرفتن غنیمت و اسیر و قلاع چند و مراجعت او در آذنه که چندی در اینجا ماند و بعد به حلب رفت. خراب شدن دیوانخانه همدان از زلزله.

اروپا - هزیمت عساکر قیصر از اهل اسلام در جنگ کرید و غلبه روم بر طرسوس، (فرانسه) فوت هوق پادشاه فرانسه و تفویض سلطنت به پسر ارشد او هوق کاپه.

[سنه ۳۴۶ هجری = سنه ۹۵۷ مسیحی]

آسیا - وفات سلار مرزبان حکمران آذربایجان که بعد از او حسان پسرش به جای او

برقرار گردید اما این مرزبان برادری داشت موسوم به وهسوزان و او بنای فساد را در میان پسرهای برادر خود گذاشته بطوریکه میانه آنها مقاتله درگرفت و وهسوزان به مقصودیکه داشت نایل آمد. ناقص شدن آب دریای فارس به قدر هشتاد باع که جزایر و جبالیکه پیش از آن پدیدار نبود در دریا نمودار شد. خسف اراضی ری و طالقان از زلازل عظیمه. اتفاق زلزله در عراق عجم که کوهی را بشکافت و دهکده ای را به هوا بلند کرد و اندک وقتی آن دهکده در هوا ماند مثل اینکه آو یزان باشد بعد از آن باسکنه ای که در آن بود به زمین افتاد، نیز زمین منصدع شده دود سیاه بدبوئی از شکاف آن بیرون آمد. کثرت اورام حلق، و مآشرا، و موت فجأه در بغداد، وفات ابوالعباس محمد بن یعقوب الاموی النیشابوری معروف به اصم که در حدیث عالی الاسناد بود، وفات ابواسحق ابراهیم بن محمد الفقیه البخاری الأمین.

[سنه ۳۴۷ هجری = سنه ۹۵۸ مسیحی]

آسیا - استیلای معزالدوله بر بلاد جزیره، و وقوع زلزله در بغداد و جبال، وفات ابن درستویه. وفات ابوالحسن علی بن البوشنجی القنوی در نیشابور، و ابوالحسن محمد از اولاد ابی الشوارب قاضی بغداد بود، و ابوعلی حسین بن علی النیشابوری، و ابومحمد عبداللّه الفارسی النحوی که از مبرّد اخذ علم نحو کرده بود، خسوف کَلّی قمر. و بء عظیم در بلاد جبل.

افریقا - وزارت یافتن ابوالحسین جوهر عبدالمعز از ملازمان المعز علوی و مأمور شدن او بالشکری جرّار در ماه صفر به اقصای مغرب و رفتن به تاهرت و از آنجا به فاس در جمادی الاخره که احمد بن بکر حکمران فاس دروازه های شهر را بست و جوهر با وجود مقاتله غلبه نکرده رفت تا انتهای بحر محیط و بلاد آن نواحی را پیمود بعد به فاس برگشت و این بلد را به غلبه گرفت، و زیری بن مناد صنهاجی در این مأموریت با جوهر مشارکت داشت، و فتح فاس در رمضان سال بعد اتفاق افتاده است. وفات ابن یونس مورخ مصر.

[سنه ۳۴۸ هجری = سنه ۹۵۹ مسیحی]

آسیا - نیامدن باران و غلا و تسعیر غله در اغلب بلاد، وفات ابوبکر بن سلیمان الفقیه الحنبلی معروف به التجاد در نود و پنج سالگی. وفات جعفر بن محمد خلدی (جلدی)

صوفی از اصحاب جنید، خراب شدن رها و حرّاً و جزایر روینه به واسطه استیلای رومیها.

اروپا — (قسطنطنیه) فوت امپراطور قسطنطین که پسرش رومن او را مسموم ساخت.

[سنه ۳۴۹ هجری = سنه ۹۶۰ مسیحی]

آسیا — وقوع خلاف میان اولاد مرزبان حکمران آذربایجان و احتیاج آنها به همراهی عمّ نخود و هشودان^۱ و مکاتبه و مصالحه با او و آمدن او نزد ایشان و غدرو مکر کردن با ایشان و گرفتن و هشودان حسان و ناصر را که پسران مرزبان برادر او بودند و کشتن این دورا، و کشتن مادر حسان و ناصر را. جنگ کردن سیف الدوله حمدان در بلاد رومیة الصغری و فتح نمودن بعضی از این بلاد را، و سوزانیدن و کشتن و غنیمت گرفتن و راندن تا خرشته اما در مراجعت در تنگه ها رومیها او را احاطه کرده آنچه از آنها گرفته بود مسترد ساختند و همراهان او را کشتند فقط خود سیف الدوله با سیصد نفر نجات یافتند، باید دانست که پیش از وقت بعضی از اشخاص که معرفتی به حال این راه داشتند به سیف الدوله گفتند که مصلحت نیست از این راه عبور کنی اما چون سیف الدوله استنکاف داشت که به رأی دیگری عمل کند مبتلا به این بلا شد. اسلام آوردن دو یست هزار خرگاه از اتراک، وفات ابوالحسن تیناتی^۲ درصد و بیست سالگی و کرامات ابوالحسن مشهور است، واقعه عظیمه مابین شیعه و سنی در بغداد و غلبه شیعه به سبب بنی هاشم و معزالدوله.

افریقا — وفات أنوجور بن الاخشید حکمران مصر و برقرار شدن برادرش علی بن اخشید به جای او، حجاج مصر در مراجعت از مکه در وادیشی منزل نمودند سیل آمد و آنها را باجمیع احوال و ائقال به دریا برد.

[سنه ۳۵۰ هجری = سنه ۹۶۱ مسیحی]

آسیا — افتادن عبدالملک بن نوح سامانی در شکارگاه از اسب و در گذشتن او به واسطه

۱. کامل: وهسودان.

۲. کامل: أبوالخیر الأقطع التیناتی.

همین صدمه و در گرفتن فتنه در خراسان بعد از فوت او، و برقرار شدن برادرش منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسمعیل بن اسد بن سامان به حکمرانی به جای او. رسیدن ابوالعباس عبدالله بن حسن بن ابی الشوارب به منصب قاضی القضاتی در بغداد و تقبل او به دادن دویست هزار درهم هرسالی به دیوان و این اول کسی است که به جهت این منصب ادای وجه قرارداد و این در ایام معزالدوله بن بویه بود. بنای دارالسلطنه در بغداد برای معزالدوله انقراض بنی اخضر از شرفای حجاز، ظهور بنی هاشم در مکه.

اروپا — (اسپانیول) وفات عبدالرحمن سیم پادشاه اسپانیول که پنجاه سال و ششماه سلطنت کرده بود در هفتاد و سه سالگی در ماه رمضان، و این اول پادشاه مسلمان اسپانیا است که خود را خلیفه و امیرالمؤمنین و الناصر لدین الله لقب داد و این بهم چشمی خلفای علوی افریقیه بود. سلطنت حکم دو یم پسر عبدالرحمن سیم بعد از فوت عبدالرحمن و ملقب شدن او بالمستنصر (المنتصر) و در این وقت حکم چهل و هشت ساله بود. (رُم) ران دوازدهم پاپ به واسطه افراط در معاصی و مناهی مردود شده و در سنه نهصد و شصت و نه مسیحی از پاپی خلع می شود.^۱ (رومیه الصغری) گرفتن رومیها جزیره کرید را از اهل اسلام.

افریقا — وفات ابوشجاع فاتک که رومی بود و اخشید حکمران مصر در رمله او را از آقای او گرفته و صاحب جاه و مکانتی نموده بود و فاتک با کافور موافقتی داشت، همینکه اخشید مرد و کافور اتابک پسر اخشید شد فاتک را خوش نیامده به فیوم که اقطاع او بود رفت ولی آب و هوای فیوم با او سازگار نشده کرهاً به مصر بازگشت و عاقبت در این سال در مصر درگذشت.

[سنه ۳۵۱ هجری = سنه ۹۶۲ مسیحی]

آسیا — آمدن عساکر رومیة الصغری به همراهی دُمستق به عین زربه، و فتح کردن این محل را بطور امان، و کشتن بعضی از اهالی را و رهانمودن باقی را. استیلای همین عساکر بر حلب و مقاتله با سیف الدوله و کشته شدن اغلب از قشون سیف الدوله و

۱. نمی دانیم واقعه ای که در ۹۶۹ مسیحی رخ داده چرا ذیل ۹۶۱ آمده است.

گریختن خود او بامعدودی و غارت کردن دمستق خانه سیف الدوله را که در بیرون شهر حلب بود و بردن اموال و اسلحه بسیار و اسیر کردن چندین هزار نفر از اطفال و مراجعت دمستق و همراهان او پس از نه روز اقامت در این بلد. استیلای رکن الدوله بن بویه بر طبرستان و جرجان. وفات ابوبکر محمد بن حسن النقاش المقری صاحب کتاب شفاء الصدور، قوت مذهب شیعه و غلبه اهل این مذهب به واسطه معزالدوله بن بویه.

اروپا — (رومیه الصغری) فتح کردن رومیها قلعه دلوک را به ضرب شمشیر و مسخر کردن سه قلعه از قلاع مجاور آن را. اسیر کردن رومیها ابافراس حارث بن سعید بن حمدان را در مثنج و ابافراس در این محل حکومت داشت.

افریقا — رفتن عساکر اسلام به صقلیه و فتح کردن طبرمین را که مستحکمترین قلاع بود و طبرمین را طبرمین معزیه می گویند و منشوبست به المعز علوی.



[سنه ۳۵۲ هجری = سنه ۹۶۳ مسیحی]

آسیا — وفات وزیر مهلبی ابومحمد که مرد کریم عاقل فاضلی بود و سیزده سال و سه ماه وزارت کرده، حکم کردن معزالدوله به شیعه های بغداد که در روز دهم محرم دکانین خود را به بندند و به تعزیه داری حضرت خامس آل عبا (ص) مشغول شوند، و زنها موهای خود را پریشان کرده صورتهای خود را سیاه نموده از خانه ها بیرون آیند و بر سر و سینه بزنند و جامه پاره کنند و چون شیعه ها زیاد بودند و سلطان با آنها متفق بود سبها نتوانستند مانع این اعمال شوند. عزل ابن ابی الشوارب از قضاوت و ابطال وجهی که ادای آن را ملتزم شده بود. گرفتن معزالدوله عید غدیر را باتشریفات هرچه تمامتر.

اروپا — کشتن رومیها امپراطور قسطنطنیه را و اختیار کردن دیگری را به جای او به امپراطوری و دمستق شدن ابن شمشقیق.

[سنه ۳۵۳ هجری = سنه ۹۶۴ مسیحی]

آسیا — راندن معزالدوله به موصل و نصیبین و مسخر کردن ایندو ولایت را، و منهزم شدن ناصر الدوله که بعد از آن موافقت فیما بین معزالدوله و ناصرالدوله حاصل شده، و

ناصرالدوله ملتزم شد که هر سالی از بابت مالیات موصل به معزالدوله مبلغی بدهد، معزالدوله راضی شده موصل را به او واگذار کرد و مراجعت به بغداد نمود. فرار لشکر معزالدوله در جنگ صقلیه، وفات ابوسعید احمد بصری.

[سنه ۳۵۴ هجری = سنه ۹۶۵ مسیحی]

آسیا — مخالفت اهل انطاکیه باسیف الدوله و اطاعت نمودن به رشیق که از طرسوس متوجه انطاکیه شده بود و به حلب راند و باقرغویه که از جانب سیف الدوله عامل حلب بود جنگ کرد و در این وقت سیف الدوله در میافارقین بود و لشکری به سرداری بشاره خادم خود به حلب فرستاد و بشاره و قرغویه متفقاً بارشیق مقاتله نمودند و رشیق کشته شد و همراهانش گریختند و به انطاکیه رفتند. استیلاء خلف بن احمد سجستانی بر سجستان. کشته شدن ابوالطیب متنبی و پسرش به دست اعراب و بردن جمیع اموالی را که همراه داشت، و اسم متنبی احمد بن حسین بن حسن بن عبدالصمد کنندی بود و در سال سیصد و سه در کوفه در محله کنده متولد شده، منسوب به این کنده گردیده کنده ای که اسم قبیله است، و متنبی از قبیله جعفری است گویند ابتدا متنبی در کوفه سقائی می کرد اما هنوز در سن کودکی بود که به شام آمده به فنون ادب مشغول و ماهر شد و در لغت مخصوصاً تسلط و تبخّر کاملی بهمرسانید و شعر او به اقصی درجه رسید و او را از این جهت متنبی گفته اند که در ارض سماوه ادعای نبوت کرد و خلق کثیری از بنی کلب و غیره به او گرویدند، لؤلؤ از نواب اخشیدیّه به قصد او به حمص آمده متنبی را اسیر کرد و اصحاب او را متفرق نمود و مدتی او را محبوس داشت تا توبه کرد آنگاه او را رها نموده متنبی در سال سیصد و سی و هفت به سیف الدوله پیوست بعدها از او جدا شده در سنه سیصد و چهل و شش به مصر رفت و کافور اخشید را مدح کرد، بعدها هجو کافور گفته در سال سیصد و پنجاه به فارس آمده عضدالدوله دیلمی را مدح نمود و در این سال از فارس متوجه کوفه شده در نزدیکی نعمانیّه در جانب غربی سواد بغداد در نزدیکی دیر عاقول عرب بر سر او ریخته او را کشتند و اموالش را بردند، وفات محمد بن رحبان ابوحاتم بن احمد بن حبان بستی^۱ صاحب تصانیف مشهوره.

۱. کامل: محمد بن حبان بن احمد بن حبان ابوحاتم البستی.

اروپا — آمدن امپراطور قسطنطنیه به مصیبه و گرفتن این بلد را قهراً، و کشتن واسیر نمودن بسیاری از اهالی را و آمدن به طرسوس و امان خواستن اهل طرسوس که ایشان را امان داد و جامع را طویل کرد، و منبر را سوزانید و جمعی نصرانی شدند و امپراطور به قسطنطنیه مراجعت کرد.

[سنه ۳۵۵ هجری = سنه ۹۶۵ مسیحی]

آسیا — مستخلص نمودن سیف الدوله بن حمدان پسر عموی خود ابوفراس بن حمدان را که به دست رومیها اسیر بود به دادن فدیة، تفرقه و اضطراب قافله حاج مصر و شام از خوف غارت بنی سلیم.

اروپا — (رومیة الصغری) آمدن امپراطور قسطنطنیه به آمد و محاصره کردن این بلد را، و بازگشتن و راندن تا حوالی نصیبین و فرار اهل نصیبین و گرفتن غنایم و رفتن از جزیره به شام و نزول به انطاکیه که پس از مدت زمانی اقامت در اینجا به طرف طرسوس رفت، (اسپانیول) حکم دو یم پادشاه این مملکت به جهة اینکه مسلمانهای اسپانیول در شرب خمر افراط و اکثار می کردند حکم به کنند تمام تاکهای ممالک اسپانیول که در تصرف او بود نمود. (روس) طایفه خزر که در سواحل قزاقستان داشتند و بر طوایف اسلاو که در سواحل رود ولگا ساکن بودند غلبه و تسلط کامل بهمرسانیده پادشاه روس اسویاتسلاو بر آنها غالب آمده آنها را به سمت مشرق می راند.

[سنه ۳۵۶ هجری = سنه ۹۶۶ مسیحی]

آسیا — رفتن معزالدوله به واسط و تجهیز دادن عساکر برای جنگ عمران بن شاهین که بطیحه را متصرف بود، اما چون در بین راه معزالدوله مبتلا به اسهال شد و مرض را غالب دید به بغداد بازگشت و پسرش بختیار را ولایت عهد داد، و اموال زیادی به وجه تصدق بذل کرد و غلامان خود را آزاد ساخت و توبه نمود و در سیزدهم ربیع الاخر درگذشت و در باب التین در میان مقابر قریش مدفون شد، مدت امارتش بیست و یکسال و یازده ماه، و پس از او چون بختیار امارت یافت به عساکریکه مہیای حرب عمران بن شاهین بودند نوشت که با او صلح کنند و به بغداد برگردند و خود به لهو و لعب مشغول شد. گرفتن

ابوتغلب پسر ناصرالدوله پدر خود را و حبس کردن او به جهت اینکه پیر شده بود و بداخلاق و بدرفتاری با اولاد خود می کرد و متضمن شد که از بابت مالیات بلاد محکومه خود سالی دو کروور و دو یست هزار درهم به بختیار بدهد. وفات وشمگیر بن زیار برادر مرداو بیج که بیستون پسرش به جای او برقرار آمد، و بعضی وفات وشمگیر را در محرم سال بعد نوشته اند. وفات سیف الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان بن حمدون التغلبی الربعی در ماه صفر در حلب که نعلش او را به میتافارقین برده دفن کردند. تولد سیف الدوله در ذیحجه سیصد و سه و مرض موت او عسربول و او اول شخصی است از بنی حمدان که حلب را بگرفت و این ولایت در دست احمد بن سعید کلابی نایب اخشید بود. تملک سعدالدوله شریف مکتی به ابوالمعالی پسر سیف الدوله بلادی را که در تصرف پدر او بود. وفات ابومحمد بن الیاس پادشاه کرمان. وفات ابوالفرج علی بن حسین بن محمد بن احمد بن الهیثم بن عبدالرحمن بن مروان بن عبدالله بن مروان بن محمد بن مروان بن الحکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف الاموی الکاتب الاصفهانی صاحب کتاب اغانی. ابوالفرج اصفهانی الاصل و بغدادی المنشأ و باوجود اموی بودن شیعه بوده است.

اروپا — جزیره قبرس که در تصرف مسلمانان بود از دست آنها خلع گردید.

افریقا — وفات کافور اخشیدی که خواجه و سیاه، و از موالی محمد بن طنج الاخشیدی حکمران مصر بود بعد از اخشید پسرش أنوجور حکمران مصر شده ولی مدار جمیع امور شخص کافور را بود أنوجور در سال سیصد و چهل و نه بمرد و برادرش علی بن اخشید که صغیر بود جای او بگرفت علی نیز در سال سیصد و پنجاه و پنج بمرد و کافور خود بالاستقلال حکمران مصر شد و کافور را اخشید به هیجده دینار خریده بود بعضی وفات کافور را در سال بعد نوشته اند. برقرار شدن ابوالفوارس احمد بن علی بن اخشید به جای او.

[سنه ۳۵۷ هجری = سنه ۹۶۷ مسیحی]

آسیا — استیلای عضدالدوله بن رکن الدوله بن بویه بر کرمان بعد از مردن علی بن الیاس پادشاه کرمان، کشته شدن ابوفراس بن حمدان به دست عساکر ابوالمعالی بن سیف الدوله، و ابوفراس چنانکه ذکر نمودیم در مئبج بدست رومیها اسیر شده او را به قسطنطنیه

برده چهار سال نگاهداشتند. وفات المتقی لله ابراهیم بن مقتدر عباسی مخلوع اعمی. وفات علی بن قیدا رصوفی نیشابوری. تقاعد حجاج به جهة ناامنی راه.

اروپا — (روس) ایسویاتسلاو پادشاه روس برطوایف بلغار که در ساحل دانوب بودند غلبه کرده و منظورش این است که پای تخت و مرکز دولت خود را در ساحل اینرود خانه قرار دهد.

[سنه ۳۵۸ هجری = سنه ۹۶۸ مسیحی]

آسیا — اختلاف میان اولاد ناصرالدوله و مردن ناصرالدوله در حبس، و غلبه ابوتغلب بن ناصرالدوله که به عده الدوله الغضنفر ملقب شد، استیلای قرغویه غلام سیف الدوله بر حلب، درخواست سابور بن ابی طاهر القرمطی از اعمام خود که او را رئیس کنند حبس کردن [اعمام] او را، و مردن در حبس.

اروپا — نیسفر امپراطور قسطنطنیه شهر نصیبین را فتح کرده تا حوالی بغداد راند و از اینجا مراجعت به قسطنطنیه نمود. مرکز تحقیقات کتب و اسناد

افریقا — فرستادن المعز لدین الله علوی لشکری به سرداری جوهر رومی که غلام پدرش بود به مصر و استیلای جوهر بر مصر و انقراض اخشیديه

[سنه ۳۵۹ هجری = سنه ۹۶۹ مسیحی]

آسیا — راندن ابوتغلب بن ناصرالدوله به حران و محاصره کردن این بلد را مدتی و فتح نمودن آن را به دادن امان و عامل کردن برقعیدی را که از اکابر ملازمان بنی حمدان بود در این ولایت و معاودت ابوتغلب به موصل، گرفتن عساکر رومیة الصغری انطاکیه را به ضرب شمشیر و کشتن و اسیر کردن اهالی را و اخذ غنائم موفوره و راندن به حلب و فتح نمودن این بلد و محاصره کردن قلعه ارک را که پس از محاصره باقرغویه غلام سیف الدوله که این بلاد را تملک نموده بود و آقازاده خود ابوالمعالی شریف بن سیف الدوله را

۱. در چاپ شکستگی داشت و خوانده نمی شد به قیاس عبارات «اعمام» گذاشته شد عبارت کامل این است: «فجلسوه فی داره».

بیرون نموده مصالحه کردند به اینکه هر سال مبلغی خراج از بابت بلاد متصرفی خود برای امپراطور قسطنطنیه ارسال دارد. فتح کردن عساکر رومیه الصغری ملازگرد را که از ولایت ارمینیه بود به غلبه و اسرو غارت زیاد در این مملکت، صلح قرغویه با آقازاده خود ابوالمعالی و خطبه خواندن به اسم او در حلب، و ابوالمعالی در این وقت در حمص بود و در این ولایت و حلب نیز به اسم المعزالدین الله علوی حکمران مصر خطبه خواندند، و در مکه به اسم المطیع لله عباسی، و در مدینه به اسم المعز، و ابومحمد موسوی پدر شریف رضی در خارج مدینه نیز به اسم المطیع خطبه خواند، وفات محمد بن داود دینوری معروف به الرقی از مشاهیر مشایخ صوفیه. وفات قاضی ابوالعلا محارب بن محمد بن محارب فقیه شافعی که عالم به فقه و کلام بود. انقراض دولت آل الیاس و کشته شدن سلیمان در جنگ عضدالدوله در کرمان، استیلای ابن فلاج از جانب جوهر غلام منصور علوی بر طبریه از بلاد شام، ظهور دولت اکراد حسنویه در دینور.

اروپا — کشته شدن نیشفر (نقفور) امپراطور قسطنطنیه به مواضعه زوجه او بادمستق و جلوس یکی از امپراطورزاده های قسطنطنیه به سریر سلطنت رومیه الصغری. (روس) فوت الگامادر پادشاه روس.

افریقا — جوهر غلام منصور و سردار المعز علوی بعد از غلبه بر تمام مصر بنای شهر قاهره را نمود و اسم خلفای بغداد از خطبه افتاد و شهر قاهره پای تخت خلفای فاطمی شد و شام ضمیمه مصر گردید.

[سنه ۳۶۰ هجری = سنه ۹۷۰ مسیحی]

آسیا — در ذیقعه این سال قرامطه به دمشق آمدند و با جعفر بن فلاج نایب المعز جنگ کردند و ابن فلاج را کشتند و دمشق را گرفتند و اهالی را امان دادند و به رمله رفتند و این بلد را نیز مسخر نمودند بعد جمعی از اخشیديه به آنها پیوستند و آنها قصد مصر نموده به عین شمس فرود آمدند و میان آنها و مغاربه و جوهر جنگ در گرفت، ابتدا قرامطه غلبه کردند بعد مغاربه مسلط شدند و قرامطه مراجعت به شام نمودند و بزرگ قرامطه در این وقت حسن بن احمد بن بهرام^۱ بود. یافتن ابوالقاسم صاحب بن عباد وزارت مؤیدالدوله

بن رکن الدولة را. وفات ابوالقاسم سلیمان بن ایوب طبرانی صاحب المعاجم الثلاثة به اصفهان در صد سالگی. وفات سرّی الرّفا شاعر موصلی به بغداد.

افریقا — تمام شدن بنای قاهره و جامع ازهر به مباشرت جوهر.

[سنه ۳۶۱ هجری = سنه ۹۷۱ مسیحی]

آسیا — مصالحه مابین منصور بن نوح سامانی پادشاه ماوراء النهر و خراسان و رکن الدولة بویه به اینکه هر سال رکن الدولة صد و پنجاه هزار دینار برای منصور بفرستد. مزاجت منصور و دختر عضدالدوله. تصرف ابوتغلب بن ناصرالدوله بن حمدان قلعه ماردین را که نایب برادرش حمدان این قلعه را به او تسلیم کرد و او هر چه مال و سلاح از برادرش در ماردین بود تصاحب نمود.

اروپا — وفات محمد بن حسن مؤرخ اندلس. تاختن رومیهای رومیه الصغری به جزیره و رها و نصیبین، قتل و نهب و اسر زیاد.

افریقا — کوچ کردن المعزّ علوی از افریقیّه در اواخر شوال با خزانه و اموال زیادی که داشت به قصد آمدن به مصر و در حین روانگی المعزّ یوسف معروف به بلکین بن زیری بن مناذ الصنهاجی را عامل افریقیّه قرار داد، و ابوالقاسم علی بن حسن بن علی بن ابی الحسین را به حکومت بلاد صقلیه معین نمود، و حکومت طرابلس غرب را برعهده عبدالله بن یخلف الکتامی موکول داشت، و چون المعزّ به رقه رسید محمّد بن هانی شاعر اندلسی مدّاح المعزّ را که با او بود در اینجا هلاک نمودند و قاتل او معلوم نشد، و المعزّ در اواخر شعبان سال سیصد و شصت و دو، به اسکندریّه رسید و اهل مصر به خدمت او شتافتند و مورد اکرام شدند، و در پنجم ماه رمضان سنه سیصد و شصت و دو به قاهره دارالملک خود ورود نمود.

[سنه ۳۶۲ هجری = سنه ۹۷۲ مسیحی]

آسیا — حصول وحشت فیما بین بختیار و ملازمان او از دیلم و ترک. رسیدن دمستق به حدود میافارقین و نهب و قتل او و فرستادن ابوتغلب بن ناصرالدوله برادر خود هبة الله را

بالشکری به جنگ دمشق و غلبه کردن هبه الله و گریختن رومیها و اسیر شدن دمشق و مردن او در حبس ابوتغلب.

اروپا — پادشاه روس به لقب امپراطوری نایل می گردد.

[سنه ۳۶۳ هجری = سنه ۹۷۳ مسیحی]

آسیا — وادار نمودن سبکتکین ترکی المطیع لله را به اینکه خود را از خلافت خلع نماید و خلع کردن المطیع خود را از خلافت در نیمه ماه ذیقعده، مدت خلافت المطیع بیست و نه سال و پنجماء سوای چند روز بود. بیعت کردن مردم بالطایع لله بیست و چهارمین خلیفه عباسی که اسمش عبدالکریم بن مفضل المطیع لله بن جعفر المقتدر بن المعتضد احمد بود و کنیتش ابوبکر. رفتن سبکتکین و اتراک به طرف واسط که الطایع خلیفه و المطیع مخلوع را نیز با خود بردند و المطیع در دیر عاقول بمرد و سبکتکین نیز در گذشت و اتراک افتکین را که بزرگترین سرکرده ها بود برخود رئیس کردند و تانزدیکی واسط را ندند و بختیار که در واسط بود لشکر به جنگ آنها کشیده پنجاه روز نایره قتال مشعل بود و اتراک غلبه داشتند و بختیار متوالیاً نزد عضدالدوله فرستاد و از او کمک خواست و عضدالدوله کمک برای او فرستاد و سال بسر رسید. بآنها رسیدن تاریخ ثابت بن قره که ابتدای آن از خلافت المقتدر و سال دو یست و نود و پنج بود. راندن قرامطه به مصر و وقوع جنگها مابین آنها و عصا کر المعز که آخر الامر قرامطه منهزم شدند و بسیاری از آنها کشته شد و المعز ده هزار سوار به تعاقب آنها فرستاد و قرامطه به احسا و قطیف آمدند و بعد از آنکه قرامطه منهزم و از شام دور شدند المعز ظالم بن موهوب العقیلی سرکرده را به دمشق فرستاد و او در این ولایت قوت یافت و در میان اهل دمشق و مغار به فتنه ها بر پا بود تا سنه سیصد و شصت و چهار و یک قسمتی از دمشق در این فتنه ها بسوخت، زلزله در واسط، انقطاع خطبه بنی عباس از حرمین به امر المعز. وفات ابن سنان از حکماء و مورخین. مردن حجاج در راه عراق.

اروپا — کشته شدن پادشاه روس به دست یکی از رؤسای طایفه تاتار و تقسیم مملکت روس میان سه اولاد او.

[سنه ۳۶۴ هجری = ۹۷۴ مسیحی]

آسیا — چون عضدالدوله با عساكر فارس تا نزديكي واسط آمد افتكين و اتراك مراجعت به بغداد کردند، عضدا لدوله نیز متوجه جانب شرقی بغداد شد و عزالدوله بختيار را حکم کرد به جانب غربی بغداد رود اتراك از بغداد بیرون آمده با عضدالدوله جنگ کردند و منهزم شدند و عضدالدوله داخل بغداد شد و خلیفه را که اتراك گرفته بودند از چنگ آنها بدرآورد چون عضدالدوله در بغداد استقراری یافت لشکریان به جهة اینکه اجرای آنها نرسیده و بختيار مالی نداشت که بآنها بدهد شورش کردند عضدالدوله به بختيار گفت از امارت استعفا کن و او چنان کرد بعد عضدالدوله بختيار و برادران او را بگرفت و خود در بغداد مستقل شد و کار خلیفه بالا گرفت و اموال زیاد نزد او بردند، چون عزالدوله بختيار را عضدالدوله گرفت مرزبان بن بختيار که حکومت بصره داشت خبر شده به رکن الدوله شاکي شد و رکن الدوله را اینکار بسیار بد آمد ناچار عضدالدوله به جهة استرضای پدر خود و رفع اغتشاش که بدینواسطه در امور پیدا شده بود بختيار را از حبس بیرون آورده خلعت داد و مملکت او را به او مسترد ساخت و خود بفارس بازگشت. اما افتكين که در جنگ عزالدوله بختيار و عضدالدوله هزیمت یافته بود به حمص و دمشق راند اهل دمشق با افتكين همدست شده حکمران خودریان (زیان^۱) خادم را که از جانب المعز علوی حکومت می کرد بیرون کردند و اسم المعز را از خطبه انداختند و افتكين بر دمشق مستولی شد المعز علوی خواست از مصر به شام به جنگ افتكين آید که در گذشت. چنانکه در وقایع سال بعد بیاید. العزیز پسر المعز، جوهر سردار را بالشکری به شام فرستاد و افتكين را در دمشق محاصره کردند افتكين از قرامطه استمداد نمود چون قرامطه نزدیک دمشق رسیدند جوهر عزم مراجعت به مصر نمود آنها او را تعاقب کرده در عسقلان محصور نمودند و جوهر و همراهانش نزدیک بود که از گرمنگی بمیرند لهذا مبلغ گزافی داد و مستخلص شده به مصر آمد، العزیز که این بدانست بنفسه متوجه شام شد و در ظاهر رمله با افتكين و قرامطه جنگ شدیدی کرد و آنها را منهزم ساخت و افتكين را بعد از فرار گرفتند و نزد العزیز آوردند العزیز او را بنواخت و خلعت داد و با اکرام با خود بمصر برد و در مصر بود تا مرد. وفات ابوبکر بستی از حقاظ.

[سنه ۳۶۵ هجری = سنه ۹۷۵ مسیحی]

آسیا - وفات سنان بن قره الصابی صاحب التاریخ^۱. وفات ابوبکر محمد بن علی بن اسمعیل القفال الشاشی فقیه شافعی که پیشوای عصر خود بود و در زمان خود در ماوراءالنهر نظیری نداشت، بعضی وفات ابوبکر را در سال سیصد و شصت و شش نوشته اند و برخی در سنه سیصد و سی و شش و ابوبکر مذکور پدر قاسم است که مصنف کتاب تقریب می باشد و این تقریب غیر از تقریب سلیم راضی است چنانکه ابوبکر محمد شاشی هم غیر ابوبکر محمد شاشی صاحب کتاب عمده و کتاب مستظهري است. استقرار عضدالدوله در فارس و کرمان.

افریقا - وفات المعزالدین الله ابوتیمیم معد بن المنصور بالله اسمعیل بن القائم بامر الله ابوالقاسم محمد بن مهدی عبیدالله العلوی در مصر در هفدهم ربیع الاول، المعز در شهر مهدیه افریقیه در یازدهم رمضان سنه سیصد و نوزده متولد شده و تقریباً بیست و دو سال خلافت کرد. برقرار شدن العزیز پسرش بجای او و در همین سال در مکه خطبه به اسم العزیز خواندند. جنگ کردن ابوالقاسم بن حسن بن علی بن ابی الحسین امیر صقلیه در بلاد رومیة الصغری و فتح کردن بعضی قلاع و بلاد را بانهب و اسر زیاد.

[سنه ۳۶۶ هجری = سنه ۹۷۶ مسیحی]

آسیا - وفات رکن الدوله حسن بن بویه در محرم این سال و رکن الدوله زیاده از هفتاد سال داشت و چهل و چهار سال امارت کرد و در مرض موت مقرر نمود همدان و اعمال جبل در تحت حکمرانی پسرش فخرالدوله باشد و اصفهان و اعمال آن مخصوص پسر دیگرش مؤیدالدوله، و این هر دو در تحت اطاعت عضدالدوله باشند که او نیز پسر رکن الدوله و از سایر برادرها معتبرتر بود. راندن عضدالدوله بعد از فوت رکن الدوله به عراق و بیرون آمدن عزالدوله بختیار به جنگ او و مقاتله فتنین در اهواز و منهزم شدن و رفتن بختیار به واسط، و استیلای عساکر عضدالدوله به بصره و رفتن بختیار به بغداد و آمدن عضدالدوله به بصره و این نواحی و مقرر نمودن امور این حدود را و حال برای منوال بود

۱. کامل: ثابت بن سنان بن ثابت بن قره الصابی (رجوع شود به ذیل وقایع سال ۳۶۳).

که سال به آخر رسید. ابتدای دولت غزنویان و تملک سبکتکین غزنین را و سبکتکین از غلامان ابواسحق بن البتکین سرکرده لشکر سامانی در غزنین بود و چون سبکتکین مرد عاقل باکیاستی بود نزد آقای خود کمال منزلت را داشت و بعد از مردن ابواسحق لشکریان اتفاق کرده سبکتکین را سالار خود کردند و رفته رفته کار او بالا گرفت و در بلاد هند جنگها کرد و بر بست و قصدار مستولی شد. وفات منصور بن نوح سامانی پادشاه خراسان و ماوراءالنهر در نیمه شوال در بخارا که مدت سلطنتش پانزده سال بود، برقرار شدن نوح بن منصور که سیزده سال داشت به جای او. گرفتن عضدالدوله ابوالفتح بن العمید وزیر پدرش را و میل کشیدن یک چشم او را و بریدن بینی او را. در آمدن حلب در ثانی در تحت حکمرانی ابوالمعالی شریف بن سیف الدوله، وفات ظهیرالدوله بهستون بن وشمگیر در جرجان و استیلای برادرش قابوس بن وشمگیر بن زیار بر طبرستان و جرجان، وفات یوسف بن حسن الجبائی القرمطی حکمران هجر و بعد از او شش نفر مشترکا ریاست قرامطه را متقلد شدند و آنها را السادة (آقایان) گفتند.

اروپا - و لیعهد نمودن الحکم دویم پادشاه اسپانیول هشام پسر خود را که یازده ساله بود و ملقب کردن او را به مؤیدالدوله^۱ و در گذشتن الحکم که پانزده سال و پنجماه سلطنت کرده بود و شصت و سه سال و هفت ماه عمر داشت، و چون هشام صغیر بود ابو عامر محمد بن عبدالله بن ابی عامر محمد بن ولید بن یزید المعافری (المغافری) القحطانی را به لقب حجابت ملقب ساخت و بنیابت او بکار سلطنت رسیدگی می کرد و ابو عامر ملقب به المنصور بود و مرجع جمیع امور و هشام ابدأ مداخله نداشت و المنصور بزرگ و بزرگوار و طالب علم و زیاده از پنجاه جنگ با فرنگیها کرد.

[سنه ۳۹۷ هجری = سنه ۹۷۷ مسیحی]

آسیا - راندن عضدالدوله به عراق و نوشتن به عزالدوله بختیار که از این بلاد بیرون رو و هر ولایتی را که بخواهی من بتو خواهم داد. تمکین کردن بختیار این گفته را و فرستادن عضدالدوله خلعت برای او و پوشیدن او و رفتن به طرف شام و داخل شدن عضدالدوله به بغداد و استقرار او در این شهر و کشتن ابن بقیه وزیر بختیار را و به دارزدن او، همراهی کردن

حمدان بن ناصر الدوله با عزالدوله بختیار و انداختن اورا به طمع ملک موصل و رفتن بختیار به طرف موصل و فرستادن ابوتغلب بن ناصر الدوله نزد بختیار و پیغام دادن که اگر برادر مرا به من تسلیم نمائی من با تو متفق می شوم و با عضدالدوله جنگ می کنم و او را از عراق بیرون می نمائیم، چون بختیار این بشنید حمدان را گرفته و به ابی تغلب تسلیم نمود و ابوتغلب او را حبس کرد و لشکر جمع نموده با بختیار قصد عضدالدوله کردند، عضدالدوله نیز از بغداد حرکت نموده در قصر حصّ از نواحی تکریت در هیجدهم شوال فئتن تلافی کردند عضدالدوله آنها را منهزم نمود و بختیار را دستگیر کرد و بکشت و متوجه موصل شده این ولایت را نیز بگرفت و ابوتغلب به میافارقین گریخت عساکر عضدالدوله او را تعاقب نمودند و او از میان فارقین به بدلیس آمد باز لشکر عضدالدوله او را دنبال کرده او به بلاد روم رفت و قشون عضدالدوله به او رسیدند او قشون عضدالدوله را این دفعه شکست داد و به حصن زیاد که بعدها به خرت برت معروف شد آمد و اقامت نمود، وفات محمد بن عبدالرحمن معروف به ابن قریعه بغدادی قاضی سندی و غیرها من اعمال بغداد و قاضی مشارالیه در حاضر جوانی و فصاحت اعجوبه دهر و مصاحب مهلبی وزیر بوده است (سندیّه قریه ایست در ساحل نهر عیسی میانه بغداد و انبار و منسوب به سندیّه را سندای می گویند تا فرق باشد میان این سندیّه و سندی که منسوب به سند هند است).

افریقا — وقوع زلزله در افریقیه.

[سنه ۳۶۸ هجری = سنه ۹۷۸ مسیحی]

آسیا — فتح کردن ابوالوفا سردار لشکر عضدالدوله میافارقین را به امان و چون ابوتغلب این بشنید از آمد به طرف رَحبه آمد و ابوالوفا آمد را نیز بگرفت و عضدالدوله بر جمیع دیار بکر مُستولی شد پس از آن بر جمیع دیار مضراً و رَحبه استیلا یافت، چون عضدالدوله تمام مملکت ابوتغلب را مسخر کرد ابوالوفا را در موصل نایب خود نمود و خود به بغداد آمد و ابوتغلب متوجه دمشق شد و در این وقت قَسام که محلّ اعتماد افتکین بود بردمشق مستولی شده و خطبه باسم العزیز علوی می خواند و ابوتغلب را مانع از دخول دمشق گشت و با او مقاتله نمود ناچار ابوتغلب بطبریه رفت، وفات قاضی ابوسعید حسن بن عبدالله سیرافی نحوی مصتّف شرح کتاب سیبویه که فاضل و فقیه و مهندس و منطقی^۱ بود و بعد از او

۱. در متن، مصر.

۲. کامل: کان فقیها، فاضلاً، مهندساً، منطقیّاً.

ابومحمد بن معروف بالحکم در جانب شرقی بغداد قضاوت یافت. بنای حصار مدینه به امر عضدالدوله. زلزله های شدید در عراق عجم، اتحاد امرای ترک بغداد با قرامطه به جهت دفع خلفای فاطمی مصر.

[سنه ۳۶۹ هجری = سنه ۹۷۹ مسیحی]

آسیا — ابوتغلب بن ناصر الدوله از طبریه به رمله آمد دغفل بن مفرج طائی که اسم او فضل و از سرکرده های العزیز علوی بود و بالشکری قصد جنگ و تسخیر شامات را داشت به حرب ابوتغلب برخاست و جز هفتصد نفر از غلامان ابوتغلب و پدرش دیگر کسی با او نبود، لهذا از جلود غفل گریخت، دغفل او را تعاقب کرده بگرفت و بکشت و سر او را به مصر نزد العزیز فرستاد. وفات عمران بن شاهین که در بطیحه مستقلاً حکمرانی داشت و پسرش حسن بن عمران جای او بگرفت و باج گذار عضدالدوله شد. ظهور وحشت فیما بین عضدالدوله و فخرالدوله و راندن عضدالدوله به بلاد فخرالدوله و گریختن فخرالدوله و پیوستن به شمس المعالی قابوس بن وشمگیر و اکرام بینهایت شمس المعالی نسبت به او و تملک عضدالدوله بلاد فخرالدوله علی را که عبارت از ری و همدان و مابینهما بود. رفتن عضدالدوله بلاد فخرالدوله علی را که عبارت از ری و همدان و مابینهما بود، رفتن عضدالدوله به بلاد حسنیویه کردی و استیلای او در آن بلاد. عارض شدن صرع در این سفر به عضدالدوله و پنهان داشتن او این مرض را همچنین کثرت نسیانی را که بر او طاری شده بود. فرستادن عضدالدوله لشکر بر سر اکراد هکاریه از اعمال موصل و مقهور و متقاد نمودن آنها را. تزویج کردن الطایع لله دختر عضدالدوله را. وفات حسین بن^۱ زکریای لغوی صاحب کتاب المجمل فی اللغة. ثابت بن ابراهیم حرانی المتطبب الصابی. وفات عبدالله رودآبادی^۲ از کبار مشایخ.

[سنه ۳۷۰ هجری = سنه ۹۸۰ مسیحی]

آسیا — وفات احدب مزور شبیه نويس بسیار معروف. فرستادن حکمران یمن هدیه ای برای عضدالدوله که از آن جمله یک قطعه عنبر بود که پنجاه و شش رطل بغدادی وزن

۱. کامل: ابوالحسین.

۲. کامل: ابوعبدالله احمد بن عطاء بن احمد بن محمد بن عطاء الروذباری الصوفی.

داشت. وفات ازهری ابومنصور محمد بن احمد بن الازهر بن طلحة اللغوی پیشوای مشهور که فقیه شافعی مذهب بود و در لغت بیشتر تبخر داشت و کتاب تهذیب در لغت از مصنفات اوست.

اروپا — سلطنت مستقله ولادیمیر بعد از قتل برادران خود در مملکت روس.

سنه ۳۷۱ هجری = سنه ۹۸۱ مسیحی]

آسیا — استیلای عضدالدوله بر بلاد جرجان و طبرستان و راندن قابوس بن وشمگیر حکمران و سلطان این مملکت را از این بلاد، و سبب جنگ عضدالدوله با قابوس این بود که فخرالدوله علی برادر خود را که پناه به قابوس برده بود از او خواست چون او از فخرالدوله را تسلیم عضدالدوله نکرد کار بدینجا کشید. گرفتن عضدالدوله قاضی محسن بن علی التتوخی را که حنفی و شدیدالتعصب بود و بد از شافعی می گفت، رها کردن عضدالدوله ابی اسحق ابراهیم الصابی را که در سنه سیصد و شصدهفت گرفته و حبس کرده بود، و جهة گرفتن او این بود که در مصاحبت بختیار حق نصیحت را ادا کرده بود. فرستادن عضدالدوله قاضی ابوبکر محمد بن طبیب^۱ اشعری معروف به ابن باقلانی را با جواب نامه امپراطور قسطنطنیه به رومیه الصغری. وفات ابوبکر احمد بن ابراهیم بن اسمعیل الاسماعیلی فقیه شافعی جرجانی، و امام محمد بن احمد بن عبدالله المروزی فقیه شافعی که عالم به حدیث و غیره بود و صحیح بخاری را از فربری روایت می کرد.

[سنه ۳۷۲ هجری = سنه ۹۸۲ مسیحی]

آسیا — اتمام بنای دارالشفای عضدی در بغداد، وفات عضدالدوله فتاحسرو بن رکن الدوله حسن بن بویه در هشتم شوال به ناخوشی صرع که او را به نجف حمل کرده دفن نمودند و مدت سلطنت او در عراق پنج سال و ششماه و عمر او چهل و هفت سال بود و چون میل مفرط به علوم داشت مصنفات کثیره اهل فضل به اسم او نمودند. پس از عضدالدوله امر او سرکرده ها بر سلطنت پسرش کاليجار مرزبان اتفاق نمودند و او را ملقب به صمصام

۱. کامل: محمد بن طبیب اشعری.

الدولة کردند، و برادر صمصام الدولة شرف الدولة شیرزیک^۱ بن عضدالدوله که در کرمان بود چون خبر فوت پدر را شنید به فارس آمده این مملکت را تملک نمود و خطبه صمصام الدولة را قطع کرد، کشتن ابوالفرج محمد بن عمران بن شاهین برادر خود حسن بن عمران حکمران بالاستقلال بطیحه را و استیلای او بر این ناحیه.

افریقا — گرفتن عساکر العزیز علوی خلیفه مصر فلسطین و دمشق را. کشته شدن علی کلبی پادشاه صقلیه در جنگ فرنگ.

[۳۷۳ هجری = سنه ۹۸۳ مسیحی]

آسیا — وفات مؤید الدولة بویه بن رکن الدولة بن بویه که عضدالدوله حکمرانی او را در بلادیکه پدرش مخصوص او کرده بود امضاء نموده و مملکت فخرالدوله را نیز ضمیمه حکمرانی اوداشته و چون او بمرد فخرالدوله علی چنانکه ذکر کردیم نزد قابوس بن وشمگیر بن زیار بود سرکردگان لشکر مؤید الدولة بر حکمرانی فخرالدوله اتفاق کردند و به او نوشتند و او در رمضان این سال به متل حکمران خود بی منت و معارضة احدی بازگشت و در کار خود مستقر گردید. و خلیفه عباسی برای او خلعت فرستاد و حکمرانی او را امضا نمود. اتفاق بزرگان لشکر عمران بن شاهین و کشتن ابوالفرج محمد بن عمران را به جهة بدسلوکی او و برداشتن ابوالمعالی بن حسن بن عمران بن شاهین را که صغیر بود به حکمرانی، و مظفر ابن علی الحاجب که بزرگترین سرکرده های جد او بود به تدبیر امور پرداخت و پس از چندی ابوالمعالی و مادرش را به واسط فرستاد و خود بر بطیحه مستولی شد و خاندان عمران بن شاهین منقرض گردید. پیش از این گفتیم که بکجور غلام قرغویه آقای خود را بگرفت و حلب را مالک شد بعد ابوالمعالی سعدالدوله بن سیف الدولة بن حمدان حلب را از بکجور منتزع نمود و او را والی حمص کرد در این سال بکجور عریضه به العزیز علوی نوشت و استدعای ولایت دمشق نمود العزیز قبول کرده به عامل خود بکتکین نوشت که دمشق را به بکجور واگذار کند و او چنین کرد و بکجور بنای بدرفتاری را در دمشق گذاشت. وفات ابوعثمان قاری از شیوخ نیشابور.

افریقا — وفات یوسف بن بلکین بن زیری امیر افریقیّه در ذیحجه و ولایت پسرش منصور بن یوسف بمجای او و فرستادن برای العزیز هدیه که قیمت آن صد هزار دینار بود.

[سنه ۳۷۴ هجری = سنه ۹۸۴ مسیحی]

آسیا — ابتدای امارت بنی ثمال در کوفه که اول شخص این طایفه ابوطریف علیان بن ثمال الخفاجی بود وفات ابوالفتح محمد بن الحسن (الحسین) الموصلی حافظ مشهور. وفات خطیب ابو یحیی عبدالرحیم بن اسمعیل بن نباته صاحب خطب مشهوره در میافارقین و ابن نباته از ائمه ادب و وحید اعصاب بود.

[سنه ۳۷۵ هجری = سنه ۹۸۵ مسیحی]

آسیا — آمدن قرامطه بادو نفر از شش نفریکه آنها را السّاده (اقایان) نامیده بودند به کوفه و مسخر کردن و نهب نمودن این بلد را و فرستادن صمصام الدوله بن عضدالدوله لشکری به دفع آنها و منهزم شدن قرامطه و مقتول شدن جمع کثیری از آنها و تمام شدن هیبت این طایفه، گویند در این سال مرغی که بزرگتر از فیل بوده در دریای عمان پیدا شده برتلی قرار می گرفت و بزبان فصیح سه مرتبه می گفت (قدقرب) یعنی نزدیک شده است بعد میرفت زیرآب و سه روز اینکار را کرد و دیگر مرئی نشد العُهدة علی الراوی. وفات ابو زرعه احمد الرازی ابوالقاسم وارکی شیخ^۱ شافعی.

اروپا — غلبه قشون المنصور پادشاه اسپانیول بر آخر حکمران اداره افریقا و فتح شهر فاس (فز)

[سنه ۳۷۶ هجری = سنه ۹۸۶ مسیحی]

آسیا — مسخر نمودن شرف الدوله بن عضدالدوله عراق را. راندن شرف الدوله از اهواز به واسط و گرفتن این ولایت را، در این وقت ملازمان صمصام الدوله به او گفتند که به طرف موصل یا به سمت دیگر روانه شود، نشنید و باخواص خود سوار شده نزد شرف

۱. کامل: ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبدالله الدارکی وکان رئیس اصحاب الشافعی.

الدوله آمد و از او امان خواست، شرف الدوله او را به خوبی پذیرفت اما همینکه از پیش او بیرون شد غدر کرده او را بگرفت و به طرف بغداد راند و در ماه رمضان داخل این بلد گردید و صمصام الدوله مغلولاً با او بود بعد او را به فارس فرستاد و در یکی از قلاع این مملکت حبس کرد و بند نهاد، مدت حکمرانی صمصام الدوله در بغداد سه سال بود، وفات مظفر حاجب حکمران بالاستقلال بطیحه که بعد از او پسر خواهرش ابوالحسن علی بن نصر جای او بگرفت و امضای حکمرانی او از بغداد به اورسید و ملقب به مهذب الدوله گردید و بنای نیک سیرتی را گذاشت. وفات ابوعلی حسن بن احمد بن عبدالغفار الفارسی النحوی صاحب ایضاح و مصنفات مشهوره دیگر در بغداد که زیاده از نود سال داشت. وفات ابواسحق سمانی و ابوبکر شاذان صوفی، خراب شدن شهر موصل از زلزله.

[سنه ۳۷۷ هجری = سنه ۹۸۷ مسیحی]

آسیا — غلاء مفرط در بغداد، وفات ابوالحسن انطاکی.

اروپا — شهر پاریس رسماً پای تخت مملکت فرانسه گردید.

مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

[سنه ۳۷۸ هجری = سنه ۹۸۸ مسیحی]

آسیا — در محرم این سال صاحب بن عباد دیناری به وزن هزار مثقال برای فخر الدوله علی بن رکن الدوله حسن اهدی نمود. وفات ابوحامد محمد بن محمد بن احمد بن اسحق حاکم نیشابوری صاحب تصانیف مشهوره. بنای رصد در بغداد به امر شرف الدوله. وفات ابوبکر سنجری.

[سنه ۳۷۹ هجری = سنه ۹۸۹ مسیحی]

آسیا — فرستادن شرف الدوله محمد شیرازی را به میل کشیدن چشم صمصام الدوله مرزبان، و محمد وقتی به قلعه محبس صمصام الدوله رسید که شرف الدوله مرده بود بهرحال محمد چشم صمصام الدوله را میل کشیده کور کرد. وفات شرف الدوله ابوالفوارس شیرزیک^۱ بن عضد الدوله به مرض استسقاء در شب اول جمادی الاخره که او

را به نجف برده دفن کردند. سلطنت شرف الدوله در عراق دو سال و هشت ماه و عمرش بیست و هشت سال و پنجماه. برقرار شدن ابونصر بهاء الدوله بن عضدالدوله به جای او که الطایع خلیفه او را خلعت داد و متقلد امر سلطنت کرد، بعضی اسم ابونصر را خاشاذ نوشته اند. وقوع فتنه در بغداد میانه ترک و دیلم و قوت گرفتن اتراک و ضعف دیلم. گریختن ابوالعباس احمد بن الامیر اسحق بن المقتدر از خوف الطایع به بطیحه و پذیرفتن و حمایت کردن مهذب الدوله حکمران بطیحه از او. معاودت پسران ناصرالدوله بن حمدان ابوطاهر ابراهیم و ابوعبدالله الحسین که در خدمت شرف الدوله بودند به اجازت بهاءالدوله به موصل و استقرار حکومت ایشان در این ولایت بعد از مقاتله با عامل موصل و راندن او. وفات محمد بن احمد بن العباس السملی النقاش از متکلمین اشعریه، طغیان عیاران در بغداد.

اروپا - ولادیمیر پادشاه روس بعد از آنکه (آن) خواهر امپراطور قسطنطنیه را در حباله نکاح خود درآورد بتنها را شکسته مذهب عیسوی اختیار نمود و در شهر کی یو که پای تخت او بود بنای کلیسا و معبد گذارد و تقویمی که به جهت تعیین شهر و ایام و سنوات در قسطنطنیه معمول بود قبول می کند.

[سنه ۳۸۰ هجری = سنه ۹۹ مسیحی]

آسیا - جنگ سخت باد حکمران مستقل دیار بکر با عساکر ابوطاهر ابراهیم و ابوعبدالله الحسین پسران ناصرالدوله که موصل را تحت فرمان خود داشتند و کشته شدن باد که سر او را نزد پسران ناصرالدوله آوردند و این باد خال ابوعلی بن مروان بود، همینکه کشته شد ابوعلی به حصن کیفا که زوجه خال او در آن بود آمد و بازوجه خال خود بساخت و جمیع حصون و قلاعی را که باد در تصرف داشت مُسلم و مسخر کرد و با پسران ناصرالدوله جنگها کرد بعد به مصر رفت و از جانب العزیز خلیفه علوی ولایت حلب و آن نواحی یافت و به دیار بکر برگشت و بود تا بعضی از اهل آمد باشیخ خود عبدالبر ساخته ابوعلی را کشتند و قاتل ابوعلی معروف به ابن دمنه بود، پس از قتل ابوعلی عبدالبر بران نواحی استیلا یافت و دختر خود را به مزاجت ابن دمنه داد، ابن دمنه عبدالبر را نیز

بکشت، و برآمد مستولی شده در آن مستقر گردید، ابوعلی بن مروان برادری داشت ملقب به ممه‌الدوله همین که ابوعلی کشته شد ممه‌الدوله به میافارقین آمده این ولایت را تملک نمود و بعدها سایر ممالک برادرش را نیز مالک شد یکی از بزرگان سپاه ممه‌الدوله موسوم به شروه بود روزی ممه‌الدوله را دعوت کرده و به قتل رسانید و بر اغلب بلاد بنی مروان غالب آمد و این در سنه چهارصد و دو بود. برادر دیگر ممه‌الدوله داشت موسوم به ابونصر احمد که ابوعلی او را حبس کرده بود چون ممه‌الدوله مقتول شد ابونصر برآرزن استیلا یافت و امر شروه رو به ضعف نهاد و بلاد از اطاعت او خارج گردید و سایر بلاد دیار بکر نیز ابونصر را شد و روزگار او امتدادی یافت و به حسن سیرت کار کرد و از سال چهارصد و دو بماند تا سنه چهارصد و پنجاه و سه. استیلای ابوالذواد محمد بن مسیب بن رافع بن مقلد بن جعفر، امیر بنی عقیل بر موصل که ابوطاهر بن ناصر الدوله و اولاد و بعضی از سردارهای او را بکشت و در موصل مستقل گردید. ظهور خاقان ترک از نسل افراسیاب در سمرقند. وفات ابو حیان التوحیدی.

اروپا — (روس) ایجاد شهر ولادیمیر در سمت غربی مسکو که به اسم پادشاه موسوم گردید.

مرکز تحقیقات کتب و تاریخ و علوم اسلامی

[سنه ۳۸۱ هجری = سنه ۹۹۱ مسیحی]

آسیا — خلع کردن بهاء الدوله بن عضد الدوله الطایع لله عبدالکریم را از خلافت که هفده سال و هشتماه خلافت کرده بود و چون القادر بالله خلیفه شد طایع را مکرماً نزد خود بداشت تا در سال سیصد و نود درگذشت. تولد الطایع در سال سیصد و هفده بود. چون بهاء الدوله الطایع را خلع کرد ابوالعباس احمد بن امیر اسحق بن المقتدر بن المعتض را که در بطیحه بود بطلبید، همین که ابوالعباس نزدیک بغداد رسید بهاء الدوله با اعیان به استقبال او شتافت و او را داخل دار الخلافه کرد و مردم با او بیعت نمودند، و این در دوازدهم رمضان بود و ابوالعباس ملقب به القادر بالله بیست و پنجمین خلیفه عباسی است، و القادر دو سال و یازده ماه در بطیحه نزد مذهب الدوله اقامت داشت و مذهب الدوله کمال اکرام و احترام را به او می کرد و وقتی که روانه بغداد شد اموال زیاد به او تقدیم کرد. پیش از این اشاره نمودیم که منیر خادم از جانب العزیز علوی بردمشق استیلا یافت و بکجور از دمشق به رقه رفت در این سال بکجور به جنگ سعدالدوله بن سیف

الدوله مبادرت نمود و پس از قتال شدید بگریخت و بسیاری از لشکر او کشته و خود او دستگیر گردید و او را نزد سعدالدوله آوردند و سعدالدوله او را بکشت و به سزای خیانت و ناسپاسی و کفرانی که به آقای خود کرده بود رسید، پس از سعدالدوله به رقه رانده و اولاد بکجور را بگرفت و اموال آنها را ضبط کرد آنگاه به حلب آمد و بمرض فالج مبتلا شد و درگذشت. اسم سعدالدوله شریف و کنیتش ابوالمعالی بود و پیش از مردن ابوالفضایل پسر خود را ولیعهد خود کرد و قرارداد لؤلؤ غلام او مدبر امور ابوالفضایل باشد. زلزله سخت در دمشق.

اروپا — آمدن امپراطور قسطنطنیه به شام و نزول نمودن به حمص و فتح و نهب این بلد و راندن به شیرز و غارت کردن این محل را نیز که از اینجا به طرابلس رفت و این بلد را مدتی در بند محاصره داشت تا معاودت به رومیه الصغری نمود.

افریقا — وفات جوهر سردار علوین که مصر را برای المعز فتح کرد در حالیکه معزول بود.



مرکز تحقیقات کتب و اسناد

[سنه ۳۸۲ هجری = سنه ۹۹۲ مسیحی]

آسیا — شورش لشکریان بر بهاء الدوله به جهة اینکه ابوالحسن بن معلم معروف به کوکبی وزیر بهاء الدوله بر کلیه امور مسلط شده بود، بهاء الدوله چون چنین دید ابوالحسن را گرفته به لشکریان تسلیم کرد و آنها او را بکشتند. وفات ابواحمد سکری صاحب الامثال.

[سنه ۳۸۳ هجری = سنه ۹۹۳ مسیحی]

آسیا — استیلای بغراخان بر بخارا، اسم بغراخان هارون بن سلیمان ایلک خانست و سلطنت کاشغر و بلاصاغون تا حد چین او را بود چون متوجه بخارا شد عساکر امیر رضی نوح بن منصور سامانی به مقاتله او شتافتند، بغراخان بر آنها غالب آمده بخارا را بگرفت و امیر نوح پنهانی از بخارا فرار کرده از جیحون گذشت و در آمل (آمو) در حوالی جیحون بماند و ملازمان او به او پیوستند و ابوعلی بن سیمجور سردار لشکر خراسان را احضار کرد ابوعلی اطاعت ننمود و حاضر نشد، در این حال بغراخان در بخارا مریض شد و از این شهر

کوچ کرده به بلاد خود رونمود و در راه بمرد و طغان خان ابونصر احمد بن علی خان به جای او سلطنت ترکستان یافت، بغراخان بسیار متدین بود و دوست داشت که او را غلام رسول الله (ص) بنویسند خلاصه چون بغراخان از بخارا رفت و مرد، امیر نوح به بخارا برگشت و در مملکت خود مُستقل گردید.

[سنه ۳۸۴ هجری = سنه ۹۹۴ مسیحی]

آسیا - همینکه امیر نوح به بخارا برگشت ابوعلی بن سیمجور وفاق به جنگ با امیر نوح اتفاق کردند امیر نوح به سبکتکین که در غزنین بود حال را اعلام نمود و او را والی خراسان کرد، سبکتکین با پسر خود محمود متوجه خراسان گردید و امیر نوح نیز از بخارا قصد خراسان کرد، فتنین در نواحی هرات جنگ کردند ابوعلی و عساکر او منهزم شدند و عساکر نوح آنها را تعاقب نمودند و جمعی از آنها را بکشتند چون خراسان برای امیر نوح مُصَفی شد محمود بن سبکتکین را عامل خراسان کرد، وفات عبیدالله بن محمد بن نافع از صلحا که هفتاد سال مانده بود و هرگز بر دیواری یا مخذه ای تکیه نکرده. وفات ابوالحسن علی بن عیسی نحوی معروف به رقانی صاحب تفسیر کبیر. وفات محمد بن عباس بن احمد القزازی صاحب مکتوبات زیاد که خط او در صحت نقل حجت بود. وفات ابواسحق ابراهیم بن الهلال کاتب القصابی المشهور، منشی معزالدوله و بختیار و صاحب کتاب تاجی در تاریخ دیلم. تقاعد حجاج شام و عراق از حج.

[سنه ۳۸۵ هجری = سنه ۹۹۵ مسیحی]

آسیا - آمدن ابوعلی بن سیمجور به خراسان و جنگ کردن با محمود بن سبکتکین و بیرون نمودن محمود را از خراسان که بعد از آن سبکتکین و محمود پسرش با عساکر خود بر سر ابوعلی بن سیمجور آمده در طوس لشکر او را شکست دادند و او را منهزم نمودند ابوعلی چون چنین دید از امیر نوح امان خواست امیر نوح او را امان داد و او به بخارا رفت همین که به بخارا رسید امیر نوح او و اتباع او را گرفته حبس کرد و در حبس بود تا درگذشت. وفات صاحب ابوالقاسم اسمعیل بن عباد وزیر فخرالدوله علی بن رکن الدوله به ری که نمش او را به اصفهان برده در آنجا دفن کردند و صاحب در علم و فضل و کرم مشهور و اول کسی است که از وزرا که صاحب لقب یافت وجهه این بود که با ابوالفضل

بن العمید مصاحبت داشت و او را صاحب ابن عمید می گفتند کم کم به صاحب مطلق معروف شد و صاحب اول وزارت مؤید الدولة بن رکن الدولة را داشت و مصنفات عدیده او راست و عباد پدر صاحب وزیر رکن الدولة بود، و در سال سیصد و سی چهار یاسی و پنج درگذشت. وفات ابوالحسن (الحسن) علی بن عمر بن احمد معروف به دارقطنی حافظ و پیشوا و فقیه شافعی مذهب که بسیاری از دوانین شعرا را از حفظ داشت (دارقطن اسم محله بزرگست از بغداد). وفات ابومحمد یوسف بن حسن بن عبدالله بن مرزبان سیرافی نحوی (سیراف فرضه ایست از فارس)

[سنه ۳۸۶ هجری = سنه ۹۹۶ مسیحی]

آسیا - ظهور دولت آل فریقون از خوارزمین در خوارزم. وفات ابو ذواد بن مستبب امیر موصل که بعد از او برادرش مقلد بن مستبب بجای او برقرار گردید. وفات ابوطالب محمد بن علی بن عطیة المکی صاحب کتاب قوت القلوب که عالم و مجتهد در عبادت و از اهل جبل بود چون در مکه مجاور شد معروف به مکی گردید.

اروپا - (فرانسه) وفات هُوق کاپه پادشاه فرانسه و جلوس پسرش رُبر بجای او.

افریقا - وفات العزیز بالله ابومنصور نزار بن المعز معذ بن المنصور اسمعیل الفاطمی خلیفه مصر در شهر تلبیس، عمر العزیز چهل و دو سال و هشت ماه و مدت خلافتش بیست و یک سال و پنج ماه و نیم، برقرار شدن پسرش منصور ابوعلی الحاکم بامر الله بجای او به موجب ولایت عهدیکه داشت در سن یازده سالگی، و چون الحاکم صغیر بود یکی از خدام پدرش که خواجه بود و أرجوان نام داشت به تدبیر ملک پرداخت تا الحاکم کبیر شد و أرجوان را الحاکم بکشت. وفات منصور بن یوسف بلکین بن زبیری الصنهاجی امیر افریقیه که پادشاه کریم شجاعی بود و برقرار شدن پسرش بادیس بن منصور به جای او.

[سنه ۳۸۷ هجری = سنه ۹۹۷ مسیحی]

آسیا - وفات الرضی امیر نوح بن منصور بن نوح بن ناصر بن احمد بن اسمعیل سامانی در ماه رجب و اختلال کار سلاطین سامانی از مردن امیر نوح. برقرار شدن پسرش ابوالحارث منصور بن نوح به جای او. وفات سبکتکین در ماه شعبان و مدت امارت او تقریباً بیست

سال بود. پس از سبکتکین به موجب ولایت عهد پسر کوچکتر او اسمعیل بجای او برقرار آمد و جنگ میانه او و محمود که برادر بزرگتر بود در گرفت و اسمعیل منهزم شد و در قلعه غزنین محصور شد، و محمود او را محاصره کرده کار بر او تنگ شد و امان خواست و از قلعه فرود آمد و محمود او را اکرام نمود. وفات فخرالدوله ابوالحسن علی بن رکن الدوله در قلعه طبرک در ماه شعبان که بعد از او پسرش مجدالدوله ابوطالب رستم را که چهار ساله بود به جای او برقرار کردند و مادر ابوطالب به تدابیر ملک پرداخت. وفات ابوالوفا محمد بن محمد المهندس المحاسب البوزجانی که یکی از ائمه و مشاهیر علمای هندسه بود و در رمضان سیصد و بیست و هشت در بوزجان که شهرست از خراسان مابین هرات و نیشابور متولد شده. وفات حسن بن ابراهیم بن الحُسن از اولاد سلیمان بن زولاق که مصری الاصل و در علم تاریخ فاضل و صاحب مصنفات بود. وفات حسن بن عبدالله بن سعید العسکری مکتبی به ابواحمد صاحب مصنفات کثیره در لغت و امثال و غیرها که اهل عسکر مکرم اهواز بود.

افریقا — دادن بادیس بن منصور بن بلکین حکمران افریقیه حکومت اشیر را به عم خود حماد بن بلکین که بدین واسطه دولت بنی حماد ملوک بجایه ابتدا نمود و پشت در پشت حکمرانی کردند تا در سال پانصد و چهل و هفت منقرض شدند.

[سنه ۳۸۸ هجری = سنه ۹۹۸ مسیحی]

آسیا — شورش دیلم بر صمصام الدوله ابوکالیجار مرزبان بن عضدالدوله و کشتن او، عمر صمصام الدوله سی و پنج سال و هفت ماه و مدت ولایت او در فارس نه سال و هشت روز، و میل کشیدن چشم صمصام الدوله و کور شدن او را ذکر نمودیم پس در مدت ولایت صمصام الدوله نابینا بود. وفات محمد بن الحسن (الحسین) بن المظفر المعروف بالحاتمی یکی از ائمه ادب و لغت که صاحب رساله حاتمیه و اثبات سرقه متنبی بود. وفات امام ابوسلیمان صاحب معالم.

[سنه ۳۸۹ هجری = سنه ۹۹۸ مسیحی]

آسیا — متفق شدن اعیان عساکر منصور سامانی بابکتوزون و قایق و خلع کردن منصور بن

نوح را و امر کردن بکتوزون به میل کشیدن در چشم منصور و کور کردن او و برقرار کردن عبدالملک برادر او را که طفل صغیر بود به جای او، مدت سلطنت منصور یکسال و هفت ماه بود. ملامت کردن محمود بن سبکتکین بکتوزون و فایق را به جهة ناسپاسی با منصور و لشکر کشیدن بر سر آنها و وقوع جنگ شدید و هزیمت بکتوزون و فایق، و دنبال کردن محمود آنها را، و کشتن بسیاری از آن جماعت را و مستولی شدن محمود غزنوی بر خراسان، و قطع کردن خطبه سامانیان را در این مملکت، مردن فایق و آمدن ایلک خان که اسمش ارسلان بود باجمعی از اتراک به بخارا و اظهار مودت و حمیت کردن با عبدالملک و گرفتن بکتوزون و سرکرده های عبدالملک را و داخل شدن در دهم ذیقعد به شهر بخارا و گرفتن عبدالملک را و حبس کردن، که او و برادر کورش منصور در حبس بودند تا بمردند و باقی آل سامان نیز مقهور و اسیر ترکستانها شده دولت ملوک سامانی منقرض گردید در صورتیکه بسط کلی بهم رسانیده بودند و عدالت و حسن سیرت آنها مشهور است فبحان الله من لایزول ملکه. مدت سلطنت آل سامان صد و بیست و نه سال است.

اروپا — به واسطه شکست المنصور پادشاه اسپانیول سردار این پادشاه از شدت غیرت به قدری گرسنگی می کشد که خود را هلاک می سازد.

[سنه ۳۹۰ هجری = سنه ۹۹۹ مسیحی]

آسیا — وفات ابوالحسین احمد بن فارس زکریا الرازی اللغوی که در علوم متعدده تبحر کامل داشت خصوصاً در لغت و مصنفات او بسیار است و بدیع همدانی صاحب مقامات نزد او تحصیل کرده، بعضی وفات ابوالحسین را در سال سیصد و نود و پنج و برخی در سیصد و هفتاد و پنج نوشته اند. وفات قاضی امیر قرخ نهروانی.

[سنه ۳۹۱ هجری = سنه ۱۰۰۰ مسیحی]

آسیا — کشته شدن مقلد بن مستب بن رافع ملقب به حسام الدوله امیر موصل به دست غلامان خود در انبار و برقرار شدن پسرش قرواش بن مقلد به جای او. شروع کردن حکیم ابوالقاسم فردوسی نظم شاهنامه را. وفات ابوعبدالله حسین بن حجاج شاعر در یثرب که بلده ایست در سواحل فرات میان بغداد و کوفه، ابوعبدالله از شعرای مشهور و از کبار شیعه

میباشد و قبل از مردن وضیت کرد که او را در مشهد حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دفن کنند و بر روی قبر او بنویسند (و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید).

اروپا — در تمام ممالک اروپا سنه هزار عیسوی سال شومی به نظر می آمد و عقیده عامه این بود که قیام قیامت و فتنای عامه در این سال خواهد بود لهذا اشقیا و ظالمین نسبت به مظلومین و ملهوفین در نهایت مهربانی بودند و عباد و زهاد و معتقدین مذهب زیاده از همه وقت گردیدند. (آلمان) اُتْهُنْ سیم امپراطور که یکی از ظلمه بود تمام سال را به ریاضت و عبادت مشغول گردید و در آخر این سنه قبر امپراطور بزرگ شارلین را که در شهر اکیس بود بشکافت. (مجارستان) اِتی ین نام به سلطنت این ناحیه برقرار می گردد.

[سنه ۳۹۲ هجری = سنه ۱۰۰۱ مسیحی]

آسیا — جنگ سلطان محمود غزنوی در بلاد هند که پس از اخذ غنائم کثیره و اسروسی سالماً به غزنین بازگشت. جنگ میان قرواش بن مقلد بن مستب عقیلی و عسا کر بهاء الدوله که ابتدا قرواش غالب شد بعد عسا کر بهاء الدوله غلبه کردند. وفات ابوبکر محمد بن محمد بن جعفر فقیه شافعی معروف به ابن دقاق صاحب الاصول.

اروپا — (سود) آلاف پادشاه این مملکت مذهب عیسوی اختیار نمود.

[سنه ۳۹۳ هجری = سنه ۱۰۰۲ مسیحی]

آسیا — گرفتن یمین الدوله سلطان محمود سجستان را از خلف بن احمد مالک این مملکت، و خلف در بند سلطان محمود بود تا در سال سیصد و نود و نه درگذشت، کثرت میل خلف به علم مشهور است و تفسیری دارد که بزرگترین کتابهاست. زیاد شدن عیاران و مفسدین و ارباب فتن در بغداد. وفات عثمان بن جتی موصلی نحوی شیخ عربیه و مصنف اللمع و غیره. وفات قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی درری، و قاضی علی پیشوا و فاضل و صاحب فنون کثیره بود. وفات ابوالحسن محمد بن عبدالله السلامی الشاعر البغدادی.

اروپا — (آلمان) فوت اُتْهُنْ امپراطور و نصب هانوی دو یم بجای او (انگلیس) تمام تبعه

دانمارک که در این مملکت بودند در سیزدهم نوامبر در یکشب تماماً به حکم پادشاه انگلیس کشته شدند. (اسپانیول) وفات ابوعامر محمد الملقب به المنصور حکمران اندلس که بیست و هفت سال پادشاهی کرده بود، برقرار شدن پسرش ابومروان عبدالملک بن منصور ملقب به المظفر به جای او. وفات ولید بن بکر بن مخلد الاندلسی فقیه مالکی و محدث مشهور.

افریقا — دادن الحاکم علوی خلیفه مصر و شام حکومت دمشق را به ابومحمد اسود.

[سنه ۳۹۴ هجری = سنه ۱۰۰۳ مسیحی]

آسیا — شخصی که او را ابوالعباس بن واصل می گفتند بر بطیحه استیلا یافت، تبیین آنکه ابن واصل بخدمت این و آن میپرداخت تا در سلک ملازمان مهذب الدوله حکمران بطیحه منسلک گردید و نزد او مقامی بهمرسانید، تا اینکه مهذب الدوله لشکری با او همراه نموده او بصره و سیراف را فتح کرد و اموال زیادی به چنگ او افتاد و ربقه اطاعت مهذب الدوله را از گردن خود انداخت بلکه قصد مهذب الدوله نمود و مهذب الدوله منهزم شد و ابن واصل بر بطیحه مستولی گردید و مال زیاده از حدی قسمت او گشت، مهذب الدوله متوجه بغداد شد لکن راه نیافت و این برخلاف مظنون او بود زیرا که منتهای خدمت و احسان را به القادر نموده در وقتیکه به بطیحه گریخته بود. دادن بهاء الدوله نقابت علوتین عراق را به شریف ابواحمد موسوی پدر شریف رضی و ملقب نمودن او را به (الظاهر ذالمناقب)

[سنه ۳۹۵ هجری = سنه ۱۰۰۴ مسیحی]

آسیا — چون ابن واصل بر بطیحه مستولی شد نایبی در اینجا گذاشته و خود به طرف بصره رفت اهل بطیحه از اطاعت نایب ابن واصل خارج شدند و از انطرف عمید الجیوش که از جانب بهاء الدوله امیر عراق بود لشکری بامهذب الدوله بواسطه سفاین به بطیحه فرستاد همینکه مهذب الدوله به بطیحه رسید و اهل بطیحه او را دیدند از قدوم او زایدالوصف مسرور شده و جمیع ولایات را به او تسلیم نمودند و او قرارداد سالی پنجاه هزار دینار از برای بهاء الدوله بفرستد. گرفتن سلطان محمود غزنوی شهر بهادیه (بهاطیه) را که از بلاد بسیار معتبر هندی است. وفات احمد بن فارس ابوعبدالله منده از حافظهای اصفهان.

[سنه ۳۹۶ هجرى = سنه ۱۰۰۵ مسیحی]

آسیا — گرفتن سلطان محمود غزنوی ملتان را، و راندن به طرف بیدا پادشاه هند و گریختن بیدا بقلعه کاليجار و محاصره کردن سلطان محمود او را در این قلعه و فرستادن بیدا مبلغ خطیری برای سلطان محمود که باین مبلغ مصالحه کردند و پادشاه هند خلعت سلطان محمود را پوشید، دادن بهاء الدوله نقابت طالبین را بشریف رضی و ملقب کردن او را به رضی و برادر او را به مرتضی،^۱ وفات محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی بن منده اصفهانی صاحب تصانیف مشهوره. وفات ابوالعباس احمد نسوی از متصوفه.

اروپا — انقراض دودمان پادشاه بلغار و غلبه امپراطور قسطنطنیه بر این مملکت.

[سنه ۳۹۷ هجرى = سنه ۱۰۰۶ مسیحی]

آسیا — جنگهای متوالی مابین ابوالعباس بن واصل و عساکر بهاء الدوله که اخرا لامر این واصل منهزم شده به بصره آمد و از اینجا نیز گریخت و عاقبت اسیر شده او را نزد بهاء الدوله آوردند و بهاء الدوله پیش از آنکه او را به بیند حکم کرد او را بکشتند و سر او را در خوزستان بگردانیدند. نزول برف عظیم در بغداد. گریختن ایلک خان در جنگ بلخ از سلطان محمود، وفات ابوالفرج بیفانی شاعر مشهور.

افریقا — شخصی اموی از اولاد هشام بن عبدالملک معروف به ابورکوه برالحاکم خلیفه مصر خروج کرد و در رقه استقراری بهم رسانید، لشکری الحاکم به دفع او فرستاد او آن لشکر را شکست داده و اموال زیاد به غنیمت برد و قوتی گرفت و بر صعيد مصر مستولی شد، الحاکم مجددا لشکر جراری به جنگ او مأمور نمود و پس از جنگ سخت قشون ابورکوه منهزم و خود او اسیر گردید و الحاکم او را بکشت و جسد او را بدارزد و سر او را بگردانیدند.

[سنه ۳۹۸ هجرى = سنه ۱۰۰۷ مسیحی]

آسیا — فتوحات سلطان محمود غزنوی در هند، دادن مادر مجدالدوله بن فخرالدوله حکومت

۱. کامل: و لُقِبَ بالرضی ذی الحسین و لُقِبَ أخوه المرتضی ذالمجدین.

اصفهان را به ابوجعفر بن شمتاریار (شهریار)^۱ معروف به ابن کاکویه و چون او پسر خال مادر مجدالدوله بود و کاکویه به فارسی بمعنی خال است معروف به ابن کاکویه شده بنابراین ابتدای دولت ابن کاکویه در این سال است. وفات عبدالواحد بن نصر شاعر معروف به بیغا^۲. وفات بدیع ابوالفضل احمد بن حسین همدانی صاحب کتاب مقامات معروف که حریری در مقامات خود به او اقتفا نموده. وفات ابونصر اسمعیل بن احمد (حمدان) جوهری صاحب کتاب صحاح جوهری در لغت و اصل ابونصر اسمعیل از فاراب ترکستانست که بعدها به اطرار معروف شده غلبه اهل سته در جنگ بغداد بر شیعه. زلزله عظیم در دینور که شانزده هزار نفر زیر آوار هلاک شدند.

[سنه ۳۹۹ هجری = سنه ۱۰۰۸ مسیحی]

آسیا — کشته شدن ابوعلی بن ثمال الخفاجی که الحاکم علوی او را حکومت رجبه داده بود و بعد از او امر حکومت رجبه بر صالح بن مرداس کلابی حکمران حلب مقرر آمد. رجوع قافله حاج از راه عراق و هلاک شدن قافله بصره در ربه.

افریقا — وفات علی بن عبدالرحمن بن احمد بن یونس المصری صاحب زیج الحاکمی که معروف به زیج ابن یونس و زیج بزرگست که در چهار مجلد است، گویند العزیز علوی پدر الحاکم امر به انجام دادن این زیج نمود.

[سنه ۴۰۰ هجری = سنه ۱۰۰۹ مسیحی]

آسیا — رفتن سلطان محمود به هندوستان و جنگ کردن و بازگشتن باغنیمت. بنا کردن ابومحمد بن سهلان قلعه ای برای نجف اشرف. وفات نقیب ابواحمد الموسوی پدر شریف رضی در نمود و شش سالگی، وفات ابوالعباس نامی شاعر، و ابوالفتح علی بن محمد البستی الکاتب الشاعر صاحب التجنیس^۳.

۱. کامل: ابوجعفر بن دشمنزیار.

۲. کامل: المعروف بالبیغاء.

۳. کامل: صاحب الطريقة المشهورة فی التجنیس.

اروپا - پیمش ذکر کردیم که مؤید اموی یعنی هشام بن حکم وقتی به سلطنت اسپانیول برقرار شد ده ساله بود و ابو عامر محمد بن ابی عامر لقب حجابت یافته به تدبیر ملک پرداخت و مؤید محبوب از مردم بود ولی سلطنت داشت تا سال سیصد و نود و نهم در این سال محمد بن هشام بن عبد الجبار بن عبد الرحمن بن الناصر الاموی براو خروج کرد و مردم با او بیعت نمودند و او مؤید را گرفته در قرطبه (کردو) حبس کرد و محمد بن هشام ملقب به مهدی شد و به سلطنت پرداخت تا سلیمان بن حکم بن سلیمان بن عبد الرحمن الناصر براو خروج کرد محمد بن هشام بگریخت و سلیمان در اوایل شوال این سال که سال چهارصد باشد به سلطنت جلوس کرد بعد محمد بن هشام جمعیتی جمع کرد و روبه قرطبه نهاده قصد سلیمان نمود سلیمان فرار کرد و محمد به سلطنت بازگشت پس از آن بزرگان لشکر جمع شده محمد را گرفتند و مؤید را از حبس بیرون آورده و در هفتم ذیحجه باز بر سریر سلطنت اسپانیول متمکن کردند، و محمد را به حضور او آوردند و او حکم به قتل محمد داده و او را بکشتند و واضح عامری از جانب مؤید به مهام مملکتی ناظر آمد چندی که گذشت مؤید واضح را نیز بکشت و در مملکت اغتشاش پدیدار شد و بر بر با سلیمان بن حکم بن سلیمان بن عبد الرحمن بن ناصر اتفاق نموده روبه قرطبه نهادند و مؤید را در این شهر محاصره نمودند و شهر را فتح کردند و مؤید را از قصر سلطنتی بیرون آوردند و معلوم نشد که حال او چه شد، یعنی دیگر کسی او را ندید و با سلیمان در نیمه شوال سال چهارصد و سه بیعت کردند و سلیمان ملقب به المستعین بالله و پادشاه اسپانیول شد.

[سنه ۴۰۱ هجری = سنه ۱۰۱۰ مسیحی]

آسیا - رفتن ایلک خان پادشاه ترک از سمرقند با عساکر خود به جنگ برادر خود طغان خان و رسیدن او به اوزکند و مانع شدن برف او را در اینجا از حرکت و بازگشتن او. خطبه خواندن قرواش بن مقلد بن مسیب امیر بنی عقیل به اسم الحاکم بالله خلیفه علوی مصر در قلمرو حکمرانی خود که موصل و انبار و مداین و کوفه و غیرها باشد و چون بهاء الدوله این بشنید عمید الجیوش (سپهسالار) را به جنگ قرواش مامور کرد و او متوجه قرواش گردید قرواش عذر خواست و قطع خطبه علویین نمود. وفات ابو عبید هروی از مشایخ لغت. وفات عمید الجیوش ابوعلی بن استاد هرمز که از جانب بهاء الدوله رئیس

قشون و حکمران بغداد بود و هشت سال و چهار ماه و چند روز این مناصب او را دوام کرد، عمر عمید الجیوش چهل و نه سال و پدرش استاد هرمز از حجاب عضدالدوله بود، و فتنه هائیکه در بغداد بر پا گردیده به وجود عمیدالجیوش قمع شد چون او بمرد بهاء الدوله فخرالملک ابوغالب را به جای او برقرار کرد.

[سنه ۴۰۲ هجری = سنه ۱۰۱۱ مسیحی]

آسیا - (ذکر اخبار صالح بن مرداس و تملک او حلب را و اخبار اولاد او تا سال چهارصد و هفتاد و دو)

اگرچه ترتیب این کتاب از روی ترتیب سنواتست اما چون اخبار مسطور در ذیل مختصر و بهم بسته است و تفکیک آن موجب اغتشاش ذهن می شود در ضمن این سال می نگاریم و ذکر سنین هم در طی اخبار می شود.

پیش ذکر نمودیم که ابوالمعالی شریف ملقب به سعدالدوله ابن سیف الدوله بن حمدان حلب را تملک نمود و در این ولایت حکمرانی داشت تا به مرض فالج درگذشت و ابوالفضایل پسرش به جای او برقرار آمد و غلام پدرش لؤلؤ به تدبیر ملک پرداخت بعد ابونصر بن لؤلؤ بر ابوالفضایل غلبه کرده حلب را از او بگرفت و به اسم الحاکم علوی خطبه خواند و الحاکم او را مرتضی الدوله لقب داد و میانه او و صالح بن مرداس کلابی و بنی کلاب و حششی پدید آمده جنگها اتفاق افتاد و ابن لؤلؤ غلامی داشت فتح نام که قلعه بیگی حلب او را بود، میانه فتح و آقای او نیز و حششی حاصل شده بنای عصیان گذاشت و به الحاکم علوی عریضه ای نوشته حکمرانی صیدا و بیروت را بگرفت و حلب را به گماشتگان الحاکم تسلیم کرد، ابن لؤلؤ آقای او به انطاکیه که در تصرف عثمانیها بود رفته اقامت کرد و حلب در دست حکام الحاکم بود، تا شخصی از آل حمدان معروف به عزیز الملک از جانب الحاکم والی این ولایت شد و بود تا الحاکم مقتول و الظاهر لاعزاز دین الله علوی به خلافت مصر برقرار آمد، و ابن ثعبان نامی از جانب الظاهر والی حلب گردید، و قلعه را خادمی معروف به موصوف در تصرف داشت، صالح بن مرداس امیر بنی کلاب قصد ابن ثعبان و موصوف نمود، اهل حلب به جهة بدرفتاری علوین حلب را تسلیم صالح کردند، و صالح ابن ثعبان را در قلعه محاصره کرده قلعه را نیز در چهارصد و چهارده بگرفت و در حلب استقراری یافت و بعلبک را الی عانه ضمیمه حلب

کرد و شش سال حکمرانی نمود. همینکه سال چهارصد و بیست شد الظاهر علوی لشکری به سرکردگی انوش تکین به جنگ صالح و قتال حسان امیر بنی طی مأمور کرد و حسان مذکور بر رمله و بلاد این نواحی استیلا یافته بود. حسان و صالح برای جنگ با انوش تکین متفق شده در اردن نزدیکی طبریه جمع آمدند و جنگ در گرفت و صالح بن مرداس و پسر کوچک او کشته شدند و سر آنها را به مصر فرستادند و پسر بزرگ صالح ابو کامل نصر بن صالح بن مرداس نجات یافت و به حلب آمده این ولایت را تملک نموده و ابو کامل ملقب به شبل الدولة بود. شبل الدولة مالک حلب بود تا سال چهارصد و بیست نه، در این سال المستنصر بالله علوی از مصر لشکری به سرداری انوش تکین که ملقب به دزبری بود به جنگ شبل الدولة فرستاد و در ماه شعبان در نزدیکی حماة جنگ سختی در گرفت شبل الدولة کشته شد و دزبری حلب را مالک آمد و کار او در این بلد بالا گرفت تا در سال چهارصد و سی و سه به حلب در گذشت. صالح بن مرداس پسر در رجه داشت موسوم به ابو علوان ثمال و ملقب به معز الدولة چون معز الدولة وفات دزبری را شنید به حلب آمده این ولایت را مالک شد و در ماه صفر چهارصد و سی و چهار قلعہ حلب را نیز بگرفت و بود تا چهارصد و چهل. در این سال مصریها لشکری به جنگ او فرستادند او آنها را منهزم کرد در ثانی لشکری مأمور کردند آن لشکر هم شکست خوردند. بعد معز الدولة با مصریها صلح کرد و حلب را به آنها واگذار نمود و مصریها شخصی را که به حسن بن علی بن ملهم معروف و ملقب به مکین الدولة بود به حکومت حلب فرستادند و در سال چهارصد و چهل و نه معز الدولة حلب را تسلیم مکین الدولة کرد و به مصر رفت و برادرش عطیة بن صالح بن مرداس به رجه آمد. شبل الدولة که در جنگ دزبری کشته شد پسرش داشت محمود نام اهل حلب از اطاعت مکین الدولة خارج شده نامه به محمود نوشتند و قدوم او را خواهش کردند محمود رو به حلب کرده اهل حلب با او متفق شدند و مکین الدولة را محاصره نمودند و این در چهارصد و پنجاه و دو بود. مصریها قشونی به کمک مکین الدولة فرستادند آن لشکر چون به حلب نزدیک شد محمود از حلب فرار کرد و مکین الدولة جمعی از اهل این ولایت را بگرفت و اموال آنها را تصرف نمود و قشون محمود را تعاقب کردند. ولی محمود آنها را شکست داد و به حلب بازگشته این شهر را محاصره نمود و بگرفت و مکین الدولة و سرکرده لشکر مصری ناصر الدولة را که از اولاد ناصر الدولة بن حمدان بود رها کرد و آنها به مصر رفتند، و محمود بن شبل الدولة در حلب متمکن گردید. چون مکین الدولة و ناصر الدولة به مصر رسیدند مصریها ثمال بن صالح بن

مرداس را که پیش به مصر رفته بود بالشکری به جنگ محمود که پسر برادر او بود فرستادند و او محمود را منهزم و حلب را در چهارصد و پنجاه و سه مُسَلَّم کرد و در سال بعد مرد. و عطیه برادرش که به رَحبه رفته بود به جای او حلب را مالک شد. محمود بن شبل الدَّوله پس از منهزم شدن از شمال به حران رفت و بعد از فوت ثمال لشکری جمع کرده به حلب آمد و عطیه عموی خود را منهزم کرد. عطیه به رقه آمده این بلد را تملک نمود. بعد رقه را هم از او منتزع نمودند و عطیه به قسطنطنیه رفته در اینجا بماند تا بمرد بعد محمود ارتاح را نیز از رومیها بگرفت و در ذیحجه چهارصد و شصت و هشت داعی حق را لبیک اجابت گفت و پسرش نصر بن محمود جای او بگرفت و در چهارصد و شصت و نه به دست ترکمانان کشته شد. و پس از او برادرش سابق بن محمود بن نصر بن صالح بن مرداس مالک حلب شد تا در سال چهارصد و هفتاد و دو شرف الدوله مسلم بن قریش حکمران موصل حلب را از تصرف سابق بن محمود خارج ساخت.

هم در این سال یعنی در سنه چهارصد و دو به امر القاهر شهادت نامه ای برای ابطال صحّت نسب خلفای علوی مصر نوشتند و قدح زیاد از آنها نمودند و نسبت کفر و زندقه به آنها دادند و گفتند آنها از اولاد علی علیه السلام نیستند بلکه معد بن اسمعیل پسر عبدالرحمن بن سعید است که نسبت او به دیصان بن سعید که دیصانیه به او منصوبند می رسد. وفات ابن لبان مقری بصری از فقهای عراق. شدت اذیت خفاجه به حجاج و قطع کردن راه آنها را.

[سنه ۴۰۳ هجری = سنه ۱۰۱۲ مسیحی]

آسیا — کشته شدن شمس المعالی قابُوس بن وشمگیر بن زیار به واسطه سخت گیری که نسبت به ملازمان خود داشت و مطلقاً اغماضی در کارها نمیکرد و قابوس مرد فاضل متشدد قلیل العفوی بود و علم نجوم را مخصوصاً خوب می دانست و اشعار بسیار خوب او راست. مردن پادشاه ترک ایلک خان و برقرار شدن طغان خان برادرش به جای او، و ایلک خان دوستدار دین و اهل دیانت و عادل بود. وفات بهاء الدوله ابونصر خاشاذ بن عضد الدوله به ناخوشی صرع در دهم جمادی الاخره در ارجان، و بهاء الدوله چهل و دو سال و نه ماه داشت که مالک عراق شد و بیست و چهار سال سلطنت کرد و بعد از او پسرش سلطان الدوله به جای او برقرار گردید. وفات قاضی ابوبکر الباقلانی که اسم او محمد بن طیب بن محمد بن جعفر بود، و ابوبکر بر مذهب ابوالحسن الاشعری بوده،

ساکن بغداد و صاحب تصانیف کثیره در علم کلام و ریاست مذهب مذکوره به او منتهی می شود و چون باقلا می فروخته او را باقلانی گفته اند^۱ و این نسبت شاذ است.

[سنه ۴۰۴ هجری = سنه ۱۰۱۳ مسیحی]

آسیا — رفتن سلطان محمود به جنگ هند و فتوحات او در این مملکت و اخذ غنائم و افره و بازگشت او به غزنین. اضرار و خرابی و نهب خفاجه در سواد کوفه که عساکر عراق بر سر آنها ریخته بعضی را بکشتند و برخی را اسیر کردند (خفاجه قبیله ایست از بنی عامر). وفات ابوالحسن علی بن سعید الاضطخری از شیوخ معتزله که زیاده از هشتاد سال داشت. وفات ابوالفرج نهروانی مقری بغداد.

[سنه ۴۰۵ هجری = سنه ۱۰۱۴ مسیحی]

آسیا — وفات حافظ محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن نعیم الضبی الطهمانی معروف به ابن حاکم نیشابوری پیشوای اهل حدیث در عصر خودش. کشتن طایفه ای از عوام دینور قاضی خود ابوالقاسم یوسف بن احمد بن کج الفقیه الشافعی را به واسطه خوفی که از او داشتند و قاضی مزبور ریاست علمی و دنیائی را باهم داشت. وفات ابن شاذان واعظ بغدادی.

اروپا — اطاعت کردن بوسنه و بلغار امپراطور قسطنطنیه را.

افریقا — منع کردن الحاکم بالله علوی حکمران مصر نسوان مصری را از خروج.

[سنه ۴۰۶ هجری = سنه ۱۱۰۵ مسیحی]

آسیا — رفتن یمین الدوله به غزو هند، و گم کردن راه را که او و عساکر او گرفتار مردابی

۱. در کامل ذیل وقایع سال ۴۰۲ فوت «عثمان بن عیسی ابوعمر و الباقلانی العابد» که «مجاب الدعوه» نیز بوده آمده است. باقلا فروشی چنین شخصی مستبعد نیست اما باقلا فروشی شخصیتی که «صاحب تصانیف کثیره» و «ریاست مذهب اشعری» داشته مستبعد است. اظهار نظر با علمای رجال است.

که از دریا نشر کرده بود شدند و بسیاری از آنها غرق و هلاک شده باقی پس از چند روز مستخلص گردیده به خراسان برگشتند. عزل کردن سلطان الدوله فخرالدوله اباغالب^۱ را که در عراق نایب او بود و کشتن او را در سلخ ربیع الاول، عمر فخرالدوله پنجاه و دو سال و یازده ماه و مدت ولایت او در عراق پنجسال و چهارماه و چند روز بود و هزار هزار دینار پول نقد او به دست افتاد سوای اموالی که از او غارت شده یا نقدینه نبود. دادن سلطه الدوله وزارت خود را به ابومحمد حسن بن سهلان. (چین). از تعداد نفوسی که درین سنه با کمال دقت در چین نمودند معلوم شد که جز جوانان از بیست سال به پائین و نسوان و قضاة و علما و رؤسای دین و خواجه ها و قشون بری و بحری چهل و سه کرور و چهارصد و هفتاد و شش هزار و نهصد و شصت و پنج نفر عده سکنه مملکت چین است و اگر طبقات مذکوره را نیز ضمیمه می کردند مضاعف می شد. وفات شریف الحسینی ملقب به رضی که محمد بن حسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر الصادق علیه السلام باشد و رضی صاحب دیوان شعر بسیار جیدی است. وفات ابوحامد احمد بن محمد بن احمد الاسفراینی پیشوای اصحاب شافعی، انهزام شیعه واسط از جنگ اهل سنت.

اروپا — (روس) فوت ولادیمیر پادشاه این مملکت که عیسویان روس او را ازائمه می شمارند و در پانزدهم ژویه به یادگار او جشنی برپا می کنند. در سلطنت ولادیمیر شهرها بنا شد و معابد ساخته آمد و اراضی بایر دایر گردید بعد از فوت ولادیمیر برادر زاده اش داعیه سلطنت دارد.

[سنه ۴۰۷ هجری = سنه ۱۰۱۶ مسیحی]

آسیا — انقراض آل فریقون در خوارزم. رفتن سلطان محمود به بلاد هند به جنگ و رسیدن به کشمیر و قنوج و رود گنگ و فتح کردن بسیاری از بلاد این مملکت را و اخذ غنایم و اموال بسیار و جواهر نفیسه و معاودت کردن او به غزنین مؤیداً منصوراً.

اروپا — (اسپانیول) انقراض دولت و خلافت خلفای اموی از اسپانیول که دو نفر از بنی ادريس پی در پی در مدت کمی سلطنت نمودند و آل ادريس چنانکه پیش ذکر کرده ایم

علوی بودند و از این تاریخ خلافت و سلطنت اسپانیا مبدل به ملوک الطوائف شد و بهترین مرآت برای اخبار ملوک الطوائف اسپانیول ارجوزه ایست که ابوطالب عبد الجبار المعروف بالمشنی الاندلسی از اهالی جزیره شقربه رشته نظم کشیده ماعین آن را در ذیل می نگاریم.

لَمَّارِی اَعْلَامِ اَهْلِ قَرْطَبَه	اِنَّ الْاُمُورَ عِنْدَهُمْ مُضْطَرَبَه
وَعَدَمَتْ شَاكِلَهَ لِلطَّاعَةِ	اَسْتَعْمَلَتْ آرَاءَهَا الْجَمَاعَةِ
فَقَدَ مَوَ الشَّيْخِ مِنْ آلِ جَهْوَر	اَلْمَكْتَنَى بِالْحَزْمِ وَالتَّدْبَرِ
ثُمَّ ابْنَه ابُو الْوَلِيدِ بَعْدَه	وَكَانَ يَحْدُوا فِي السَّدَادِ قَصْدَه
فَجَاهَرَتْ لَجُورُهَا الْجِهَاهُورَه	وَكَلَّ قَطْرُ حُلِّ فِيهِ فَاقرَه
وَالشَّغَرُ الْاَعْلَى قَامَ فِيهِ مَنْذَرُ	ثُمَّ ابْنُ هُوْدٍ بَعْدَ فِيمَا يَذْكُرُ
وَابْنُ بَعِيشٍ ثَارَ فِي طَلِيظِلَه	ثُمَّ ابْنُ ذِي التَّوْنِ تَصَفَّى الْمَلِكَلَه
وَفِي بَطْلِيُوسٍ اَنْتَزَا ^۱ سَابُورُ	وَبَعْدَه ابْنُ الْاَفْطُسِ الْمَنْصُورُ
وِثَارَ فِي اشْبِيلَه بِنُوعِبَادِ	وَالْكَذِبِ وَالْفِتُونِ فِي اَزْدِيَادِ
وِثَارَ فِي غَرْنَاطَه حَبُوسِ	ثُمَّ ابْنَه مِنْ بَعْدَه بِادِيسِ
وَالْ مَعْنِ مَلِكُو الْمَرْيَه	بِسَيِّرَه مَحْمُودَه مَرْضِيَه
وِثَارَ فِي شَرْقِ الْبِلَادِ الْفَتِيَانِ	اَلْعَامَرِيُونِ وَ مِنْهُمْ خَيْرَانِ
ثُمَّ زَهِيرِ وَالْفَتَى لَبِيبِ	وَمِنْهُمْ مَجَاهِدُ اللَّبِيبِ
سُلْطَانَه رَسْمِي بِمَرْسِي دَانِيَه	ثُمَّ غَزَا حَتَّى اِلَى سَرْدَانِيَه
ثُمَّ اَقَامَتْ هَذِهِ الصَّقَالِبَه	لَا بِنَ ابِي عَامِرِهِمْ بِشَاطِبَه
وَحَلَّ مَا مَلِكُهُمْ بِلَنْسِيَه	وِثَارَ آلُ طَاهِرٍ بِمَرْسِيَه
وَبِلَدِ الْبَيْتِ لآلِ قَاسِمِ	وَهُوَ حَتَّى الْآنَ فِيهِ حَاكِمِ
وَابْنُ رَزِينِ جَارَه فِي السَّهْلَه	اَمْهَلُ اَيْفَنَائِمِ كُلِّ الْمَهْلَه
ثُمَّ اسْتَمَرَّتْ هَذِهِ الطَّوَائِفِ	يَخْلُفُهُمْ مِنْ آلِهِمْ خَوَالِفِ

هم در این سال شهر لئون را که اعراب خراب نموده بودند الفنس پنجم مرمت کرد.

افریقا — کشته شدن شیعه های افریقیه به دست سُنیها.

[سنه ۴۰۸ هجری = سنه ۱۰۱۷ مسیحی]

آسیا — وفات قراخان پادشاه ترکستان و بعضی وفات او را در سال چهارصد و شش نوشته اند و شهر معتبر ترکستان در اینوقت کاشغر بود، گویند چون قراخان بیمار شد عساکر چین از ترک و خطا تقریباً سیصد هزار خرگاه^۱ متوجه بلاد او شدند او دعا کرد که خدا او را شفا دهد و لشکر دشمن را از ملک خود بیرون کند خدایتعالی او را شفا داد و قشون چینی را شکست و زیاده از دو یست هزار نفر از آنها را مقتول و صد هزار نفر را اسیر کرد و غنیمت بی حسابی عاید او گردید و به بلاصاغون بازگشت و بلافاصله درگذشت. قراخان پادشاه عادل دین داری بود و اسمش ابونصر احمد بن طغاکان و بعد از او برادرش ابوالمظفر ارسلان خان به جای او برقرار آمد. وفات مهذب الدوله حکمران بطیحه که در مرض موت او پسر خواهر او ابومحمد احمد پسر مهذب الدوله را بگرفت، و چون مهذب الدوله درگذشت خود به جای او متمکن شد و احمد را چندان بزد که بمرد. اما ابومحمد نیز مبتلا به ناخوشی دُبحه شده و کمتر از سه ماه حکمرانی نموده بدرود زندگی گفت و حسین بن بکر شرابی از خواص مهذب الدوله به حکمرانی بطیحه برقرار آمد و سلطان الدوله در سنه چهارصد و شانزده او را بگرفت و صدقه بن فارس المازیادی را به بطیحه فرستاده این نواحی را تملک نمود. وفات علی بن مزید الاسدی که بعد از آن پسرش دُبَیس بن علی بن مزید امارت یافت. ضعف امر ديلم در بغداد و طمع عاقه در آنها و کثرت عیاران و مفسدین در بغداد و نهب اموال. آمدن سلطان الدوله به بغداد و طبل زدن در اوقات پنجگانه نماز، و جد او عضدالدوله در سه وقت از اوقات نماز این کار را می کرد وفات ابوالفضل جرجانی شیخ قرآ.

اروپا — طایفه دانمارک در انگلیس تسلط یافتند.

[سنه ۴۰۹ هجری = سنه ۱۰۱۸ مسیحی]

آسیا — جنگ سلطان محمود در هند چنانکه عادت او بود که بعد از اخذ غنائم موفوره مظفر و منصور به غزنین بازگشت. وفات ارسلان خان ابوالمظفر بن طغاکان علی که بعد از او بلاد ماوراءالنهر را قدرخان یوسف بن بغراخان هارون بن سلیمان تملک نمود.

۱. کامل: ثلاثمائة الف خرگاه من اجناس الترك.

افریقا — وفات عبدالغنی بن سعید الحافظ المصری صاحب المؤتلف و المختلف.

[سنه ۴۱۰ هجرى = سنه ۱۰۰۹ مسیحی]

آسیا — وفات وثاب بن سابق النمیری حکمران حرّان که بعد از او پسرش شیب بن وثاب مالک ملک او شد. وفات مردوّیه اصفهانی، و ابن بابک شاعر مشهور.

[سنه ۴۱۱ هجرى = سنه ۱۰۲۰ مسیحی]

آسیا — شورش لشکریان در بغداد بر سلطان الدوله که بدین واسطه قصد واسط کرد، لشکریان گفتند پسریا برادر خود را حکمران عراق کن، سلطان الدوله مشرف الدوله برادر خود را نایب عراق نمود و از بغداد به اهواز رفت و در راه ابن سهلان را وزیر کرد، و مشرف الدوله را از این بابت وحشت دست داد و سلطان الدوله ابن سهلان را فرستاد که مشرف الدوله را از عراق بیرون کند، مشرف الدوله با ابن سهلان جنگ کرده لشکر او را شکست داد و خود او را گرفته کور کرد، سلطان الدوله که این بشنید بترسید و با چهارصد سوار به اهواز گریخت و مشرف الدوله در عراق مستقل شد و قطع خطبه سلطان الدوله نمود و در او آخر محرم سال بعد خطبه به اسم مشرف الدوله خواندند. اتفاق و اجتماع غریب بن معن و دبیس بن علی بن مزید و آمدن قشونی از بغداد نزد آنها و جنگ کردن بامعتمد الدوله قرواش و منهزم شدن قرواش که دست نواب سلطان در مملکت او دراز شد و قرواش نزد سلطان فرستاده طلب عفو نمود. غلاء مفرط در بغداد.

افریقا — کشته شدن الحاکم بامر الله ابوعلی منصور بن العزیز بالله العلوی خلیفه مصر به مواضعه خواهر او باسر کرده های او، عمر الحاکم سی و شش سال و نه ماه و مدت خلافتش بیست و پنج سال و چند روز، از قرار مذکور الحاکم دعوی الوهیت می کرد چون الحاکم کشته شد پسرش الظاهر لا عزاز دین الله به جای او خلافت یافت، و از آنجا که الظاهر طفل بود عمّه اش به تدبیر ملک پرداخت. گویند در این سال در افریقیه ابر پررعد و برقی در آسمان پیدا شده سنگهای بسیار بارید و آن سنگها به هر کس خورد مرد.

[سنه ۴۱۲ هجرى = سنه ۱۰۲۱ مسیحی]

آسیا — ابتدای دولت نبی نجاح در یمن که تا سنه پانصد و پنجاه و سه در این مملکت

حکمرانی کردند، وفات صدقة بن فارس المازیاری امیر بطیحه و استقرار ابونصر شیرزاد بن حسن بن مروان در این ناحیه. وفات علی بن هلال خوش نویس معروف به ابن بواب، و بعضی وفات او را در سال بعد نوشته اند، ابن هلال را ابن سری هم می گویند. وفات ابوعبدالرحمن محمد بن الحسین السلمی الصوفی صاحب طبقات الصوفیه. وفات علی بن عبدالرحمن الفقیه البغدادی معروف به صدیع الدلا شاعر مشهور.

[سنه ۴۱۳ هجری = سنه ۱۰۲۲ مسیحی]

آسیا — مصالحه مابین مشرف الدوله و برادرش سلطان الدوله به اینکه تمام عراق مشرف الدوله را باشد و کرمان و فارس سلطان الدوله را. دادن مشرف الدوله وزارت خود را به ابوالحسن بن الحسن الرضجی و ملقب کردن او را به مؤید الملک که او مریمخانه ای در واسط بساخت و موقوفات زیادی برای آن قرار داد. وفات علی بن عیسی السکری شاعر السنه و او را شاعر السنه گفته اند به جهت اینکه اکثراً در مدح صحابه و مناقضه با شعرای شیعه می کرد. وفات عبدالله بن المعلم فقیه الامامیه. وفات ابوالفضل الجاربردی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۴۱۴ هجری = سنه ۱۰۲۳ مسیحی]

آسیا — استیلای علاء الدوله ابوجعفر بن کاکویه برهمدان و گرفتن او این بلد را از صاحب آن سماء الدوله ابوالحسن بن شمس الدوله از آل بویه و راندن علاء الدوله به دینور و تملک نمودن این ولایت را که بعد از آن شاپور خواست را نیز بگرفت و قوت و هیبت او زیاد شد. گرفتن مشرف الدوله وزیر خود رضجی را و دادن منصب وزارت را به ابوالقاسم مغربی که اسم او حسین و وزیر قرواش بود و پدرش از ملازمان سیف الدوله بن حمدان که به مصر رفت و ابوالقاسم به مصر متولد شد و الحاکم پدر او را بکشت و ابوالقاسم به شام گریخت و مشغول نوکری شد. جنگ سلطان محمود در هند به وضع سنوات قبل، وفات قاضی عبدالجبار متکلم معتزلی صاحب تصانیف مشهوره در علم کلام که زیاده از نود سال داشت.

[سنه ۴۱۵ هجرى = سنه ۱۰۲۴ مسیحی]

آسیا - وفات سلطان الدوله ابوشجاع ابن بهاء الدوله ابی نصر بن عضدالدوله در ماه شوال در شیراز که عمر او بیست و دو سال و چند ماه بود. استیلا یافتن برادر او قوام الدوله ابوالفوارس بن بهاء الدوله بر مملکت کرمان و تملک او فارس را. در این وقت ابوکالیجار بن سلطان الدوله که در اهواز بود قصد عم خود کرده ابوالفوارس را منهزم کرد و بر مملکت پدر خود مستولی شد بعدها ابوالفوارس مملکت را از او منتزع کرد، ابوکالیجار مجدداً ممالک پدری را از چنگ عم خود بیرون آورد و ابوالفوارس منهزم شد. وفات علی بن عبیدالله بن عبدالغفار السمسانی اللغوی.

اروپا - (آلمان) فوت هانری دویم امپراطور. (فرانسه) شورش رعیت بر ملاکین. (اسپانیول) زلزله در اندلس.

افریقا - فوت محمد بن سفیان قاری مصاحب هادی در قیروان.

[سنه ۴۱۶ هجرى = سنه ۱۰۲۵ مسیحی]

آسیا - فتح کردن سلطان محمود غزنوی سومات را که در بتکده چندان جواهر قیمتی و طلا بود که به وصف در نمی آمد و همه را سلطان محمود تصاحب کرد و بقدری هندوها کشته شدند که تعداد آنها مشکل گردید و بت بزرگ را که پنج ذرع طول آن بود بسوزانید و قطعه ای از آنرا باخود به غزنین آورده در کریاس و عتبه جامع نصب کرد. وفات مشرف الدوله ابوعلی بن بهاء الدوله در ربیع الاول که بیست و سه سال و چند ماه عمر او بود و حکمرانی او پنج سال و چند روز. کشته شدن محمد تهامی شاعر مشهور صاحب مرثیه مشهوره (حکم المنیة فی البریة جاری) که در مردن طفل صغیر خود گفت و محمد مذکور نامه از حسان بن مفرج بن دغفل بدوی برای بنی قره داشت و پنهانی به قاهره رفت، از حال او خبر شده او را حبس کردند و در حبس بکشتند (تهامی منسوب به تهامه است که اطلاق بر مکه و بلادیکه میانه حجاز و اطراف یمن است می شود).

اروپا - کانوت پادشاه دانمارک که انگلیس را متصرف شده بود به واسطه نارضائی اهل مملکت خود از غیبت طولانی او مجبوراً به دانمارک معاودت نمود.

[سنه ۴۱۷ هجری = سنه ۱۰۲۶ مسیحی]

آسیا — تسلط اتراک در بغداد و مصادره کردن مردم را، و باز شدن دست عیاران و ار ذال به مال و عرض مردم و جهة این هرج و مرج مردن مشرف الدوله و خالی ماندن بغداد از سلطان بود. وفات ابوبکر عبدالله بن احمد بن عبدالله فقیه شافعی مشهور به قفال صاحب تصانیف نافعه، و این ابوبکر غیر از ابوبکر قفال شاشی است که ذکر نمودیم، گویند ابوبکر در قفل سازی ماهر بوده و در بزرگی یعنی درسی سالگی شروع به تحصیل علم نموده و مقدم اهل زمان خود شده است. وفات ابوالحسن حماسی مقری عراق.

[سنه ۴۱۸ هجری = سنه ۱۰۲۷ مسیحی]

آسیا — طلبیدن لشکریان بغداد به امر خلیفه جلال الدوله ابوطاهر بن بهاء الدوله را به بغداد برای رفع اغتشاش که در سیم رمضان وارد این شهر شد، و خلیفه او را استقبال کرد و او را سوگند داد و طلب وثوق از او نمود و جلال الدوله در بغداد استقرار یافت. نزول تگرگ در عراق که هردانه ای از آن یک رطل و دورطل بغدادی وزن داشت و کوچک آن بقدر تخم مرغ بود، وفات وزیر ابوالقاسم مغربی سابق الذکر. خراب شدن خانه ای که معزالدوله در بغداد ساخته بود و هزار هزار دینار خرج آن کرده و هشتاد هزار دینار به مصرف مقرنس کاری سقف آن رسانیده بود. وفات استاد ابواسحق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مروان (مهران) اسفراینی ملقب به رکن الدین فقیه شافعی و متکلم اصولی صاحب تصانیف جلیله در اصول و رد بر ملحدین.

اروپا — (اسپانیول) جنگ الفنس پنجم پادشاه لئون با اعراب و کشته شدن او در محاصره شهر ویز.

افریقا — وفات ابوالقاسم بن طباطبا الشریف که اسم او احمد بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم طباطبا ابن اسمعیل بن ابراهیم بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام و نقیب طالبیین مصر بود و صاحب اشعار جید و طباطبا لقب جد او بود زیرا که لثغه داشت و روزی جامه خود را از غلام خود طلبید غلام گفت ذراعه شما را بیاورم، و گفت نه، طباطبا، مقصودش قبا بیا بود و ابوالقاسم از اکابر طایفه مذکوره محسوب می شود.

[سنه ۴۱۹ هجری = سنه ۱۰۲۸ مسیحی]

آسیا — وفات قوام الدوله ابوالفوارس بن بهاء الدوله حکمران بالاستقلال کرمان در ذیقعده و راندن پسر برادر او ابوکالیجار بن سلطان الدوله پادشاه فارس به کرمان و استیلای او براین ولایت بدون جنگ و منازعه. انقراض طبقه اولی از ملوک باوند در طبرستان. وفات حسن صوری از شعراء.

اروپا — آرژیر به امپراطوری قسطنطنیه منتخب گردید و بعد از او زوجه اش زُء هفتاد و دو سال سلطنت کرد و زُء یکی از امپراطریسهای قسطنطنیه بود که در لهو و لعب و دفع شهوت اختیار نفس خود را نداشت.

[سنه ۴۲۰ هجری = سنه ۱۰۲۹ مسیحی]

آسیا — استیلای یمین الدوله سلطان محمود بن سبکتکین برری، و گرفتن مجدالدوله بن فخر الدوله علی بن رکن الدوله حسن بن بویه حکمران بالاستقلال ری را، و سبب این بُود که مجدالدوله از تدبیر ممکت غفلت کرده به معاشرت نسوان و مطالعه کتب اشتغال می ورزید، لشکریان براو شوریده حال را به سلطان محمود نوشتند، سلطان محمود عجز مجدالدوله را بدانست و لشکری فرستاده مجدالدوله را گرفتند و ری را از او منتزع نمودند وفات منوچهر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار که پسرش انوشیروان بن منوچهر به جای او برقرار گردید. وزیدن بادهای تند و ضعف حال شیعه در بغداد. وفات علی الربعی از نُحاة. زلزله در فلسطین.

افریقا — زلزله در مصر.

[سنه ۴۲۱ هجری = سنه ۱۰۳۰ مسیحی]

آسیا — وفات سلطان محمود در ربیع الاول به مرض اسهال و سوء مزاج. تولد سلطان محمود در عاشورای سنه سیصد و شصت بوده و پسر کوچکتر خود محمد را ولیعهد کرده و او جلوس کرد و مسعود برادر بزرگتر او که در اصفهان بُود متوجه حضور برادر شده و بزرگان لشکر اتفاق کرده محمد را گرفتند و مملکت را تسلیم مسعود نمودند و مسعود

استقرار بهمرسانیده برادر خود محمد را رها کرد و با او نیکی نمود و سرکرده هائیکه او را گرفته بودند و مملکت را تسلیم مسعود نموده بگرفت و این نتیجه غدر آنها شد. قتال سنی و شیعه در عاشورا در بغداد. وفات بوعلی احمد بن محمد شارح حماسه.

اروپا — پادشاه دانمارک مملکت نورژ را نیز ضمیمه مملکت خود نموده در مملکت ثلاثه دانمارک و نورژ و انگلیس با کمال عدل و انصاف سلطنت می کند (روس) شهر درپیت در مملکت لثونی بنیاد شد.

[سنه ۴۲۲ هجری = سنه ۱۰۳۰ مسیحی]

آسیا — فرستادن سلطان مسعود بن محمود لشکری به تیزو مکران و غلبه کردن آن لشکر بر این حدود، وفات القادر بالله عباسی ابن مقتدر در ماه ذیحجه که هشتاد و شش سال و ده ماه عمر کرده بود و چهل و یکسال و یکماه خلافت، و بعد از او القائم بامر الله ابو جعفر عبدالله بن القادر که بیست و ششمین خلیفه عباسی است خلافت یافت، فرستادن القائم ابوالحسن الماوردی را نزد ابی کالیجار و بیعت گرفتن از او برای القائم، و خطبه خواندن ابو کالیجار در بلاد خود به اسم القائم. غلبه سنیهای بغداد بر شیعه ها.

اروپا — استیلای رومیهای رومیه الصغری بررها. آمدن عساکر قسطنطنیه به شام و رسیدن به فامیه^۱ و قتل و نهب و سبی آنها در این بلد و حسان بن مفرج طائی که مسلمان بود و در اردن از عساکر الظاهر علوی گریخته به روم رفته بود با این قشون بود و علمی بالای سر خود داشت که شکل صلیب بر او نقش شده. (اسپانیول) آخرین خلیفه اموی که هشام سیم باشد از سلطنت استعفا نمود و مملکت اسپانیول بکلی در میان ملوک الطوائف قسمت شده، اما اهالی پای تخت جعفر نامی را که وزیر خلیفه اموی بود بر خود سلطان نمودند و ابتدای ملوک الطوائف اسپانیول را ذکر کرده ایم (فرانسه) فوت رُبر پادشاه فرانسه که هانری اول پسر او به جای او منصوب شد.

[سنه ۴۲۳ هجری = سنه ۱۰۳۱ مسیحی]

آسیا — شورش لشکریان در بغداد بر جلال الدوله و غارت کردن خانه او را و بیرون کردن

او را از بغداد و نوشتن به ابی کالیجار که به بغداد آید و رفتن جلال الدوله به عکبرا اما ابوکالیجار در آمدن به بغداد مساهله نموده و جلال الدوله به بغداد بازگشت و استقرار یافت. وفات قدرخان یوسف بن بغراخان هارون بن سلیمان پادشاه ترکستان و برقرار شدن پسرش عمر بن قدرخان به جای او.

اروپا — قحطی سخت در مملکت فرانسه (روس) اهالی نُوگُرُ تادامنه کوه اُرال که سرحد مابین آسیا و اروپاست تاخته ولی ازین جمعیت احدی به وطن خود سالما مراجعت نکرد.

[سنه ۴۲۴ هجری = سنه ۱۰۳۲ مسیحی]

آسیا — شهریوش حکمران ساوه و قم و این نواحی حجاج خراسان را بسیار اذیت می کرد سلطان مسعود لشکری فرستاده او را بگرفتند و بردیوار قلعه ساوه به دار زدند. وفات احمد بن الحسین المیمندی وزیر سلطان مسعود و سلطان محمود و این قول ظاهراً ضعیف باشد زیرا که بعضی از مورخین نوشته اند سلطان محمود این وزیر خود را بکشت، وفات قاضی ابن السماک که نود و پنج سال عمر کرده بود.

[سنه ۴۲۵ هجری = سنه ۱۰۳۳ مسیحی]

آسیا — فتح کردن سلطان مسعود قلعه سَرَسی^۱ و بلاد حوالی آنرا در هند و این قلعه بسیار محکم بود و بارها سلطان محمود قصد آن کرده و برتسخیر آن فایز نشده بود سلطان محمود خندق قلعه را با اشجار و نیشکر بینداشت و قلعه را بگرفت و اهالی را بکشت و جمعی را اسیر کرد. وفات بدران بن مقلد حکمران نصیبین که پسرش قریش نزد عم خود قرواش رفته و قرواش او را بر اموال و مملکت پدرش که نصیبین باشد برقرار کرد. زلزله در شام.

اروپا — هویر از اهل ساکس در مملکت ساووا، بنای ریاست می گذارد و خانواده ساووا که سلاطین حالیه ایتالیا می باشند. منسوب به این شخص اند.

۱. کامل: سَرَشتی.

۲. هومبر، بدل (حاشیه مؤلف).

افریقا - زلزله در مصر

سنه ۲۴۶ هجری = سنه ۱۰۳۴ مسیحی]

آسیا - ضعف امر سلطنت و خلافت در بغداد و غلبه اجامره و عیاران که اموال مردم را روز و شب می بردند و جلال الدوله از دفع آنها عاجز و خلیفه از جلال الدوله عاجزتر بود و عرب در بلاد متفرق شده به تاراج مال رعایا پرداختند و قطع طرق کردند. تاراج نمودن خفاجه کوفه را. وفات احمد بن کلیب شاعر که عاشق اسلم بن احمد بن سعید بود و از عشق او مرد. عبور ایل سلجوق از جیحون و یورت گرفتن ایشان در مملکت خراسان.

اروپا - وفات ابن شهید شاعر اندلس.

[سنه ۲۴۷ هجری = سنه ۱۰۳۵ مسیحی]

آسیا - سویداء را رومیها عمارت کرده بودند و اهل قرای مجاور در آن جای گرفته ابن وثاب و ابن عطیه بالشکر جراری از جانب نصر الدوله بن مروان آمده سویداء را به غلبه گرفتند. وفات رافع بن حسین بن معین^۱ که مرد حازم شجاعی بود و اشعار جید داشت. وفات ابواسحق شیخ احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی (ثعالبی) که در علم تفسیر او حد زمان خود بود و کتاب عرایس در قصص الانبیا از مؤلفات اوست و بعضی وفات ابواسحق را در سال چهارصد و سی و هفت نوشته اند.

اروپا - (انگلیس) فوت کائوت اعظم پادشاه انگلیس و دانمارک و نروژ و این اول پادشاهی است که در ایالات شمالی فرنگ سگه زد، و قبل از او طوایف دانمارک و سود و نروژ معاملات خود را با شمش طلا و نقره می نمودند بعد از فوت این پادشاه مملکت نروژ از تحت سلطنت خانواده کائوت خارج می شود.

افریقا - وفات الظاهر لاعزاز دین الله ابوالحسن علی بن الحاکم خلیفه علوی مصر در سی و سه سالگی که پانزده سال و نه ماه و چند روز خلافت کرده بود و مصر و شام را در تحت تصرف خود داشت و نیک سیرت و منصف بود خلافت پسرش ابوتمیم معد ملقب

۱. کامل: حسین بن مقن.

به المستنصر بالله که در سال چهارصد و بیست متولد شده بود و این مستنصر است که در بغداد خطبه به اسم او خواندند و حسن بن صباح اسمعیلی نزد او آمده به دعوت علوین به خراسان و عراق عجم مامور شد و از المستنصر پرسید که اگر تواز میان بروی کیست بعد از تو که امام باشد؟ المستنصر به پسرش نزار اشارت کرد.

[سنه ۴۲۸ هجری = سنه ۱۰۳۶ مسیحی]

آسیا - وفات ابوالقاسم بن حسین بن مُکرم^۱ حکمران عمان که پسرش جای او بگرفت. وفات مهیار شاعر که مجوسی بود و در سیصد و نود چهار اسلام اختیار کرد و مصاحب شریف رضی شد. وفات ابوالحسین احمد بن محمد بن القدوری الحنفی که ریاست ابوحنیفه در عراق به او منتهی می شود و کتاب او که موسوم به قدور است مشهور است و نسبت او به قدور جمع قدر است و قاضی شمس الدین خلکان گوید: وجه نسبت ابوالحسین را به قدور من ندانستم که چیست. وفات شیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا البخاری که پدرش اهل بلخ بود و در ایام امیر نوح بن منصور سامانی به بخارا آمده زنی را در قریه افشنه تزویج نمود و در آنجا ساکن شد و شیخ الرئيس به وجود آمد، شیخ الرئيس قرآن را در ده سالگی ختم کرد و در نزد ابی عبدالله الثاقبی حکمت خواند و اقلیدس مجسطی را حل نمود و مشغول طب شد و در هیجده سالگی در بخارا فارغ التحصیل گردید و به گرگانج که جرجانیه باشد رفت و در بعضی از بلاد گردش کرد و در جوزجان ابوعبدالله جوزجانی که اکبر اصحاب شیخ الرئيس است به او پیوست، بعد به ری آمد و به خدمت مجدالدوله بن فخرالدوله بن رکن الدوله مشغول شد بعد به خدمت شمس المعالی قابوس بن وشمگیر شتافت، چندیکه گذشت از قابوس نیز مشارقت کرده قصد اصفهان و خدمت علاء الدوله بن کاکویه نمود و مرتبتی نزد او بهمرسانید، آنگاه مبتلا به مرض صرع و قولنج شده به همدان آمد و در گذشت. عمر ابن سینا پنجا و هشت سال و مصنفات و فضایل او مستغنی از ذکر و توصیف است. فرنگیها تولد ابوعلی را در شیرازی نویسنده و تربیتش را در بخارا، به هرحال در فنون حکم ابن سینا به طریقه ارسطو بوده و در طب پیروی بقراط نموده و در سالهای دراز در فرنگستان

معالجات را از روی قانون اومی کردند. غلاء مفرط در جمیع بلاد، استیلای طغرل بیک در نیشابور.

[سنه ۴۲۹ هجری = سنه ۱۰۳۷ مسیحی]

آسیا - وفات ابومنصور عبدالملک بن محمد اسمعیل الثعالبی النیشابوری مؤلف یتیمه الذهر و مؤلفات بسیار ممتاز دیگر و ثعالبی پیشوای عصر خود بود و در سنه سیصد و پنجاه متولد شده.

اروپا - بروز طاعون در ایتالیا (رومیه الصغری) امپراطور قسطنطنیه و المستنصر بالله علوی صلح کردند براینکه امپراطور پنج هزار نفر اسرای اسلام را رها کند و به ساختن قمامه که الحاکم در ایام خلافت خود خراب کرده بود پردازد و امپراطور مبلغ گزافی خرج ساختن قمامه نمود.



[سنه ۴۳۰ هجری = سنه ۱۰۳۸ مسیحی]

آسیا - وفات ابوعلی حسین رُحَبی که ابتدا وزیر سلاطین آل بویه بود بعد از وزارت استعفا کرده و در ایام بیکاری باز بروز را تقدّم داشت.^۱ وفات ابوالفتح حسن بن جعفر علوی امیر مکه. وفات ابونعیم احمد بن عبدالله الاصفهانی الحافظ و فضل بن منصور بن طریف^۲ الفارقی الامیر الشاعر که صاحب دیوان ممتازیست.

[سنه ۴۳۱ هجری = سنه ۱۰۳۹ مسیحی]

آسیا - تملک ابوکالیجار بصره را، برقرار شدن ابومحمد بن ابوالقاسم بن مکرم^۳ به حکمرانی عثمان به این معنی که بعد از فوت ابوالقاسم ابوالجیش به جای او برقرار گردید و چیزی نگذشت که در گذشت و چون ابومحمد پسر دیگر ابوالقاسم صغیر بود ابن هطال

۱. عبارت کامل این است: «وكان في غطلته يتقدم على الوزراء».

۲. کامل: منصور بن طریف.

۳. کامل: ابی الحسن بن ابی القاسم بن مکرم.

که امیر قشون ابوالقاسم بود بر عمان استیلا یافت و بنای بدرفتاری را گذاشت ابو کالیجار چون این بشنید لشکری به عمان فرستاده مردم را از اطاعت ابن هطال خارج نمود و ملازمان ابن هطال او را بکشتند و مملکت بر ابو محمد بن ابوالقاسم بن مکرم مقرر گردید. وفات شیب بن وثاب النمیری^۱ حکمران رقه و سروج و حران. وفات ابو نصر موسکان^۲ کاتب انشای سلطان مسعود و پدرش سلطان محمود که از کتاب بسیار قابل زبردست بود. وفات ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری از مشاهیر شعرای عجم.

[سنه ۴۳۲ هجری = سنه ۱۰۴۰ مسیحی]

(ابتدای دولت سلاجقه)

آسیا — در این سال آل سلجوق قوت و شوکت عمده بهمرسانیدند. تبیین آنکه طغرل بیک و داود پسران میکائیل بن سلجوق بن دقاق بودند و دقاق مرد باجلادتی بود از بزرگان اتراک، و سلجوق پسر او پس از نشو و نما چون آثار نجابت و بزرگی در او ظاهر بود بیغو (بیغو) پادشاه ترکستان او را مقامی عالی داد و او را رشدی نموده جمعیت زیادی بهمرسانید پادشاه ترکستان بعدها بر او متغیر شده سلجوق خائف گردیده با جمعیت خود به بلاد اسلام آمد و در جُشد که شهر کوچکی است آنطرف بخارا اقامت کرد و با اتراک جنگ میکرد تا در چند روز گذشت و سلجوق سه پسر داشت ارسلان و میکائیل و موسی آنها نیز با اتراک پیکار داشتند و میکائیل در رزم اتراک کشته شد و او نیز سه پسر داشت بیغو و طغرل بیک و چغری بیک داود و اینها به دونوعی بخارا نزول کردند امیر بخارا این مجاورت خوش نیامد ملتجی به بغراخان پادشاه ترکستان شد طغرل بیک و برادرش داود قرار دادند که اگر بغراخان آنها را احضار کند یکی نزد او حاضر شود و دیگری به جای خود بماند که مبادا بغراخان در حق آنها غدیری اندیشیده باشد، بغراخان هر چه سعی کرد که آن هردو نزد وی حاضر آیند ممکن نشد، لهذا طغرل بیک را گرفت و لشکر بر سر داود فرستاده جنگ سختی کردند و قشون بغراخان منهزم شد و داود به طرف بغراخان رانده طغرل بیک را مستخلص کرد و باز به شهر جُشد آمدند و بودند تا دولت سامانیها منقرض شد و

۱. کامل: شیب بن وثاب.

۲. کامل: ابو نصر بن مُشکان.

ایلک خان بخارا را تملک نمود و ارسلان مرتبت شایانی نزد ایلک خان بهمرسانید و ایلک خان از بخارا رفته علی تکین با ارسلان بن سلجوق در بخارا ماندند تا سلطان محمود از جیحون گذشته قصد بخارا کرد علی تکین از بخارا فرار کرد و ارسلان با جمعیتی که داشت داخل بیابان و رمل شده خود را از سلطان محفوظ داشت. سلطان نامه به ارسلان نوشته او را استمالت کرد و او بحضور سلطان محمود آمد سلطان محمود او را بگرفت و خرگاههای او را غارت کرد و جمعیت ارسلان را در نواحی خراسان تا اصفهان متفرق نمود و خراج بر آنها مقرر کرد و عمال بنای ظلم و تعدی را نسبت به آنها گذاشتند جماعتی از آنها از خراسان متوجه اصفهان شده باعلاء الدولة بن کاکویه جنگ کرده بعد به آذربایجان رفتند و طغرل بیک و ییغو و داود از خراسان به بغداد راندند، علی تکین جمعی از آنها را بکشت آنها ناچار به خراسان بازگشتند و از نهر جیحون گذشته در ظاهر خوارزم خیمه زدند و این در سال چهارصد و بیست و شش بود پس از نزول به ظاهر خوارزم با خوارزمشاه هارون بن طیطاش (طنطاش) اتفاق نمودند و عهد بستند ولی خوارزمشاه غدر کرده بسیاری از آنها را بکشت و اموال آنها را غارت نمود لهذا از خوارزم به طرف مرو رفتند سلطان مسعود لشکری به جنگ آنها فرستاد پس از حربها لشکر مسعود منهزم شد و هیبت سلاجقه در قلوب عساکر سلطان مسعود جا گرفت، و سلطان مسعود نامه به آنها نوشته از ایشان استمالت نمود آنها در جواب اظهار انقیاد کردند و درخواست نمودند که عم ایشان ارسلان را سلطان مسعود رها کند، سلطان مسعود ارسلان را در بلخ نزد خود حاضر ساخت و طغرل بیک و برادرانش را احضار کرد آنها حاضر نشدند لهذا دوباره ارسلان را حبس کرد و جنگ بین فئین در گرفت و مکرر عساکر سلطان مسعود شکست خوردند و کار سلاجقه بالا گرفت، و بر غالب خراسان استیلا یافتند و ثواب به اطراف فرستادند و در نیشابور به اسم طغرل بیک خطبه خواندند و داود به هرات راند و در اینجا نیز لشکر سلطان مسعود را شکست داده به غزنین روانید سلطان مسعود با جمیع عساکر و فیلهای خود از غزنین رو به خراسان نهاد و بعد از جنگها و سه سال زد و خورد آخر الامر لشکر سلطان مسعود شکست فاحشی خوردند و سلطان با جمعیت قلیلی فرار کرد و غنیمت بیحسابی قسمت سلاجقه شد و کار آنها در خراسان استحکام و استقرار یافت و در منابر به اسم آنها خطبه خواندند و این در اواخر سال چهارصد و سی و یک بود. چون سلطان مسعود به غزنین مراجعت کرد سردار لشکر خود سیاوشی را با بسیاری از امرای خود بگرفت و مودود پسر خود را به بلخ فرستاد که داود را از آنجا براند. و مودود در این

سال که سال چهارصد و سی و دو باشد متوجه بلخ شد و سلطان مسعود به رسم پدرش محمود به جنگ هند رفت و از سیحون گذشت در این وقت انوشکین که یکی از سرکرده های سلطان مسعود بود بعضی از خزاین را غارت کرد و جمعی را دور خود جمع نمود و محمد برادر مسعود را واداشت که به امر سلطنت قیام کند و به جنگ با مسعود بپردازد بنابراین در نیمه ربیع الآخر این سال جنگ سختی میانه محمد و مسعود در گرفت و مسعود منهزم و در رباطی متحصن شد عساکر محمد مسعود را محاصره کردند او ناچار از رباط بیرون آمد و محمد او را با اهل و عیال به قلعه کیدی فرستاد و امر به اکرام او نمود چون کار محمد استقرار یافت امور دولت را به پسرش احمد واگذار کرد. احمد عم خود مسعود را در قلعه کیدی بکشت. سلطان مسعود کثیر الصدقه و طالب علم و از سلاطین بزرگ و دارای مملکت وسیعه و بحر و بر بود، چون مودود در خراسان از قتل پدرش مسعود مطلع شد به غزنین آمد و جنگ میانه او و عم وی محمد در گرفت و محمد منهزم شد و مودود محمد و پسرش احمد و انوشکین را که خزاین را غارت کرده بود بگرفت و بکشت و جمیع اولاد محمد را سوای عبدالرحیم نیز آن کسانی را که در گرفتن سلطان مسعود مداخله داشتند مقتول نمود و در بیست و سیم شعبان این سال سلطنت نمود و در غزنین استقرار یافت و بنای حسن سیرت را گذاشت و پادشاه ترک که در ماوراء النهر بود منقاد او شد. وفات مظفر محمد بن حسن بن احمد مروزی در شهر زور. زلزله عظیم در تبریز.

افریقا - زلزله سخت در افریقیه.

[سنه ۴۳۳ هجری = سنه ۱۰۴۱ مسیحی]

آسیا - فات علاء الدوله ابوجعفر بن شهریار معروف به ابن کاکویه در محرم، ابن کاکویه مرد شجاعی بود و چون در گذشت پسرش ظهیرالدوله ابومنصور فرامرز که اکبر اولاد او بود در اصفهان به جای او برقرار شد و پسر دیگرش گرشاسب بن علاء الدوله به همدان راند و این بلد را بگرفت و در آن اقامت نمود. تملک و تسخیر طغرل بیک جرجان و طبرستان را. فرستادن ابوکالیجار قشونی به عمان و استیلای آنها در این شهر. وفات ابومنصور بهرام ملقب به عادل وزیر ابوکالیجار که در سال سیصد و شصت و شش متولد شده و مرد نیک سیرتی بود و کتابخانه ای در فیروزآباد ساخته هفت هزار جلد کتاب در آن گذاشت. زلزله عظیم در تبریز که پنجاه هزار نفر را هلاک نمود.

اروپا — (لهستان) کازمیر^۱ اول از نجبای این مملکت که فراراً به پاریس رفته بود و مشغول تحصیل گردیده به واسطه انقلابیکه در مملکت له روداد بعضی از اهالی مملکت او را به له طلبیده و سلطنت لهستان به او تفویض شد.

[سنه ۴۳۴ هجری = سنه ۱۰۴۲ مسیحی]

آسیا — تملک سلطان طغرل بیک خوارزم را که از ممالک سلطان محمود بود و پس از او به سلطان مسعود رسید و از جانب اوطیطاش که حاجب پدرش بود در این مملکت حکمرانی می کرد چون طیطاش^۱ بمرد سلطان مسعود پسرش هارون بن طیطاش را حکمرانی خوارزم داده او را خوارزمشاه لقب داد، خوارزمشاه را در شکارگاه ملازمانش بکشتند و عبدالجبار نامی بر این مملکت استیلا یافت غلامان خوارزمشاه او را نیز کشتند و اسمعیل بن طیطاش برادر خوارزمشاه را به حکمرانی برداشتند. شاه ملک بن علی که بعضی متصرفات در اطراف خوارزم داشت لشکر کشیده اسمعیل را منهزم کرد طغرل بیک شاه ملک را شکست داده خوارزم او را شد و در همین سال طغرل بیک برجبل نیز استیلا یافت. زلزله عظیم در تبریز.

افریقا — شخصی در مصر خروج کرد و چون شباهت به الحاکم علوی داشت دعوی کرد که من الحاکم هستم و رجعت نموده ام، بعضی به او گرویدند آخر الامر او را واصحاب او را گرفته کشتند و به دار زدند.

[سنه ۴۳۵ هجری = سنه ۱۰۴۳ مسیحی]

وفات جلال الدوله ابوطاهر بن بهاء الدوله بن عضد الدوله در بغداد به ورم کبد در پنجاه و دو سالگی که مدت سلطنتش در بغداد شانزده سال و یازده ماه بود، چون وقتی که جلال الدوله مرد پسرش ملک عزیز در واسط بود و از عهده برقرار شدن به جای پدر برنیامد، ابوکالیجار نامه به عسکر بغداد نوشته و حکمرانی عراق نیز بر ابوکالیجار بن سلطان الدوله بن بهاء الدوله بن عضد الدوله مقرر و مسلم آمد، و در ماه صفر سنه چهارصد و سی و شش در بغداد به اسم او خطبه خواندند. فتح کردن عساکر مودود بن مسعود بعضی حصون از

۱. در کامل همه جا به جای طیطاش التوتاش آمده است.

بلاد هند را. اسلام آوردن پنج هزار خرگاه از اتراک و متفرق شدن آنها در بلاد اسلام. تقسیم کردن شرف الدولة پادشاه ترکستان ممالک خود را که بخارا و سمرقند و غیرهما را به برادرش تکین داد و اطرار (فاریاب) و اسبججاب را به برادر دیگرش بغراخان وا گذاشت و فرغانه را بتمامه به عم خود طغان عطا کرد و بلاصاغون و کاشغر برای او بماند و از برادران و عم خود فقط قناعت به اطاعتی که از او می نمودند کرد.

افریقا — قطع کردن معز بن بادیس خطبه خلفای علویین مصر را در افریقیه و خطبه خواندن به اسم القائم عباسی خلیفه بغداد و فرستادن القائم خلعت و علم برای او از راه قسطنطنیه و دریا.

[سنه ۴۳۶ هجری = سنه ۱۰۴۴ مسیحی]

آسیا — خطبه خواندن ابوالشوک در بلاد خود به اسم ابوکالیجار. همچنین ابن مرثد (مزید) در متصرفات خود، و نصر الدولة بن مروان به دیاربکر، و آمدن ابوکالیجار به بغداد و زینت بستن شهر را هنگام ورود او، امر کردن ابوکالیجار به ساختن قلعه دور شهر شیراز در کمال استحکام که دور قلعه دوازده هزار ذراع و ارتفاع قلعه هشت ذراع بود و یازده دروازه داشت و در سال چهارصد و چهل از بنای آن فراغت یافتند، وفات شریف مرتضی ابوالقاسم برادر شریف رضی که در سال سیصد و پنجاه و پنج متولد شده بود و بعد از او نقابت علویین به پسر برادرش عدنان بن رضی رسید. وفات قاضی ابوعبدالله الحسین الصیمری شیخ اصحاب ابوحنیفه. وفات ابوالحسین محمد بن علی البصری المعتزلی صاحب تصانیف مشهوره. وفات قاسم بن غالب لغوی.

[سنه ۴۳۷ هجری = سنه ۱۰۴۵ مسیحی]

آسیا — فرستادن طغرل بیک برادر خود ابراهیم ینال بن میکال را به طرف همدان و انتزاع نمودن ابراهیم همدان را از چنگ گرشاسب بن علاء الدولة بن کاکویه و گرفتن او دینور را از ابی الشوک و استیلای او بر صیمره. وفات ابواستوک فارس بن محمد بن عنان^۱ در

۱. عبارت کامل این است: «وفیها... توفی ابوالشوک فارس بن محمد بن عنان بقلعه الیبروان... ولما توفی غدر الاکراد بابنه سعدی و صار و امع عمه مهلهل».

قلعه سیروان که پس از او اکراد در حق پسرش عذر کرده بامهلل بن محمد برادرش بساختند. کشته شدن عیسی بن موسی همدانی حکمران اربل به دست پسرش و مالک شدن پسرش قلعه اربل را، و عیسی را برادری بودسلارنام که از او وحشت کرده نزد قرواش حکمران موصل رفته بود، چون عیسی کشته شد قرواش و سلار به اربل آمدند و قرواش اربل را گرفته به سلار تسلیم نمود و به موصل بازگشت. بروز ناخوشی در اسبان در تمام بلاد، وفات احمد بن یوسف المنازی از اعیان فضلا و شعرا که وزارت ابونصر احمد بن مروان کردی حکمران دیار بکر را نموده بود و کتب زیادی وقف جامع میافارقین و جامع آمد کرده (منازی منسوب به مناز جهراس که شهرست در حوالی خرت برت و این مناز غیر مناز کردهاست که از اعمال خلاط می باشد).

اروپا — (فرانسه) ایجاد مریضخانه ها در این مملکت به جهة فقرا. (روس) سفاین جنگی روس تا خلیج قسطنطنیه رانندند. (اسپانیول) وفات مکی بن ابوطالب شیخ اندلس.

[سنه ۴۳۸ هجری = سنه ۱۰۴۶ مسیحی]

آسیا — تملک مهلهل بن محمد بن عنان^۱ برادر ابوالشوک قرمیسین و دینور را پس از آنکه برادر طغرل چنانکه ذکر شد بر آن استیلا یافته بود. وفات عبدالله بن یوسف الجوینی والدامام الحرمین. و عبدالله از ائمه شافعیه و صاحب فضایل و از قبيلة سیس بود که شعبه ایست از طی.

[سنه ۴۳۹ هجری = سنه ۱۰۴۷ مسیحی]

آسیا — استیلای عساکر ابوکالیجار بر بطیحه و گرفتن این ناحیه را از ابی نصر بن الهیثم و گریختن ابن هیثم به ربرب^۲. غلای سخت در عراق که مردم اکل میته نمودند و بازارهای بغداد خالی از سکنه شد. وفات عبدالواحد بن محمد شاعر معروف به المطرز وفات ابوالخطاب شبلی^۳ شاعر. وفات بغراخان محمد بن قدرخان یوسف که برادرش

۱. کامل: محمد بن عنان

. کامل: زبرب.

. کامل: ابوالخطاب الجبلی.

عمر بن قدرخان را گرفته و هردو در این سال مسموماً درگذشتند و شمس الملک طفقاج خان ابواسحق ابراهیم بن نصر ایلک خان از سمرقند به بلاد آنها رانده مملکت آنها را مالک شد و طفقاج در سال چهارصد و شصت و دو درگذشت. وفات ابوالحسن عبدالرحمن قدوری صاحب تکمله و تحریر.

[سنه ۴۴۰ هجری = سنه ۱۰۴۸ مسیحی]

آسیا - وفات ابوکالیجار مرزبان بن سلطان الدولة بن بهاء الدولة در چهارم جمادی الاولی در شهر جَنَاب از بلاد کرمان و مقصود ابوکالیجار از آمدن به کرمان تدمیر بهرام دیلمی حکمران کرمان بود که از ربقه اطاعت ابوکالیجار خارج شده، عمر ابوکالیجار چهل سال و چند ماه، سلطنت او در عراق چهار سال و دو ماه، و چون درگذشت اتراک خزاین و سلاح و دواب عساکر را غارت کردند، و پسر ابوکالیجار ابومنصور فلاستون که با او به کرمان آمده بود به شیراز آمده این شهر را تصرف کرد و پسر دیگرا ابوکالیجار ملک رحیم ابونصر خسر^۱ (خسرو) فیروز که در بغداد لشکریان را طلبید و سوگند داده و بر بغداد استیلا یافت، و لشکری به شیراز فرستاده ابومنصور فلاستون و مادرش را گرفتند و در ماه شوال این سال در شیراز به اسم ملک رحیم خطبه خواندند، بعد ملک رحیم از بغداد به خوزستان رفت و عساکر خوزستان اطاعت او نمود و از جمله گرشاسب بن علاء الدولة حکمران همدان بود که پس از گرفتن ابراهیم برادر طغرل بیک همدان را به خدمت ابوکالیجار شتافته بود، وفات محمد بن محمد بن غیلان البزار^۲ راوی احادیث معروفه به غیلانیات.

[سنه ۴۴۱ هجری = سنه ۱۰۴۹ مسیحی]

آسیا - جمع کردن فلاستون بن ابوکالیجار جمعیت کثیری بعد از مستخلص شدن و استیلای او بر بلاد فارس. وحشت میانه طغرل بیک و ابراهیم ینال برادرش که منجر به جنگ شده، ابراهیم منهزم شد و بقلعه سرماج^۳ تحصن جسته طغرل بیک او را محاصره

۱. کامل: ابونصر خُره فیروز.

۲. کامل: البزار.

۳. کامل: سرماج.

کرده و قهراً از قلعه بیرون آورد و بگرفت و بعدها او را رها کرده و ملازم خدمت بود. وفات ابوالفتح مودود بن مسعود حکمران غزنین در غزنین در بیست و نه سالگی که نه سال و ده ماه سلطنت کرده بود، و بعد از او عم او عبدالرشید که در حبس مودود بود جای او بگرفت، و شمس دین الله سیف الدوله لقب یافت. مالک شدن بساسیری بزرگ اتراک انبار را و اظهار عدل و حسین سیرت کردن، و چون در انبار قرار و مدار امور را داد به بغداد بازگشت. وقوع فتنه در بغداد مابین شیعه و سنی بطوریکه بازارها بسته شد و اهل کرخ بنای قلعه به دور محله خود گذاشتند و در اذان در اماکن شیعه می گفتند (حی علی خیر العمل) و در اماکن سنی (الصلوة خیر من التوم). وفات ابوبکر منصور بن جلال الدوله صاحب اشعار نیکو.

اروپا — (رم) لئون نهم پاپ کشیشهای کاتولیکی را از ازدواج منع می نماید.

[سنه ۴۴۲ هجری = سنه ۱۰۵۰ مسیحی]

آسیا — آمدن طغرل بیک از خراسان به اصفهان و محاصره کردن این شهر را و ابومنصور بن علاء الدوله بن کاکویه حکمران اصفهان را که قریب یکسال محاصره طول بکشید و آخر الامر به طور امان شهر را بگرفت و در محرم سال چهارصد و چهل و سه داخل بلد شد و سلاح و ذخایری که در ری داشت نیز به بلد حمل نمود. غلبه ابوکامل برادر قرواش حکمران موصل که دیگر حکمی برای قرواش نماند، و ابوکامل زعیم الدوله لقب یافت. و رفتن مهلهل بن محمد بن عنان برادر ابوالشوک به خدمت طغرل بیک و پذیرفتن طغرل بیک او را به خوبی و برقرار کردن او را بر بلادیکه داشت که از جمله سیروان و دقوقا و شهر زور و صامغان بود و سرخاب بن محمد برادر مهلهل که طغرل بیک او را در حبس داشت در این مورد مستخلص شد.

افریقا — چون المعز بن بادیس خطبه علوتین را در افریقیه قطع کرد و به اسم خلفای عباسی خطبه خواند المستنصر علوی عساکری از عرب به افریقیه فرستاد. و بکرات المعز را شکست دادند.

[سنه ۴۴۳ هجری = سنه ۱۰۵۱ مسیحی]

آسیا — فتنه عظیم بغداد فیما بین شیعه و سنی که ضریح حضرت موسی بن جعفر

عليهما السلام را بسوختند، و قبر زبیده و قبور ملوک بنی بویه و جمیع مقابر را که در آن حوالی بود آتش زدند و دست به غارت دراز کردند، و اهل کرخ بخان حقیقین داخل شده اباسعید سرخسی مدرّس حنفیها را کشتند و خان و خانه فقها را آتش زدند، بعد فتنه به طرف شرقی افتاد و خون ریزها شد. وفات زعیم الدوله برکة بن مقلّد بن مسیب به تکریت که عرب اجتماع کرده پسر برادر او قریش بن بدران بن مقلّد را به جای او برقرار کردند، بدران بن مقلّد مالک نصیبین بود. بعد از آن قریش را شد، و قرواش در بند برادرش زعیم الدوله بود ولی او را به نیکوئی می داشت، همینکه حکمرانی موصل به قریش رسید عمّ خود قرواش را به قلعه جراحیّه از اعمال موصل فرستاده در آنجا حبس کرد. ظهور کوبی در بغداد وقت عصر که ذؤابه داشت و نور آن به روشنی آفتاب غلبه می کرد و بطور بطوّ حرکت نموده تا غایب شد. رسیدن فرستاده طغرل بیک با هدایا به خدمت خلیفه عباسی. مراجعت طغرل بیک از اصفهان به ری. وفات گرشاسب بن علاء الدوله بن کاکویه در اهواز و گرشاسب از جانب ابومنصور بن ابوکالیجار در این ولایت حکومت داشت.

اروپا — (فرانسه) هانری اول دختر پادشاه روس (آن) را به حباله نکاح در می آورد.

[سنه ۴۴۴ هجری = سنه ۱۰۵۲ مسیحی]

آسیا — کشته شدن عبدالرشید بن محمود پادشاه غزنین به دست طغرل حاجب که حجابیت مودود را داشت و عبدالرشید نیز او را به همین منصب برقرار کرد و تقدّم داد. طغرل حاجب در سلطنت طمع نموده بر عبدالرشید خروج کرد و عبدالرشید در قلعه غزنین متحصّن شد و طغرل او را محاصره نمود، اهل قلعه تسلیم شدند و قلعه را به تصرف او دادند طغرل عبدالرشید را بکشت و دختر سلطان مسعود را به زور تزویج کرد ارکان دولت متفق شده طغرل را کشتند و فرّخ زاد بن مسعود را که در یکی از قلاع حبس بود بیرون آورده سلطان کردند و خرخیر که اعمال هند به او راجع بود پیشکار فرّخ زاد شده کسانی را که در قتل عبدالرشید دخالت داشتند به دست آورده بقتل رسانید. وفات معتمد الدوله ابومنبر قرواش بن مقلّد عقیلی حکمران سابق موصل که در قلعه جراحیّه حبس بود و در تلّ توبه از شهر نینوی در شرقی موصل مدفون شد. و بعضی را عقیده این است که قرواش را برادرزاده

اوقریش احضار کرده بکشت. گفتن علی ابوعشام بن خمیس بن معن صاحب تکریت برادرش عیسی بن خمیس را وحس کردن او و مستولی شدن بر تکریت. زلزله عظیم در خوزستان و آن نواحی که در ارجان از همه جا سخت تر بود و کوه بزرگی در حوالی ارجان شکافته شد و در وسط آن پله ها از آجر و گچ نمودار شده مایه تعجب مردم گردید. زلزله شدید در خراسان که شدت آن در بیهق از همه جا بیشتر بود و قلعه قصبیه بیهق بدین واسطه خراب گردیده مدتی منهدم بود تا نظام الملک در سال چهارصد و شصت و چهار آن را بساخت، بعد ارسال آنرا و آنرا خراب کرد و مجدداً الملک بلاسانی باز بساخت. وقوع فتنه در بغداد میان سنی و شیعه که شیعه ها باز در اذان حی علی خیر العمل گفتند و در مساجد خود نوشتند (محمّد و علی خیر البشر).

افریقا - انقراض دولت بنی کلب در صقلیه.

[سنه ۴۴۵ هجری = سنه ۱۰۵۳ مسیحی]

آسیا - معاودت ابومنصور فلاستون بن ابوکالیجار و استیلای او بر شیراز و انتزاع کردن این بلد را از چنگ برادرش ابوسعید بن ابوکالیجار و چون ابومنصور در شیراز تمکن یافت به اسم سلطان طغرل بیک و ملک رحیم برادر خود و به اسم خود بعد از این دو نفر خطبه خواند. دخول سلاجقه به حلوان. وفات ابوسعید هانی از حفاظ حدیث.

[سنه ۴۴۶ هجری = سنه ۱۰۵۴ مسیحی]

آسیا - راندن طغرل بیک به آذربایجان به قصد گرفتن تبریز و اطاعت کردن و هشوذان حکمران تبریز از او، و خطبه خواندن در این شهر به اسم طغرل بیک و هدایا و اموال دادن به او که سایر نواحی آذربایجان هم همین معامله را نموده و چون آذربایجان طغرل بیک را مُسلّم شد به ارمنیه راند و قصد ملاز گرد که بتصرف رومیها بود کرد، ولی بفتح آن فایز نیامد و لیکن داخل ممالک رومیه الصغری شد به نهب و قتل پرداخت و کارهای بزرگ کرد، حصول و حشت ما بین القائم خلیفه و بساسیری، وفات ابوعلی هوازی مقری شام.

اروپا — تفکیک کلیسای قسطنطنیه از کلیسای رُم به اینمعنی که طایفه یونان از شعبه کاتولیکی جدا شد که هنوز هم جدا هستند.

[سنه ۴۴۷ هجری = سنه ۱۰۵۵ مسیحی]

آسیا — کشتن عبیدالله بن ابی طاهر البشنوی الکردی به خدعه امیر ابو حرب سلیمان بن نصر الدولة بن مروان حکمران جزیره را. شورش سنیها در بغداد و اذن خواستن از خلیفه که امر به معروف کنند و اذن دادن خلیفه که موجب ازدیاد شر آنها گردید و بعدها اجازت طلبیدند که خانه های بسا سیری را غارت کنند و رخصت یافتند و به تاراج اموال بسا سیری و آتش زدن خانه های او پرداختند و بسا سیری و ملک رحیم در واسط بودند خلیفه نزد ملک رحیم فرستاد که بسا سیری را تبعید کند ملک رحیم چنین کرد و بسا سیری چون بادبیس بن مرثد مصاهره داشت به طرف او رفت و ملک رحیم به بغداد آمد. آمدن طغرل بیک به حلوان و فرستادن سرکرده های عساکر بغداد نزد او و اظهار اطاعت کردن و خطبه خواندن در بغداد در بیست و دویم رمضان به اسم سلطان طغرل بیک و استیذان طغرل بیک از خلیفه برای آمدن به بغداد که پس از آنکه از بابت خلیفه و ملک رحیم از جانب طغرل بیک اطمینان حاصل شد خلیفه او را اذن داده به بغداد آمد و به دروازه شماسیه نزول نمود، اختلاف میانه اهل بغداد و عساکر طغرل بیک و گرفتن طغرل بیک ملک رحیم و بعضی سرکرده ها را و ملک رحیم آخرین ملوک آل بویه است که بر عراق مستولی شد. وقوع فتنه میان شافعیها و حنبلیها در بغداد. وفات ابو الفتح سلیم بن ایوب رازی مفسر.

[سنه ۴۴۸ هجری = سنه ۱۰۵۶ مسیحی]

آسیا — مزاجت خلیفه القائم بادختر داود برادر طغرل بیک. رفتن طغرل بیک از بغداد به نصیبین و از اینجا به دیار بکر که در تملک ابن مروان بود و اقامت طغرل بیک در بغداد سیزده ماه بود، و علت رفتن او اینکه به واسطه قشون او کار براهل بغداد تنگ گردیده لهذا کوچ کرد. وفات امیرک کاتب بیهقی از رجال بزرگ دنیا. ظهور ملوک شبانکاره در فارس وفات شمس الائمة عبدالعزیز بن احمد الحلوانی و امام عبدالعال فارسی.

اروپا — فوت هانری سیم پادشاه آلمان (قسطنطنیه) وفات ته اُدور امپراطریس که بعد از

خواهر خود زُء دو سال سلطنت کرده بود.

افریقا - ابتدای دولت ملثمین، این طایفه از چند قبیله از قبایل منسوب به حمیر می باشند و اول حرکت آنها از یمن در عهد خلیفه اول بود وابتدایه شام آمدند بعد به مصر بعد به مغرب با موسی بن نصیر و باطارق متوجه طنجه شدند، و چون میل به انفراد داشتند در صحرا منزل گرفتند در این سال شخصی جوهر نام از قبیله جلاله به افریقیه آمد که به حج برود در معاودت عبدالله بن یاسین الکزولی فقیه از قیروان با او همراه شد که قبایل مذکوره را دین اسلام بیاموزد زیرا که آنها غیر از شهادتین چیزی نمیدانستند و قلیلی از آنها نماز هم می کردند فقیه مشارالیه چون با جوهر به قبیله لمتونه که یوسف بن تاشفین امیر المسلمین از این قبیله است رسیدند و مردم را بدین اسلام دعوت کردند گفتند نماز و روزه و زکوة را حرفی نداریم اما قتل قاتل و بریدن دست سارق و رجم زانی را ملتزم نمیشویم، جوهر و عبدالله به قبیله جداله رفتند و قبایل آن حوالی را عبدالله به شرایع اسلام خواند، و بیشتر آنها دعوتش را اجابت کردند و مقرر شد که امیری آنها را باشد که هر طایفه مخالفت قوانین مسلمانی نمایند آن امیر به قتال آنها پردازد و کار برای بکر بن عمر رئیس قبیله لمتونه که مرد بزرگی بود قرار گرفت، و او را امیر المسلمین نامیدند و مُسلمین بر او جمع شدند و عبدالله بن یاسین این جماعت را تحریض بر جهاد کرده مرابطین لقب داد و آنها دو هزار نفر از مخالفین را کشتند تا قبایل صحرا مطیع آنها شدند و شوکت این جماعت زیاد شد بعد جنگ میانه مرابطین و اهل سوس در گرفت و ابن یاسین کشته شد و مرابطین به سجلماسه رفته این بلد را بگرفتند و حکمران آن را کشتند و یوسف بن تاشفین اللمتونی را که پسر عم ابوبکر بن عمر بود حکومت سجلماسه دادند و این در سال چهارصد و پنجاه و سه بود بعد ابوبکر یوسف را بالشکری از مرابطین به سوس فرستاده این بلد را فتح نمود و در چهارصد و شصت و دو که ابوبکر در گذشت مردم یوسف بن تاشفین را رئیس خود قرار داده امیر المسلمین خواندند و او در مغرب فتوحات نموده به محلّ مراکش که بایر بود راند و مراکش را بساخت و پای تخت خود قرار داد و بلاد آن نواحی از قبیل سَبْتَة و طنجه و سَلا، و غیرها را تملک نمود و عساکر او زیاد شد و مرابطین را ملثمین هم می گویند زیرا که به رسم عرب لثام داشتند و لثام چیز است مانند نقاب که به دهن می بندند و بعضی وجوه دیگر هم در وجه تسمیه ملثمین گفته اند. غلاء مفرط در مصر.

[سنه ۴۴۹ هجرى = سنه ۱۰۵۷ مسیحی]

آسیا — معاودت طغرل بیک به بغداد بعد از استیلای بر موصل و اعمال آن، و دادن این ولایت را به برادر خود ابراهیم ینال و رسیدن به خدمت خلیفه و زمین بوسیدن و دادن خلیفه امارت جمیع ممالک و ولایاتی را که مطیع خلافت بودند به او و مخلف ساختن او را. وفات ابوالعلا احمد بن سلیمان المَقری کور شاعر مشهور که هشتاد و شش سال داشت، بعضی گفته اند چشم ابوالعلا در طفولیت به مرض آبله کور شد برخی گویند کور متولد شد و فساد عقیده ابوالعلا معروفست. وفات ابو عثمان اسمعیل بن عبدالرحمن الصّابونی مقدم اصحاب حدیث بخراسان. وفات ایاز غلام سلطان محمود. وفات ابوالاحمد عدنان پسر شریف الرضی نقیب علویین. و بای شدید در ماوراء النهر. در کوفه و بعضی بلاد عرب اسم خلیفه عباسی را از خطبه انداخته اسم المستنصر علوی را به جای او درج می نمایند.

اروپا — اسحق نامی بسلطنت قسطنطنیه برقرار میگردد.

افریقا — المستنصر بالله خلیفه فاطمی مصر داعیه خلافت جمیع مسلمین را دارد. گرفتن المُستنصر وزیر خود یازوری را که حسن بن عبدالله باشد و حسن قاضی رمله بود به مذهب ابوحنیفه و به وزارت رسید و چون او را گرفتند مکاتبات او با بغداد به دست آمد.

[سنه ۴۵۰ هجرى = سنه ۱۰۵۸ مسیحی]

آسیا — رفتن ابراهیم ینال از موصل به همدان و رفتن طغرل بیک از بغداد به جانب همین بلد. خروج ابراهیم ینال بر طغرل بیک و ابراهیم چند دفعه بر طغرل بیک خروج کرده بود و طغرل او را عفو نموده، ایندفعه پس از جنگ و غلبه بر ابراهیم او را خفه کرد. آمدن بساسیری به بغداد و استیلای او در این بلد و شوکت شیعه به واسطه او، و خطبه خواندن به اسم المستنصر علوی و امر کردن که در اذان حتی علی خیر العمل بگویند و رفتن خلیفه با پسر عم خود مهارس^۱ از بغداد بعد از آنکه دار خلافت را غارت کرده بودند. کشتن بساسیری رئیس الرؤسا محمود ابوعلی بن سلمه وزیر خلیفه را. وفات شهاب الدوله

ابوالفوارس منصور بن حسین اسدی حکمران جزیره و برقرار شدن پسرش صدقه بجای او. وفات ملک رحیم ابونصر خسره فیروز آخرین پادشاه آل بویه که در قلعه ری محبوساً درگذشت. وفات ابوالطیب طبری فقیه شافعی که باوجود صد و دو سال عمر مشاعر او در کمال خوبی بود. وفات قاضی القضاة ابوالحسین علی بن محمد حبیب الماوردی صاحب تصانیف کثیره در هشتاد و شش سالگی. ماوردی گلاب فروش بوده و صاحب تفسیر قرآن و نکت العیون و احکام السلطانیة وقانون الوزارة و غیرها می باشد. زلزله عظیم در عراق و موصل که یکساعت طول کشید و بسیاری از ابنیه را خراب کرد و جمعی کثیر هلاک شدند.

[سنه ۴۵۱ هجری = سنه ۱۰۵۹ مسیحی]

آسیا - آمدن طغرل بیک به عراق برای معاودت دادن خلیفه عباسی را به بغداد و نوشتن به بساسیری که خلیفه را به جای خود مراجعت ده، و من از توبه خطبه رضا می شوم و به عراق و زود نمینمایم. قبول نکردن بساسیری اینمطلب را و راندن طغرل بیک به طرف بغداد که چون نزدیک شد بساسیری و ملازمانش از راه دجله از بغداد خارج شدند و طغرل بیک به بغداد رسید و به طلب خلیفه فرستاد و خلیفه با پسر عم خود مهارس به بغداد آمد و طغرل بیک از خلیفه به جهة دیر آمدن به بغداد معذرت خواست و قتال با ابراهیم ینال برادر خود را و فوت برادر دیگرش داود را به خراسان عذر تخلف قرار داد و احترامات زیاد نسبت به خلیفه نمود. و لشکری به جنگ بساسیری مامور کرد و بساسیری را در هشتم ذیحجه بکشتند و قشون او را متفرق کردند و سر او را به بغداد آوردند و در جلو باب تویی آویختند، بساسیری غلامی ترک بود از بهاء الدوله موسوم به ارسلان و چون آقای اولی او اهل بسا بود به بساسیری منسوب شد و بسا را عرب معرب نموده فسا گفته اند و از شهرهای معروف فارس است و ابوعلی نحوی فارسی فسائیسست. وفات ملک قرخ زاد بن مسعود بن سلطان محمود بن غزنوی پادشاه غزنین بمرض قولنج که بعد از او ابراهیم بن مسعود پادشاه غزنین شد و بنای حسن سیرت را گذاشت و بعضی قلاع از هند فتح نمود و چون در غزنین استقرار یافت با داود بن میکائیل بن سلجوق حکمران خراسان مصالحه کرد. وفات داود بن میکائیل بن سلجوق که هفتاد سال داشت و در خراسان سلطنت می کرد و بعد از او الب ارسلان به جای او برقرار شد و زوجه او را طغرل

بیک بگرفت. وفات علی بن محمود بن ابراهیم الزوزنی که رباط زوزنی مقابل جامع منصور بغداد منسوب به اوست.

اروپا — بروز طایفه سلجوقی در بعضی ممالک امپراطور قسطنطنیه در آسیای صغیر. (فرانسه) قحط و غلای شدید که هفت سال طول کشید.

[سنه ۴۵۲ هجری = سنه ۱۰۶۰ مسیحی]

آسیا — رفتن طغرل بیک از بغداد به جبل در ربیع الاول و قرار دادن امیر برسق را داروغه بغداد. وفات والده القائم خلیفه عباسی که جاریه ارمنیه و اسمش قطر الندی بود. وفات ابن الموازین شاعر حلب.

اروپا — (فرانسه) فوت هانری اول و جلوس پسرش فلیپ اول به جای او. (روس) طوایف اتراک که در ساحل رود دنی پر مملکت روس بروز کرده بودند اولاد یارسلاو که در روس بعد از پدر سلطنت می نمودند براین طایفه غلبه کرده تمام اتراک از گرسنگی و سرما و طاعون معدوم شدند.

[سنه ۴۵۳ هجری = سنه ۱۰۶۱ مسیحی]

آسیا — وفات قریش بن بدران بن مقلد بن المسیب حکمران موصل و نصیبین و برقرار شدن پسرش شرف الدوله ابوالمکارم مسلم بن قریش به جای او. وفات نصرالدوله ابونصر احمد بن مروان الکردی مالک دیار بکر که زیاده از هشتاد سال داشت و پنجاه و دو سال حکمرانی کرده بود و استیلای تمام یافته و کنیزکهای مفتیه داشت که بعضی از آنها پنجاه هزار دینار قیمت داشتند و اسباب مجلس او زیاده از دو یست هزار دینار به قیمت درمی آمد و دو پسر داشت نصر و سعید که بعد از او نصر در میافارقین به جای او برقرار شد و سعید آمد را تملک نمود. وفات شکر علوی حسینی امیر مکه صاحب اشعار رائقه.

اروپا — (روس) طوایف تاتار از سمت دُن و ژائیک ظهور کرده بعضی از شهرهای روس را تصاحب نموده و اغلب را ویران ساختند روسها این طایفه را به پلوت سی یعنی شکارچی موسوم نمودند.

افریقا - وفات المعز بن بادیس حکمران افریقیه که چهل و هفت سال حکمرانی کرده بود و برقرار شدن پسرش تمیم بن معز به جای او.

[سنه ۴۵۴ هجری = سنه ۱۰۶۲ مسیحی]

آسیا - تزویج کردن طغرل بیک دختر خلیفه القائم را که عقد اینمزاوجت در ماه شعبان در ظاهر تبریز بسته شد و وکیل در این تزویج از جانب القائم عمیدالملک بود. دادن القائم وزارت خود را به فخرالدوله ابونصر بن جُهیّر بعد از روگردان شدن او از ابن مروان. طغیان دجله و خرابی و غرق بغداد.

افریقا - وفات قاضی ابوعبدالله محمد بن سلامة بن جعفر القضاعی فقیه شافعی که از جانب خلفای علوی قضاوت مصر یافته بود نیز از طرف همین خلفا به ایلچی گری روم رفته و قاضی مشارالیه صاحب تصانیف جلیله است.



[سنه ۴۵۵ هری = سنه ۱۰۶۳ مسیحی]

آسیا - استیلای علی بن قاضی محمد بن علی الصلیحی بر تمام یمن و قاضی محمد پدر علی صلیحی سنی مذهب بود و رجال حرازن که در یمن و چهل هزار نفر بودند اطاعت او می نمودند علی پسر قاضی مذهب تشیع اختیار کرد و رسوم و نکات دعوت را از عامر بن عبدالله رواحی یمنی که از دعاة بزرگ خلفای فاطمی بود دریافت نموده و پس از عامر به جهد تمام به دعوت پرداخت و دلیل حجاج یمن که از راه طایف و بلاد سروب به مکه می رفتند شد تا سال چهارصد و بیست و نه، و در این سال ترک این شغل گفته با شصت نفر به رأس مشاف که بلندترین قله جبال احراز است رفت و روز بروز کار او بالا می گرفت تا جمیع یمن در این سال یعنی سال چهارصد و پنجاه و پنج او را شد و برادرزوجه خود اسما که پسر عم او نیز بود و موسوم به اسعد بن شهاب از جانب علی ولایت زبید یافت و در همین سال مکه را بگرفت و بنای حسن سیرت را بگذاشت و قوت و ماکولات به مکه آورد و علی حکمرانی یمن داشت تا در سال چهارصد و هفتاد و سه در ماه ذیقعد در راه مکه بنی نجاح براو حمله کرده بخته او را بکشتند و تهامه بنی نجاح را شد، و پسر علی صلیحی احمد که ملقب به ملک مکرم بود در صنعا استقرار یافت و جماعتی از عرب را

جمع کرده بود متوجه زبید شد و با سعید بن نجاح جنگ سختی کرده او را منهزم، و زبید را در چهارصد و هفتاد و پنج متصرف شد و میان او و سعید بر سر زبید زد و خورد بود تا سعید کشته شد، و جیاش برادرش جای او بگرفت و در زبید استقرار یافت و احمد مکرم در صنعا حکمرانی داشت تا در سال چهارصد و هشتاد و چهار درگذشت و پسر عم او ابوحمیر سبأ بن احمد بن مظفر بن علی الصلیحی به جای او برقرار شد و حکمرانی کرد تا در سال چهارصد و نود و پنج وفات نمود، و او آخر ملوک صلیحی بود، بعد از سبأ خلیفه فاطمی مصر علی بن ابراهیم بن نجیب الدوله را به یمن به دعوت و حکومت فرستاد و او در سال پانصد و سیزده به جبال یمن رسید و بود تا در سال پانصد و بیست آمر خلیفه مصری فرستاد ابن نجیب را بگرفتند و امر دعوت به آل زریع بن عباس بن مکرم که اهل عدن و از قبيله همذان بن چشم بودند تعالی گرفت و بنی مکرم به آل الذیب اشتها داشتند و عدن از زریع بن عباس بن مکرم و عم او مسعود بن مکرم بود و این دو بر سر زبید با ملک مفضل جنگ کردند و چون این دو در گذشتند پسران آنها ابوالسعود بن زریع و ابوالغارات بن مسعود جای پدران خود را بگرفتند، و بعد از آنها محمد بن ابی الغارات و پس از او پسرش علی بن محمد حکمرانی می کرد آنگاه سبأ بن السعد بن زریع بر دعوت و حکومت استیلا یافت و بود تا در سنه پانصد و سی و سه درگذشت و پسرش علی بن سبا جای او گرفت و بعد از علی برادرش المعظم محمد بن سبا حکمرانی یافت پس از او پسرش عمران بن محمد بن سبا که او نیز در سنه پانصد و شصت وفات نمود و دو طفل از او ماند یکی محمد و دیگری ابوالسعود. و یکی از اشخاصی که از صلحین حکمرانی کرد ملکه زوجه احمد مکرم بود که مستأه به سیده و حره لقب داشت و حره در حیات شوهر خود به مهام ملکی مشغول شد و شوهر او به عیش می گذرانید و حره در سال پانصد و دو درگذشت و کسیکه در حکمرانی با حره شراکت داشت ملک مفضل ابوالبرکات ابن الولید الحمیری مالک تعز بود و پس از مفضل پسرش ملک منصور جای پدر بگرفت و محمد بن سبا ابن ابی السعد در سال پانصد و چهل و هفت از منصور مملکات صلحین را که بیست و هشت قلعه بود به صد هزار دینار خرید و فقط تعز برای منصور ماند و چون منصور تقریباً هشتاد سال حکمرانی کرد زندگانی را بدرود نمود و بقیه اخبار یمن بیاید انشاء الله تعالی.

آمدن طغرل بیک به بغداد و زفاف او با دختر خلیفه و اذیت عساكر طغرل بیک به اهل بغداد که خانه های آنها را برای نشیمن خود خالی کردند و دست درازی به مال و عرض آنها نمودند. رفتن طغرل بیک از بغداد به طرف جبل که در ری ناخوش شده روز

جمعه هشتم رمضان درگذشت و چون اولاد نداشت پسر برادرش الب ارسلان بن داود بن میکائیل بن سلجوق به جای او برقرار شد. عمر طغرل بیک تقریباً هفتاد سال بود. زلزله عظیم در شام که خرابی زیاد در بلاد نمود و قلعه طرابلس را منهدم کرد، وفات سعید بن نصرالدوله احمد بن مروان مالک آمد از دیار بکر. وفات ابوظاهر اسمعیل بن خلف مقری صاحب عنوان در قرائت.

اروپا — تشکیل پادشاهی در مجارستان.

[سنه ۴۵۶ هجری = سنه ۱۰۶۳ مسیحی]

آسیا — گرفتن الب ارسلان عمیدالملک کندی وزیر طغرل بیک را به سعایت نظام الملک وزیر الب ارسلان و حبس کردن او را در مرورود که پس از یکسال او را در حبس بکشت و عمیدالملک از کبار وزراء بوده است. گرفتن الب ارسلان قلعه ختلان را و رفتن به هرات و محاصره کردن عم خود پیغوبن میکائیل بن سلجوق را در این شهر و مسخر نمودن هرات و بیرون آوردن عم خود را از شهر و اکرام کردن نسبت به او و رفتن به صغانیان و مسخر کردن این ولایت را به ضرب شمشیر و اسیر نمودن موسی حکمران صغانیان را. امر کردن الب ارسلان به معاودت دختر القائم خلیفه زوجه طغرل بیک از ری به بغداد. عصیان قتلش بن ارسلان سلجوقی بر الب ارسلان و نصیحت کردن الب ارسلان او را و نپذیرفتن و جنگ کردن او با الب ارسلان در حوالی ری و منهزم شدن و مردن او که به عقیده بعضی از خوف درگذشت و ملالت سخت الب ارسلان به جهة وفات او، و این قتلش جده ملوک قونیه و اقصرا^۱ و ملطیه بوده است و در علم نجوم مهارت داشته. وفات ابوالقاسم علی بن برهان الاسدی النحوی المتکلم که زیاده از هشتاد سال داشت و به مذهب مرجئه معتزله مایل بود.

[سنه ۴۵۷ هجری = سنه ۱۰۶۴ مسیحی]

آسیا — عبور کردن الب ارسلان از جیحون و رفتن به جند و صبران^۲ که در حوالی

۱. کامل: قیسریه.

۲. کامل: صبران.

بخارا است و اطاعت حکمران جند از او و برقرار کردن الب ارسالان حکمران جند را در حکومتی که داشت و رفتن به گرگنج (جرجانیته) و از آنجا به مرو. و شروع کردن نظام الملک به ساختن مدرسه نظامیه در بغداد.

اروپا - هفت هزار نفر از مملکت فرانسه عزیمت بیت المقدس نمودند.

[سنه ۴۵۸ هجری = سنه ۱۰۶۵ مسیحی]

آسیا - دادن الب ارسالان انبار و تکریت را نیز به شرف الدوله مسلم بن قریش بن بدران بن المقلد بن مسیب حکمران موصل، وفات ابوبکر احمد بن الحسین بن علی البیهقی الخسرو جردی که از ائمه حدیث و فقه بود در مذهب شافعی، وفات ابو یعلی محمد بن الحسین بن الحسن بن الفراء منتشر کننده مذهب احمد بن حنبل، زلزله در جبال که چند روز متوالیا بروز می کرد.

اروپا - وفات حافظ ابو الحسن علی بن اسمعیل المعروف بابن سیده المرسی از ائمه لغت که کور بود و دانیه در شرقی اندلس در گذشت.

[سنه ۴۵۹ هجری = سنه ۱۰۶۶ مسیحی]

آسیا - تمام شدن مدرسه نظامیه در بغداد و شروع به تدریس در آن که شیخ ابواسحق شیرازی را مدرس قرار دادند اما چون شیخ شنیده بود که زمین مدرسه غصب است به تدریس نیامد و این امر بر یوسف بن صباغ قرار گرفت و بیست روز درس گرفت ولی مردم جد و جهد نموده شیخ ابواسحق را به مدرسه آوردند و او در این مدرسه مدرس بود تا مُرد.

اروپا - (انگلیس) سلطنت گلیوم اول از طایفه نرماند در انگلیس و این ابتدای سلطنت طایفه نرماند است در انگلیس و بنیان خانواده های نجیب انگلیس می باشد که هنوز از آن وقت برقرار می باشند و این گلیوم موسوم به گلیوم فاتح گردید. (روس) به واسطه اختلافی که در میان شاهزاده های مملکت روداده بود طایفه تاتار قوت گرفتند.

[سنه ۴۶۰ هجری = سنه ۱۰۶۷ مسیحی]

آسیا — زلزله عظیم در رمله و جبال و فلسطین وفات شیخ ابونصر عبدالملک بن یوسف از اعیان زمان.

افریقا — زلزله شدید در مصر.

[سنه ۴۶۱ هجری = سنه ۱۰۶۸ مسیحی]

آسیا — زلزله عظیم در رمله و جبال و فلسطین، وفات شیخ ابونصر عبدالملک بن یوسف از اعیان زمان.

افریقا — زلزله شدید در مصر.

[سنه ۴۶۱ هجری = سنه ۱۰۶۸ مسیحی]

آسیا — وقوع فتنه در دمشق فیما بین اهل مغرب و مشرق که یکی از خانه های مجاور جامع را آتش زدند و آن آتش به جامع سرایت کرد و محاسن و اعمال رائقه مسجد بسوخت و مردم از عهده اطفای آتش برنیامدند. انقطاع خطبه فاطمیه از حجاز. وفات قاضی حسین مروزی از شافعیه.

افریقا — امتداد قحط و غلا و ازدیاد و باوزلزله در مصر.

[سنه ۴۶۲ هجری = سنه ۱۰۶۹ مسیحی]

آسیا — وفات طغفاج خان پادشاه ماوراءالنهر که اسم او ابواسحق ابراهیم بن نصر ایلک خان بود و پسرش شمس الملک نصر بن طغفاج خان به جای او برقرار گردید و سلطنت کرد تا درگذشت و سال فوت او را مورخین ننوشته اند بعد از شمس الملک برادرش حصرخان و بعد از او پسرش احمد سلطنت نمود.

افریقا — کار غلا در مصر بجائی کشید که مردم یکدیگر را خوردند و هرکس توانست از مصر هجرت اختیار کرد و مستنصر علوی مجبور شد که نفایس ذخایر خزینه خود را بفروشد.

[سنه ۴۶۳ هجرى = سنه ۱۰۷۰ مسیحی]

آسیا - قطع کردن محمود بن نصر صالح بن مرداس^۱ مالک حلب خطبه المستنصر علوی را و خطبه خواندن به اسم القائم عباسی. رفتن الب ارسلان به دیاربکر و اطاعت کردن حکمران دیاربکر نصر بن احمد بن مروان از او رفتن الب ارسلان به حلب و اطاعت کردن محمود نیز او را. فتح کردن یوسف بن ابق خوارزمی از امرای ملک شاه بن الب ارسلان شهر رمله و بیت المقدس را که از عمال خلیفه علوی منتزع کرد و دمشق را نیز محاصره نمود ولی برفتح آن فایز نیامد. وفات ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن احمد الفورانی الفقیه الشافعی. وفات خطیب ابوبکر احمد بن علی بن ثابت البغدادی صاحب مصنفات کثیره که در زمان خود پیشوای دنیا بود و تاریخ بسیار خوبی برای بغداد نوشته و خطیب مذکور در عصر خود حافظ شرق بود. وفات کریمه دختر احمد بن محمد که مژزیه بود و صحیح بخاری را در مکه روایت می نمود.

اروپا - (رومیة الصغری) امپراطور قسطنطنیه ارمانوس باجمعی کثیر از روم و روس و چرکس و غیرهم به طرف آسیارانده به ملازگرد رسید الب ارسلان به مقابله او شتافته و طلب صلح نمود امپراطور قبول نکرد و جنگ در گرفته رومیها منهزم شدند و بسیاری از آنها به قتل رسیدند و امپراطور اسیر شد. در تواریخ فرنگ این واقعه را به سال بعد نسبت می دهند و اسم امپراطور را دیوجن و دیوجانس می نویسند به هرحال پس از تقبلات الب ارسلان امپراطور قسطنطنیه را رها کرد و او به قسطنطنیه معاودت نمود اما اهل مملکت دیگر او را به امپراطوری قبول نکرده بلکه چشمهای او را بیرون آوردند. (اسپانیول) وفات ابولولید احمد بن عبدالله بن احمد بن غالب بن زیدون الاندلسی قرطبی که از ابنای فقهاء بود و تغییر سبک داده به وزارت المعتضد بن عباد حکمران اشبیلیه رسید و ابن زیدون را اشعار بسیار ممتاز است. وفات ابوعمر و یوسف بن عبدالبر صاحب الاستیعاب حافظ الغرب در شهر شاطیه در اندلس که زیاده از شصت کتاب تصنیف کرده بود.

[سنه ۴۶۴ هجرى = سنه ۱۰۷۱ مسیحی]

آسیا - وفات قاضی ابوطالب بن عمار قاضی طرابلس که بر این شهر استیلا یافته و

۱. کامل: محمود بن صالح بن مرداس.

استبدادی در امور بهمرسانیده بود. برقرار شدن پسر برادرش جلال الملک ابوالحسن عمار به جای او که بخوبی این بلد را منضبط نمود.

[سنه ۴۶۵ هجری = سنه ۱۰۷۲ مسیحی]

آسیا - رفتن الب ارسلان بازیه از صد هزار سوار به ماوراء النهر و جسر بستن بر روی جیحون و عبور از آن و نزول به قریر که شهر کوچکی است در حوالی جیحون. کشته شدن الب ارسلان بدست یوسف خوارزمی، تبیین آنکه قلعه ای در کناره جیحون بود که یوسف کوتوالی آن قلعه را داشت چون خلافتی از او به ظهور رسیده الب ارسلان او را احضار نموده حکم کرد به چارمیخش بکشند تا جان بدهد یوسف به الب ارسلان بد گفته الب ارسلان دست به تیروکمان برد و گفت او را رها کنید یوسف را رها کردند الب ارسلان تیری به جانب او انداخت ولی تیر خطا شد و یوسف دویده کاردی بر الب ارسلان زد، اتراک ریختند و یوسف را پاره پاره نمودند و این در شانزدهم ربیع الاول بود. و الب ارسلان در دهم ربیع الآخر بواسطه زخمی که داشت در گذشت عمر او چهل سال و چند ماه و مدت سلطنتش از روزیکه خطبه به اسم او خواندند نه سال و شش ماه و چند روز بود. برقرار شدن ملک شاه بن الب ارسلان به جای پدر و بازگشتن او با عساکر از ماوراء النهر به خراسان. وفات ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک القشیری النیشابوری فقیه اصولی مفسر صاحب فضایل کثیره که در علم تصوف نیز پیشوا بود و اشعار خوب داشت. وفات علی بن حسین بن علی بن مفضل کاتب معروف بصره و شاعر مشهور^۱.

اروپا - (ایتالیا) جزیره سیسیل که تا این زمان به تصرف اعراب بود بدست رُژ نام مفتوح گردید.

افریقا - پس از استیلای والده مستنصر علوی خلیفه مصر کار سلطنت موهون شده بود ناصرالدوله که از اولاد ناصرالدوله حمدان و بزرگترین سردارهای مصر بود اغتشاش مصر را رفع نمود و والده مستنصر را گرفته پنجاه هزار دینار جریمه کرد، و اهل و اولاد مستنصر را از دور او متفرق ساخت و مستنصر را به حالتی انداخت که روی حصیر می نشست و برهیچ قادر نبود، و غرض ناصرالدوله این بود که به اسم القائم عباسی خطبه بخواند که

۱. کامل: علی بن الحسن بن علی بن الفضل أبو منصور.

یکی از سردارهای بزرگ اتراک دکن نام باجماعتی ملتفت شده بر سر ناصرالدوله ریخته در این سال او را بکشتند، و برادرش فخرالعرب را نیز مقتول نمود و نسل بنی حمدان را از مصر برانداخت و امر در مصر مضطرب و متزلزل بود تا سال چهارصد و شصت و هفت امیر الجیوش بدر جمالی در مصر غلبه بر امور بهمرسانید.

[سنه ۴۶۶ هجری = سنه ۱۰۷۳ مسیحی]

آسیا - زیاد شدن آب دجله و آمدن سیل و غرق کردن طرف شرقی بغداد را و بعضی از جانب غربی را و داخل شدن آب از بالا در منازل و خانه ها، و از زیر بجوشیدن و بیرون آمدن از بالوعه ها که در سمت غربی شهر مقبره احمد و مشهد باب التین غرق شد و خلق کثیری هلاک شدند. استیلای شهر یاربین زیار در طبرستان و ابتدای طبقه ثانیة باوندیه. وفات ابوبکر خیاط مقری عراق.

[سنه ۴۶۷ هجری = سنه ۱۰۷۴ مسیحی]

آسیا - وفات القائم بامرالله عبدالله مکنی به ابوجعفر ابن القادر احمد بن اسحق بن المقتدر بالله در شب پنجشنبه سیزدهم شعبان، عمر القائم هفتاد و شش سال و سه ماه و چند روز، مدت خلافتش چهل و چهار سال و هشت ماه و بیست و پنج روز و بعضی عمر القائم را نود و شش سال و چند ماه نوشته اند. خلافت المقتدی بامرالله عبدالله بن محمد ذخیره الدین ابن القائم بیست و هفتمین خلیفه عباسی به موجب ولایت عهدی که از جد خود القائم داشت و القائم جز این پسرزاده اولادی نداشت و محمد ذخیره الدین در حیات القائم وفات کرده بود. جمع کردن ملک شاه و نظام الملک وزیر جمعی از منجمین را و قرار دادن نوروز را در اول حمل و پیش از این نوروز در وسط ماه حوت بود. بستن رصد به امر ملک شاه و جمع شدن جماعتی از فضلا برای انجام این عمل که از جمله عمر خیام و ابوالمظفر اسفراینی و میمون بن نجیب الواسطی بودند و ملک شاه مخارج زیادی برای اینکار کرد و این رصد دایر بود تا سال چهارصد و هشتاد و پنج که سلطان ملک شاه وفات کرد و عمل رصد باطل شد. حمله کردن سلیمان سلجوقی به سمت آسیای صغیر و فتح کردن تا شهر نیه را. وفات ابوالحسن احرازی از ادبای خراسان.

افریقا - پیش ضعف و استیصال المستنصر خلیفه علوی مصر را ذکر کردیم این خلیفه

تحریراً شکایت حالی به بدر جمالی که متولی سواحل شام بود فرستاد بدر در اینسال به مصر آمده و استیصال خلیفه را مبدل به قوت تمام نمود و بلایای مصر را رفع نموده به احسن احوال رسانید.

[سنه ۴۶۸ هجری = سنه ۱۰۷۵ مسیحی]

آسیا - گرفتن اتسز^۱ دمشق را و قطع کردن خطبه علویین را که بعد از آن دیگر در دمشق به اسم علویین خطبه خوانده نشد و در اواخر دیقعه به اسم المقتدی عباسی خطبه خواندند و اتسز^۲ گفتن حیّ علی خیر العمل را در اذان منع کرد. ابتدای تاریخ جلالی را به حکم ملکشاه در تواریخ فرنگ از وقایع این سال نوشته اند اما مورّخین آسیا به سال قبل نسبت می دهند. وفات ابوالحسن علی بن احمد بن متویه^۳ المفسر مصتف و سیط و بسیط و وجیز و ابوالحسن نیشابوری است و او را متوی می گویند نسبت به جدّ او متویه و واحدی نسبت به واحد بن میسره استاد عصر او در نحو و تفسیر. وفات شریف هاشمی عباسی ابوجعفر مسعود بن عبدالعزیز المعروف به بیاضی^۴ صاحب اشعار بسیار ممتاز. وفات ابوعلی هراس مقری واسط.

[سنه ۴۶۹ هجری = سنه ۱۰۷۶ مسیحی]

آسیا - رفتن اتسز^۵ حکمران شام بمصر و عود او منهزماً. غارت بیت المقدس به حکم سلطان ملکشاه سلجوقی. وفات محمود بن شبل الدوله نصر بن صالح بن مرداس الکلابی حکمران حلب به عقیده ابن اثیر، اما ابوالفدا گوید: من در تاریخ حلب از مؤلفات کمال الدین معروف بابن عدیم دیده ام که وفات محمود را در سال چهارصد و شصت و هفت نوشته و چون او در گذشت پسرش نصر بن محمود به جای او برقرار شد و نصر اکثر در شرب می نمود چنانکه روز عید فطر سال چهارصد و شصت و هشت از صبح تا عصر

۲.۱. کامل: اقیس.

۳. کامل: ابوالحسن علی بن احمد بن محمد بن متویه.

۴. کامل: مسعود بن المحسن بن الحسن بن عبدالرزاق ابوجعفر البیاضی.

۵. کامل: اقیس - و اضافه می کند «والصحيح انه اتسز وهو اسم تركي».

مشتول شرب بود و مستی براو غلبه کرده قصد کرد با تراک (ترکمانان) که در شهر منزل داشتند قتال کند پکی از تراک تیری بحلق او زد و کشته شد و بعد از او برادرش سابق بن محمود حکمرانی حلب یافت. فتنه اشعریه و حنبلیه در بغداد.

اروپا — وفات حنان بن خلف مویخ اندلس.

افریقا — افتادن طاهر بن احمد بن بابشاذ نحوی مصری از بام جامع عمرو بن العاص در مصر و درگذشتن او.

[سنه ۴۷۰ هجری = سنه ۱۰۷۷ مسیحی]

آسیا — وفات عبدالرحمن بن محمد بن الاسحق اصفهانی الحافظ صاحب تصانیف کثیره از جمله تاریخ اصفهانست و طایفه ای از اهل اصفهان در اعتقاد منسوب به عبدالرحمن می باشند و ایشان را عبد رحمانیه می گویند. انقراض دولت بنی زیار در طبرستان. فتنه عظیم اشعریه و حنبلیه در بغداد.

مرکز تحقیات کتب و تاریخ و اسناد

[سنه ۴۷۱ هجری = سنه ۱۰۷۸ مسیحی]

آسیا — دادن ملک شاه دمشق را باهر جائیکه مفتوح سازد به اقطاع تاج الدوله تنش بن الب ارسلان و در این وقت عساکر مصر از جانب بدر جمالی بر سر دمشق آمده بودند اتسز که حکمران دمشق بود حلب را در بند محاصره داشت و برای دفع سپاه مصر از تنش استمداد نمود تنش بطرف دمشق راند و عساکر مصر از این نواحی رفتند و چون اتسز مراسم ادب را کاملاً نسبت به تنش مرعی نداشته بود تنش^۱ او را بکشت و مالک دمشق شد و بنای حسن سیرت را گذاشت. وفات امام عبدالقاهر بن عبدالرحمان جرجانی.

اروپا — (انگلیس) ساختن قلعه در لندن که مأمّن برای پادشاه باشد. شوریدن رُبر بر پدر خود گیلوم فاتح و مجروح شدن پادشاه.

[سنه ۴۷۲ هجری = سنه ۱۰۷۹ مسیحی]

آسیا — جنگ کردن ابراهیم بن مسعود بن محمود پادشاه غزنین در هندوستان که پس از فتوحات باغنائیم موفوره سالماً به غزنین بازگشت. راندن شرف الدوله مسلم بن قریش بن بدران بن مقلد بن مسیب حکمران موصل به حلب و محاصره کردن او این بلد را که در سال بعد او را مُسلم شد و سابق و وثاب پسران محمود را از قلعه بیرون آورده و قلعه را نیز تسلیم او نمودند. وفات نصر بن احمد بن مروان مالک دیار بکر که پسر او منصور بن نصر به جای او برقرار شد و ابن انباری از جانب او به تدبیر ملک پرداخت. وفات ابوالفتیان محمد بن سلطان بن جیوش شاعر مشهور. استیلای سلطان ملکشاه سلجوقی بر کرمان.

افریقا — زلزله در مغرب.

[سنه ۴۷۳ هجری = سنه ۱۰۸۰ مسیحی]

آسیا — وفات ابن قبوس شاعر شام. منتزع ساختن مؤید الملک بن نظام الملک تکریت را از تصرف مهرباط. وفات ابن شبل شاعر مشهور. استیلای تکش برادر ملکشاه بر بعضی از بلاد خراسان و استرداد ملکشاه آن نواحی را از او و وقوع صلح مابین ملکشاه و تکش که با او مخالفت داشت. وفات عبدالسلام بن احمد بن محمد جعفر ابوالفتح الصوفی الفارسی، و یوسف بن حسن بن محمد بن حسن ابوالهیثم التفکری الزنجانی از علمای عاملین.

[سنه ۴۷۴ هجری = سنه ۱۰۸۱ مسیحی]

آسیا — خطبه کردن خلیفه المقتدی عباسی دختر ملکشاه را. گرفتن تنش طرطوس و بعضی حصون آن نواحی را. وفات داود بن ملکشاه. وفات ابواسحق ابراهیم بن عُقَیل بن حبش القرشی النحوی.

اروپا — وفات ابوالید الناصر (الناحی) از علمای اندلس.

[سنه ۴۷۵ هجری = سنه ۱۰۸۲ مسیحی]

آسیا - وفات جمال الملک منصور بن نظام الملک. فرستادن خلیفه المقتدی شیخ ابواسحق شیرازی را به رسالت نزد ملک‌شاه و نظام الملک، و شکایت کردن از ابوالفتح بن ابی اللیث بزرگ عراق و پذیرفتن ملک‌شاه و نظام الملک بخوبی شیخ ابواسحق را و ملاحظه شیخ ابواسحق با امام الحرمین ابوالمعالی جوینی در حضور نظام الملک، و معاودت شیخ به بغداد مقضی المرام که دست عمید عراق از جمیع متعلقات خلیفه کوتاه شد. وفات ابونصر علی بن وزیر ابوالقاسم هبة الله بن ماکولا مصنف کتاب اکمال که منالیک او در کرمان او را بکشتند. فتنه در بغداد میان شافعیها و حنبلیها وفات ابوعمر و عبدالوهاب بن محمد بن اسحق بن منده اصفهانی حافظ که از فضلا بود. متصرف شدن سلیمان سلجوقی تمام آسیای صغیر را سوای طرابوزان و ایگن یم و قنیه.

[سنه ۴۷۶ هجری = سنه ۱۰۸۳ مسیحی]

آسیا - وفات شیخ ابواسحق ابراهیم بن علی شیرازی الفیروزآبادی از اجله علما و صاحب اشعار ممتاز در ماه جمادی الاخره، شاگردهای شیخ در تمام عالم دیده می شدند و گویند مستجاب الدعوه بوده است. عزل عمیدالدوله بن جهر از وزارت خلیفه عباسی و وزارت ابوشجاع محمد بن الحسین. خروج حسن صباح در الموت قزوین بقولی.

اروپا - (اسپانیول) وفات مهدی شاعر اندلس. وفات ابوالحجاج بن یوسف بن سلیمان الاعلم الشنتمری گردید منسوب به شنتمریه شهر اندلس که از این شهر به قرطبه (کردو) آمده مشغول تحصیل شد و از ائمه ادب و عربیت گردید و حماسه را شرح کرد.

[سنه ۴۷۷ هجری = سنه ۱۰۸۴ مسیحی]

آسیا - فرستادن ملک شاه سپاهی به سرکردگی فخرالدوله بن جهر به جنگ شرف الدوله مسلم بن قریش. فرستادن ملک‌شاه دسته قشون دیگر نزد فخرالدوله که سردار این قشون ارتق بن اکسک (اکسب) بود. انهزام شرف الدوله و محصور شدن در آمد که مبلغی به ارتق داد و از آمد خارج شد و به زقه رفت، و ملک‌شاه عمیدالدوله بن فخرالدوله بن جهر را را بالشکری جرّار به همراهی آقسنقر قسیم الدوله به موصل فرستاده بر این ولایت استیلا

یافتند و آتسنقر پدر عماد الدوله زنگی می باشد. خلاصه مؤید الملک بن نظام الملک نزد شرف الدوله فرستاده او را اطمینان داد و احضار نموده به حضور ملکشاه برد و او هدایای وافره به ملکشاه پیشکش کرد و از جمله اسبی بود که در روزگار نظیر نداشت و ملکشاه از او خشنود شده او را خلعت داد و بر ولایت خود برقرار کرد. فتح کردن سلیمان بن قتلش سلجوقی مالک قونیه و اقصر (اقسرا) و غیره انطاکیه را. جنگ سلیمان بن قتلش با شرف الدوله مسلم حکمران موصل به جهة خراجیکه مسلم از انطاکیه مطالبه می نمود، و کشته شدن شرف الدوله مسلم در جنگ در ماه صفر و منهزم شدن عساکر او، و پس از او بنی عقیل ابراهیم بن قریش برادر شرف الدوله را که در حبس بود بیرون آورده به جای او برقرار کردند و ابراهیم بقدری در حبس مانده بود که وقتی بیرون آمد نمیتوانست راه برود. تولد سنجر بن ملکشاه در سنجار. وفات ابونصر عبدالسید بن محمد بن عبدالواحد بن الصبّاغ فقیه شافعی صاحب تصانیف، و قاضی ابوعبدالله بن الحُسن علی البغدادی معروف به ابن قفال از شیوخ اصحاب شافعی.

اروپا - (انگلیس) رُپرِسر گیلیوم فاتح پادشاه انگلیس مجدداً بر پدر خود شورش می نماید.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

[سنه ۴۷۸ هجری = سنه ۱۰۸۵ مسیحی]

آسیا - استیلای فخرالدوله بن جُهِیر ابتدا بر آمد، و بعد بر میتار فارقین، بعد بر جزیره ابن عمر، که اینجا بلاد بنی مروان و در تصرف منصور بن نصر بن مروان بود و پس از این فتوحات دولت آل مروان منقرض گردید. وفات امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف الجوینی صاحب تصانیف جلیله و تلامیذ معروف از فضلا مثل غزالی و ابوالقاسم انصاری و ابوالحسن علی الطبری. زلزله در خوزستان.

اروپا - (اسپانیول) شهر تَدِلْ (طلیطله) از تصرف مُسلمین خارج شده الفنس پنجم این بلد را مسخر کرد و پای تخت خود قرار داد و سلاطین مسلمان اسپانیول اعلان جهاد نموده یوسف المرابط بن تاشفین را که از طرف خلیفه بغداد حکمران مغرب بود بر خود رئیس ساختند. (ایطالیا) فوت گِرِگوار هفتم پاپ.

[سنه ۴۷۹ هجری = سنه ۱۰۸۶ مسیحی]

آسیا - چون سلیمان سلجوقی مُسلم بن قریش را چنانکه پیش ذکر نمودیم بکشت نزد ابن حبیبی^۱ عباسی بزرگ اهل حلب فرستاده تسلیم حلب را خواست ابن حبیبی از او مهلت خواست و نزد تنش^۲ بن الب ارسلان برادر ملکشاه حکمران دمشق فرستاد و قدوم او را استدعا نمود تنش با اُرْتُق^۳ بن اکسک به حلب رفت و جنگ میان او و پسر عمش سلیمان بن قتلش در گرفت عساکر سلیمان منهزم شدند و سلیمان از شدت غرور و غیرت خود را بکشت و مملکتی که تازه برای خود تشکیل داده بود منقسم شده در هر شهری شخصی مقتدر را حکمرانی نمود، آمدن ملکشاه به حلب و تملک او این نواحی را و در بین راه نیز فتوحات نموده از جمله حرّان را گرفت و به اقطاع محمد بن شرف الدوله مسلم داد، و در حلب رسول امیر نصر بن علی بن مُنقذ الکنانی صاحب شیر^۴ ز نزد ملکشاه آمده اظهار اطاعت امیر نصر را به ملکشاه نمود، و ملکشاه حلب را به قسیم الدوله آقسنقر داد و به بغداد رفت و بعدها چند محل دیگر را از قبیل رَحبه و خابور و سروج و رُفّه براقطاع محمد بن شرف الدوله مزید کرد و خواهر خود زلیخا دختر الب ارسلان را در سلک ازدواج او درآورد. وفات شریف ابونصر زینبی عباسی نقیب هاشمیین محدث مشهور. وفات بهاء الدوله ابوکامل منصور بن دبیس بن علی بن مرثد الاسدی صاحب حلّه و نیل و غیرهما که مرد فاضلی بود و اشعار ممتاز داشت، برقرار شدن پرش صدقه بجای او که سیف الدوله لقب یافت. زلزله در عراق عرب.

اروپا - (اسپانیول) رفتن یوسف بن تاشفین امیر المسلمین به اسپانیول و جنگ کردن بالفرنس پنجم^۵، و منهزم کردن عساکر او را و منتزع نمودن غرناطه را از عبدالله بن بُلُکّین بن بادیس بن حبوس بن مالس بن بُلُکّین بن زیری الصنهاجی، و این اول شهری بود از

۱. کامل: ابن الحُثَیثی.

۲. کامل: همه جانش.

۳. اُرْتُق بن اکسک.

۴. کامل: شِیْر.

۵. الفرنس ششم - نسخه بدل (حاشیه مؤلف).

اندلس که یوسف بن تاشفین تملک نمود، خلاصه یوسف بعد از فتوحات نمایان از اسپانیول به مملکت خود معاودت نمود.

[سنه ۴۸۰ هجری = سنه ۱۰۸۷ مسیحی]

آسیا — رفتن ملک‌شاه در ماه صفر از بغداد به طرف اصفهان. زفاف خلیفه پادختر ملک‌شاه. تولد محمود بن ملک‌شاه که مادرش ترکان خواتون بود. کسوف کلی شمس. وفات فاطمه دختر علی المؤذب معروف به بنت الاقرع و فاطمه از جمیع مردم خط را بهتر می نوشت و از علوم نیز بهره داشت. وفات غرس التعمه ابوالحسن محمد بن صابی صاحب تاریخ.

اروپا — (انگلیس) منازعه مابین گیلوم فاتح پادشاه انگلیس و فیلیپ اول پادشاه فرانسه، و حرق شهر نانت در مملکت فرانسه. فوت گیلوم در مملکت نورماندی و دفن او در همین مملکت، سلطنت گیلوم دویم پسر اولی او به جای او در انگلیس و سلطنت روبر نام پسر دویم او در نورماندی. (مجار) الحاق مملکت گراتی به این مملکت در سلطنت لادیسلاس اول.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۴۸۱ هجری = سنه ۱۰۸۸ مسیحی]

آسیا — وفات ملک المؤید ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی پادشاه غزنین، بعقیده ابن اثیر و بعضی، اما اعتقاد ابوالفدا و جمعی دیگر این است که ابراهیم بن مسعود در چهارصد و نود و دو وفات کرده است و گویا این صحیح باشد، به هر حال بعد از او پسرش مسعود بن ابراهیم به جای او جلوس کرد و مسعود داماد ملک‌شاه بود. لشکر کشیدن آفسنقر حکمران حلب به قلعه شیرز و محاصره کردن نصر بن علی بن مؤقذ را و تنگ گرفتن براو و غارت کردن آبادیهای بیرون قلعه را و عاقبت کار به صلح انجامیده آفسنقر به حلب بازگشت. وفات شیخ الاسلام عبدالله انصاری، و حکیم ناصر خسرو علوی.

اروپا — (اسپانیول) طلب کردن مسلمانان اسپانیول مجدداً یوسف بن تاشفین را از افریقته به کمک خود، جنگ بی ثمر و فایده یوسف بن تاشفین با الفنس ششم و مراجعت او با افریقا.

[سنه ۴۸۲ هجرى = سنه ۱۰۸۹ مسیحی]

آسیا — رفتن سلطان ملک‌شاه بالشکر بیشمارى به ماوراء النهر و بخارا و گرفتن بلادى را که در خط راه بود تا بخارا که از آنجا به سمرقند رفته این شهر را هم فتح نمود، و احمد خان مالک سمرقند را دستگیر کرد ولى او را معزز بداشت، بعد بطرف کاشغر راند و به بوزکند^۱ رسید و نزد حکمران کاشغر فرستاده امر نمود که خطبه و سکه به اسم ملک‌شاه باشد، حکمران کاشغر قبول نموده به حضور ملک‌شاه حاضر شد سلطان او را اکرام کرد و در مملکت خود برقرار فرموده به خراسان بازگشت. وفات عاصم بن محمد بن حسن البغدادی^۲ صاحب اشعار جید. وفات فخرالاسلام بن محمد المروزی از کبار شیعه.

[سنه ۴۸۳ هجرى = سنه ۱۰۹۰ مسیحی]

آسیا — وفات فخرالدوله ابونصر محمد بن محمد بن جُهِیر در مُوصل، فخرالدوله وزارت نصرالدوله احمد بن مروان حکمران دیاربکر را کرده و بعدها به وزارت خلیفه عباسی رسیده پس از آن باملكشاه به دیاربکر رفت و این ولایت را از بنی مروان بگرفت. در ماه شعبان این سال حسن بن صباح رئیس اسمعیلیه به قلعه الموت صعود کرده بنای دعوت را گذاشت. شوکت سنیها و ضعف کار شیعه.

اروپا — (اسپانیول) در این سال یوسف بن تاشفین باز به اسپانیول رفته پادشاه مسلمانیکه در غرناطه بود خلع کرده به افریقا مراجعت نمود (به عقیده مؤرخین فرنگ).

[سنه ۴۸۴ هجرى = سنه ۱۰۹۱ مسیحی]

آسیا — رسیدن عمیدالدوله بن فخرالدوله بن جُهِیر به وزارت المقتدی خلیفه عباسی. در رمضان این سال ملک‌شاه به بغداد آمد و تنش^۳ برادرش از دمشق به حضور او حاضر گردید

۱. کامل: بوزکند

۲. کامل: عاصم بن الحسن بن محمد بن علی بن العاصمی البغدادی.

۳. کامل: اخوه تاج الدولة تُتَش.

و آفسنقر نیز از حلب به خدمت او شتافت و بزرگان اطراف در بغداد جمع شدند و شب میلاد خود را جشن گرفتند، امر کردن ملک‌شاه به ساختن جامع معروف به جامع سلطان در بغداد که قبله جامع را بهرام منجم سلطان و جماعتی از اهل رصد تشخیص دادند، و امرای سلطان بنای ساختن منازل به بغداد گذاشتند. وفات امیر ارتق ابن اکسک ترکمانی جلد ملوک ماردین که قدس شریف را مالک شده بود و پس از او قدس دو پسرش ایلغازی و سقمانرا شد، و در تصرف آنها بود تا افضل سپهسالار مصر آمده این بلد را از تصرف آنها منتزع نمود، خراب شدن حصار انطاکیه و شام از زلزله. انتشار طایفه اسمعیلی که آنها را باطنیه نیز گویند در عراق عجم.

اروپا — (اسپانیول) استیلای یوسف بن تاشفین بر جمیع بلاد اندلس.

افریقا — استیلای بعضی از طوایف فرنگ بر صقلیه.

[سنه ۴۸۵ هجری = سنه ۱۰۹۲ مسیحی]

آسیا — امر کردن ملک‌شاه به آفسنقر که تنش^۱ برادر ملک‌شاه را بفتح شام و اماکنی که به دست گماشتگان خلیفه علوی مصری است امداد نماید، و رفتن آفسنقر و تنش^۲ بگرفتن حیص و منتزع نمودن این ولایت را از خلف بن ملاعب و راندن به عرقه و قامیه^۳ و گرفتن ایندو محل را. حصول وحشت فیما بین ملک‌شاه و نظام الملک و کشته شدن نظام الملک در حوالی نهاوند به دست طفلی دیلمی که کاردی به اوزد و کار او را بساخت، و این به تدبیر سلطان بود ملازمان نظام الملک آن طفل را بکشتند چون نظام الملک کشته شد در میان لکشریان غوغا در گرفت ملک‌شاه سوار شده غوغا را بخوابانید تولد نظام الملک در سال چهارصد و هشت و از دهقان زاده‌های طوس بود و در مراتب علم و عربیت مقامی داشت و ابتدا به وزارت طغرل بیک رسید و در عهد الب ارسلان مشغول خدمات ملک‌شاه بن الب ارسلان بود، چون ملک‌شاه سلطان شد مقامی در وزارت او یافت که هیچ وزیری به آن مقام نرسیده و با علما میل مفرطی داشت و مدارس در بلاد بنا نمود و اوصاف حسنه

۱. ۲. کامل: تنش.

۳. کامل: افامیه.

نظام الملک بسیار است. ورود ملک‌شاه به بغداد در بیست و چهارم رمضان و مردن او در شب جمعه نیمه شوال سی و پنج روز بعد از کشته شدن نظام الملک. ملک‌شاه در سنه چهارصد و چهل و هفت متولد شده بود نیکو صورت و بامعنی و ایام او ایام عدل و سکون و از حدود چین تا آخر شام و از اقصای بلاد اسلام در شمال تا آخر بلاد یمن به اسم او خطبه می خواندند و سلاطین رومیة الصغری به او پیشکش می دادند، در عمارت بلاد و بذل اموال ملک‌شاه نهایت سعی بود در بغداد مسجد جامع و در راه مکه برکه ها بساخت میل او به شکار زیاد بود. چون ملک‌شاه درگذشت زوجه او ترکان خواتون وفات او را مخفی داشت و اموال زیاد به امرا بذل کرد و آنها را به اصفهان فرستاد و لشکریان را به اطاعت فرزند خود محمود سوگند داد و محمود در این وقت چهار سال و هشت ماه داشت، خلاصه در بغداد و بعضی جاهای دیگر به اسم محمود خطبه خواندند و تاج الملک در خدمت ترکان خواتون به مهام و تدبیر مملکت مشغول شد و به اصفهان آمدند چون به اصفهان رسیدند برکیارق بن ملک‌شاه از اصفهان گریخت اما عساکر نظامیه از ترکان خواتون و محمود پسرش جدا شده به برکیارق پیوستند و جهة این تخلف این بود که با تاج الملک دشمن بودند زیرا که می دانستند او اسباب کشته شدن نظام الملک را فراهم آورده است، خلاصه لشکری ترکان خواتون به جنگ برکیارق مامور نمود و در حوالی بروجرد فشتین جنگ کردند عساکر ترکان خواتون منهزم شده برکیارق آنها را تعاقب کرد تا اصفهان و این شهر را محاصره نمود و تاج الملک را که در عسکر ترکان خواتون بود دستگیر نمود و می خواست او را وزارت دهد اما عساکر نظامیه که با او دشمن بودند بر سر او ریخته او را بکشتند تاج الملک صاحب فضایل کثیره بود در پنج سال به انتها رسید. زلزله در کردکوه. حریق در بغداد. اضطراب حاج عراق از خفاجه. (اناطولی) بعد از هفت سال هرج و مرج مملکت سلجوقی ایگنیم (قونیه) به دست قلیج ارسلان پسر سلطان سلیمان می افتد.

اروپا - (لهستان) شروع جنگ پنجساله باروس و پروس.

[سنه ۴۸۶ هجری = سنه ۱۰۹۳ مسیحی]

آسیا - حرکت کردن تنش^۱ از دمشق به قصد جلوس به تخت ملک‌شاهی و اتفاق آقسنقر

حکمران حلب با او و خطبه باغی میان حکمران انطاکیه و بزآن^۱ حکمران رها به اسم تنش و فتح کردن تنش نصیبین را به غلبه و راندن به طرف موصل و گرفتن این ولایت را و کشتن ابراهیم حکمران موصل را، و نایب و قرار دادن علی بن مسلم بن قریش را که مادرش عمه تنش بود در موصل و فرستادن به بغداد که در این شهر خطبه به اسم او بخوانند، اما نخواندند و تنش به دیار بکر رفته در این ولایت نیز استیلا یافت، و به آذربایجان شتافت، در حالتیکه برکیارق براثر این نواحی مُسلط شده بود، چون تنش متوجه آذربایجان شد برکیارق به مدافعه عم خود برخاست و آقسنقر گفت اتفاق ما باتنش به جهت این بود که از پسران ملکشاه کسی به امر سلطنت قیام نداشت حال که برکیارق بن ملکشاه مباشر مهام ملکی است ما از خدمت او تخلف نداریم این بگفت و به برکیارق پیوست و این فقره سبب ضعف تنش شده به شام معاودت نمود. تقاعد حجاج عراق و اضطراب حجاج شام.

اروپا - فوت مَلْکُلُ پادشاه اُکس درین جنگ با پادشاه انگلیس و سلطنت طایفه اِشتوارت در این مملکت. (روس) غارت طایفه تاتار شهر کیف و اطراف آنرا.

افریقا - تملک عساکر المستنصر بالله علوی خلیفه مصر شهر صور را. غلبه پادشاه افریقا بر سلاطین مسلمان اندلس.

[سنه ۴۸۷ هجری = سنه ۱۰۹۴ مسیحی]

آسیا - وفات المقتدی بامر الله ابوالقاسم عبدالله بن محمد ذخیره الدین بن القائم به موت فجاء روز شنبه پانزدهم محرم عمر المقتدر سی و هشت سال و هشت ماه و چند روز و مدت خلافتش نوزده سال و هشت ماه بود، مادر المقتدی ارمنیه و أرجوان نام داشت و خلافت المقتدی و خلافت پسرش المستظهر بالله و خلافت پسر پسرش المسترشد بالله را بدید. خلافت المستظهر بالله ابوالعباس احمد بن المقتدی. چون المقتدی درگذشت برکیارق به بغداد آمد و برای المستظهر بیعت گرفت و در این وقت المستظهر شانزده سال و دو ماه داشت. جمع کردن تنش در شام عساکر خود را که عده زیادی بودند، و جمع نمودن آقسنقر در حلب لشکر به جهت مدافعه او و امداد کردن برکیارق او را به سپاهی به سرکردگی کربوغا و تلاقی فریقین در نهر سبعین در نزدیکی تل سلطان، در شش فرسخی

حلب و مقاتله و غدر کردن بعضی عساکر آفسنقر، و پیوستن به تنش و منهزم شدن باقی و پایداری کردن آفسنقر که اسیر شد و او را نزد تنش بردند تنش به آفسنقر گفت اگر تو بر من ظفر می یافتی چه می کردی گفت تو را میکشتم، گفت منهم حکم خود تو را درباره تو صادر می کنم و امر کرد او را کشتند و تنش به حلب رانده این ولایت را متصرف شده بواسطه او را اسیر و مقتول نمود و کربوغا را دستگیر کرده به حمص فرستاد و محبوس داشت بعد تنش بر حرّان و رها استیلا یافته به بلاد جزیریّه راند و این بلاد را مسلم کرد، و به دیار بکر و خلاط رفت، از اینجا به آذربایجان آمد و این بلاد او را شد، آنگاه به همدان رو کرد و این شهر نیز مسخر او شد و به بغداد نزد المستظهر بالله فرستاد و از او خواست که خطبه به اسم او بخواند المستظهر قبول کرد. برکیارق چون استیلای عمّ خود تنش را بر آذربایجان بشنید به اربل رفت و از آنجا ببلد شرحاب کردی بن بدر^۱ راند تا نزدیک به عساکر عمّ خود تنش شد، و زیاده از هزار نفر با برکیارق نبود و حال آنکه عساکر تنش پنجاه هزار نفر بودند و دسته ای از آنها برکیارق را منهزم کردند و او به اصفهان گریخت و محمود برادرش در اصفهان بود، عساکر محمود خواستند چشم برکیارق را میل بکشند اما در این وقت محمود آبله درآورد لهذا دست نگاه داشتند تا به بینند حال محمود به کجا منتهی می شود محمود بمرض آبله درگذشت و این فرجی شد بعد از شدت برای برکیارق و عساکر محمود به برکیارق پیوستند. وفات امیر مگه محمد بن ابی هاشم الحسنی که زیاده از هفتاد سال داشت و امیر قاسم بن ابی هاشم به جای او برقرار شد. وفات ترکان خواتون زوجه ملکشاه. زلزله در شام.

اروپا — مسافرت پیرازمیت از قسینین عیسوی از اهالی امیم به شهر فرانسه به بیت المقدس که برای الامین صدمه و ذلت عیسویان را دیده و در مراجعت به فرنگ حکم به جهاد می دهد (شروع به تمهید مقدمه جهاد مابین عیسویان و مسلمانان که بعدها تفصیل آن بیاید در این سال شد).

افریقا — مردن امیر الجیوش بدر جمالی در ربیع الاول که زیاده از هشتاد سال داشت و در دولت المستنصر علوی خلیفه مصر حکومت با او بود و چون بمرد فضل پسرش به جای او

۱. کامل: بوزان.

۲. کامل: شرحاب بن بدر.

برقرار آمد. وفات المستنصر بالله ابونمیم معد بن ابی الحسین علی الظاهر لاعزاز دین الله ابن الحاکم که شصت سال و چهارماه در مصر خلافت کرده بود و شصت و هفت سال عمر داشت. خلافت پسرش ابوالقاسم احمد المستعلی بالله به جای او.

[سنه ۴۸۸ هجری = سنه ۱۰۹۵ مسیحی]

آسیا - اجتماع سرکرده های عساکر احمد خان پادشاه سمرقند و گرفتن او را به جهة زندقه او، که فقها حکم قتل او را دادند و کشته شد و پسر عم او مسعود را به جای او بنشانیدند و مسعود معروف به قدرخان و موسوم به جبرئیل بن عمر بود و سلطان سنجر جبرئیل مذکور را بکشت، و محمد خان بن سلیمان بن داود بن ابراهیم بن طغاج به جای او برقرار آمد و حکمرانی داشت تا سال پانصد و پانزدهم، جنگ برکیارق باتنش^۱ در حوالی ری در ماه صفر و منهزم شدن عساکر تنش و ثبات اوتا کشته شد و سلطنت برکیارق استقرار یافت، و قتیکه تنش کشته شد پسرش دقاق در جنگ با او بود و پسر دیگرش رضوان در حوالی هیت بود که خیر کشته شدن پدرش به او رسید، رضوان که عازم عراق بود به حلب برگشت ابوالقاسم حسن بن علی خوارزمی که از جانب مادر تنش در حلب بود به رضوان پیوست، سرکرده های تنش و دقاق برادرش و دو برادر صغیرش ابوطالب و بهرام نیز در حلب به او ملحق شدند و این جمله مثل این بود که مهمان ابوالقاسم حسن خوارزمی باشند، زیرا که او بر این بلد استیلا داشت، نیم شبی رضوان خوارزمی را بگرفت و در حلب به اسم رضوان خطبه خواندند و باغی سیان بن محمد ترکان صاحب انطاکیه بارضوان بود، رضوان به قصد استیلا به دیار بکر متوجه شده قصد سروج نمود، سقمان بن ارتق پیش دستی کرده سروج را بگرفت و رضوان را مانع استیلا شد رضوان به رها رفته بر این محلّ مُسلّط گردید و قلعه رها را به باغی سیان رها کرد بعد اختلاف میان عساکر رضوان و باغی سیان و جناح الدوله شوهر مادر رضوان افتاد و جناح الدوله بزرگترین سرکرده ها بود، رضوان به حلب بازگشت و باغی سیان به انطاکیه رفت و ابوالقاسم خوارزمی با او بود، اما دقاق ساوتکین خادم که در دمشق والی بود نامه در خفا به او نوشته قدوم او را مستدعی شد تا او را مالک دمشق نماید دقاق نیز پنهانی از حلب گریخته به دمشق آمد و ساوتکین این ولایت را تسلیم او نمود و طفتکین شوهر مادر

دقاق که در جنگ سابق الذکر بآتشش بود باجماعتی از خواص تنش به دقاق پیوست و دقاق و طغتكین اتفاق نموده ساوتکین را کشتند پس از آن باغی میان ترکمانی صاحب انطاکیه با ابوالقاسم حسن خوارزمی به دمشق نزد دقاق آمده و باغی میان ابوالقاسم حسن را وزیر دقاق کرد. ترک تدریس و تزهّد ابوحامد غزالی و پوشیدن لباس خشن و رفتن به زیارت قدس و مکه و معاودت او به بغداد و آمدن او از بغداد به خراسان.

اروپا - اسپانیول) وفات ابو عبد الله محمد بن ابی نصر فتوح بن عبد الله بن حمید الحمیدی الاندلسی از فضیلتی ثقه که اهل میورقه بود. وفات المعتمد بن عباد صاحب اشبیلیه و غیرها از بلاد اندلس، و المعتمد در حبس بود در اغمات که مرد، المعتمد صاحب اشعار رائقه است و بعد از فوت او فضلا و شعرا برای او مرثیه ها گفته اند.

افریقا - وفات علی بن عبد الغنی مقری کور حصری قیروانی شاعر مشهور.

[سنه ۴۸۹ هجری = سنه ۱۰۹۵ مسیحی]

آسیا - چنانکه پیش ذکر شد تنش کر بوغا را در جمص حبس کرده بود بر کبارق نزد رضوان حکمران حلب فرستاده امر به رها کردن او نمود رضوان کر بوغا و برادرش طنطاش را رها کرد و جمعی دور کر بوغا جمع شده، او قصد نصیبین کرد محمد بن شرف الدوله مسلم بن قریش که در نصیبین بود نزد کر بوغا آمده او را سوگند داد که با او بد نیندیشد مع ذلک کر بوغا عذر کرده محمد را گرفت و نصیبین را محاصره کرده فتح نموده و به موصل راند و در بین راه محمد را بکشت و پس از نه ماه محاصره، موصل کر بوغا را مسلم شد و برادر خود طنطاش را در موصل بکشت و در حکمرانی موصل بنای حسن سیرت را بگذاشت. اقتران سبعة سیاره غیر از زحل در حوت و حکم منجمین به طوفان. غرق حجاز از سیل. وفات ابومظفر سمعانی.

اروپا - مرابطین جزایر باله آر را از تصرف سلاطین عرب اسپانیول خارج می کنند. (مجار) فوت لادیسلاس اول پادشاه این مملکت. (رُم) اوژبن دویم پاپ کشیشها را منع از مزاجت می نماید. ورود سفرای قیصر رومیه الصغری به رُم و شکایت نمودن نزد پاپ از تعدیات مسلمانان به آنها. مسافرت پاپ به فرانسه و تحریک کردن مردم را به جنگ مسلمین. اجماع مجاهدین بدو در فرانسه برای استخلاص بیت المقدس و صورت خاجی

از پارچه سرخ به طرف چپ سینه دوختن (این ابتدای ایجاد نشان است در عالم).

افریقا — استیلای عساکر خلیفه علوی مصر بر بیت المقدس در ماه شعبان که آن را از دست ایلغازی و مقیمان پسران ارتق منتزع نمودند و این شهر از تبعیت خلیفه عباسی خارج شد.

[سنه ۴۹۰ هجری = سنه ۱۰۹۶ مسیحی]

آسیا — ملک‌شاه برادری داشت ارسلان ارغون نام که بعد از ملک‌شاه برخراسان استیلا یافته بود چون شدید العقوبت بود و ملازمان او از او زیاد خائف بودند، در این سال یکی از غلامان او را بکشت و برکیارق به خراسان رفته براین ولایت استیلا یافت و به ماوراءالنهر فرستاد، در آنجا نیز خطبه به اسم او خواندند و برکیارق و خراسان را به سلطان سنجر برادر خود وا گذاشت و ابوالفتح علی بن حسین طغرانی را وزیر او قرار داد. ابتدای دولت خوارزم‌شاهیان. تبیین آنکه محمد خوارزم‌شاه ابن انوشتکین که اولین حکمران این خانواده است پدرش انوشتکین مملوک شخص غرستانی بوده و به همین جهت او را انوشتکین غرشه می گفتند یکی از امرای سلجوقی که اسمش بلکابل^۱ بود او را بخرید، چون انوشتکین فراست و کیاستی داشت نزد بلکابل مقامی بهمرسانید و محمد پسر او بوجود آمده باحسن تربیت پدر مرد عالم ادیب مدبر با کفایتی شد در این هنگام در خراسان فتنه حادث گردید و برکیارق امیر داذای حبشی را به اطفای نایره فتنه به خراسان فرستاد چون نایب خوارزم در فتنه مذکوره به دست اتراک کشته شده بود امیر داذا پس از آنکه امور خوارزم را اصلاح کرد محمد بن انوشتکین را حکمران این مملکت کرد و خوارزم‌شاه لقب داد و او به نشر عدل و تدبیر ملک و تقرب اهل علم پرداخت و قدر او نزد سلطان سنجر که امضای حکمرانی او نموده بود رفیع گردید و چون محمد خوارزم‌شاه درگذشت پسرش اتسز به جای او خوارزم‌شاهی یافت و بساط عدل و امن بسط کرد. جنگ کردن رضوان بابرادرش دقاق در قنسرین و منهزم شدن دقاق. خطبه خواندن رضوان در چهار جمعه به اسم المستعلی بامرالله علوی خلیفه مصر که بعد از آن از سوءعاقبت اینکار

۱. کامل: بلکباک.

۲. کامل: امیرداذ.

ترسیده خطبه علوی را قطع و باز به اسم خلیفه عباسی خطبه خواند. کشتن طایفه باطنیه اعرش نظامی^۱ را در ری و اعرش صاحب مقامی منیع بود و دختری اوقتی عم سلطان برکیارق را در حباله نکاح داشت. نیز کشتن باطنیه امیر برشن^۲ را که از ملازمان طغرل بیک و اول کسی بود که از جانب سلاجقه داروغه بغداد شد. وفات نصر قدسی از شیوخ شافعیه.

اروپا - پادشاه نرماندی مملکت خود را به ده هزار تومان نزد برادر خود پادشاه انگلیس گروگذارده تدارک سفر مشرق زمین و یجهاد می بیند، دسته اول مجاهدین که از ملت المان و فرانسه و مجار و ایتالیا بودند به ریاست گئیر ملقب به مسکین از اهل فرانسه و پیرازمیت سابق الذکر به سمت مشرق حرکت می کنند و نرسیده به مقصد در بین راه اغلب مقتول میشود بعد از آنها بلافاصله دسته دیگر از نجبا حرکت کرده از راه خشکی به طرف اسلامبول می آیند و عدد این دسته مجاهدین را صد هزار نفر سوار و ششصد هزار پیاده می نویسند اهالی ونیز دو یست کشتی مجانا به اختیار آنها وامی گذارند (چون این جنگ در تواریخ فرنگ به عنوان اجهاد و نگ مذهبی نوشته شده ما نیز عنوان آنرا تغییر ندادیم دقیقه یابان خود ملتفت مسئله هستند.)

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سنه ۴۹۱ هجری = سنه ۱۰۹۷ مسیحی]

آسیا و اروپا درهم - وحشت الکسی امپراطور اسلامبول از نزدیک شدن مجاهدین فرنگ به مملکت او. معاهده مابین مجاهدین و امپراطور که به مملکت او تعدی نکنند. عبور کردن مجاهدین فرنگ از خلیج قسطنطنیه و ورود نمودن به آری میتر (آسیای صغیر) و محاصره کردن شهر نیه را و جنگ سخت مابین مجاهدین و قلیچ ارسلان بن سلیمان و فتح فرنگیها نیه را و منهزم شدن قلیچ ارسلان. ابوالفدا گوید چون قلیچ ارسلان منهزم شد فرنگیها به بلاد لئون ارمنی راندند و به انطاکیه آمده این بلد را محاصره کردند و نه ماه این محاصره طول کشید و باغی سیان ترکمانی صاحب انطاکیه در مدافعه فرنگیها کمال شجاعت و رشادت را بظهور رسانید ولی از آنجا که فرنگیها در جنگ کوشش زیاد

۱. کامل: آرغش النظامی.

۲. کامل: برشق.

می کردند غالب آمدند و باغی میان نیم شبی بگریخت و پس از گریختن حالت تأسف او براهل و عیال او که در انطاکیه بودند و افسوس او بر مذلت و مقهور شدن مسلمین او را از کار بازداشت بعدیکه از سواری عاجز آمد و همراهان او لابد او را رها کرده رفتند و او افتاده نیم جانی داشت که شخصی ارمنی بر سر او آمده سراو را جدا کرد و نزد فرنگیها برد. خلاصه انطاکیه را فرنگیها در سال بعد بگرفتند و شمشیر در اهالی گذاشته بسیاری را بکشتند و اموال زیاد به غارت بردند.

[سن ۴۹۲ هجری = سنه ۱۰۹۸ مسیحی]

آسیا — مجاهدین فرنگ بعد از هفتماء محاصره دمشق را نیز فتح کردند و چون انطاکیه را نیز در همین سال مسخر نمودند تغلب آنها در این بلاد زیاد شد کربوغا (قربوغا) حکمران موصل چون این بشنید با عساکر خود به مرج دابق آمد و دقاق بن تنش صاحب دمشق و طغتكین اتابک و جناح الدوله صاحب حمص که شوهر مادر ملک رضوان بود و امر او سرکرده های دیگر با کربوغا در مدافعه فرنگیها اتفاق کردند و به انطاکیه رفتند و فرنگیها را محاصره کردند و کار بر آنها تنگ شد و از کربوغا درخواست کردند که دست از آنها بکشد و آنها به بلاد خود برگردند کربوغا قبول نکرد مقارن این حال کربوغا بنای بد رفتاری و تکبر را با امر او بزرگان که با او به قتال فرنگیها آمده بودند گذاشت و این اسباب وهن عساکر اسلام شده حسن موقعی به دست فرنگیها افتاد و مسلمانان را در حوالی انطاکیه در فصل تابستان شکست سختی دادند و آذوقه و اسلحه ایشانرا تصرف کرده قوتی از نو بگرفتند چون مسلمانان منهزم شدند فرنگیها به معره شتافته بر اینجا نیز استیلا یافتند و زیاده از صد هزار نفر را بکشتند و اموال زیاد به غارت بردند و پس از چهل روز اقامت در معره به حمص راندند و اهل حمص با آنها صلح نمودند (در تواریخ آسیائی ذکری از گرفتن مجاهدین دمشق را نشده اما در تواریخ فرنگ مخصوصاً متوجه شده و نگاشته اند). قوت گرفتن کار محمد بن ملک شاه که برادر پدری و مادری سلطان سنجر بود و جمع شدن عساکر دور او، و دادن محمد منصب وزارت خود را به مؤید الملک عبیدالله بن نظام الملک و راندن محمد بری و رفتن برکیارق از ری، و خطبه خواندن به اسم محمد در بغداد در روز جمعه هفدهم ذیحجه. نقل مصحف عثمان از طبری به جامع دمشق. طغیان باطنیه در اصفهان. گریختن دولت شاه والی بلخ از جنگ سلطان سنجر.

[سنه ۴۹۳ هجری = سنه ۱۰۹۹ مسیحی]

آسیا - مجاهدین فرنگ که در بدو حرکت هفتصد هزار نفر بودند و قتیکه در این سال به حوالی بیت المقدس رسیدند زیاده از بیست و پنج هزار مرد و هزار و پانصد اسب از آنها باقی نمانده بود خلاصه این عده پس از آنکه سی و نه روز شهر بیت المقدس را در بند محاصره داشتند در پانزدهم ژانویه این شهر را فتح کردند. به عقیده مورخین آسیائی فرنگیها شهر بیت المقدس را در سال قبل فتح نموده اند. ابوالفدا گوید تنش سلجوقی بیت المقدس را به امیر ارتق به اقطاع داده بود همینکه ارتق در گذشت پسران او ایلغازی و سقمان این بلد را داشتند تا خلیفه مصری در شعبان سنه چهارصد و هشتاد و نه این بلد را بطور امان گرفت و سقمان به رها و ایلغازی به عراق رفت. فرنگیها در سال چهارصد و نود و دو بیت المقدس را زیاده از چهل روز محاصره کرده انا این شهر را روز جمعه بیست و دویم یا بیست و سیم شعبان بگرفتند و یک هفته در این شهر مشغول قتل بودند چنانکه زیاده از هفتاد هزار نفر از مسلمانان را در مسجد اقصی به قتل رسانیدند و بسیاری از مقتولین از ائمه مسلمین و علما و عباد و زهاد بودند که در این بلد مجاورت داشتند و غنائم بی حساب به دست فرنگیها افتاد و فراریهای مسلمین به بغداد آمدند و استغاثه کردند اما چون میان سلاطین سلجوقی خلاف در گرفته بود کسی به این مطالب اعتنائی ننمود. بالجمله به موجب تواریخ اروپا مجاهدین فرنگ بعد از این فتح گت فرواڈبوین را پادشاه خود قرار دادند و سلطنت عیسویان در این طرف دو یست سال امتداد یافت. دو یست هزار نفر که از طرف خلفای مصر به جنگ عیسویان آمده بود در حوالی عسقلان شکست خوردند و اهالی ونیز بندر ژافا را متصرف شدند. آمدن برکیارق به بغداد و مجدداً خطبه خواندن به اسم او در این شهر و روانه شدن به جنگ برادر خود محمد و جنگ فتنین در حوالی همدان و گریختن برکیارق و فرستادن محمد به بغداد که دوباره به اسم او خطبه به خواندند. چون برکیارق منهزم شد به ری آمد و جمع خود را جمع کرده با امیر داذا^۱ امیر لشکر خراسان متفق شد و میان او و سلطان سنجر نیز جنگی واقع شده باز برکیارق هزیمت یافته به جرجان رفت و از جرجان به دامغان آمد. وفات ابوعلی یحیی بن عیسی بن جذلة^۲ الطیب صاحب کتاب منهاج که جامع ادویه و اغذیه مفرده و مرکبه است و

۱. کامل: امیر داذ.

۲. کامل: جذلة.

ابوعلی اصلاً نصرانی بود و اسلام اختیار کرد، کتاب تقویم الابدان نیز از مصنفات او است. ابتدای ملوک خلاط به استیلای سقمان (سمکان) قطبی برخلاط، سقمان مملوک ملک اسمعیل سلجوقی صاحب مرند آذربایجان بود و اسمعیل قطب الدین لقب داشت و سقمان را به جهة نسبت به او قطبی می گفتند و اصل او ترک و صاحب کفایت و شهامت بود و خلاط را بنی مروان ملوک دیاربکر در تصرف داشتند و ظلم زیاد می کردند چون عدل و کفایت سقمان مشهور شد و اهل خلاط از ظلم بنی مروان به ستوه آمده بودند عریضه به سقمان نوشته قدوم او را استدعا نمودند او در این سال به خلاط آمد و بنی مروان بگرفتند و سقمان در خلاط حکمرانی می کرد تا در سال پانصد و شش درگذشت و پسرش ظهیرالدین ابراهیم بن سقمان به جای او برقرار آمد.

[سنه ۴۹۴ هجری = سنه ۱۱۰۰ مسیحی]

آسیا - پیش هزیمت برکیارق از جنگ محمد برادرش و شکست خوردن او را در خراسان از عساکر برادر دیگرش سنجر ذکر نمودیم. پس از انهزام برکیارق به خوزستان رفت و جمعی دور او جمع شدند، آنگاه به عسکر مکرم آمد و در اینجا جمعیت او زیاد شده به همدان راند و محمد برادرش به قتال او شتافته در ماه جمادی الاخره او را شکست داد، و مؤید الملک بن نظام الملک وزیر او را بگرفت و چون مؤید الملک مادر برکیارق را کشته بود برکیارق او را بدست خود بقتل رسانید بعد از آن برکیارق به ری آمد و محمد به خراسان گریخت و با سلطان سنجر عهد بسته براتفاق سوگند خوردند و با جمعیتی برای جنگ برکیارق روی به ری نهادند، برکیارق که این بشنید به بغداد رفت و چون تنگدست شده بود پنجاه هزار دینار از خلیفه بگرفت و دست درازی به اموال رعیت نمود و در این بین مریض شد. اما محمد و سلطان سنجر بر بلاد برکیارق استیلا یافته راندند تا به بغداد رسیدند و چون مرض برکیارق شدت کرده بود او را به جانب غربی بغداد بردند در اینجا بهبودی یافته روانه واسط شد و خلیفه المستظهر از سوسیرت برکیارق به محمد و سلطان سنجر شکایت کرد و در بغداد به اسم محمد خطبه خواندند. تملک ابوعلی بن محمد بن عمار صاحب طرابلس شهر جبله را. شوکت و استیلای باطنیه یعنی اسمعیلیه در الموت و بسیاری از مواضع دیگر و خوف و هراس مردم از آنها. غلبه مجاهدین فرنگ بر شهر سروج از دیار جزیره و تملک آنها از سوف را به ساحل عکا و قیساریه، فوت گت

فُرُواذْبُونِ که در بیت المقدس بر مجاهدین پادشاه شده بود در سنّ چهل سالگی و نصب برادرش بُودُونْ به جای او.

اروپا - (انگلیس) فوت گیلیوم دویم پادشاه و چون برادرش رُیز در انگلیس نبود و بامجاهدین به بیت المقدس رفته هانری پسر سیم گیلیوم فاتح که برادر دیگر او بود به هانری اول معروف شده در انگلیس سلطنت می نماید. (ایتالیا) در مدرسه سالرن کتاب طب منظوماً به زبان لاتین مدون شد ولی آنچه از این کتاب مانده است زیاده از چهارصد بیت نیست.

[سنه ۴۹۵ هجری = سنه ۱۱۰۱ مسیحی]

آسیا - آمدن محمد و برکیارق به رودراور برای جنگ که کار به صلح انجامید و مقرر شد که برکیارق پادشاه باشد و محمد در بلاد آذربایجان و دیاربکر و جزیره و موصل مستقلاً حکمرانی کند و لشکر متفرق شدند اما بعد نقض عهد نموده در ماه جمادی الاولی در ری به مقاتله پرداختند و این جنگ چهارم آنها باهم بود، خلاصه لشکر محمد منهزم شد و محمد باقلیلی به اصفهان آمد و برکیارق او را در این شهر محاصره کرد و کار براوتنگ شد و محمد در خفا از اصفهان گریخت و برکیارق نیز در هیجدهم ذیحجه از اصفهان به همدان رفت. مردن کر بوغا در خوی، و استیلای شمس الدوله جکرمش حکمران جزیره ابن عمر که از اتراک بود بر موصل. تملک مجاهدین فرنگ انطرسوس و اعمال حمص را. کشتن بنی نمیر در حوالی هیت مؤید بن مسلم بن قریش امیر بنی عقیل را. وفات امیر منظور بن عمارة الحسینی امیر مدینه طیبه که پسرش به جای او برقرار شد و امیر منظور از اولاد مهنا بود. بنای قصبه حله در کنار شط فرات به مباشرت ابوکلیل منصوری^۲. زلزله در کردکوه.

افریقا - وفات المستعلی بامر الله ابوالقاسم احمد بن المستنصر العلوی خلیفه مصر در هفدهم صفر، تولد المستعلی در بیستم شعبان سنه چهارصد و شصت و هفت بود، مدت

۱. کامل: منظور.

۲. عبارت کامل این است: «وفیها بنی سیف الدولة صدقه بن مزید، الحجة بالجامعین» (رجوع شود به ذیل وقایع سال ۵۰۱).

خلافتش هفت سال و دو ماه تقریباً، خلافت پسرش ابوعلی منصور ملقب به آمر باحکام الله که در این وقت پنج سال و یکماه داشت و افضل بن بدرجمالی از جانب او به تدابیر امور مملکت پرداخت.

[سنه ۴۹۶ هجری = سنه ۱۱۰۲ مسیحی]

آسیا - جنگ پنجم برکیارق و محمد پسران ملکشاه و انهزام محمد و این جنگ در پیرون شهر خوی بود و برکیارق پس از جنگ به کوهی که میانه تبریز و مراغه و پرگیاه است رفت و پس از چندی اقامت در اینجا به زنجان آمد و محمد به ارجیش از اعمال خلاط و از آنجا به خلاط راند. رفتن دقاق بن تنش بن الب ارسلان صاحب دمشق به رجه و استیلای او بر این ناحیه که پس از نظم امور عود به دمشق کرد و این واقعه به عقیده مورخین آسیاست. اما به اعتقاد مورخین اروپا چنانکه پیش ذکر شد دمشق را مجاهدین فرنگ بگرفتند، مگر بگوئیم این شهر را دقاق از مجاهدین دوباره پس بگرفت.

[سنه ۴۹۷ هجری = سنه ۱۱۰۳ مسیحی]

آسیا - استیلای بلک بن بهرام بن ارق بن اکسک پسر برادر سقمان و ایلغازی بر شهر عانه و بر شهر حدیثه و انتزاع این دو بلد از بنی بعیس بن عیسی. غارت کردن مجاهدین فرنگ قلعه جعفرورقه را که در تملک سالم بن مالک بن بدران بن المقلد عقیلی بود. مصالحه برکیارق و محمد که برکیارق در این وقت در ری بود و در این ولایت و جبل و طبرستان و فارس و دیاربکر و جزیره و حرمین خطبه به اسم او می خواندند و محمد در آذربایجان بود، و در این مملکت و بلاد سنجر خطبه به اسم او خوانده می شد. خطبه خواندن در بغداد به اسم برکیارق. تملک بودون پادشاه بیت المقدس جبیل و عکار او اینواقعه را تواریخ فرنگ به سال بعد نسبت می دهند. وفات دقاق بن تنش صاحب دمشق که بعد از او طغتکین پسرش را که طفل بود به جای او برقرار کردند. استیلای صدقه بن مزید صاحب حله برواسط. وفات امین الدوله ابوسعید حسن بن موصلایا، از بلغا و فصحا که شصت و پنجسال در خدمت خلفای عباسی بود، امین الدوله دین عیسوی داشت در سنه چهارصد و هشتاد و چهار مسلمان شد و پیوسته در ترقی بود تا از وزارت توبه کرد، سیرت نیکو و کثرت صدقات او معروفست.

اروپا - یوسف بن تاشفین به اسپانیول آمده پسر خود علی بن یوسف را به سلطنت بعضی از بلاد اسپانیول برقرار می نماید. (دانمارک) ایریگ سیم پادشاه که جزو مجاهدین به سمت بیت المقدس می آمد در جزیره قبرس درگذشت. این واقعه را نیز مورخین فرنگ به سال بعد نسبت می دهند.

[سنه ۴۹۸ هجری = سنه ۱۱۰۴ مسیحی]

آسیا - وفات برکیارق بن ملکشاه در ربیع الاخر در بروجرد که نمش او را به اصفهان حمل نموده دفن کردند. عمر برکیارق بیست و پنج سال و مدت سلطنتش دوازده سال و چهارماه، ولی اغلب به زد و خورد و دواهی عظیمه مبتلا بود بعد از او به موجب وصیت او ایاز که برکیارق او را اتابک ملکشاه پسر خود کرده بود باعسا کر ملکشاه را به بغداد برده در آنجا به اسم او خطبه خواندند. آمدن محمد برادر برکیارق به بغداد و وقوع صلح مابین او و ایاز اتابک ملکشاه، و اکرام محمد نسبت به ملکشاه و ایاز و استقرار امر سلطنت محمد در عشر آخر جمادی الاولى و کشتن او ایاز را در سیزدهم جمادی الاخره. وفات سقمان بن ارتق بن اکسک در ماه صفر و سقمان حصن کیفا و ماردین را مالک بود و پس از او برادرش ایلغازی ماردین را تملک نمود و حصن کیفا به پسرش ابراهیم بن سقمان رسید و او اینمحل را مالک بود تا درگذشت و ملک او به برادرش داود بن سقمان منتقل شد، پس از داود قراارسلان بن داود این ملک را مالک آمد. کشتن باطنیه وقت سحر در حوالی ری حجاج هند و ماوراءالنهر و خراسان و غیرها را که پس از قتل اموال و دواب آنها را به غارت بردند. وفات محمد بن علی بن حسن معروف به ابن ابی الصقر فقیه شافعی که قوه شعر او غلبه داشت.

[سنه ۴۹۹ هجری = سنه ۱۱۰۵ مسیحی]

آسیا - تملک سیف الدولة صدقه بن مزید صاحب حله بصره را که بعدها در همین سال تکریت را هم مسخر نمود. ظهور دولت بنی طفتکین در شام. گرفتن مجاهدین فرنگ فامیه^۱ را (شهریست در شام)، جنگ مجاهدین مذکور با اهل طرابلس که پنجسال

طول کشید و ثبات ابوعلی بن عمار صاحب طرابلس و ابتلای اهل طرابلس به غلا و سختی.

اروپا — (دانمارک) سلطنت این مملکت به نیکلانامی رسید.

[سنه ۵۰۰ هجری = سنه ۱۱۰۶ مسیحی]

آسیا — کشته شدن فخرالملک ابوالمظفر علی بن نظام الملک در روز عاشورا در نیشابور به دست باطنیه و فخرالملک پسر بزرگ نظام الملک بود و وزارت برکیارق و سنجر را نموده و سلطان سنجر قاتل او را بکشت. دادن سلطان محمد، موصل و جاهائیرا که به دست جکرمش بود به اقطاع جاولی که او به این ولایت آمد و با جکرمش جنگ کرد و جکرمش در این وقت به مرض فالج مبتلا بود و به دست عساکر جاولی اسیر شد و مع ذلک اهل موصل شهر را تسلیم نمی کردند و جکرمش در این حال بمرد و اهل موصل قدوم قلیچ ارسلان بن سلیمان را مستدعی شدند و او آمده این بلد را متصرف شد و ملک شاه پسر خود را حاکم موصل قرار داد و به جنگ جاولی پرداخت و در این جنگ مقهور و نابود شد و ملک شاه پسر او نزد سلطان محمد رفت و موصل جاولی را شد. غلبه عساکر سلطان محمد بر شاه دز که قلعه ای بود در حوالی اصفهان و به تصرف باطنیه و بزرگ باطنیه احمد بن عبدالملک بن عقیاش بود که باجمع کشیری کشته شد و شاه ذر را عساکر سلطان محمد خراب کردند. وفات امیر شرخاب^۱ بن بدر بن مهلهل معروف بابن ابی الشوک کردی صاحب اموال کثیره و اسبهای زیاد که به حساب در نمی آمد و برادرش منصور بن بدر به جای او برقرار آمد و امارت در خانواده او صد و سه سال بماند. انقراض دولت اکراد و آل اخشید در دینور و شهرزور.

اروپا — (آلمان) به واسطه طلوع ستاره دنباله داری پادشاه یقین به مرگ خود کرده و در ظرف همین سال می میرد.

افریقا — وفات یوسف المرابط ابن تاشفین ملقب به امیرالمسلمین در مارک در سن صد

۱. کامل: ابوالقوارس شرخاب بن بدر بن مهلهل.

سالگی. برقرار شدن پسرش علی بن یوسف بن تاشفین به جای او که علی نیز ملقب به امیرالمسلمین شد.

[سنه ۵۰۱ هجری = سنه ۱۱۰۷ مسیحی]

آسیا - کشته شدن سیف الدوله صدقه بن منصور بن دبیس بن مزید در جنگ با عساکر سلطان محمد. عمر صدقه پنجاه و نه سال و امارتش بیست و یکسال و به عقیده ابن اثیر اوست که حله را در عراق بنا کرد. اما ابوالفدا از این فقره استعجاب کرده گوید حله قبل از صدقه بوده است ممکن است صدقه به واسطه ابنیه عمده حله را صورت قصبه داده باشد. بهرحال صدقه متشیع و صاحب جاه و شأن عظیم، و سبب جنگ او با سلطان محمد اینکه سلطان محمد بر ابودلف شریک بن کیخسرو صاحب ساوه غضب کرد ابودلف پناه به صدقه برد سلطان محمد او را از صدقه خواست صدقه از تسلیم کردن او امتناع نمود لهذا جنگ در گرفت و صدقه کشته شد و پسرش دبیس و ابودلف مذکور اسیر شدند.

افریقا - وفات تمیم بن المعز بن بادیس حکمران افریقیه (قیروان) در هفتاد و نه سالگی که چهل و شش سال و ده ماه و بیست روز امارت کرده بود و تمیم مرد باذکاوت شاعر حلیمی بود و چون بمرد صد پسر و شصت دختر داشت. برقرار شدن پسرش یحیی بن تمیم به جای او و یحیی در این وقت چهل و سه سال و ششماه داشت.

[سنه ۵۰۲ هجری = سنه ۱۱۰۸ مسیحی]

آسیا - فرستادن سلطان محمد لشکری به سرکردگی مودود بن الطنتکین^۱ به موصل برای انتزاع نمودن این شهر را از جاولی و فرار کردن جاولی به رجه و مسلم شدن موصل مود و درآ، و آمدن جاولی در حوالی اصفهان به خدمت سلطان و طلب عفو کردن و معفو شدن، دادن سلطان محمد شهنشاهی بغداد را به مجاهد الدین بهروز، و امر کردن او را که سرای سلطنتی در بغداد بنانماید و حسن سلوک بهروز در بغداد و چون سلطان محمد به بغداد رفت بهروز را شهنشاهی تمام عراق نمود. کشته شدن جماعتی از باطنیه در شیراز و وفات

۱. کامل: مودود بن التونتکین.

۲. کامل: شیراز.

خطیب ابوزکریا یحیی بن علی التبریزی از ائمه لغت صاحب تصانیف کثیره.

[سنه ۵۰۳ هجری = سنه ۱۱۰۹ مسیحی]

آسیا - فتح طرابلس شرق به دست عیسویان مجاهد بعد از طول محاصره و این طرابلس در این وقت در تصرف نواب خلیفه علوی مصری بود.

[سنه ۵۰۴ هجری = سنه ۱۱۱۰ مسیحی]

آسیا - تملک مجاهدین صیدا را بطور امان و رفتن صاحب انطاکیه باجماعتی از مجاهدین به اثارب که در نزدیکی حلب است، و محاصره کردن این محل را و امتداد قتال و غلبه مجاهدین که از اینجا به ازدنا^۱ رفته این محل را نیز به غلبه گرفتند، مصالحه کردن ملک رضوان با مجاهدین فرنگ به دادن اموال کثیره. رعب اهل شام از مجاهدین مذکوره و مصالحه حکمرانان این مملکت با آنها که از جمله صاحب شهر صور و صاحب شیرز و صاحب حماه بودند که هریک مبلغی مال المصالحه به مجاهدین دادند. وفات کیا الهراس الطبری که اسم او ابوالحسن علی بن محمد بن علی و از علما و فصحا و مدرّس مدرسه نظامیه بغداد بود (کیادر فارسی شخص بزرگ جلیل القدر را می گویند) رفتن پادشاه مجاهدین فرنگ به مملکت مصر و رسیدن به فرما و آتش زدن این شهر و سوزانیدن مسجد جامع این بلد را و قصد کردن او مراجعت به شام را که در بین راه درگذشت. مورّخین آسیا اسم این پادشاه را بردو^۲یل نوشته ولی در تواریخ فرنگ چنانکه ذکر نمودیم بُودُوَن ضبط است. برخی این واقعه را به سال پانصد و یازده نسبت داده اند.

[سنه ۵۰۵ هجری = سنه ۱۱۱۱ مسیحی]

آسیا - فرستادن سلطان محمد لشکری به سرکردگی مودود صاحب موصل به جنگ مجاهدین که پیشرفتی برای عساکر سلطان محمد نشد. وفات ابوحامد محمد بن محمد بن محمد الغزالی ملقب به حجة الاسلام زین الدین طوسی صاحب کتب مشهوره.

[سنه ۵۰۶ هجرى = سنه ۱۱۱۲ مسیحی]

آسیا - وفات بسیل ارمنى صاحب بلاد ارمن^۱ که پس از فوت او حکمران انطاکیه که از مجاهدین فرنگ بود قصد این بلاد که در این وقت به سپس معروف بود نمود ولی در راه درگذشت و سیرجال ارمن را تملک نمود. وفات سکمان (سقمان) صاحب خلاط و برقرار شدن ظهیرالدین ابراهیم به جای او که حکمرانی خلاط را داشت تا در سال پانصد و بیست و یک وفات نمود و برادرش احمد بن سکمان به جای او حکمرانی خلاط یافت و پس از ده ماه او نیز درگذشت و مادر احمد و ابراهیم اینانچ خواتون دختر ارکمان به حکمرانی خلاط پرداخت و سکمان بن ابراهیم بن سکمان با او بود ولی او چون قصد اعدام پسرزاده خود را کرد که مستقلاً حکمرانی کند ارکان دولت او را خفه کردند و پسرزاده او شاهر بن سکمان بن ابراهیم را به جای او برقرار کردند و این در سال پانصد و بیست و هشت بود.



[سنه ۵۰۷ هجرى = سنه ۱۱۱۳ مسیحی]

آسیا - جنگ مسلمین با مجاهدین فرنگ در طبریه و فرار مجاهدین، و کشته شدن مودود صاحب موصل بعد از این جنگ در جامع دمشق بدست یکنفر از باطنیه. وفات ملک رضوان بن تنش بن الب ارسلان حکمران حلب که پسرش الب ارسلان اخرس به جای او برقرار شد و الب ارسلان بواسطه لکنتی که داشت به اخرس معروف شد و مادرش دختر باغی سیان صاحب انطاکیه بود و در عهد الب ارسلان لؤلؤ خادم مباشرت امور را داشت. وفات اسمعیل بن احمد الحسین البیهقی در بیهق، وفات محمد بن احمد بن احمد بن محمد ابیوردی ادیب شاعر، و محمد از بنی امیه و صاحب اشعار رایق است. وفات محمد بن احمد بن الحسن^۲ بن عمر شاشی مکتبی به ابوبکر فقیه شافعی مصنف کتاب مستظهري. وفات محمد بن طاهر مقدسی از حفاظ.

اروپا - (روس) فوت اسویاتو پولک دویم در شهر کیف و سلطنت پسر ارشدش اوزولد در سلطنت اسویاتو پولک طایفه یهود به واسطه تجارت راهی در این مملکت پیدا کردند.

۱. بسیل الأرمنى صاحب الدروب بلاد ابن لاون.

۲. احمد بن الحسين.

[سنه ۵۰۸ هجری = سنه ۱۱۱۴ مسیحی]

آسیا - دادن سلطان ولایت موصل را به آقسنقر بُرسقی، و امر کردن به امر او حکام اطراف که بهمراهی بُرسقی به جنگ مجاهدین فرنگ روند. جنگ بُرسقی و ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین و فرار بُرسقی که بعد ایلغازی از سلطان خائف شده نزد طغتكین مالک دمشق رفت، و این دو به مجاهدین مذکور نامه نوشته معاونت از آنها خواستند، پس از آن ایلغازی از دمشق به بلاد خود مراجعت کرد و چون جمعیتی همراه خود نداشت در حوالی حمص قیرخان بن قراجا صاحب حمص او را بگرفت و مدتی در بند او بماند تا عهد دوستی کردند و رها شد. وفات علاء الدوله ابوسعید مسعود بن ابراهیم بن مسعود بن محمود غزنوی حکمران غزنین که پس از او پسرش ارسلان شاه بن مسعود به جای او برقرار شد، و برادران خود را بگرفت و بهرامشاه از برادران او بگریخت و به سلطان سنجر حکمران خراسان پناه بُرد، سنجر از او شفاعت نمود ارسلان شاه قبول نکرد لهذا سلطان سنجر با عساکر و فیلهای خود رو به غزنین نهاد و ارسلان شاه را منهزم کرد و بر غزنین استیلا یافت و اموال زیاد بدست آورد و سلطنت را بر بهرامشاه مقرر نمود و بازگشت، ارسلان شاه که به هند فرار کرده بود با جمعیتی به جنگ بهرامشاه آمد، بهرامشاه باز با معاونت سپاه سنجر براو غالب آمده او را بگرفتند و بکشتند و این در سال پانصد و دوازده بود. کشته شدن تاج الدوله الب ارسلان انخرس صاحب حلب به دست غلامان خود و برقرار شدن برادرش سلطان شاه بن رضوان به جای او و امور باز به دست لؤلؤ خادم بود. زلزله در عراق عرب و شام.

[سنه ۵۰۹ هجری = سنه ۱۱۱۵ مسیحی]

آسیا - فرستادن سلطان محمد لشکر جزاری به جنگ طغتكین صاحب دمشق و ایلغازی صاحب ماردین، و گرفتن این لشکر حماة را که از طغتكین بود به غلبه و تسلیم کردن آن را به امیر قیرخان بن قراجا صاحب حمص و اقامت عساکر از مزبوره در حماة و اجتماع ایلغازی و طغتكین و مجاهدین فرنگ که انطاکیه و طرابلس و غیرهما آنها را بُود در فامیه، اما چون زمستان در رسید مجاهدین متفرق شدند و طغتكین و ایلغازی به بلاد خود رفتند بعد از آن قشون اسلام به کفرطاب که در تصرف مجاهدین بود رفتند و در این بلد استیلا یافتند بعد به معره که آن نیز مجاهدین را بود شتافته و از

آنجا عزیمت حلب نمودند، صاحب انطاکیه در راه آنها را منهزم نمود، آمدن سلطان محمد به بغداد و آمدن طفتکین صاحب دمشق به خدمت او و استرضای نمودن و راضی شدن سلطان از او، و برگردانیدن او را به دمشق، گرفتن سلطان محمد موصل و مضافات را از آقسنقر بُرسقی و دادن به اقطاع امیر جیوش بیک و باقی ماندن بُرسقی در رَحْبَه که اقطاع او بود. وفات ابوشجاع دیلمی از حفاظ.

[سنه ۵۱۰ هجری = سنه ۱۱۱۶ مسیحی]

آسیا - وفات جاولی سقاوه^۱ در فارس که بعد از عزل از موصل سلطان محمد او را والی فارس کرده بود. وفات ابومحمد حسن بن مسعود بن محمد معروف به فرّالبغوی صاحب تصانیف جلیله (بغوی منسوب است به بلده خراسان که آنرا بغ و بغشور نیز می گویند) بمضی وفات ابومحمد را در سال پانصد و شانزده نوشته اند. شوکت محمود شبانکاری بعد از فوت جاولی. وفات ابوبکر سمعانی از حفاظ.

افریقا - وفات یحیی بن تمیم بن المعز بن بادیس حکمران افریقیه روز عید اضحی و برقرار شدن پسرش یحیی به جای او.

[سنه ۵۱۱ هجری = سنه ۱۱۱۷ مسیحی]

آسیا - وفات سلطنت محمد بن ملکشاه در بیست و چهارم ذیحجه که سی و شش سال و چهار ماه و شش روز عمر کرده بود. جلوس پسرش محمود بر تخت سلطنت در بیست و هشتم ذیحجه. کشته شدن لؤلؤ خادم که برحلب استیلا یافته بود و بعد از او پس از اختلافات حلب تسلیم ایغازی بن ارتق صاحب ماردین شد و او پسرش حسام الدین تمرتاش را در این ولایت به حکومت برقرار کرد. غرق شهر سنجار و هلاک خلقی کثیر و خراب شدن خانه ها، از عجایب که حکایت کرده اند سیل گهواره را که طفلی در او بود می برد گهواره به درخت زیتونی متعلق شده و بعد از آنکه آب کم شد طفل زنده و سلامت بود. حمله کردن مجاهدین فرنگ بر محله بیرون شهر حماه که زیاده

از صدهزار نفر را بکشتند و به محل خود بازگشتند. وفات یحیی بن مهدی اصفهانی مورخ. زلزله در عراق عرب و عراق عجم.

[سنه ۵۱۲ هجری = سنه ۱۱۱۸]

آسیا — عزل کردن سلطان محمود سلجوقی مجاهد. الدین بهروز را از شحنگی بغداد و برقرار کردن آقستقر بُرسقی را به جای او و رفتن بهروز به تکریت که اقطاع او بود و مدبر امور دولت سلطان محمود وزیرالربیب ابومنصور بود. رها کردن سلطان محمود دبیس بن صدقه را که از زمان قتل پدرش در حبس سلطان محمد بود و چون رها شد به حله رفت و اعراب و اکراد دور او جمع شدند. وفات المستظهر بالله احمد بن المقتدی بامرالله که عمرش چهل و یکسال و ششماه و چند روز و مدت خلافتش بیست و چهار سال و سه ماه و یازده روز بود. خلافت پسرش المسترشد بالله ابومنصور فضل بن احمد بیست و نهمین خلیفه عباسی که قاضی ابوالحسن دامغانی از مردم برای او بیعت گرفت. وفات ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب بن منده اصفهانی محدث مشهور که در حدیث صاحب تصانیف حسنه می باشد. وفات ابوالفضل احمد بن محمد بن خازن که ادیب و صاحب اشعار نیکو بود.

اروپا — (رُم) فوت پاسکال دویم پاپ.

[سنه ۵۱۳ هجری = سنه ۱۱۱۹ مسیحی]

آسیا — جنگ سلطان سنجر با پسر برادرش سلطان محمود در خاک ری در نزدیکی ساوه و انهزام محمود و فرود آمدن سلطان سنجر در خیام او. وقوع صلح بینهما به این که اسم سلطان سنجر در خطبه مقدم بر اسم سلطان محمود باشد. استیلای سنجر برری که اینولایت را نیز بر تصرفات خود افزود. آمدن سلطان محمود در ری نزد سلطان سنجر و اکرام نمودن سنجر نسبت به او، جنگ مابین ایلغازی بن ارتق و مجاهدین فرنگ در خاک حلب و انهزام مجاهدین و کشته شدن سرجال صاحب انطاکیه و بعد از این جنگ ایلغازی اُتارب و زُرْدَنّا را از چنگ مجاهدین متنزع نمود. دادن سلطان سنجر مجدداً شحنگی عراق را به بهروز، پیدا شدن قبر حضرت ابراهیم خلیل و قبور دو پسرش

اسحق و یعقوب علیهم السلام در نزدیکی بیت المقدس و جمعی اجساد آنها را که نپوسیده بود دیدند و در مغاره ای که این اجساد پیدا شد قندیلهای طلا و نقره بود.

[سنه ۵۱۴ هجری = سنه ۱۱۲۰ مسیحی]

آسیا - جنگ مابین مسعود بن سلطان محمد که موصل و آذربایجان او را بود با سلطان محمود برادرش، و هزیمت مسعود و پنهان شدن او در جبال، و فرستادن نزد محمود و امان خواستن، و امان یافتن و رفتن نزد محمود، و اکرام زیاد محمود نسبت به او، و چون دُبَیْس بن صدقه مایه فتنه شده محمود به جانب او راند همینکه عساکر محمود به حله نزدیک شد دبیس پناه به ایلغازی برد و اخرامر براین قرار گرفت که دبیس برادرش منصور را بطور گروئی در ملازمت محمود بگذارد. خروج گرجیها و گرفتن تفلیس را به غلبه و کشتن بسیاری از مسلمانان را و نهب کردن اموال آنها را. وفات ابوسعید عبدالرحیم بن عبدالکریم بن هوازن القشیری که عزای او را در بلاد بعیده گرفتند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

افریقا - ابتدای امر محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسینی از قبیله مصامده از اهل جبل التوس از بلاد مغرب که پس از تحصیل علم در مشرق به مغرب برگشت و بنای امر بمعروف و نهی از منکر را گذاشت و در نزدیکی بجایه عبدالؤمن بن علی النکومی به او پیوست و ابن تومرت ملقب به مهدی شد و کار او بالا گرفت و چنین وانمود که او مهدی صاحب الامر است و در سنه پانصد و بیست و چهار با علی بن یوسف بن تاشفین به قتال پرداخت و عساکر او منهزم شد و او چون بیمار شده بود بمرد، و بموجب وصیت او عبدالؤمن که او را امیر المؤمنین لقب داده بود براتباع او رئیس شد و عبدالؤمن در مغرب فتوحات نمود و دولت مرابطین را منقرض کرد، و چون مراکش مفتوح او شد در این شهر اقامت نمود و قصور سلطنتی مزین بساخت و مراکش دارالملک او شد. پس انقراض دولت مرابطین در سنه پانصد و چهل و دو است، و چهار نفر از مرابطین حکمرانی کرده. یوسف بن تاشفین، و پسرش علی بن یوسف، و تاشفین بن علی، و اسحق بن علی، مدت ملک مرابطین هشتاد سال بوده است.

[سنه ۵۱۵ هجری = سنه ۱۱۲۱ مسیحی]

آسیا - دادن سلطان محمود موصل و اعمال انرا مثل جزیره و سینجار به اقطاع امیر آقسنقر بُرسقی. دادن سلطان محمود میافارقین را به اقطاع امیر ایلغازی. متزلزل شدن رکن یمانی از بیت الله الحرام شرفه الله تعالی از زلزله که بعضی از آن خراب شد. وفات ابومحمد القاسم مصطف مقامات حریری که تقریباً در چهارصد و چهل و شش متولد شده بود و از ائمه نحو و لغت و صاحب مصتفات جلیله بود و مقامات را به امر انوشیروان بن خالد بن محمد وزیر سلطان محمود سلجوقی انشا کرده حریری بصری المولد و منسوب به ربیعة الفرس می باشد. کشته شدن مؤیدالدین حسین بن علی بن محمد الطغرائی منشی دثلی از اولاد ابوالاسود دثلی از اهل اصفهان که عالم و فاضل و شاعر و منشی بود و در خدمت ملکشاه بن الب ارسلان در دیوان طغرا ریاست داشت، سلطان مسعود او را منصب وزارت داد و چون جنگ در میان سلطان مسعود و برادرش محمود در گرفت مسعود منهزم و طغرائی اسیر و مقتول شد و این به عقیده قاضی شهاب الدین است، اما شیخ عزالدین علی بن اثیر گوید طغرائی را سلطان محمود در سنه پانصد و چهارده به تهمت فساد عقیده بکشت، طغرائی زیاده از شصت سال داشت و مصتفات در علم کیمیا دارد و قصیده لامیة العجم معروف از اوست. یانقین در بغداد. زلزله در حجاز.

افریقا - وفات امیر علی بن یحیی بن تمیم حکمران افریقیة که پنجسال و چهارماه امارت کرده بود. برقرار شدن پسرش حسن بن علی به جای او، و حسن چون دوازده ساله بود صندل خواجه به تدبیر ملکی مشغول شد. وفات علی بن جعفر بن علی محمد معروف به ابن قطاع نحوی عروضی از ائمه لغت و علم ادب در مصر و علی بن جعفر را تصنیفات جلیله است. کشته شدن امیر الجیوش افغن بن بدر جمالی به دست اجامرة مصر که اموال بی حساب و نفایس بیشمار از مایملک او به خلیفه آمر باحکام الله علوی رسید.

[سنه ۵۱۶ هجری = سنه ۱۱۲۲ مسیحی]

آسیا - کشتن سلطان محمود جیوش بیک^۱ را و جیوش بیک کسی بود که با سلطان

۱. کامل: جیوش بک.

مسعود در جنگ و قتال سلطان محمود همراهی داشت. وفات ایلغازی بن اُرتق به میافارقین که بعد از او پسرش تمرش قلعہ ماردین را مالک شد و پسر دیگرش سلیمان میافارقین را تملک نمود، و پسر برادرش سلیمان بن عبدالجبار حکومت حلب را داشت و در این حکمرانی بماند تا پسر عم او بهرام بن اُرتق این ولایت را از او بگرفت. اضافه کردن سلطان محمود شهر واسط را بر ولایات آقسنقر بُرسقی و عامل قرار دادن بُرسقی عمادالدین زنگی بن آقسنقر را برواسط. وفات عبدالقادر بن محمد بن عبدالقادر بن محمد از ثقات و حافظ حدیث.

[سنه ۵۱۷ هجری = سنه ۱۱۲۳ مسیحی]

آسیا — جنگ سخت خلیفه المسترشد بادُیّس بن صدقه که خلیفه خود در این جنگ حاضر بود و دبیس منہزم شدہ پس از آن با عرب منتفق متفق گردیده بصرہ را غارت نمود و بہ شام رفت و مجاہدین فرنگ را بہ گرفتن محرک شد. تسلیم کردن سلیمان بن عبدالجبار بن اُرتق قلعہ اُثارب را بہ مجاہدین فرنگ، رفتن بلک بن بہرام بن اُرتق بہ حرّان کہ آنرا تملک نمود و چون از عجز پسر عم خود سلیمان باخبر شد بہ حلب راندہ این ولایت را نیز بگرفت. گرفتن مجاہدین فرنگ خرت و برت^۲ را از بلک و استرداد بلک آن را. وفات قاسم بن ہاشم علوی الحسنی امیر مکہ و برقرار شدن پسرش اُبوقلیثہ بہ جای او. رفتن امیر محمود بن قراجا صاحب حماة بتاخت محلّہ بیرون شهر فامیہ^۳ و خوردن تیری بہ دست او کہ بعدہا آن زخم او را بکشت و اہل حماة از ظلم او آسودہ شدند و حماة را طفتکین صاحب دمشق تملک نمود. وفات احمد بن محمد بن علی معروف بہ ابن خیاط شاعر دمشقی صاحب اشعار فایقہ (بیت المقدس) جنگ سخت کشتیہای ونیز با اعراب در بندر ژافا.

۱. در متن: بملک بن بہرام.

۲. کامل: خَرْتَبَرْت.

۳. کامل: افامیہ.

[سنه ۵۱۸ هجری = سنه ۱۱۲۴ مسیحی]

آسیا - کشته شدن بهرام بن ارتق^۱ صاحب حلب در محاصره قلعه منبج و تملک تمرناش بن ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین حلب را. تملک مجاهدین فرنگ شهر صور را که از خلفای ملوئین بود بعد از طول محاصره. اتفاق مجاهدین مذکور بادبیس بن صدقه و محاصره نمودن حلب را و ساختن خانه ها در بیرون شهر و استدعای اهل حلب قدوم آقسنقر برسقی صاحب موصل را که او آمد و اینولایت تسلیم او شد و مجاهدین برفتند. وفات حسن بن صباح رئیس اسمعیلیه صاحب الموت. گرفتن کشتیهای ونیزی شهر تیر را از مسلمانان دمشق. تیر همان نقطه ایست که از میردران واقع شده) وفات ابوالفضل احمد المیدانی صاحب مجمع الامثال.

[سنه ۵۱۹ هجری = سنه ۱۱۲۵ مسیحی]

آسیا - رفتن برسقی به کفرطاب و انتزاع کردن آن را از مجاهدین فرنگ و رفتن به عزاز و اجتماع مجاهدین مذکور و شکست دادن برسقی را و کشته شدن خلق کثیری از مسلمین. وفات سالم بن مالک بن بدزان بن مقلد بن مسیب صاحب قلعه جعبر و برقرار شدن پسرش مالک بن سالم به جای او.

[سنه ۵۲۰ هجری = سنه ۱۱۲۶ مسیحی]

آسیا - کشتن چند نفر از باطنیه در جامع موصل قسیم الدوله آقسنقر برسقی حکمران موصل را. قسیم الدوله آقسنقر مملوکی بود ترکی شجاع و متدین و نیکوسیرت و پسرش عزالدین مسعود در این وقت در حلب بود چون خبر کشته شدن پدرش را شنید به موصل آمده به جای او برقرار شد. جنگ طغتكین صاحب شام و مجاهدین فرنگ که عاقبت مجاهدین منهزم شدند. تملک مجاهدین رقیه را. وفات ابوالفتح احمد بن محمد بن محمد الغزالی واعظ برادر ابوحامد غزالی که معروف به کرامات است و کتاب احیاء العلوم برادرش را در یک جلد ملخص نموده آنرا لباب الاحیاء نامید.

[سنه ۵۲۱ هجری = سنه ۱۱۲۷ مسیحی]

آسیا - دادن سلطان محمود شحنکی عراق را به عمادالدین زنگی بن آقسنقر به علاوه ولایت واسط که داشت. رفتن سلطان محمود از بغداد. رفتن مسعود بن آقسنقر برسقی صاحب موصل به رجب و محاصره کردن آن را که چون بیمار بود در روز تسلیم رجب در گذشت، و بعد از او جاولی که از مالیک برسقی بود برتق وفتق امور پرداخت و برادر مسعود را که صغیر بود به حکمرانی برداشت و نزد سلطان مسعود فرستاده ولایت او را استدعا نمود سلطان مسعود قبول نکرده عمادالدین زنگی پسر آقسنقر را ولایت موصل داد و از بغداد به این ولایت آمده به مهم مالیکی پرداخت و رجب را به جاولی غلام برسقی داد و بعد از آن نصیبین و سنجار و حران و جزیره ابن عمر را نیز تملک نمود. دادن سلطان محمود شحنکی عراق را بعد از رفتن عمادالدین به موصل به مجاهدالدین بهروز. وفات محمد بن عبدالملک بن ابراهیم القرظی^۱ الهمدانی صاحب التاریخ. سلطنت کردن اتابیکهای آذربایجان و فارس و لرستان بطور استقلال.

[سنه ۵۲۲ هجری = سنه ۱۱۲۸ مسیحی]

آسیا - تملک عمادالدین زنگی حلب را در محرم این سال و در بین راه که به حلب می آمد متبج و بُزاعه را هم تملک نمود. آمدن سلطان سنجر به همراهی دبیس بن صدقه که پناه به او برده بود از خراسان به ری و حاضر شدن سلطان محمود به خواهش سلطان سنجر به حضور او و اکرام کردن سلطان سنجر نسبت به سلطان محمود، و نشان دادن او را با خود بر تخت سلطنت و امر کردن به او که بادبیس بطور احسان حرکت کند و معاودت سلطان سنجر به خراسان. وفات طفتکین صاحب دمشق در ماه صفر و طفتکین از مالیک تنش بن الب ارسلان و مرد عاقل خیری بود و ملقب به ظهیرالدین، پس از او پسرش تور بن طفتکین ملقب به تاج الملوک به موجب ولایت عهدیکه از پدرش داشت به جای او برقرار آمد.^۲

۱. کامل: القرظی

۲. کامل: ولما توفي ملک بعده ابنه تاج الملک بوری... بوصية من والده له بالملک.

[سنه ۵۲۳ هجری = سنه ۱۱۲۸ مسیحی]

آسیا — طغیان کردن دُبَیْس مجدداً بر سلطان محمود و برخلیفه و ارسال و مرشول فیما بین برای صلح که صورت نگرفت. و تجهیز سلطان محمود لشکر جزاری برای تدمیر دُبَیْس و حرکت کردن از بغداد و غارت نمودن دُبَیْس بصره و اموال خلیفه و سلطان را، و رفتن بطرف براء اجتماع اسمعیلیه در دمشق و مساعدت وزیر تاج الملوک توری که طاهر بن سعد مزدغانی نام داشت با آنها و قوت اسمعیلیه که تاج الملوک خبر شده مزدغانی را بکشت و امر به قتل اسمعیلیه نمود و اهل دمشق شش هزار نفر از این طایفه را به قتل رسانیدند و اسمعیل نام از اسمعیلیه که در قلعه بایناس استیلا یافته بود این قلعه را تسلیم مجاهدین فرنگ نمود. انتزاع نمودن عمادالدین زنگی حماة را از تصرف سونج پسر تاج الملوک توری صاحب دمشق بعد از آنکه سونج را گرفت و با بعضی امرای دیگر حبس نمود. تملک مجاهدین فرنگ حصن قدموس را. وفات ابوالفتح اسعد بن ابونصر فقیه شافعی مدرّس مدرسه نظامیه که نزد خلیفه منزلتی عظیم و قبول عامه داشت. وفات شریف حمزه بن هبة الله بن محمد العلوی الحسینی النیشابوری صاحب شرافت نسب و نفوس و تقوی که زیدی مذهب بود.

[سنه ۵۲۴ هجری = سنه ۱۱۲۹ مسیحی]

آسیا — جنگ عمادالدین زنگی با مجاهدین فرنگ در شام که آنها را منهزم کرد و بعد اُثارب را نیز به غلبه فتح نمود و قلعه آنرا ویران ساخت که به همین حال بماند. بستن بدیع اسطرابی رصدی در شرقی بغداد که به اتمام نرسید. تملک سلطان مسعود (محمود) قلعه الموت را. وفات ابراهیم بن عثمان بن محمد الغزّی در قلعه بلخ که در همین جا مدفون شد و ابراهیم از شعرای بزرگوار است، ظهور عقرب پرنده در بغداد. زلزله در جبال.

افریقا — کشته شدن آمر به احکام الله علوی خلیفه مصر در اثنای تفرّج به دست

۱. کامل: فنارق البصره ودخل البرية.

۲. کامل: سلطان محمود.

یکی از باطنیه، و چون آمواد نداشت پسر عم او الحافظ لدین الله عبدالمجید بن ابوالقاسم بن المستنصر به عنوان نیابت به جای او برقرار شد و ابوعلی احمد بن افضل بن بدر جمالی را وزیر خود قرار داد ولی ابوعلی حافظ را بی دخل کرد و خود بر امور غلبه نمود و هرچه در قصر خلافت بود به سرای خود آورد. آمر دهمین خلیفه علوی بود عمرش سی و چهار سال و مدت خلافتش بیست و نه سال و پنجاه و پانزده روز.

[سنه ۵۲۵ هجری = سنه ۱۱۳۰ مسیحی]

آسیا — گرفتار شدن دُبَیْس بن صدقه به دست طایفه کلب که در شرقی غوطه سکنی داشتند و بردن او را نزد تاج الملوک توری^۱ حکمران دمشق، و حبس کردن توری او را و شنیدن عماد الدین زنگی این واقعه را و نوشتن به تاج الملوک که دبیس را به او تسلیم کند و او در عوض سونج پسر تاج الملوک را با امراثیکه با او در بند داشت رها نماید، و چنین کردند و دُبَیْس چون جنگهای سخت با عماد الدین کرده بود در این موقع یقین بر هلاک خود نمود ولی برعکس عماد الدین نهایت احسان را به او کرد و به او اموال و اسلحه و دواب داد و او را برخود مقدم داشت و دُبَیْس با عماد الدین بود تا وقتی که به طرف عراق روانه شدند چنانکه بیاید، و خلیفه مُسْتَرشد چون خبر گرفتاری دُبَیْس را شنید نزد عماد الدین فرستاد و دُبَیْس را از او بخواست ولی او اطاعت خلیفه نکرد. وفات سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه بن البارسلان سلجوقی در همدان در ماه شوال در بیست و هفت سالگی که دوازده سال و نه ماه و بیست روز سلطنت کرده بود پس از او ابوالقاسم النسابادی^۲ وزیر سلطان محمود پسرش داود بن محمود را به جای او برقرار کرد و آقسنقر احمد یلی اتابک داود شد، زدن باطنیه دو ضربت به تاج الملوک توری^۳ که یکی شفا یافت و دیگری او را در صدمه داشت ولی باز بکارها رسیدگی می کرد، وفات حماد بن مسلم الریحی الزاهد مشهور صاحب کرامات.

۱. کامل: تاج الملک بوری.

۲. کامل: ابوالقاسم النسابادی.

۳. کامل: «تاج الملوک بوری» همه جا در این کتاب «توری» و در کامل «بوری» آمده است.

[سنه ۵۲۶ هجری = سنه ۱۱۳۱ مسیحی]

آسیا — گرفتن سلطان مسعود بن سلطان محمد سلطنت را از برادرزاده خود داود بن محمود و حرکت کردن سلجوق بن سلطان محمد حکمران فارس به طلب سلطنت، و آمدن او به بغداد و اتفاق خلیفه المسترشد با او، و اتابک سلجوق قراجا^۱ بود. کمک خواستن مسعود از عمادالدین زنگی برای جنگ با خلیفه و سلجوق و جنگ قراجا اتابک سلجوق با عماد الدین و منهزم شدن عمادالدین و رفتن به تکریت و عبور کردن از این بلد، و دزدار (قلعه بیگی) تکریت نجم الدین ایوب بود، و در این وقت خدمات به عماد الدین کرد و عماد الدین به بلاد خود رفت و این عمل نجم الدین سبب اتصال او به عماد الدین شد و بدین جهت بعدها سلاطین آل ایوب بلاد را تملک نمودند. خلاصه پس از جنگ آرا بر این متفق شد که سلطنت مسعود را باشد و برادرش ولیعهد او، آنگاه سلطان سنجر از خراسان با طغرل پسر سلطان محمد که برادرزاده او بود به طلب سلطنت برای طغرل حرکت کردند و جنگ در میان سنجر و مسعود و سلجوق در گرفت و مسعود منهزم شد بعد سلطان سنجر مسعود را امان داد و احضار نموده اکرام کرد و طغرل را به سلطنت نشاند و در جمیع بلاد خطبه به اسم او خواندند و سلطان سنجر به خراسان بازگشت. آمدن عمادالدین زنگی با دُبَیْس بن صدقه به جنگ خلیفه المسترشد و شکست خوردن او از عساکر خلیفه در حصن برامکه، در کنار دجله در بیست و هفتم رجب و کشته شدن خلق کثیری. وفات تاج الملوک توری^۲ صاحب دمشق به جهت زخمی که از باطنیه داشت در بیست و یکم رجب که چهار سال و پنجماه و چند روز امارت کرده بود و پسر خود شمس الملوک اسمعیل را جانشین نموده و پسر دیگر خود شمس الدوله را حکومت بعلبک و اعمال آن داده.

افریقا — پیش غلبه ابوعلی بن افضل بن بدرجمالی وزیر الحافظ لدین الله را براو ذکر کردیم ابوعلی خطبه علوتین را قطع نموده و به اسم خود خطبه می خواند و حتی علی خیرالعمل را از اذان بسنداخت، لهذا شیعه علوتین از او رنجیده او را بکشتند و با

۱. کامل: اتابک قراجة الساقی. از این بعد همه جا در این کتاب قراجا و در کامل قراجة آمده است.

۲. کامل: بوری

الحافظ بیعت کردند و پیش از این الحافظ در بند ابوعلی بود.

[سنه ۵۲۷ هجری = سنه ۱۱۳۲ مسیحی]

آسیا — منتزع نمودن شمس الملوك اسمعيل بن توري صاحب دمشق قلعه بانیاس را از چنگ مجاهدین فرنگ. اتفاق سلطان مسعود و برادرزاده او داود بن محمود و جنگ کردن با طغرل و غلبه نمودن بر او و محاصره کردن خلیفه المسترشد موصل را که نایل به فتح آن نشده به بغداد بازگشت. گرفتن شمس الملوك اسمعيل شهر حماة را که در تصرف عمادالدین زنگی بود در دویم شوال. جنگ تراکمه در حوالی طرابلس و آن نواحی با مجاهدین فرنگ، خریدن اسمعیلیه حصن قدسوس را از صاحب آن ابن عمرون. وفات علی بن یعلی بن عوض الهروی الواعظ که در خراسان بسیاری به او معتقد بودند. وفات ابوقلیته امیر مکه معظمه که بعد از او ابوالقاسم امارت این شهر شریف یافت.



[سنه ۵۲۸ هجری = سنه ۱۱۳۳ مسیحی]

آسیا — گرفتن شمس الملوك اسمعيل بن توري صاحب دمشق حصن شقیق را که به تصرف ضحاک بن جندل رئیس وادی تیم بود و معارضه او با مجاهدین فرنگ که آخر کار منجر به صلح شد. استیلای عمادالدین زنگی بر جمیع قلاع اکراد حمیدیه که از جمله قلعه عقر و قلعه شوش و غیرهما بود و بعد از آن بر قلاع هکاریه و کواشی نیز مستولی شد. کشتن ابن دانشمند صاحب مَلطیه بسیاری از مجاهدین فرنگ را که در شام بودند. صلح خلیفه المسترشد با عمادالدین زنگی.

اروپا — (المان) لیتز دویم در مملکت آلمان سلطنت می نماید. (اسپانیول) وفات ابوالصلت^۱ اندلسی.

[سنه ۵۲۹ هجری = سنه ۱۱۳۴ مسیحی]

آسیا — زلزله در جبال. وفات طغرل بن سلطان محمد در محرم و طغرل بعد از شکست

۱. کامل: ابن ابی الصلت.

خوردن از برادرش مسعود برجبل استیلا یافته بود و بعد از اومسعود بر جمیع بلاد مستولی شد. کشته شدن شمس الملوک اسمعیل بن توری^۱ بن طفتکین به دست جماعتی که بامادر او در قتل او مواضعه داشتند و چون ظالم بود مردم از کشته شدن او مسرور شدند و بعد از او برادرش شهاب الدین محمود بن توری^۲ به جای او برقرار شد. محاصره کردن عمادالدین دمشق را بعد از قتل شمس الملوک و نایل نشدن به فتح آن. جنگ خلیفه المسترشد باسلطان مسعود و غلبه سلطان که خلیفه را گرفته در بند خود داشت و می گردانید تا به دو فرسخی مراغه نزول کردند و در این وقت سلطان سنجربه این نواحی رسید سلطان مسعود باعساکر خود به استقبال سلطان سنجرف رفت خلیفه تنها در چادری بود یکی از باطنیه داخل خیمه شده او را کشت و دماغ و گوشهای او را برید و این در روز یکشنبه هفدهم ذیقعه بود. عمر المسترشد چهل و سه سال و سه ماه و خلافت او هفده سال و ششماه و بیست روز. خلافت الراشد بالله ابوجعفر المنصور بن المسترشد در روز دوشنبه بیست و هشتم ذیقعه و نوشتن سلطان مسعود این فقره را به بغداد و حاضر شدن بیست و یک نفر از اولاد خلفا در مجلس بیعت الراشد کشته شدن دُبَیْس بن صدقه دم دروازه خوی^۳ به امر سلطان مسعود به دست غلامی ارمنی و در این وقت پسرش صدقه بن دُبَیْس در جيله^۴ بود و عساکر پدرش به دور او جمع آمدند.

اروپا — (اسپانیول) تسلیم نمودن مستنصر بن هود حصن زوطه^۵ را که از بلاد اندلس است به پادشاه طلیطله و وقوع صلح بینهما. (پورتوغال) تشکیل پادشاهی در این مملکت.

افریقا — استیلای فرنگ برجزیره جریه از اعمال افریقیه و فرار و اسر مسلمین. کشتن الحافظ لدین الله علوی پسر خود حسن را که وزارت داده بود و او باسؤسیرت رفتار می نمود مردم و عساکر متفق شدند که براو و الحافظ شورش کنند، الحافظ خبر شده

۱. کامل: شمس الملوک اسماعیل بن تاج الملوک بوری بن طفتکین.

۲. کامل: شهاب الدین محمود بن تاج الملوک بوری.

۳. کامل: «قتل السلطان مسعود دُبَیْس بن صدقه علی باب سراقه بظاهر خُوتج».

۴. کامل: «و کال صدقه بالجله».

۵. کامل: روطه.

پسر خود را مسموم نمود و تاج الدوله بهرام نصرانی را وزیر کرد و ارمنیها را در اعمال عامل نمود.

[سنه ۵۳۰ هجری = سنه ۱۱۳۵ مسیحی]

آسیا — تسلیم کردن اولاد امیر قیرخان شهر حمص و قلعه آنرا به شهاب الدین محمود بن توری صاحب دمشق به اینکه تدمر را در عوض به آنها واگذار کند چنانکه کرد و معین الدوله آنرا که از مالیات جذاو بود شهاب الدین حکمران حمص نمود. رفتن عساکر عماد الدین زنگی بر سر مجاهدین فرنگ و آوردن غنایم و اسرزیای دهه شام مملو از آن شد. خلع کردن سلطان مسعود راشد را به جهة اینکه با او مخالفت کرده و اقدام به جنگ نموده بود و میخواست او را از سلطنت خلع کند، و داود بن سلطان مسعود را سلطان نماید. برقرار شدن محمد بن مستظهر به خلافت و مقلب شدن به مقتضی لامرالله و مقتضی عم راشد و برادر مسترشد بود. وفات محمود بن حمدویه از مشایخ.

اروپا — اگرچه انکشاف امریک بعد از سیصد سال شد اما طایفه اسکاندیناوا از طرف شمال یک قسمتی از امریک را منکشف کرده بودند چنانکه در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار عیسوی این فخر معلوم گردید (طایفه اسکاندیناوا اهالی سوڈ و نروژ می باشند).

[سنه ۵۳۱ هجری = سنه ۱۱۳۶ مسیحی]

آسیا — جنگ عمادالدین زنگی بامجاهدین فرنگ و گرفتن حصن بعرین را از آنها با پنجاه هزار دینار و ضعف حال مجاهدین بالتسبة و قوت حال ملوک مسلمان این نواحی. گریختن محمود خان حاکم سمرقند از گورخان در جنگ خجند، و کشته شدن او.

اروپا — جنگ مابین پادشاه روس و پادشاه له. حبس پادشاه روس مدت یکسال.

افریقا — عزل کردن الحافظ علوی خلیفه مصر وزیر خود بهرام نصرانی را به جهة

اهانتی که از جانب کارگذاران او نسبت به مسلمانان شده بود و دادن وزارت خود را به رضوان بن الوکحشی^۱ و ملقب کردن او را به ملک افضل و این اول وزیر مصریست که ملک لقب یافت ولی میان الحافظ و این وزیر هم خلاف درگرفت و آخر الامر الحافظ او را بکشت و دیگر قبول وزیر ننمود و تا بود خود به امور رسیدگی می کرد.

[سنه ۵۳۲ هجری = سنه ۱۱۳۷ مسیحی]

آسیا — گرفتن عمادالدین زنگی حمص را. آمدن امپراطور قسطنطنیه باقشون خود به شامات و زدو خورد عساکر عمادالدین زنگی با آنها که بالمآل امپراطور از غلبه در این حدود مأیوس شد و بازگشت و بسیاری از قشون او به دست عساکر زنگی کشته شدند و غنائیم بسیار آنها را شد و عمادالدین در طرابلس و شامات فتوحات نمود. کشته شدن الراشد مخلوع در اصفهان به دست چند نفر خراسانی که در خدمت او بودند، و مدفون شدن او در ظاهر اصفهان به شهرستان. گرفتن تمرناش بن ایلغازی صاحب ماردین قلعه نهاخ^۲ را از دیار بکر و این قلعه به دست یکی از بنی مروان ملوک ماردین بود و این آخر شخصی بود که از بنی مروان مانده. زلزله در عراق عرب.

اروپا — (رُم) قانون روستی نین قیصر که مفقود شده بود دوباره به دست آمد و این مرتبه نسخه های متعدد از روی آن برداشتند.

[سنه ۵۳۳ هجری = سنه ۱۱۳۸ مسیحی]

آسیا — رفتن سلطان سنجر با عساکر خود به خوارزم و جنگ کردن با خوارزمشاه اتسز بن محمد بن انوشکین و منهزم شدن اتسز و استیلای سنجر بر خوارزم (هزار اسب) که حکمرانی برای این مملکت برقرار کرده به ممالک خود بازگشت و چون

۱. در کامل: ابویحیی و در نسخه بدل ها «الولحشی» «بن الولحسی» «الزنجی» شاید زنجی صحیح باشد.

۲. کامل: قلعة الهناخ من بلاد دیار بکر.

سلطان سنجر از خوارزم دور شد باز اتسز آمد و بر این مملکت مستولی شد. کشتن سه نفر از خواص شهاب الدین محمود بن توری او را در رختخواب که دو نفر از آنها به دست آمده مصلوب شدند و یکی فرار کرد، و بعد از شهاب الدین برادرش جمال الدین محمد بن توری که صاحب بعلبک بود به دمشق آمده این مملکت را مالک شد. گرفتن عمادالدین زنگی بعلبک را و بدار زدن اهل قلعه بعلبک را بعد از آنکه امان به آنها داده بود و این در نظرها خیلی ناشایسته آمد و بعلبک را جمال الدین وقتیکه مالک دمشق شد به معین الدین آنز داده و معین الدین شوهر مادر جمال الدین بود. زلزله های متوالی در شام که بسیاری از بلاد خاصه حلب را خراب کرد و از چهارم صفر تا نوزدهم امتداد داشت. پوشیدن بعضی از تجار کعبه معظمه را به ثياب فاخره.

[سنه ۵۳۴ هجری = سنه ۱۱۳۹ مسیحی]

آسیا - محاصره کردن عمادالدین زنگی دمشق را، و در بین محاصره جمال الدین محمد بن توری صاحب دمشق در گذشت و کوشش زنگی در گرفتن دمشق زیاد شد، ولی به مقصود خود فایز نیامد، و بعد از جمال الدین معین الدین آنز پسرش مجیر الدین اتق بن محمد بن توری را به جای او برقرار کرد و خود به مهام مملکت پرداخت. منتزع نمودن زنگی شهر زور را از قبحق بن الب ارسلان شاه ترکمانی^۱ که قبحق در ملازمت زنگی بماند و در عداد عساکر او درآمد. کشتن باطنیه جوهر را که از امرای عسکرته سلطان سنجر و بسیار مقرب و از جمله اقطاع او یکی ری بود. وفات هبة الله بن حسین بن یوسف معروف به بدیع اسطرلابی که در عمل اسطرلاب و آلات فلکیه ید طولی داشت، و هبة الله را اشعار جید است که اکثر در هزل می باشد. هلاک شدن دو یست و سی هزار نفر در گنجه از زلزله.

[سنه ۵۳۵ هجری = سنه ۱۱۴۰ مسیحی]

آسیا - سلطان سنجر برده و عصای حضرت رسول صلی الله علیه و آله را از مستر شد

۱. کامل: قبحاق بن ارسلان تاش التترکمانی.

گرفته بود در این سال رسول سلطان سنجر این دو مخلف معظم را نزد المقتفی معاودت داد. تملک اسمعیلیه حصن مصیاف^۱ را در شام و کشتن والی این حصن را که از ممالیک بنی متقذ صاحب شیرز بود^۲.

افریقا — گرفتن عبدالؤمن حصار مراکش را بعد از یکسال محاصره، کشته شدن محمد بن عبیدالله بن خاقان در فندق مراکش و محمد بن عبیدالله از ادبای فاضل بود و چندین کتاب تالیف کرده که از جمله قلاید العقیان است.

[سنه ۵۳۶ هجری = سنه ۱۱۴۱ مسیحی]

آسیا — بعد از جنگ سلطان سنجر با اتسز خوارزمشاه و کشتن پسر او، و اتسز به دولت ختا نوشته آنها را به طمع ملک ماوراء النهر انداخت در این سال لشکر جرّاری از ختا به قصد گرفتن ماوراء النهر حرکت کرد و سنجر نیز با عساکر زیادی به مقاتله آنها شتافته لشکر ختا غالب و عساکر سلطان سنجر منهزم شد و زوجه سلطان سنجر اسیر گردید، و چون لشکر سلطان سنجر بکلی متفرق گشت اتسز خوارزمشاه نیز به خراسان آمده به نهب اموال سنجر و بلاد او پرداخت و دولت ختا و ترک (گورخان) در ماوراء النهر استقرار یافت.

[سنه ۵۳۷ هجری = سنه ۱۱۴۲ مسیحی]

آسیا — فرستادن عمادالدین زنکی لشکری به فتح قلاع هکاریه، و فتح کردن آن لشکر قلعه اسب^۳ را که اعظم و امنع حصون اکراد هکاریه بود، و چون این قلعه مفتوح شد عمادالدین حکم کرد آنرا خراب کردند و قلعه معروف به عمادیه را بساختند و عمادیه قلعه بزرگی بود اما خراب، چون عمادالدین او را مرمت و آباد کرد منسوب به او شد و آنرا عمادیه گفتند. وفات محمد بن دانشمند صاحب ملطیه و سرحد که بعد از او مسعود بن قلیج^۴ ارسلان سلجوقی صاحب قونیه بلاد او را تملک نمود. انقراض دولت

۱. کامل: حصن مصیاف.

۲. کامل: شیرز.

۳. کامل: اشب.

۴. کامل: مسعود بن قلیج.

کاکویه در فارس و استقلال اتابکان از فروع آل بویه در این مملکت.

افریقا — رفتن مجاهدین فرنگ از دریا از صقلیه به طرابلس غرب و محاصره کردن آنرا و مراجعت نمودن.

[سنه ۵۳۸ هجری = سنه ۱۱۴۳ مسیحی]

آسیا — صلح مابین سلطان مسعود و عمادالدین زنگی. فرستادن زنگی عساکر خود را به دیاربکر و فتح کردن آنها طنزه و استعرد و حیزان و حصن الروق و حصن فطلیس و حصن باتاسا و حصن ذی القرنین را و گرفتن ازماردین جملین و موزر و تل موزر از حصون شختان را که به تصرف مجاهدین فرنگ بود^۱ رفتن سلطان سنجر با عساکر خود به خوارزم و محاصره کردن اتسز را و قبول نمودن اتسز اطاعت سلطان سنجر را و مصالحه فیما بین، و عود سنجر به مرو، و تملک زنگی عانه را از اعمال فرات. کشته شدن داود بن سلطان محمود بن محمد بن ملک شاه و معلوم نشدن قاتل او. وفات ابوالقاسم محمود بن عمر التوحی الزمخشری که در رجب سنه چهارصد و شصت و هفت متولد شده بود. زمخشر قریه ایست در خوارزم و زمخشری منصوب به این قریه و از ائمه علوم و مصنف مفصل است در نحو، و کشاف در تفسیر، و مصنفات دیگر، و چون زمخشری در مکه مجاور شد او را جارا لله گویند و اشعار بسیار خوب دارد.

[سنه ۵۳۹ هجری = سنه ۱۱۴۴ مسیحی]

آسیا — گرفتن عمادالدین زنگی رهاوشهر سروج و ادس، و سایر اماکنی را که به تصرف مجاهدین فرنگ بود و دادن مجاهدین مذکور بیره را نیز از خوف عمادالدین صاحب ماردین.

اروپا — (انگلیس) انگلیسیها قبول قانون قیصره رُم را می نمایند.

۱. عبارات کامل این است: «... فمن ذلك: مدينة طنزه و مدينة أسعرد، و مدينة حیزان، و حصن الروق، و حصن قطلیس، و حصن ناتاسا، و حصن ذی القرنین... و اخذ ایضا من بلد ماردین مقایه و بیدالفرنج جملین، و الموزر، و تل موزن و غیرها من حصون جوسلین...».

افریقا - وفات تاشفین بن علی بن یوسف بن تاشفین حکمران مغرب و برقرار شدن برادرش اسحق به جای او و ضعف امر ملثمین و قوت عبدالمؤمن چنانکه پیش هم گفته شد. گرفتن فرنگیها شهر برسک را.

[سنه ۵۴۰ هجری = سنه ۱۱۴۵ مسیحی]

آسیا - سلطان مسعود میخواست علی بن دُبَیس بن صدقه را در قلعه تکریت حبس کند، علی گریخته برحله مستولی شد و جمعیت زیادی دور او را گرفته قوتی بهمرسانید. استقلال اتابکان آذربایجان، حبس کردن خلیفه المقتفی برادرش ابوطالب را و بعضی دیگر از اقارب خود را. وفات مجاهدین الدین بهروز که زیاده از سی سال در عراق حکم می کرد، بهروز خواجه و سفید بود. وفات شیخ ابومنصور موهوب بن احمد الجوالیقی اللغوی از علمای دانشمندان.

اروپا - وفات ابوبکر یحیی بن عبدالرحمن بن بقی الاندلسی القرطبی شاعر مشهور صاحب موشحات بدیعه گرفتن فرنگیها شتترین و تاجرا و مارده و آشبونه و سایر معاقل این نواحی را از بلاد اندلس.

افریقا - اقتدار عبدالمؤمن حکمران مراکش و غیره، این طایفه شیعی مذهب و ملقب به امیر المؤمنین می شوند.

[سنه ۵۴۱ هجری = سنه ۱۱۴۶ مسیحی]

آسیا - کشته شدن عمادالدین زنگی به دست ممالیک خود در پنجم ربیع الآخر، در وقتی که خود او قلعه جَعْبَر را محاصره کرده بود و یکدسته لشکر او فَنَک را که مجاور جزیره ابن عمر است در بند محاصره داشتند و صاحب قلعه جَعْبَر مالک بن سالم بن مالک بن بدران بن مقلد بن مسیب العقیلی بود و صاحب فَنَک حسام الدوله کردی بَشَنوی. خلاصه زنگی در رَقَه مدفون شد و پسرش نورالدین محمود که با او بود

انگشتی پدرش را از انگشتش بیرون آورده به حلب رفت و این ولایت را تملک نمود و الب ارسلان بن محمود بن سلطان محمد سلجوقی که در صحبت زنگی بود و همیشه زنگی می گفت ممالک متصرفی من از این پادشاه است و من اتابک او یم و به همین واسطه به اتابک مشهور شده به رقه رفت و بزرگان دولت زنگی به پسر او سیف الدین غازی که در شهر زور بود واقعه را اعلام نمودند او به موصل آمده به جای زنگی برقرار شد و عساکریکه دور الب ارسلان جمع بودند متفرق شدند و الب ارسلان به موصل آمد که این ولایت را تملک نماید، غازی بن زنگی او را گرفته در قلعه موصل حبس کرد و حکمرانی او مستقر گردید. آمدن مجیرالدین ابق صاحب دمشق به محاصره بعلبک که نجم الدین ایوب بن شاذی مستحفظ آن بود چون نجم الدین یقین نداشت که اولاد زنگی بتوانند بزودی امداد او کنند با مجیرالدین مصالحه نمود و بعلبک را باو تسلیم کرد و مجیرالدین چند قریه از بلاد دمشق باو داد و نجم الدین بدمشق آمده ساکن شد.

اروپا و افریقا — استیلای عبدالؤمن بر اندلس و گرفتن شهر فاس (فُز) را در مارک. (رُم) اُرُن سیم در رُم پاپ می شود. پادشاه فرانسه و پادشاه آلمان متعهد فرستادن کمک برای مجاهدین بیت المقدس می شوند. طایفه یهود که در سواحل رود رُن در آلمان سکنی داشتند تماماً مقتول می شوند. (سیسیل) در این جزیره شروع به زراعت نیشکر و ابریشم می نمایند.

[سنه ۵۴۲ هجری = سنه ۱۱۴۷ مسیحی]

آسیا — ورود نورالدین محمود بن زنگی صاحب حلب بر بلادیکه در تصرف مجاهدین فرنگ بود و گرفتن ارتاح را به غلبه و محاصره کردن ماموله^۱ و بُصرفوت و کفرلا ثا را. ظهور دولت آل سلغر در فارس و کرمان. زلزله در حلوان.

اروپا — پادشاه فرانسه و پادشاه آلمان به سمت بیت المقدس حرکت کرده از راه مجارستان به قسطنطنیه آمدند.

۱. کامل: مابوله و بُصرفوت، و کفرلا ثا.

[سنه ۵۴۳ هجری = سنه ۱۱۴۸ مسیحی]

آسیا — جنگ نورالدین محمود بن زنگی با مجاهدین فرنگ به ارض یغری و اخذ غنیمت و اسیر زیاد که آنها را برای برادرش سیف الدین غازی صاحب موصل فرستاد. غلاء در خراسان و عراق و شام حتی بلاد مغرب. خرابی سواد عراق از لشکر مسعود در این سال. سلاطین آلمان و فرانسه بزحمت زیادی خود را به آسیای صغیر رسانیدند و پادشاه فرانسه لوئی به انطاکیه ورود کرد و از آنجا به بیت المقدس آمد. ابوالفدا گوید در این سال پادشاه آلمان بالشکر جزاری به شام آمده دمشق را محاصره نموده صاحب دمشق مجیرالدین اتق بن محمد بن تور بن طغتكین بودو معین الدین آنز مملوک طغتكین به تدبیر ملک می پرداخت و در ششم ربیع الاول عساکر پادشاه آلمان بر دمشق غلبه کرده و پادشاه آلمان به میدان اخضر نزول نمود، آنز نزد سیف الدین غازی صاحب موصل فرستاده از او استمداد نمود سیف الدین به همراهی نورالدین برادرش بالشکر که داشتند رو به شام نهاده به حمص رسیدند و این معنی از قوت لشکر فرنگ بکاست و آنز نزد مجاهدین فرنگ که در شام بودند فرستاده به آنها وعده نمود که اگر عساکر پادشاه آلمان به دلالت آنها از دمشق بروند او قلعه بانیا را بآنها بدهد مجاهدین مزبور دلالت کرده پادشاه آلمان و قشون او از دمشق رفتند و آنز هم به وعده خود وفا نمود. کشته شدن نورالدوله شاهنشاه بن ایوب برادر صلاح الدین به دست عساکر فرنگ که دمشق را محاصره کرده بودند.

افریقا — گرفتن فرنگیها شهر مهدیه را. انقراض ملوک بنی بادیس در افریقیه. ملوک بنی بادیس نه نفر بودند و ابتدای دولتشان در سیصد و شصت و یک بود.

[سنه ۵۴۴ هجری = سنه ۱۱۴۹ مسیحی]

آسیا — وفات سیف الدین غازی پسر عمادالدین زنگی صاحب موصل در اواخر جمادی الآخره که سه سال و یکماه و بیست روز حکمرانی کرده بود و در سال پانصد متولد شده و سیف الدوله طفل ذکوری داشت که آنهم بزودی درگذشت لهذا مملکت او به برادرش قطب الدین مودود بن زنگی رسید و دختر تمرش صاحب ماردین را قطب الدین بگرفت و اولاد قطب الدین از او به وجود آمدند. جنگ نورالدین محمود بن

زنگی با حکمران انطاکیه که از مجاهدین فرنگ بود و غلبه نورالدین. وفات معین الدین أنز مدبر مهم دمشق. دادن المقتضی عباسی وزارت خود را به ابوالمظفر یحیی بن هبیره. وفات قاضی ناصح الدین ارجانی قاضی شوشتر که اسمش احمد بن محمد بن حسین و صاحب اشعار فایقه بود.

اروپا — طایفه یونان شهر کُرفو را متصرف شدند. پادشاه فرانسه بازحمت زیادی خود را از بیت المقدس به فرانسه رسانید.

افریقا — عبدالمؤمن غیر از متصرفاتی که در اسپانیول پیدا کرد در افریق الژر (الجزایر) و تونس و مهدیه را نیز فتح نمود. وفات الحافظ لدین الله علوی خلیفه مصری در جمادی الاخره که نوزده سال و هفتمه خلافت کرده بود در هفتاد و هفت سالگی. خلافت پسرش الظافر بامر الله ابومنصور اسمعیل بن الحافظ که عادل بن سلا در وزارت اوچنان مسلط شد که حکمی برای الظافر نماند.



[سنه ۵۴۵ هجری = سنه ۱۱۵۰ مسیحی]

آسیا — در چهاردهم محرم این سال عرب جمیع حجاج را در میانه مکه معظمه و مدینه طیبه گرفتند و اکثر آنها هلاک شدند و به اوطان خود نرسیدند. رفتن نورالدین محمود بن زنگی به فامیه^۱ و محاصره کردن قلعه آنرا و منتزع نمودن آن را از دست مجاهدین فرنگ وفات امیر علی بن دبیس بن صدقه صاحب حله. استقرار اتابکان لرستان.

اروپا — ملکت سود که منقسم به چندین ناحیه بود سلطنت مستقلى شده قبول پادشاهی می کند. (اسپانیول) آمدن الفنس پادشاه تُلُد (طلیطله) به جانب کرد و (قرطبه) و محاصره کردن سه ماه این بلد را و چون نایل به فتح آن نشد به مملکت خود عود نمود.

[سنه ۵۴۶ هجری = سنه ۱۱۵۱ مسیحی]

آسیا — غلبه نورالدین واستیلای آن برا کثربلا متصرفی مجاهدین فرنگ بعد از اسیر شدن

۱. کامل: فی هذه السنة فتح نورالدین محمود ابن الشهيد زنگی حصن فامیا من الفرنج.

جوسلین که از رؤسای شجاع دانشمند مهاجرین مزبور بود. وفات ادیب صابر از شعرای معروف عجم. زلزله در شام.

ایروپا — (رُم) ترجمه انجیل و تورات از عبری بزبان لاتن.

[سنه ۵۴۷ هجری = سنه ۱۱۵۲ مسیحی]

آسیا — وفات سلطان مسعود بن محمد بن ملکشاه در همدان که فی الحقیقه به فوت او سعادت آل سلجوق به انتهای رسید. تولد مسعود در سال پانصد و دو بوده بمضی وفات او را در سال قبل نوشته اند. برقرار شدن ملکشاه بن محمود پسر برادر مسعود به موجب وصیت او به سلطنت، اقامت امیری خاص^۱ بیک نام که اول پسر ترکمانی بود در خدمت سلطان مسعود مقامی یافته و بر ملک غلبه داشت ملکشاه را گرفته حبس کرد و محمد بن محمود برادرش را از خوزستان طلبیده بر تخت سلطنت نشاند و قصد خاص بیک این بود که محمد را نیز خلع و خود پادشاه شود اما محمد در روز دویم وصول خود او را گرفت و بکشت و زنگی جاندار را نیز با او مقتول ساخت. فتح کردن نورالدین دلوک را. وفات حسام الدین تمرش بن ایلغازی صاحب ماردین و میافارقین که زیاده از سی سال امارت کرده بود. برقرار شدن پسرش نجم الدین البلی ابن تمرش بن ایلغازی ارتق به جای او.

ابتدای ملوک غور و انقراض دولت آل سبکتگین

اول شخصی غوری محمد بن حسین است که سمت مصاهرت بهرامشاه بن مسعود پادشاه غزنین را داشت و چون او به خدعه با بهرامشاه حرکت می کرد بهرامشاه او را بکشت و بعد از او برادرش سودی (سوری) به جای او برقرار شد و به خونخواهی برادرش به غزنین راند و با بهرامشاه جنگ کرد و بهرامشاه غالب آمد بعد علاءالدین حسین بن حسین برادر آندو، غور را مالک شده به غزنین آمد و بهرامشاه را شکست داد و بر این ولایت مستولی شده برادرش سیف الدین سام بن حسین را در غزنین گذاشت و به غور بازگشت. در این وقت اهل غزنین به بهرامشاه عریضه نوشته قدوم او را مستدعی شدند او

۱. کامل: خاص یک بن بلنکری.

به غزنین رانده بر سیف الدین سام غالب آمد و او را بکشت پس از چندی بهرامشاه درگذشت، و پسرش خسروشاه بجای او برقرار آمد، علاءالدین حسین ملک غور تهیه دیده رو به غزنین نهاد و چون به این ولایت نزدیک شد خسروشاه از غزنین به لاهور رفت و علاءالدین غزنین را مالک شده سه روز غارت کرد، پس از آن علاءالدین ملقب به سلطان معظم شد و به عادت سلاطین سلجوقی چتر بر سر گرفت و پادشاه بود تا در سال پانصد و پنجاه و شش درگذشت، و پسر برادرش غیاث الدین محمد بن سام بن الحسین که داماد او بود به جای او برقرار شد و در دولت او شهاب الدین برادرش کرمان و شتوران و ماه سند را بر مملکت او افزود و لاهور را که خسروشاه در او بود در سنه پانصد و هفتاد و نه بگرفت و خسروشاه و پسرش را اطمینان داده نزد غیاث الدین فرستاد و غیاث الدین، آن دورا در یکی از قلاع حبس کرد و دولت آل سبکتکین که در سال سیصد و شصت و شش ابتدای آن بود در سال پانصد و هفتاد و هشت منقرض شد، و بعضی گفته اند خسروشاه در زمان سلطنت درگذشت و پسرش ملکشاه بعد از او پادشاه شد، خلاصه سلطنت غوریه در لاهور استقرار یافت بعد هرات و بوشنج و بادغیس و کالین و بیوار هم ضمیمه متصرفات غیاث الدین و شهاب الدین شد، آنگاه شهاب الدین در هند رفته فتوحات نمایان کرد و مملکت وسیعی را متصرف شد و شهر دهلی را که یکی از قاعده های بلاد هند بود به ملوک خود قطب الدین ایبک و قطب الدین نیز بلاد چند از اقصای هند که تا آن وقت مطلقاً مفتوح سلاطین مسلمان نشده بود بگرفت تا نزدیک به چین شد. وفات اوحدالدین انوری از شعرای بسیار معروف عجم.

اروپا — (آلمان) فوت گئرد سیّم پادشاه و نصب فردریک اوّل بجای او.

افریقا — رفتن عبدالؤمن بن علی به بجایه و گرفتن آن را و مسخر کردن جمیع ممالک بنی حماد را و آخر ملوک بنی حماد یحیی بن عزیز بن حماد بود که چون مغلوب عبدالؤمن شد از او امان خواست عبدالؤمن او را امان داد و به بلاد مغرب فرستاد و وظیفه بسیار عمده برای او مقرر داشت این عقیده ابن اثیر است. اما ابوالفدا از تاریخ قیروان نقل کرده گوید تملک عبدالؤمن تونس و افریقّه را در سال پانصد و پنجاه و چهار بوده است.

[سنه ۵۴۸ هجری = سنه ۱۱۵۳ مسیحی]

آسیا — شکست سلطان سنجر از طایفه غز که یکی از قبایل ترک بودند و گرفتاری سنجر به دست این طایفه و نهب و غارت زیاد غز در تمام خراسان سوای هرات و دهستان که به جهة حصان^۱ت این دو موضع محفوظ ماند. چون سلطان سنجر اسیر شد یکی از ممالیک اواییه^۱ نام که ملقب به المؤید بود مستولی برنیشابور و طوس و نساو ابیورد و شهرستان و دامغان شد و غزها را از این نواحی براند و بنای حسن سیرت را بگذاشت و مملوک دیگر سنجر موسوم به اینانج و هادی الملوک برری استیلا یافت. وفات بهرام شاه غزنوی و جلوس خسرو شاه پسرش به جای او. وفات ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن احمد شهرستانی المتکلم اشعری مذهب ازائمه علم کلام و فقه صاحب مصنفات عدیده که از جمله ملل و نحل باشد (شهرستان اسم سه شهر بوده است یکی به خراسان میانه نیشابور و خوارزم که شهرستانی صاحب ملل و نحل از این شهر است، دویم شهرست در خاک فارس سیمی درجی اصفهان) فتح عسقلان بدست پادشاه عیسوی بیت المقدس و این شهر در تصرف خلفای مصری بود.

اروپا — یکنفر از خانواده های سلاطین ادریسی که در جزیره سیسیل سلطنت می کردند مشهور به شریف الادریسی که در مدرسه کرد و (قرطبه) تحصیل کرده بود برای رزپادشاه کتاب جغرافی تالیف کرد و کراهی به هیئت نقره برای او بساخت (کتاب جغرافی شریف الادریس نزد مؤلف موجود است).

افریقا — سفاین صقلیه به شهر تنیس از دیار مصر رسیده این بلد را غارت کردند. عادل بن سلار وزیر الظافر علوی خلیفه مصر به دست ربیب خود عباس بن ابوالفتح صنهاجی کشته شد با اینکه سلار در تربیت او کوشیده بود پس از او عباس وزارت الظافر یافت. جنگ سخت عبدالؤمن حکمران مغرب با عرب و غلبه عبدالؤمن.

[سنه ۵۴۹ هجری = سنه ۱۱۵۴ مسیحی]

آسیا — محاصره کردن المقتدی تکریت را و نایل نشدن به فتح آن. منتزع نمودن

نورالدین محمود بن زنگی دمشق را از مجیرالدین ابق بن محمد بن توری بن طفتکین، نیز گرفتن نورالدین قلعه تلّ باشر را از مجاهدین فرنگ، ولادت چنگیزخان.

اروپا — در ساحل رود مُسکُوا شهر مسکوبنا شد.

افریقا — کشتن عباس وزیر صنهاجی الظافر علوی خلیفه مصر را. خلافت الفایز بنصرالله ابوالقاسم عیسی بن ظافر اسمعیل ثانی که در این وقت سه ساله یا پنجساله بود. چون عباس صنهاجی الظافر را بکشت و نفایس اموال او را متصرف شد. خانواده خلیفه به طلایع بن رزیک که والی منیه ابن خصیب بود و به شهامت مشهور تظلم نمودند طلایع قصد عباس کرده عباس به شام گریخت و در راه به دست مجاهدین فرنگ کشته شد و طلایع وزارت خلیفه مصری یافته ملقب به ملک صالح شد.

[سنه ۵۵۰ هجری = سنه ۱۱۵۵ مسیحی]

آسیا — محاصره کردن خلیفه المقتدی دقو قارا که در اثنای محاصره شنید عساکر موصل به طرف او حرکت کرده اند دست از محاصره کشیده بازگشت. هجوم غزها به نیشابور و قتل و غارت در این بلد، گویند سلطان سنجر باغزها بود ولی در بند، و اسم سلطنت براو گذاشته بودند اما اعتنائی به او نمیکردند و هر وقت غذائی به او می دادند قدری از آن ذخیره می کرد که مبادا دفعه دیگر ملتفت غذا دادن او نشوند. زلزله در عراق عجم.

[سنه ۵۵۱ هجری = سنه ۱۱۵۶ مسیحی]

آسیا — سلیمان شاه بن سلطان محمد سلجوقی که به بغداد آمده بود در این سال خلیفه به او خلعت داد و او را مقلد امر سلطنت کرد و خطبه به اسم او خواندند و او باعساکر خلیفه به بلاد جبل راند که این بلاد را مستخر کند و جنگ میان او و پسر عمش سلطان محمد بن محمود بن محمد در گرفت و سلیمان شاه منهزم شد و خواست از طرف شهر زور به بغداد رود زین الدین علی کوچک نایب قطب الدین مودود بن زنگی صاحب موصل او را دستگیر نمود و در قلعه موصل او را مکرماً در حبس داشت. وفات خوارزمشاه اتسز بن محمد بن انوشکین که در سنه چهارصد و نود متولد شده

بود. سلطنت پسرش ارسلان بن اتسز بعد از او. گریختن سلطان سنجر از بند غزها و آمدن به ترمذ و از ترمذ به جیحون و رسیدن به مرو در ماه رمضان. وفات ملک مسعود بن قلیج ارسلان سلجوقی حکمران آسیای صغیر و برقرار شدن قلیج ارسلان بن مسعود به جای او. محاصره کردن ملک محمد بن سلطان محمود سلجوقی بغداد را و تحققن خلیفه در دار خلافت و در این ضمن ملک محمد شنید که برادرش ملکشاه و دکر^۱ صاحب بلاد ازان و ملک ارسلان بن ملک طغرل بن محمد داخل همدان شده اند لهذا دست از محاصره کشیده بازگشت (دکر مذکور مادر ملک ارسلان را تزویج کرده بود). حریق شدید در بغداد، وفات ابوالحسن بن خلّ شیخ شافعیّه در بغداد که زیاده از نود سال داشت، کشته شدن مظفر بن حماد صاحب بطیحه در حمام و برقرار شدن پسرش به جای او. وفات الواواء الحلّبی شاعر مشهور، وفات حکیم فیلسوف ابوجعفر بن محمد البخاری به اسفراین.

اروپا — (اسپانیول) نشان سن ژولین که به الکانترا (القنطره) موسوم است در اسپانیول ایجاد شد.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

[سنه ۵۵۲ هجری = سنه ۱۱۵۷ مسیحی]

آسیا — زلازل شدید در شام در ماه رجب که بسیاری از بلاد را خراب و ویران کرد و خلق کثیری هلاک شدند و حکمرانان شیرز که بنی منقذ بودند مخصوصاً در زیر آوار مانده و به همین جهت نورالدین زنگی در سال بعد در جمادی الاولی شیرز^۲ را تملک نمود و بر جمیع متصرفات بنی منقذ استیلا یافت. وفات سلطان سنجر در ربیع الاول و سنجر پسرخواهر خود را که محمود بن محمد بن بغراخان باشد در مرض موت خود در خراسان جانشین خویش ساخت. سلطان سنجر از سلاطین بزرگ کریم بود و مدت چهل سال در اکثر منابر اسلام خطبه به نام او بلفظ سلطان می خواندند و پیش از آن تقریباً بیست سال او را ملک می گفتند و جانشین او در خراسان خائف از غزها می زیست. گرفتن نورالدین بن زنگی بعلبک را. برگرفتن المقتفی عباسی در کعبه را

۱. کامل: ایلدکز صاحب بلاد ازان.

۲. کامل: شیرز.

که به جای آن دری مصفح به نقره مطلقاً شده ساخته نصب نمود و از در قدیمی تابوتی برای خود ترتیب داد. وفات محمد بن عبداللطیف بن محمد الخجندی رئیس اصحاب شافعی در اصفهان که مقام بلندی نزد سلاطین داشت. قحط مفرط در خراسان.

افریقا — استیلای ابوسعید بن عبدالؤمن بر غرناطه از بلاد اندلس که آنرا از ملثمین گرفت و این طایفه منقرض شدند و از برای آنها جایی جز جزیره میورقه نماند بعد ابوسعید به جزیره اندلس رانده مریه را که به دست فرنگیها بود منتزع کرد.

[سنه ۵۵۳ هجری = سنه ۱۱۵۸ مسیحی]

آسیا — آمدن ملکشاه بن سلطان محمود سلجوقی به قم و کاشان و غارت کردن این دو شهر را و برادر او سلطان محمد بن محمود که بعد از مراجعت از محاصره بغداد مریض شده بود و ناخوشی او طول کشیده نزد ملکشاه فرستاده که دست از نهب بکشد تا او را ولیعهد خود کند ملکشاه قبول نکرد و به خوزستان رفته این ولایت را ازید شمله ترکمانی منتزع نمود. وفات یحیی بن سلامة بن الحسن الحصفکی (الحضافی) شاعر شیعه در میافارقین.

[سنه ۵۵۴ هجری = سنه ۱۱۵۹ مسیحی]

آسیا — وفات سلطان محمد بن محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی در ماه ذیحجه به مرض سل در همدان که تولد او در ربیع الاخر سال پانصد و دو شده بود چون محمد محتضر شد پسری صغیر داشت او را به آقسنقر احمدیلی سپرد و گفت من می دانم عساکر از چنین طفل صغیری اطاعت نخواهند کرد تو او را محافظت کن. بالجمله پس از سلطان محمد آرا مختلف شد. طایفه ای ملکشاه برادر او را خواستند جمعی سلیمان شاه بن محمد بن ملکشاه را که در موصل حبس بود هواخواه گردیدند و آنها اکثر بودند. زمره ای ارسلان بن طغرل را که بادکوز بود خواهان شدند، و ملکشاه به اصفهان رانده این شهر را تملک نمود، بیماری سخت نسورالدین بن زنگی. استقرار

۱. کامل: وطائفة طلبوا أرسلان الذی مع أیلدکز. (در این کتاب همه جا «دکز» و در کامل همه جا «أیلدکز».)

سلطنت علی بن مهدی در یمن و زوال دولت بنی نجاح. و علی بن مهدی حمیری و اهل قریه عنبره واقع در ساحل زبید بود و ابتدای استقرار او بعد از کشته شدن فاتک بن محمد اخر ملوک بنی نجاح و غلبه بر غلامان او روز جمعه چهاردهم رجب بود، و پس از دو ماه و بیست و یکروز درگذشت، و پسرش مهدی بن علی مالک یمن گردید، وفات مهدی بن علی در تواریخ ثبت نیست همین قدر معلوم می شود که بعد از او پسرش عبدالنبی بن مهدی حکمران یمن شد، بعد یمن از تصرف او خارج شده برادرش عبدالله آنرا متصرف شد پس از چندی باز به عبدالنبی رسید تا در سال پانصد و شصت و نه توران شاه بن ایوب از مصر به یمن آمده این مملکت را فتح نمود و عبدالنبی را اسیر کرد.

اروپا — امپراطور قسطنطنیه مائوول به قصد جهاد باقشون زیاد به سمت مشرق حرکت نمود ولی قلیچ ارسلان بن مسعود بن قلیچ ارسلان حکمران آسیای صغیر او را شکست داد. (رُم) فوت آدرین چهارم پاپ و نصب الکساندر سیم به جای او.

افریقا — فتح کردن و گرفتن عبدالؤمن مهدیه را از مجاهدین فرنگ و استیلای او بر جمیع افریقیه.

[سنه ۵۵۵ هجری = سنه ۱۱۶۰ مسیحی]

آسیا — پس از وفات سلطان محمد چنانکه ذکر شد امرا به طلب عم او سلیمان شاه بن محمد که در موصل مکرمأ حبس بود فرستادند تا او را به سلطنت بردارند قطب الدین مودود بن زنگی صاحب موصل تهیه لایق به حال سلطنت برای او دید، و زین الدین علی کجک با عساکر موصل با او به همدان آمد و استقرار یافت اما از آنجا که مولع به شرب خمر بود و غفلت از کارها می نمود عساکر براو مسلط شدند و او را بگرفتند و بکشتند و این در ربیع الاخر سال بعد بود، بعد از کشته شدن سلیمان شاه دکر شوهر مادر ارسلان شاه بن طغرل با ارسلان و زیاده از بیست هزار قشون به همدان آمده خطبه به اسم ارسلان شاه خواندند و سلطنت او را شد و دکر از مادر ارسلان شاه دو پسر بهم رسانیده یکی معروف به پهلوان محمد و دیگری موسوم به قزل ارسلان عثمان. دکر خود اتابکی ارسلان شاه یافت و پسرش پهلوان که برادر مادری ارسلان شاه بود

حاجب شد و ارسلان شاه دکن را به بغداد فرستاد که به اسم او خطبه بخوانند ولی نخواندند. وفات خلیفه المقتضی لامرالله عباسی که در ربیع الاخر چهارصد و هشتاد و نه متولد شده بود مدت خلافتش بیست و چهار سال و سه ماه و شانزده روز. خلافت پسرش یوسف ملقب به المستنجد بالله که سی و دویمین خلیفه عباسی بود. وفات خسرو شاه بن بهرام شاه غزنوی و برقرار شدن پسرش ملکشاه بجای او. و بعضی خسرو شاه را آخرین سلاطین غزنوی دانسته اند چنانکه پیش اشاره نمودیم. وفات ملکشاه بن محمود بن محمد بن ملکشاه بن الب ارسلان که در اصفهان او را مسموم کردند و درگذشت. حج اسد الدین شیرکوه بن شاذی سردار عساکر نورالدین محمود بن زنگی.

اروپا — طایفه المهاد (مهدیین) که عبدالمؤمن پادشاه آنهاست چون در اسپانیول اقتداری بهم رسانیده در حوالی جبل الطارق به امر عبدالمؤمن شهری بنا کردند و آنرا جبل الفتح نامیدند و این بمقیده مؤرخین اروپ است. اما در تواریخ آسیا نوشته اند عبدالمؤمن در سال پانصد و پنجاه و شش خود به اسپانیول آمده این شهر را بنا کرد.

افریقا — وفات الفایز بنصرالله ابوالقاسم عیسی بن اسمعیل الظافر خلیفه علوی مصر که شش سال و دوماء خلافت کرد و وقتی خلیفه شد سه ساله یا پنج ساله بود. بعد از الفایز صالح بن زریک العاضد لدین الله ابومحمد عبدالله بن امیر یوسف بن الحافظ را به خلافت برداشت و العاضد نیز بیش از ده دوازده سال نداشت و صالح دختر خود را در حباله نکاح او درآورده جهاز بی حسابی با او به خانه العاضد فرستاد.

[سنه ۵۵۶ هجری = سنه ۱۱۶۰ مسیحی]

آسیا — وفات ملک علاءالدین حسین بن حسین غوری در ربیع الاخر که پادشاه عادل نیک سیرتی بود، برقرار شدن برادرش غیاث الدین محمد به جای او. آمدن المؤید ایبه^۱ به نشابور و گرفتن اعیان این بلد را که رؤسای سارقین و مفسدین بودند و نهب و خرابی نشابور که بکلی منهدم و بی سکنه شد و امر کردن ایبه به ساختن شهر شادباخ (شادباخ) که از بناهای عبدالله بن طاهر ذوالیمینین و خراب بود. کشته شدن

۱. کامل: المؤید ای به (همه جا در این کتساب «ایبه» و در کامل «ای به».)

قاسم بن ابی فلتة^۱ بن قاسم بن ابوهاشم علوی حسینی امیر مکه به دست ملازمان عم خود عیسی بن قاسم بن ابوهاشم و برقرار شدن عیسی بن قاسم به جای او. گرفتن قرارسلان صاحب حصن کیفا قلعه شاتان را که از اکراد بود و خراب کردن این قلعه را و قراردادن اعمال آن را از مضافات حصن طالب.

اروپا — آمدن عبدالمؤمن بشخصه به اسپانیول به عقیده مورخین فرنگ.

افریقا — کشته شدن ملک صالح بن رزیک وزیر العاضد علوی خلیفه مصر به تحریک عمه العاضد و قبل از آنکه صالح بمیرد العاضد عمه خود را گرفته نزد صالح فرستاد و صالح او را بکشت و از العاضد خواش کرد که پسرش رزیک بن صالح را وزارت دهد.

[سنه ۵۵۷ هجری = سنه ۱۱۶۱ مسیحی]

آسیا — آمدن گرجیها باجمعیّت زیاد به طرف آذربایجان و گرفتن شهر دؤین را از اعمال آذربایجان و جنگ دکنز^۲ حکمران آذربایجان با گرجیها و غلبه کردن بر آنها. قتال فیما بین حکمران مکه و امیر حاج که به این واسطه بعضی از حاج نتوانستند طواف کنند، وفات کیا القنهاجی (الصباحی) صاحب الموت رئیس اسمعیلیّه و برقرار شدن پسرش به جای او و اظهار توبه کردن از قبول این مذهب. وفات شیخ عدی بن مسافر زاهد به بلد هکاریه از اعمال موصل که اصل او شامی و از بلد بعلبک بود و اهل سواد و جبال این نواحی به او اعتقادی داشتند. کسوف کلی.

اروپا — شهر میلان در ایتالیا مفتوح فریدریک اول امپراطور آلمان گردید.

[سنه ۵۵۸ هجری = سنه ۱۱۶۲ مسیحی]

آسیا — تملک المؤید ایبه قومس را و فرستادن سلطان ارسلان بن طغرل برای او خلعت ولوا و هدایا و خطبه خواندن به اسم او در بلاد او. شکست خوردن نورالدین بن زنگی از

۱. کامل: قاسم بن فلیته.

۲. کامل: شمس الدین ایلدکز

مجاهدین در وقتیکه در بقیعه در زیر حصن اکراد باعسا کر خود اردو داشت و آمدن به بحیره (دریاچه)^۱ حیص که در اینجا بقیة السیف ملازمانش به او پیوستند. امر کردن المستجد خلیفه به کوچانیدن بنی اسد که از اهل حله بودند به جهة فسادیکه در بلاد می نمودند و کشته شدن جمعی از این طایفه و متفرق شدن باقی در بلاد که اراضی آن به تصرف شخصی معروف به ابن معروف درآمد. وفات سدید الدوله محمد بن عبدالکریم بن ابراهیم معروف به ابن انباری کاتب انشاء دارالخلافه که مرد فاضل ادیبی بود و تقریباً نود سال عمر کرده.

اروپا — کلیسای بزرگ پاریس موسوم به نتردام در این سال ساخته شد. چون عبدالؤمن بن علی حکمران بلاد مغرب و افریقته و اندلس در ماه جمادی الآخره این سال درگذشت به موجب وصیت او پسرش یوسف در اسپانیول و مارک جلوس نمود، مدت حکمرانی عبدالؤمن سی و سه سال و چند ماه بوده.

افریقا — کشته شدن عادل رزیک بن صالح وزیر العاضد خلیفه مصر به دست ملازمان شاور که از خدام پدرش بود و در سعید مصر حکمرانی داشت و می خواست او را معزول کند و چون رزیک کشته شد دولت بنی رزیک منقرض گردید و بعد از او شاور به وزارت رسید و امیر الجیوش لقب یافت بعد از آن ضرغام مدعی وزارت شد و باشاور جنگ کرده او را منهزم نمود و شاور به شام آمد که از نورالدین استمداد نماید و ضرغام به جای او وزارت یافت و برای استقلال خود بسیاری از امرای مصر را بکشت و این سبب ضعف دولت شد.

[سنه ۵۵۹ هجری = سنه ۱۱۶۳ مسیحی]

آسیا — گرفتن نورالدین زنگی قلعه حارم و بانیاس را که بتصرف مجاهدین فرنگ بود و قتل و اسر بسیاری از این جماعت و اخذ غنائیم کثیره. وفات جمال الدین ابوجعفر محمد بن علی بن ابومنصور اصفهانی وزیر قطب الدین مودود بن زنگی صاحب موصل که نعش او را اسدالدین شیرکوه بنابر معاهده ای که داشتند به مدینه منوره فرستاده در محلی دفن کردند که پانزده ذراع بامضجع حضرت رسول (ص) فاصله داشت، و مآثر جمال الدین

۱. کامل: «وَنَزَلَ نُوْرُ الدِّینِ عَلٰی بَحِیرَةِ قُدْسٍ بِالْقُرْبِ مِنْ جَمْعٍ».

از بنای قلعه مدینه و مسجد در کوه عرفات و سقاخانه‌ها در عرفات و غیرها بسیار است، وفات نصر بن خلف حکمران سجستان که زیاده از صد سال عمر داشت و هشتاد سال حکمرانی نموده بود. وفات عور خوارزمی خطیب و مفتی بلخ و قاضی ابوبکر محمودی (حمیدی) صاحب تصانیف و اشعار که مقاماتی به سبک حریری در فارسی نوشته است (مقامات حمیدی معروف است).

افریقا - غلبه شاور بر ضرغام به معاونت عساکر نورالدین زنگی به سرکردگی اسدالدین شیرکوه و کشته شدن ضرغام و رسیدن شاور مجدداً به وزارت العاضد خلیفه علوی مصر که پس از استقلال با نورالدین غدر نمود.



[سنه ۵۶۰ هجری = سنه ۱۱۶۴ مسیحی]

آسیا - وفات رستم بن علی بن شهریار بن قارن پادشاه مازندران و برقرار شدن پسرش علاءالدین الحسن بجای او تملک المؤید ابیه هرات را. جنگ میانه قلیج ارسلان حکمران آسیای صغیر و بلاد مجاور آن که به تصرف رومیهای رومیه الصغری بود، همچنین جنگ باغی ارسلان بن دانشمند صاحب ملطیه بابلاد مجاور که آنها نیز از رومیها بود و مردن باغی ارسلان در این بین و برقرار شدن برادرش ابراهیم بن محمد بن دانشمند به جای او و استیلای ذوالنون بن محمد بن دانشمند بر قیساریه و تملک شاهان شاه بن مسعود برادر قلیج ارسلان انگوریته (عموریه) را و صلح فیما بین این جمله. وفات عون الدین وزیر ابن هبیره یحیی بن محمد بن مظفر که المقتفی می گفت احدی مثل او وزارت بنی عباس ننموده. وفات ابوالقاسم عمر بن عکرمه بن البرزلی فقیه شافعی که اهل جزیره ابن عمر بود. وفات ابوالحسن هبة الله بن صاعد، معروف به امین الدولة بن تلمیذ که از معمرین و طبیب دارالخلافه و مردی حاذق و فاضل و از قسّسین ناصری بود و در علوم و ادب یدی طولی داشت و اصابت رای و فهم او معروف است، و از مصنفات جلیله او یکی قرابادین می باشد که معتمد علیه اطبّاست. وفات حجة الافاضل علی بن محمد نحوی.

[سنه ۵۶۱ هجری = سنه ۱۱۶۵ مسیحی]

آسیا - گرفتن نورالدین زنگی حصن المنتطره^۱ را که واقع در شام است و در تصرف مجاهدین فرنگ بود. وفات شیخ عبدالقادر بن ابوصالح گیلانی مکتبی به ابومحمد که مقیم بغداد و حنبلی مذهب بود و مدرسه و رباط او در بغداد مشهور است. تولد شیخ عبدالقادر در سنه چهارصد و هفتاد بود. شیوع مذهب تشیع.

[سنه ۵۶۲ هجری = سنه ۱۱۶۶ مسیحی]

آسیا و افریقا - فرستادن اسدالدین شیرکوه لشکر عمده‌ای به مصر و استیلای او برجیزه، و استمداد شاور از فرنگیها که بامصریها به طرف صعید بر اثر شیرکوه رفتند، و در شهریکه او را ایوان می گفتند تلافی کرده مصریها و فرنگیها منهزم شده و شیرکوه بر بلاد جیزه مستولی شده و اسباب نگاهداری آن را فراهم آورده، و به اسکندریه رفت و این شهر را نیز تملک نمود و پسر برادر خود صلاح الدین یوسف بن ایوب را در اسکندریه گذاشته خود به طرف صعید معاودت نمود. لشکر مصر و فرنگ صلاح الدین را در اسکندریه محاصره کرده سه ماه محصور بود تا شیرکوه بدان طرف راند و بر صلح اتفاق نمودند. به اینکه مبلغی به شیرکوه بدهند بنابراین اسکندریه را به مصریها تسلیم نموده و شیرکوه به شام بازگشت و میانه فرنگیها و مصریها نیز صلح شد به اینکه شحنه‌ای از آنها در مصر باشد و دروازه‌های مصر را سواران آنها داشته باشند و هر سال صد هزار دینار از دخل مصر به آنها بدهند. فتح کردن نورالدین صافیثا و غریبه (عربیّه^۱) را. عصیان غاز بن حسان صاحب منبج بر نورالدین که نورالدین لشکری فرستاده منبج را بگرفتند و بعد از آن به اقطاع قطب الدین ینال بن حسان برادرزاده غازی مذکور داد و به دست او بود تا صلاح الدین یوسف بن ایوب در سنه پانصد و هفتاد و دو از او بگرفت. وفات فخرالدین قراارسلان بن داود بن سقمان بن ارتق صاحب حصن کیفا که پسرش نورالدین محمود بن قراارسلان به جای او برقرار شد. وفات عبدالکریم ابوسعید بن محمد بن منصور بن ابوبکر المظفر السمعانی المروزی فقیه شافعی صاحب تصانیف مشهوره (سمعان بطنی است از تمیم)

۱. نسخه بدل: المنیطره (مؤلف).

۱. کامل: غریبه.

[سنه ۵۶۳ هجری = سنه ۱۱۶۷ مسیحی]

آسیا - مفارقت کردن زین الدین علی کجک بن بکتکین نایب قطب الدین مودود بن زنگی صاحب موصل از خدمت قطب الدین واستقرار او به اربل، و اربل و بعضی بلاد دیگر اقطاع زین الدین بود او به اربل اقتصار نموده باقی را به قطب الدین واگذار کرد و زین الدین مذکور کور و گور شده بود. وفات ابوالنجیب سهروردی از مشایخ^۱

[سنه ۶۵۴ هجری = ۱۱۶۸ مسیحی]

آسیا - منتزع نمودن نورالدین محمود قلعه جعبر را از دست شهاب الدین مالک بن علی بن مالک بن سالم بن مالک بن بدران بن مقلد بن مسیب بن عقیلی. جنگ مابین اینانج صاحب ری و دکر و غلبه دکر و گرفتن ری را و گریختن اینانج و محصور شدن در یکی از قلاع و کشتن اینانج او را به تحریک دکر. وفات شیخ ابومحمد فارقی از زهار معروف به کرامات. وفات یاروق ارسلان ترکمانی که طایفه یاروقیه منسوب به او می باشند و عمارات معروف به یاروقیه در ساحل قویق از بنای او و اتباع او است.

افریقا - چون فرنگیها بر بلاد مصر غلبه کردند خلیفه مصر العاضد نزد نورالدین بن زنگی فرستاده استغاثه نمود نورالدین شیرکوه را با تهیه و قشون و چند نفر از امرا که از جمله صلاح الدین یوسف بن ایوب پسر برادر شیرکوه بود به مصر فرستاد و صلاح الدین کمال کراحت را از رفتن به مصر داشت (عسی ان تکرهوا شیشا الخ) همینکه شیرکوه نزدیک به مصر رسید فرنگیها به بلاد خود بازگشتند و شیرکوه به قاهره رسید و بالعاضد ملاقات کرده العاضد به او خلعت داد و برای او و عساکر او اجراهای وافره قرار داد. اما شاور وزیر العاضد در اموالیکه باید باثلث بلاد مصر برای نورالدین مقرر دارد باز ملاحظه می نمود و به همین واسطه کشته شد و العاضد به شیرکوه خلعت وزارت داد و ملقب به ملک منصور امیر الجیوش نمود و در دارالوزاره که جای شاور بود منزل داد و فرمانی برای او با کمال احترام نوشته جمیع امور خلافت را به او تفویض کرد

۱. کامل: الشیخ ابوالنجیب الشهرزوری.

چون اسدالدین شیرکوه مستقل شد و منازعی برای او نماند در روز شنبه بیست و دویم جمادی الاخره در گذشت و تمام مدت حکمرانی او دوماه و پنجروز شد. بعد از او العاضد به صلاح الدین یوسف بن ایوب خلعت وزارت داد و امرا همه به تدریج او را اطاعت کردند و دولت آل ایوب ابتدا نمود و صلاح الدین در اطاعت نورالدین بن زنگی مجید بود و نورالدین هر وقت نامه باوی می نوشت او را امیر سپهسالار خطاب می کرد بعد از آن صلاح الدین نزد نورالدین فرستاده پدرش ایوب را با هر کس که داشت طلبید نورالدین آنها را به مصر فرستاد و صلاح الدین اقطاع از بلاد مصر به آنها داد و در این مملکت متمکن شدند و کار العاضد رو به ضعف نهاد صلاح الدین شرب خمر می نمود همینکه امر حکمرانی بر او مقرر شد از شرب و اسباب لهو اعراض و توبه نمود و بکار پرداخت.

توضیح

اسدالدین شیرکوه و ایوب برادرش پسران شاذی بودند از اهالی شهر دُوَین به موجب نگارش ابن اثیر اصل آنها از اکراد روادیه بوده به هر حال به عراق آمدند و به خدمت بهروز که از جانب سلاجقه شحنة بغداد بود پرداختند و ایوب بزرگتر از شیرکوه بود و بهروز آنها را مستحفظ قلعه تکریت کرد چون عماد الدین زنگی از عسکر خلیفه شکست خورد و به تکریت گذشت ایوب و شیرکوه به او خدمت کردند، بعد شیرکوه یکنفر را در تکریت کشت، بهروز به این واسطه آنها را از تکریت اخراج کرد. ایوب و شیرکوه به خدمت عمادالدین زنگی آمدند عمادالدین آنها را پذیرفته اقطاع جلیله داد همینکه قلعه بعلبک را گرفت ایوب را مستحفظ آن قرار داد بعد از وفات زنگی عسکر دمشق بعلبک را محاصره کردند ایوب بعلبک را به آنها تسلیم کرد و در عوض اقطاع بزرگی از آنها دریافت نمود و ایوب از بزرگترین امرای عسکریه دمشق محسوب شد و شیرکوه با نورالدین محمود بن زنگی بود و به واسطه شجاعتی که داشت نورالدین جمعی و رحبه و بعضی جاهای دیگر را به اقطاع او داده بود و او را سردار عساکر خود نموده چون نورالدین قصد تملک دمشق کرد امر کرد به شیرکوه که در این باب با برادرش ایوب مکاتبه کند، ایوب در این مسئله مساعد نورالدین شد و بودند با نورالدین تا مأمور به مصر شدند چنانکه ذکر نمودیم.

[سنه ۵۶۵ هجری = سنه ۱۱۶۹ مسیحی]

آسیا - زلزله عظیمه که شام را خراب کرد و نورالدین به ساختن دیوار دور شهرها پرداخت و بلاد را حفظ کرد و این زلزله در بلادیکه به تصرف مجاهدین فرنگ بود نیز خیلی خرابی نمود. وفات قطب الدین مودود بن زنگی بن آقسنقر صاحب موصل که بعد از او رجال دولت بر حکمرانی پسر کوچکش سیف الدین غازی اتفاق کردند و پسر بزرگش عمادالدین نزد عم خود نورالدین رفت که از او استمداد نماید. عمر قطب الدین تقریباً چهل سال و مدت حکمرانش بیست و یکسال و پنجمه و نیم. وفات ملک طغرل بیک بن قاوردبیک پادشاه کرمان و اختلاف میان اولاد او بهرامشاه و ارسلانشاه و مردن ارسلانشاه که بزرگتر بود و استقرار بهرامشاه در ملک کرمان. وفات مجدالدین ابوبکر بن دابه^۱ رضیع نورالدین که حلب و حارم و جعفر از اقطاع او بود. دادن نورالدین اقطاع مجیرالدین را برادرش علی بن دابه^۲ وفات محمد بن محمد بن ظفر صاحب کتاب سلوان المطاع و مصنفات دیگر و اصل محمد از صقلیه بود و در حماة وفات نمود.

اروپا - تشکیل پادشاه در ناپل از ممالک ایتالیا.

افریقا - محاصره کردن مجاهدین فرنگ شهر دمیاط را که از یکطرف صلاح الدین بن ایوب حمله سخت بر آنها نموده از طرف دیگر نورالدین به متصرفات شامات آنها پرداخت ناچار مجاهدین دست از محاصره کشیده مراجعت کردند.

[سنه ۵۶۶ هجری = سنه ۱۱۷۰ مسیحی]

آسیا - وفات المستنجد بالله ابوالمظفر یوسف بن المقتفی عباسی در نهم ربیع الآخر که در اول ربیع الآخر سنه پانصد و ده متولد شده بود. خلافت پسرش المستضیی بالله حسن مکتبی به ابومحمد، استیلای نورالدین بر موصل که بدست پسر برادرش سیف الدین غازی بن مودود بود و بعد از استیلا آن را به سیف الدین مذکور بخشید و

۱. کامل: ابوبکر بن دابه.

۲. کامل: علی بن دابه.

سنجار را به عمادالدین زنگی ابن مودود داد، و عمادالدین از سیف الدین بزرگتر بود. استیلای خزر بر بعضی از بلاد ارمنیه و کشتن سی هزار نفر از مسلمانان را.

افریقا - استیلای صلاح الدین بن ایوب بر بعضی از متصرفات مجاهدین فرنگ. عزل کردن صلاح الدین قضاة شیعه مصر را که از شافعیها به جای آنها گذاشت. وفات قاضی بن الخلال از اعیان فضلا و کتاب مصریین که صاحب دیوان انشا بود.

[سنه ۵۶۷ هجری = سنه ۱۱۷۱ مسیحی]

آسیا - وحشت میانة نورالدین بن زنگی و صلاح الدین بن ایوب. انهزام عسکر خوارزمشاه از لشکر ختا. تربیت کردن نورالدین در شام کبوتران نامه بر را. وفات ابومحمد عبدالله بن احمد بن احمد المعروف به ابن خشاب بغدادی عالم مشهور در ادب و نحو و تفسیر و حدیث.

اروپا - (انگلیس) هانری دویم در صدد فتح والحا ق ایرلند به مملکت خود می باشد (ایتالیا) ایجاد بانک در مملکت ونیز.

افریقا - امر کردن نورالدین به صلاح الدین که خطبه خلفای مصری را قطع کند و به اسم خلفای عباسی در مصر خطبه بخواند و در این ضمن العاضد خلیفه علوی مصر ناخوش شد و مرض او اشتداد یافت در این حال صلاح الدین خطبه او را قطع کرد و به اسم المستضی عباسی خطبه خواند و العاضد در روز عاشورا درگذشت بدون اینکه بداند خطبه او قطع شده و اموال و نفایس و جواهر زیاد خلافت به تصرف صلاح الدین درآمد و دولت خلفای علوی مصر منقرض شد. خلفای مصر چهارده نفر بودند و مدت خلافتشان تقریباً دو یست و هفتاد و دو سال بود. چون خبر به بغداد رسید که در مصر خطبه به اسم المستضی خوانده اند نقاره خانه زدند و خلیفه خلعت برای نورالدین و صلاح الدین فرستاد و صلاح الدین بالاصاله در مصر استقلال یافت.

[سنه ۵۶۸ هجری = سنه ۱۱۷۲ مسیحی]

آسیا - وفات خوارزمشاه ارسلان بن اتسز بن محمد بن انوشکین که بعد از او

پسرش سلطان شاه محمود به جای پدر برقرار شد و چون صغیر بود مادرش به تدبیر ملک پرداخت و علاءالدین تکش پسر بزرگتر ارسلان بن اتسز در جند بود چون از فوت پدرش و جلوس برادرش مطلع شد براو دشوار آمده از لشکر ختا استمداد نموده به جنگ برادرش سلطان شاه پرداخت و سلطان‌شاه نیز از ملوک اطراف کمک خواسته و جنگ در میان دو برادر دایر بود تا در سال پانصد و هشتاد و نه سلطان‌شاه بمرد و علاءالدین تکش در مملکت خوارزم استقرار یافت و در جنگ میانه ایندو برادر المؤید ایبه به دست تکش مقتول شد و پسرش طغان‌شاه جای او بگرفت. وفات شمس‌الدین دکمز به همدان و برقرار شدن پسرش محمد پهلوان به جای او. تاختن نورالدین محمود بر بلاد قلیج ارسلان بن مسعود و گرفتن چند بلد را و طلب صلح نمودن قلیج ارسلان از او که نورالدین گفت اگر ملطیه را که از ذوالنون دانشمند گرفته به اورده می کنی من باتو صلح می نمایم، قلیج ارسلان سیواس را به ابن دانشمند داد و صلح کردند اما بعد از فوت نورالدین قلیج ارسلان سیواس را از ابن دانشمند باز پس گرفت. وفات ابونزار حسن بن ابوالحسن صافی بن عبدالله بن نزار نحوی معروف به ملک النحاة. زلزله در شام.

اروپا - جنگ ابویعقوب بن عبدالمؤمن در بلاد فرنگیهای اندلس.

افریقا - رفتن طایفه ای از ترک بهمراهی قراقوش که مملوک تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب بود به افریقیه و گرفتن طرابلس غرب را و استیلای قراقوش بر اکثر بلاد افریقیه. وفات ایوب پدر صلاح الدین حکمران مصر در بیست و هفتم ذیحجه.

[سنه ۵۶۹ هجری = سنه ۱۱۷۳ مسیحی]

آسیا - وفات ملک عادل نورالدین محمود بن عمادالدین زنگی بن آقسنقر صاحب شام و دیار جزیره و غیره در روز یازدهم شوال در قلعه دمشق، و تولد نورالدین در سنه پانصد و یازده بود و در مصر و حرمین و یمن نیز به اسم او خطبه می خواندند و مآثر و فضایل نورالدین بسیار است و عیسویها کمال خوف را از او داشتند. برقرار شدن پسرش ملک صالح اسمعیل بن نورالدین به جای او در یازده سالگی و صلاح الدین در مصر از او اطاعت کرده خطبه به اسم او خواند و سگه به اسم او زد و مدبر ملکی

ملک صالح شمس الدین محمد بن عبدالملک معروف به ابن مقدم بود پس از فوت نورالدین سیف الدین غازي بن قطب الدین مودود جميع بلاد جزيره را تصرف نمود.

افریقا — فرستادن صلاح الدین برادرش توران شاه را بالشکری به یمن و استیلای توران شاه بر بلاد این مملکت و برعدن. کشتن صلاح الدین جماعتی از اعیان مصر را که می خواستند براو شورش کنند و دوباره دولت علویین را برقرار نمایند و از جمله مقتولین عمارة بن علی یمنی شاعر فقیه صاحب اشعار جید بود.

[سنه ۵۷۰ هجری = سنه ۱۱۷۴ مسیحی]

آسیا — گرفتن صلاح الدین یوسف بن ایوب شهر دمشق و حمص و حماة را بشخصه و گذاشتن برادرش سیف الاسلام طغتكین بن ایوب را در دمشق و قطع کردن خطبه ملک صالح را و محو کردن اسم او را از سکه. منتزع نمودن صلاح الدین قلعه بارین را از فخرالدین مسعود بن زعفرانی و فخرالدین از اکابر امرای نوریه بود. گرفتن پهلوان بن دکز تبریز را از ابن آقسنقر احمد یلی، وفات شمله ترکمانی صاحب خوزستان که پسرش به جای او برقرار شد. اختلاف مابین خلیفه عباسی و قطب الدین قیماز^۲ سرکرده قشون بغداد که خانه قیماز را غارت کردند و خود او به حله گریخت و از حله روبرو به موصل نهاده اکثر ملازمانش در راه از تشنگی مردند و خود او نیز به موصل نرسیده درگذشت، و پس از گریختن قیماز خلیفه عضدالدین وزیر را در ثانی وزارت داد.

[سنه ۵۷۱ هجری = سنه ۱۱۷۵ مسیحی]

آسیا — انهزام سیف الدین غازي صاحب موصل از سلطان صلاح الدین در تل السلطان و گرفتن صلاح الدین بزاعه و منبج و اعزاز را. و در محاصره اعزاز یکی از اسمعیلیها زخمی به سر صلاح الدین زده و اسمعیلی به حکم صلاح الدین کشته شد و

۱. کامل: فی هذه السنة ملک البهلوان إیلدکزمدينة تبریز.

۲. کامل: قطب الدین قایماز.

بعد از فتح اعزاز صلاح الدین به حلب راند و این شهر را محاصره نمود، و ملک صالح بن نورالدین در حلب بود و در اثنای محاصره سال بسر رسید و اهل حلب طلب صلح از صلاح الدین نمودند، و او قبول کرد و دختر صغیری از نورالدین محمود نزد صلاح الدین آوردند و اموال کثیری به آن دختر داد و گفت چه می خواهی گفت قلعه اعزاز را می خواهم و این فقره را به دختر آموخته بودند صلاح الدین آن قلعه را به او وا گذاشت و صلح برقرار شده صلاح الدین در بیستم محرم سال پانصد و هفتاد و دو مراجعت نمود. در این سال امیر حاج عراقی طاشتکین بود و خلیفه عباسی به او حکم کرد مکر بن عیسی حکمران مکه را عزل کند و میانه مکر و حجاج جنگ در گرفت مکر به بیابان گریخت و برادرش داود در مکه بجای او بماند. آمدن شمس الدوله تورانشاه بن ایوب از یمن به شام و اعلام نمودن به صلاح الدین وصول خود را به این مملکت. وفات حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله المعروف به ابن عساكر ملقب به نورالدین الدمشقی از ائمه حدیث و اعیان فقهای شافعی مصنف تاریخ دمشق در هشتاد مجلد به وضع تاریخ بغداد زلزله در ایران و ماوراءالنهر.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

[سنه ۵۷۲ هجری = سنه ۱۱۷۶ مسیحی]

آسیا — وفات قاضی جمال الدین محمد بن عبدالله بن قاسم شهرزوری قاضی دمشق و جمیع شام. راندن صلاح الدین بن ایوب به بلد اسمعیلیه و غارت کردن آن و محاصره کردن قلعه مصیاف را و فرستادن سنان رئیس اسمعیلیه نزد شهاب الدین الحارمی صاحب حماة که خال صلاح الدین بود و طلب صلح کردن و توسط حارمی و قبول کردن صلاح الدین و چون از وقتیکه صلاح الدین شام را متصرف شده به مصر نرفته بود عزیمت مصر نمود.

افریقا — امر کردن صلاح الدین به ساختن دیواری دور مصر و قاهره و قلعه که بر روی کوه مقطم بود. ساختن صلاح الدین مدرسه در قراة در پهلوی مقبره شافعی.

[سنه ۵۷۳ هجری = سنه ۱۱۷۷ مسیحی]

آسیا — خطبه خواندن به اسم طغرل بن ارسلان بن طغرل بن سلطان محمد بن

ملک‌شاه که در بلاد دکر مقیم بود. وفات عبدالدین وزیر خلیفه عباسی که اسمعیلیه او را مجروح کردند و درگذشت. وفات صدقه بن حسین الحداد که ذیلی از برای تاریخ ابن زعفرانی به بغداد نوشته. گرفتن ملک صالح اسمعیل بن نورالدین سعدالدین کمشتکین صاحب حلب را که غلبه بر کارها کرده بود و قلعه حارم در تصرف کمشتکین بود، ملک صالح نزد ملازمان کمشتکین فرستاد که حارم را تسلیم کنند آنها تمکین نکردند کمشتکین فرستاد و امر به تسلیم قلعه نمود باز قبول نکردند ملک صالح امر به آزار و عذاب کمشتکین نمود تا قلعه را کسان او تسلیم کنند آنها آن عذاب را دیده و ترحم بر آقای خود نکردند و در شکنجه بمرء، بعد از آن مجاهدین فرنگ چهارماه این قلعه را در بند محاصره داشتند ملک صالح مبلغی نزد آنها مال المصالحه فرستاده تا دست از محاصره کشیده رفتند بعد ملک صالح لشکری به حارم کشیده بدون جنگ قلعه را متصرف شد. محاصره مجاهدین فرنگ حماه را که برفتح آن نایل نشدند. وفات شهاب الدین حارمی صاحب حماه وفات رشید الدین محمد وطواط شاعر معروف عجم، زلزله در بغداد.

اروپا — ڈرهای ونیزی یعنی رؤسای جمهور سالی یک مرتبه به دریا رفته انگشتی طلائی از انگشت بیرون آورده به دریا می اندازند و این علامت است که دریای ادریاتیک را به مزاجت خود درآوردند و این رسم چند صد سال برقرار می ماند.

افریقا — شکست سخت صلاح الدین بن ایوب پادشاه مصر در سرحد شام از مجاهدین فرنگ و هزیمت و فرار او به مصر.

[سنه ۵۷۴ هجری = سنه ۱۱۷۸ مسیحی]

آسیا — غلای عام در بلاد که بعد از آن و بای شدید بروز کرد. وفات حصیص^۱ شاعر که اسمش سعد بن محمد بن سعد بود. وفات شهدة بنت احمد بن عمر الابری از علما که تقریباً صد سال عمر کرده بود.

افریقا — دادن صلاح الدین پادشاه مصر بعلبک را به اقطاع برادرش توران شاه. فرستادن

۱. نسخه بدل: حصیص بیص (مؤلف) در کامل نیز حصیص بیص

صلاح الدین پسر برادرش تقی الدین عمر با به حماة و پسر عم خود محمد بن شیرکوه را به جنص و استقرار آنها در این بلاد.

[سنه ۵۷۵ هجری = سنه ۱۱۷۹ مسیحی]

آسیا — جنگ میانه عساكر قلیج ارسلان بن مسعود حکمران آسیای صغیر و تقی الدین عمر بن شاهنشاه که عساكر قلیج ارسلان بیست هزار نفر بودند و تقی الدین با هزار سوار آنها را شکست داد. وفات المستضی به امر الله عباسی در دو یم ذیقعد که در سال پانصد و سی و شش متولد شده بود و نه سال و هفت ماه خلافت کرده. خلافت پسرش الناصر لدین الله.

افریقا — فتح کردن صلاح الدین پادشاه مصر قلعه ای را که مجاهدین فرنگ در نزدیکی مخاضة الاحران (الاجران)^۱ در حوالی بانیاس قرب خانه حضرت یعقوب (ع) ساخته بودند. درخواست شمس الدولة تورانشاه برادر صلاح الدین از صلاح الدین که به جای بعلبک اسکندریه را به او دهد. قبول کردن صلاح الدین این درخواست را که تورانشاه به اسکندریه آمده در این بلد اقامت داشت تا بمرد، و بعلبک را صلاح الدین به عزالدین فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب به اقطاع داد.

[سنه ۵۷۶ هجری = سنه ۱۱۸۰ مسیحی]

آسیا — وفات سیف الدین غازی بن مودود بن زنگی بن آقسنقر صاحب موصل و دیار جزیره در سیم صفر به مرض سل که عمرش سی سال و حکمرانیش ده سال و سه ماه بود و سیف الدین برادر خود عزالدین مسعود را جانشین خود کرده و جزیره ابن عمر و قلاع آن را به پسر خود سنجر شاه داد و مجاهد الدین قیماز از جانب سنجر مدبر امور مملکت شد. وفات حکیم سنائی حکیم و عارف و شاعر مشهور عجم.

اروپا — سلاطین فرانسه به مهر سلطنتی خود شکل گل مریم نقش می کنند و این در سلطنت فلیپ دویم بود و این نشان خانواده سلطنت فرانسه شد.

افریقا - وفات شمس الدولة توران شاه بن ایوب برادر صلاح الدین اکبر در اسکندریه که اکثر بلاد یمن نیز او را بود. رسیدن سلطان صلاح الدین به مصر که پسر برادر خود عزالدین فرخشاه بن ایوب صاحب بعلبک را در شام جانشین خود کرده بود.

[سنه ۵۷۷ هجری = سنه ۱۱۸۱ مسیحی]

آسیا - وفات ملک صالح اسمعیل بن نورالدین محمود بن زنگی بن آقسنقر صاحب حلب در نوزده سالگی که به موجب وصیت او عم او عزالدین مسعود صاحب موصل حلب را تملک نمود ولی بعد برادر مسعود عمادالدین از او درخواست نمود که حلب را به او دهد و سنجار را در عوض بگیرد و چنین کردند. وفات ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد بن ابوسعید النحوی معروف به ابن انباری به بغداد که فقیه بود و صاحب تصانیف حسنه در نحو. عزم کردن پرنس صاحب کرک^۱ رفتن به مدینه طیبه را و استیلا نمودن بر این نواحی که فرخشاه نایب صلاح الدین به دمشق خبر شده لشکری به دفع او حرکت داده مانع مرام او گردید. اختلاف میان ثواب توران شاه به یمن که صلاح الدین جمعی از امراء را با عساکر به این مملکت فرستاده اختلاف را رفع کردند.

[سنه ۵۷۸ هجری = سنه ۱۱۸۲ مسیحی]

آسیا - آمدن سلطان صلاح الدین بن ایوب از مصر بشام که دیگر به مصر معاودت ننمود. گرفتن صلاح الدین در بین راه مصر و شام غنایم از مجاهدین فرنگ که در این خط راه بودند. گرفتن فرخ شاه پسر برادر صلاح الدین که نایب او به دمشق بود شقیف و بلاد مجاور او را از مجاهدین مذکور. فرستادن سلطان صلاح الدین برادرش سیف الاسلام طغتكسین را به یمن و مصفی نمودن سیف الاسلام این مملکت را. گرفتن صلاح الدین رها ورقه و قرقیسیا و ماکسین و عربان^۲ و خابور و نصیبین را. فرستادن صاحب کرک

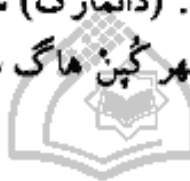
۱. کامل: «إن البرنس أرناط صاحب الكرک کان من شياطين الفرنج و مردتهم» منظور فرمانروای

گرک یعنی یونان است.

۲. کامل: عربان.

سفاین در دریا که بعضی از آنها به محاصره ائله پرداختند و برخی در نزدیکی عینذاب در سواحل آشوب می کردند و در این وقت ابوبکر برادر صلاح الدین از جانب او در مصر نایب بود و کشتیها با حسام الدین حاجب موسوم به لؤلؤ که امر سفاین دیار مصر را متصدی بود به دفع سفاین و عساکر پرنس فرستاده حسام الدین آنها را بکشت و براند. وفات عزالدین فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب صاحب بعلبک که در دمشق نایب صلاح الدین بود و صلاح الدین بعلبک را به اقطاع پسرش بهرامشاه بن فرخشاه داد، وفات مسعود بن محمد بن مسعود نیشابوری فقیه شافعی ملقب به قطب الدین در دمشق. وفات ابوالعباس احمد بن علی بن رفاعی از سواد واسط.

اروپا - وفات خلف بن عبدالملک بن مسعود بن بشکوال الخزرچی الانصاری از علمای اندلس در کردو (قرطبه) و خلف صاحب تصانیف مفیده است. (فرانسه) طایفه یهود از فرانسه جلای وطن کردند. (دانمارک) سلطنت کانوت ششم در دانمارک. شهر دانزیگ در ساحل و یستون و شهر گن هاگ در دانمارک بنا شد.

[سنه ۵۷۹ هجری = سنه ۱۱۸۳ مسیحی] 

آسیا - گرفتن سلطان صلاح الدین قلعه آمدرا بعد از محاصره و دادن آنرا به محمد بن قراارسلان بن داود بن سقمان. بن ارتق صاحب حصن کیفا و رفتن به تلّ خالد از اعمال حلب و متصرف شدن آنرا و راندن به طرف عین تاب و تسلیم نمودن صاحب آن عین تاب را که صلاح الدین خود او را در این محل حکومت داد و به حلب آمده این شهر را محاصره نمود و صاحب حلب عمادالدین زنگی بن مودود بن عمادالدین بن زنگی بعد از طول محاصره حلب را تسلیم کرد به اینکه صلاح الدین سنجار و نصیبین و خابور و رقه و سروج را به او واگذار کند، چنانکه نمود و از کسانی که در محاصره حلب کشته شد برادر کوچک سلطان صلاح الدین تاج الملوک بوری بن ایوب بود و پس از حلب حارم نیز صلاح الدین را شد. گرفتن عزالدین مسعود صاحب موصل نایب خود مجاهدالدین قیماز را. دادن صلاح الدین حکومت حلب را به برادرش ابوبکر عادل. وفات محمد بن بختیار شاعر معروف به ابله، وفات شاهر من سکمان بن ظهیرالدین ابراهیم بن سکمان القطبی صاحب خلاط، برقرار شدن بکتمر که از ممالیک او (از ممالیک پدر او) بود بجای او.

اروپا - (فرانسه) ایجاد بازار عامه برای خرید و فروش هر نوع امتعه در پاریس.

[سنه ۵۸۰ هجری - سنه ۱۱۸۴ مسیحی]

آسیا - محاصره کردن صلاح الدین کرک را که برفتح آن نایل نشد. قتل و نهب او در آن نواحی. وفات شیخ الشیوخ صدرالدین عبدالرحیم بن اسمعیل بن ابی سعید احمد که او حدزمان خود بود و ریاست دین و دنیا هردو داشت. بیرون آوردن عزالدین مسعود صاحب موصل مجاهدالدین قیماز را از حبس و احسان کردن به او. وفات قطب الدین ایلغازی بن نجم الدین البی بن تمرناش بن ایلغازی بن ارتق صاحب ماردین. ابوالفدا گوید ابتدای حکمرانی ایلغازی مذکور و وفات پدرش البی را در تواریخ پیدا ننمودم که ثبت کنم. اما ایلغازی چون درگذشت اولاد او صغیر بودند و بعد از او پسر صغیرش حسام الدین بولق ارسلان حکمران ماردین شد و چون او وفات کرد برادرش ناصرالدین ارتق ارسلان مقلد حکمرانی ماردین گردید.

اروپا - (فرانسه) شهر پاریس را سنگ فرش نمودند و قلعه وئین ایجاد گردید. (روس) ولادیمیر قشون زیادی به جهة مخاصمه طایفه بلغار که در ساحل ولگا سکنی داشتند حرکت داده پای تخت آنها را غارت کرده با آنها مصالحه می نماید.

[سنه ۵۸۱ هجری - سنه ۱۱۸۵ مسیحی]

آسیا - محاصره کردن سلطان صلاح الدین موصل را دفعه ثانی که در این ضمن وفات شاهرآمن صاحب خلط را شنیده از موصل به خلط آمده این شهر را تملک نمود. وفات نورالدین محمد بن قراارسلان بن داود صاحب آمد که بعد از او پسر صغیرش سقمان ملقب به قطب الدین به جای او برقرار شده و او به خدمت صلاح الدین آمد و صلاح الدین حکمرانی او را امضا نمود. تملک سلطان صلاح الدین میافارقین را. مصالحه مابین صلاح الدین و عزالدین مسعود صاحب موصل به دادن صاحب موصل شهر زور و اعمال

آنرا با ولایت قرابلس و جمیع ماوراء الزاب را به صلاح الدین، و خطبه خواندن به اسم صلاح الدین در جمیع منابر موصل و سگه زدن به اسم او. وفات ناصرالدین محمد بن شیرکوه صاحب جنص که پسر شیرکوه بن محمد که دوازده ساله بود به جای او برقرار گردید. وفات حافظ محمد بن عمر بن احمد الاصفهانی المدینتی صاحب مؤلفات مفیده.

[سنه ۵۸۲ هجری = سنه ۱۱۸۶ مسیحی]

آسیا - طلبیدن سلطان صلاح الدین پسرش ملک افضل را از مصر و دادن دمشق را به اقطاع او و احضار کردن برادرش عادل را از حلب و فرستادن او را با پسرش العزیز بن صلاح الدین به نیابت مصر و طلبیدن تقی الدین عمر پسر برادر خود را از مصر و دادن منبج و معره و کفرطاب و میافارقین و جبل جور و جمیع اعمال آنرا به تقی الدین به علاوة حماة که او را بود و چون صلاح الدین حلب را از عادل برادرش بگرفت حران و رها را نیز به او داد. وفات پهلوان محمد بن دکن صاحب جبل و همدان و ری و اصفهان و آذربایجان و آران و غیرها و برقرار شدن قزل ارسلان عثمان برادرش به جای او. و در زمان پهلوان طغرل بن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه با او بود و خطبه در بلاد به اسم او می خواندند اما کاری به دست او نبود. بعد از فوت پهلوان طغرل از قزل ارسلان تمکین نکرده جمعی را جمع کرد و بر بعضی بلاد استیلا یافت و جنگها میان او و قزل ارسلان روی داد. گرفتن پرنس صاحب کرک قافله ای از مسلمین و اسیر کردن آنها را و صلاح الدین به موجب عهد و مصالحه مابین، فرستاده آنها را خواست، پرنس قبول نکرد صلاح الدین عهد کرد که اگر بر او غالب شود او را به قتل رساند قرآن سبعة سیاره در میزان و حکم کردن منجمین به خراب شدن عالم از باد و طوفان. وفات خاقانی از اجله شعرای عجم.

افریقا - وفات ابو محمد عبدالله بن ابی الوحش بری بن عبدالجبار بن بری المصری از ائمه نحو و لغت.

[سنه ۵۸۳ هجری = سنه ۱۱۸۷ مسیحی]

آسیا - فتح کردن سلطان صلاح الدین طبریه را و متصرف شدن صلیب حقیقی را و

ورود او به بیت المقدس که از شنیدن این خبرها اوز بن سیم پاپ از شدت غصه مرد و بعد از این فتح صلاح الدین بر بلاد این حدود استیلا یافت و ملوک و حکمرانان عیسوی را بگرفت از جمله پرنس صاحب کرک را اسیر کرده به موجب عهدیکه کرده بود به دست خود گردن زد و عگا و بلاد مجاور آن نیز در تصرف عساکر صلاح الدین درآمد و یافا و صیدا و بیروت نیز صلاح الدین را شد و فتح بیت المقدس که بطور امان شهر تسلیم شد و از فتوحات بزرگ بود در روز جمعه بیست و هفتم رجب اتفاق افتاد و صلیب کبیر که ذکر شد در رأس قبه صخره بود و مسلمانان از این محل آنرا به تصرف درآوردند و شیونی در این موقع بلند شد که نظیر آن هرگز مسموع نشده بود، خلاصه صلاح الدین تا بیست و پنجم شعبان در ظاهر بیت المقدس اقامت نموده امور این بلد را منظم و مرتب ساخت و از اینجا به طرف عگا و صور راند و هوین^۱ را بطور امان فتح نمود. اقتدار سلطان طغرل بن ارسلان و استیلای او بر اغلب بلاد و فرستادن قزل ارسلان نزد خلیفه عباسی و اعتماد کردن از او و ترسانیدن خلیفه را از شوکت طغرل. رفتن شهاب الدین غوری به غز و بلاد هند. دادن خلیفه الناصر عباسی وزارت خود را به ابوالمظفر عبیدالله بن یونس و ملقب نمودن او را به جلال الدین و شوکت او به حدیکه جمیع ارکان دولت حتی قاضی القضاة در رکاب او پیاده می رفتند. وفات قاضی القضاة دامغانی که المقتفی او را قضاوت داده بود. انقراض دولت سلجوقی در کرمان.

[سنه ۵۸۴ هجری = سنه ۱۱۸۸ مسیحی]

آسیا — فتوحات نمایان سلطان صلاح الدین در جنگ با مجاهدین فرنگ و گرفتن قلاع و بلادیکه در تصرف آنها بود و اقتدار و شوکت تاقه سلطان صلاح الدین. در این فتوحات ابن اثیر صاحب کامل التواریخ حضور داشته است. فرستادن خلیفه عباسی لشکری به امداد قزل ارسلان و جنگ طغرل و انهزام لشکر خلیفه در حوالی همدان و دریافت طغرل غنایم موفوره از عساکر خلیفه و اسیر کردن سرکرده آنها را که جلال الدین عبیدالله وزیر خلیفه بود. وفات محمد بن عبدالله کاتب معروف به ابن التعاویذی شاعر مشهور. وفات محمد بن عبدالرحمن مسعودی شارح مقامات.

اروپا — قتل طایفه یهود بتمامه در لندن. فردریک پادشاه آلمان بندر عکا را محاصره می کند.

[سنه ۵۸۵ هجری = سنه ۱۱۸۹ مسیحی]

آسیا — وفات فقیه عیسی در خروبه و فقیه مشارالیه مردی شجاع و در عسکر سلطان صلاح الدین جنگ می کرد. وفات محمد بن یوسف بن محمد بن قاید ملقب به موفق الدین اربلی شاعر مشهور که از ائمه عربیت و اعلم ناس به علم عروض و نقد شعر بود و کتاب اقلیدس را نیز او حل نمود. وفات محمود بن علی بن ابیطالب بن عبدالله اصفهانی معروف به قاضی که متفطن در علوم بود و در وعظ ید طولی داشت. جنگ سخت صلاح الدین بامجاهدین فرنگ در بندر عکا.

[سنه ۵۸۶ هجری = سنه ۱۱۹۰ مسیحی]

آسیا — جنگ طولانی سلطان صلاح الدین بامجاهدین فرنگ در بندر عکا. وفات زین الدین یوسف بن زین الدین علی کوچک صاحب اربل که با عساکر خود همراه سلطان صلاح الدین بود و سلطان برادرش مظفرالدین کوبوری را به جای او برقرار کرد و شهر زور را نیز به او داد و او به اربل آمده این ولایت را تملک نمود. استیلای خلیفه الناصر لدین الله بر حدیثه عانه بعد از مدتی محاصر. وفات شیخ عطار از مشایخ کبار صوفیه صاحب کتب منظومه بسیار.

[سنه ۵۸۷ هجری = ۱۱۹۱ مسیحی]

آسیا — وفات ملک المظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب در اثنای مخاصمه او با بکتمر صاحب خلاط در ملازگرد به واسطه عروض مرض شدیدی در نوزدهم رمضان که پسرش ملک منصور محمد وفات او را مخفی داشته نعش او را به حماه آورد و در ظاهر بلد دفن کرد و مدرسه ای بر سر قبر او بساخت. تقی الدین صاحب فضل و ادب و شعر نیکو بود. وفات حسام الدین محمد بن عمر بن لاجین در شب جمعه که تقی الدین وفات کرده بود و مادر حسام الدین خواهر صلاح الدین بود که سلطان صلاح الدین یکروز به عزای پسر

برادر و پسر خواهر خود دوچار آمد. رنجش صلاح الدین از ملک منصور پسر تقی الدین که به شفاعت ملک عادل عمّ ملک منصور صلاح الدین او را عفو کرده حماة و سلیمه و معره و منبج و قلعه نجم را به او داد و آنچه از بلاد شرقیه و مضافات در تصرف تقی الدین بود صلاح الدین آنها را به برادر خود ملک عادل داد، کشته شدن قزل ارسلان بن دکر^۱ در رختخواب خود و قاتل او معلوم نشده قزل ارسلان بعد از برادر خود پهلوان آذر بایجان و همدان و اصفهان وری را تملک نمود اما طغرل چنانکه ذکر شد بر او غالب آمده بود بعد قزل ارسلان غلبه کرده طغرل را گرفت و در یکی از بلاد بند کرد و به اصفهان آمد و از اصفهان به همدان و در اینجا کشته شد. آمدن قیصر شاه بن قلیج ارسلان حکمران آسیای صغیر نزد سلطان صلاح الدین و اکرام نمودن صلاح الدین نسبت به او و دادن دختر ملک عادل برادر خود را به او که این معنی اسباب قوت او شد و به مملکت خود بازگشت. کشته شدن ابوالفتح یحیی بن حنش بن امیرک ملقب بشهاب الدین سهروردی حکیم فیلسوف در قلعه حلب در محبس که ملک ظاهر غازی پسر صلاح الدین به امر پدرش او را طناب انداخت، عمر شهاب الدین سی و هشت سال و مصنفات او در حکمت معروف است و او را کثیر العمل و قلیل العقل نوشته اند.

اروپا - پادشاه انگلیس ریشاز و پادشاه فرانسه فیلیپ اگوست بعد از جنگهای سخت بندر عکا را فتح کردند و چون پادشاه فرانسه با عساکر خود از مشرق مراجعت نمود ناخوشی جذام را در فرنگ منتشر ساخت.

[سنه ۵۸۸ هجری = سنه ۱۱۹۲ مسیحی]

آسیا - شروع کردن مجاهدین فرنگ به ساختن عسقلان که سلطان صلاح الدین آنرا بکلی خراب و منهدم کرده بود. کشته شدن پادشاه عیسوی صوری به دست یکی از باطنیه. مصالحه فیما بین مجاهدین فرنگ و سلطان صلاح الدین و اطفای نایره جنگ و انقلاب. وفات امیر سیف الدین علی بن احمد مشطوب در نابلس که سلطان ثلث نابلس را وقف مصالح قدس کرد و دو ثلث دیگر را به اقطاع امیر عماد الدین احمد بن سیف الدین علی بن مشطوب داد. وفات سلطان عزالدین قلیج ارسلان سلجوقی حکمران آسیای صغیر که

۱. کامل: قتل قزل ارسلان واسمه عثمان بن ابلدکر

تقریباً سی و هفت سال پادشاهی کرده بود. بعد از او غیاث الدین کیخسرو پسرش بجای او برقرار آمد، پس از آن رکن الدین سلیمان برکیخسرو غلبه نموده قونیه را از او بگرفت و کیخسرو به شام گریخته پناه به ملک طاهر صاحب حلب برد، رکن الدین در سنه ششصد و هشتاد و پنج ارسلان پسرش جای او بگرفت، و غیاث الدین کیخسرو به آسیای صغیر آمده جمیع آری میئر را متصرف شد و بود تا او را بکشتند و پسرش عزالدین کیکاوس بن کیخسرو به جای او برقرار شد. چون کیکاوس بمرد برادرش علاء الدین کیقباد پادشاه شد و کیقباد در ششصد و سی و چهار در گذشت و پسرش غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد سلطنت یافت و طایفه تاتار در ششصد و چهل و یک او را شکست دادند و سلطنت سلاجقه در آسیای صغیر متزلزل شد و چون غیاث الدین وفات کرد دولت سلاجقه آری میئر منقرض شد زیرا آنها که بعد از غیاث الدین پادشاه شدند فقط اسم سلطنت داشتند. خلاصه بعد از غیاث الدین دو پسر کوچک او رکن الدین و عزالدین معا به سلطنت نایل شدند. پس از مدت مدیدی سلطنت مخصوص رکن الدین شد و عزالدین به قسطنطنیه گریخت و معین الدین بروانه (بروانه) بر رکن الدین غالب آمد و سلطنت فی الحقیقه تاتار را بود. بعد بروانه رکن الدین را کشت و پسرش از رکن الدین را به سلطنت برداشت و حکم بایروانه بود که نیابت تاتار را می نمود. جنگ شهاب الدین غوری در هند و قتل زیاد و اخذ غنائم موفوره. بیرون آمدن طغرل بن ارسلان بن طغرل بعد از کشته شدن قزل ارسلان از حبس. وفات راشد الدین سنان بن سلیمان بن محمد مکتی به ابوالحسن صاحب دعوة اسمعیلیه به قلاع شام و اصل او بصری بود.

افریقا — زلزله در مصر.

[سنه ۵۸۹ هجری = سنه ۱۱۹۳ مسیحی]

آسیا — وفات سلطان صلاح الدین یوسف بن ایوب بن شادی در شب بیست و هشتم صفر در دمشق که تولد او در تکریت در سال پانصد و سی و دو و تقریباً چهار سال حکمرانی مصر او را بود و قریب نه سال فرمانفرمائی شام، و سلطان صلاح الدین از سلاطین بزرگ، کریم، و حلیم دنیا بوده است، و بعد از او در دمشق و بلاد منسوب به این ولایت ملک افضل نورالدین علی پسرش استقرار یافت، و در دیار مصر پسر دیگرش ملک عزیز عمادالدین عثمان، در حلب پسر دیگرش ملک ظاهر غیاث الدین غازی، در کرک و

شوبک و بلاد شرقیه برادرش ملک عادل سیف‌الدین ابوبکر بن ایوب، در حماة و سلمیه و معرة و منبج و قلعة نجم ملک منصور ناصرالدین محمد بن ملک مظفر تقی الدین عمر، در بعلبک ملک امجد مجدالدین بهرامشاه بن فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب، در حمص و تدمر و رحبه، شیرکوه بن محمد بن شیرکوه بن شادی و در دست ملک ظافر خضر بن صلاح الدین و امراء دولت نیز بلاد و حصون بود، از جمله شیرز به دست سابق الدین عثمان بن الذآبة، صهیون و حصن برزیه به دست ابوقبیس ناصرالدین بن کورس بن خماردکین (خمارتکین)، تل باشر به دست بدرالدین دلدردم ابن بها الدین یاروق، کوکب و عجلون به دست عزالدین اسامه، بعین و کفرطاب و فامیه به دست عزالدین ابراهیم بن شمس الدین ابن مقدم. و ملک افضل اکبر اولاد صلاح الدین و ولایت عهد داشت، و اوضیاء الدین نصرالله بن محمد بن اثیر ادرزیر [حمایت] خود قرار داد و ضیاء الدین مصنف کتاب مثل التائر است و عزالدین بن اثیر مؤلف تاریخ کامل برادر ضیاء الدین می باشد، و ملک افضل امرای پدرش را براند و آنها نزد برادران او عزیز و ظاهر رفتند و عزیز را در مصر به خیال انداختند که سلطنت بانفراده او را باشد لهذا میان افضل و عزیز وحشت حاصل شد. وفات عزالدین مسعود بن مودود بن عمادالدین زنگی بن آقسنقر صاحب موصل در بیست و هفتم شعبان که مردی بزرگ و شبیه به جد خود عمادالدین بود. برقرار شدن پسرش ارسلان شاه به جای او، کشته شدن بکتمر صاحب خلاط که از ممالیک ظهیرالدین شاهرمن^۱ بود به تحریک داماد او هزار دیناری که اسمش آقسنقر و لقبش بدرالدین و او را نیز شاهرمن^۲ از تاجری جرجانی خریده و به او میلی داشت و او را ساقی خود قرار داده هزار دیناری نامید، هزار دیناری در عهد بکتمر از اجله امرأ شد و دختر بکتمر را تزویج کرد آخر الامر طمع در حکمرانی خلاط کرده بکتمر به تحریک او کشته شد و پسر و زوجه بکتمر را در قلعه ارزاس بموش (بلوش) حبس کرد و پسر بکتمر در این وقت هفت ساله بود، خلاصه هزار دیناری به حکمرانی مشغول شد تا سال پانصد و نود و چهار که درگذشت. فرستادن شهاب الدین غوری مملوک خود ایبک را بالشکر جراری به هند که فتوحات نموده با غنایم وافر بازگشت. وفات سلطان شاه بن ارسلان بن اتسز که مرو و خراسان را تملک نموده بود و پس از او سلطنت خاص برادرش تکش شد. وفات امیر داود بن عیسی بن محمد بن ابی هاشم امیر مکه که امارت میان او و

برادرش تناوب داشت.

[سنه ۵۹۰ هجری = سنه ۱۱۹۳ مسیحی]

آسیا — طغرل ابن ارسلان بن طغرل بن محمد بن ملکشاه بن الب ارسلان بن داود بن میکائیل سلجوقی که در حبس قزل ارسلان بود بعد از کشته شدن قزل ارسلان از حبس خلاص شده برهمدان و غیره استیلا یافت و میان او و مظفرالدین ازبک بن پهلوان جنگ درگرفت و بعضی به جای مظفرالدین ازبک برادرش قتلغ اینانج را نوشته اند. بهر حال ابن پهلوان منهزم شده پس از فرار از علاءالدین تکش خوارزمشاه استمداد نموده تکش در این سال بالشکری جنگ طغرل آمد، طغرل قبل از آنکه عساکر او جمع شوند به مقابله تکش پرداخت در حوالی ری فتنین تلاقی نمودند و طغرل که زیاد مست بود خود بشخصه حمله بر لشکر تکش نمود و سه شعر از شاهنامه بخواند و گریزی که به دست داشت بزور هرچه تمامتر فرود آورده چون مست طافح بود گریز به دست اسب خودش خورده اسب در غلطید و طغرل بیفتاد قتلغ اینانج فرود آمده سر او را ببرید و نزد تکش برد، تکش آن سر را به بغداد ارسال داشته چند روزی آنرا در این شهر بر محلی نصب نمودند و کشته شدن طغرل در بیست و چهارم ربیع الاول بود و تکش برهمدان و بلاد این نواحی استیلا یافته بعضی را به ابن پهلوان داد و برخی را به اقطاع معالیک خود، و به خوارزم بازگشت و دولت آل سلجوق به قتل طغرل منقرض گردید. فرستادن خلیفه الناصر دسته لشکری با وزیر خود مؤیدالدین محمد بن علی معروف به ابن قصاب به خوزستان که شوشتر را در محرم سال بعد بگرفتند و خوزستان در تملک شمله بود و بعد از فوت او اختلاف میان اولاد او افتاد و لشکر خلیفه به این ولایت آمده جمیع بلاد و قلاع را متصرف شدند. ازدیاد وحشت میانه عزیز و افضل پسران سلطان صلاح الدین که عزیز لشکری از مصر کشیده افضل را در دمشق محاصره نمود، افضل از عم خود عادل و برادر خود ظاهر و پسر عم خود ملک منصور صاحب حماة استمداد کرده آنها به دمشق آمدند و میانه را اصلاح دادند و عزیز به مصر بازگشت آنها هم به بلاد خود رفتند. زلزله در عراقین.

[سنه ۵۹۱ هجری = سنه ۱۱۹۴ مسیحی]

آسیا — راندن مؤیدالدین بن قصاب وزیر خلیفه الناصر عباسی بعد از فتح خوزستان به

طرف همدان و گرفتن این شهر را و بعضی بلاد دیگر از عراق عجم را برای خلیفه و استیلای او بر ولایات دیگر و این قصاب در اوایل شعبان سال بعد درگذشت. فرستادن خلیفه الناصر لشکری به سرداری غلامی معروف به سیف الدین طغرل به اصفهان و فتح کردن این بلد را. آمدن غلامان پهلوان به سرداری یکی از غلامان پهلوانیه موسوم به کلجا به طرف همدان و ری و استیلای کلجا بر این دو ولایت.

اروپا — (اسپانیول) جنگهای سخت یعقوب بن یوسف بن عبدالمؤمن حکمران مغرب در اندلس با فرنگیهای اسپانیول و فتوحات یعقوب و انهزام فرنگیها.

افریقا — لشکر کشیدن ملک عزیز عثمان پادشاه مصر به طرف شام به قصد جنگ بابرادر خود ملک افضل و استمداد نمودن ملک افضل از عم خود ملک عادل و اصلاح کردن ملک عادل مابین اخوین را و مانع شدن آنها را از اقدام به جنگ و آمدن ملک عادل به مصر و اقامت او در این مملکت برای انتظام امور سلطنت ملک عزیز.



[سنه ۵۹۲ هجری = سنه ۱۱۹۵ مسیحی]

آسیا — راندن شهاب الدین غوری پادشاه غزنین به هندوستان و فتح کردن قلعه عظیمه هنکرا^۱ را بطور امان و تاختن بر بلاد دیگر این مملکت و دریافت غنائیم و اسیر زیاد و معاودت او به غزنین. کشته شدن صدرالدین محمد بن عبداللطیف بن محمد الخجندی^۲ رئیس شافعیه در اصفهان به دست سنقر طویل شحنه خلیفه به سبب منافرتی که میانه آنها بهممرسیده بود و صدرالدین کسی است که اصفهان را تسلیم عساکر خلیفه نمود. فرستادن ملک افضل نعلش پدرش صلاح الدین را از دمشق به مدینه طیبه در ماه صفر، و نعلش صلاح الدین سه سال در قلعه دمشق بود. زهد و قناعت ملک افضل و تفویض نمودن امور سلطنت را به وزیر خود ضیاء الدین ابن الاثیر الجزری، و متزلزل شدن امور بدین واسطه، و آمدن ملک عزیز پادشاه مصر باملك عادل عم خود به دمشق، و منتزع کردن این ولایت را از ملک افضل، و دادن ملک عزیز به موجب معاهده دمشق را به ملک عادل، و معاودت

۱. کامل: بهنکر.

۲. کامل: صدرالدین محمود بن عبداللطیف.

نمودن به مصر و خطبه و سکه در دمشق نیز بنابر معاهده به اسم ملک عزیز شد مدت حکمرانی ملک افضل در دمشق سه سال و یکماه بود و چون دمشق را از او بگرفتند صرخد را به او دادند و او با کسان خود به آنجا رفته توطن نمود و از دست برادر و عم خود به خلیفه الناصر شاکی شد. گرفتن ملک عادل بصری را از ملک ظافر خضر بن صلاح الدین به واسطه اتفاقی که باملک افضل برادر خود داشت و ملحق شدن او به برادر دیگر خود ملک ظاهر در حلب و اقامت نمودن نزد او.

[سنه ۵۹۳ هجری = سنه ۱۱۹۶ مسیحی]

آسیا - وفات ملکشاه بن تکش در نیشابور که پدرش خوارزمشاه او را در این ولایت مستقر نموده و حکمرانی بلاد این نواحی را به او واگذار کرده بود، و ملکشاه ولایت عهد تکش داشت و او را فرزندی بود هندو خان نام پس از فوت ملکشاه تکش پسر دیگر خود را که معروف به قطب الدین محمد بود در نیشابور به جای ملکشاه گذاشت و قطب الدین کسی است که بعد از تکش به سلطنت رسید و لقب خود را تغییر داده علاء الدین قرار داد و میان ملکشاه و قطب الدین عداوت سختی بود، وفات سیف الاسلام ظهیر الدین طغتکین بن ایوب پادشاه یمن در ماه شوال و برقرار شدن پسرش ملک عزیز اسمعیل به جای او. وفات برهان الدین صاحب هدایه.

[سنه ۵۹۴ هجری = سنه ۱۱۹۷ مسیحی]

آسیا - وفات عماد الدین زنگی بن مودود بن زنگی بن آقسنقر حکمران سنجاور و خابور و رقه در ماه محرم و برقرار شدن پسرش قطب الدین محمد بن زنگی به جای او که از جانب او مملوک پدرش مجاهد الدین برنفش^۱ به تدبیر ملکی پرداخت. گرفتن خوارزمشاه تکش بخارا را که در تصرف ختا بود. جنگ ملک عادل با فرنگیها که به طرف بیروت و این نواحی رانده بودند و غلبه او به مظاهرت ملک عزیز و صلح بین جانبین. وفات بدرالدین آقسنقر هزار دیناری حکمران خلاط که بعد از او خدشده قتلغ که مملوکی ارمنی الاصل بود برخلاط مستولی شد ولی بعد از هفت روز او را بکشتند و محمد بن بکتمر را که ارزاس

نام داشت از حبس بیرون آورده به حکمرانی برداشتند و او را به ملک منصور ملقب نمودند و شجاع الدین قتلغ قبیچاقی که دوادار شاهرمن سکمان بن ابراهیم^۱ بود به تدبیر ملک پرداخت تا سال ششصد و دو که ملک منصور او را بکشت. بعد از آن عزالدین بلیان که مملوک شاهرمن بود بر ملک منصور خروج کرده او را بگرفت و حبس نمود و در حبس او را مقتول ساخت و کمتر از یکسال در خلاط حکمرانی کرد تا به دست یکی از کسان طغرل بن قلیچ ارسلان شاه صاحب ارزن کشته شد و مملکت خلاط به تصرف ملک اوحده ایوب بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب درآمد و تقریباً هشت سال ملک اوحده در خلاط حکمرانی کرد. لشون والی ارمن که ارمن کبری و صغری هر دو بتمامه در تصرف او است لقب سلطنتی قبول می کند.

اروپا — جنگ مابین فرانسه و انگلیس، (ژم) فوت میلیستین پاپ در رم و جلوس این نسان سیم به جای او.



[سنه ۵۹۵ هجری = سنه ۱۱۹۸ مسیحی]

آسیا — استیلای ملک منصور محمد بن ملک مظفر تقی الدین حکمران حماة بر بحرین و انتزاع نمودن این بلد را از ثواب عزالدین ابراهیم بن شمس الدین محمد بن عبدالملک بن مقدم و عزالدین در این وقت باملک عادل در دمشق محصور بود. وفات مجاهد الدین قیماز در موصل و قیماز مردی ادیب و عاقل و فقیه و حنفی مذهب بود و مآثر خیریه او از بنای مدارس و جوامع و رباطات بسیار است و حالات قیماز پیش ذکر شد، فتنه در فیروزکوه در میان عساکر غیاث الدین پادشاه غور. تبیین آنکه امام فخرالدین محمد بن عمر بن حسین الرازی المشهور، نزد غیاث الدین آمده احترام زیاد نسبت به او کرد و مدرسه ای در هرات در نزدیکی جامع برای او بساخت این فقره بر کرامیه که مذهب تجسیم و تشبیه داشتند و در هرات زیاد بودند دشوار آمده زیرا که امام فخر شافعی بود، خلاصه اتفاق براین نمودند که فقهای کرامیه و حنابله و شافعیه در فیروزکوه نزد غیاث الدین جمع شده مناظره نمایند و همین اجتماع اسباب فتنه شد ولی فتنه را غیاث الدین خوابانید و امام فخر به هرات بازگشت (غوریّه کلاً از کرامیه بودند). عدول کردن غیاث الدین پادشاه غور از مذهب

۱. کامل: شاه ارمن سکمان بن ابراهیم بن سکمان القبطی.

کرامیه به مذهب شافعی.

اروپا — وفات محمد بن عبدالملک زهرالاندلسی الاشبیلی که فاضل و ادیب و طبیب بود.

افریقا — وفات ملک عزیز عمادالدین عثمان بن صلاح الدین پادشاه مصر در شب بیست و هفتم محرم، عمر ملک عزیز بیست و هفت سال و چند ماه و مدت سلطنتش پنجاه سال و یازده ماه بود. و در دولت ملک عزیز فخرالدین چهارکس غلبه و استیلائی داشت و پس از ملک عزیز پسرش ملک منصور محمد را به جای او برقرار نمود و امرا اتفاق براین نمودند که باید یکی از بنی ایوب را احضار کرد و متقلد امور سلطنت نمود زیرا که ملک منصور نه ساله بود بنابراین ملک افضل را از صرخد طلبیدند و او به عنوان اتابیکی ملک منصور به مصر آمد و به تحریک برادرش ملک ظاهر قصد نمود که دمشق را از تصرف عم خود ملک عادل خارج سازد لهذا لشکر به شام کشید ملک عادل که مشغول محاصره ماردین بود خبر شده پسر خود ملک کامل را به محاصره ماردین گذاشت و خود به دمشق آمد و ابتدا لشکر ملک افضل را بشکست اما بعدها ملک ظاهر حکمران حلب به مظاهرت برادر خود ملک افضل شتافته دمشق را محاصره کردند و کار را براهل دمشق تنگ نمودند و نزدیک بود که دمشق را فتح کنند و ملک عادل نیز قصد کرده بود که شهر را تسلیم کند در این وقت خلاف میان ملک افضل و ملک ظاهر در گرفت و سال بسر رسید. وفات ابویوسف یعقوب بن یوسف بن عبدالؤمن حکمران مغرب و اندلس در شهر سلا در جمادی الاولی بعد از پانزده سال حکمرانی و چهل و هشت سال زندگانی و یعقوب ملقب به منصور بود و پس از او پسرش محمد بن یعقوب که در سنه پانصد و هفتاد و شش متولد شده بود سلطنت یافت و ملقب به الناصر گردید و عبدالؤمن و پسران او جمیعاً مخاطب به خطاب امیرالمؤمنین بودند.

[سنه ۵۹۶ هجری = سنه ۱۱۹۹ مسیحی]

آسیا — پیش ذکر کردیم که ملک افضل و ملک ظاهر دمشق را محاصره نموده بودند در اوایل این سال به جهة خلافتی که در میان آنها ظاهر شد دست از محاصره کشیدند و عقب نشستند و همین فقره اسباب قوت ملک عادل شد و لشکر به مصر کشیده این مملکت را

متصرف شد و ملک افضل باز به سرحد رفت و ملک ظاهر باملك عادل صلح کرده در حلب خطبه و سکه را به اسم ملک عادل نمود، وفات خوارزمشاه تکش بن ارسلان بن اتسز پادشاه خوارزم و بعضی از خراسان وری و غیرها در بیستم رمضان و برقرار شدن پسرش محمد بن تکش ملقب به قطب الدین که لقب خود را تغییر داده معروف به علاء الدین شد و علاء الدین پادشاهی عادل و نیک سیرت و فقیه و حنفی مذهب بود، چون غیاث الدین پادشاه غور از فوت تکش خبردار شد حکم کرد سه روز نوبت برادر سرای او نزدیکند و به عزاداری تکش قیام نمود با آنکه در میان آنها عداوت شدید بود. بالجمله همینکه علاء الدین در سلطنت استقرار یافت هندو خان بن ملک شاه پسر برادر علاء الدین نزد غیاث الدین پادشاه غور گریخت و از او استمداد نمود غیاث الدین هندو خانرا احترام نموده وعده کمک داد. وفات قاضی فاضل عبدالرحیم بیسانی (این بیسان شهر کوچکی است از اعمال دمشق).

اروپا — فوت ریشارد پادشاه انگلیس و جلوس ژان برادرش به جای او.

افریقا — کم شدن آب رود نیل بحدیکه عمق آن به چهارده ذراع نمیرسد. فوت ابوعبدالله محمد بن عمر بن رشد در مارب، ابوعبدالله از علمای بزرگ طب و فلسفه و فقه و هندسه بود، اغلب کتب او به زبان عربی و عبری است فیلسوفی ارسطورا او ترجمه کرده و در تمام عالم ابوعبدالله مشهور بود و در قرطبه متولد شده.

[سنه ۵۹۷ هجری = سنه ۱۲۰۰ مسیحی]

آسیا — وفات عزالدین ابراهیم بن محمد بن عبدالملک بن مقدم که بعد از او منبج و قلعه نجم و فامیه و کفرطاب برادرش شمس الدین بن عبدالملک را شد، و ملک ظاهر حکمران حلب منبج و قلعه نجم و کفرطاب را از شمس الدین و نواب او بگرفت. محاصره کردن ملک افضل و ملک ظاهر دمشق را و در این وقت ملک معظم پسر ملک عادل در دمشق بود و ملک افضل و ملک ظاهر قرار داده بودند که دمشق و مصر را مسخر کنند و شام جمیعاً ملک ظاهر را باشد و مصر ملک افضل را ولی در اثنای محاصره باز خلاف در میان آنها در گرفت و کاری از پیش آنها نرفت، لشکر کشیدن ملک غیاث الدین پادشاه غور به اتفاق برادرش شهاب الدین به خراسان و استیلا یافتن بر بلاد

خراسان که در تصرف خوارزمشاه بود و دادن مرو را به هندو خان پسر ملکشاه بن تکش و مسخر نمودن غیاث الدین سرخس و طوس و نیشابور و غیرها را. فرستادن غیاث الدین برادر خود شهاب الدین را به بلاد هند و فتح کردن او نهرواله (کهرواله) را که اعظم بلاد هند بود. گرفتن رکن الدین سلیمان بن قلیچ ارسلان شهر ملطیه را که به تصرف برادر او معزالدین قیصر شاه بن قلیچ ارسلان بود، انتزاع کردن رکن الدین ارزن الروم را از تصرف ملک محمد بن صلیق (صلقیق) و ملک محمد از خانواده قدیم بود و این خانواده مدتی مدید در ارزن الروم حکمران بودند و حکمرانی ایشان به ملک محمد منقرض شد، وفات سقمان بن محمد بن قراارسلان بن داود بن سقمان بن ارتق حکمران آمد و حصن کیفا که بعد از او برادرش محمود بن محمد مالک ملک او شد، زلزله عظیم در شام و جزیره و سواحل که بسیاری از شهرها را خراب کرد، وفات ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی واعظ مشهور صاحب تصانیف مشهوره و تولد ابن جوزی در پانصد و ده بوده.

اروپا — (فرانسه) اختراع قطب نما بقولی در این مملکت. (اسپانیول) مسافرت سانز هفتم پادشاه عیسوی ناوار به افریق (مغرب) به قصد مزاجت با دختر (المهاد)^۱ محمد بن یعقوب حکمران مغرب و اندلس و قبول نکردن محمد این مطلب را به جهت تباین مذهبی و مراجعت سانز به اسپانیول بی نیل مقصود، چون در غیاب سانز بعضی حوادث در مملکت ناوار حادث شده از این غصه و از غصه اینکه بی نیل مقصود از مغرب بازگشت به مرض فلج مبتلا شده باوجود این مدت سی و چهار سال در حالت مرض سلطنت کرد.

افریقا — غلای شدید در مصر به جهت کم شدن آب نیل.

[سنه ۵۹۸ هجری = سنه ۱۲۰۱ مسیحی]

آسیا — خراب کردن ملک ظاهر قلعه منبج را از خوف اینکه از او منتزع نمایند. صلح مابین ملک ظاهر حکمران حلب و ملک عادل پادشاه مصر و انتزاع قلعه نجم از ملک ظاهر و دادن به ملک افضل که سروج و سمیسات او را بُود و دادن ملک عادل حران و

۱. المهاد مقصود الموحّد است. (مؤلف).

آن نواحی را به پسر خود ملک اشرف مظفرالدین موسی و فرستادن او را به شرق و پس از مصالحه ملک عادل و ملک ظاهر ملک عادل به شام آمد و ممالک شامیه و شرقیه و دیار مصریه گلاً در تحت سلطنت او درآمد همه جا خطبه و سکه به اسم او زدند و خواندند. وفات طاهر بن محمد معروف به ظهیر فاریابی از شرای معروف عجم. باز پس گرفتن خوارزمشاه محمد بن تکش بلاد خراسان را که غوریّه از او گرفته بودند.

اروپا — تصمیم عزم مجاهدین فرانسه برای رفتن به بیت المقدس. (روس) بنای شهر ریگا، در مملکت لیونی.

افریقا — وفات هبة الله بن علی بن مسعود بن ثابت المُنشَیْری (منشیری شهر کوچکی است در افریقیه) هبة الله از علمای بزرگ بوده است.



[سنه ۵۹۹ هجری = سنه ۱۲۰۲ مسیحی]

آسیا — وفات فلک الدین سلطان برادر مادری ملک عادل و مدرسه فلکیّه در دمشق منسوب به این فلک الدین است. کشته شدن المعز اسمعیل بن سیف الاسلام بن طغتكین حکمران یمن به جهة خفت عقلی که داشت به دست ممالیک پدرش و اکراد که با آن ممالیک متفق شده بودند و برداشتن برادر صغیر او را به حکمرانی این مملکت و نامیدن او را الناصر که سیف الدین منقر مملوک پدرش به اتابکی او برقرار شد و بعد از چهار سال درگذشته، یکی از امرا که او را غازی بن جبرئیل می گفتند مادر الناصر را در حباله مزاجت خود درآورد و به اتابکی الناصر پرداخت بعد الناصر را مسموم کرد و عرب نیز او را به همین جهة بکشتند و یمن بی سلطان ماند، مادر ناصر زبید را در تحت اقتدار خود درآورده و اموال را نزد خود جمع نمود و منتظر بود که یکی از بنی ایوب به یمن آید و او را به شوهری قبول کرده به سلطنت این مملکت پردازد تا سلیمان بن سعد بن ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب که در سلک فقرا می زیست به یمن آمد و مادر الناصر او را خلعت و سلطنت یمن داد و میان آن دو موافقت حاصل نشد و ظلم و جور یمن را فروگرفت و سلیمان در این باب نامه به عم جدّ خود ملک عادل نوشت و باقی اخبار سلیمان بیاید، فرستادن ملک عادل پسر

خود ملک اشرف را به محاصره واردین که به سعی ملک ظاهر میان ملک عادل و حکمران واردین صلح شد و حکمران واردین در سلک اطاعت ملک عادل درآمد. طلبیدن ملک عادل ملک منصور محمد بن عزیز را از مصر به شام و آمدن او بامادر خود به حلب و اقامت کردن نزد عم خود ملک ظاهر، جنگ سخت ملک منصور صاحب حماة با فرنگیها که در حصن اکراد و طرابلس و آن نواحی بودند و غلبه ملک منصور به معاونت عساکر بعلبک و حمص که به امر ملک عادل به امداد او آمده بودند و این جنگ در بعزین و بسیار شدید بود. تولد ملک مظفر تقی الدین محمود بن ملک منصور صاحب حماة در قلعه حماة در چهاردهم رمضان، ما در ملک مظفر ملکه خواتون دختر ملک عادل ابوبکر بن ایوب بود و ابتدا این مولود را عمر نامیدند بعد موسوم به محمود شد، منتزع نمودن ملک عادل آنچه را در تصرف ملک افضل بود بغیر از سمیساط و پس از این انتزاع ملک افضل دیگر در سمیساط به اسم ملک عادل خطبه نخواند و خطبه را به اسم رکن الدین سلیمان بن قلیچ ارسلان بن سلجوقی حکمران آری میثر کرد. وفات غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام بن الحسین غوری پادشاه غزنین و بعضی از بلاد خراسان و غیرها و در این وقت شهاب الدین برادر غیاث الدین در طوس و عازم خوارزم بود و غیاث الدین را پسری بود محمود نام که خود را غیاث الدین نامید ولی شهاب الدین برقرار شدن محمود را به جای پدرش تصدیق ننمود. استیلای گرجیها بر شهر دژین از آذربایجان و قتل و نهب در این بلد و آذربایجان در این وقت در تصرف امیر ابوبکر بن پهلوان بود ولی شب و روز به شرب خمر اشتغال داشت و به کار مملکت نمیپرداخت. وفات زمره مادر خلیفه الناصر عباسی.

اروپا — (دانمارک) فوت کانوت ششم پادشاه، و نصب والدمار دویم به جای او. (ایطالیا) لئونارد نام از اهل پیز ترجمه جبر و مقابله را که در آن وقت در میان اعراب این علم شایع بود از عربی به زبان لاتن نموده و در میان ملل عیسویة شیوع و رواج می دهد.

[سنه ۶۰۰ هجری = سنه ۱۲۰۳ مسیحی]

آسیا — خطبه خواندن قطب الدین محمد بن عمادالدین زنگی بن مودود حکمران سنجار در بلاد خود به اسم ملک عادل که این معنی برپسر عم او نورالدین ارسلان شاه

بن مسعود دشوار آمده قصد نصیبین که در تصرف قطب الدین بود نمود، و برای شهر استیلا یافت قطب الدین به معاونت ملک اشرف بن عادل براو غلبه نمود و این ابتدای سعادت ملک اشرف بود و بعد از آن دیگر شکست نخورد و بلاد قطب الدین براو مقرر آمد. وفات سلطان رکن الدین سلیمان بن قلیچ ارسلان پادشاه آزی میثردر ششم ذیقعدة و بعد از او پسرش قلیچ ارسلان بن سلیمان به جای او جلوس کرد ولی چون صغیر بود امر او استقراری نیافت. کشتن خدشده اید غمش مملوک پهلوان کلجا را که او نیز مملوک پهلوان بود، و برری و همدان و بلاد جبل استیلا یافته پس از قتل کلجا، ایدغمش ازبک بن پهلوان را در ممالک کلجا به حکمرانی برداشت ولی اسم حکمرانی با ازبک و رسم آن با ایدغمش بود. استیلای محمود بن محمد الحمیری برظفار و میرباط و غیرهما از حضرموت، زلزله سخت عمومی در شام و مصر و جزیره و بلاد روم صقلیه و قبرس و عراق و غیرها و خراب شدن دیوار شهر صور از این زلزله.

اروپا — پادشاه دانمارک والدمار مملکت نروژ را مسخر نمود. مجاهدین فرنگ که به طرف قسطنطنیه آمده بودند این شهر را در تابستان به غلبه گرفتند (پرتوغال) مملکت الواس که در تصرف اعراب اندلس بود ضمیمه پرتوغال شد.

[سنه ۶۰۱ هجری = سنه ۱۲۰۴ مسیحی]

آسیا — صلح کردن ملک عادل و فرنگیها که بعد از صلح ملک عادل از شام به مصر رفت، صلح میان ملک منصور صاحب حماة و فرنگیها پس از آنکه به نواحی حماة حمله کرده بودند، آمدن سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلیچ ارسلان از قسطنطنیه و تملک نمودن بلاد برادرش رکن الدین سلیمان را، جنگ میان امیرقناده حسینی امیر مکه و امیر سالم بن قاسم الحسینی امیر مدینه.

اروپا — فلیپ اگوست پادشاه فرانسه ایالت نرماندی را که در تصرف انگلیسها بود ضمیمه مملکت خود ساخت. مجاهدین فرنگ که در قسطنطنیه بودند به جهة افراط در معاصی و شدت اذیتی که به اهالی این شهر می رسانیدند بعضی مقتول و اکثر از شهر خارج شدند و خودآرایی کرده کرة اخری شهر را به غلبه متصرف شده قسطنطنیه را

قتل و غارت نمودند و بعضی ابنیه و آثار عالیة تاریخی را که در این شهر بود خراب کردند و بدون نامی از اهالی خودشان را به سمت قیصری و امپراطوری در قسطنطنیه منسوب و برقرار داشتند.

[سنه ۶۰۲ هجری = سنه ۱۲۰۵ مسیحی]

آسیا - کشته شدن شهاب الدین غوری پادشاه غزنین و بعضی از خراسان در مراجعت از لَهَاوَر در منزل دمیل در شب اول شعبان، و در قاتلین شهاب الدین اختلاف است بعضی گفته اند چند تن از طایفه کوکیر^۱ که از اشرار اهل جبال می باشند به واسطه اینکه شهاب الدین به تدمیر او پرداخته در چادر او ریختند و او را با کارد پاره پاره کردند برخی نسبت قتل او را به اسمعیله می دهند زیرا که از آنها زیاد کشته بود. بالجمله چون شهاب الدین مقتول شد بهاء الدین سام بن شمس الدین محمد بن مسعود که عم او بود و حکمرانی بامیان داشت متوجه غزنین شد که به جای شهاب الدین برقرار شود و دو پسر او علاء الدین محمد و جلال الدین با او بودند اما قبل از وصول به غزنین درگذشت و پسر خود علاء الدین را به موجب وصیت جایگاه شهاب الدین داد و علاء الدین و جلال الدین به غزنین آمدند و علاء الدین به جای شهاب الدین برقرار شد. اما غیاث الدین مملوکی داشت معروف به تاج الدین یلدوز^۲ که کرمان را به اقطاع او داده بود و او از بزرگان دولت محسوب می شد و مرجع اتراک بود در این هنگام او به غزنین رانده بعد از زد و خوردها علاء الدین و جلال الدین را بگرفت و ملک ایشان را تملک نمود. و اما غیاث الدین محمود بن غیاث الدین که در وقت کشته شدن شهاب الدین در بست بود به فیروزکوه آمده این محل را متصرف شد و به جای پدر خود نشست و ملقب به القاب او گردید و اهل فیروزکوه به دیدار او شادمان شدند و تاج الدین یلدوز برای او فتح نامه از غزنین نوشت. وفات امیر مجیر الدین تاشکین امیر حاج که خلیفه عباسی او را ولایت تمام خوزستان داده بود، مجیر الدین شیعی مذهب و مرد خیر صالحی بود. مزاجت ابوبکر بن پهلوان حکمران آذربایجان با دختر پادشاه گرج

۱. کامل: نفرامن الکفار الکوکریه.

۲. کامل: تاج الدین الدز مملوک شهاب الدین وهو صاحب کرمان، مدینه بین غزته و لَهَاوَر.

و این مصاهرت از آن بود که ابوبکر به جهت اشتغال به شرب حالت رسیدگی به امور مملکت و مدافعه دشمن نداشت از در صلح درآمد و گرجیها پس از مواصلت دست از او کشیدند. گرفتن لشکر ختاترید را از عساکر خوارزمشاه.

اروپا — ایالات (تورن) (آنژو) (فانتو) را که جزو انگلیس بود پادشاه فرانسه مسخر ساخته متصرف شد.

[سنه ۶۰۳ هجری = سنه ۱۲۰۶ مسیحی]

آسیا — آمدن ملک عادل از مصر به شام و منازعه او با مجاهدین فرنگ که غلبه او را بود. فرستادن غیاث الدین محمود به استمالت یلدوز که مستولی برغزنین بود و درخواست یلدوز^۱ که مملوک پدر او بود آزادی خود را از او که غیاث الدین او را و ایبک را که نیز مملوک پدر او و مستولی برهند بود آزاد نمود، پس از آزادی ایبک در بلاد خود به اسم غیاث الدین خطبه خواند ولی یلدوز نخواند و بعضی عساکر یلدوز به جهت عدم اطاعت او از غیاث الدین محمود براو شوریدند. تملک غیاث الدین کیخسرو پادشاه آری میتر انطالیه بلام^۲ را که یکی از بلاد رومیة الصغری و در ساحل بحر است. (مغولستان) تموجین در حضور یکصد نفر از رؤسای قبایل مغول ملقب به چنگیزخان شده و در این مجلس عهد و میثاقی می بندد که تمام ممالک آسیا را متصرف شود.

اروپا — طایفه بلغار بر پادشاه جدید قسطنطنیه غلبه کرده او را در حوالی ادرنه دستگیر و مقتول میسازند، برادر پادشاه مقتول هانری اول به جای او نصب می شود.

[سنه ۶۰۴ هجری = سنه ۱۲۰۷ مسیحی]

آسیا — استیلای ملک اوحد نجم الدین ایوب پسر ملک عادل برخلاط و صاحب خلاط چنانکه پیش ذکر شد بلبان بود، رسیدن خلعت خلیفه الناصر عباسی به صحابت

۱. در کامل همه جا الذر آمده.

۲. کامل: ملک غیاث الدین کیخسرو... مدینه انطاکیه بالأمان.

شیخ شهاب الدین سهروردی به ملک عادل در دمشق که با این خلعت خلیفه فرمانی برای ملک عادل فرستاده بلادی را که در تحت حکمرانی او بود به او واگذار کرده یعنی امضای حکمرانی او نموده او را مخاطب به خطاب شاهنشاه و ملک الملوک دوست امیرالمؤمنین ساخته و برای هریک از پسران ملک عادل نیز خلعت ارسال شده بود. جنگهای متوالیه خوارزمشاه با ختا به حمایت ملوک ماوراءالنهر و گرفتار شدن خوارزمشاه در یکی از جنگها و به حيله مستخلص شدن و چون در گرفتاری خوارزمشاه برادرش علی شاه او را معدوم پنداشته به جای او خود را پادشاه خوانده بود همینکه خوارزمشاه خلاص شد و به مملکت خود عود نمود علی شاه خائف شده نزد غیاث الدین محمود غوری گریخت خوارزمشاه لشکری به سرداری امیر ملک نامی به فیروزکوه فرستاده، غیاث الدین محمود و علی شاه را بگیرفتند و هر دو را یک روز بکشتند و سلطنت سلاطین غوری که بهترین دول بود منقرض شد و خراسان به تمامه در تحت تصرف خوارزمشاه درآمد پس از آن خوارزمشاه دولت ختا را نیز بهم زده به انقراض رسانید. وفات علم الدین عبدالکریم عراقی از علماء و ابن ساعاتی از شعراء. زلزله در موصل.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

[سنه ۶۰۵ هجری = سنه ۱۲۰۸ مسیحی]

آسیا — جاری ساختن ملک ظاهر قناتی از حیلان به حلب به خرج زیاد، کشته شدن معزالدین سنجرشاه ابن سیف الدین غازی ابن مودود ابن عمادالدین زنگی ابن آقسنقر صاحب جزیره ابن عمر به دست پسرش غازی به جهة سوءسیرت و سختگیری که نسبت به عموم مردم و اولاد خود داشت و کشته شدن غازی نیز به دست ملازمان پدرش و برقرار شدن محمود بن سنجرشاه به جای پدرش و ملقب شدن به معزالدین و گرفتن محمود برادر خود مودود را، زلزله در نیشابور.

[سنه ۶۰۶ هجری = سنه ۱۲۰۹ مسیحی]

آسیا — نقض ملک ظاهر صاحب حلب صلح باملك عادل را. استیلای ملک عادل بر نصیبین که در تصرف قطب الدین محمد بن عمادالدین زنگی صاحب سنجار بود نیز استیلای او بر خابور. وفات ملک المؤید نجم الدین مسعود بن سلطان صلاح الدین.

وفات امام فخر رازی موسوم به محمد بن عمر بن الحسین بن حسن بن علی التمیمی البکری الطبرستانی الاصل، الرازی المولد، الفقیه الشافعی خطیب ری صاحب تصانیف مشهور و اشعار نیکو. تولد امام فخر به عقیده ابن اثیر در سنه پانصد و چهل و سه بوده است. وفات مجدالدین بن السعادت المبارک بن محمد بن عبدالکریم معروف به ابن اثیر برادر عزالدین علی مورخ مؤلف کتاب کامل در تاریخ و مجدالدین در فقه و اصول و نحو و حدیث و لغت عالم و صاحب تصانیف مشهوره می باشد و در انشایدی طولی داشته. وفات المجد المطرز النحوی الخوارزمی از ائمه نحو صاحب تصانیف حسنه، تاختن اهالی فرانسه که در بیت المقدس بودند تا سرحدات مصر.

[سنه ۶۰۷ هجری = سنه ۱۲۱۰ مسیحی]

آسیا — محاصره کردن گرجیها ملک اوحد بن ملک عادل را در خلاط و گرفتار شدن پادشاه آنها و صلح سی ساله میانه گرجیها با مسلمین به شرط اینکه پادشاه گرج دختر خود را به مزاجت ملک اوحد دهد. وفات نورالدین ارسلان شاه بن عزالدین مسعود بن مودود بن عماد الدین زنگی صاحب موصل که هفده سال و یازده ماه حکمرانی این ولایت را کرده بود. برقرار شدن پسرش ملک قاهر عزالدین مسعود به جای او در ده سالگی و پرداختن بدرالدین لؤلؤ مملوک پدرش به تدبیر مملکت. و نورالدین را پسر دیگر بود کوچکتر از القاهر موسوم به عمادالدین زنگی که پدرش او را حکمران قلعه شوش و قلعه عقر که در نزدیکی موصل بود نموده. رفتن ملک عادل از دمشق به مصر. وفات فخر الدین چهارکس^۱ از سرکرده های صلاحیه. وفات ملک اوحد ایوب بن ملک عادل صاحب خلاط و تملک ملک اشرف ملک او را که بدین واسطه کار او بالا گرفت و ملقب بشاهرمن^۲ شد. کشته شدن غیاث الدین کیخسرو حکمران آری میثر به دست ملک الاشکری و برقرار شدن پسرش کیکاوس بجای او.

اروپا — (فرانسه) در شورای مذهبی پاریس حکم شد کتب فیلسوف ارسطو را

۱. کامل: فخرالدین جرکس.

۲. وفادوا بشعارشاه ارمن.

بسوزانند و هرکس این کتب را مطالعه کند نیز حتماً همین حکم در باره او مجری شود.

[سنه ۶۰۸ هجری = سنه ۱۲۱۱ مسیحی]

آسیا - گرفتن ملک معظم عیسی بن ملک عادل عزالدین اسامه صاحب دو قلعه کوکب و عجلون را که او را در کرک حبس کرد تامرد، و صلاحیه منقرض شدند و ملک معظم بلاد چهارکس^۲ را متصرف شد و صرخدارا به مملوک خود عزالدین ایبک معظمی داد. معاودت ملک عادل به شام و دادن رها و میافارقین را به پسر خود ملک مظفر. مزاجت ضیفه. خواتون دختر ملک عادل باملك ظاهر و رفع نقارجانبین به این واسطه و خطبه این مزاجت در این سال و عقد آن در سال بعد بود. اظهار داشتن کیا جلال الدین حسن صاحب الموت که از اولاد حسن صباح بود شعایر اسلام را و نوشتن این مطلب را به جمیع قلاع اسمعیلیه و دایر شدن شعایر اسلام در آن قلاع. وفات ابوحامد محمد بن یونس بن منعه فقیه شافعی که از فضلا و حسن الخلق بود در موصل.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

افریقا - وفات قاضی سعید معروف به ابن سناالملک که هبة الله بن جعفر بن سناالملک السعدی الشاعر المشهور المصری باشد و قاضی سعید از فضلا و رؤسا و صاحب نظم جید و کثیر الخط و از خوشبختهای عالم بود، زلزله در مصر.

[سنه ۶۰۹ هجری = سنه ۱۲۱۲ مسیحی]

آسیا - ساختن ملک عادل قلعه طور را که ارباب صنایع و عساکر را در اینجا جمع کرد تا تمام شد. محاصره کردن طغرل شاه بن قلیچ ارسلان صاحب ارزن الزوم پسر برادر خود کیکاوس حکمران آزی میثر را در سیواس و استمداد کیکاوس از ملک اشرف بن ملک عادل که طغرل بدین واسطه خایف شده دست از محاصره کشید. استیلای کیقباد برادر کیکاوس بر انگوریه که در تصرف کیکاوس بود و محاصره نمودن کیکاوس کیقباد را در

۱. کامل: جرکس که البته همان «چرکس» است.

این بلد و فتح کردن آن و گرفتن کیقباد را و حبس نمودن و امرای کیقباد را تنبیه کردن.
 اروپا - (روس) فوت ولادیمیر پادشاه و نصب ژوری دویم پسرش بجای او.
 (اسپانیول) انهزام ناصر محمد صامت الموحدی از عساکر اسپانیول در جنگ طلیطله
 (تِلْد) که این واقعه مشهور به وقعه عقابست.

[سنه ۶۱۰ هجری = سنه ۱۲۱۳ مسیحی]

آسیا - غلبه عزالدین کیخسرو حکمران آری میثر بر بلاد عم خود طغرل و گرفتن و
 کشتن او را و اکثر امرای او را. وفات فارس الدین میمون قصری که آخر امیر از
 امرای کبار صلاحیه بود در حلب و فارس الدین منسوب به قصر خلفای مصر است که
 صلاح الدین آنرا فتح کرد. تولد ملک عزیز غیاث الدین محمد پسر ملک ظاهر و ضیفه
 خواتون دختر ملک عادل، کشته شدن ایدغمش مملوک پهلوان به دست منکلی از
 پهلوانیه و استقلال منکلی در مملکت او که همدان و جبال باشد.

اروپا - (فرانسه) ایجاد سفاین جنگی در این مملکت به قصد تسخیر انگلیس
 (اسپانیول) وفات علی بن محمد بن علی المعروف به ابن خروف النحوی الاندلسی
 الاشبیلی که کتاب سیبویه را در کمال خوبی شرح کرده و بر جمل زجاجی نیز
 شرحی نوشته و برخی وفات او را در سال قبل نوشته اند.

افریقا - وفات محمد ناصر بن یعقوب المنصور بن یوسف بن عبدالمؤمن پادشاه مغرب
 که تقریباً شانزده سال سلطنت کرده بود. برقرار شدن پسرش یوسف به جای او که
 ملقب به المستنصر امیرالمؤمنین گردید و کنیه او ابویعقوب بود. وفات عیسی بن
 عبدالعزیز جزولی از ائمه نحو در مراکش صاحب مقدمه جزولیه مستی به قانون و
 جزولی منسوب به جزوله است که بطنی از بربر باشد و آنرا کزوله هم گفته اند.

[سنه ۶۱۱ هجری = سنه ۱۲۱۴ مسیحی]

آسیا - وفات شیخ علی بن ابی بکر هروی که در انواع فنون شعبده، و سیمیا، مهارت
 کامل داشت و اشعار زیاد داشت و قبر او در شمالی حلب واقع و معروفست. اسیر

کردن ترکمانان ملک الاشکری را که قاتل غیاث الدین کیخسرو بود و آوردن او رانزد کیکاوس بن کیخسرو و کیکاوس چون قصد کشتن ملک الاشکری نمود او اموال زیاد داد و بلاد و قلاع چند که تا آن وقت به تصرف مُسلمین درنیامده بود تسلیم کیکاوس کرد و جان خود را خرید. معاودت ملک عادل از شام به مصر. وفات دکر عبدالسلام ابن عبدالوهاب بن عبدالقاهر جبلی والی چند ولایت به بغداد، و دکر متهم بمذهب فلاسفه^۱ بود چنانکه بهمین واسطه چندی محبوس شد. وفات عبدالعزیز بن محمود بن الاخضر از فضلاء محدثین در هشتاد و هفت سالگی. استیلای عساکر خوارزمشاه بر کرمان.

اروپا — اتحاد و اتفاق سلاطین انگلیس و آلمان و بعضی ولات دیگر ممالک فرنگ و جمعی از معارف که ناراضی از پادشاه فرانسه بودند برضد این پادشاه.

[سنه ۶۱۲ هجری = سنه ۱۲۱۵ مسیحی]

آسیا — فرستادن ملک کامل بن ملک عادل پسر خود مسعود معروف به اقیس را بالشکری به یمن و غلبه او بر سلیمان صاحب یمن که او را گرفته مغلولاً به مصر فرستاد و ملک کامل او را در قاهره موظف می داشت تا در سال ششصد و چهل و هفت در منصوره در جنگ کشته شد. وفات امیر علی بن الناصر خلیفه عباسی. جنگ کردن عساکر بغداد و غیره بامنکلی صاحب همدان و اصفهان و ری و مابینهما و کشته شدن منکلی در ساوه و برقرار شدن اغلمش از ممالیک پهلوانیه به جای او. انتزاع نمودن علاءالدین تکش خوارزمشاه غزنین و اعمال آنها از یلدوز مملوک شهاب الدین غوری و فرار یلدوز به لُهاور از هند و استیلای او بر این ولایت که از اینجا به داخله هند رانده بعضی بلاد را که قطب الدین ایبک متصرف بود بگرفت و آخر الامر در جنگ با عساکرایبک مقتول شد. وفات الوجیه مبارک بن ابی الازهر سعید بن دهان نحوی اعمی از فضلاء. وفات عبدالقاهر ابرهاری از حفاظ، مسخر کردن چنگیزخان به غلبه شهر

۱. کامل: وفيها، فی رجب توفی الرکن أبو منصور عبدالسلام... الجیلی... و کان یتهم بمذهب الفلاسفة

پکن را و سوزانیدن تمام کتب و اسباب علمیه را که در این شهر بود و تاختن تاجبال شمال مملکت چین.

اروپا — (آلمان) در مجلس اعظم که در شهر اکسلاشاپل منعقد شده بود اینطور مقرر داشتند که به قید قسم از تمام رعایای آلمان عهدی بگیرند قوافل و تجار را محترم بدارند و آنها را در شوارع عاقه صدمه و آسیبی نرسانند. (رُم) منع پاپ کشیشان را از زن گرفتن.

[سنه ۹۱۳ هجری = سنه ۱۲۱۶ مسیحی]

آسیا — وفات ملک ظاهر غازی بن سلطان صلاح الدین بن یوسف بن ایوب صاحب حلب در بیستم جمادی الاخره، عمر ملک ظاهر چهل و چهار سال و چند ماه و مدت حکمرانی او در حلب از وقتی که پدرش این ولایت را به او داده بود سی و یکسال. برقرار شدن ملک عزیز پسر کوچک ملک ظاهر به جای او در سن دو سال و چند ماهگی و پرداختن شهاب الدین طغرل خادم به تدبیر مملکت، و ملک ظاهر را پسری دوازده ساله بود موسوم به ملک صالح که بموجب وصایت بعد از ملک عزیز ولایت عهد او را بود. وفات تاج الدین زید بن الحسین بن زیدالکندی از ائمه نحو و لغت که در علوم ذی فنون و بغدادی المولد و المنشأ و مقیم دمشق بود. غلبه چنگیزخان بر خوارزم و در این قشون کشی علما و مهندسين چینی در فتح بعضی شهرها کمال معاونت را به چنگیزخان نمودند.

اروپا — (رُم) فوت این نسان دویم پاپ جلوس هئریوس سیم به جای او.

[سنه ۹۱۴ هجری = سنه ۱۲۱۷ مسیحی]

آسیا — قتل و نهب مجاهدین فرنگ در بلاد اسلام و جمع شدن آنها در عکا. گرفتن خوارزمشاه ساوه و قزوین و زنجان و ابهر و همدان و اصفهان و قم و کاشان را و اطاعت کردن ازبک بن پهلوان حکمران آذربایجان و اران به خوارزمشاه و خطبه خواندن در بلاد خود به اسم او و عزم کردن خوارزمشاه رفتن به بغداد را در به جهت استیلای بر این نواحی که چون سه منزل از همدان دور شد برف شدیدی آمده اکثر

دواب عساکر اورا تلف نمود لهذا فسخ عزیمت کرده و ازخوف اینکه تاتار بر بلاد او حمله کنند ولایاتی را که تازه تصرف کرده بود به حکام سپرده به خراسان بازگشت و خطبه خلیفه عباسی را از بلاد خراسان و ماوراءالنهر قطع کرد، ولی در خوارزم و سمرقند و هرات باز به اسم خلیفه مشارالیه خطبه می خواندند، طغیان دجله.

[سنه ۶۱۵ هجری = سنه ۱۲۱۸ مسیحی]

آسیا و افریقا - وفات ملک قاهر عزالدین مسعود بن ارسلان شاه بن مسعود بن مودود بن عمادالدین زنگی صاحب موصل در بیست و هفتم ربیع الاول بعد از هفت سال و نه ماه حکمرانی و فی الحقیقه به فوت او سلطنت اینطایفه منقرض شد. عزالدین دو پسر داشت پسر بزرگتر که ده ساله و موسوم به ارسلان شاه بود و به موجب وصیت پدرش به حکمرانی موصل جلوس نمود و بدرالدین لؤلؤ به تدبیر ملک پرداخت وفات ملک عادل که از مرج الصفر به عالقین آمده در اینجا مریض شد و در هفتم جمادی الاخره درگذشت و مدت سلطنت او در دمشق بیست و سه سال و در مصر تقریباً نوزده سال و عمرش هفتاد و پنج سال بود. ملک عادل شانزده پسر داشت و چند دختر در وقت وفات او هیچیک از پسرهای او نژاد او نبودند لکن ملک معظم عیسی بن ملک عادل که در نابلس بود به عالقین آمده نعش پدر را در محفّه گذاشت و جواهر و سلاح و اسب و اموالی را که با ملک عادل بود تصرف کرد وفات او را پنهان داشته به دمشق آمد و جمیع مردم به اطاعت او سوگند خوردند آنگاه فوت ملک عادل را اظهار نمود و به عزاداری پرداخت و خبر فوت ملک عادل وقتی به ملک کامل رسید که مشغول دفع مجاهدین فرنگ که به دمیاط حمله نموده بودند بود و به واسطه وصول این خبر اختلاف در میان عساکر افتاد و عمادالدین احمد بن سیف الدین علی بن احمد المشطوب که در میان اکراد هکاریه سردار و رئیس بزرگی بود عزم کرد ملک کامل را از سلطنت مصر خلع کند ملک معظم عیسی بن عادل در شام از این واقعه خبر شده به جانب برادر شتافت و عمادالدین مذکور را به شام نفی کرد و امر سلطنت کامل منظم گردید و درین فتنه ها مجاهدین فرنگ خیلی صدمه به دمیاط وارد آوردند و در سال بعد بر دمیاط تسلط یافتند. اطاعت کردن ارسلانشاه بن عزالدین و بدرالدین لؤلؤ اتابک او از ملک اشرف مستمداد از او در دفع عمادالدین زنگی بن ارسلان

شاه بن عمّ ارسلان شاه بن عزالدین که بر بلاد او تاخته بود. وفات علی بن نصر بن هارون النحوی الحلی ملقب به حجة. وفات محمد یا احمد بن محمد بن محمد العمیدی الفقیه الحنفی السمرقندی ملقب به رکن الدین از علمای بزرگ.

[سنه ۶۱۶ هجری = سنه ۱۲۱۹ مسیحی]

آسیا - وفات ارسلان شاه بن عزالدین که بدرالدین لؤلؤ برادرش ناصرالدین محمود را به جای او به حکمرانی موصل برداشت و محمود سه ساله و آخر شخصی بود که از این خانواده اسم سلطنت یافت و بعد از چندی درگذشت و بدرالدین لؤلؤ خود در سلطنت موصل مستقر گردید و روزگاری دراز با سعادت سلطنت کرد تا بعد از گرفتن مغول بغداد را در موصل درگذشت. وفات قطب الدین محمد بن عمادالدین زنگی بن مودود بن عمادالدین زنگی حکمران سنجار و برقرار شدن پسرش عمادالدین شاهنشاه به جای او که پس از چند ماه برادرش محمود او را بکشت و خود حکمران سنجار شد و این آخر کسی است از این خانواده که در سنجار سلطنت کرد. خراب کردن قلعه بیت المقدس به امر ملک معظم عیسی بن عادل از خوف استیلای مجاهدین فرنگ بر این شهر. وفات کیکاوس بن کیخسرو بن قلیچ ارسلان حکمران آسیای صغیر و برقرار شدن کیقباد برادرش به جای او، فتوحات علاءالدین کیقباد سلجوقی در سمت گرجستان و ارمنستان بعقیده موترخین فرنگ. استیلای چنگیزخان بر بخارا در چهارم ذیحجه پس از جنگ با عساکر علاءالدین محمد خوارزمشاه، کشته شدن خلق بیشمار از مسلمین به دست مغول که نظیر این خونریزی تا این وقت در اسلام نشده بود. وفات ابوالبقا عبدالله بن حسین بن عبدالله العکبری اعمی نحوی لغوی که حنبلی بود، وفات ابوالحسن علی بن القاسم بن القاسم بن علی بن حسن الدمشقی الحافظ بن الحافظ بن الحافظ معروف به ابن عساکر. تشکیل سلطنت در جزیره قبرس.

[سنه ۶۱۷ هجری = سنه ۱۲۲۰ مسیحی]

آسیا - دادن محمود بن قطب الدین صاحب سنجار این ولایت را به ملک اشرف بن عادل و گرفتن رقه را در عوض سنجار و آمدن ملک اشرف با احتشام تمام به موصل. استقرار صلح مابین ملک اشرف و مظفرالدین کوکبوری صاحب اربل و عمادالدین زنگی بن ارسلان شاه صاحب قلاع عقروشوش و عمادیه و بدرالدین لؤلؤ حکمران موصل و

رفتن ملک اشرف از موصل به سنجار و دادن بدرالدین لؤلؤ قلعه تلعفر را به ملک اشرف و بردن ملک اشرف ابن مشطوب را از حبس موصل و جا دادن او را مقیداً در چاهی در شهر حرّان که در آن چاه در سنه ۶۱۹ بمرد. وفات ملک منصور محمد بن ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب صاحب حماة در قلعه حماة در ذیقعدة و ملک منصور از فضلا و صاحب تصنیفات حسنه بود. چون ملک منصور درگذشت پسرش ملک مظفر که ولیعهد بود در مصر با خال خود ملک کامل به جنگ مجاهدین فرنگ اشتغال داشت و پسر دیگرش ملک ناصر صلاح الدین قلیچ ارسلان نزد خال دیگر خود ملک معظم پادشاه دمشق بوده زین الدین فریج وزیر ملک منصور و بزرگان دولت ملک ناصر را طلبیدند و به جای ملک منصور برقرار کردند و ملک مظفر مجبور شد که در مصر به خدمت ملک کامل پردازد. قرار دادن ملک اشرف برادر خود ملک مظفر شهاب الدین غازی را ولیعهد خود و دادن میافارقین و خلاط را به او و این کار به جهت این شد که ملک اشرف اولاد نداشت و ملک اشرف رها و سروج را از ملک مظفر بگرفت. وفات شیخ صدرالدین محمد بن عمر بن حمویه شیخ الشیوخ شام و مصر که مرد فقیه فاضلی بود از یکی از خانواده های بزرگ خراسان و چهل پسر از او ماند که معروف به اولاد الشیخ بودند و بعضی از اخبار آنها بیاید، و شیخ صدرالدین به رسالت به موصل آمده بود و در این شهر درگذشت. تعاقب کردن قشون چنگیزخان علاءالدین محمد بن علاءالدین تکش بن ارسلان اتسز بن محمد بن انوشکین خوارزمشاه را که همه جا راند تا جزیره آبسکون و در قلعه آبسکون درگذشت در حالتی که کفن نداشت. غلبه لشکر مغول بعد از مایوس شدن از دستگیر نمودن خوارزمشاه براغلیبی از بلاد ایران و گرفتن شهر مراغه را در ماه صفر سال بعد که از اینجا به حرّان راندند و این بلد را نیز بگرفتند بعد به خوارزم تاختند و از خرابی و قتل و غارت هیچ فروگذار نکردند آنگاه نزد چنگیزخان رفتند و اولشکری مأمور به غزنین کرد، سلطان جلال الدین مینکبرلی پسر علاءالدین محمد خوارزمشاه که غزنین را متصرف بود لشکر چنگیزخان را شکست داده در ثانی چنگیزخان لشکری به قتال سلطان جلال الدین فرستاده آن لشکر نیز شکست خورد چنگیزخان بنفسه متوجه حرب سلطان جلال الدین شد سلطان جلال الدین تاب مقاومت نیاورده به هند راند چنگیزخان او را تعاقب کرده در کنار رود سند جنگ سختی بین فتنین درگرفت و جلال الدین از رود سند عبور کرده به طرف هند رفت و چنگیزخان معاودت نموده

برغزنین استیلا یافت و لشکر او به قبیاق رانده شهر قبیاق را که موسوم به سوادق بود بگرفتند. بعد بر بلاد لکزی که در نزدیکی دربند شیروان است استیلا یافته به خاک روس داخل شدند و جنگها نمودند و غلبه لشکر مغول را بود. وفات رضی الدین مؤید بن محمد بن علی الطوسی الاصل النیشابوری المسکن از علمای بزرگ.

[سنه ۶۱۸ هجری = سنه ۱۲۲۱ مسیحی]

آسیا - انتزاع ملک اشرف رقه را از محمود بن قطب الدین. وفات ملک صالح ناصرالدین محمود بن محمد بن قرارسلان بن داود بن سقمان بن ارتق صاحب آمد و حصن کیفا و برقرار شدن پسرش ملک مسعود به جای او. وفات قتاده بن ادریس العلوی الحسنی امیر مکه معظمه در نود سالگی که ولایت او تا یمن اتساع یافته بود و پسر او حسن، او را خفه کرد و عم و برادر خود را نیز بکشت و در مکه استقرار یافت. وفات جلال الدین حسن صاحب الموت بزرگ اسمعیلیه که پسرش علاء الدین محمد به جای او برقرار شد.

افریقا - جنگ ملک کامل پادشاه مصر با مجاهدین فرنگ به معاونت برادران خود ملک اشرف و ملک معظم عیسی و عساکر شام و حماة و غیرها و استرداد دمیاط و ورود ملک کامل با برادران خود به دمیاط با احتشام هرچه تمامتر بعد از صلح با مجاهدین فرنگ و دادن حکومت این شهر را به امیر شجاع الدین جلدک تقوی از ممالیک ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه و معاودت ملک کامل به قاهره و مرخص نمودن برادران خود را که هریک به مملکت خود باز گردند.

[سنه ۶۱۹ هجری = سنه ۱۲۲۲ مسیحی]

آسیا - وفات ناصرالدین محمود بن ملک قاهر و استقلال بدرالدین لؤلؤ در حکمرانی موصل و خواندن خود را ملک رحیم. راندن ملک معظم عیسی بن عادل پادشاه دمشق به طرف حماة به جهت اینکه ملک ناصر صاحب حماة قرار داده بود خراجی برای ملک معظم بفرستد و به قرارداد خود عمل نکرده بود. جنگ مختصر ملک معظم با عساکر ملک ناصر و رفتن به سلمیه و استیلای او در این محل و راندن به معره و

گرفتن آن را و برگشتن به سلمیه و در اینجا در تهیة جنگ با حماة بود که سال بسر آمد. وفات شیخ یونس بن یوسف بن مساعد شیخ فقراء معروف به یونسیه از صلحا و صاحب کرامات در نزدیکی قنیه. بنای حصار قنیه به امر علاءالدین کیقباد سلجوقی پادشاه آزی میثر. وفات شیخ روزبهان در شیراز.

[سنه ۶۲۰ هجری = سنه ۱۲۲۳ مسیحی]

آسیا — گرفتن ملک مسعود بن ملک کامل پادشاه یمن مکه معظمه را از حسن بن قتاده. رفتن ملک معظم به امر ملک کامل از مملکت ملک ناصر. اتفاق ملک کامل و ملک اشرف براین که سلمیه را از ملک ناصر انتزاع کرده به ملک مظفر برادرش که در مصر بود دهند. و چون چنین کردند ملک مظفر حسامالدین ابوعلی ابن محمد بن علی الهذبانی را به نیابت خود به سلمیه فرستاد و حماة و معره و بحرین در تصرف ملک ناصر ماند. آوردن ملک اشرف خلعت و لواء از مصر از جانب برادرش ملک کامل برای ملک عزیز صاحب حلب که ده ساله بود و نشانیدن او را بر سریر سلطنت. خراب کردن قلعه لاذقیه را به امر ملک اشرف و بزرگان حلب. غلبه غیاثالدین برادر جلالالدین بن خوارزمشاه برری و اصفهان و سایر بلاد عراق عجم و غیاثالدین پیش از این پادشاه کرمان بود.

اروپا — (فرانسه) فوت اگوست پادشاه فرانسه و جلوس لوئی هشتم به جای او. ایجاد مدرسه دارالفنون در اروپا.

افریقا — وفات یوسف المستنصر ابن محمد ناصر بن یعقوب المنصور بن یوسف بن عبدالؤمن و چون یوسف اولادی نداشت بزرگان دولت عم پدرش عبدالواحد بن یوسف بن عبدالؤمن را که مرد پیری بود به سلطنت برداشتند و المستضی لقب دادند و عبدالواحد مذکور مرد فقیری بوده در مراکش سختی دنیا دیده چون به سلطنت رسید به تنعم پرداخت بدون اینکه شرب خمر نماید ولی پس از نه ماه او را بکشتند و پسر برادرش عبداللّه بن یعقوب بن منصور بن یوسف بن عبدالؤمن را به سلطنت اختیار نموده او را العادل خواندند.

[سنه ۶۲۱ هجرى - سنه ۱۲۲۴ مسیحی]

آسیا - استیلای غیاث الدین بن علاء الدین محمد خوارزمشاه بر غالب بلاد فارس و حکمران فارس اتابک سعد بن دکلا بود. وقوع مصالحه مابین غیاث الدین و اتابک محمد براینکه بعضی از فارس غیاث الدین را باشد و قدری اتابک را. انتزاع ملک اشرف خلط را از برادر خود ملک مظفر شهاب الدین غازی به جهت عصیان او نسبت به ملک اشرف و دادن فقط میافارقین را به او.

اروپا - طوایف مغول که به مملکت روس حمله آورده بودند در ساحل رود دنپیر توقف کردند (دنپیر رودی است در لهستان روس).

[سنه ۶۲۲ هجرى = سنه ۱۲۲۵ مسیحی]

آسیا - آمدن سلطان جلال الدین خوارزمشاهی از هندوستان به کرمان و غلبه او بر تمام ایران تا به گنجه و انتزاع نمودن آنچه را که از فارس به تصرف غیاث الدین برادر او بود و دادن به اتابک سعد بن دکلا. و درآمدن غیاث الدین و اتابک هردو در سلک اطاعت سلطان جلال الدین و بالا گرفتن کار او از هر جهت. وفات ملک افضل نورالدین علی بن سلطان صلاح الدین یوسف که غیر از سمیسات جانی بدست او نبود. عمر ملک افضل پنجاه و هفت سال و مرد فاضل نیک سیرت و جامع فضایل و اخلاق بود ولی بخت بلندی نداشت شعر را نیز نیکومی گفت. وفات خلیفه الناصر لدین الله عباسی بعد از چهل و هفت سال خلافت در اول شوال و الناصر در آخر عمر خود کور شده بود. عمر الناصر تقریباً هفتاد سال و قبیح السیره و ظالم و متشیع و در ایام او عراق خراب شد و مردم عراق متفرق گردیدند. گویند او به جهة عداوت با خوارزمشاه مغول را به طمع ممالک اسلام انداخت. خلافت الظاهر بامر الله ابونصر محمد پسر الناصر لدین الله که سی و پنجمین خلیفه عباسی بود. چون الظاهر خلیفه شد بنای معدلت را گذاشت و در میان مردم بود و پیش از او خلفا را به ندرت مردم می دیدند اما خلافتش بیش از نه ماه طول نکشید. انقراض دولت بنی الدکک در آذربایجان به دست سلطان جلال الدین. زلزله در موصل.

[سنه ۶۲۳ هجری = سنه ۱۲۲۶ مسیحی]

آسیا - اتفاق ملک معظم بن عادل پادشاه دمشق و جلال الدین خوارزمشاه و مظفرالدین صاحب اربل با یکدیگر و لشکر کشیدن بر سر حمص و مراجعت کردن به دمشق به جهت مردن اسبان عساکر او و آمدن ملک اشرف نزد برادر خود ملک معظم به جهت طلب صلح و اقامت نمودن نزد او که به ظاهر مکرم بود و در معنی مثل اسیر و ملک اشرف نزد ملک معظم بود که سال به سر رسید. گرفتن سلطان جلال الدین تفلیس را از گرجیها. راندن سلطان جلال الدین به خلاط و جنگ کردن با حسام الدین علی الموصلی الحاجب نایب ملک اشرف که برف زیاد اسباب سختی کار جنگ شده سلطان جلال الدین از خلاط کوچ کرد. وفات خلیفه الظاهر بامر الله عباسی در چهارم رجب و این خلیفه برعکس پدرش بسیار عادل و نیکوکار بود. خلافت المستنصر بالله ابوجعفر المنصور سی و ششمین خلیفه عباسی پسر اکبر الظاهر بامر الله و الظاهر را پسر دیگر بود خفاجه نام در کمال شجاعت که در غلبه مغول بر بغداد کشته شد. گرفتن عساکر علاء الدین کیقباد حکمران آری میثر حصن منصور و حصن الکخت (کاخت) را از صاحب آمد ملک مسعود ارتقی. جنگ دویم سلطان جلال الدین در خلاط که باز به جهت شدت سرما از این محل کوچ کرد. زلزله در موصل.

اروپا - (فرانسه) فوت لوئی هشتم پادشاه و جلوس لوئی نهم به جای او در سیزده سالگی.

[سنه ۶۲۴ هجری = سنه ۱۲۲۶ مسیحی]

آسیا - رفتن حسام الدین علی نایب ملک اشرف با قشونی بر سر بلاد سلطان جلال الدین و گرفتن خوی و سلماس و نخجوان را و این بعد از رهائی ملک اشرف بود از جنگ ملک معظم بن عادل: وفات ملک معظم عیسی بن عادل در دمشق در ماه ذیقعد در چهل و نه سالگی و مدت سلطنت ملک معظم در دمشق نه سال و چند ماه بود. ملک معظم عادل و فاضل و بلا تکلف می زیست و مثل سایر سلاطین بعضی رسوم ظاهری را مرعی نمی داشت، بعد از او پسرش ملک ناصر صلاح الدین داود به جای او برقرار شد، و مملوک پدرش عزالدین ایبک معظمی صاحب صرخد به تدبیر ملک پرداخت. فوت چنگیزخان در این سال. طوایف مغول از سمت مغرب تا رود

دنیپر و از طرف شرق تا اقصی بلاد مملکت چین را متصرف بودند و این ممالک وسیعه در میان چهار نفر اولاد چنگیزخان برحسب وصیت قسمت شد. اگرچه اوکتای قآن شاهنشاه بود اما جز در حق و قسمت خود سلطنت و اختیار تامی نداشت.

افریقا — خلع شدن العادل عبدالله بن یعقوب المنصور بن یوسف بن عبدالؤمن پادشاه مغرب از سلطنت که بعد از خلع او را خفه کردند و بعد از او یحیی بن محمد بن ناصر بن یعقوب منصور بن یوسف بن عبدالؤمن به جای او برقرار شد و هنوز موی عارض یحیی ندیده بود مقارن جلوس او خبر رسید که ادریس بن یعقوب برادر العادل مخلوع در اشبیلیه به خلافت برخاسته و ملقب به مأمون شده و بدین واسطه اهل مراکش با جماعتی از عرب بریحیی شوریدند و او به کوهستان گریخت و عرب معقلی او را کشتند و در مراکش نیز خطبه به اسم ادریس مأمون خوانده شد و بر اندلس و بر عدوه هردو در تصرف ادریس درآمد بعد متوکل بن هود در شرقی اندلس بر ادریس خروج کرد و ادریس ناچار از اندلس به مراکش آمد و اندلس از تصرف بنی عبدالؤمن خارج شد و ادریس مزد فصیح عالمی بود و چون درگذشت پسرش عبدالواحد به جای او برآمد و ملقب به رشید شد و او نیز در ششصد و چهل و چهار وفات کرد و برادرش علی بن ادریس ملقب به المعتضد جای او بگرفت و المعتضد در محاصره قلعه در نزدیکی تلمسان در سال ششصد و چهل و شش درگذشت و ابو حفص عمر بن ابوالبراهیم بن یوسف به جای او برقرار آمد و ملقب به المرتضی گردید و در محرم ششصد و شصت و پنج الواثق ابوالعلاء ادریس معروف به ابودبوس داخل مراکش شده و المرتضی به دست او مقتول گردید و ابودبوس بعد از سه سال در جنگ با بنی مرین ملوک تلمسان کشته شد و دولت بنی عبدالؤمن منقرض گردید و بنی مرین بر مملکت بنی عبدالؤمن غلبه کردند و ابودبوس را بعضی پسر ادریس مأمون دانسته اند. برخی اسم او را ادریس بن عبدالله بن یعقوب بن یوسف بن عبدالؤمن ضبط کرده اند.

[سنه ۶۲۵ هجری = سنه ۱۲۲۷ مسیحی]

آسیا — اجتماع ملک اشرف بن عادل و ملک کامل بن عادل در غزه (غزه شهر است میان شام و مصر) و اتفاق نمودن آنها بر اینکه دمشق را از الناصر داود پسر برادر خود انتزاع کنند و حران و رها و رقه را که در تصرف ملک اشرف بود در عوض به او دهند

و دمشق ملک اشرف را باشد تا عقبه افیق و از عقبه افیق به بالا بلاد دمشق از ملک کامل باشد. نیز قرار دادند که حماة را از ملک ناصر قلیج ارسلان منتزع سازند و به ملک مظفر محمود بن ملک منصور دهند و سلمیه را نیز از ملک مظفر محمود گرفته به شیرکوه صاحب حمص واگذار کنند و سال به سر رسید در حالتیکه ملک اشرف در ظاهر غزه نزد برادر خود ملک کامل پادشاه مصر بود. آمدن لشکر مغول مجدداً بر سر بلاد و ولایاتی که به تصرف سلطان جلال الدین خوارزمشاهی بود و وقوع جنگهای بسیار فی مابین لشکر مغول و عساکر سلطان جلال الدین که اغلب فتح با مغول بود. آمدن سلطان جلال الدین پس از جنگها که با مغول کرده بود به طرف خلاط و قتل و نهب و خرابی او در این نواحی. خائف بشدن غیاث الدین برادر جلال الدین از او و مفارقت کردن از جلال الدین و پناه بردن به اسمعیلیه.

[سنه ۶۲۶ هجری = سنه ۱۲۲۸ مسیحی]

آسیا - محاصره کردن ملک اشرف دمشق را و محصور نمودن ناصر برادرزاده خود را در این شهر با برادر خود ملک کامل و آخر الامر دمشق ملک اشرف را شد و بلاد شرقیه که برای ملک ناصر معین شده بود یعنی حران و رها و غیرهما به تصرف ملک کامل درآمد و کرک و بلقاء و صلت و اغوار و شوبک را به ملک ناصر دادند. وفات ملک مسعود بن کامل پادشاه یمن که ملقب به اتسر و معروف به اقسیس بود در مکه در بیست و شش سالگی. مدت سلطنت ملک مسعود در یمن چهارده سال بود و چون از یمن عزیمت مکه کرد علی بن رسول را در این مملکت جانشین خود قرار داد. فرستادن ملک اشرف مملوک خود عزالدین ایبک اشرفی را که اکبر امرای او بود به خلاط و گرفتن او حاجب علی موصلی را که از جانب ملک اشرف حاکم خلاط بود و حبس کردن و کشتن او و حاجب مذکور حسام الدین لقب داشت و مرد نیک سیرت کثیرالخیری بود. استیلای ملک مظفر محمود بن ملک منصور محمد بن ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب بر حماة که در تصرف برادرش ملک ناصر قلیج ارسلان بود و گرفتن ملک کامل سلمیه را از او و دادن به شیرکوه صاحب حمص بنا بر معاهده ای که پیش ذکر شد و دادن ملک مظفر محمود به حکم ملک کامل قلمه بارین را به برادر خود ملک ناصر قلیج ارسلان که تنها حماة و معره در تصرف او

ماند. فرستادن ملک اشرف برادر خود ملک صالح اسماعیل صاحب بصری را با لشکری به بعلبک و محاصره نمودن او این بلد را و صاحب بعلبک ملک امجد بهرامشاه بن فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب بود (بُصری شهر رستاق حورانست از رستاق دمشق). آمدن سلطان جلال الدین خوارزمشاهی به محاصره خلاط و محصور کردن ایبک نایب ملک اشرف را در این بلد و این محاصره در کار بود که سال بسر رسید. رفتن ملک کامل از شام به مصر.

اروپا — (فرانسه) در شهر تولوز اجماع قتیسین چنین مقرر داشتند که مأمورین مخفی آنها همه حاجتی درون خانه های مردم را تجسس نموده اگر از کسی خلاف شرع و دین بروز کند او را با نهایت سختی و شدت جزا دهند و همچنین کتاب توریة و انجیل را جز به دست قتیسین به دست هرکس ببینند مآخوذ دارند. (آلمان) فردریک دویم امپراطور آلمان که با یکدسته از مجاهدین به طرف بیت المقدس رفته بود بعد از ورود به آنجا از پادشاه مصر ملک کامل بیت المقدس و بیت اللحم و نُضارت و صیدا را ابتیاع می کند و تاج سلطنت بیت المقدس را به سر نهاده پادشاهی بیت المقدس را به القاب سلطنتی خود می افزاید و این عقیده مورخین فرنگ است افا مورخین آسیا گویند شهر صیدا را فردریک در سال قبل بگرفت و جنگ میان عساکر ملک کامل و قشون فردریک در کار بود ناچار ملک کامل بیت المقدس را به فردریک واگذار نمود و مصالحه کردند.

[سنه ۶۲۷ هجری = سنه ۱۲۲۹ مسیحی]

آسیا — شروع کردن صاحب حمص شیرکوه ساختن قلعه شمیمیش را در سلمیه. استیلای ملک اشرف بر بعلبک که پس از تصرف این بلد زبدانی و قُصیر را که قریه ایست در شمالی دمشق و بعضی مواضع دیگر را در عوض بعلبک به ملک امجد بهرامشاه بن فرخشاه بن شاهنشاه بن ایوب صاحب بعلبک داد. کشته شدن ملک امجد مذکور در خانه خود در دمشق به دست یکی از ممالیک خود و مدت حکمرانی ملک امجد در بعلبک چهل و نه سال بود. ملک امجد اشعر بنی ایوب و اشعار او مشهور می باشد. گرفتن سلطان جلال الدین خوارزمشاهی خلاط را به غلبه و قتل و نهب و اسر او در این بلد و گرفتن ایبک نایب ملک اشرف را و دادن به مملوک

حسام الدین حاجب علی الموصلی که آن مملوک اییک را به قصاصی حسام الدین بکشت. اتفاق ملک اشرف با کیقباد بن کیخسرو پادشاه آری میثر و شکست دادن لشکر سلطان جلال الدین را و هلاک شدن اغلب عساکر سلطان جلال الدین و هزیمت او که به همین جهت قوت سلطان جلال الدین مبتل به ضعف شد و بعدها مغول بر او غالب آمدند. آمدن ملک اشرف به خلاط در حالتی که از صدمه عساکر جلال الدین خراب و ویران شده بود و وقوع صلح مابین ملک اشرف و سلطان جلال الدین و کیقباد و معاهده این سه پادشاه باهم بر اینکه متفق و باهم همدست باشند. استیلای ملک مظفر غازی بن ملک عادل بر ارزن از دیاربکر و این ارزن غیر از ارزن الروم می باشد و حکمران ارزن حسام الدین از خانواده بزرگی بود معروف به بیت الاحدب و از عهد ملک شاه سلجوقی ارزن در تصرف این خانواده بود. خلاصه بعد از استیلای ملک مظفر بر ارزن شهر حانی را در عوض ارزن به حسام الدین داد. شکست سخت مجاهدین فرنگ که قصد تسخیر حماة داشتند از ملک مظفر محمود بن ملک منصور صاحب حماة. وفات سکاکی صاحب مفتاح.

[سنه ۶۲۸ هجری = سنه ۱۲۳۰ شمسی]

آسیا — ضعف سلطان جلال الدین خوارزمشاهی به جهت سوء سیرت و تدبیر او و قوت مغول و استیلای ایشان ثانیاً بر مراغه و آذربایجان و تعاقب کردن سلطان جلال الدین را و کشته شدن او در حوالی میافارقین به دست یک نفر از اکراد در نیمه شوال. جلال الدین نسوی صاحب تاریخ مغول که از ملازمان خدمت سلطان جلال الدین خوارزمشاهی و پدرش علاء الدین محمد خوارزمشاه بود گوید خوارزمشاه محمد بن تکش که صاحب مملکت وسیعه بود چهار پسر داشت بزرگتر از همه سلطان جلال الدین مینکبیری بود که سلطنت غزنین بامیان و غور و بست و تکاباد و زمین داور و نواحی هند را که متصل به این بلاد بود به او داده و سلطنت خوارزم و خراسان و مازندران را به پسر دیگرش قطب الدین ازلاغ شاه تفویض نموده، و کرمان و کیش و مکران را به حکومت غیاث الدین تیزشاه واگذار کرده و عراق را به رکن الدین غورشاه یحیی و این جمله تجملات سلطنتی داشتند و جلال الدین پس از مراجعت از هند استیلای کلی در این نواحی بهم رسانید اما اعمال و تدابیر غیر صائب او سبب شد که از

سلطنت وزندگانى محروم گردید و پس از قتل او مغول در این سال تا نواحى فرات رانند و قتل و نهب کردند و شام بدین واسطه متزلزل شد و در دیار بکر و جزیره نیز قتل و خرابی مغول به درجه کمال رسید.

افریقا — وفات ابوالحسن یحیی بن عبدالمعطی بن عبدالنور الزواوی النحوی الحنفی از ائمه نحو و لغت در قاهره و الفیه ابن معط معروف است (زواوی منسوب به زواوه است که قبیله بزرگست در ظاهر بجایه ازاعمال افریقیه).

[سنه ۶۲۹ هجرى = سنه ۱۲۳۱ مسیحی]

آسیا — گرفتن ملک کامل آمد را از ملک مسعود بن ملک صالح محمود بن محمد بن قرا ارسلان بن داود بن سقمان ارتق به جهة سوء رفتار و میل او به نسوان رعایا. دادن ملک کامل بلاد ملک مسعود رابه پسر خود ملک صالح ایوب و دادن پیشکاری او را به شمس الدین صواب عادلی. ظاهراً علی بن رسول که نایب یمن بود در این سال درگذشت و عمر بن علی پسرش به جای او برقرار شد.

[سنه ۶۳۰ هجرى = سنه ۱۲۳۲ مسیحی]

آسیا — انتزاع نمودن ملک عزیز حکمران حلب شیرز را از تصرف شهاب الدین یوسف بن مسعود بن سابق الدین عثمان بن الدایه به امر ملک کامل و به مظاهرت ملک مظفر محمود صاحب حماة. انتزاع ملک مظفر محمود صاحب حماة بارین را از تصرف برادر خود قلیچ ارسلان به امر ملک کامل و رفتن قلیچ ارسلان به مصر و دادن ملک کامل بعضی اقطاعات به او، اما چون بعدها قلیچ ارسلان از ملک کامل بد گفته بود ملک کامل او را حبس کرد و او در حبس در سال ششصد و سی و پنج چند روز قبل از وفات ملک کامل درگذشت. وفات مظفرالدین کوکبوری بن زین الدین علی کجک حکمران اربل و چون مظفرالدین فرزندی نداشت به موجب وصیت اربل و بلاد متصرفی خود را به المستنصر خلیفه عباسی واگذار کرد. وفات عزالدین علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد الشیبانی معروف به ابن اثیر الجزری از ائمه علم حدیث و تواریخ و انساب صاحب کتاب کامل التواریخ که از اول هبوط آدم تا

سال ششصد و بیست و هشت هجری می باشد. ابن اثیر در چهارم جمادی الاولی سال پانصد و پنجاه و پنج در جزیره ابن عمر متولد شده و در ماه شعبان این سال در موصل وفات کرد و غیر از تاریخ کامل مصنفات دیگر اوراست و بسیاری از اخبار مندرجه در این کتاب خلاصه و ترجمه کامل التواریخ ابن اثیر است (ابن عمر شهر جزیره را ساخته و این شهر منسوب به او شده اسمش عبدالعزیز بن عمر و از اهالی برقعید از اعمال موصل می باشد).

[سنه ۶۳۱ هجری = سنه ۱۲۳۳ مسیحی]

آسیا - وفات شهاب الدین طغرل اتابک به حلب. وفات سیف الدین علی بن ابی علی بن محمد بن سالم الثعلبی الامدی که در علوم عقلیه و غیره فاضلی متبحر بود. وفات صلاح اربلی از فضلاء و شعراء و امراء. وفات شیخ بهاء الدین پدر مولوی معنوی صاحب مثنوی. بنای مدرسه مستنصریه در بغداد. تمام شدن قلعه معره که به مباشرت ملک مظفر صاحب حماة ساخته می شد.

افریقا - رفتن ملک کامل با ملوک خانواده خود به جنگ کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر و عدم پیشرفت او در این جنگ و منهزم شدن عساکر او.

[سنه ۶۳۲ هجری = ۱۲۳۴ مسیحی]

آسیا - وفات ملک زاهد داود بن سلطان صلاح الدین صاحب بیره و تملک برادرزاده او ملک عزیز محمد حکمران حلب بیره را و ابن الزاهد برادر الظاهر حکمران حلب بود. وفات قاضی بهاء الدین بن شداد که قاضی عسکر سلطان صلاح الدین بود و نزد اولاد صلاح الدین منزلتی بهم رسانید که احدی بدان مقام نرسید. عمر قاضی بهاء الدین نود و سه سال و اصل او از موصل و مرد فاضل دین داری بود. ولادت ملک منصور محمد بن ملک مظفر صاحب حماة در بیست و هشتم ربیع الاول. استیلای کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر بر حران و رها که در تصرف ملک کامل بود.

افریقا - وفات قاسم بن عمر بن علی الحموی الاصل المصری المسکن معروف به

ابن فارض صاحب دیوان و اشعار بسیار ممتاز در عرفان و ابن فارض در قاهره وفات نمود.

[سنه ۶۳۳ هجری = سنه ۱۲۳۵ مسیحی]

آسیا - شکست لشکر مغول در جنگ اردبیل. وفات شرف الدین محمد بن نصر بن عتین الزرعی شاعر ماهر مشهور که کثیرالهجا بود و سلطان صلاح الدین او را بمین نفی نمود و شرف الدین در دمشق درگذشت.

اروپا - (آلمان) شورش هانری ولیعهد پادشاه بر پدر خود و حبس نمودن او را در یکی از قلاع.

افریقا - استرداد ملک کامل پادشاه مصر حران و رها را از کیقباد بن کیخسرو پادشاه آری میثر.



[سنه ۶۳۴ هجری = سنه ۱۲۳۶ مسیحی]

آسیا - وفات ملک عزیز محمد بن ملک ظاهر غازی بن سلطان صلاح الدین حکمران حلب در ربیع الاول. عمر ملک عزیز بیست و سه سال و چند ماه و مرد نیک سیرتی بود. برقرار شدن پسرش ملک ناصر یوسف به جای او در هفت سالگی به پیشکاری شمس الدین لؤلؤ ارمنی و عزالدین عمر بن مجلی و جمال الدوله اقبال الخاتونی و مرجع امور مادر ملک عزیز ضیفه خواتون دختر ملک عادل بود. وفات علاء الدین کیقباد بن کیخسرو پادشاه آسیای صغیر و برقرار شدن پسرش غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد به جای او. استخدام ملک صالح ایوب بن ملک کامل که از جانب پدرش درآمد و حصن کیفا و حران حکمرانی داشت عساکر خوارزم را که بعد از سلطان جلال الدین در خدمت علاء الدین کیقباد پادشاه آسیای صغیر بودند و چون او درگذشت از پسرش کیخسرو رنجیده نزد ملک صالح ایوب آمدند. اشتداد وحشت فیما بین ملک اشرف و ملک کامل. استیلای لشکر مغول بر اردبیل و قتل عام در این شهر.

اروپا - (روس) ششصد هزار سوار از قشون مغول به سرداری باتوخان پسر تولیخان از

جانب اوکنای قآن به خاک روس ورود نموده تا شهر مسکورا قتل و غارت کردند و چون اکثری از بلاد روس را نیز تاراج نمودند مراجعت کرده در ساحل رود ولگا اقامت جستند. (اسپانیول) شهر کردو (قرطبه) که پانصد و چهل سال در تصرف اعراب مسلمان بود و بهترین و آبادترین شهرهای اسپانیول شده و زیاده از سیصد هزار نفر جمعیت داشت مسخر و مفتوح فردریک سیم پادشاه کاستیل گردید (کاستیل از ممالک اسپانیول است).

[سنه ۶۳۵ هجری = سنه ۱۲۳۷ مسیحی]

آسیا - وفات ملک اشرف مظفرالدین موسی بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب حکمران دمشق در محرم و برقرار شدن ملک صالح اسمعیل برادرش به موجب ولایت عهد به جای او. مدت حکمرانی ملک اشرف در دمشق هشت سال و چند ماه و مدت عمر او تقریباً شصت سال و ملک اشرف سخی و باذل و خوش بخت در جنگ بوده این به بسیار عالی در دمشق بساخت. پس از وفات ملک اشرف ملک کامل لشکر از مصر به شام کشیده بردمشق استیلا یافت و این ولایت را ضمیمه مصر نمود و به عوض دمشق ملک کامل بعلبک و بقاع منضاف به بصری را به ملک صالح اسمعیل داد و چون چند روزی در دمشق ماند مریض شده در بیست و یکم رجب درگذشت. عمر ملک کامل تقریباً شصت سال و مدت سلطنت او در مصر بیست سال بود. ملک کامل از سلاطین بزرگ و صائب الرأی و دوستدار علما و صاحب اقدام و تدبیر و در کارها بنفسه توجه و رسیدگی داشت پس از او ملک عادل ابوبکر پسرش در مصر به جای او برقرار گردید و ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل داماد ملک اشرف به مباشرت امور دمشق پرداخت و ملک اشرف را فرزندی جز زوجه ملک جواد نبود و از اولاد شیخ صدرالدین حمویه که معروف به اولاد الشیخ و از اکابر دولت ملک کامل و صاحب سیف و قلم بودند و سابقاً ذکر از آنها نمودیم. عمادالدین بن شیخ با بعضی از عساکر در دمشق نزد ملک جواد بماند و باقی عساکر متفرق شده اکثر به مصر رفتند. انتزاع عساکر حلب معره را از تصرف ملک مظفر صاحب حماه به جهة موافقتی که با ملک کامل داشت و رفتن همین قشون به سرداری تورانشاه صلاح الدین بر سر حماه و محاصره کردن این شهر را و این محاصره در کار بود که سال بسر رسید.

خطبه ازدواج غازیه خواتون دختر ملک عزیز محمد حکمران حلب با غیاث الدین کیخسرو بن کیقباد پادشاه آسیای صغیر و مزاجت ملک ناصر یوسف بن ملک عزیز صاحب حلب با ملکه خواتون خواهر کیخسرو بن کیقباد و مادر ملکه خواتون دختر ملک عادل ابوبکر بن ایوب بود. جنگ مابین ملک ناصر داود صاحب کرک و ملک جواد مباشر امور دمشق و فرار ملک ناصر و غلبه ملک جواد که به همین واسطه قوت و شوکتی بهم رسانید. تولد ملک افضل نورالدین علی بن الملک المظفر صاحب حماة پدر ابوالفدا صاحب تاریخ ابوالفدا و تقویم البلدان فاضل و مصنف مشهور و تولد ملک افضل در اواخر این سال بوده است.

اروپا - (فرانسه) تاج خاری که بر سر حضرت عیسی (ع) در وقت شهادت می گذاشتند و اول همان تاج عیناً در خزانه امپراطورهای اسلامبول بود و اهالی ونیز از اسلامبول به مملکت خود آورده بودند پادشاه فرانسه آن تاج را ابتیاع نمود و در یک معبد مخصوصی نزدیک عمارت سلطنتی که در پاریس بود به ودیعت گذاشته شد (بعضی از این حوادث را تواریخ فرنگ در سال بعد می نویسند).

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

[سنه ۶۳۶ هجری = سنه ۱۲۳۸ مسیحی]

آسیا - دست کشیدن عساکر حلب از محاصره حماة. خراب کردن ملک مظفر صاحب حماة قلعه بعین را. تسلیم نمودن ملک جواد یونس دمشق را به ملک صالح ایوب بن ملک کامل که در عوض سنجار و رقه و عانه را از او بگرفت. عمارت هرات به امر او کتای قآن.

[سنه ۶۳۷ هجری = سنه ۱۲۳۹ مسیحی]

آسیا و افریقا - گرفتن ملک صالح اسمعیل صاحب بعلبک به مظاهرت شیرکوه صاحب حمص دمشق را و گرفتن مغیث فتح الدین عمر بن ملک صالح ایوب را که از جانب پدر خود نیابت دمشق می نمود و پدر او ملک صالح ایوب صاحب دمشق به قصد استیلای دیار مصر به نابلس رفته بود و چون خبر استیلای ملک صالح اسمعیل به عساکر ملک صالح ایوب رسید از او مفارقت کرده متفرق شدند و الناصر داود که از

مصر به کرک می آمد ملک صالح ایوب را گرفت و در کرک بند نهاد. راندن الناصر داود به بیت المقدس و گرفتن آنرا از دست مجاهدین فرنگ و خراب کردن قلعه این بلد را. وفات ملک مجاهد شیرکوه صاحب حمص ابن ناصرالدین محمد بن شیرکوه بن شاذی و برقرار شدن پسرش ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه به جای او و مدت حکمرانی ملک مجاهد شیرکوه در حمص پنجاه و شش سال بود. استیلای بدرالدین لؤلؤ صاحب موصل بر سنجار و انتزاع نمودن این بلد را از ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل. رها کردن ملک ناصر داود صاحب کرک پسر عم خود ملک صالح ایوب را در رمضان این سال و جمع شدن ممالیک ملک صالح ایوب و کاتب او بهازهر دو را و اتفاق و معاهده ملک ناصر داود و ملک صالح ایوب به اینکه دیار مصر صالح را باشد و دمشق و بلاد شرقیه به ناصر داود مفوض شود، و پس از معاهده و اتفاق متوجه مصر شدند، ملک عادل ابوبکر بن ملک کامل پادشاه مصر مصمم جنگ با آنها شد و نزد عم خود ملک صالح اسماعیل که دمشق را متصرف بود فرستاده که او هم از طرف شام با لشکر خود به حرب ناصر داود و صالح ایوب روانه شود. ملک صالح اسماعیل با عساکر خود به فوار آمده مهتای جنگ ملک ناصر داود و ملک صالح ایوب شد در این بین جمعی از ممالیک اشرفیه به سرداری ایک اسمر ملک عادل پادشاه مصر را گرفتند و نزد ملک صالح ایوب فرستادند و ملک صالح ایوب با ملک ناصر داود به مصر آمده این مملکت را تملک نمودند، و ملک مظفر صاحب حماة از این فقره بی نهایت شادمان شد اقا ملک ناصر داود پس از چندی از ملک صالح ایوب بددل شده از ترس اینکه مبادا او را بگیرد از ملک صالح ایوب اجازت خواست و به کرک و سایر بلاد خود معاودت کرد. وفات ناصرالدین ارتق ارسلان بن ایلغازی بن البی بن تمرش بن ایلغازی بن ارتق حکمران ماردین که ملقب به ملک منصور بود. برقرار شدن پسرش ملک سعید نجم الدین غازی، و بعضی وفات ملک منصور را در سال قبل نوشته اند.

[سنه ۶۳۸ هجری = سنه ۱۲۴۰ مسیحی]

آسیا — قتل و نهب عساکر خوارزمی در حلب و فساد آنها در آن نواحی و بلاد که عاقبت ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص آنها را منهزم و مقهور نموده

بعضی بلاد که متصرف شده بودند از تصرف آنها خارج شد. هلاکت ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل به دست ملک صالح اسمعیل حکمران دمشق. وفات جغتای خان بن چنگیزخان. وفات شیخ محیی الدین اعرابی. دادن ملک ناصر داود بیت المقدس را به مجاهدین فرنگ بدون جنگ.

اروپا — (روس) قشون مغول تا لهستان تاخته ولی در آنجا توقف ننموده به ساحل ولگا مراجعت می نمایند.

[سنه ۶۳۹ هجری = سنه ۱۲۴۱ مسیحی]

آسیا — مبتلا شدن ملک مظفر صاحب حماة به ناخوشی فالج. وفات ملک حافظ نورالدین ارسلان شاه بن ملک عادل بن ایوب در قلعه اعزاز و مسلم شدن این قلعه و اعمال آن ملک ناصر یوسف صاحب حلب را. وفات شیخ علامه کمال الدین موسی بن یونس بن محمد بن منعه بن مالک شافعی جامع علوم معقون و منقول در موصل. استیلای مغول بر اهواز.

اروپا — باتوخان با قشون زیاد مجارستان و یک قسمت عمده از مملکت حالیه روس را متصرف می شود. آتش زدن مغول شهر برزل را (برزل از شهرهای پروس است). بروز طاعون شدید و قحط و غلای مفرط در فرنگ.

[سنه ۶۴۰ هجری = سنه ۱۲۴۲ مسیحی]

آسیا — جنگ خوارزمیه با همراهی ملک مظفر غازی صاحب میافارقین با عساکر حلب که ملک منصور ابراهیم صاحب حمص با آنها همراه بود. هزیمت مظفر غازی و خوارزمیه و غلبه ملک منصور ابراهیم و عساکر حلب. وفات ملکه ضیفه خواتون حکمران حلب دختر ملک عادل ابوبکر بن ایوب و مادر ملک عزیز در یازدهم جمادی الاولی و برقرار شدن ناصر یوسف بن ملک عزیز پسرزاده او بجای او در سیزده سالگی به پیشکاری جمال الدین اقبال که خواجه سیاه خواتون بود. مدت حکمرانی ملکه ضیفه خواتون در حلب شش سال بود و در کمال خوبی سلطنت کرد. وفات المستنصر بالله ابوجعفر المنصور ابن الظاهر در دهم جمادی الاخره و خلافت پسرش

عبداللّه بجای او که ملقب به المستعصم باللّه شد، مستعصم سی و هفتمین خلیفه عباسی بود و خلافت بنی عباس به شخص او منقرض گردید چنانکه بیاید، مدت خلافت المستنصر باللّه شانزده سال و یازده ماه و مرد عادل نیک سیرتی بود.

[سنه ۶۴۱ هجری = سنه ۱۲۴۳ مسیحی]

آسیا - غلبه مغول بر آسیای صغیر و اطاعت کردن غیاث الدین کیخسرو بن کیکاووس حکمران این مملکت به این جماعت بعد از شکست سخت. استیلای مغول بر خلاط و آمد و بلاد این نواحی. نیز مورخین آسیا گویند در این سال بیت المقدس را ملک ناصر داود صاحب کرک و ملک صالح اسمعیل حکمران دمشق به مجاهدین فرنگ واگذار نمودند به علاوه عسقلان و طبریه، و غرض از واگذاردن این بلاد به مجاهدین فرنگ این بود که آنها عساکر دمشق را در جنگ با مصر معاونت نمایند. وفات شیخ رضی الدین علی لالا از مشایخ قزوین.



[سنه ۶۴۲ هجری = سنه ۱۲۴۴ مسیحی]

آسیا و افریقا - جنگ عساکر دمشق به همراهی ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص و معاونت مجاهدین فرنگ با عساکر مصر که خوارزمیها به مظاهرت آنها آمده بودند. غلبه عساکر مصر و شکست قشون دمشق و مجاهدین فرنگ، و گرفتن ملک صالح ایوب پادشاه مصر بیت المقدس را به غلبه، و غارت و قتل کردن این بلد را و رفتن عساکر مصر به محاصره دمشق و در کار محاصره بودند که سال بسر آمد و در حین محاصره ملک صالح اسمعیل صاحب دمشق و ملک منصور ابراهیم صاحب حمص در دمشق بودند. شنیدن ملک صالح نجم الدین ایوب خبر فوت المغیث فتح الدین عمر را در حبس ملک صالح اسماعیل و زیاد شدن کینه او با ملک صالح اسمعیل بدین واسطه. وفات ملک مظفر تقی الدین محمود بن ملک منصور ناصر الدین محمد بن ملک مظفر تقی الدین عمر بن شاهنشاه بن ایوب در هشتم جمادی الاولی که مدت حکمرانی او در حماة پانزده سال و هفت ماه و ده روز بود و ملک مظفر مرد بزرگوار دانشمند و دوستدار اهل علم و فضل بود و پس از او پسرش ملک منصور محمد بن ملک مظفر که تقریباً ده ساله بود به جای او برقرار شد و چند نفر که از جمله

طغرل مملوک ملک مظفر و شیخ شرف الدین عبدالعزیز بن محمد المعروف به شیخ الشیوخ و وزیر بهاء الدین بن تاج باشند به تدبیر امور پرداختند و فی الحقیقه مرجع جمیع امور، غازیہ خواتون مادر ملک منصور که دختر ملک کامل بوده باشد بود. وفات شهاب الدین ابراهیم بن عبدالله بن عبدالمنعم بن علی بن محمد الشافعی معروف به ابن ابی الدّم قاضی حماة مؤلف تاریخ کبیر مظفری. وفات شمس الاثمه محمد بن عبدالسیار از حنفیه. سلطنت گیوک خان پسر او کتای قآن بعد از فوت پدرش.

اروپا — (اسپانیول) پادشاهی بنی الأحمر در اسپانیول بعد از اتمام و انقراض خانواده موحدین (فرانسه) پادشاه فرانسه مبتلا به ناخوشی سختی شده نذر کرد که اگر شفا یابد جزو مجاهدین به مشرق زمین برود.

[سنه ۶۴۳ هجری = سنه ۱۲۴۵ مسیحی]

آسیا و افریقا — تسخیر عساکر ملک صالح ایوب پادشاه مصر دمشق را و سردار این عساکر معین الدین بن شیخ بود و دمشق را ملک صالح اسمعیل به این قسم تسلیم نمود که بعلبک و بصری و سواد به تصرف او باشد و حمص و مضافات به تصرف ملک ابراهیم بن شیرکوه صاحب حمص که با ملک صالح اسمعیل در دمشق محصور بود. وفات معین الدین بن شیخ در دمشق که نایب او حسام الدین ابن ابوعلی الهمدانی به جای او در این شهر بماند. شورش عساکر خوارزمی و خارج شدن آنها از اطاعت ملک صالح ایوب و جهة این بود که بعد از فتح دمشق مقاصد آنها بعمل نیامد. خلاصه عساکر خوارزمی به ملک اسمعیل پیوستند و ملک ناصر داود صاحب کرک نیز با اینجمله همراه شده آمدند و دمشق را محاصره کردند، و حسام الدین بن ابوعلی در دفع آنها کمال پایداری را کرد و محاصره در کار بود که سال بسر رسید و در این محاصره کار بر اهل دمشق بسیار تنگ شده بود. آمدن لشکر مغول بر سر بغداد و بیرون آمدن عساکر بغداد به مدافعه آنها و چون مغول طاقت مقاومت عساکر بغداد را در خود ندیدند رو به هزیمت و گریز نهادند. وفات ربیعہ خواتون خواهر سلطان صلاح الدین که زیاده از هشتاد سال داشت. وفات شیخ تقی الدین عثمان بن عبدالرحمن بن عثمان بن الصلاح الفقیه المحدث. وفات علم الدین علی بن محمد بن عبدالقصد السخاوی از علمای نحو و قرائت. انتزاع نواب ملک منصور صاحب حماة سلمیه را از

صاحب حمص. وفات شیخ موفق الدین ابوالبقایعیش بن محمد بن علی الموصلی الاصل الحلبی المنشاء که از علمای نحو و معروف به ابن الصایغ بود و در حلب درگذشت. پاره شدن جامه کعبه از بادهای تند.

اروپا — مامور نمودن پاپ جمعی از کشیشان را به ریاست کارپینی به اردوی مغول و تفصیل این سفر را کارپینی به طور روزنامه مشروحاً نوشته است (سفرنامه کارپینی نزد مؤلف موجود است).

[سنه ۶۴۴ هجری = سنه ۱۲۴۶ مسیحی]

آسیا و آفریقا — پیش ذکر نمودیم که عساکر خوارزمی باملک صالح اسمعیل و ملک ناصر داود متفق شده دمشق را محاصره کردند و حسام الدین بن ابوعلی هذبانی در دمشق بوده در این سال قشون حلب با ملک منصور ابراهیم صاحب حمص اتفاق نموده به هواخواهی ملک صالح ایوب پادشاه مصر برخاستند و متوجه دمشق گردیدند خوارزمیها از محاصره دمشق دست کشیده به مقابله و مقاتله قشون حلب رونمودند قشون حلب و ملک منصور آنها را شکست فاحشی داده سرکرده آنها حسام الدین برکه خان را کشتند و پس از این جنگ شیرازه خوارزمیها از هم گسسته طایفه ای از آنها به مغول پیوستند و جماعتی در شام متفرق شده در اینجا قبول خدمت نمودند و مردم از تعرض آنها آسوده شدند و چون خبر این فتح به ملک صالح ایوب پادشاه مصر رسید زیاده از حد خوشوقت گردید و ملک منصور ابراهیم صاحب حمص که طرف بی لطفی او بود مورد مودت شده در میانه صفا و دوستی حاصل آمده اما ملک صالح اسمعیل پناه به ملک ناصر یوسف صاحب سنجار برد و حسام الدین ابوعلی هذبانی با عساکری که در دمشق داشت به بعلبک که اولاد ملک صالح اسمعیل در آن بودند رانده بعلبک را بطور امان گرفت و اولاد ملک صالح اسمعیل را با وزیر او امین الدوله به مصر فرستاد که در آنجا محبوس شدند و بعلبک نیز ضمیمه ممالک ملک صالح ایوب شد و در همین اوان سیف الدین قلیچ صاحب عجلون درگذشت و مملکت او نیز به تصرف ملک صالح ایوب درآمد و لشکری از جانب همین پادشاه به سرداری امیر فخرالدین یوسف بن شیخ به جنگ ملک ناصر داود صاحب کرک رفته بلاد او را متصرف شد و جز کرک جایی در تصرف ملک ناصر نمانده زیاد ضعیف شد. وفات ملک منصور ابراهیم بن شیرکوه

صاحب حمص در دمشق که نعلش را برده دفن کردند و پسرش ملک اشرف مظفرالدین موسی به جای او برقرار شد. آمدن ملک صالح ایوب به شام و در شام بود که بسر رسید. وفات عمادالدین داود موشک، جامع مکارم اخلاق در کرک. ظهور دولت کرت از غوریته در خراسان.

اروپا - (روس) ولادیمیر پادشاه روس که به اردوی اوکتای قاآن و مغولستان رفته بود و غرض او از این سفر این بود که تبعیت خود را اظهار و اقرار کند در مراجعت به وطن در بین راه درگذشت.

[سنه ۶۴۵ هجری = سنه ۱۲۴۰ مسیحی]

آسیا و افریقا - معاودت ملک صالح نجم الدین ایوب از شام به مصر. انتزاع نمودن فخرالدین بن الشیخ قلعه عسقلان و قلعه طبریه را از تصرف مجاهدین فرنگ. تسلیم نمودن ملک اشرف صاحب حمص قلعه شمیمیس را به ملک صالح ایوب و این اسباب واهمه حلبیها شده که مبادا ملک صالح به طمع باقی مملکت شام بیفتد. وفات ملک عادل ابوبکر بن ملک کامل در حبس و ملک عادل هشت سال در حبس بود تا درگذشت و از ملک عادل طفل صغیری موسوم به ملک مغیث فتح الدین بماند و اخبار او بیاید انشاء الله. وفات علاء الدین قراسنقر ساقی عادل از ممالیک ملک عادل بن ایوب که ملازمان او بعد از او داخل در خدمت ملک صالح ایوب شدند و یکی از ملازمان مزبور سیف الدین قلاون صالحی بود که پادشاه مصر و شام شد چنانکه بعدها ذکر خواهیم نمود.

اروپا - (اندلس) وفات عمر بن محمد بن عبدالله معروف به شلوبینی در اشبیلیه و عمر بن محمد با اینکه از فضلا و ائمه نحو بود بلاهت و غفلت داشت (شلوبینی منسوب به شلابین است و شلابین حصن منیع است از حصون اندلس از اعمال سواحل غرناطه در بحرروم).

[سنه ۶۴۶ هجری = سنه ۱۲۴۸ مسیحی]

آسیا و افریقا - فرستادن ملک ناصر صاحب حلب لشکری به سرداری شمس الدین لؤلؤ

ارمنی به حمص و محاصره کردن آنرا و منتزع نمودن آنرا از تصرف ملک اشرف موسی که در عوض تلّ باشر را ضمیمه متصرفات او که تدمر و رَحبه باشد نمودند و چون ملک صالح نجم الدین ایوب پادشاه مصر از غلبه قشون حلب مطلع شده به شام راند که حمص را از حلبیها باز پس گیرد و لشکری با حسام الدین بن ابوعلی فخرالدین بن الشیخ بر سر حمص فرستاده این شهر را در کمال سختی محاصره نمودند ولی چون ملک صالح نجم الدین سخت ناخوش شده بود و به او خبر رسید که مجاهدین فرنگ به طرف دمیاط آمده‌اند و از طرف دیگر نجم الدین باذرای رسول مستعصم خلیفه عباسی آمده جانبین را به صلح دعوت نمود ملک صالح امر نمود عساکر او از محاصره حمص دست کشیدند و حمص به تصرف حلبیها بماند و ملک صالح را در محفّه گذاشتند و از دمشق عزیمت مصر نمود. وفات ابوعمر و عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس معروف به ابن حاجب ملقب به جمال الدین صاحب کتاب کافیه که در فنون علوم خاصه عربیت مقامی بلند داشت و چون پدر او حاجب امیر عزالدین بن موسک الصلاحی بود معروف به ابن حاجب شد، عمر ابن حاجب تقریباً هفتاد و شش سال مولد او در اسناکه شهر کوچکی است در صعید مصر و وفات او در اسکندریه اتفاق افتاد. وفات عزالدین ابیک معظمی در قاهره در حبس و حالات عزالدین پیش ذکر شده است.

اروپا — (فرانسه) پادشاه فرانسه سنت لوثی که نذر جهاد کرده بود به سمت مشرق حرکت می کند و در زمان غیبت او مادرش نیابت سلطنت دارد و زمستان را پادشاه در جزیره قبرس اقامت می کند.

[سنه ۶۴۷ هجری = سنه ۱۲۴۹ مسیحی]

آسیا و افریقا — تصرف کردن عساکر ملک صالح ایوب پادشاه مصر کرک را و ملک صالح با اینکه سخت مریض بود از تسخیر کرک زیاده از حد خوش وقت شد. وفات ملک صالح نجم الدین ایوب بن ملک کامل محمد بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب در شب یکشنبه چهاردهم شعبان و مدت پادشاهی ملک صالح ایوب در مصر نه سال و هشت ماه و بیست روز و عمر او چهل سال یا چهل و چهار سال بود و پس از او پسرش ملک معظم تورانشاه که در حصن کیفا بود به مصر آمده به جای او برقرار

شد و مقرر شد امير فخرالدين بن الشيخ به اتابكي عسكر برقرار باشد. حرکت منت لوئی پادشاه فرانسه به طرف مصر و گرفتن دمیاط را و این قبل از فوت ملک صالح و در ماه صفر بود و در این سال جنگ میانه عساكر مصر و مجاهدین فرنگ دایر بود. گرفتن عساكر حلب نصیبین را از بدرالدین لؤلؤ صاحب موصل. ظهور دولت الغ خانیه در هند.

[سنه ۶۴۸ هجری = سنه ۱۲۵۰ مسیحی]

آسیا و افریقا — کشته شدن برادر سنت لوئی پادشاه فرانسه در جنگ منصوره از بلاد مصر و راندن سنت لوئی به طرف قاهره و این به عقیده مورخین فرنگ است. مورخین آسیا گویند مجاهدین فرنگ که دور منصوره را داشتند آذوقه آنها تمام شده لهذا روانه دمیاط شدند در بین راه عساكر مصری بر سر آنها ریخته سی هزار نفر از آنها را کشتند و پادشاه فرانسه اسیر شد و او را در منصوره برده حبس کردند در این اثناء ممالیک تورانشاه بن ملک صالح به واسطه سوء رفتار و سلوک او رنجیده بر او شوریدند و به دست یکی از ممالیک معروف به رکن الدین بیبرس که بعدها به سلطنت مصر رسید کشته شد و زوجه ملک صالح را که شجرالدین نام داشت به سلطنت برداشتند و شجرالدین چون پسری از ملک صالح بهم رسانیده و در صفر سن مرده بود و آن پسر ملک منصور خلیل نام داشت شجرالدین به والده خلیل معروف شد و در این وقت با پادشاه فرانسه گفتگو کردند و قرار دادند که قشون و مجاهدین فرنگ دمیاط را تسلیم کنند و پادشاه فرانسه مستخلص شود و چنین کردند و دمیاط به تصرف مصریها درآمد و سلطنت والده خلیل را به امرای دمشق نوشتند امراء مزبور تمکین و تصدیق نمودند و ملک سعید بن ملک عزیز عثمان بن ملک عادل صاحب صبیبه که این قلعه را تسلیم ملک صالح نموده بود مجدداً قلعه خود را بگرفت. خلاصه مدت سلطنت تورانشاه بن ملک صالح در مصر از وقتی که به این مملکت رسید بیش از دو ماه و چند روز نبود. رها کردن بدرالدین الصوابی الصالحی نایب کرک و شوبک ملک مغیث فتح الدین عمر بن ملک عادل ابوبکر بن ملک عادل ابوبکر بن ملک کامل محمد بن ملک عادل را که تورانشاه در کرک حبس کرده بود و برقرار داشتن او را به حکمرانی کرک و شوبک و مشغول شدن به خدمات او. استیلای ملک ناصر صاحب حلب بر

دمشق که از این وقت شام از مصر مجزئ شده جزو حلب گردید. خلع کردن امرای مصری شجرالدّر را از سلطنت مصر و برقرار نمودن ایبک الجاشنکیر الصالحی ترکمانی را بجای او ملقب نمودن او را به ملک المعز و چیزی بر این نگذشت که آراء بر این متفق شد که یکی از بنی ایوب را به سلطنت بردارند لهذا موسی بن یوسف بن ملک کامل بن ملک عادل صاحب یمن معروف به اقسیس را به پادشاهی خواندند و ایبک مذکور را اتابک او قرار دادند. اتفاق ارکان دولت مصر بر خراب کردن قلعه دمیاط که به واسطه آن از مجاهدین فرنگ صدمات دیده بودند و این قلعه که خراب شد از ابنیه متوکل عباسی بود. خایف شدن ملک ناصر یوسف حکمران دمشق و حلب از ملک ناصر داود صاحب کرک و گرفتن او را و حبس نمودن در حمص. لشکر کشیدن ملک ناصر یوسف حکمران دمشق و حلب به مصر که ابتدا لشکر مصر را شکست داده ولی بعد عساکر مصر او را منهزم نمودند و به شام بازگشت. کشتن ممالیک ملک منصور عمر بن علی بن رسول حکمران یمن او را که بعد از او پسرش ملک مظفر یوسف بن عمر به جای او برقرار شد و مدت مدیدی سلطنت نمود. سلطنت منگوقاآن.

اروپا — (ایتالیا) شهر فلورانس وضع جمهوری اختیار می کند.

[سنه ۶۴۹ هجری = سنه ۱۲۵۱ مسیحی]

آسیا و افریقا — وفات صاحب محیی الدین بن مطروح که از مقرّبین ملک صالح ایوب بود. وفات علم الدین قیصر بن ابوالقاسم بن عبدالغنی بن مسافر الفقیه الحنفی المقری المعروف به تعاسیف از ائمه علوم ریاضی در دمشق و تولّد علم الدّین در اصفون از شرقی صعیّد مصر در سال پانصد و هفتاد و چهار شده بود. پادشاه ارمن سامبات برادر خود را به رسالت به اردوی منگوقاآن می فرستد. منگوقاآن به او وعده می دهد که دین حضرت مسیح را خواهد پذیرفت. قتل و غارت عساکر مغول در تبت.

[سنه ۶۵۰ هجری = سنه ۱۲۵۲ مسیحی]

آسیا — مامور شدن هلاکوخان به دفع اسمعیلیّه که در ایران بودند. وصول لشکر مغول

به دیاربکر و نهب و غارت آن بلاد. رفتن پادشاه ارمن آتئی به شخصه به اردوی هلاکوخان و قبول کردن هلاکوخان و اعیان دولت او به توسط پادشاه ارمن مذهب حضرت مسیح علیه السّلم را.

اروپا — (فرانسه) فوت بلانش کاستیل مادر پادشاه که نیابت سلطنت داشت و استماع سنت لوئی پادشاه فرانسه این خبر مولم را در بیت المقدس و مراجعت او معجلاً به فرانسه.

[سنه ۶۵۱ هجری = سنه ۱۲۵۳ مسیحی]

آسیا و افریقا — صلح مابین ملک ناصر یوسف حکمران شام و مصریها. قطع کردن ایبک ترکمانی اجزای حسام الدین بن ابوعلی الهذبانی را و آمدن او به شام و داخل کردن ملک ناصر حکمران شام او را در سلک ملازمان خود. رها کردن ملک ناصر یوسف ملک ناصر داود صاحب کرک را که در حمص حبس کرده بود به شفاعت خلیفه المستعصم عباسی و آمدن او به طرف بغداد به خیال اینکه معادل صد هزار تومان جواهر که نزد خلیفه امانت سپرده بود استرداد نماید ولی خلیفه آن جواهر را رد نکرد و ملک ناصر یوسف هم چون به اطراف نوشته بود که کسی ملک ناصر داود را نپذیرد لهذا مدتها در بیابان سرگردان بود تا باز به شفاعت خلیفه به دمشق بازگشت و ملک ناصر حکمران دمشق وظیفه ای برای او برقرار نمود. ظاهر شدن آتشی در عدن و در بعضی از جبال آن که شبها خود نمودار و روزها دود آن مشهود بود. هم در این سال از طرف سنت لوئی پادشاه فرانسه جمعی از قسّیسین به دربار منگوقاآن مامور شدند که دین مسیحی او را تکمیل کنند و ضمناً او را نیز بر ضدّ مسلمین برانگیزند. یکی از آن قسّیسه روبروکی قریب دو سال در مغولستان اقامت کرد و جغرافیای این مملکت را مفصلاً و مشروحاً نوشته مخصوصاً تفصیل قراقرم پایتخت مغولستان را که شهر بزرگی بوده نگاشته و این کتاب نزد مؤلف موجود است و چون روبروکی در اردوی منگوقاآن با سفرای چین ملاقات کرده بود نمونه ای از خط و مختصر تفصیلی از وضع مملکت و مدنیّت آنها نیز نوشته است. بنای شهر باغچه سرای به امر جوجی خان. وفات امام کمال الدین الوندی.

[سنه ۶۵۲ هجری = سنه ۱۲۵۴ مسیحی]

آسیا و افریقا — دادن ملک منصور صاحب حماة قضاوت حماة را به قاضی شمس الدین ابراهیم بن هبة الله بن البارزی بعد از عزل قاضی معیی حمزة بن محمّد. وفات عبدالحمید خسرو شاهی و صدرالدین محمد خلاطی صاحب تلخیص الجامع. خلع کردن ملک معزّ ایک ترکمانی ملک شرف موسی بن یوسف بن ملک کامل محمّد بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب را از سلطنت مصر و انقراض سلطنت آل ایوب در مصر و سلطنت مستقلّه ملک معزّ ایک ترکمانی در این مملکت و طایفه مملوک که پس از اییک پی در پی در مصر سلطنت کردند از نسل همین ملک معزّ اییک ترکمانی بودند و انقراض آنها به دست سلاطین آل عثمان شد. جنگ عساکر شام و مصر که در سال بعد جنگ مبّدل به صلح شد.

ذکر دولت بنی حفص در تونس

اول مملوک بنی حفص ابوحفص عمر بن یحیی الهنتانی بود. هنتانه قبیله ایست از مصامده و آنها به زعم خود قریشی می باشند از بنی عدی بن کعب از طایفه عمر بن خطاب. خلاصه ابوحفص مذکور یکی از بزرگترین ملازمان ابن تومرت بود بعد از عبدالموئن. در سال ششصد و سه هجری عبدالواحد بن ابی حفص به نیابت بنی عبدالموئن به حکمرانی افریقیه برقرار شد و در سال ششصد و هیجده درگذشته ابوالعلا از بنی عبدالموئن به جای او برقرار گردید و چون او وفات کرد حکمرانی افریقیه باز بنی حفص را شد و عبدالله بن عبدالواحد بن ابی حفص در ششصد و بیست و سه حکمران افریقیه گردید و برادرش ابوزکریا یحیی را ولایت قابس داد و برادر دیگرش ابوابراهیم اسحق را حکومت بلاد جرید داد بعد ملازمان عبدالله بن عبدالواحد بر او شوریده او را از سلطنت خلع نمودند و برادرش ابوزکریا را به جای او برقرار کردند و بنی عبدالموئن را این مطلب خوش نیامد. ابوزکریا اسم عبدالموئن را از خطبه انداخته و اسم المهدی را باقی گذاشت و خود را از سلک اطاعت بنی عبدالموئن خارج نمود و افریقیه را مالک شده خود را در خطبه امیر مرتضی خواند و مملکت خود را وسعت داده تلمسان و غرب اوسط و بلاد جرید و زاب را فتح کرد. ابوزکریا که مردی ادیب و صاحب مآثر عمده بود در سال ششصد و چهل و هفت درگذشت و چهار پسر داشت.

ابوعبداللّه محمد و ابواسحق ابراهیم، و ابوحفص عمر، و ابوبکر. نیز دو برادر داشت ابوابراهیم اسحق و محمد اللّحیانی. خلاصه پسر ابوزکریا ابوعبداللّه محمد به جای او برقرار گردید و ابوابراهیم عمّ او را خلع کرده و برادر خود محمد اللّحیانی را که مرد زاهدی بود کرهاً به جای او برقرار کرد ابوعبداللّه مخلوع جماعت خود را جمع نموده دو عمّ خود را بکشت و در مملکت مستقل گردید و در خطبه خود را المستنصر باللّه امیر المؤمنین ابوعبداللّه محمد بن امراء الراشدین خواند. و المستنصر در سال ششصد و هفتاد و پنج درگذشت و پسرش محمد ملقب به الواثق باللّه امیر المؤمنین شده به جای او برقرار گردیده و چون ضعیف الرای بود عمّ او ابواسحق ابراهیم بر او غالب آمده او را خلع کرد و در ششصد و هفتاد و هشت به جای او مستقل شده خود را امیر مجاهد خواند و برخلاف زی حفصیین به شرب خمر پرداخت و مملکت را بر اولاد خود تقسیم کرد و الواثق مخلوع با دو پسرش به دست المجاهد کشته شدند و یک پسر الواثق که صغیر و ملقب به ابوعصیده بود سالم ماند. درین ضمن شخصی پیدا شده ادّعا کرد که من فضل بن واثق مذبحم و مردم دور او را گرفتند و او قوت گرفته ابواسحق و اولاد او را بکشت و پسری از ابواسحق موسوم به یحیی بن اسحق سالم ماند، بعدها داعی مذکور به دست ابوحفص عمر بن ابی زکریا برادر اسحق کشته شد و عمر استقلالی بهم رسانیده ملقب به المستنصر باللّه امیر المؤمنین شد. و این المستنصر دویم است و پسر برادر او یحیی بن اسحق که سالم مانده بود به بجایه رفته این ولایت را تملک نمود و ملقب به المنتخب لأحیاء دین اللّه امیر المؤمنین گردید و المستنصر دویم در سال ششصد و نود و پنج درگذشت و ابوعصیده بن واثق به جای او برقرار شده ملقب به المستنصر باللّه گردید و ابن المستنصر سیّم است و در زمان او المنتخب صاحب بجایه درگذشت و پسرش خالد بن المنتخب به جای او برقرار شد، ابوعصیده در سنه هفتصد و نه وفات کرد و یکی از حفصیین که او را ابوبکر بن عبدالرحمن بن ابی بکر بن ابی زکریا بن عبدالواحد بن ابی حفص صاحب ابن تومرت می گفتند حکمران تونس شده اما بیش از هیجده روز حکمرانی او طول نکشید و خالد بن منتخب صاحب بجایه داخل تونس شده او را بکشت پس از آن زکریا بن یحیی بن احمد بن محمد بن زاهد لّحیانی که در مصر بود با عساکر سلطان ملک ناصر به طرابلس عرب آمده، عرب با او بیعت کردند و او به تونس آمده خالد بن منتخب را گرفته حبس کرد و بکشت و در ملک افریقیّه مستقر گردید. پس از آن برادر خالد بن منتخب ابوبکر بن یحیی قصد

زکریای لحيانی نموده زکریا به مصر گريخت و در اسکندريه اقامت نمود و ابوبکر بن منتخب تونس و آن نواحی را سوای طرابلس و مهدیه تملک نمود و این دو ولایت یعنی طرابلس و مهدیه در تصرف لحيانی بماند و فرار لحيانی و استیلای ابوبکر در سال هفتصد و نوزده بود و در سنه هفتصد و بیست و یک بعضی مکاتبات از تونس در اسکندریه به لحيانی رسید، مضمون اینکه ابوبکر حکمران تونس مملکت خود را ترک کرده و فرار نموده است و مردم بر اطاعت لحيانی اتفاق کرده و با نایب او محمد بن ابی بکر که یکی از حفصیین میباشند بیعت نموده انتظار وصول لحيانی را دارند. محمد بن ابی بکر داماد زکریای لحيانی بوده است.

نگارنده گوید اگر دولت بنی حفص را جز به این وضع می نگاشتیم و تفکیک می نمودیم رشته مطالب از دست مطالعه کنندگان خارج می شد لهذا در این طایفه ملتزم ترتیب سنوات نشدیم.

اروپا — (انگلیس) ابتدا و ایجاد پارلمنت در این مملکت و در وضع مجلس و کلای پارلمنت اینطور بود که از هر ناحیه دو نفر از اعیان و نجبا باید در مجلس پارلمنت حاضر و جالس باشند (ایتالیا) فوئت این نشان چهارم پاپ و نصب الکساندر چهارم بجای او.

[سنه ۶۵۳ هجری = سنه ۱۲۵۵ مسیحی]

آسیا — استیذان ملک ناصر داود از ملک ناصر یوسف حکمران دمشق برای رفتن بعراق به قصد استرداد جواهریکه دز نزدیکه عباسی به امانت سپرده بود و اذن دادن ملک ناصر یوسف به او و آمدن او به کربلا و رفتن به مکه و شکایت کردن به مدینه منوره از خلیفه عباسی به جهة اینکه جواهر او را به اوردمی نمود، و آمدن ملک ناصر داود از مکه به بغداد و اقامت نمودن در این بلد. استقلال دولت مغول در دشت قباچاق و در خراسان.

افریقا — مزاجت المعزایک حکمران مصر باشجرالدین معروف به والده خلیل که پیش از این زوجه ملک صالح پادشاه مصر بود.

اروپا — (پروس) بنای شهر کنیزبرگ.

[سنه ۶۵۴ هجرى = سنه ۱۲۵۶ مسیحی]

آسیا - در این سال آتش سرخی در حوالی مدینه منوره ظاهر شد به این معنی که در سمت مشرق مدینه مدت یکماه آتش سرخی نمودار بود و پنج شش روز قبل از آنکه این آتش ظاهر شود صدای مهیبی مسموع گردید بعد از آن زمین شکافته شد و رودخانه‌ای از آتش جاری گردید که چهار فرسخ امتداد بهمرسانید و چهار میل عرض و ارتفاع عمده داشت و بقدری روشنائی می داد که در مدینه شبها چراغ لازم نبود. سوختن مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حادثه ظهور آتش و حرق مسجد حضرت رسول (ص) را اغلب مورخین از وقایع سال بعد دانسته اند. غرق بغداد از طغیان دجله. انقراض نمودن هلاکوخان که به ایران آمده بود خانواده سلطنت اسمعیلیه قهستان را و استیلای او بر حصار الموت و ری. در این سال برای اینکه المستعصم عباسی رفع شکایت و مطالبه ملک ناصر داود را بنماید و بهای جواهر او را که به خلیفه سپرده بود داده باشد امر کرد آنچه مخارج مهمانی اونموده بود به قیمتی گزاف تقویم نمودند و وجه ناقابلی نیز به او داد و کرها قبض رسید از او گرفت و ملک ناصر داود از بغداد کوچ کرد و ملک ناصر یوسف حکمران شام فرستاده از او دلجوئی نمود و برای او سوگند خورده با اطمینان او را بشام آورد. وفات کیخسرو حکمران آزی میثر که دویسر صغیر او عزالدین کیکاوس و رکن الدین قلیچ ارسلان به جای او برقرار شدند. وفات سیف الدین طغرل مملوک ملک مظفر محمود صاحب حماة که ملک مظفر خواهر خود را به زنی به او داده بود و بعد از فوت ملک مظفر سیف الدین به تدبیر مملکت حماة می پرداخت.

[سنه ۶۵۵ هجرى = سنه ۱۲۵۷ مسیحی]

آسیا - وفات منکوقاآن. آمدن رسول از بغداد نزد هلاکوخان. فتنه عظیم در بغداد میان شیعه و سنی. به نظم درآوردن شیخ سعدی علیه الرحمة کتاب بوستان را.

افریقا - کشته شدن ملک المعز ایبک ترکمانی حکمران مصر به دست شجرالدین زوجة او. برقرار شدن پسرش نورالدین به جای او که ملقب به ملک منصور و نورالدین در این وقت پانزده ساله بود. کشته شدن شجرالدین.

اروپا — (اسپانیول) پادشاه کاستیل شهر اتیلا را که در تصرف اعراب بود محاصره نمود محصورین به اردوی او نارنجک می انداختند و توپ داشتند و این اول استعمال باروت است که در فرنگستان دیده بودند.

[سنه ۶۵۶ هجری = سنه ۱۲۵۸ مسیحی]

آسیا — استیلای هلاکوخان بر بغداد و انقراض خلافت و دولت بنی عباس. تبیین آنکه میان سنی و شیعه در بغداد چنانکه در نگارش سال قبل ایراد نمودیم فتنه عظیم در گرفت و به حکم ملازمان خلیفه محله کرخ را که اهالی آن شیعه بودند غارت کردند و نسبت به نسوان دست درازی نمودند و بسیاری از سادات بنی حسین کشته شدند. مؤیدالدین ابن علقمی وزیر خلیفه که شیعه و از اهل کرخ بود از این معنی زایدالوصف رنجیده کاغذی به هلاکوخان نوشت و او را تحریک کرد، هلاکوخان که از جانب شمس الحکماء نصیرالملک والدین خواجه نصیرالدین طوسی نیز بدین مطلب ترغیب شده بود متوجه بغداد گردید و پنجاه هزار نفر از عساکر بغداد را که به مقابلی او آمده بودند در دو منزلی بغداد چنان شکست داد و بکشت که زیاده از دو نفر جان بدر نبردند و بغداد را محاصره نمود و پس از طول محاصره بگرفت و عساکر او مدت چهل روز در بغداد قتل و غارت نمودند و خلیفه را که به اتفاق مورخین به عیش و ملاحی معتاد بلکه مولع بود در نمد پیچیده بمالیدند تا انتقال دادند و بساط خلافت بنی عباس که مدت پانصد و بیست و چهار سال منبسط بود بهم پیچیده شد بلکه به انقراض خلافت و دولت بنی عباس خلافت کلیه منقرض گردید، و حکمرانان بعد به اسم سلطنت حکمرانی نمودند و ما جلد اول کتاب منتظم ناصری را به این سال ختم می کنیم زیرا که این کتاب تا این سال سلطنت مذهبی درملل و ممالک اسلام یا کمال قوت را داشت یا بی اثر نبود و از این سال به بعد اگرچه سلاطین اسلام انارالله برهانهم در تشیید دعائم دین مساعی و اقدامات نمودند ولی عنوان خلافت و سلطنت مذهبی نبوده پادشاه اسلام بودند و بر مقتضای عقیده خالص خود عمل می نمودند. بالجمله مدت خلافت المستعصم بالله عبدالله ابواحمد بن المستنصر شانزده سال بود و چون بغداد را هلاکوخان بگرفت پس از چهل روز قتل و غارت مردم بغداد را امان دادند و پس از این فتح فی الحقیقه سلطنت ایران هلاکوخان را شد و لشکر مغول پس

از این واقعه در شام و حلب فتوحات نمودند و تا حوالی قسطنطنیه راندند. به موجب مسطورات تواریخ فرنگ جمعیت بغداد در وقت غلبه هلاکوخان بر این شهر سه کرور و صد هزار نفر بود و بغداد در روز بیست و دویم ژانویه محاصره شده و در دهم فوریه مفتوح گردید و هفت شبانه روز هلاکوخان اجازه قتل و غارت به قشون خود داده بود. ابوالفداء که بسیاری از وقایع مندرجه در این کتاب نقل از تاریخ او شده گوید در بیستم محرم این سال هلاکوخان بغداد را فتح کرد و مدت قتل و غارت در بغداد را ابوالفدا و صاحب تاریخ و صاف و بسیاری از مورخین چهل روز نوشته اند.

و از وقایع این سال وفات ملک ناصر داود بن ملک المعظم عیسی بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب است که در ظاهر دمشق در قریه معروف به بویضا به مرض طاعون درگذشت. عمر ملک ناصر داود پنجاه و سه سال و در فضل و علم و معقول و منقول و نظم و نثر مرتبتی بلند داشت. وفات غازیه خواتون دختر ملک کامل محمد بن ملک عادل ابوبکر بن ایوب مادر ملک منصور صاحب حماة در قلعه حماة و غازیه خواتون جدّه ابوالفدا ابن ملک افضل صاحب تاریخ معروف و تقویم البلدان می باشد. محاصره سخت لشکر مغول میافارقین را و حکمران میافارقین در این وقت ملک کامل محمد بن ملک مظفر شهاب الدین غازی ابن ملک عادل ابوبکر بن ایوب بود. و بای شدید در شام خاصه در دمشق، هدیه فرستادن ملک ناصر یوسف صاحب دمشق به صحبت پسر خود ملک عزیز محمد برای هلاکوخان. وفات شیخ شمس الدین یوسف که از اولاد جمال الدین ابن الجوزی و از وعاظ و فضلا بود و تاریخی تألیف کرده که موسوم به مرآت الزمان است. تألیف نمودن شیخ سعدی علیه الرحمة کتاب گلستان را چنانکه خود فرماید:

در آن مدت که ما را وقت خوش بود

زهجرت ششصد و پنجاه و شش بود

افریقا — وفات صاحب بهاء الدین ظهیر بن محمد بن علی بن یحیی الملهبی منشی رسایل ملک صالح ایوب در هفتاد و پنج سالگی در قاهره و صاحب مشارالیه فاضل و متبحر و کثیر المروءه و صاحب نظم و نثر بسیار ممتاز بود. وفات رکن الدین عبدالعظیم از ائمه حدیث در مصر.

ملحقات

وقایع سال سی و چهارم سلطنت و تاجداری اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه
جمجاه خسرو صاحب قران خلدالله ملکه و سلطانه از هشتم ماه ربیع الثانی سنه
هزار و دویست و نود و هفت تا نوزدهم ماه ربیع الثانی سنه هزار و دویست و
نود هشت مطابق لوی ثیل ترکی.

بقیه ماه ربیع الثانی

روز هشتم ماه ربیع الثانی به حساب زیج محمد شاه هندی دوساعت و سی
دقیقه و سی و شش ثانیه از طلوع آفتاب گذشته و به محاسبه زیج جدید فرنگی دو
ساعت و پنجاه و دو دقیقه و پنجاه ثانیه از طلوع گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت
به حمل تحویل کرد و مراسم جشن عید و سال نود و پیشگاه حضور همایون و دربار
معدلت مدار اقدس معمول داشته شد. نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان
و یزد و بروجرد و عراق و عربستان و لرستان ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک
قطعه نشان ذیشان اقدس که از امتیازات جلیله و برترین نشان این دولت ابد اقترانست
بین الاقران مباهی فرمودند و نواب اشرف معظم له دامت شوکت به حصول اجازه از
حضور معدلت ظهور همایون روز بیست و دویم این ماه به قصبه مبارکه حضرت
عبدالعظیم نقل مکان فرمودند که روز غره جمادی الاولی عزیمت اصفهان نمایند.

وقایع ماه جمادی الاولی

جناب میرزا قهرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده کما فی السابق
به منصب وزارت گمرک خانه های ممالک محروسه برقرار گردیدند میرعلم خان
حشمت الملک به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع سرافراز گردید. وزارت بنائی
دیوانی کل ممالک محروسه را از نظام و غیر نظام به جناب معتمد الملک وزیر
مخصوص اعطا فرمودند. نواب حشمت السلطنه بدیع الملک میرزا ولد مرحوم عمادالدوله را
به حکمرانی ولایت کرمانشاهان منصوب فرمودند. امیرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ اول
و خزانه دار وجوه نظام به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید. میرزا رضای
مهندس باشی را به یک هزار و پنجاه و یک حلقه انگشتی الماس مباهی فرموده

میرزا حسین خان ولد معزی الیه را به درجهٔ سیم استیفا سرافراز ساختند. نواب اشرف والا ولیعهد ابدمهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان و مضافات ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع مکمل به الماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند.

چندماه بود که متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون را امتحان می کردند چون این امتحان این اوقات به انجام رسید روز شنبه چهاردهم جمادی الاولی چهار ساعت به غروب مانده سلام عام در مدرسه دارالفنون منعقد گردید و صورت امتحان و مساعی معلمین و ترقیات متعلمین ملحوظ نظر اقدس اعلی گردیده نواب والا اعتضاد السلطنة وزیر علوم را به اعطای یک ثوب سرداری ترمه شمشه مرصع از ملابیس خاصه و یک هزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمد حسن میرزا ولد نواب والا وزیر علوم به منصب سرتیپی سیم و نشان مطلا و سی تومان انعام نایل گردید و امتیازات و عوافقی که در حق سایرین مبذول شد از قرار ذیل است:

جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچه درجات تحصیل و اندازه استحقاق اهالی مدرسه را به عرض حضور مبارک می رسانید خرقه ترمه ایرانی بطانه سنجاب. دکتر طولوزان حکیم باشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان متعلمین مدرسه تحمل زحمت و مراقبت نموده بود یک طاقه شال بسیار ممتاز. جعفر قلی خان سرتیپ رئیس مدرسه مبارکه به اعطای نشان شیر و خورشید از درجهٔ اول با حمایل مخصوص آن و دو یست تومان انعام. محمد حسین خان ناظم مدرسه مبارکه منصب سرتیپی دو یم و حمایل و نشان مخصوص آن و دو یست تومان اضافه مواجب و پنجاه تومان انعام. محمد تقی میرزای آجودان مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم و شصت و پنج تومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام.

معلمین ایرانی

حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک منجم باشی اعلیحضرت همایون و معلم کل علوم ریاضی نشان و حمایل سرتیپی دو یم و پنجاه تومان اضافه مواجب و چهل تومان انعام.

میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی جبه ترمه حاشیه دار ثوب، انعام سی تومان.

میرزا علی دکتر معلم طب فرنگی جبه ترمه حاشیه دار ثوب، انعام سی تومان.
 میرزا کاظم معلم شیمی و فیزیک نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت
 تومان اضافه موجب و بیست و پنج تومان انعام.
 میرزا علی اکبرخان نقاش باشی نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت
 تومان اضافه موجب.
 میرزا علی خان معلم طب مجانی، نشان و حمایل سرهنگی.
 میرزا ابوالحسن معلم طب مرتبه دویم، لقب خانی و سی تومان اضافه موجب
 و بیست تومان انعام.
 علیخان معلم توپخانه منصب سرهنگی خارج از فوج و صد تومان اضافه
 موجب.

معلمین فرنگی

مسیوریشارخان نشان و حمایل سرتیپی دویم و سی تومان انعام.
 مستر طغر نشان شیر و خورشید از درجه سیم، شال ترمه ایرانی طاقه.
 مسیوپروسکی سرتیپ معلم زبان فرانسه و علم جغرافی شال ترمه ایرانی
 و لقب خانی.
 مسیو ویله شال ترمه کشمیری و نشان طلای علمی.
 مسیولمر، شال ترمه ایرانی و نشان طلای علمی و صد تومان اضافه موجب.
 ماردروس خان معلم زبان روسی و مترجم زبان روسی و فرانسه نشان شیر و
 خورشید از درجه چهارم و شال ترمه ایرانی.

سایرین

میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب استیفا از درجه دویم و دو یست تومان
 اضافه موجب و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار.
 محمد ابراهیم خان سرهنگ تحویلدار مدرسه، نشان و حمایل سرتیپی سیم،
 انعام چهل تومان و اضافه موجب هشتاد تومان.
 میرزا محمد علی خان منشی باشی وزارت علوم یک صد تومان اضافه موجب
 و خطاب مقرب الخانی و جبه ترمه ایرانی حاشیه دار، و متعلمین نیز هریک به قدر

رتبه خود به اضافه مواجب به انعام نایل شدند.
وفات میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار که مستوفی
اول دیوان اعلی و از محترمین رجال این دولت بود در بیست و پنجم جمادی الاولی.

وقایع ماه جمادی الثانیه

میرزا عباس خان رئیس مدرسه دولتی تبریز به اعطای یک قطعه نشان و یک
رشته حمایل از درجه سرتیپی سیم سرافراز شد. وصول خبر تدمیر شیخ مذکور خان از
فارس و شرح آن از قرار ذیل است.
به واسطه ظهور اغتشاش و انقلاباتی که در قرون سالفه در کره زمین و بیشتر
در قطعه آسیا دست داده بود اهالی هر ولایت جای سختی را که غالباً در قلع جبال
بود اختیار و قلعه و برجی محاط به دیوارهای محکم و خندق عمیق برای حفظ جان و
مال و ناموس خود احداث نموده بودند پس از اینکه رفته رفته مردم به تربیت نزدیک و
از نعمت آسودگی و امنیت بهره مند شدند معادل مزبوره پاره ای خراب و برخی بدست
اشرار و متمرّد و فتنه جو و سارق افتاده به اطمینان امکنه مزبوره دست تعرض به نفوس
و اموال بندگان خدا در اوقات مختلفه دراز و حکمداران دولت متبوعه خودشان را
گرفتار زحمت و مکلف به تکلیف بی رحمانه می نمودند از جمله در ممالک ایران به
تخصیص در مملکت فارس معدودی از این قلاع مثل قلعه تبر و غیره مانده بود که به
اهتمامات کافیه نواب والا معتمدالدوله فرمانفرما و حکمران فارس منهدم و متمرّدین و
سارقین که به اطمینان امکنه مزبوره امنیت را از مقیم و مسافر سلب کرده بودند به
سزای اعمال خودشان رسیدند جایی که مانده بود و اعتنائی به آن نشده بود قلات
سرخ واقعه در بلوک گاو بندی از گرمسیرات فارس بود که شیخ مذکور خان حاکم
گله دار و گاو بندی و سایر، برج و دروازه در آن ترتیب داده و مستحفظ نشانده
آنجا را برای خود مأمونی قرار داده بود. بعد از آنکه تمرّد و طغیان او به نواب والا
معتمدالدوله ظاهر شد و جمعیت برای دستگیر کردن او مأمور نمودند بدو در بندر
شیوع که یکی از بنادر کنار دریا و در آنجا نیز قلعه و برج محکم ساخته بود متحصّن
شد. جمعیت نواب معظم به ریاست محمد ابراهیم خان به غلبه و یورش قلعه و برج را
گرفته شیخ حاتم برادر او را دستگیر کردند، شیخ مذکور خان یک مدتی با مأمورین
نواب والا معتمدالدوله در زد و خورد بود آخر الامر مأمورین مزبوره به غلبه قلات سرخ را

گرفته خراب و منهدم نمودند و شیخ مذکورخان و همراهان او را دستگیر کرده به شیراز آوردند و توپی که دو ذرع و نیم طول آن بود و در برج نصب کرده بودند متلاشی و آن صفحات را از شرارت شیخ مذکورخان و همراهان او امن و آرام نمودند. نزول تگرگ درشت در قرای نطنز که نیم ذرع تگرگ در روی بامها نشست و هردانه تگرگی به درشتی فندق بود. انتشار جلد چهارم کتاب مرآت البلدان ناصری. میرزا محمد علی خان پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر به منصب استیفا از درجه سیم نایل و برقرار گردید. نواب اشرف والا امیر اکبر نایب السلطنه حکمران دارالخلافه باهره و غیرها ادام الله اقباله العالی را به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصه سلطنتی قرین مفاخرت نموده دستخط جهانمطاع همایون به شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

نایب السلطنه - از خدماتی که به شما رجوع است از همه جهة خاطر ما آسوده و خرسند است و الحمد لله تعالی روزیه روز هم براطمینان خاطر ما و انتظام عمل ادارات مخصوصه شما می افزاید بخصوص در نظم امور دارالخلافه و توابع آن که از امور مهمه بسیار بزرگ است از اهتمام مخصوص شما که در حقیقت شب و روز به شخصه مراقب و مشغول هستید در انتظام جزئی و کلی آن کمال سعی را کرده است که خاطر ما فوق الغایه راضی است، برای علایم رضامندی ما از خدمات شما یک قبضه شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصه را برای شما فرستادیم که زایداً علی ماسبق در انتظام کل ادارات خود و بخصوص در نظم دارالخلافه ساعی و جاهد باشد تحریراً جمادی الثانیه. لوی ثیل.

دستخط مبارک در باب آبله کوبی به افتخار نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط همایون

اعتضاد السلطنه - شیاع آبله کوبی که برای حفظ نفوس محترمه و سلامت اطفال مملکت حکم وجوب دارد و باید این کار در تحت یک مراقبت و اهتمام مخصوص و دقیق باشد، چون اداره حفظ و صحت به عهده شماست این امر هم از

تکالیف خاصه شما معدود می شود باید به هر نقطه ایران مأمورین شما مواظب اجرای این کار بوده حکم شما در انتشار و رواج و شیاع آبله کوبی در اعلا درجه قوت نافذ و جاری باشد و به هر وسیله اطفال رعایای ایران مجبور به کوبیدن آبله و اولیای آنها مقروض^۱ به این امر باشند و به هر وسیله از پیشرفت این مقصود استطلاع نموده ماهی یک نوبت روزنامه تمام بلاد و نواحی و قراء ایران را به حضور ما تقدیم نمایند و این روزنامه جات به مهر و تصدیق اعیان و کدخداهای محلّ موشح باشند و بدانیم که هیچ طفلی از این حکم مستثنی نمانده و در همه جا این قرار ساری و جاری شده است. بموجب همین دستخط مقرر می داریم که احکام شما در این خصوص در همه جای ایران واجب الاطاعه و تالی احکام خاصه ملوکانه است و صاحبان ادارات باید اظهارات شما را متعلق به این امر فوری الاجرا دانسته از کمال تقویت و ترویج قصور نمایند. ۲۹ شهر جمادی الثانیه لوی ثیل ۱۲۹۷

اداره تنظیفیه و احتسابیه دارالخلافه را به مؤلف واگذار فرمودند و دستخط جهانمطاع مبارک در تفویض این شغل به چاکر خطاب به نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه، حکمران دارالخلافه باهره و غیرها ادام الله اقباله العالی از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت.

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

امر احتسابیه و تنظیف شهر طهران نظر باینکه قسمت عمده ان از عمله و دواب به صنیع الدوله سپرده بود و در انجام و اجرای مقررات همایونی تعهدات خوب مقرون به صرفه دیوان و سهولت امر کرد و بعد از ملاحظه مجلس شوری به عرض حضور ما رسید این خدمت را بطور کلیه به معزی الیه مرجوع و محول می فرمائیم که با همین عمله و اسباب و دواب و مخارجی که حالا ازدولت برای نظافت طهران داده می شود محوطه داخل خندق شهر دارالخلافه را از هرجهه پاک و نظیف داشته و در آنچه متعلق به سلامت عامه است مثل اصلاح و پاکیزگی مجاری میاه و حسن تقسیم و شرب آن و رفع و منع چیزهائی که مستلزم حدوث امراض و اختلال هواست اهتمامات وافیه مرعی دارد. آن فرزندان باید در پیشرفت کار و تقویت صنیع الدوله اهتمام و توجه مخصوص مبذول داشته این امر را که از کارهای اصلی و اساسی طهرانست قابل کمال انتظام و مستوجب خیلی رعایت داند و همانقدر که به صنیع

الدوله تقویت خواهد نمود مواظب بوده اجرای فصول تعهدات معزی الیه را مطالبه نماید فی ۱۶ شهر جمادی الثانیه لوی ٹیل ۱۲۹۷.

وقایع ماه رجب المرجب

محض اشاعه و تعمیم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک به نواب والا معزالدوله وزیر عدلیه اعظم شرف صدور یافت که صورت آن از قرار شرح ذیل است:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

معزالدوله- این اوقات در وضع دیوان عدالت فتوری مشاهده کریم و آن بود که بالمشافهه العلیه به شما تاکیدات شده این دستخط را مزیداً لتأکید صادر می فرمائیم که وضع دیوانخانه برای اجرای حق و عدل و انجاح امور عارضین و متظلمین است و حدود و تکالیف عدالتخانه به توضیح و تفسیر محتاج نیست. باید قانون شرع مطاع و عدل متین را پیشرو جهد کافی خود قرار داده هیچ محاکمه را از دایره خود مستثنی و هیچ حکم عدل را از قوه خود خارج ندانید، و قویاً جازماً مراقب امور متظلمین و ملهوفین بوده احکام صادره از دیوان عدالت عظمی را حتمی الاجرا دانید و اگر در شعب این خدمت قصوری به نظر آورید فوراً معروض دارید رفع و منع آنرا بخواهید. شهر رجب المرجب لوی ٹیل ۱۲۹۷.

صدر این دستخط مبارک را به قلم معجز رقم همایون به عبارت مسطور در ذیل مؤکد و موشح فرموده بودند.

معزالدوله- غرض از دیوانخانه و تعیین امارت دیوانخانه احقاق حق و رفع ظلم و اجرای احکام است، کی قدرت دارد که خلاف این سه حکم را شرعاً و عرفاً بکند شما را که ما در دیوانخانه گذاشته ایم برای اجرای همین سه فقره است با کمال سختی در اجرای فقرات سه گانه جد و جهد نمائید و هرکس تخلف کرد فوراً اطلاع بدهید تا آن شخص را به سزای خود برسانیم. ۹۷

حاجی محمدحسینخان ولد مرحوم احمدخان عمیدالملک به منصب نایب اول دیوانخانه عدلیه عظمی برقرار گردید.

روز یکشنبه هیجدهم رجب موکب مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه از سلطنت آباد انتهاض فرموده به سمت کلاردشت و ساحات ییلاقیه مازندران تشریف فرما گردیدند. نواب حاجی بهالدوله سرتیپ اول به یک قبضه شمشیر مکمل

به جواهر از درجه دویم سرافراز گردید. میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنة دولت علیه دامت شوکتہ کتابی در امراض عصبانی ترجمه و تالیف و طبع نموده چون کمال امتیاز را داشت به اعطای یک حلقه انگشتری الماس سرافراز شد. چندی قبل مابین اشتھارد و بوغین در نزدیکی قشلاق شاهیسون بغدادی سنگی از آسمان به زمین افتاده که تقریباً پانزده من تبریز وزن آن می باشد. این اوقات سنگ مزبور را امتحان کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در حالت خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلز موسوم به نیکل در آن یافت می شده و از این جهت سنگ روشن و با ذرات نقره نما به نظر می آمد. دانه های آهن خالص آن مخلوط با سنگ سیاهی بوده که آنرا آلومینیوم سیلیکات می نامند نیز کریستالهای سبز در آن مشاهده نموده اند که نظیر آن در اغلب سنگهای آسمانی دیده می شود. روز جمعه بیست و نهم موکب فرخنده کوکب پادشاهی وارد کلاردشت گردید. سرکردگان و صاحب منصبان و یوزباشیان کشیکخانه خاصه، سپرده به جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم که پیش از تشریف فرمائی موکب اقدس اعلی به سفر کلاردشت سان داده بودند و سزاوار و مستوجب امتیازات گردیده این اوقات به عواطف مسطوره در ذیل مباهی گردیدند:

(عبدالله خان قوللر آقاسی باشی شمشیر مرصع از درجه سیم)، (میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و سرکرده سواران مهدیه شمشیر مرصع از درجه سیم)، (میرزا مصطفی وکیل لشکر عصای مرصع)، (محمدحسن میرزای یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (رستم خان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (محمدقلیخان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (هاشم خان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (محمودخان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (حاجی حسینخان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (عباسقلیخان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (حیدزقلیخان یوزباشی شمشیر یراق طلا)، (عبدالله خان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (باباخان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (میرزا تقیخان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (فتح الله خان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (عزت الله خان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (علی عسکرخان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (رحمت الله خان یوزباشی سرداری ترمه ایرانی)، (عباسعلیخان پسر کلبعلی خان سرداری ترمه ایرانی)، (میرزا احمد سر رشته دار کشیکخانه و فراشخانه جبهه ترمه ایرانی)، (میرزا رضای سر رشته دار جبهه ترمه ایرانی).

وقایع ماه شعبان

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره روز دهم شعبان از کلاردشت عزیمت معاودت فرمودند و روز سه شنبه بیست و پنجم به ییلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشتند. نواب والا عضدالدوله حکمران قزوین به اعطای یک حلقه انگشتی الماس بریلیان سرافراز گردید.

وقایع ماه رمضان

موکب اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه که تشریف فرمای ییلاق شهرستانک بود روز سه شنبه هفدهم رمضان المبارک به قصر سلطنت آباد نزول اجلال فرمود، نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی که این اوقات از اصفهان به قصد سرکشی عربستان و لرستان از راه بختیاری و بروجرد حرکت فرموده مورد مراجع ملوکانه گردیده یک ثوب سرداری ترمه شمشه مرصع از ملابس خاصه به افتخار ایشان ارسال فرمودند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

وقایع ماه شوال

جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را در اوایل این ماه از اداره امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته به حکمرانی قزوین برقرار نمودند. زلزله شدید در گروس که بعد از آن چند فقره زلزله خفیف هم اتفاق افتاد. ترتیب مهم مملکت آذربایجان را علاوه مشاغل جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند و دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت:

سواد دستخط جهان مطاع مبارک

جناب آقا- چون نظم مملکت آذربایجان از همه ممالک واجب تر و لازمتر است و خاطر ما باید از طرف آن مملکت بالکلیه آسوده باشد و رعایای آن مملکت که آسودگی و آبادی و فراغت خاطرشان همیشه منظور نظر ماست در کمال رفاهیت خاطر بوده و امور آن مملکت از هرجهت منظم باشد غوررسی امور آن مملکت را کلیه از

هرجهه بشما واگذار می فرمائیم و آنچه احکام لازمه که از جانب ما به ولیعهد و آن مملکت صادر می شود به اطلاع و استخصار و صوابدید شما باشد و آنچه ولیعهد و اهالی آن مملکت به عرض می رسانند به توسط شما به عرض برسد از این تاریخ باید خود را کلیتاً مسئول امور آن مملکت دانسته ذره ای کوتاهی نکند. فی ۲۸ شهر شوال لوی ثیل خیریت دلیل ۱۲۹۷

شرح وصول مامور مخصوص دولت ژاپن به دارالخلافه باهره

دولت ژاپن که از دول مشرق زمینی و در قسمتی از اقلیم وسیع آسیا واقع است این اوقات برای حصول روابط مودت و دوستی و ارتباط با دولت علیّه ایران مامور مخصوصی به دربار معدلت مدار همایون روانه داشته این مامور مخصوص که مرد ذیشان دانشمند و موسوم به (یوشیدا مسخرو) می باشد به همراهی (یوکویاما کوشی جی رو) مترجم و (فورکا وانولوش) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی روز دوشنبه بیست و هشتم جمادی الثانیه در بندر بوشهر از کشتی دولت ژاپن خارج شده و کارگذاران حکومت بوشهر به وجهی شایسته و لایق ایشان را پذیرفتند و پس از چند روز اقامت عازم شیراز گردیده در این شهر نیز گماشتگان حکومت مراسم اعزاز را نسبت به مامور مخصوص و همراهان مرعی و منظور داشتند پس از چهل و پنج روز توقف در شیراز عزیمت دارالخلافه کرده پس از ورود و وصول، مشمول توجهات کامله امنای دولت جاوید عدّت روزافزون گردیده با شرایط پذیرائی و رعایت لوازم ملاطفت و مهربانی مشارالیه را در باغ ایلخانی که از باغات مبارکات دولتی است منزل دادند.

روز دوشنبه بیست و یکم شهر شوال المکرم پنج ساعت به غروب آفتاب مانده میرزا عبدالله خان مستشار وزارت خارجه با دو دستگاه کالسکه به باغ ایلخانی رفته مامور مخصوص و همراهان او را به دربار اعظم آورد و به خاکپای مبارک عرض کرد مامورین دولت ژاپن حاضراند و بعد از آنکه احضار شدند صدیق الملک ایشان را در تالار شمس العماره به حضور باهرالنور مقدس مشرف ساخت و عرض کرد مامور مخصوص یوشیدامسخر و از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت ژاپن برای درک شرف حضور مکارم ظهور اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه کلّ ممالک ایران ادام الله شوکته مشرف می شود و پس از نیل تفقدات شاهانه مامور مخصوص نطقی به

مضمون ذیل به عرض حضور معدلت ظهور اقدس رسانید:

صورت نطق یوشیدا مسخرو مامور مخصوص دولت ژاپن

به حضور اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاه ممالک ایران معروض می دارد: من خود را نهایت خوش بخت میدانم که بواسطه انتخاب این مأموریت کمال افتخار را حاصل نموده و از جانب اعلیحضرت امپراطور ژاپن مامور شده‌ام که میل صادقانه و منتها آرزوی ولی نعمت جلیل القدر خود را به جهة صحت و خوش وقتی اعلیحضرت شما و امنیت و شرف و ترقی دولت مملکت آن اعلیحضرت همایون تقدیم نمایم، و من به جهة اعلیحضرت امپراطور ژاپن و دولت ایشان و کلیه ملت ژاپن افتخار مخصوص می دانم که اعلیحضرت اقدس همایون مرا مفتخر و امروز به حضور مبارک خودشان مشرف فرموده‌اند، و از جانب پادشاه خود و دولت ایشان از خداوند متعال مسئلت می نمایم که وجود مبارک آن اعلیحضرت همایون را محفوظ فرماید که به جهة ممالک ایران سلطنت ایشان نعمتی است که پروردگار عالم عطا فرموده است، بر همه کس حتی بر ساکنین اقصی بلاد ممالک ما معلوم و هویداست که سلطنت اعلیحضرت اقدس همایون شما را استعداد و مقاصد خیریه ایست که اثر آن نه تنها در ایران بلکه در منتها نقطه دنیای متمدن ظاهر گردیده است، و هم چنین کاملاً آشکار است که خوشوقتی رعایای اعلیحضرت شما و ترقی ممالک و توسعه اقتدار ایشان روز بروز در تزايد می باشد، ولی نعمت جلیل القدر من مرا مجاز فرموده که عرض نمایم منتها امید و آرزوی صادقانه ایشان این است که در روابط مودت آمیز دولتین که از شرفیابی من بحضور مبارک و درک این موهبت بیشتر مستحکم شده تا آخر مستدام بوده و بجهت دولتین اسباب خوشوقتی و فواید گردد و آخر الامر به عرض می رسانم که اعلیحضرت امپراطور و دولت ایشان و جمیع ملت ژاپن امیدوار و متمنی هستند که ترقی حکمرانی با افتخار و امنیت مردمانیکه در تحت فرمان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی هستند چندین هزار سال باقی بماند و ایزد متعال عمر طویل بآن اعلیحضرت کرامت فرماید و تفضلات خود را نسبت به وجود مسعود مبارک دایمی و آسایش کامل به ایام آتیه اعلیحضرت پادشاهی ارزانی دارد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز در جواب اظهار کمال مودت و دوستی به اعلیحضرت امپراطور ژاپن فرموده و شخص مامور را مورد مرحمت و التفات مخصوص داشتند.

وقایع ماه ذیقعدة الحرام

ریاست اداره جلیله عسکریه و قشون ظفرنمون را که عبارت از وزارت جنگ باشد به عهده کفایت و کفالت نواب اشرف والا میر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی تفویض و موکول فرموده یکثوب سرداری ترمه مفتول دوز از ملابس خاص سلطنتی به نواب اشرف معظم له دامت شوکته اعطا و مرحمت فرمودند و دستخط جهانمطاع مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت.

سواد دستخط همایون

ریاست مطلقه قشون ایران چنانکه سابقاً اعلان کرده ایم خاصه شخص خود ما و لازمه سلطنت کبری است و برحسب این معنی البته اداره کلیات مهام عسکریه بوجود مسعود ما اختصاص دارد لکن بالضروره برای رسیدگی به جزئی و کلی و مراقبت شرایط امر قشون احدی لازم است که قایم مقام شخص همایون ما و واسطه ابلاغ و اجرای احکام دولت باشد و جز نایب السلطنه امیر کبیر که فرزند ارجمند ما و دارای رتبه و لقب نیابت سلطنت است و علاوه بر مقامات کفایت و دولت خواهی به معلومات او در امور نظامی اعتماد داریم از طرف خودمان به ریاست و اداره قشون مخصوص و منصوب داشتیم. از امروز باید عموم رؤسا و سرکردگان قشون دولت فرزند معزی الیه را در ریاست قشون نایب مناب شخص همایون ما دانسته ترتیباتی که به توسط فرزند معزی الیه مقرر می شود لازم الاجرا شمارند. سیم شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۲۹۷.

جناب میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء به منصب متولیباشی گری مستعد بودند به دربار همایون احضار شده مجدداً به منصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردیدند و یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع به افتخار جناب معزی الیه مرحمت فرموده دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت.

سواد دستخط همایون

میرزا سعیدخان مؤتمن الملک که همیشه در موارد خدمت امتحانات خوب داده

و در ایام سلطنت ما زمان خود را به تصدی خدمات بزرگ گذرانیده و پیوسته دولتخواهی و کفایت او موجب کمال رضامندی خاطر ما بوده است این اوقات مجدداً به وزارت جلیله امور خارجه منصوب می فرمائیم که به اقتضای سوابق اطلاعات و احاطه کامل خود و وظایف این تکلیف را کاملاً ادا کند و آن طوره که مقامات بصیرت و کفایت معزی الیه در پیشگاه ما مجرب و معهود است این شعبه عمده و اہم دولت را قرین انتظام دارد شهر ذیقعدہ الحرام لوی ٹیل ۱۲۹۷.

جناب مشیرالدوله سپہسالار اعظم را کہ حکمرانی قزوین داشتند به پیشکاری تمام مملکت آذربایجان برقرار فرمودند، جناب کنت زالوسکی وزیر مختار دولت اطیش مأمور به اقامت دربار دولت علیہ کہ موقتاً بہ وطن خود رفته بود این اوقات بہ دارالخلافہ معاودت نمود. میرزارضای صدیق الدولہ بہ وزارت دارالخلافہ برقرار گردید.

وقایع ماہ ذیحجہ الحرام

مسیو کنت دمنٹ فرت رئیس پلیس و نظم و امنیت عامہ شهر دارالخلافہ بہ منصب سرتیپی دویم سرافراز گردید. جناب حاجی میرزا محمد خان مجدالملک وزیر وظایف و اوقاف مرحوم شدند، و وزارت وظایف و اوقاف بہ موجب دستخط جهانمطاع مبارک از قرار شرح ذیل برعہدہ کفایت جناب میرزا علیخان امین الملک مفوض و موکول آمد.

سواد دستخط ہمایون

چون امر وظایف و اوقاف از جملہ کارہای معظم دولست و باید وظیفہ و مقرری مردم در نہایت خوبی و درستی باشد و اوقاف منظم باشد و خاطر ما از این ممر آسودہ باشد، لہذا این خدمت عمده را بہ امین الملک رجوع می فرمائیم کہ آنچه شایستہ نظم اینکار است بعمل آورده و کفایت خود را در تنقیح این عمل بہ ظہور و بروز بیاورد - فی شهر ذیحجہ ۹۷ لوی ٹیل.

تتمیم

در دو سہ ماہ اواخر این سال فتنہ شیخ عبیداللہ کرد اسباب کدورت خاطر اہالی دولت و ملت بود. تبیین آنکہ شیخ عبیداللہ کہ از قدیم در سبک و سلک

تصوّف به شیوه عوام فریبی بسر می برد و در ناحیه هکاری میان اکراد تبعه دولت عثمانی مطاعیتی داشت در اوقات جنگ دولّین روس و عثمانی بعضی تفنگ و اسلحه جنگ به دست آورد و به خیال واهی افتاده که اکراد سرحدنشین دولّین ایران و عثمانی را در تحت ریاست خود درآورد در اواخر این سال حمزه آقاى منگور از حکومت ساوجبلاغ گریزان شده به شیخ عبیدالله پیوست و خیالات او را تایید و تحریک نمود. لہذا در حدود کردستان دولت علیّه بنای قتل و نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از جبلّت و فطرت ناپاک می باشد گذاشت. اولیای دولت علیّه که از غایله باخبر شدند در عرض بیست روز قریب بیست و پنج هزار نفر از عساکر موجوده را به ریاست نواب والاحشمة الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مهمّه حاضر ساختند و قبل از وصول اردوی بزرگ دولت به ساوجبلاغ و ارومی و آن صفحات اعتماد السلطنه مصطفی قلیخان که ریاست قشون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان و عساکر منصوره در حدود مراغه و بناب دو هزار نفر از یایغان را طعمه توپ و تفنگ نموده شکستهای فاحش به آنها دادند و ششصد هفتصد نفر را که جسارت استیلا به شهر ارومی کرده بودند به قتل رسانیدند و باقی را منهزم ساختند، نیز در سه فرسنگی ارومی جمعی از اکراد را که با شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند براه عدم فرستاده و باقی ماندگان را از سنگریکه داشتند و آن سنگر عبارت از کوه سختی بود و دانید: تا دو فرسنگ تعاقب نمودند. در این اثنا نواب والاحشمة الدوله رئیس اردوی بزرگ در حوالی صاین قلعه به مرضی طبیعی مبتلا شده مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را با کمال احترام معاودت دادند و مقرر شد موقتاً محمد قلیخان حسام الدوله رئیس اردو باشد تا جناب اشرف سپهسالار اعظم به اردو ملحق شوند و عبدالقادرخان شجاع الملک برای ابلاغ احکام لازمه به سرکردگان اردو روانه شد. خلاصه در صورتیکه شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان و اتباع خود فراراً به طرف ساوجبلاغ می رفتند باز به هر قریه و مزرعه که می رسیدند آنها به آتش بیرحمی می سوختند تا جناب حسینعلی خان وزیر فواید با فوج گروس و سوار شاهیسون دو یرن به اردوی اعتماد السلطنه پیوسته و با یکدیگر به طرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدین واسطه شیخ قادر و حمزه آقا مجال زیست ندیده به سمت اشنویه گریختند. خود شیخ عبیدالله نیز در حدود ارومی از عساکر منصوره شکست خورده با اعوان خود به قلعه اسمعیل آقا در دو فرسخی شهر ارومی که جای محکمی است گریخت. روز شانزدهم ذیحجه جناب

اشرف سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحشین اکراد را تأمین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عبیدالله و تبعه او در بیست و یکم ذیحجه به طرف سرحد و محال مرگوز فرستادند.

بموجب خبر تلگرافی که در سلخ ذیحجه الحرام رسید عرصه ساوجبلاغ و ارومی بکلی از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش دایر شده است. محمد آقا رئیس طایفه مامش بلباس از بزرگان گُرد به اصطبل توپخانه پناه برده با عفو و مرحمت به اردوی جناب اشرف سپهسالار اعظم رفته است، شیخ قادر پسر شیخ عبیدالله با معدودی از تبعه خود به نوجه که مسکن شیخ عبیدالله و در خاک دولت عثمانی است گریخته.

وقایع ماه محرم سنه ۱۲۹۸

تلگرام جناب اشرف سپهسالار اعظم مورخ به تاریخ دویم محرم از ساوجبلاغ اشعار می کند که جناب اشرف معزی الیه اراده داشتند از ساوجبلاغ اردو را حرکت داده از راه سلدوز و لایجان و مرگور به ارومیه بروند. جناب حسنعلی خان وزیر فواید را به سمت حکمرانی ساوجبلاغ و صاین قلعه برقرار کردند. اسرائیکه از آن نواحی و غیره نزد طغات اکراد بود کلیه مستخلص گردیدند. اردوی مامور به تنبیه عشیره منگور به سرداری عزیزالله خان سرتیپ به محل خود اصابت کرده یعنی به خاک منگور رسیده حمزه آقا خود را آماده جنگ نموده سنگر و سقناق خود را استحکام داده با طایفه خود که به رشادت معروفند در مقابل عساکر منصوره خیلی ایستادگی می نماید در آن کوهستان صعب المسلك مقدماً سواران اینانلو و بختیاری و دو یرن و قراپایاق و یورتچی اسب انداخته عرصه را به اشرار مزبور تنگ می نمایند، زیاده از شش ساعت جنگ طول می کشد و خونریزی زیاد می شود، دو هزار نفر از اشرار مقتول شده حمزه آقا مجال زیست نیافته به طرف حدود دولت عثمانی که بیش از دو فرسخ فاصله نیست گریخت. حسینعلی بیک یاور فوج پنجم و دسته جمعی او قلعه نعلین و عبارت جدیدالبنای حمزه آقا را که مامن و بنگاه فسادان حدود بود با خاک یکسان کردند این اردو مرکب بودند از افواج پیاده و سواره و توپخانه به ریاست عزیزالله خان سرتیپ سوار شاهیسون اینانلو. حسینعلیخان ژنرال آجودان خاصه با فوج پنجم شقاقی. اسفندیارخان سرتیپ و سوار بختیاری. علیرضاخان سرهنگ توپخانه و توپچیان گروسی. کریمخان

سرکرده و سوار شاهیسون دو پرن. بیوکخان و حسینعلیخان سرهنگ با سوار قراپاق. سیف الله بیک و سوار یورتچی.

شب غرة محرم معجزه‌ای از حضرت امام ثامن ضامن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء به ظهور رسید به این معنی که زائره کرمانیه مسماة به نبات خانم که زیاده از پانزده سال زمین گیر و اقلیج بود در روضه مقدسه در شب مزبور در عالم بیهوشی حضرت امام همام علیه السلام را در لباس سبز زیارت کرده باو فرمودند برخیز که تو را شفا دادم زائره مشارالیها بیدار شده خود را صحیح و سالم می بیند. تعزیه داری دهة عاشورا در تکیه دولتی با کمال نظم و شکوه بعمل آمد و جناب عضدالملک خوانسار و خازن مهر مهر آثار مبارک که در نظم تکیه مبارکه مساعی جمیله نموده بودند به یکشوب خرقه ترمه از ملابس خاص درجه اختصاص یافتند و محمّد قلیخان نایب النظاره به اعطای یکقبضه قمه مرصع مفتخر آمد. نواب والا اعتضاد السلطنة علیقلی میرزا وزیر علوم شب عاشورا به رحمت الهی پیوست و ریاست مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی را به جناب مخبرالدوله علی قلیخان وزیر کل تلگراف خانه های ممالک محروسه واگذار فرمودند و دستخط مبارک از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

برای انتظام مدرسه دارالفنون و مریضخانه دولتی چون وجود یکنفر شخص کافی مجرب دولتخواه لازم بود که مواظب و مراقب باشد لهذا برای ریاست این دو عمل مخبرالدوله را منتخب فرموده مقرر می فرمائیم که از این تاریخ به بعد مراقب نظم عمل این دو کار بوده ترقیات عمده انشاءالله به عمل مدرسه و علوم بدهد لوی ثیل ۹۸. مجلس تالیف کتاب نامه دانشوران ناصری را به مراقبت مؤلف واگذار فرمودند. جناب میرزا قهرمان امین لشکر بموجب دستخط همایون مقرر شد همه روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و تجارب خود را در شعب امور دولت اظهار دارد.

وقایع ماه صفر

جشن عید مولود اعلیحضرت همایون خلدالله ملکه و سلطانه را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنة وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه به اعلی

درجه خوبی گرفتند و سه شب مراسم این جشن چنانکه لایق و شایان است معمول و در کار بود و در موقع این عید سعید اشخاصیکه به نشان و حمایل سرافراز شدند از این قرار است (رحیم خان سرتیپ فوج دویم نصرت‌نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (میرزا زکیخان سرتیپ اردبیل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (کلنل شمیل اطریشی رئیس مأمورین اطریش نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی) (بارون نرمان مترجم دارالترجمه همایونی نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا عباس علیخان پیشخدمت باشی نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکت نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا علی دکتر طبیب حضور همایون و حکیم باشی نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه اقام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی).

رای جهان آرای شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه نظر به منازم ملکی و دولتی اقتضا فرمود که موجبات ترقی دولت ابدآیت علیه را به طوریکه پیشنهاد ضمیر منیر ملوکانه است ترتیب و تکمیل فرمایند و در امور دولت حسن ترتیبی مقرر شود که روز بروز آبادی و امنیت مملکت و ازدیاد مال و ثروت رعیت و رواج تجارت و توفیر زراعت و آنچه از لوازم ترقیات دولت معدود می شود بیفزاید اگرچه هریک از وزرای فخام درباری در کمال استقلال مشغول اداره امور مختصه به خود هستند ولی در نظر انور همایون لازم آمد که هیئت مجتمعه از منتخبین وزرای عظام نیز که به افاضه همایون مظهر قدرت کامله دولت علیه باشند تشکیل شود که ایشان در نهایت مراقبت و دولت خواهی ناظر کلیه امور و ادارات دولتی بوده نواقص هریک را تکمیل و لوازم هر کدام را مهیا نمایند و به افکار صایبه قواعد مستحسنه ایجاد و در جمع شعب امور نتایج خوب و مناسب برای دولت تحصیل نمایند، دستخط مطاع مهرشعاع همایون که برطبق تعهدات وزرای فخام صادر شده است لفظ بلفظ مندرج میشود همه روزه مجلس در بار همایون تشکیل شده با قدرت کامله و توجهات قویه ملوکانه به رتق و فتق امور دولتی مشغولند و احکامیکه به مهر این مجلس عالی صادر می شود در کل ممالک محروسه ایران لازم الاجراست.

سواد دستخط همایون

چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحدات و آسودگی رعایا و رفع

ظلم و ستم شریکی در میان آنها و انتظام مهام قشون و قورخانه و مهمات عسکرته و سایر شعبات و ادارات است و ایجاد و انتظام این مهام در خارج و تشکیل قوانین و تدبیرات لازمه آن منوط به اجرای سریعۀ نافذه احکام مفیده و تثبّات صحیحۀ دولت است و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صایبه هم منوط به وجود وزرا و نوکرهای صاحب تجربه دولتخواه عاقل کامل با غیرتست، لهذا به موجب این دستخط که خودمان مینویسیم اختیار و اقتدار کامل میدهم بوزرای منتخبین حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم به جلوس فرموده‌ایم که از این تاریخ به بعد در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلی مختار و مجاز و قادر خواهند بود که قرارهاییکه متضمن خیر و صلاح دولت و ملت باشد بگذارند و آنچه را که آنها صلاح دانسته و به عرض برسانند قبول فرموده و ردّ نخواهیم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت را به هیئت این مجلس اعطا می‌فرمائیم که انشاءالله تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملت متصور است در اجرای احکام به عرصۀ ظهور و بروز آورده خاطر ما را از حسن خدمات و خیراندیشیهای خودشان خرسند و مسرور نمایند و حسن ظن و التفات ما را نسبت به خودشان روز بروز زیادتیر کرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند تحریراً ۹۸.

اداره معادن ممالک مجروحه را به میرزا علینقی حکیم الممالک از چاکران خاص آستان همایون واگذار فرمودند و دستخط همایون از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت.

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

معادن ایران که خزائن حقیقی و ذخایر مادی و معنوی دولت و مملکت است بالضروره شایان توجهات مخصوصه و اداره صحیحه بود، این اوقات که شخص همایون مآبه استکشاف معادن و ترویج این عمل اقبال مخصوص فرموده‌ایم اهمیت آن بیشتر معلوم و مسلم است، بالمناسبه و به اقتضای اداره علیّه همایونی از این تاریخ اداره معادن کلّ ممالک ایران را به حکیم الممالک مرجوع و محوّل فرمودیم که با کمال اهتمام و کفایتی که در او سراغ داریم این خدمت مهم را موافق میل و اراده ما و چنانکه حق و تکلیف این رتبه است به تقدیم رساند. شهر صفر المظفر لوی ثیل سنه ۱۲۹۸.

نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران حکمران آذربایجان و مضافات ادام الله اقباله العالی که در تنسيق امور عسکریه و اردوهای آذربایجان مساعی جمیله مبذول داشته بودند به اعطای یکثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع تن پوش مبارک نواب اشرف امجد معظم له دامت شوکته را مزیتی مخصوص عنایت فرمودند. در شکارگاه جاجرود پلنگی شکار شست مبارک گردید. محمد تقیخان حاجب الدوله مرحوم شد. محمد حسن خان فراشباهی ولد جناب علاءالدوله به لقب جلیل حاجب الدوله ملقب گردید. آقا محمد علی آبدار باشی ولد جناب آقا محمد ابراهیم امین السلطان به لقب امین حضرتی مفتخر و سرافراز آمد. امیرزاده محمد حسن میرزا ولد مرحوم شاهزاده اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا به منصب جلیل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار گردید. عبدالله خان حکمران گیلان به موجب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیرنایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی به لقب والیگری سرافراز آمد. همچنین نصره الله خان سرتیپ حاکم گرکانرود به سرتیپی دویم میاهی گردید.



وقایع ماه ربیع الاول

از آنجائیکه تربیت آحاد و افراد رعایای ممالک محروسه ایران همیشه وجهه همت ملوکانه و محل توجه خاطر مهر مظاہر اعلی حضرت شاهنشاهی دام ملکه بوده و هست و بهترین زینتها برای شخص باغیرت وطن پرست خدمت به ولینعمت و دولت متبوعه خود می باشد و بیکاری و عدم شغل و ماموریت غالباً سبب اختلال حواس و خیال است، علاوه براین ممکن است بسیاری از مردمان قابل کاردان کافی که دولت و ملت میتواند منافع کلی از وجود آنها حاصل نماید به علت بیکاری و مرجع خدمت نشدن عاطل و باطل بماند و از شخص آنها برای وطن بهیچ وجه اثری بظهور نرسد، بنابراین رای صوابنمای مقدس شاهانه چنین اقتضا فرمود که برای قاطبه اهالی شغل و خدمتی معین گردد تا بعدها شخص بیکار کمتر دیده شود و احدی از دایره این حکم محکم خارج نباشد مگر آنهاییکه دولت محض احترام شرع مبین ایشانرا موظف داشته یا اشخاصیکه به مناسبت حال آنها را لشکر دعا قرار داده و اجرا می دهد از این دو صنف گذشته جمیع طبقات اعم از شاهزادگان و امیرزاده ها یا خوانین و اولاد ارباب قلم و غیرهم هرکس در سال زیاده از پنجاه تومان به اسم مواجب و مستمری و

وظیفه از خزانة دولت می گیرد در صورت صحت بدن و سلامت مزاج باید بيشغل و کار نماند، و چون این مقصد اعلی باید به حسن کفایت شخصی اصيل و نجیب که از معتمدان درگاه و اعظم رجال دولت ابدآیت باشد قرین حصول گردد ریاست این جمع و رسیدگی بکار آنها را برعهده مراقبت جناب عضدالملک خوانسالار خازن مهر مهر آثار ایلخانی جلیل قاجار موکول و مفوض فرمودند تا برطبق مکنونات خاطر خطیر همایون اقدامات لایقه در اینکار نمایند و دستخط آفتاب نمط مبارک در رجوع این خدمت بزرگ به جناب معظم له شرف صدور یافت که سواد آن از قرار ذیل است.

سواد دستخط جهانمطاع مبارک

عضدالملک، اگرچه پیشتر هم مقرر شده بود و در دستورالعمل کلیة دولت مضبوط و مقید است لکن بسبب اینکه مخصوصاً به عهده احدی از رجال دولت واگذار نشد اجرای این قانون به تاخیر ماند، امروز به عهده شما مقرر می شود که چون مواجب و مرسوم دیوانی باید به ازاء خدمتی و در مقابل رسم و سمتی باشد در دفتر لشکر و کشور و وظایف به دقت رجوع کرده اولاً مردم صاحب مواجب از شاهزادگان و قاجار باید لزوماً در سلک آقایان قاجار داخل و اسامی آنها به ثبت و ربط آقایان آمده حاضر خدمت باشند و آنها که به عذر کبرتن از حاضر شدن رکاب متقاعد شوند از کسان خود عوض بفرستند و بلااستثناء مواجب دیوانی را به شرط خدمت بگیرند آنچه هم که خارج از این سلسله هستند و از پنجاه تومان و مازاد مواجب و مستمری دارند و از سلک اهل علم و لشکر دعا خارجند باید داخل نوکر سواره معدوده شده ابوابجمع آن چاکر باشند و اگر کسی ناقص الخلقه و از قدرت خدمت افتاده است معین و در حکم وظیفه خوار محسوب میشود.

مقرر آنکه آنچاکر دولتخواه خود را به اجرا و انجام اینکار محصل و مامور دانسته بزودی از دفاتر دولتی ثبت صحیح بگیرد و عاجلاً این قاعده را به حکم عام جاری نمائید و آنچه از مردم صاحب مواجب و مستمری بیکار بشرح متن معین شد سوار و پادار کرده سپرده بخود دانید. شهر ربیع الاول لوی ثیل ۱۲۹۸.

جناب نریمانخان وزیر مختار دولت علیّه مقیم وینه که موقتاً به دربار معدلتمدار همایون احضار شده بود در این ایام به دارالخلافة باهره وارد گردیده مقرر است که پس از چندی به محل ماموریت خود معاودت کند. نواب اشرف والا ظا

السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله اقباله العالی که موقتاً بحضور مبارک احضار شده بودند روز دهم این ماه وارد دارالخلافة گردیدند. جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم و سرکشیکچی باشی را با لقب امیرنظامی و اختیارات تامه در کمال استقلال با اجزاء لازمه مرکب از نوکرهای کار دیده کافی مامور آذربایجان فرمودند که متعجلاً به این مملکت رفته مشغول انتظام امور گردد.

وقایع ماه ربیع الثانی تا روز نوزدهم که ختم السنه میباشد

نواب والا عباس میرزا ملک آرا به حکومت قزوین و مضافات برقرار و منصوب گردیدند و امیرزاده محمد میرزا ولد نواب معظم له به اعطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد. نواب اللهقلی میرزای ایلخانی به حکومت ولایات خمره برقرار گردیدند. چون میرزا رضای صدیق الدوله وزیر دارالخلافة بهمراهی امیر نظام مامور آذربایجان شد خالصه جات طهران که اعظم املاک دولتی است به میرزا محمد باقر پسر صدیق الدوله سپرده شد که به نیابت صدیق الدوله متصدی امر خالصه جات مزبوره باشد و داد و ستد مالیاتی و اربابی و سایر مستقلات طهران و بلوکات متعلقه آن برعهده محمد ابراهیم خان که از مجربین و پیرمردان دربخانه نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه حکمران دارالخلافة و غیرها ادام الله اقباله العالی میباشد موکول شد. روز دهم این ماه تلگرامی از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم اسلامبول رسید که مضمون آن حاوی تشییع مبانی دولتین اسلامیتین بود و به موجب این تلگرام اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان اطمینان داده بودند که دیگر شیخ عبیدالله و اکراد طاغی جسارت نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود را دولت عثمانی به اتفاق دولت ایران فراهم خواهند آورد. دو روزه اختتام این سال فائده نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان و مضافات ادام الله اقباله العالی که به دربار معدالتمدار همایون احضار شده بودند به دارالخلافة باهره ورود فرمودند.

وقایع و سوانح معظمه که در ظرف مدت این یکسال یعنی از بیست و یکم ماه مارس ۱۸۸۰ مسیحی الی بیست و یکم ماه مارس ۱۸۸۱ در تمام کره ارض و اقطار عالم واقع و سانع شده است

بقیه ماه مارس (از هشتم ربیع الثانی الی نوزدهم)

فرانسه - مجلس و کلاء قانون جدیدی از برای قشون ایجاد کرده و جرگه اتامائر را منظم می کنند. انتشار حکم رئیس جمهوری در اخراج نمودن سلسله ژزوئیت که یکی از شعب مذهب کاتولیکی می باشد از مملکت فرانسه.

انگلیس - ژنرال رُبرت که در افغانستان بود کاغذی از موسی خان و سایر امرای افغان که در غزنین جمع شده بودند به او رسیده در این کاغذ خوانین مشارالیه تبعیت خودشان را به دولت انگلیس اظهار و آشکار می کنند. بسته شدن مجلس پارلمنت انگلیس با یک خطبه ای از اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان. مسافرت اعلیحضرت معظم له به سمت آلمان. جنگهای سخت متوالی افغانه با قشون انگلیس در افغانستان. مقاتله های شدید و یورشهای بسیار سخت مابین شهر کابل و گندمک. ورود عبدالرحمن خان از افغانستان به ترکستان.

روس - کاغذیکه از طرف اعلیحضرت امپراطور آلمان به اعلیحضرت امپراطور روس رسیده بود و مضامین آن مشعر بر دوستی و موذت مابین دولتین آلمان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار می یابد.

ماه آوریل (از بیستم ربیع الثانی الی بیست و یکم جمادی الاولی)

ینگلی دنیاى جنوبی - سفاین جنگی شیلی بندر گالاتورا به ضرب توپ منهدم می نمایند. جنگ تاگنا. فتح قشون شیلی و غلبه این قشون بر عساکر متفقہ پرو و بلیوی.

انگلیس - انتخاب و کلاء تازه برای مجلس پارلمنت مساعد پلنیک وزرای و یگ و گلاستون می باشد. اجزای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل و نه نفر هواخواه وزرای و یگ، و دو یست و سی و پنج نفر هواخواه وزرای توری، و شصت و سه نفر ارلندی. تغییر وزراء در انگلیس و صدارت گلاستون. قشون ابوابجمعی ژنرال

اِشتوارد در حوالی غزنین به سه هزار نفر سواره افغان برخورد و جنگ سختی فیما بین فشتین واقع می شود.

روس - ژنرال لریس ملیگف از اعظم وزرای این مملکت که زندگانی او به دست طایفه نیهلیست در معرض تلف و خطر بود بدون صدمه نجات یافت.

سوئد و نروژ - پارلمنت این مملکت خدمت نظامی را برای تمام افراد و آحاد رعیت این دولت تا سنّ چهل سالگی حتم و واجب می داند. استعفای وزراء این مملکت. نزدنشگرلد از علما راه، وصول به حوالی قطب شمالی را از نقطه شمال غربی مفتوح می سازد.

بلغارستان افتتاح مجلس پارلمنت این ایالت.

ماه مه (از بیست و دویم جمادی الاولی الی بیست و یکم جمادی الاخری)
برزیل (ینگی دنیای جنوبی). افتتاح مجلس پارلمنت این مملکت باخطبه مفصل اعلحضرت امپراطور و ایجاد قانون و آزادی انتخاب و کلاء و کلاء آلمان. اختتام مجلس پارلمنت.
فرانسه. بخشیدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون را که محبوس بودند.

ایتالیا. عزل وکلای ملت به حکم اعلحضرت امپراطور پادشاه ایتالیا و نصب وکلای جدید.

ماه ژوئن (از بیست و دویم جمادی الاخره الی بیست و یکم رجب)
ینگی دنیای جنوبی، قشون شیلی شهر آریکا را فتح نمودند. بروز شورش در بئرز.

بلژیک - افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر بروکسل. به واسطه کدورتیکه مابین دولت بلژیک و پاپ روداد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربار پاپ احضار نمود.

فرانسه - شروع در بیرون کردن طایفه ژروئیت. ملحق شدن جزائر تائیتی به مملکت فرانسه.

انگلیس - دولت در مجلس پارلمنت اظهار می کند که احکام سخت برای

فرمانفرمای هندوستان صادر شده است که عساکر انگلیس را از افغانستان احضار کند.

روس — فوت امپراطریس این مملکت.

ماه ژویه (از بیست و دویم رجب الی بیست و دویم شعبان)

روس — عساکر چینی خوفند را فتح نموده اند. شروع به ساختن راه آهن از تفلیس به بادکوبه. پیش رفتن ژنرال اُسکیلیف به سمت گوک تپه.

انگلیس — تخلیه نمودن قشون انگلیس کابل را و شناختن دولت انگلیس عبدالرحمن خان را به سمت امیری افغانستان. عبور کردن ایوبخان از رود هیرمند و حرکت کردن او به سمت قندهار. قشون انگلیس به سرداری ژنرال بوروکه در قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیة السیف آنها به ارک قندهار پناه بردند. قشون ایوبخان که این شکست سخت را به عساکر انگلیس مقیم در قندهار داد مرکب بود از دوازده هزار مرد و بیست و شش عراده توپ. زلزله سخت در منیل که جمع کثیری را مقتول و مجروح کرد و بیوتات زیاد را منهدم نمود. ابتدای شورش در یاسوتولاند در افریقای جنوبی برضد دولت انگلیس.

عثمانی — دولت عثمانی مضایقه دارد که بندر دولسینیو را به منتنگرو واگذار کند. حسین حسنی پاشا به جای عثمان پاشای غازی وزیر جنگ می شود. مصلحت گذار منتنگرو مقیم اسلامبول به طور قهر از این شهر خارج می شود. زلزله سخت در ازمیر.

یونان — اعلیحضرت پادشاه یونان سفری به فرنگ می نماید.

چین — مراوده پلیتیکی مابین این دولت و دولت روس نزدیک به انقطاع

است.

ماه او (از بیست و سیم شعبان الی بیست و چهارم رمضان)

ینگى دنیا — دکتر تانرنام که شرط کرده و نذر بسته بود مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه او وعده او منقضی شد و وجهی که نذر بسته بود برد.

انگلیس — ژنرال رُبرت سردار کل قشون دولت انگلیس در افغانستان با ده هزار مرد زبده به کمک قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند حرکت نمود.

مسلمانهای هندوستان در صدد شورش برضه دولت انگلیس می باشند. اهالی ارلند نیز برضه دولت مشارالیه علم شورش افراختند. فوت لردرد کلیف از معارف. محاصره نمودن ایوبخان قندهار را. ورود ژنرال رُبرُت به قندهار. عقب نشستن ایوبخان از حوالی قندهار و ارغنداب.

روس — ژنرال لریس ملیکف وزیر داخله می شود. اعلیحضرت پادشاه و ملکه یونان وارد پطرزبورغ می گردند.

آلمان — ملاقات اعلیحضرت امپراطور آلمان با اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر ایشل.

اطریش — طغیان آب رودخانه در ایالت مراوی که ضرر کلی به زراعت رسانید. جشن سال پنجاهم تولد اعلیحضرت امپراطور.

عثمانی — از طرف اعلیحضرت سلطان حکم ماموریتی به وزیر جنگ صادر شده که معجلاً به دولسینیورفته و این شهر را تسلیم منتنگرو نماید. دول فرنگ دولت عثمانی را تهدید میکنند که اگر دولسینیورا معجلاً به منتنگرو واگذار نکند با سفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد. سفیر کبیر دولت آلمان که اقدام بر سایر سفراء است از طرف تمام دول فرنگ یادداشتی به باهمالی اظهار داشته و وعده ای را که در کنگره برلن در ترضیه یونان داده بود به خاطر دولت مشارالیه می آورد. اهالی آلبانی با دولت عثمانی در منازعه هستند که چرا دولسینیورا به منتنگرو واگذار نمینماید.

هلاند — تولد یک دختری از پادشاه یونان مسماء به ویل هل مینا.

افلاق بغداد — مسافرت والی افلاق بغداد و زوجه ایشان به اطریش به شهر ایشل و ملاقات کردن با اعلیحضرت امپراطور و اعلیحضرت امپراطریش اطریش.

افغانستان — شورش مابین عساكر عبدالرحمن خان.

ماه سپتامبر (از بیست و پنجم رمضان الی بیست و چهارم شوال)

انگلیس — ایوبخان از ژنرال رُبرُت. جنگ باستس با عساكر انگلیس و شکست باستسها.

آلمان — وزارت تجارت علاوه بر سایر مشاغل پرنس بیزمارک گردید.

فرانسه — مسیو بارطلمی سنت هیلر به وزارت خارجه برقرار می شود.

اسپانیول — یکی از پلهائیکه در روی رود الب بود در موقع حرکت قشون از

روی این پل شکسته و صد نفر غرق می شود. تولد دختری از اعلیحضرت پادشاه که مسماة به میرسیده می گردد و ولایت عهد او راست.

عثمانی — تغییر وزراء. صدارت سعید پاشا. وزارت خارجه عاصم پاشا. سفاین جنگی دول فرنگ در بندر را کوز از برای تهدید عثمانی جمع می شود. افلاق بغداد. پرنس شارل آنتوان پسر لئوپولد هفتم زلزن که برادرزاده والی حالیه است به واسطه نداشتن اولاد از طرف عم خود به ولایت عهد افلاق بغداد منصوب می شود.

افغانستان — شورش سخت در هرات. قتل حاکم هرات. ایوبخان که در زمین داور بود خود را به عجله به هرات رسانید. ینگى دنیا — گفتگوی مصالحه مابین پرو و شیلی.

ماه اکتبر (از بیست و پنجم شوال الی بیست و پنجم ذیقعه)

استرالی — افتتاح اکسپوزسیون عمومی در شهر ملبورن.

ینگى دنیا — شیلی و پرو قبول میانجیگری اتانونی را می کنند.

روس — تحقیق و رسیدگی به اعمال طایفه نیهلست که در زیر عمارت مخصوص اعلیحضرت امپراطور نقبی کننده و آتش زده بودند و جمعی مقتول و مجروح شده جداً میشود، نیز نقبی در راه آهن که محل عبور کالسکه اعلیحضرت امپراطور بود منکشف می گردد.

ایطالیا — کوه آتش فشان وزو با نهایت شدت آتش فشانی می کند.

ماه نوامبر (از بیست و ششم ذیقعه الی بیست و ششم ذیحجه)

انگلیس — اخباریکه از راس امید می رسد دلیل برضعف حال قشون انگلیس است. تمام طوایف یابورها برضد دولت انگلیس اتفاق نمودند. شورش ارلندیها روز بروز در تزايد است.

اطریش — در وینه و در آگرام بروز زلزله شده خسارت زیادی به مردم می رساند.

عثمانی — تسلیم نمودن دولت عثمانی دولیسینورا به والی منتنگرو.

ینگى دنیا — در حوالی لیما جنگ سختی مابین شیلی و پرو روی می دهد و

قریب پنجاه هزار نفر در این جنگ از طرفین مشغول مقاتله می باشند.

ماه دسامبر (از بیست و هفتم ذیحجه الی بیست و هشتم محرم)

روس — اعلیحضرت امپراطور پرنس دلفورکی را متعه می نمایند. منازعه سخت فیما بین اهالی پلیس و طلاب مدارس در مسکو — انکشاف نقبی در راه آهن به جهة قتل اعلحضرت امپراطور روس.

مسکو — انکشاف نقبی در راه آهن به جهة قتل اعلیحضرت امپراطور روس. انگلیس — شکست عساکر انگلیس در باستس از طایفه بور. فرستادن کمک از انگلیس به جهة متقاد نمودن بورها.

فرانسه — فوت زوجه مسیو طیر. فوت بلانکی جمهوری طلب مشهور. اسپانیول — در مالاگا طغیان آنها خسارت و خرابی زیاد وارد آورد.

ماه ژانویه ۱۸۸۱ (از بیست و نهم محرم الی سلخ صفر)

ایتالیا — اعلحضرت پادشاه ایتالیا و ملکه به جزائر سیسیل سفر می نمایند. در سیسیل از طرف بیک تونس جمعی از اعیان تونس به جهة تبریک ورود اعلحضرت پادشاه ایتالیا می آیند.

روس — انعقاد مصالحه مابین روس و چین. فتح گوک تپه به دست ژنرال اسکلف سردار روس در بیست و چهارم این ماه.

عثمانی — دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنگ را در مسئله خود و یونان نمینماید. عثمان پاشای غازی به وزارت جنگ برقرار می شود. ینگ دینا — فتح کردن قشون شیلی لیماپای تخت پرورا.

ماه فوریه (از غره ربیع الاول الی بیست و هشتم)

انگلیس — وکلای ارلندی از مجلس پارلمنت اخراج می شوند. شکست عساکر انگلیس در حوالی راس امید از طایفه بور. قتل ژنرال کولی سردار انگلیس به دست طایفه بور.

اطریش — مسافرت نواب ولیعهد اطریش به مشرق زمین. آلمان — مزاجت پسر نواب ولیعهد امپراطور آلمان بایکی از شاهزاده

خانمهای اسلشویک هلستن.

مصر — شورش قشون مصری برضد خدیو و عزل وزیر جنگ.

ماه مارس الی ۲۱ (از بیست و نهم ربيع الاول الی نوزدهم ربيع الثانی)

ینگى دینا — (اتائونى) مسیوکارفی تلد به ریاست جمهوری اتائونى برقرار شد.

انگلیس — ماموریت ژنرال ربرت از انگلیس به راس امید باقشون زیاد به

جهت تدمیر طایفه بور.

ایطالیا — زلزله شدید دو شهر ناپل و خرابی و خسارت زیاد.

روس — کشته شدن اعلیحضرت امپراطور روس الکساندر دویم به دست

نیهلستها در پترزبورغ در سیزدهم اینماه جلوس اعلیحضرت الکساندر سیم ولیعهد به

امپراطوری تمام مملکت روس.

دانمارک — فوت ملکه مادر اعلیحضرت پادشاه.

فرانسه — فوت دروین و لوئیس.

عثمانی — بروز طاعون یا مرضی شبیه به طاعون در عراق عرب. اجماع

سفرای کبار در اسلامبول برای رفع منازعه مابین عثمانی و یونان.

بسمه تعالی

جلد پنجم مرآت البلدان اگرچه می‌بایست متمم تفصیلات زغرافیائی ممالک ایران بوده باشد، لیکن بواسطه بدست نیامدن اطلاعات لازمه این کار به عهده تعویق ماند، و در عوض تاریخی مرتب و منظم از سنه اول هجرت نبوی صلوٰۃ الله علیه و آله الی هذه السنه خیال داشت تألیف نموده به حلیه طبع درآورد و از ابتداء هذه السنه ثیلان ثیل باز شروع به همان خیال حقیقی و منظور اصلی که تألیف مرآت البلدان است نماید. بواسطه تطویل مطلب و صحت و دقت کامل در تطبیق تواریخ آسیا با تواریخ اروپا، بعلاوه بعضی وقایع و حوادث عمده که بواسطه اطلاعات خارجی باید تحصیل نمود و نهایت دقت را در تصحیح آن بکاربرد این تاریخ هم به اتمام رسید. بنابراین از ابتداء هجرت الی سنه ۶۵۶ که انقراض خلافت است در این مجلد گنجانند و از ۶۵۶ الی یومنا را انشاءاله تعالی در هذا السنه ثیلان ثیل جمع نموده خواهیم نگاشت و در سنه ۱۳۰۰ انشاءالله اگر زندگانی باشد با تحصیل اسناد صحیحه باز شروع به مجلدات مرآت البلدان خواهیم نمود و این تاریخ را نیز موسوم به منتظم ناصری نمود. العبد الفانی محمد حسن المراغه.

بحمد الله تعالی

تمام شد کتاب مستطاب منتظم ناصری

باملاحقات آن در شب سه شنبه بیست و ششم شهر جمادی الاولی
سنه هزار و دو بیست و نود و هشت هجری بید غریق بحر کنه و معاصی و آرزومند
بخشش و الطاف سُبْحانی ابن مرحوم میرزا سید محمد رضا احمد

الطباطبائی الاردستانی

الاصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم
جلد پنجم رات البدن اگر چه است تمام وحدت
زواجیند محاکم نبود بعد از بیرون آمدن
بیت بنامی اللغات لازم این کار
معهد نویسی شد و در عرض بار خمریت و علم
در سنه اول هجرت منوره واده تم عهد و ام
الام عهدیه خدایت با معتمد طبع
در اصف و از اندام میراث شد که شکر
بارتوب بهای خدایت عقیق و مسطر اضع
در تالیف رات البدن است نام
برای نظیر مطلب و فخر و دوست گان
در تظنی نواحی ایام نواحی ادب علامه
بصر و قانع و وحدت عهد و روابط
اطاعت خارج باید محضر عهد و است
وقت را در تظنی آن کار در این کار
ام با تظنی به این کار از ابد و حشر

طاعت در روز ۱۳۰۴ هجری قمری
در روز جمعه ۹۵۶ هجری قمری
در شهر بغداد



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فهرست سامی سلاطین قاجاریه با نام و شهرت آنها

السلطان فتحعلیخان	ولادت ۱۰۹۷ شماره	جلوس ۱۱۳۲ شماره	مدت سلطنت ۳۵ سال شماره	مرحلت ۱۱۳۹ شماره	عمر چهل و نه سال شماره	مدفن در خواجه
محمد حسن شاه	ولادت ۱۱۲۷ شماره	جلوس ۱۱۶۴ شماره	مدت سلطنت ۳۷ سال شماره	مرحلت ۱۱۶۲ شماره	عمر چهل و پنج سال شماره	مدفن حضرت عبدالعظیم
حسینقلی ملقب بفتحان سوق شاه	ولادت ۱۱۶۴ شماره	جلوس ۱۱۸۴ شماره	مدت سلطنت ۲۰ سال شماره	مرحلت ۱۱۹۱ شماره	عمر هفتاد و یک سال شماره	مدفن اسرار آباد
آقا محمد شاه مرحوم	ولادت ۱۱۵۵ شماره	جلوس ۱۱۹۳ شماره	مدت سلطنت ۳۸ سال شماره	مرحلت ۱۲۳۱ شماره	عمر چهل و یک سال شماره	مدفن بجف اشرف
فتحعلی شاه مرحوم	ولادت ۱۱۸۵ شماره	جلوس ۱۲۱۳ شماره	مدت سلطنت ۲۵ سال شماره	مرحلت ۱۲۳۸ شماره	عمر چهل و یک سال شماره	مدفن در قم
نایب السلطنه عبدالله مرحوم	ولادت ۱۲۰۳ شماره			مرحلت ۱۲۳۸ شماره	عمر چهل و یک سال شماره	مدفن شهادت
محمد شاه طالب شاه	ولادت ۱۲۲۲ شماره	جلوس ۱۲۵۰ شماره	مدت سلطنت ۲۸ سال شماره	مرحلت ۱۲۷۸ شماره	عمر یک سال شماره	مدفن در قم

سلطنت عظمیٰ

الحرام سنہ ہزار و دو یست و شصت و چہار کہ الحال سی و چہار سال تمام است کہ بالاستقلال مع الشوكة و العظمة والاجلال سلطنت و جہانبانی میفرمایند.

ابناء سلطنت

نواب اشرف والا شاہنشاہزادہ اعظم ولیعہد دولت جاوید مہد مظفرالدین میرزا ادام اللہ

اقبالہ العالی

تولد روز جمعہ چہار دہم شہر جمادی الثانیہ سنہ یکہزار و دو یست و شصت و نہ من الهجرة المقدسہ

نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیہ سلطان مسعود میرزا ادام اللہ اقبالہ العالی

تولد یوم بیستم شہر صفر المظفر سنہ یکہزار و دو یست و شصت و شش من الهجرة نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنہ وزیر جنگ دولت علیہ کامران میرزا ادام اللہ اقبالہ العالی.

تولد روز نوزدہم شہر ذیقعدہ الحرام سنہ یکہزار و دو یست و ہفتاد و دو من الهجرة

السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاہ صاحبقران بن محمد شاہ بن ولیعہد عباس میرزا ابن خاقان فتحعلی شاہ بن حسینقلی شاہ ابن سلطان محمد حسن شاہ بن سلطان فتحعلیخان بن امیر شاہ قلیخان بن محمد قلیخان بن مہدیخان بن محمد قلیخان قاجار خلد اللہ تعالیٰ ملکہ و دولتہ

تولد ہمایون

شب سہ شنبہ ششم شہر صفر المظفر سنہ یکہزار و دو یست و چہل و ہفت من الهجرة المقدسہ النبویہ

جلوس ہمایون بر تخت سلطنت

روز یکشنبہ ہیج دہم شہر شوال المبکرم سنہ یکہزار و دو یست و شصت و چہار در دارالسلطنہ تبریز

جلوس مبارک بر تختگاہ سلطنت در دارالخلافتہ ناصری

در شب شنبہ بیست و دو یم شہر ذیقعدہ

بنات سلطنة

نواب عليّه عاليه فخرالملوك تولد در سنه
۱۲۶۳

نواب عليّه عاليه عصمة الدوله تولد در سنه
۱۲۷۲

نواب عليّه عاليه افسرالدوله تولد در سنه
۱۲۷۵

نواب عليّه عاليه واليه تولد در سنه ۱۲۷۵
نواب عليّه عاليه ضياء السلطنة تولد در سنه

۱۲۷۲
نواب عليّه عاليه افتخارالدوله تولد در سنه

۱۲۷۳
نواب عليّه عاليه تومان آقا تولد در سنه

۱۲۷۸
نواب عليّه عاليه توران آقا تولد در سنه

۱۲۷۹

اخوان سلطنة

نواب والاعباس ميرزا ملك آرا - نواب
والاعزالدوله عبدالصمد ميرزا - نواب والا ركن
الدوله محمدتقى ميرزا.

اخوات سلطنة

نواب عليّه عاليه عزة الدوله - نواب عليّه
عزيزالدوله - نواب عليّه عفة الدوله

بهمن ميرزا - نواب والا حاجى معتمدالدوله
فرهادميرزا - نواب والا حاجى حسام السلطنة
سلطانميرزا - نواب والامعين الدوله احمد
ميرزا - نواب والا نصرة الدوله فيروزميرزا
فرمانفرما

اولاد خاقان مغفور

نواب سلطان سليم ميرزا - نواب محمد امين
ميرزا - نواب عضدالدوله سلطان احمد ميرزا
نواب محمد هادى ميرزا - نواب امان الله
ميرزا - نواب جهانسوز ميرزا اميرتومان -
نواب نيرالدوله پرويز ميرزا

اولاد محمدعلى ميرزاى مرحوم

نواب محمد رحيم ميرزا - نواب حشمة
السلطنة بديع الملك ميرزا

اميرزادگان كرام و غيره

حاجى سيف الدوله ميرزا ولد مرحوم ظل
السلطان - عميدالدوله كيومرث ميرزا -
ابوالفتح ميرزا ولد حاجى حسام السلطنة
احتشام الدوله سلطان اويس ميرزا -
ناصرالدوله سلطان حميد ميرزا - حاجى
ابوالنصر ميرزا ولد حاجى حسام السلطنة
محمدحسن ميرزا پيشخدمت ولد مرحوم وزير
علوم - محمدحسن ميرزا ولد مرحوم اسدالله

بنی اعمام

محمد رحیمخان رئیس — غلام حسینخان —
حاجی شکرالله خان — محمد اسمعیل خان

حاجی مهدی قلیخانی

حسینقلیخان سرتیپ — نجف قلیخان رئیس
— نجف قلیخان ولد مرحوم حاجی محمد
علیخان — حیدر قلیخان قاضی — علیخان —
محمد قلیخان — محمد ناصرخان

قرل ایاغ

محمد حسین خان رئیس — نورالله خان —
تصرالله خان — رفیعخان — غلام حسین خان
— احمد خان — محمد صادق خان

طایفه دولو

حاجی محمد حسینخان رئیس — حاجی
محمد تقی خان — حاجی قلیخان — حاجی
حسینخان — محمد علیخان — محمد صادقخان

طایفه عزالدین لو

آقاخان رئیس — محمد جعفرخان — محمد
ولیعخان — محمد قاسم خان — حبیب الله
خان — محمد تقی خان — حیدر خان —
محمد رضا خان

طایفه شامبیاتی

حاجی محمد رحیم خان رئیس — محمد

ولد مرحوم جهانگیرمیرزا — حاجی مسعود
میرزا ولد مرحوم ایضاً — محمدعلی میرزا پسر
خسرومیرزا — اسمعیل میرزا — اسحق میرزا —
عبدالله میرزا — مرتضی قلی میرزا ولد مرحوم
عمادالدوله — سلطان محمد میرزا ولد مرحوم
ایضاً — کامران میرزا — محمد باقر میرزا —
داراب میرزا پسر مرحوم ضیاء الدوله — حاجی
سلیمان میرزا — عبدالعلی میرزا نایب الایاله —
اکبر میرزا — هوشنگ میرزای ایلخانی —
انوشیروان میرزا — حاجی محمد طاهر میرزا
— حاجی فریدون میرزا — مهدیقلی میرزا
سهم الملک — شعاع السلطنه ذبیح الله میرزا
— شمس الشعراء سام میرزا — سلطان محمد
میرزا — جمشید میرزا ولد مرحوم بهمن میرزای
بهاء الدوله — شاهمراد میرزا ولد مرحوم
حاجی عباسقلی میرزا

خوانین و آقاییان قاجار بایلخانی گری جناب
عضدالملک خوانسالار و خازن مهر مهرآثار

امراء ورؤساء طایفه قوئللو

امیرزادگان و غیره که در جزو طایفه و خوانین
قاجار منظوراند:

ادریس میرزا — محمدشریف میرزا —
محمد صادق میرزا — حبیب الله میرزا —
احمد میرزا — اکبر میرزا — حاجی سیف الله
میرزا — محمد رضی خان — حیدرخان —
محمد تقیخان — حسنخان — اکبرخان

طایفه قایجلو و غیره

محمد صادق خان قایجلو — محمد رضا خان
قایجلو — محمد قلیخان رئیس خزینہ دارلو —
بهرامخان رئیس کهنہ لو — محمدخان رئیس
کرلو

سایر یساولان

امیرخان یساول باشی — سایر چهار نفر

سایر خوانین

دو بست و سی و هشت نفر

حسینخان — محمد قاسم خان —
الله و یردیخان — امام قلیخان — محمد
حسنخان — اللهقلیخان — باباخان آقا

طایفه سپانلو حاجی مشہدی

محمد تقیخان رئیس — محمد رحیم خان —
اسدالله خان — حسین قلیخان — محمد
طاہرخان — میرزا باقرخان

شاه بوداغلو

محمود خان رئیس — حاجی محمد زمانخان —
— علیمحمد خان — احمد خان

دایرة دولت

اسامی وزراء عظام مجلس شورای کبریٰ و وکلاء دولت جاوید آیت قاهره

اعضای شورای کبریٰ

آثار همایون — جناب صاحب دیوان وزیر نظام
کارگذار مملکت فارس — جناب نصیرالدوله
وزیر تجارت — جناب اجل آقای
مسوفی الممالک وزیر مالیه — جناب وزیر
دفتر استیفاء آقامیرزا هدایت الله — جناب معاون
الملک — جناب امین السلطان — جناب اجل
مؤتمن الملک وزیر دول خارجه — جناب
ناصرالملک مشیر حضور همایون — جناب امین
لشکر — جناب حاجی خازن الملک

نواب اشرف والا ظلّ السلطان ادام الله اقباله
العالی
جناب امیرنظام علاءالدوله وزیر دربار اعظم
کارگذار مملکت آذربایجان — جناب
نظام الملک میرزا کاظمخان وزیر لشکر —
جناب مخبرالدوله وزیر علوم — نواب اشرف
والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام
اقباله العالی — جناب عضدالملک خوانسالار
و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مهر مهر

جناب اشرف مشیرالدوله سپهسالار اعظم مأمور بسفارت کبری دربار دولت روس

جناب امین الملک واسطه عرایض و صدور احکام و
مدیر و مرتب مجلس محترم شورای کبری و مجلس وکلای دولت جاویدآیت

اسامی وکلای فخام دولت جاویدآیت قاهره

جناب ناصرالملک مشیر حضور همایون —	جناب امیرنظام علاءالدوله وزیر دربار اعظم
جناب نصیرالدوله — جناب صاحب‌دیوان وزیر	کارگذار مملکت آذربایجان — جناب
نظام کارگذار مملکت فارس — جناب امین	معاون الملک — جناب عضدالملک خوانسالار
السلطان	و ایلخانی ایل جلیل قاجار و خازن مُهرمهر آثار
	همایون — جناب مخبرالدوله وزیر علوم —

جناب امین الملک مدیر و مرتب مجلس محترم شورای کبری و مجلس وکلای دولت قاهره

ادارات راجعه به نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دام اقباله العالی

اداره علماء اعلام و آقایان و سادات و محترمین. اداره مهام شاهزادگان فخام و منتسبین
خاندان سلطنت عظمی ذکوراً و اناثاً. وزارت جنگ. وزارت تجارت. حکومت
دارالخلافه باهره طهران. ایالت دارالمرزگیلان. ایالت دارالمرزمازندران و استرabad و
فیروزکوه و دماوند و ولایات قم و ملایر و تویسرکان و نهاوند و ساوه و زرند و شاهسون
بغدادی و غیره.

وزارت جلیله جنگ

نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ
و رئیس کل قشون ظفرنمون از توپخانه و
قورخانه و زنبورکخانه و افواج قاهره و سواره و
پیاده نظام و خارج نظام — جناب نظام
الملک وزیر لشکر — امیرالامراء العظام

اللهیارخان امیرتومان آجودانباشی کلّ

ارباب قلم دفتر لشکر

ملتزمین رکاب مبارک و غیره

لشکرنویسان

جناب میرزا قهرمان امین لشکر — میرزا

محمد تقی وکیل لشکر — میرزا شفیع —

میرزا یوسف — میرزا اسمعیل — میرزا علی ولد
مرحوم حکیم باشی — میرزا علی ولد جناب
وزیر دفتر — میرزا زینل — میرزا محمد علی
توپخانه — میرزا زین العابدین — میرزا علی —
میرزا رفیع خان — میرزا اشرف — میرزا
عبد الحمید — میرزا حبیب الله — میرزا
ابوالقاسم — میرزا عبدالله خان — میرزا
حبیب الله خان — میرزا حسینعلی — میرزا
حسینعلی گروسی — میرزا رضا — میرزا
محمدقلی — میرزا علی اصغر — میرزا
عبدالحسین — میرزا مهدی نوری — حاجی
میرزا اشرف — میرزا حبیب الله نوری — میرزا
ابوالقاسم — میرزا اسدالله — میرزا مهدی
کجوری — میرزا محمدعلی — میرزا زمان —
میرزا حسین مازندرانی — میرزا حسین
اصفہانی

سررشته داران توپخانه و قورخانه

توپخانه و اصطبل

میرزا محمدعلی علوی — میرزا اسدالله —
میرزا علی اکبر سررشته دار اصطبل — میرزا
نصرالله — میرزا اسمعیل

قورخانه

میرزا ولیقلی — میرزا رضاقلی — میرزا اسدالله
— میرزا آقا — میرزا حسن — میرزا آقاجان —
میرزا اشرف

زنبورکخانه

از بابت میرزا هادی سررشته دار

مُهاجر

از بابت میرزا لطفعلی سررشته دار

مخزن

از بابت میرزا سیدحسن سررشته دار

منشیان

میرزا محمدخان منشی باشی مخصوص —

سررشته داران دفتر لشکر و غیره

دفتر لشکر از بابت

سررشته داران و محرّرين

میرزا ابوالقاسم — میرزا محسن — میرزا نبی —
میرزا حسین — میرزا سید محمدعلی — میرزا
امامقلی — میرزا آقا — میرزا احمد — میرزا
هادی — میرزا اسمعیل کتابچه نویس — میرزا
محمدعلی نوری — میرزا ابوتراب — میرزا
عبدالکریم — میرزا علینقی — میرزا بزرگ —
میرزا عنایت — میرزا طاهر — میرزا سیدباقر
— میرزا حسنخان — میرزا اسحق — میرزا
صادق — میرزا امام وردی — میرزا ابوالقاسم
— میرزا هدایت طهرانی — میرزا هدایت

احمد — میرزا اسماعیل

خراسان

ارض قدس

میرزا سید محمد لشکرنویسبازی خراسان

سررشته داران (دونفر)

میرزا یوسف سررشته دار — میرزا رضا ایضاً

فارس

میرزا لطفعلیخان لشکرنویسبازی فارس —

میرزا مصطفی لشکرنویس

اصفهان

میرزا محمدعلی لشکرنویس — میرزا محمد سررشته دار

عربستان

میرزا رضا لشکرنویس

عراق

از بابت میرزا محمدتقی لشکرنویس

مازندران

از بابت میرزا غلامحسین لشکرنویس

استرآباد

از بابت میرزا مقیم لشکرنویس

میرزا محمودخان منشی — میرزا کلبعلی —

میرزا مهدی — میرزا ابوالحسن — میرزا

عبدالکریم — میرزا عبدالرحیمخان — میرزا

داود — میرزا عبدالحسین — میرزا محمدعلی

منشی نزد جناب صاحب دیوان — میرزا محمود

عزب باشی و عزبان دفتر لشکر

میرزا محمدعلی عزب باشی — میرزا علی اکبر

— میرزا اسمعیل — میرزا اسمعیل ایضاً —

میرزا جعفر — میرزا حسن — میرزا علی اصغر

— ایضاً میرزا جعفر

مامورین ولایات آذربایجان

لشکرنویسان

میرزا محمودخان — میرزا محمدتقی — ایضاً

میرزا محمدتقی — میرزا غلامعلی ناظم لشکر

— میرزا سید مرتضی — میرزا علی

آشتیانی — حاجی میرزا کاظم خان — میرزا

علیرضا — میرزا علی اشرف — حاجی میرزا

محسن — میرزا احمد — میرزا محمد — میرزا

احمد آشتیانی

سررشته داران

میرزا رحیم — میرزا عبدالعلی — میرزا علی —

میرزا قربانعلی — میرزا محمد — میرزا ابراهیم

ولد حاجی میرزا یوسف — میرزا حسین —

میرزا تقی — میرزا اسکندر

منشیان

میرزا محمدخان — میرزا سیدرضا — میرزا

سمنان

از بابت میرزا احمد سر رشته دار دفتر لشکر

کرمان

میرزا محمد علی لشکرنویس — میرزا عبدالله سر رشته دار

کرمانشاهان

از بابت میرزا سید علی لشکرنویس

همدان

از بابت میرزا محمد لشکرنویس

اطباء و جراحان نظام

عالیجناب میرزا سید رضی حکیمباشی —
عالیجناب میرزا سید محمد حکیمباشی
توپخانه — عالیجناب میرزا سید علی نایب
حکیمباشی — میرزا رضاقلی جراح باشی —
اطباء و جراحان حاضر رکاب و مامور ولایات
شصت و پنج نفر

صاحب منصبان

امراء تومان

نواب جهانسوز میرزا — جناب ناصرالملک —
جناب وزیر فواید — امیرالامراء العظام مصطفی
خان — امیرالامراء العظام سلیمان خان
صاحب اختیار — امیرالامراء العظام مصطفی
قلیخان اعتماد السلطنة — عمدة الامراء العظام
میرعلمخان حشمة الملك

سرتیپان اول

سواى آنهايى كه جزو افواج و سواره نوشته
شده اند — احتشام الدوله — انوشیروان میرزا
— وجیه الله میرزا — حاجی بهاء الدوله — حشمة
السلطنة — عبدالله میرزا — حاجی مستشار
الدوله — شهاب الدوله — اعتضاد الملك —
سهام الدوله — نصرالملک — عبدالحسینخان
پسر مرحوم سردار صارم الدوله — ساری اصلان
— جناب محمدخان والی — حاجی جابرخان
نصرة الملك — مصطفى قلی خان جهان
بیگلو — علیخان مشیر الوزاره — شجاع الملك
— میرزا یوسفخان مستشار — حسینقلیخان
افشار برادر ساری اصلان — جناب نریمانخان
وزیر مختار مقیم وینه — عطاء الله خان

سرتیپان دویم

سواى آنهايى كه جزو افواج و سواره نوشته
شده اند
عبدالعلى میرزا نایب الایاله — عالمشاه میرزا
— حسین قلیخان والی پشتکوه — جمشید خان
— حاجی آغا جوهر معتمد الحرم

سرتیپان سیم

سواى آنهايى كه جزو افواج و سواره نوشته
شده اند
محمود میرزا ولد نواب والا بهمن میرزا —
داراب میرزا — سلیمان میرزا — کامران میرزا
— مرتضی قلی میرزا ژنرال اجودان حضور
همایون — حسینقلیخان سرتیب سابق

مرحوم نظام الدوله — کلب علی خان نواده
 مرحوم نظام الدوله — حاجی محمد حسنخان
 زند — آغا حسن خواجه — آقا محمد خان —
 غلامرضا خان ولد مرحوم زین العابدین خان —
 رحمت الله خان شقاقی — محمود خان
 کرکری — علیقلیخان جوانشیر — علیقلیخان
 شقاقی — محسن خان ولد شیخعلی خان —
 آقاخان ماکوئی — عبدالله خان شیروانی —
 کاظمخان شقاقی — اسدالله خان ماکوئی —
 آقا لرخان ولد قاسمخان سرتیپ — جعفر خان
 — حاجی فضلعلیخان — علینقیخان — علی
 اکبر خان برادر مشارالیه — زین العابدین خان
 — احمدخان — جعفر خان سرهنگ سابق فوج
 تخته قاپو — ابوالحسن خان — محمدخان یزدی
 — امان الله خان ولد ابراهیم آقای ماکوئی —
 فرج الله خان ایضاً — حسینقلیخان سرهنگ
 سابق فوج پنجم شقاقی — مهدیخان افشار —
 مهدیخان سرهنگ سابق فوج ترشیزی —
 عبدالعلیخان — حسنعلیخان هراتی —
 حسنعلیخان ولد مرحوم فضلعلیخان —
 ابراهیمخان لاریجانی — خان بابا خان
 لاریجانی — حسن خان افشار اسدآبادی —
 رضاخان گودرزی — پاشا خان خمسه —
 محمد حسینخان دو یرن — علی قلی خان
 کمره — علینقیخان گروسی — غلامرضا
 خان مافی — علیقلیخان ولد مرحوم حاجی
 بهاء الملک — حسینقلیخان ولد ایضاً —
 مرتضی قلیخان ولد ایضاً — فتح الله خان قراگوزلو
 — فتحعلیخان درجزینی

خواجهوند — مهدی قلیخان دنبلی — حاجی
 هادیخان جهان بیگلو — محمد علیخان نظمیه
 — امامقلیخان ماکوئی — ابوطالب خان —
 علینقیخان سرتیپ خارج از فوج ایلات —
 میرزا کریمخان فیروزکوهی — میرزا علیخان
 افشار — علیخان کمره — حیدر قلیخان هراتی
 — عباسخان ایضاً — عباسقلیخان پشتکوهی —
 رضاقلیخان عرب — قاسمخان سرتیپ مراغه —
 مهدیخان قاجار — حاجی اسمعیل پاشا خان
 ماکوئی — باقرخان افشار — سیف الله خان
 لاریجانی — میرزا نصرالله خان مهندس —
 محمد نظر خان قاجار — محمود خان گیلانی
 — محمد میرزا

سرهنگان خارج از فوج

کلبرضا خان ولد مرحوم امین نظام —
 عبدالعلیخان ولد مرحوم ایضاً — علی اکبر خان
 کنگرلو — مرتضی قلیخان سمنانی — نصرالله
 خان دماوندی — آقاخان خلف مرحوم سلیمان
 خان امیرتومان — میرزا سید علی اصغر —
 عسکر خان شقاقی — علیرضا خان خلفمرحوم
 صمصام الدوله — محمد علیخان زند — آقا
 سید میرزای کاشانی — موسی خان نواده
 مستشارالدوله — محمد تقیخان — محمودخان
 سرهنگ سابق فوج حشمة — نجفخان قزوینی
 — باباخان گرجی — میرزا آقای کاشانی —
 حسینخان پسر آجودانباشی — محمدحسنخان
 ولد محمد خان امیر تومان — محمد علیخان
 ولد مرحوم حاجی سعد الدوله — علیخان ولد

نایبان آجودانباشی

جلال الدین میرزا - مصطفی خان قاجار -
 علیرضا میرزا - عزیز الله میرزا - قزل ارسلان
 میرزا - احمد میرزا خلف مرحوم تیمور میرزا -
 احمد میرزا خلف مرحوم کیقباد میرزا - ارسلان
 میرزا - امیر اصلان میرزا - سلطان محمد
 میرزا - میرزا بزرگخان - اسدالله خان -
 مصطفی قلیخان خلف مرحوم منوچهر خان -
 نصیرخان قزوینی - میرزا علی - اسدالله خان
 دنبلی - حسینقلیخان افشار - میرزا
 مسعودخان ولد مرحوم سیف الملک -
 حسنخان افشار - یوسفخان - میرزا مسعود
 خان فیروزکوهی - حسینخان نوری -
 عباسقلیخان ولد مرحوم میرزا علی اکبرخان
 - غلامحسینخان - رحمت الله خان نواده
 مرحوم سیف الملک - رستمخان گرجی -
 سلطان احمد میرزا - علی اکبرخان نواده
 مرحوم فضلعلیخان - یشموتخان - هادیخان
 زرندی - حسینخان خلف مرحوم جارچی
 باشی - میرزا عبدالله خان نائینی - کیناز
 میرزا یوسفخان - محمدآقا - مصطفی قلیخان
 ولد مرحوم صمصام الدوله - حسنخان ولد
 نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه - محمد
 علیخان ولد امیر الامراء - غلام رضا خان
 یزدی - جبرئیل خان - قهرمانخان -
 حیدرخان ولد مرحوم حاجی سعدالدوله - سید
 حسنخان فیروزکوهی - سید حسینخان ایضاً
 - حسنخان ولد مرحوم علیقلیخان - حاجی

علیخان ولد اکبرخان سرتیپ - میرزا عیسی
 خان ولد مرحوم عبدالرسول خان -
 عبدالکریمخان - خانباباخان خلف مرحوم
 حاجی سعدالدوله - محمد حسینخان ولد
 مرحوم محمدخان امیرتومان - محمد صادقخان
 قراباغی - بیوکخان افشار - مهدیخان ایضاً
 - محمد علیخان ولد هاشمخان - سیف الله
 خان ولد ایضاً - میرزا احمد خان ولد مرحوم
 حاجی شجاع الملک - نجفقلیخان -
 عبدالعلیخان افشار - جلال الدین میرزا ولد
 مرحوم عماد الدوله - اسکندر خان - رحمت
 الله خان - حسینخان ولد شکرالله خان -
 علی بیگ افشار - مهدیقلی آقای دنبلی -
 محمد علیخان ولد عبدالرزاقخان سرتیپ -
 ابوالفتح خان ولد حیدرعلیخان - محمود آقای
 مامور خراسان - اسمعیل خان بسطامی -
 مرتضی قلیخان کمره - رحمت الله خان برادر
 مرحوم دبیر الملک - مصطفی قلیخان قاجار
 - محمد علیخان کردند - غلام حسینخان
 ولد محمد علیخان سقزی - محمد مراد خان
 گروسی - قاسمخان ملایری - صادقخان
 منسوب مرحوم وکیل الملک - تقیخان
 کرمانی - جعفرقلیخان ولد مرحوم حاجی
 سعد الدوله - محمد حسینخان - علیخان -
 یارمحمد خان - میرزا حسینخان ولد مرحوم
 میرزا زکی - غلامحسین میرزا - اسدالله
 خان تفرشی - حاجی حبیب الله خان
 کرمانشاهانی - حسین آقای افشار نزد جناب
 امیرنظام - حسین آقا ولد علی بیگ افشار.

یاوران خارج از فوج

عباسقلی بیک — مرتضی قلیخان — یوسفخان
 — حسن رضا خان کرمانی — اسکندر خان
 پسر جبرئیل خان — قهرمان بیک — احمد
 بیک ولد علیرضا خان — حسین بیک ولد
 ایضاً — رضا قلیخان باغمیشه — حسین بیک
 قراباغی — حسین بیک مرندی — حسینخان
 مرندی — محسن بیک کرکری — اسمعیل
 خان بادکوبه — اسمعیل بیک — علیخان
 مرندی — عباسقلی آقا ولد مرحوم بهاء الدین
 آقا — جعفرقلی بیک مرندی — محمد
 یوسفخان هراتی — عزیز محمد خان ایضاً —
 جعفر قلیخان هراتی — محمدخان — نصرالله
 خان فومنی — رجب خان گودرزی —
 حسینقلیخان خمس — شکرالله خان ایضاً —
 عبدالغفار خان قزوینی — اسمعیل خان ولد
 مرحوم محمدخان امیرتومان — عباسعلی بیک
 خلفمرحوم جعفرقلی بیک — محمد باقر قراجه
 داغی — اسمعیل خان

معلمین

معلمین ایرانی

عبدالحسین میرزا — محمد آقای جدید الاسلام
 — کریمخان — میرزا عبدالوهاب — علیخان
 قاجار — محمد علیخان — مصطفی بیک —
 میرزا شکرالله — میرزا محمد علی

معلمین فرنگی

مسیو بهلر سرتیپ اول — اندری صاحب —

مسیو لمر موزیکانچی باشی — مسیو اشی —
 مسیو انجیل طبال باشی

مهندسین و مترجمین

مهندسین

ذوالفقار خان — احمد خان قاجار — محمد
 حسن میرزا — حاجی محمد میرزا

مترجمین

عباسقلیخان سرتیپ و مترجم — میرزا
 محمد علی

نوپخانه مبارکه

سرتیپان

اللهویردیخان سرتیپ اول — حاجی غلامرضا
 خان شهاب الملک — حاجی غلامحسینخان
 سرتیپ دویم — صفرعلیخان سرتیپ بهارلو —
 حاجی شکورخان سرتیپ فوج دویم تبریزی و
 اردبیلی — تقیخان سرتیپ فوج پنجم خونی —
 جلیل خان سرتیپ فوج هفتم شقاقی — میرزا
 فتح الله سرتیپ فوج هشتم خلخالی — محمد
 صادقخان امین نظام سرتیپ فوج مخبران مقدم
 — عبدالحسینخان سرتیپ — اصلانخان
 سرتیپ

سرهنگان

حاجی محمد خان سرهنگ فوج بهادران بهارلو
 — صادقخان سرهنگ فوج بهادران افشار —
 عبدالرحیمخان سرهنگ فوج اول افشار —

یاوران دویم

قنبر بیک بهارلو - میرزا رحیمخان تبریزی -
 میرزا زین العابدین خان اردبیلی - حسین
 بیک ارونقی - سیدولی بیک مرندي -
 حسین بیک خوئی - صادق بیک ایضا -
 بیوکخان شقاقی - اسمعیل خان خمسہ -
 صادقخان مقدم - کریم بیک مقدم -
 شیخعلی بیک خمسہ - عبداللہ بیک گروسی -
 عباس میرزای بسطامی - جہانشاہ میرزای
 سیلاخوری - ابوالفتح خان ایضا - حاجی
 فرج بیک خرقانی - محمدآقا ایضا - میرزا
 رضاقلی جزو قراولان انبار - حاجی میرزا فرج
 تبریزی جزو قراولان انبار - نادر میرزا جزو
 قراولان انبار - طاهرخان ایضا - آقاییک
 ارونقی جزو قراولان انبار - حمیدخان خمسہ
 جزو قراولان انبار

قورخانه مبارکہ

عمدۃ الامراء العظام جہانگیر خان آجودانباشی
 سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکہ

سرہنگان

باقرخان سرہنگ - میرزا محسن سرہنگ -
 عبداللہ خان سرہنگ - حکیم بیکنمز
 حکیمباشی توپخانہ و قورخانہ

یاوران

بیست و شش نفر

نعمت اللہ خان سرہنگ فوج چہارم مرندي -
 محمودخان سرہنگ فوج پنجم خوئی -
 بیوکخان سرہنگ فوج مخبران مقدم - میرزا
 شفیعخان سرہنگ فوج قزوینی - حاجی
 باقرخان سرہنگ افشار بکشلو - میرزا
 محمدخان سرہنگ کرمانشاہانی -
 حسینقلیخان سرہنگ ایضا - علیرضاخان
 سرہنگ فوج سیم گروسی - مصطفی قلیخان
 - رستمخان سرہنگ سیلاخوری

نایبان آجودانباشی

میرزا اسمعیل خان آجودانباشی توپخانہ
 مبارکہ - احمدخان ایضا - میرزا ابراہیم
 خان نایب دویم آجودانباشی - میرزا محمد
 ایضا ولد ملک الاطباء - میرزا نجاب اللہ
 ایضا

یاوران اول

محمدتقیخان بہارلو - محمدصادقخان یاور
 فوج اول بہارلو - خسروخان افشار -
 حبیب اللہ خان ایضا - اسداللہ میرزا یاور فوج
 ارونقی - حیدرقلیخان ارونقی - محمدرضا
 بیک مرندي - اللہویردی بیک لک -
 پاشاخان خلخالی - جلیل اللہ میرزای خمسہ
 - صادقخان قزوینی - غلامحسین خان
 قزوینی - عبدالباقیخان ایضا - حسینخان
 نہاوندی - مظفرخان گروسی - فرج اللہ خان
 کرمانشاہانی - ابوالقاسمخان تبریزی

دستہ	زنبورک خانہ
سیلاخوری	نصر اللہ خان سرتیپ — عبدالحسین خان سرہنگ — محمد علی بیک یاور اول — اسمعیل خان یاور دویم
افواج قاہرہ تومان اول فوج بہادران	موزیکانچیان صاحب منصبان
شجاع السلطنہ سرتیپ اول — ابراہیم خان سرہنگ	شکر اللہ خان سرہنگ موزیکانچی باشی — محمد حسن خان سرہنگ نوادہ مرحوم خان بابا خان سردار کل — صفر علی خان یاور — غلام حسین بیک یاور
فوج اول خاصہ حاجی حسام الدولہ سرتیپ اول — حاجی نقد علی خان سرہنگ	دستہ جات موزیکانچی دستہ موزیکانچیان توپخانہ
فوج دویم خاصہ ابو ابی جمعی حاجی حسام الدولہ بسرہنگی حاجی میرزا علی خان	دستہ ارنگہ و رودباری
فوج دویم نصرت رحیم خان سرتیپ — احمد خان سرہنگ	دستہ لورائی و شہرستانکی
فوج مظفر مراغہ عبدالحسین خان سرتیپ — فرج خان سرہنگ	دستہ مخصوص نواب اشرف والا نایب السلطنہ
فوج چہارم تبریزی آقاخان سرتیپ	دستہ موزیکانچیان زنبورک خانہ
فوج پنجم ایلات ابو ابی جمعی حاجی حسام الدولہ بسرہنگی رحیم دل خان	دستہ ساوہ

فوج ششم شقای	فوج ششم اقبال
ابوابجمعی محمد باقرخان سرتیپ	ابوابجمعی شجاع السلطنه بسرهنگی یوسفخان
فوج هفتم خلخال	فوج هفتم افشار
علیخان سرهنگ	ابوابجمعی اقبال الدوله - اردشیرخان سرتیپ - خسروخان سرهنگ
فوج مخبران ماکوئی	فوج هشتم افشار
بهلول پاشا خان سرتیپ - محمد پاشاخان سرهنگ	اقبال الدوله سرتیپ اول - لطفعلیخان سرهنگ
فوج قهرمانیه	فوج مخبران
حسینعلیخان ژنرال آجودان - علیخان سرهنگ	بسرهنگی رضاخان
فوج امیرتہ	تومان دویم
احمدخان سرهنگ	فوج بهادران خوئی
فوج اردبیل و مشکین	شیخعلی خان سرتیپ
ابوابجمعی میرزا زکیخان سرتیپ	فوج اول ایضاً
فوج هفتم شقای	ابوابجمعی تیمور پاشاخان بسرهنگی علیخان
ابوابجمعی حسنعلی خان ژنرال - بسرهنگی محمدحسینخان	فوج سیم مراغه
فوج گروس	ابوابجمعی فتح الله خان سرتیپ
ابوابجمعی جناب وزیر فواید - بسرهنگی خسروخان	فوج تخته قابو
	بسرهنگی قلیخان
	فوج پنجم شقای
	بسرهنگی مرتضی قلی آقا

فوج جدید افشار

ابوابجمعی شجاع السلطنه — سرهنگی
بیوکخان

فوج دویم خلج ساوه

سیف السلطنه سرتیپ اول — دوست
محمدخان سرهنگ

فوج چهارم جدید مراغه

ابوابجمعی عبدالحسینخان — سرهنگی
صادقخان

فوج سیلاخوری

ابوابجمعی نواب اشرف والا ظل السلطان

فوج هفتم سوادکوهی

ابوابجمعی جناب امین السلطان — سرتیپی
صاحب جمع ولدایشان

فوج ششم قراگوزلو

ابوابجمعی حاجی حسام الملک — سرهنگی
فضل الله خان

فوج مخبران کزازی

حسام الملک سرتیپ اول — حاجی
ذوالفقارخان سرهنگ

فوج منصور قراگوزلو

حسام الملک سرتیپ اول — علی اکبرخان
سرهنگ

تومان پنجم

فوج بهادران حشمت

ابوابجمعی حاجی اسحق خان سرتیپ

فوج مخبران

ابوابجمعی جناب ناصرالملک — سرهنگی
مهدیخان

فوج دویم ملایری

ابوابجمعی عسکرخان سرتیپ

تومان چهارم

فوج بهادران فراهان

ناصرالدوله سرتیپ اول — محمد طاهرخان
سرهنگ

فوج سیم لاریجانی

ابوابجمعی میرزا علیخان سرتیپ

فوج اول طهران

ابوابجمعی علی اکبرخان سرتیپ اول

فوج چهارم کمره

جمعی اکبرخان سرتیپ

فوج پنجم گلپایگان

ابوابجمعی کاظمخان سرتیپ

فوج ششم قدیم خمسه

ابوابجمعی مظفرالدوله

فوج هفتم جدید خمسه

ابوابجمعی علی نقیخان سرتیپ

فوج مخبران بیات زرنندی

جمعی محمدحسنخان سرهنگ

تومان ششم

فوج بهادران اخلاص افشار

ابوابجمعی صاحب اختیار خانباخان سرتیپ
— علیخان سرهنگ

فوج اول قدیم قزوین

نصرالملک سرتیپ اول — هدایت الله خان
سرهنگ

فوج دوم جدید ایضاً

جمعی نصرالملک — سرهنگی مسطفی خان

فوج سیم افشار بکشلو

ابوابجمعی اللهیارخان آجودانباشی —
سرهنگی آقاخانخان

فوج چهارم فریدنی

بسرهنگی حاجی مصطفی قلیخان

فوج ششم چهارمحالی

بسرهنگی ابوالقاسمخان

فوج هفتم عرب و عجم

جان محمد خان سرتیپ — عباسقلیخان
سرهنگ

فوج مخبران فیروزکوهی

ابوابجمعی اسمعیل خان سرتیپ

تومان هفتم

فوج بهادران دماوندی

علی نقیخان سرتیپ — محمد حسینخان
سرهنگ

فوج دوم نهاوندی

بسرهنگی علی اکبرخان

فوج سیم بندپی

بسرتیپی عبدالحسینخان

فوج ششم خرقانی

ابوابجمعی آجودانباشی — سرهنگی
علیمحمدخان

فوج هفتم قدیم کرمان

بسرهنگی تقیخان

فوج هشتم شوکت کرمان

بسرهنگی سلیمانخان

فوج نهم جدید گرمسیری کرمان

ابوابجمعی ابراهیمخان سرتیپ

فوج مخبران درجزنی

ابوابجمعی سیف السلطنه — بسرهنگی حاجی میرزا عبدالوهابخان سرتیپ — نواب احمدخان
جلال الدوله سرهنگ

تومان هشتم

فوج بهادران کوران قلعه زنجیری

بسرهنگی حسینخان

فوج اول کردی

علیمرادخان سرتیپ — نصرالله خان سرهنگ

فوج سیم کلهر

ابوابجمعی محمدحسنخان سرتیپ

فوج چهارم زنگنه

ظهیرالملک سرتیپ دویم — حسینخان سرهنگ

تومان نهم

فوج بهادران قزوینی

ابوابجمعی اعتمادالسلطنه — بسرهنگی عبدالله خان

فوج لرستان

ابوابجمعی باقرخان سرهنگ

فوج ششم سه دهی

ابوابجمعی حاجی میرزا عبدالوهابخان سرتیپ — نواب احمدخان
جلال الدوله سرهنگ

فوج مخبران ترشیزی

ابوابجمعی سهام الدوله — بسرهنگی غلامعلی خان

تومان دهم

فوج بهادران قرائی

ابوابجمعی عباسعلی خان سرهنگ

فوج اول قائینی

ابوابجمعی حشمة الملک — بسرهنگی حاجی پرویز خان

فوج جدید ایضاً

جمعی حشمة الملک — بسرهنگی میرزا اسمعیل خان

فوج مخبران کردستان

جمعی محمد علیخان سرهنگ

فوج سیم تنکابنی

ساعد الدوله سرتیپ اول — ولیخان سرتیپ
سیم

دسته

خوئی — عباسعلی بیک — امین بیک

دسته

شقاقی جمعی محمدخان — شاطرانلو
جمعی علی خان سرکرده

دسته

اینانلو — جمعی حسنعلیخان یوزباشی

دسته

قراپایاق — جمعی نجفقلیخان سرتیپ

دسته

حاجی علیلو — سرکردگی رستمخان

دسته

قراسوران راه قراجه داغ — جمعی عباسعلی
بیک

دسته

قراسوران — جمعی غفارخان سرکرده

دسته

قراسوران درشق و آستارا — جمعی امین الوزاره

دسته

قرا سوران راه مرند — جمعی لطف الله خان

فوج مخصوص نواب اشرف والا

نایب السلطنه

بریاست حاجی اللهیارخان

فوج مهندس ملایری

بسرهنگی ذوالفقار خان

سواره

آذربایجانی

دسته

افشار صاینقلعه — سرکردگی عباسقلیخان

دسته

افشار ارومی ابوابجمعی عبدالحسینخان سرتیپ
اول — بسرهنگی باقرخان

دسته

اردبیل و مشکین — جمعی باقرخان سرکرده

دسته

چهاردولی — نوروزخان سرتیپ — حسینقلیخان
سرهنک

دسته

چلبیانلو — محمودخان سرکرده — رحیمخان
سرکرده

خراسانی ارض اقدس	دسته یکانی — جمعی اسفندیار خان
جماعت هزاره یوسفخان سرتیپ — اسمعیل خان سرهنگ	دسته کلیری — سرکردگی محمد باقر خان
جماعت تیموری جمعی علیمرادخان سرتیپ	دسته ماکوئی — سرکردگی نصرالله خان
جماعت مروی جمعی عطاءالله خان	دسته مقدم — جمعی محمدصادقخان سرهنگ
جماعت درجزنی جمعی بهادرخان بیگلربیگی	دسته مکری — سرهنگی حاجی آقا بیک
جماعت جمشیدی جمعی ذوالفقارخان	دسته قوجه بیگلو — ابوابجمعی حسینقلیخان سرکرده
جماعت باخزری و جامی علیرضا بیک قراول باشی — حسینخان سرکرده — محمدرضا خان سرکرده — گلزارخان سرکرده	سواره مُهاجر ابوابجمعی عبدالقادرخان شجاعالملک شجاعالملک سرتیپ اول — حسنخان سرتیپ قبه — اسکندر خان سرهنگ — کریمخان سرهنگ
جماعت همت آبادی جمعی نادرقلی بیک	سرکردگان غلام نصرت میرهدایت خان — میرزین العابدین خان — علی قلیخان — حسینخان — ابراهیم آقای سرهنگ — اسکندر خان — سلیمانخان
جماعت قرائی جمعی محمدخان سرکرده	

جماعت قوچانی	جماعت سبزواری
جمعی امیر حسینخان شجاع الدوله	دسته جمعی محمدرضا خان — دسته امان الله خان — دسته سعادتقلیخان — دسته عباسقلی خان
جماعت مردوزانی	
جمعی محمد جعفر خان	جماعت نیشابوری و جزایرچی
جماعت دزدابی	ابوابجمعی باقرخان
جمعی ملاعلی عرب	
جماعت سرجامی	غلامان مشهدی
جمعی حسینخان و حسنخان	جمعی خسرو میرزا
جماعت چولابی و ماروشک	غلامان سبزواری
جمعی سلیمان آقا	جمعی میرزا فضل الله
جماعت عنایت آبادی	جماعت افشار
جمعی صید محمدخان	جمعی مرتضی قلیخان
جماعت سیستانی	ساکنین سرخس
جمعی گل محمد خان	دسته باباخان — دسته محمد امین خان
جماعت هراتی	جماعت سالارآباد
میرزا مسعودخان سرکرده — محمد حسن خان سرکرده	جمعی محمد مرکان
جماعت عرب	جماعت دزدبگیر
جمعی باباخان سرکرده	دسته حسینخان نیشابوری — دسته رمضان بیک — دسته غلامرضا خان هراتی
جماعت خوافی	جماعت بجنوردی
جمعی لطفعلی خان	جمعی یارمحمدخان ایلخانی

جماعت بیزکی

جمعی فتح الله خان سرکرده

جماعت میامی

جمعی حاجی آزادخان سرکرده

جماعت پشتکوهی

جمعی سعادقلیخان سرکرده

جماعت خورده ایماق

دسته یارمحمد خان — دسته حیدرخان

جماعت اردلان

جمعی محمدخان سرکرده

جماعت ترشیزی

جمعی محمد حسینخان

جماعت قائینی

جمعی علی اکبرخان سرکرده

استرآبادی و غیره

استرآبادی

دسته

غلامان استرآبادی جمعی علیخان آقای قاجار

دسته

گلدی خان ریش سفید طایفه جعفربای

دسته

ایل گلدی نظر ریش سفید آتابای

دسته

ایضاً نظر ریش سفید طایفه آتابای

دسته

قلیچ خان سرهنگ جعفربای

نردینی

جمعی افسراسیاب خان سرکرده

کودری و بسطامی

ابوابجمعی علی محمد خان سرهنگ

کرمانی

از بابت سواره افشار بسرکردگی میرزا محمود

مازندرانی

سوادکوه

میرزا علیخان رئیس

سرکردگان

عبدالله خان مدانلو — فتح الله خان ایضاً —

صفی خان ایضاً — موسی خان جهان بیگلو —

اسدالله خان ایضاً — ابراهیم خان ایضاً —

حسینخان گرایلی — ذوالفقار خان ایضاً —

حسنخان اوصانلو — محمدخان افغان

جماعت خواجه وند

ابوابجمعی جناب امین السلطان — علی اکبر
خان سرهنگ — یزدان قلیخان سرکرده —
نعمه الله خان — حسن خان — فتح الله خان

سواره عبدالملکی

ابوابجمعی فضل الله خان — سرکردگی
جعفرخان

جماعت خمسه ای

جمعی ذوالفقار خان سرتیپ

جماعت شاهسون اسانلو

عزیزالله خان صارم الملك سرتیپ دویم —
حاجی لطف الله خان سرتیپ سیم

جماعت شاهسون بغدادی

جمعی فتحعلیخان سرتیپ

جماعت شاهسون دورن

ابوابجمعی جناب امین السلطان-غلامعلی خان
سرهنگ — محمد حسینخان ایضاً — غلامرضا
خان سرکرده — ولی محمدخان ایضاً

جماعت شاهسون قورت بیگلو

ابوابجمعی حسینقلی خان سرتیپ

جماعت باجلان

ابوابجمعی احمدخان سرهنگ

جماعت خرقانی

ابوابجمعی اللهیارخان آجودانباشی کل

جماعت بیرانوند

جمعی حسنخان سرکرده

جماعت اصانلو

ابوابجمعی جناب امین السلطان، سرهنگی

عراقی

جماعت زرین کمر

ابوابجمعی ساری اصلان — علیقلیخان
یوزباشی — مهدیخان نایب اول

جماعت شاهسون افشار

ابوابجمعی جناب امین السلطان — سرتیپی
یوسفخان

جماعت بختیاری

جمعی اسفندیار خان سرتیپ

جماعت عرب اردستان

مصطفی قلیخان سرتیپ — میرزا حسینخان
سرکرده — میرزا حسنخان ایضاً

جماعت افشار اسدآبادی

ابوابجمعی صاحب اختیار — سرکردگی
محمد کریمخان

جماعت احمدوند و بهتوئی
بسرهنگی کریمخان

جماعت کلیائی
بسرکردگی جلال الدین میرزا

جماعت نانکلی کرمانشاهان
بسرکردگی سید خسرو خان

جماعت نانکلی شهریار
جمعی حسینقلیخان سرکرده

جماعت سنجابی
جمعی فرج الله خان سرکرده

جماعت فیلی
جمعی دارابخان سرکرده

جماعت بختیاری
بسرکردگی محمدعلیخان

جماعت عرب و باصری
جمعی محمدحسنخان سرهنک

پیاده
خراسانی

شمخالچیان
ابوابجمعی حیدرقلیخان سرتیپ

حاجی جعفرقلیخان

جماعت قراچورلوی خوار
ابوابجمعی جناب امین السلطان - بسرکردگی
عزیز محمدخان

جماعت افشار ساوجبلاغ
جمعی حسنخان سرهنک

جماعت کردبچه
جمعی نصرالله خان سرتیپ - بسرکردگی
خانباباخان

جماعت هداوند
ابوابجمعی جناب امین السلطان - بسرکردگی
رحیمخان

الله جماعت شاهسواری
جمعی نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه

جماعت ایلات قزوین
جمعی حیدرخان سرتیپ

جماعت افشار بکشلو
ابوابجمعی آجودانباشی - سرهنگی
کاظمخان

جماعت چگینی
جمعی نصرالملک - سرهنگی صادقخان

دسته تمسکین	جزایر چیان سرخسی
جمعی محمد قاسم خان سرکرده	غلام محمد خان سرکرده — فتح الله سلطان — رستم سلطان — یوسف بیک
دسته ساوری	استرآبادی
دسته، جمعی جعفر قلیخان — دسته، جمعی آقارضا	دسته فندرسکی
دسته لیوانی و سیل سپر	جمعی میرزا علینقی خان سرتیپ
جمعی اسدالله خان سرکرده	
دسته بلوچ	دسته کتول
دسته، میرزا بابابیک — دسته، علی اکبر بیک	جمعی علی محمد خان سرکرده
دسته جات گیلانی	دسته مقصودلو
دسته سالیانی	جمعی عبدالله خان سرکرده
جمعی میریوسف خان سرکرده	
دسته انزانی	دسته استرآباد رُستاقی
جمعی جبار قلیخان سرکرده	جمعی فتحعلیخان ایضاً
دسته شفتی	دسته بالا شاهکوئی
جمعی نعمت الله خان ایضاً	جمعی آقا عبدالرحمن سرکرده
مازندرانی	دسته پائین شاهکوئی
جماعت کلبادی و غیره	جمعی محمدعلیخان سرکرده
جمعی میرزا محمدخان سرهنگ — لطفعلیخان سرکرده — محمد مهدیخان سرکرده طایفه عمرانلو — جماعت طالش بسرکردگی علی اکبر خان — بحکشی بسرکردگی علی اکبر خان	دسته سدن رستاقی
	جمعی محمد قلیخان سرکرده
	دسته انزانی
	جمعی محمدعلیخان سرکرده

ژبی که عبارت از فوج مهندس باشد	جماعت اشرفی بسرکردگی عباسقلیخان
توپچیان توپهای تهر اطریشی فوج	کرمان سرکرده ندارد
موزیکانچیان اداره مزبوره	عراق از بابت پیاده بلوچ عرب جمعی شیخ محمد خان سرهنگ
اداره قزاقیه فوج اول بسرتهپی حسخان سرتپ	اداره افواج طرح اطریشی و سواره طرح قزاق افواج طرح اطریشی ژریمان اول از بابت پیاده نظام
فوج دویم بسرتهپی کریمخان سرتپ	ژریمان دویم از بابت پیاده نظام
موزیکانچیان اداره مزبوره	شابسوی که عبارت از فوج مخبران باشد

قشون حاضر رکاب

از پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه و غیره یکصد و پنجاه هزار نفر

ذخیره

پنجاه هزار نفر

دارالخلافة طهران

اجزاء حکومت دارالخلافة

محمد ابراهیم خان وزیر دارالخلافة — میرزا باقر پسر صدیق الدوله مباشر خالصه جات — میرزا حسن احتساب الملک کارگذار امور حکومت — زکیخان نوری ایضاً — شیرمحمد خان — میرزا حسن پسر حاجی میرزا تقی کلانتر

سررشته دار و منشیان حکومت

میرزا هادی سررشته دار — میرزا جعفر منشی — میرزا حسن منشی

نواب بلوک و محال دارالخلافة

میرزا رضا نایب الحکومه ساوجبلاغ — میرزا علیمحمد نایب الحکومه شهریار — میرزا شریف نایب الحکومه غار و فشافویه — نایب الحکومه ورامین — نایب الحکومه شمیرانات

علماء اعلام دارالخلافة

جناب میرزا زین العابدین امام جمعه — جناب صدرالعلماء — جناب حاجی ملاعلی — جناب آقا سید صادق — جناب آقا میرزا صالح عرب — جناب آقا میرزا حسن آشتیانی — جناب حاجی آقا محمد — جناب آقا جمال الدین مجتهد بروجردي — جناب آقا میرزا عبدالرحیم نهاوندی — جناب ملا محمدتقی مجتهد کاشانی — جناب آقا سید عبدالله — جناب آقا شیخ محمد برادر مرحوم

شیخ عبدالحسین — جناب شیخ الاسلام دارالخلافة — جناب آقا شیخ جعفر پسر مرحوم حاجی شیخ محمد — جناب آقا سید مصطفی پسر مرحوم حاجی سید حسین — جناب حاجی ملا آقا بزرگ — جناب حاجی سید جعفر — جناب آقا شیخ موسی — جناب ناظم العلماء آقا شیخ علی جناب

اعیان و امراء و خوانین

و معارف دارالخلافة

از ارباب مناصب دولتی و غیرهم سواي آنها که مدیر دواير يا جزء ادارات معینه دولتی هستند از قرار سنه ماضیه نوشته میشود:

میرزا محمدخان نظام العلماء — اعتماد الدوله — حیدرقلیخان ولد مرحوم آصف الدوله — آقا سردار ولد مرحوم سپهدار — عین الملوک — محمد میرزا ولد جناب اعتضاد الدوله — عباس میرزا ولد ایضاً — فتحعلیخان ولد ایضاً — محمود خان ملک الشعراء — حکیم الهی — پسر مرحوم حکیم الهی — سلیمانخان ولد مرحوم حاجب الدوله — اسمعیل خان بشیرالدوله — میرزا محمدخان —

غلامحسینخان — میرزا صادقخان ولد مرحوم میرزا حسنخان وزیر نظام — حسینقلیخان ولد مرحوم اعتمادالدوله — رضا قلیخان — عباسقلیخان ولد مرحوم سلیمانخان — محمد تقیخان ولد مرحوم سهرابخان — محمد خان ولد مرحوم احمد خان عمیدالملک — محمد حسنخان ولد مرحوم ایضاً — حاجی حسین خان ولد مرحوم ایضاً

اولاد مرحوم حاجی محمد باقر خان بیگلربیگی و غیره

محمد مهدیخان عباسخان — محمد هادیخان
— عبدالله خان والی ایالت گیلان —
سلطان حسین میرزا ولد نیرالدوله — امان الله
خان — امیر اصلانخان — غلامحسین خان —
سلیمان خان — فضل الله خان — محمد
ابراهیمخان برادرزاده حاجی آصف الدوله —
محمد جعفر خان ولد مرحوم حاجی عیسی
خان بیگلربیگی — حسینخان ولد ایضاً —
محمد کاظمخان ولد ایضاً — هدایت الله خان ولد
ولد ایضاً — زین العابدین خان ولد ایضاً — اللهقلیخان —
— اکبرخان — نجفقلیخان — محمد باقر
خان — احمد خان — امیر اصلانخان —
اسمعیل خان — ولیخان — محمد حسنخان
ولد مرحوم معتمدالملک — عباسخان ولد
مرحوم ایضاً.

وزارت تجارت

در اداره نواب اشرف والا امیرکبیر نایب
السلطنه وزیر جنگ — جناب نصیرالدوله وزیر
تجارت

رؤسا و اعضای مجلس محترم تجارت
امیرزاده نصرالله میرزا نایب الوزاره تجارت —
حاجی محمد کاظم ملک التجار ممالک
محروسه — حاجی میرزا احمد رئیس التجار
ناظم امور تجارت — میرزا محمد حسین کاتب
السلطان

رؤسا و معارف تجار دارالخلافه

حاجی میر تقی آقا تاجر تبریزی — آقا محمد
امین ارباب — آقا عبدالباقی ارباب — حاجی
محمد مهدی کرمانی — حاجی محمد صادق
معین التجار — حاجی علی اکبر تاجر شیرازی
— آقا محمد ابراهیم ارباب — حاجی محمد
حسن امین دارالضرب — حاجی محمد ابراهیم
ارباب — حاجی ملا حسن طهرانی — حاجی
علی یزدی — حاجی محمد حسین تاجر
تبریزی — آقا میرزا محمد علی تاجر شیرازی —
حاجی آقا محمد شال فروش — حاجی
میر محمد آقای تاجر تبریزی.

اداره جلیله پلیس دارالخلافه

کنت دومنت فرت سرتیپ دویم و رئیس کل
مستحفظین امنیت شهر — عباسقلیخان سرتیپ
و نایب کل اداره — عبدالحسینخان مستشار و
سرھنگ و منشی و مترجم — میرزا زین العابدین
خان مستشار و رئیس اطاق محاکمات —
میرزا سید یوسف مستشار سرھنگ و رئیس
اطاق جنایات و رئیس محله سنگلج — میرزا
محمد حسین مستشار و رئیس محله دولت —
میرزا ابراهیم مستشار و رئیس محبس — میرزا
عبدالرحیم کلانتر اداره و ناظر تمیزی کل
اداره — حسنخان داروغه شهر — میرزا محمد
رئیس سنگلج — عباسقلیخان رئیس محله
عودلاجان — میرزا سید یحیی رئیس چالمیدان
— میرزا سید احمد رئیس محله بازار — میرزا
ابوتراب خان نایب اول و منشی و مترجم —

ارباب قلم

مستوفیان

میرزا علی رئیس — میرزا هادی — میرزا تقی
— میرزا بزرگ — میرزا سیدعلی — سایر سه
نفر

منشیان و غیره

میرزا محمد منشی باشی — کاتب السلطان —
میرزا ابوالقاسم منشی مخصوص — میرزا حسن
سررشته دار — سایر دو نفر

باشیان و غیرهم

محمد حسین خان پیشخدمت حضور همایونی
— فراشباشی — عبدالله خان تفنگدار باشی —
محمد اسمعیل خان کشیکچی باشی —
اکبرخان ناظر — میرزا سیدمهدی نایب ناظر

طاووس خان مسیحی تحویلدار — میرزا
محمد علیخان روزنامه نویس — میرزا ربیع
نویسنده استنطاقات و سررشته دار محبس.
عدد کل اجزای پلیس چهارصد و دو نفر

اسامی کارگذاران و عمله جات

مخصوص دربخانه

نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر
جنگ دام اقباله العالی — جناب حاجی
ملاباشی — میرزا علی دکتر و طبیب حضور
همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا —
امیرزاده حاجی نصرالله میرزا امیر آخور —
امیرزاده جمشید میرزا صاحبجمع — میرزا
عباس علی خان سرهنگ و پیشخدمت باشی
— آقا رجبعلی ده باشی خلوت

ادارات متعلقه بجناب اجل آقای مستوفی الممالک

دوایر مبارکه دولت متعلق و راجع بجناب اجل آقا

وزارت دفتر استیفا — دیوان عدالت عظمی —
اداره خلوت همایونی — و بعضی دیگر از قبیل
اداره ایشیکخانه و انتظامات دربخانه و غیره و
غیره از قرار سنوات ماضیه
— کرمانشاهان و کردستان — عربستان و
لرستان — عراق و بروجرد — گلپایگان و
خوانسار — کمره — کاشان — نطنز —
جوشقان — محلات — همدان و اسدآباد —
کنگاور

اداره ممالک و ولایات محروسه

متعلقه بجناب اجل آقا

اداره خاصه جناب اجل آقا
جناب معاون الملک — حاجی میرزارضا منشی
فارس — اصفهان و یزد — کرمان و بلوچستان

مخصوص — میرزا حسن منشی مخصوص

منشیان و اجزاء وزارت جناب معاون الملک
که مربوط بنوشتجات و احکام دولتی است
حاجی میرزا عبدالله — میرزا مهدی گیلانی
— میرزا محمد ساوجبلاغی — میرزا علی —
میرزا قاسم — میرزا تقی عنوان نگار مأمور
خراسان

وزارت دفتر استیفا

جناب جلالتمآب میرزا هدایت الله وزیر دفتر
استیفا

مستوفیان حاضر رکاب

جناب معاون الملک — میرزا علی قایم مقام
— منشی الممالک — میرزا رضای
مهندسباشی — حاجی میرزا نصرالله — جناب
میرزا محمود وزیر سابق دارالخلافه — میرزا
عیسی وزیر سابق دارالخلافه — جناب
ضیاء الملک — حاجی میرزا شفیع —
علاء الملک — آقامیرزا حسین نایب وزیر دفتر
— میرزا عبدالله خان — میرزا حسن وزیر
درب حرم جلالت — میرزا اسدالله — میرزا
سید کاظم مستوفی اصطلیل — میرزا محمد ولی
— میرزا داود وقایع نگار — میرزا هدایت الله
لسان الملک — میرزا ابراهیم — میرزا محمد
علیخان — میرزا ذوالفقار خان — میرزا رضا
ولد مرحوم معین الملک — حاجی میرزا
حسینقلیخان — حاجی میرزا محمدحسین

مستوفی خزانه — میرزا سید احمد — میرزا
سید محمد — میرزا محمد حسین ولد مرحوم
وقایع نگار — میرزا ابوالقاسمخان نوری — میرزا
سید کاظم مستوفی سابق صندوقخانه — میرزا
مسیح — میرزا علی اکبر — میرزا سید ابراهیم
— حاجی میرزا سید حسین — میرزا ربیع —
میرزا شفیع خان گرکانی — میرزا شفیع
مستوفی — نواب حاجی حسام السلطنه —
میرزا اسدالله خان نوری — میرزا علیرضا —
میرزا باقر — میرزا حسینعلی ولد مرحوم میرزا
میرزا عبدالله — میرزا عبدالله — میرزا عبدالوهابخان
پسر جناب نظام الملک — میرزا علی پسر
مرحوم قوام الدوله — میرزا زین العابدین خان
— میرزا عبدالله خان — میرزا محمدعلی خان
— حاجی میرزا محمد پسر حاجی میرزا
نصرالله — میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا
محمد — میرزا اسحق — میرزا نصرالله
فراهانی — میرزا زکی نوری — میرزا محمود
پسر مرحوم صاحب دیوان — میرزا سید رضی —
احتساب الملک — میرزا طاهر — میرزا
کاظمخان لله باشی — میرزا حسن ولد مرحوم
میرزا موسی وزیر لشکر — میرزا عبدالرحیم
خلخالی — میرزا محمد ولد مرحوم مرزا هادی
— میرزا رضای البرز — میرزا سید محسن —
میرزا رضای توپسرکانی — میرزا رفیع — میرزا
علی — میرزا محمد ولد حاجی میرزا عباسقلی
— میرزا عبدالعلی — میرزا حسن پسر میرزا
ابراهیم — میرزا حسینعلی خان پسر مرحوم
میرزا نظرعلی — میرزا محسن پیشکار نواب

ارباب قلم

میرزا اسمعیل منشی — میرزا ابوالقاسم منشی
 — میرزا عبدالحسین منشی باشی — میرزا
 ابراهیم خان منشی — میرزا علیخان منشی —
 میرزا زین العابدین — میرزا علیرضا منشی —
 حاجی میرزا زین العابدین منشی — میرزا
 فضل الله — میرزا محمدعلی عریضه نگار —
 میرزا عبدالکریم — ثبات میرزا اسدالله —
 میرزا عبدالغنی منشی سر رشته دار دفتر احکام
 وزارت عدلیه

نایب و فراشان

محمد ابراهیم خان نایب — میرزا علی
 یوزباشی — فراشان بیست نفر — باشماقچی
 نفر

غلامان

محمد ابراهیم بیک پنجاه باشی — غلامان
 بیست نفر

اجزای دیوان مظالم

حاجی رحیمخان رئیس دیوان مظالم

ارباب قلم

میرزا باقر منشی تبریزی — میرزا محمدعلی
 منشی ایضاً — میرزا محمد منشی ایضاً —
 میرزا محمد حسین منشی تفرشی — میرزا رضا
 منشی آهی — میرزا حسن منشی گیلانی —
 میرزا حسن منشی شیرازی — میرزا محمد
 حسین منشی نوری — میرزا محمود منشی ایضاً

حاجی حسام السلطنه — میرزا شکرالله پسر
 نصیرالملک — میرزا حسینخان ولد میرزا
 رضای مهندسباشی — میرزا جعفر — میرزا
 محمود خان نواده مرحوم قایم مقام — میرزا
 علی ولد مرحوم وکیل لشکر — میرزا خانلر
 مازندرانی — عزب باشی دفتر استیفا

مأمورین

جناب صاحب دیوان وزیر نظام مأمور بکارگذاری
 مملکت فارس — جناب مشیرالملک — جناب
 حاجی مستشارالملک — میرزا حسینخان پسر
 جناب صاحب دیوان مأمور فارس — صدیق الدوله
 مأمور آذربایجان — میرزا محمد مستوفی نظام
 مأمور بحکومت بوشهر — مؤیدالملک میرزا
 احمدخان متوقف فارس — میرزا رضاقلیخان
 مأمور بحکومت عراق — میرزا محمدحسین
 خمسه — بیان الملک — میرزا رضا مأمور
 فارس — میرزا عبدالکریم ولد مرحوم نایب
 متوقف گیلان

وزارت عدلیه عظمی

نواب والا معزالدوله وزیر عدلیه عظمی

امناء و غیره

صدر دیوانخانه — سلطان ابراهیم — میرزا
 معاون العداله — اعتمادالملک — حیدرقلیخان
 مستشار — آقامیرزا حسن مستوفی دیوان اعلی
 — حاجی حسینخان — حاجی میرزا علی
 رئیس — میرزا علی مستوفی دیوانخانه —
 فتح الله خان ناظم — میرزا محمد حسین نوری

خلوت همایونی

ارباب مناصب

جناب معتمدالملک وزیر مخصوص و وزیر
بنائی دیوانی ممالک محروسه — جناب امین
خلوت ریش سفید خلوت همایونی و
تفنگدار باشی — غلامحسین خان خازن رکیب
خانه

سایر

ادیب الملک — امین حضور — محمد
حسنخان محقق — جعفر قلیخان ولد مرحوم
اعتمادالدوله — محمد حسینخان پیشخدمت و
فراشباشی نواب اشرف الا امیرکبیر نایب
السلطنه وزیر جنگ — سلطانحسین میرزا —
غلامحسینخان ولد مرحوم امین الدوله — محمد
ابراهیمخان ولد مرحوم امین الدوله — نورمحمد
خان امین دیوان — میرزا احمد خان — میرزا
عبدالله خان — جبارخان — آقا علی امین صره
— ناظم خلوت — میرزا محمد گروسی و غیره

صندوقخانه مبارکه و رختدارخانه

امین السلطنه صندوقدار و جامه دار خاصه و
خازن مخزن تدارکات عسکریه دولت علیه

اطباء خاصه

دکتر طولوزان حکیمباشی — ملک الاطباء
میرزا کاظم — شیخ الاطباء میرزا حسینعلی —
میرزا علی دکتر — میرزا زین العابدین کاشانی
— میرزا لقمان ولد ملک الاطباء — میرزا
نصرالله تنکابنی — مسیو هیدنه دندان ساز

فراشخلوتان خلوت همایون

میرزا کریم تحویلدار عمله خلوت همایونی —
محمد صادقخان فراشخلوت — میرزا هدایت —
آقا سلیمان — آقا صادق — آقابزرگ — آقا سید
ابوالقاسم

قهوه خانه مبارکه

غلامعلیخان قهوهچی باشی — آقا جبار
قهوهچی

تفنگداران خاصه

بریاست آقا رضاخان ژنرال آجودان مخصوص
— رضاقلیخان — محمد زمانخان — رستمخان
— مصطفی قلیخان — آقاخان — فرج خان —
میرزا باقر خان — علی اکبر خان — قهرمان
خان — حیدرخان — محمد کریم خان —
حسنخان پسیان — اسدالله خان — اسمعیل
خان — محمد خان گرجی — نصرالله خان
نوری — رضا خان — نادر بیک — میرزا
ابوالفتح خان — حاجی تقی خان — حاجی
عیسی خان

اداره صرف جیب و

عکاسخانه مبارکه

بریاست آقا رضاخان ژنرال آجودان مخصوص
حضور همایون و خازن وجوه صرف جیب
مبارک — آقا غلامحسین تحویلدار نقدی —
میرزا عبدالله سررشته دار — میرزا رضا
تحویلدار اجناس — میرزا محمد محرر —
میرزا حسینعلی عکاس حضور مبارک و مدیر

عکاسخانه همایونی سپرده بایشان

سرتیپ آغا محراب — حاجی سرورخان —
 حاجی آغا فیروز — آغا حسن — حاجی
 غلامعلی — آغا سید اسمعیل — آغا بهرام —
 آغا فتح الله — آغا فرج

خواجه سرایان

معتمد الحرم حاجی آغا جوهر خواجه باشی و

وزارت جلیه خارجه

جناب جلالتمآب مؤتمن الملک متولیشی و وزیر امور خارجه

راقم عنوان نامه جات — میرزا محمد علیخان
 منشی مخصوص — میرزا محمود خان منشی
 رموز — میرزا عباس قلیخان منشی مخصوص و
 مدیر انتظامات دفتريه — میرزا محمد حسین
 سر رشته دار و مستوفی وزارت خارجه — میرزا
 محمد علی عزب باشی — میرزا علی اکبر
 عزب دفتر

اجزاء وزارت خارجه و سفراء

و مأمورین داخله و خارجه

ملتزمین رکاب

جناب محمد حسنخان صنیع الدوله مقدم
 السفراء

اداره صدیق الملک رئیس کل دفاتر
 وزارت خارجه که واسطه رجوع کل
 اداره ها و اجزاء با جناب جلالتمآب وزیر
 دول خارجه است

اداره منشآت و تحریرات

راجع به سفارت خانه ها

اداره پیغامات جناب جلالتمآب وزیر
 دول خارجه بسفراء دول متحابه مقیمین
 طهران و متصدی تحریرات خاصه
 میرزا مهدیخان که از اجزاء محترمه
 وزارت خارجه است — میرزا محمد رضا در
 معیت میرزا مهدیخان

اداره دفترخانه مخصوص وزارت خارجه

میرزا محبعلیخان ناظم دفترخانه مدیر — میرزا
 رضی خان دفتر دار — میرزا حسین خان دفتر دار —

میرزا سلیمانخان نایب اول وزارت خارجه —
 محمد ابراهیمخان بدایع نگار — میرزا جواد
 خان نایب اول وزارت خارجه متصدی امور
 تجارتی — محمد طاهر میرزا نایب وزارت خارجه
 — نجفقلیخان پسر مرحوم حاجی محمد
 باقرخان بیگلربیگی — حاجی حسینقلیخان
 پسر مرحوم صدراعظم — میرزا عبدالوهابخان
 نایب وزارت خارجه پسر مرحوم میرزا محمد
 علیخان — حاجی میرزا علی اکبرخان نایب
 وزارت خارجه — میرزا عبدالرحیم خوشنویس

میرزا جهانگیر پسر ناظم میرزا ابوالقاسم

اداره تحریرات

راجعه سفارت انگلیس

میرزا حسنخان نایب وزارتخارجه مدیر — میرزا
عبدالمطلب منشی — حاجی میرزا حسن
منشی

اداره رجوعات و محاکمات فیما بین تبعه
دولتین ایران و عثمانی و تحریرات راجعه
سفارت اطریش و فرانسه

میرزا عبدالله خان مستشار الوزاره مدیر — میرزا
اسدالله منشی — میرزا آقا منشی — میرزا
عبد الوهاب خرقانی

اداره نوشتجات

راجعه سفارت عثمانی

میرزا شکرالله نامه نگار مدیر — میرزا مهدی
منشی پسر مرحوم وکیل لشکر — حاجی میرزا
رضا خان منشی

اداره تحریرات

راجعه سفارت روس

میرزا نصرالله خان منشی مخصوص مدیر —
میرزا حسنخان پسر میرزا مهدی پیشخدمت —
میرزا مهدی

اداره تحریرات

راجعه بکارگذارهای خارجه و ایالات

میرزا محمد قلیخان منشی مدیر — میرزا

حسینخان پسر مرحوم میرزا اسمعیل خان —
میرزا علی ایضاً پسر مرحوم میرزا اسمعیل خان

اداره پیغامات مجالس وزراء عظام

و تحریرات داخله و غیره

میرزا ابوطالب خان منشی مخصوص — میرزا
اسمعیل

اداره نوشتجات تولیت مقدسه ارض اقدس
میرزا علیخان منشی مخصوص — میرزا مسیح

طبقات صاحبمنصبان و غیره

طبقه اول

حاجی میرزا زمانخان — میرزا معصوم خان
مرتیب — حاجی میرزا صادقخان — اسمعیل
خان قاجار نواده آصف الدوله مرحوم نایب
الحکومه کرمانشاهان — میرزا خاتلر خان —
میرزا عیسی خان — حاجی نجفقلی آقا —
میرا غلامحسین — میرزا محمود خان مأمور
سابق بحرالعجم — علی پاشا خان پسر مرحوم
میرزا شفیع خان قراباغی مأمور سابق لندن —
حبیب الله خان پسر حاجی میرزا زمانخان —
حسینخان پسر مرحوم اللهیار خان قرائی —
میرزا حسینخان پسر میرزا محمود خان

طبقه دویم

احمد علیخان سرهنگ — حاجی شاه محمد
خان — محمد حسنخان غلام پیشخدمت —
اسمعیل خان ریش سفید فراشان وزارت

سفراء و مأمورین خارجه و داخله
سفارتخانه اسلامبول و
سایر خاک دولت عثمانی
سفارتخانه اسلامبول

جناب حاجی میرزا محسنخان معین الملک
سفیرکبیر - میرزا جوادخان مستشار - میرزا
رضا خان نایب ترجمان اول سفارت - حاجی
نجفعلیخان ژنرال قونسول - میرزا آقا نایب و
منشی اول - دکتر پامادوکا حکیم سفارت -
حاجی آقا خان ترجمان ضبطیه - چورجکی
ترجمان تجارت - یوسف بیک ترجمان
سفارت پسر مرحوم اسد آقا - مسیو بارونستی
قانون دان سفارت

بغداد

میرزا محمود خان کار پرداز اول - میرزا
طهماسبقلی نایب اول - حسن افندی کاتب
ترکی - حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان

بصره

حاجی ملارضا کار پرداز

اماکن مشرفه
کربلای معلی

میرزا هادیخان نایب - میرزا اسمعیل ترجمان
- میرزا محمد کاتب ترکی

نجف اشرف

میرزا عبدالوهابخان نایب

خارجه - نور محمد خان - حاجی محمد
خان تحویلدار - میرزا رفیع جواد بیک -
محمد حسینخان - آقا مهدی

کاغذدار و قلمدان دار وزارتخارجه

آقا فیروز - میرزا محمد علی

مترجمین

میرزا رضا خان سرتیپ مترجم - میرزا علیخان
مترجم فرانسه و انگلیس و نمسه - میرزا
هارطون مترجم فرانسه و انگلیس و روس -
مسیو نورمان مترجم - میرزا مهدیخان مترجم و
معمار مخصوص - میرزا غلامحسین مترجم
روس - میرزا محمدعلی مترجم

مهندسین

میرزا عباسخان سرتیپ و مهندس - میرزا
عبدالرحیمخان مهندس - حاجی عباسقلیخان
سرهنک - میرزا علی اشرفخان سرهنک
مهندس - اسدالله خان مهندس - میرزا
حسین نقاش

اطباء

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی - میرزا
عبدالوهاب طبیب - میرزا عبدالله طبیب
حکیم بکمز

آجودانها

محمدخان آجودان - میرزا حسینخان نایب
آجودانباشی

کاظمین

کریم بیک

سامره

محمد جعفر بیک

دیوانیه

نایب شریف — مشهدی کاظم امین الشفراء

کارپردازان

مصر

میرزا احدخان کارپرداز — رعنا افندی مترجم
— یعقوب افندی دفتردار

ارزنة الروم

میرزا علی اکبر خان کارپرداز — میرزا محمد
حسین نایب و منشی

طرايزان

حاجی میرزا حسینعلی کارپرداز — علی بیک
مترجم

شام

حاجی محمد صادقخان کارپرداز

وان

میرزا آقاخان کارپرداز

سایر قونسولها و وکلاء در

خاک عراق عرب و غیره

مسیب، نصرالله بیک — عماره، علی بیک —
خانقین، محمد اسمعیل بیک — مندلیج، میرزا
ابوطالب — سموات، حسین بیک — قزلباط و
شهر وان، شیرخان بیک — یعقوبیه، یوسفخان —
حله، حاجی عباسقلی — سلیمانیه، عباس آقا —
کرکوک، حسن بیک — کوت الاماره، ناصر
بیک — قصر شیرین، حسنخان — ازبیر، محمد
خان قونسول — حلب، میرزا شکرالله قونسول —
جلده، میرزا حسن قونسول — بیت المقدس، میرزا
هادی — بیروت، اسکندر بیک — دیاربکر،
میرزا حسین — صیداء، حاجی علی افندی —
فلیبه، حاجی اللهویردی — طرابلس، شام
جرجیس افندی — سویس، تقاویس —
اسکندرون، خواجه حنا — بروساء، احمد آقا —
انطاکیه، موسی بیک — عکه، احمد افندی —
آذنه، میرزا عیسی — سیواس، حسن آقا —
انگوری، آقا سید علی — صامسوم، محمد آقا —
بالکیه، حاجی علی — روسحق، میرزا معصوم
قونسول — امامیه، حسن آقا وکیل — صور،
حسین افندی

دولت انگلیس

سفارتخانه لندن

جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک وزیر
مختار — میرزا میکائیل خان نایب — میرزا
علی نایب و منشی — مستر لنج ژنرال قونسول

ایروان

میرزا جبارخان و یس قونسول — میرزا محمد
خان منشی

کارپردازخانه حاجی ترخان

میرزا احمد خان سرتیپ کارپرداز — میرزا
موسی منشی — مترجم

مأمورین داخله

تبریز

جناب میرزا عبدالرحیم خان ساعد الملک —
حاجی میرزا صادق خان نایب اول — قلیخان
سرتیپ مهماندار سفراء و مستشار — حاجی
میرزا معصوم نایب و منشی اول — میرزا
مهدیخان سرهنگ نایب اول — میرزا حسنخان
سرهنگ نایب و مهماندار — ساطورخان
سرهنگ و مترجم اول — میرزا رحیم یاور
کارگذاری — میرزا محمد آجودان — میرزا
محمد دفتردار — عباسقلیخان امین الوزاره
رئیس امنای تذکره آذربایجان — میرزا محمد
حسین منشی و نایب — میرزا هاشمخان
کارگذار خارجه ارومی و سرپرست نصاری و
ارامنه و یهود ارومی و سلماس — مسیو دژمی
نایب و مترجم — حاجی حبیب بیک

ارض اقدس

میرزا یوسفخان مستشار کارگذار — میرزا
حسینخان منشی و نایب

کارپردازخانه بمبئی

میرزا فضل الله خان کارپرداز — میرزا سید
علی منشی — مترجم

دولت روس

سفارتخانه بطربورغ

جناب میرزا اسدالله خان وزیر مختار — میرزا
علینقی نایب و منشی مخصوص — حکیم
سفارت — مترجم

سفارتخانه پاریس

جناب نظراقا وزیر مختار — میرزا احمد خان
مستشار — مسیو کاردالو کارپرداز در بردو —
مسیو دوویل در مارسیل — مسیو دولامار
کارپرداز در شهر روال — حکیم سفارت —
مسیو هرمال وکیل

سفارتخانه نمسه

جناب نریمانخان وزیر مختار — آرتاکی بیک
وابسته بسفارت

قفقازیه

کارپردازخانه تفلیس

میرزا محمود خان کارپرداز — میرزا معصوم
خان نایب — میرزا رضا خان نایب و مترجم
— میرزا محمد منشی و دفتردار

بادکوبه

میرزا عبدالرحیمخان قونسول

کرمانشاهان

میرزا هادیخان کارگذار - میرزا تقیخان نایب

کردستان

میرزا علیخان کارگذار - میرزا احمدخان
نایب و منشی

گیلان

حاجی میرا سید رضی کارگذار - میرزا
حبیب الله امین تذکره - میرزا عبدالرسول
نایب و منشی اول - میرزا نجم الدین منشی

استرآباد

میرزا جوادخان کارگذار - حاجی میرزا طاهر
نایب و منشی - میرزا علینقی خان وقایع نگار
جز

مازندران

میرزا مهدیخان کارگذار - میرزا کاظم

فارس

محمد تقیخان سرتیپ کارگذار

بندرعباس

حاجی میرزا عبدالله خان کارگذار

بوشهر

میرزا علی اکبرخان کارگذار

اصفهان

محمد جعفرخان کارگذار - اسمعیل خان نایب

یزد و کرمان

ملاکیخسرو کلانتر طایفه زردشتی یزد و
کرمان

سفراء دول متحابه و صاحبمنصبان

مقیمین در دربار همایون و سایر
سفارت دولت عثمانی در طهران
جناب فخری بیک افندی سفیر کبیر -
اسمعیل بیک افندی نایب اول - میرزا
حسنخان شوکت منشی اول - دکتر ارنو
حکیم حافظ الصخه

سایر ولایات

تبریز

علی بهجت بیک افندی باش شهبندر - میرزا
حاجی آقا منشی - منصور آقا وکیل شهبندر
ارومیه - عبدالاحد آقا وکیل - شهبندر
ساوجبلاغ
ارومیه

کرمانشاهان

حاجی آقا حسن وکیل شهبندر - حاجی ملا
احمد منشی

کردستان

آقا سید جابر عرب وکیل شهبندر - میرزا بشیر
منشی

شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهیندر — میرزا سید
محمد منشی

همدان

حاجی محمد سعید وکیل شهیندر — آقا محمد
حسین منشی

استرآباد

شولکونوف کفیل امور قونسولگری — مسیو
نپافی وین نایب — میرزا محمود منشی

ارض اقدس

میرزا عبدالکریم بیک

صاحبمنصبان نظام روسی

کلنل دودمان توویچ رئیس صاحبمنصبان نظام
— کابتن کورنکو — کابتن ماکودکین —
کابتن اوبرزوف

سفارتخانه آستریه و

صاحبمنصبان نظامی در طهران

سفارتخانه

جناب مسیو لکونت شارل زالوسکی وزیر
مختار و ایلچی مخصوص — مسیو لبارون
کودل و لاتونایب اول

صاحبمنصبان نظامی

کلنل شمل — ژنرال قستقرخان سرتیپ
مهندسباشی مأمور کرمان — مازور بارون
ستوداک — کابتن توپخانه وافت — کابتن
پیاده نظام کیروس — کابتن پیاده نظام
ستادیسکی — کابتن مهندس بارون لیترنر —
لیتنان اول مازور شوایسبه بی کودکی —
لیتنان اول مخبران کزاک — لیتنان پیاده نظام
زنیستی — لیتنان پیاده نظام شما — مدیر
موزیکان ژبوئر — صاحبمنصب قورخانه و اشا

سفارت دولت روس

در طهران

جناب مسیو زیناویف ایلچی مخصوص و وزیر
مختار — مسیو ارکیر پولونایب اول — مسیو
غریغرویچ مترجم اول — مسیو بطروف نایب
دویم — مسیو فلیپسیوف مترجم دویم — مسیو
پاحیطونوف آتشه — مسیو اکناتیوف آتشه —
برنس واپتزا آتشه — مسیو کوربنیسکی
حکیمباشی — میرزا علی اکبر منشی اول —
میرزا ابوالقاسمخان منشی دویم

سایر ولایات

تبریز

مسیو کیریل ژنرال قونسول — مسیو شولتزفسکی
نایب — مسیو گخانوفسکی مترجم — میرزا
عبدالکریم منشی اول — میرزا علی اشرفخان
منشی دویم

رشت

مسیو ولاصوف کفیل امور قونسولگری — میرزا
عبدالله منشی

دولت انگلیس

در طهران

جناب رانلد طامسن وزیر مختار و ایلچی
مخصوص و قونسول ژنرال — دالترنیک
مستشار اول — ولیم هکره مستشار دوم —
دیکسن صاحب السنه شرقی — ارثرلارکم
صاحب موقتاً بجای او — اسکندر فین و یس
قونسول — هنری جرجیل دفتر دار — سرجوسف
ویکسن طبیب — میرزا آقا جان منشی اول و
مترجم — میرزا زین العابدین منشی دوم —
میرزا شیخعلی منشی سیم — حاجی میرزا آقا سید حسین
حسن منشی چهارم

مشهد مقدس

میرزا عباسخان

اصفهان

مستر آقانور

شیراز

حیدر علیخان وکیل موقتی

همدان

آقا سید حسین

کرمانشاهان

حاجی محمد حسن

سایر ولایات

تبریز

دیلیم جارح آبت قونسول ژنرال

سفارت دولت فرانسه

در طهران

جناب کنت رافائیل وویل کاستل شارژدفر —
مسیو لژ مترجم اول — مسیو برتران شانسلیه
دفتر دار سفارت — میرزا مهدی منشی

گیلان و مازندران و استرآباد

کلنل لوت

تبریز

مسیو امیل برنه ژنرال قونسول — مسیو اودی
برشانسلیه — میرزا حسن منشی

بوشهر

کلنل راس بالیوز و قونسول ژنرال — کپتان
مکور نایب اول — منشی دو نفر کاتب دو نفر

وزارت دربار اعظم

جناب جلالتمآب امیر نظام علاء الدوله وزیر دربار اعظم و کارگذار مملکت آذربایجان

کشیکخانه مبارکه

عبدالله خان قوللر آقاسی باشی — میرزا محمدتقی وکیل لشکر لشکرنویس و مباشر محاسبات عمل کشیکخانه — میرزا احمد سررشته دار مخصوص وزارت دربار — میرزا رضا سررشته دار مأمور آذربایجان

غلامان مهدیه

بریاست میرزا احمد خان پیشخدمت مخصوص

یوزباشیان

محمود خان — حاجی حسینخان — میرزا تقی خان — رحمت الله خان — فتح الله خان

یوزباشیان و غلام پیشخدمتان قدیمی

یوزباشیان از حاضر رکاب و

مأمور ولایات

محمدحسن میرزا مأمور آذربایجان — رستمخان — عباسقلیخان — عبدالله خان — حیدرقلیخان — کلبدلیخان — محمود خان ولد جناب امیر نظام — هاشمخان مأمور آذربایجان — محمد قلیخان — عزت الله خان مأمور آذربایجان — باباخان — طهماسب قلیخان مأمور ایضاً — محمد اسمعیل خان مأمور ایضاً — سعدالله خان مأمور ایضاً — محمدحسن خان

غلامان جدید منصوب

بریاست میرزا احمدخان پیشخدمت مخصوص

سرکردگان

یازده نفر: خیرالله خان مافی یوزباشی — عباسقلیخان سرهنگ پسر صمصام الملک — محبعلیخان خلع یوزباشی — حاجی محمد ولیخان سیل سپر یوزباشی — فریدون میرزا — میرزا رضاقلی سرکرده — اسمعیل خان سرکرده — آقا سی خان سرکرده — میرزا موسی خان سرکرده — علیمرادخان سرکرده — شعبانعلیخان سرکرده

غلام پیشخدمتان

حسینعلیخان غلام پیشخدمتباشی مأمور آذربایجان

مرتبه اول: ده نفر

مرتبه دویم: بیست و پنج نفر

مرتبه سیم: هیجده نفر

مرتبه چهارم: هفتاد و چهار نفر

فراشخانه و سرایدارخانه

حاجب الدوله محمد حسنخان فراشباشی

فراشخانه مبارکه

محمد آقا قاپوچی باشی — آقا سید رضا خیام باشی — میرزا علی اکبر مشرف — نایبان

فراشخانه چهل و دو نفر

سرایدار خانه

محمد ابراهیم سرایدار باشی — نایبان سرایدار
خانه هشت نفر

نسقخانه مبارکه

حاجب الدوله محمد حسنخان نسقچی باشی

نایبان

عباسخان قاجار — هادیخان ایضاً — یوسفخان
ایضاً — محمد زمانخان ایضاً — میرزا آقا
تبریزی — ابوالقاسمخان قاجار — میرزا حسن
مشرف — میرزا محمود نوری — علی اصغر
بیک قزوینی

ایشیکخانه مبارکه

علیخان قاجار ایشیک آقاسی باشی

محمدخان قاجار قور یساولباشی — محمد امین
خان نایب قاجار — حسینقلی خان ولد
صاحبقران میرزا

سایر نایبان ایشیک آقاسی باشی

محمد حسنخان نوری — جعفر قلیخان ولد نور
محمد خان سرتیپ — اسدالله خان ولد ایضاً
— مصطفی قلیخان قاجار — امانالله خان
قاجار — حاجی حسینخان بروجردی — محمد
علیخان برادر مرحوم شهبازخان دنبلی —
ابوالفتح خان ایضاً دنبلی — عباس قلیخان پسر
شهبازخان دنبلی — محمد خان نوائی ولد
مرحوم عمیدالملک — مهدیقلیخان نوائی ولد
مرحوم میرزا فضل الله خان — محمد علیخان
نوائی — غلامحسینخان کاشی — میرزا محسن
مشرف

اداره دارالنظاره مبارکه و

اداره مقدسه مَهرمهر آثار همایون

بریاست جناب جلالتمآب عضدالملک
خوانسالار و خازن مَهرمهر آثار

اجزای دارالنظاره مبارکه

محمدقلیخان پیشخدمت حضور نایب النظاره —
میرزا علینقی منشی باشی — میرزا علی اکبر
مشرف دارالنظاره — میرزا صادق سررشته دار
— حاجی قاسم شربتدار باشی ناظم البکاء —
حاجی میرزا محمدرضا تحویلدار نقدی — آقا

ادارات خاصه جناب جلالتمآب امین الملک مدیر و مرتب دارالشورای کبری و مجلس وکلای دولت

وزارت وظایف و اوقاف

جناب امین الملک وزیر وظایف و اوقاف

اجزای وزارت وظایف و اوقاف

میرزا محمد علیخان معین الوزاره رئیس کل
اداره وظایف — آقا سید مصطفی حسام
السادات نایب اول وزارت وظایف — میرزا
مهدی منشی — میرزا نصرالله سر رشته دار —
میرزا سیدحسین منشی — میرزا لطفعلی منشی
و دفتردار — امنای وظایف ولایات چون هنوز
معین و مقرر نشده بودند ثبت نشد.

اداره پستخانه مبارکه

بوزارت جناب امین الملک

اجزاء پستخانه دارالخلافه طهران

میرزا رحیم رئیس اداره رسایل خاصه و کلی
پستخانه های ممالک محروسه — مسیو نیکالا
نایب اول و دفتردار و منشی مکاتبات
— میرزا محمد علیخان مستشار رئیس
مرکزیه — میرزا ابراهیم سر رشته دار و
محاسبه نویس کل — میرزا مطلب نقاشباشی
و تحویلدار کل پستخانه ها — میرزا محمدعلی
انپسکتر — میرزا هادی تحویلدار امانات —
میرزا اسدالله منشی باشی — میرزا حسینقلی
محزر — میرزا علی منشی دویم — ضابط
نوشتجات و ثبت بردار احکام اداره دو نفر —
میرزا ابوتراب دفتردار مخصوص استاتستیک
کل اداره — میرزا ابراهیم گیرنده نوشتجات

— میرزا اسدالله تحویلدار امانات خارجه —
میرزا علی معین ایضاً — میرزا مهدی و میرزا
آقا معین میرزا هادی تحویلدار امانات — میرزا
ابراهیم ممیز اوزان نوشتجات اطاق — میرزا
علی دفتردار ملتسمه امانات و سفارشی —
میرزا علی معین میرزا ابراهیم و جداکننده
نوشتجات ولایات — اسمعیل خان نویسنده
قبوضات امانات و پاکتهای سفارشی — میرزا
اوانس دفتردار دفتر ملتسمه امانات و نوشتجات
سفارشی — مسیو نیکالای سورکین معین ایضاً
و مترجم زبان روسی — میرزا اوانس که در
خیابان پاکت نوشتجات خارجه و غیره می گرد
— نادعلیخان غلامباشی — غلامان کل
ولایات که حمل بسته مینمایند سواى
آذربایجان هشتاد نفر — فراشان پستخانه
مرکزیه ده نفر

خط آذربایجان

تبریز

آقاخان سرهنگ رئیس — میرزا محمدعلی
ناظم — میرزا حاجی آقا تحویلدار خارجه —
میرزا کاظم تحویلدار — میرزا رضا سر رشته دار
— مسیو اماموئل — نویسنده دو نفر — غلامان
شانزده نفر — فراش پنج نفر

قزوین

میرزا زین العابدین رئیس — میرزا شفیع
نویسنده — فراش دو نفر

نویسنده نفر — فراش نفر	زنجان
خط فارس	میرزا محمدعلی رئیس — نویسنده نفر —
قم	فراش دو نفر
میرزا فضل الله رئیس — نویسنده نفر — فراش نفر	ولایات جزء آذربایجان
سلطان آباد	میانج
میرزا نصرالله رئیس — نویسنده نفر — فراش نفر	مباشر نفر — فراش نفر
کاشان	ساوجبلاغ
میرزا هاشم رئیس — نویسنده نفر — فراش دو نفر	مباشر نفر — فراش نفر
اصفهان	ارومیه
میرزا گرگین رئیس — نویسنده نفر — فراش دو نفر	مباشر نفر — نویسنده نفر — فراش نفر
جلفای اصفهان	خوی
میرزا گرگین رئیس — فراش نفر	مباشر نفر — نویسنده نفر — فراش نفر
آباد	مراغه
میرزا محمد جعفر — فراش نفر	مباشر نفر — فراش نفر
شیراز	اردبیل
میرزا سرکیس خان — نویسنده نفر — فراش دو نفر	مباشر نفر — نویسنده نفر — فراش نفر
قاصد شش نفر	سلماس
	مباشر نفر — فراش نفر
	رشت و انزلی
	میرزا حسن رئیس رشت و ناظم — نویسنده نفر — فراش دو نفر — رئیس انزلی نفر —

بندر بوشهر

میرزا زیتون رئیس — نویسنده نفر — فراش
نفر — قاصد شش نفر

کازرون

مباشر نفر — فراش نفر

خط یزد و کرمان

نائین

میرزا محمد حسین — فراش نفر

یزد

میرزا ابوالقاسم — نویسنده نفر — فراش دو نفر
— قاصد دو نفر

کرمان

میرزا علیرضا رئیس — نویسنده نفر — فراش
دو نفر

رفسنجان

مباشر نفر — فراش نفر

خط خانقین

نوبران

مباشر نفر — فراش نفر

همدان

نظرعلیخان رئیس — نویسنده نفر — فراش دو
نفر

تویسرکان

میرزا احمد خان رئیس — فراش نفر

کنگاور

مباشر نفر — فراش نفر

کرمانشاهان

میرزا علیخان رئیس — نویسنده نفر — فراش
دو نفر

خانقین

میرزا نصرالله رئیس — فراش نفر

خط خراسان

سمنان و دامغان

میرزا حسین رئیس — فراش نفر

شاهرود و بسطام

میرزا سید نصرالله رئیس — نویسنده نفر —
فراش نفر

سبزوار

میرزا اسمعیل مباشر — نویسنده نفر — فراش
نفر

نیشابور

میرزا محمدعلی مباشر — فراش نفر

نہاوند حاجی میرزا فتح اللہ مباشر — فراش نفر	ارضی قدس حاجی ابوالقاسم رئیس — نویسنده نفر — فراش چہار نفر
بروجرد میرزا عبدالغنی رئیس — فراش نفر	مازندران و غیرہ استرآباد میرزا ادیس رئیس — نویسنده نفر — فراش دو نفر
بیجار گروس میرزا محمدخان رئیس — فراش نفر	ساری و بارفروش حسنخان رئیس — نویسنده نفر — فراش دو نفر
سنندج کردستان ابوالقاسم خان رئیس — نویسنده نفر — فراش نفر	خط کردستان دلت آباد اسدخان رئیس — نویسنده نفر — فراش نفر

ادارہ مملکت آذربایجان راجع و متعلق بجناب جلالتمآب امین الملک

وزارت علوم و غیرہ

جناب جلالتمآب مخبرالدولہ وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسہ

ناظم مدرسہ — محمد تقی میرزا سرتیپ سیم و آجودان مدرسہ — میرزا اسحق مستوفی — میرزا محمد تقی سررشتہ دار مدرسہ — میرزا جعفرخان ناظر — اسداللہ خان کتابدار مدرسہ مبارکہ — محمد حسین خان سرتیپ دویم و مبارکہ	وزارت علوم مدرسہ مبارکہ دارالفنون رؤسا جعفرقلیخان سرتیپ اول و رئیس مدرسہ مبارکہ — محمد حسین خان سرتیپ دویم و مبارکہ

شاگردان فارغ التحصیل

مهندسين

محمد حسن میرزا ولد کیخسرو میرزا دارای نشان و حمایل سرهنگی — محمد حسن میرزا ولد شیردل میرزا دارای نشان و حمایل سرهنگی — رضاخان دارای نشان و حمایل سرهنگی — علیخان ولد ملک الشعراء دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید — سلیمانقلیخان دارای نشان و حمایل سرهنگی — عباسقلیخان دارای درجه سرهنگی — سلیمانخان دارای نشان و درجه سرهنگی — احمد خان ولد ملک الشعراء دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید — حسینقلیخان دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید — غلامحسین خان دارای نشان مطلای علمی مدرسه — حسنخان دارای نشان طلای علمی مدرسه

اطباء

میرزا ابراهیم دارای نشان و حمایل سرهنگی — باقرخان دارای نشان طلای علمی مدرسه — میرزا نصیر دارای نشان طلای علمی مدرسه — امان الله خان دارای نشان طلای علمی مدرسه — رضاخان دارای نشان مطلای علمی مدرسه — میرزا محسن دارای نشان مطلای علمی مدرسه — میرزا مصطفی دارای نشان مطلای علمی مدرسه — میرزا شیخ محمد دارای نشان مطلای علمی مدرسه — میرزا علی اکبر دارای نشان طلای علمی مدرسه —

معلمین ایرانی و فرنگی

معلمین ایرانی

حاجی نجم الملك منجم باشی حضور همایون و معلم کل علوم ریاضی مدرسه و دارای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی — میرزا ابوالقاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی — میرزا علی دکتر معلم طب فرنگی و دارای نشان و حمایل سرتیپی سیم — میرزا محمد کاظم معلم طبیعی و شیمی و دارای نشان سیم شیر و خورشید — میرزا اسدالله معلم عربی و فارسی و پیشنماز مدرسه — میرزا علی اکبر خان نقاشباشی معلم زبان فرانسه و نقاشی و مترجم علم موزیک دارای نشان درجه سیم شیر و خورشید — میرزا علیخان معلم طب مجانی دارای نشان و حمایل سرهنگی — خلفای ریاضی و نقاشی و زبان ده نفر — سلیمانخان — آقاخان — میرزا احمد — حاجی خان — میرزا جعفرخان — میرزا عبدالرحیم — مهدیخان — سایر دو نفر

معلمین فرنگی

میرزا رضاخان معروف به مسیوریشار معلم زبان فرانسه دارای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی — مسیورپروسکی خان معلم زبان فرانسه دارای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی — مازور استنداج نایب رئیس اداره اطریشی و معلم پیاده نظام مدرسه — مسیولمر معلم موزیک — مادر و سخنان معلم زبان روسی و دارای منصب سرهنگی — مستر طلحه معلم زبان انگلیسی.

— میرزا ابوالحسنخان

حیدر میرزا دارای نشان مطلای علمی مدرسه —
میرزا خلیل دارای نشان مطلای علمی مدرسه

مأمور ولایات

از مدرسه

آذربایجان: میرزا عبدالعلی

اصفهان: میرزا موسی ناظم الاطباء

کردستان: میرزا مؤمن

مازندران: میرزا محمد

زنجان: میرزا رضا

همدان: میرزا حسن

ملایر: میرزا ابوالقاسم

از خارج

گیلان: میرزا سیدجعفر

سمنان: میرزا کریم

شاهرود و بسطام: میرزا صالح

سبزوار: میرزا اسماعیل

قم: حاجی میرزا عبدالکریم

کاشان: میرزا محمدجواد

شیراز: میرزا حسام الدین

یزد: میرزا مرتضی

کرمان: میرزا عبدالرضاخان

عراق: میرزا محمدحسین

بروجرد: میرزا بابا

ساوه و زرنند: آقا علی

اجزاء مریضخانه مبارکه دولتی

سی و سه نفر: میرزا محمد دکتر حکیمباشی

رئیس مریضخانه مبارکه

سایر

شاگردان داخلی مدرسه که مشغول تحصیل هستند دو یست نفر — شاگردان خارج که بعد از ظهر بمدرسه آمده مشغول تحصیل میباشند پنجاه نفر

اطباء حافظ الصّحة دارالخلافة

و مأمور ولایات فرنگی

دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص —
صاحب حکیم سفارت دولت بهیة انگلیس —
دکتر ارنو مأمور مجلس حافظ الصّحة اسلامبول —
دکتر بکمز

ایرانی

ملک الاطباء — میرزا سید رضی حکیمباشی
نظام — میرزا ابوالقاسم حکیمباشی و معلم
مدرسه — میرزا علی دکتر حکیم حضور
همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا نایب
السلطنة امیرکبیر وزیر جنگ — میرزا سید
علی حکیمباشی حضور همایون — میرزا محمد
کاظم معلم حکمت طبیعی — میرزا
زین العابدین حکیم حضور همایون — حاجی
میرزا حبیب الله حکیم حضور همایون — میرزا
نصرالله حکیم حضور — میرزا عبدالکریم —
میرزا علی اکبر خان حکیمباشی سابق
مریضخانه — میرزا مصطفی — میرزا عبدالله

اطباء معالج

حسنخان - میرزا نصرت - میرزا الفت -
سید ابوتراب - میرزا ابراهیم - میرزا قوام

سایر اجزاء

شیخ ابوالقاسم پیشنماز - عباسقلی خان
مشرف - میرزا فرهاد شاگرد دواساز - ناظر
نفر - تحویلدار نفر - طباخ و شاگرد دو نفر
- باغبان نفر - پرستار هشت نفر - فراش دو
نفر - پیشخدمت و قهوهچی دو نفر - سایر از
سقا و حمامی رختشوی شش نفر

علیخان سرتیپ - مرتضی قلیخان سرهنگ
تحویلدار - نصرالله خان سرهنگ تلگرافچی
مخصوص - میرزا سلیمخان سررشته دار -
میرزا حسین سرهنگ - محمود خان سرهنگ
- تلگرافچی بیست و شش نفر - میرزا و
محرر بیست نفر

خارجہ

مسیو شیندلر سرتیپ - مسیو شارل سرتیپ -
مسیو باطال - مسیو نظر - مسیو سمون -
بیچ صاحب

عمله جات

پیشخدمت و فراشخلوت پنج نفر - فراش
چهارده نفر - غلام هشت نفر - سیم کش
نفر - غیره دو نفر

سایر ولایات

خط فارس

قم

پنجنفر: محمد مهدی میرزا رئیس -
تلگرافچی دو نفر - میرزا نفر - فراش نفر

کاشان

پنجنفر: عیسی خان رئیس - تلگرافچی نفر
- میرزا نفر - فراش دو نفر

اصفهان

یازده نفر: میرزا ابوالقاسمخان رئیس -
تلگرافچی دو نفر - میرزا و محرر سه نفر -
فراش چهار نفر - غلام نفر

اجزاء مدرسه دولتی تبریز

رئیس مدرسه () آقاخان سرهنگ ناظم و
معلم زبان فرانسه - محمد جعفر خان معلم
علم طب - محمد میرزا معلم علم هندسه -
محمد حسن میرزا معلم پیاده نظام -
نجفقلیخان معلم توپخانه - میرزا ابراهیم
سررشته دار - میرزا عباسقلی ناظر - معلم
فارسی یکنفر - ده باشی و فراش چهار نفر -
عمله کارخانه دو نفر - متعلمین داخل و
خارج چهل نفر

اداره تلگرافیه ممالک محروسه بوزارت

جناب مخبرالدوله وزیر علوم - پانصد نفر

دارالخلافه و حضرت عبدالعظیم (ع)

صاحبمنصبان

داخله

حسینقلیخان سرتیپ رئیس کل - میرزا حیدر

کوهپایه و نائین

شش نفر: تلگرافچی دو نفر — غلام چهار نفر

یزد

هشت نفر: محمد جعفر میرزا رئیس —

تلگرافچی نفر — میرزا دو نفر — فراش دو نفر

— غلام دو نفر

عقدا

سه نفر: تلگرافچی نفر — سوار دو نفر

کرمانشاه

سه نفر: تلگرافچی نفر — غلام دو نفر

بهرام آباد و انار

شش نفر: تلگرافچی دو نفر — غلام چهار نفر

کرمان

نه نفر: عباسقلیخان سرهنگ رئیس —

تلگرافچی نفر — میرزا دو نفر — غلام دو نفر

— فراش سه نفر

آباد و کازرون

چهار نفر: تلگرافچی دو نفر — فراش دو نفر

شیراز

یازده نفر: علی اصغر خان سرهنگ رئیس —

تلگرافچی چهار نفر — میرزا نفر — فراش

پنج نفر

بوشهر

چهار نفر — میرزا حبیب الله رئیس —

تلگرافچی نفر — فراش دو نفر

خط آذربایجان

شصت و یک نفر

قزوین

نه نفر: محمد مهدی میرزا رئیس — تلگرافچی

دو نفر — میرزا نفر — فراش سه نفر — غلام

دو نفر

منجیل و انزلی

ده نفر: تلگرافی دو نفر — فراش دو نفر —

غلام شش نفر

رشت

دوازده نفر: ابوالفتح میرزا سرهنگ رئیس —

تلگرافچی دو نفر — میرزا نفر — غلام پنج نفر

— فراش سه نفر

زنجان

پنج نفر: میرزا مهدیخان رئیس — تلگرافچی

نفر — فراش سه نفر

میانه

دو نفر: تلگرافچی نفر — میرزا نفر

کرمانشهان

یازده نفر: محمد صفی میرزا رئیس -
تلگرافچی سه نفر - میرزا دو نفر - غلام سه
نفر - فراش دو نفر

قصر و کرد و سرپل

هشت نفر: تلگرافچی سه نفر - غلام پنج نفر

کردستان و قروه

دوازده نفر: میرزا اسمعیل خان رئیس -
تلگرافچی دو نفر - میرزا نفر - غلام پنج نفر
فراش سه نفر

بیجار

شش نفر: محمد تقی خان رئیس -
تلگرافچی نفر - غلام دو نفر - فراش دو نفر

ملایر

هفت نفر: حبیب میرزا رئیس - تلگرافچی
نفر - میرزا نفر - غلام چهار نفر

نهاوند

پنج نفر: حاجی مهدیخان رئیس - تلگرافچی
نفر - غلام نفر - فراش دو نفر

عراق

محمدرضا میرزا رئیس - تلگرافچی دو نفر -
میرزا نفر - غلام دو نفر - فراش یک نفر

تبریز

چهارده نفر: آقاخان سرهنگ رئیس -
تلگرافچی هفت نفر - میرزا و محرر دو نفر -
فراش پنج نفر

خوی

تلگرافچی نفر - غلام نفر

مرند

سه نفر: تلگرافچی نفر - میرزا نفر - فراش
نفر

جلفا

دو نفر: تلگرافچی نفر - فراش نفر

خط خانقین

خان آباد و نوبران و زره

دوازده نفر: تلگرافچی سه نفر - غلام شش
نفر - فراش سه نفر

همدان

هیجده نفر: نصرالله خان سرهنگ رئیس -
تلگرافچی پنج نفر - میرزا نفر - غلام پنج نفر
- فراش شش نفر

کنگاور

پنج نفر: تلگرافچی نفر - غلام دو نفر -
فراش و کشیکچی دو نفر

بروجرد و رازان

دوازده نفر: میرزا طاهرخان رئیس —
تلگرافچی دو نفر — میرزا نفر — سوار پنج نفر
— فراش سه نفر

دامغان

تلگرافچی نفر — غلام چهار نفر — فراش نفر

شاهرود و میامی و میاندهشت و غیره

بیست و پنج نفر: جلیل میرزا رئیس —
تلگرافچی شش نفر — میرزا نفر — غلام سیزده
نفر — فراش چهار نفر

خرم آباد و مجدآباد و قلعه نصر

بیست و شش نفر: میرزا موسی خان سرهنگ
رئیس — تلگرافچی دو نفر — غلام و تفنگچی
قلاع چهارده نفر — غلامان خرم آباد پنج نفر —
فراش چهار نفر

استرآباد

نه نفر: تلگرافچی نفر — غلام شش نفر —

دزفول و رده

یازده نفر: میرزا محمدعلی رئیس — تلگرافچی
نفر — غلام پنج نفر — فراش چهار نفر

ساری و اشرف و بندر

جزو مشهدسر و بارفروش

بیست و نه نفر: عبدالحسینخان سرهنگ
رئیس — تلگرافچی هفت نفر — میرزا نفر —
غلام سیزده نفر — فراش هفت نفر

شوشتر

چهار نفر: تلگرافچی نفر — غلام دو نفر —
فراش نفر

خط خراسان

صد و بیست و هشت نفر

سبزوار و مزینان و عباس آباد

بیست و یک نفر: میرزا محمدعلی سرهنگ
رئیس — تلگرافچی چهار نفر — غلام دوازده
نفر — فراش چهار نفر

ایوانکیف و خوار

هشت نفر: تلگرافچی دو نفر — فراش دو نفر
— غلام چهار نفر

نیشابور

هشت نفر: محمدحسین میرزا رئیس —
تلگرافچی دو نفر — سوار چهار نفر — فراش
نفر

سمنان و فیروزکوه

ده نفر: حاجی باباخان رئیس — تلگرافچی دو
نفر — غلام شش نفر — فراش نفر

اداره معادن ممالک محروسه

حکیم الممالک پیشخدمتباشی سلام مدیر و
وزیر معادن — میرزا مصطفی قلی سر رشته دار
وزارت معادن — مسیو دوبلیه فرانسوی مهندس
و معلم علم معدن — شیخ عباس بسطامی
معدنچی

مشهد مقدس

دوازده نفر: میرزا فضل الله خان سرتیپ رئیس
— تلگرافچی سه نفر — میرزا نفر — غلام دو
نفر — فراش پنج نفر

ادارات جناب امین السلطان

اداره خزانه مبارکه نظام

بر ریاست آقا علی اصغر صاحب جمع ولد جناب
امین السلطان — میرزا یوسف سر رشته دار —
آقا محمد حسن تحویلدار — میرزا هادیخان
دفتردار — آقا ابوطالب صراف — فراش هفت
نفر — مأمورین اداره نظام — آقا حسینعلی
تحویلدار مملکت آذربایجان — حسینخان
تحویلدار مملکت خراسان — محمد حسنخان
تحویلدار کرمانشاهان — زین العابدین خان
تحویلدار اصفهان — آقا باقر تحویلدار قزوین
— میرزا حسینخان تحویلدار خمسه — محمد
صادقخان تحویلدار مازندران — حاجی علینقی
تحویلدار گیلان — ابراهیمخان تحویلدار ملایر
و توپسرکان

اداره خزانه مبارکه مالیه

بر ریاست میرزا اسمعیل ولد جناب امین
السلطان — میرزا فضل الله سر رشته دار کل —

اطاق موزه و غیره بر ریاست جناب امین السلطان

میرزا علی اکبر مستوفی — میرزا علی نایب
میرزا علی اکبر — آقا باقر نایب آبدارخانه
مبارکه — آقا یوسف نایب سر آبدارخانه — آقا
مهدی ساعت ساز — ریاست خزانه مبارکه
اندرون — ریاست قراولان مخصوص وجود
همایون از داخله و خارجه عمارات — ریاست
فوج سوادکوه — ریاست اردوی همایون

اداره آبدارخانه و سقاخانه مبارکه

بر ریاست آقا محمدعلی امین الحضرة ولد جناب
امین السلطان — آقا یوسف سقاباشی — آقا
حسینعلی — آقا باقر — آقا دائی — میرزا
ابوالقاسم نایب — حاجی حسن نایب — میرزا
غلام حسین مشرف — آقا فتحعلی — عمله
آبدارخانه مبارکه پانزده نفر — سقا سی و
هفت نفر

میرزا احمد سر رشته دار وجوه جنسی — بیک مأمور ساوه

ریاست و حکومت حضرت عبدالعظیم (ع) رؤسا

جناب میرزا هدایت الله نایب التولیه —
حسینقلیخان ناظم التولیه و نایب الحکومه
حاجی سیدعلی فراشباهی — میرزا اسمعیل
مهردار — حاجی میرزا عبدالکریم صدر
الحفاظ — میرزا یحیی ناظر — میرزا حبیب الله
کلیددار — آقا شیخ احمد واعظ — میرزا
عبدالحسین سرکشیک — آقا میرزا باقر
سرکشیک — میرزا بزرگ فراش ضریح مطهر
— میرزا کاظم مستوفی — میرزا ولی منشی
باشی — حاجی آقا محمد تحویلدار نقد و
جنس — میرزا حسین سر رشته دار — خدام
بیست و پنج نفر — قراء بیست نفر — گلابدار
پانزده نفر — مؤذن و چراغچی پانزده نفر

ن ولایات اداره جناب امین السطان
مملکت خراسان — شاهرود و بسطام —
سمنان و دامغان — قزوین — خمسه

منشیان مخصوص تحریر ولایات و ادارات
میرزا رضاقلیخان — میرزا احمد

اداره گمرکخانه های ممالک محروسه
مسیو کیساتحی قانون نویس — میرزا فضل الله
سر رشته دار — میرزا سید جعفر مشرف — میرزا
عباسقلی مترجم

یوسفخان تحصیلدار کل — میرزا علی
سر رشته دار — وجوهات مبارکه اندرون — آقا
هدایت تحویلدار کل — شیخ مرتضی
روزنامه نویس و آجودان خزانه — میرزا
هادیخان سر رشته دار — میرزا محمود دفتردار —
میرزا عباس فهرست نویس — میرزا لطیف
مشرف خزانه مبارکه اندرون — آقا قسلی
صراف — آقا زین العابدین صراف — فراش
ده نفر

اداره ضرابخانه مبارکه

حاجی محمدحسن امین دارالضرب — میرزا
ولی ناظم — میرزا جعفر روزنامه نویس —
حاجی محمد تحویلدار — سایر اجزاء هفتاد
نفر

اداره غلات ممالک محروسه

بر ریاست حسینقلیخان سعدالملک — میرزا
علی سر رشته دار کل — میرزا پاشا مشرف

مأمورین ولایات

حسینقلیخان ناظم التولیه مأمور آذربایجان —
سنجر میرزا مأمور کرمانشاهان — عباسقلیخان
مأمور خمسه — محمد علیخان مأمور قزوین —
محمدخان مأمور عراق — محمد خان و
حسینخان مأمور ملایر و نهاوند — حاجی حسن
مأمور همدان — محمد ابراهیمخان مأمور
سمنان و شاهرود و بسطام — محمد قاسم

اداره شترخانه و قاطرخانه و شترگله و تخت

خانه مبارکه

بر ریاست آقا علی اصغر صاحب جمع ولد جناب
امین السلطان - میرزا علی محمد مشرف
شترخانه - حاجی میرزا علی مشرف تخت
خانه - میرزا علینقی مشرف قاطرخانه -
کاظم خان قاطرچی باشی - نایب بابا اکبر
تحویلدار جنسی - جواد بیک نایب اول
شترباری - رضا قلی بیک نایب دوم
شترباری - موسی خان نایب تختخانه مبارکه
- بابا حاجی نایب دوم - عملجات از
نایب و ده باشی و داروغه و قاطرچی و
ساربازان یک هزار و پانصد نفر

ایلات دارالخلافه و غیره

بر ریاست آقا علی اصغر صاحب جمع ولد جناب
امین السلطان - عرب ورامین - عرب میش
مست - عرب سهنانی - ایل هداوند ایل
اوصانلو - ایل قراچورلو - ایل الکائی - ایل
گاوباز - ایل بختیاری - ایل قشقای - ایل
اوریات - ایلات مغرقه - عرب کلکو

اداره حکومت های مخصوصه

طارم

میرزا اسدالله خان نایب الحکومه

سوادکوه

میرزا رستم نایب الحکومه

خوار

محمد جعفر خان نایب الحکومه

لشته نشاء زید

و املاک مرحوم مجدالدوله اکبرخان
بیگلریگی نایب الحکومه

تجریش شمیران

صفرعلی بیک نایب الحکومه

اداره سوارهای دیوانی

هشتصد نفر: سوار خواجه وند چهارصد نفر -
علی اکبرخان سرهنگ - حاجی اسمعیل ایل
بیگی - محمد قلیخان سرکرده - حسنخان
سرکرده - نعمت الله خان سرکرده - میرزا
شکرالله مشرف

سوار اوصانلو

حاجی جعفر قلیخان سرهنگ - علیخان
سرکرده - میرزا حسن مشرف

سواره هداوند

یکصد و پنجاه نفر - رحیمخان سرکرده -
میرزا ابوالقاسم مشرف

اداره انبار مبارکه طهران

بر ریاست آقا یوسف مقاباشی - میرزا علی
سررشته دار - میرزا حسن سررشته دار - فریح
آقا تحویلدار - میرزا حسینعلی روزنامه نویس

— میرزا ربیع مشرف — مباشر و عمله جات از
قپاندار و فراش و غیره ده نفر

نایبان و مشرف

ابوطالب بیک نایب — حاجی چراغعلی بیک
ایضاً — میرزا علیرضا — میرزا یعقوب مشرف
بمباشری حاجی حسن فخار — عمارت
شهرستانک سپرده به نصرالله خان

اصطبل خاصه مبارکه

امیرآخور مهدیقلیخان پیشخدمت مخصوص
حضور همایون — میرزا سید کاظم مستوفی
اصطبل — میرزا رضا قلی سر رشته دار — میرزا
نصرالله مشرف — حاجی میرزا رضا ایضاً —
حاجی میرزا مهدی ایضاً

نایبان اصطبل مبارک

بیست و دو نفر — رشیدخان میرزا —
ابراهیمخان — ولیخان — حاجی نایب —
محمد بیک

سایر نایبان

هفده نفر

قوشخانه مبارکه

ابراهیمخان قوشچی باشی — میرزا علیخان
قروچچی باشی

میرشکار و اتباع

حاجی مصطفی قلیخان میرشکار — حبیب الله
خان

سایر

اتباع معروف نه نفر

فخارخانه طهران و غیره

بمباشری حاجی حسن فخار — عمارت
شهرستانک سپرده به نصرالله خان

راه شوسه قزوین

سپرده آقا باقر — مهندس میرزا مهدی

راه افجه و نور و فیروزکوه و آمل

سپرده میرزاتقی — مهندس میرزا نظام

راه زاویه مقدسه

مهندس حسینقلی خان — معمار کل حاجی
استاد علی

جارچیان

محمد هاشمخان جارچی باشی — حسنخان
نایب — یحیی خان ایضاً — ابراهیمخان ایضاً —
غلامحسین خان ایضاً

شاطران

بریاست بشیرالملک — فضل الله خان
شاطر باشی

کالسکه خانه مبارکه

بریاست دوست محمدخان معیرالممالک —
حاجی حسنعلی گماشته معیرالممالک مواظب

ادارات جناب صنع الدولة مترجم مخصوص حضور همایون

دارالترجمه مبارکه دولتی

مترجمین ایرانی

از بابت فرانسه و انگلیسی و غیره

میرزا رحیم پیشخدمت پسر حکیم الممالک
مترجم زبان انگلیسی — میرزا مجمدرضای
کاشانی مترجم زبان فرانسه — میرزا عیسی
خان سرهنگ مترجم فرانسه و غیره — میرزا
علیخان مترجم انگلیسی و فرانسه مأمور
بخدمت وزارت جلیله خارجه — میرزا
مهدیخان مهندس و معمار و مترجم زبان
فرانسه

فرانسه و انگلیس و روس مأمور بخدمت وزارت
جلیله خارجه

مؤلفین و اجزاء مجلس تألیف

نامه دانشوران ناصری

حاجی میرزا ابوالفضل ساوجی — آقا میرزا
حسن معلم و مترجم — آقا شیخ مهدی
مترجم — آخوند ملا آقای قزوینی ایضاً —
میرزا طاهر کاتب — میرزا عبدالحسین
مسوده نویس — کتابدار نفر

دارالطباعة دولتی و اداره

روزنامه جات مبارکه ممالک محروسه

میرزا سید حسن مستوفی روزنامه جات و دارالطباعة
دولتی — میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی
مصصحح و منشی روزنامه جات — میرزا
علیمحمد ناظم اداره روزنامه جات و دارالطباعة
دولتی و سایر دارالطباعة های ممالک محروسه
— آقامیر محمد علی کاتب روزناه ایران — آقا
میرزا سید احمد کاتب روزنامه اطلاع و
سالنامه و سایر نوشتجات دارالطباعة — میرزا
ابوتراب نقاش دارالطباعة دولتی — میرزا سید
ولی مرتب حروف فرنگی و ایرانی و مترجم
علم جغرافی — میرزا عباس نقاش و استاد
طبع مأمور بخدمت طبع منطباعات مدرسه

از بابت زبان عربی

آقا میرزا حسن معلم و مترجم عربی — میرزا
محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی
مخصوص روزنامه جات و مترجم عربی —
میرزا علی محمد ناظم دارالطباعة و دارالترجمه
مبارکه منشی و مترجم عربی

مترجمین فرنگی

مسیوریشارخان سرتیپ معلم و مترجم فرانسه و
انگلیسی و غیره — مسیورپروسکی خان سرتیپ
دویم معلم و مترجم زبان فرانسه و جغرافی —
بارون نرمان مترجم فرانسه و آلمان مأمور
بخدمت وزارتخارجه — مادر و سخا مترجم
زبان فرانسه و روسی مأمور بخدمت ترجمانی
اداره سواره قزاق — میرزا هارطون خان مترجم

دارالفنون — میرزا مهدی محرر دارالطباعه —
استاد محمد ابراهیم استاد مخصوص طبع
روزنامه جات و سایر مطبوعات دارالطباعه
دولتی.

آقاخان سرهنگ و رئیس تلگراف
مباشر و رئیس روزنامه و باسمه خانه های
مملکت آذربایجان — مباشرین روزنامه سایر
ولایات معتبره هشت نفر

اداره روزنامه فرهنگ منطبعة اصفهان

میرزا تقی خان سرتیپ حکیمباشی نواب
اشرف والا ظل السلطان رئیس و نگارنده
روزنامه فرهنگ — میرزا عبدالرحیم
خوشنویس متخلص به افسر محرر روزنامه

اداره روزنامه تبریز

مدیر و نگارنده روزنامه میرزا موسی منشی
مخصوص نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه
ادام الله اقباله العالی

اداره باغات و عمارات

وقنات مبارکه

دولتی و احتسابیه کل شهر دارالخلافه باهره
طهران

اداره باغات و عمارات وقنات و غیره

حاجی میرزا حسین ممیز — محمدباقر بیک
باغبانباشی — آقا سید صالح مقنی باشی —
حاجی حسینعلی معمار مخصوص — میرزا سید
اسمعیل مشرف — میرزا مهدی ایضاً مشرف —
کریمخان نایب باغات دولتی — میرزا
عبدالمجید نایب سلطنت آباد — یعقوب بیک
نایب و مباشر خیابان شمیران — استاد کریم

مقنی

اداره احتسابیه شهر دارالخلافه

باهره و خیابانهای دولتی

میرزا علی محمد ناظم دارالطباعه نایب کل
اداره احتسابیه — میرزا بزرگ مشرف — میرزا
ابوالقاسم ایضاً مشرف

نایبان

نایب قلی نایب کل خیابانهای دولتی و ارک
مبارک — نایب رحیم نایب دواب احتسابیه
— محمد ابراهیم بیک نایب محله سنگلج —
ابوالقاسمخان نایب محله بازار — نایب حسن
نایب محله چالمیدان و دروازه دولاب — نایب
ابراهیم نایب محله عودلاجان — احمد بیک
نایب محله دروازه شمیران

ولایات ممالک محروسه

سوی دارالخلافه طهران که در جزو ادارات درباری نوشته شده است

مملکت آذربایجان و غیره

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد
جاوید مهد صاحب اختیار و حکمران مملکت
آذربایجان ادام الله اقباله العالی - جناب
امیرنظام علاءالدوله وزیر دربار اعظم کارگذار
کل مملکت آذربایجان - جناب حسنعلیخان
وزیر فواید حکمران گروس و ساوجبلاغ مگری
- امیرزاده عمیدالدوله کیومرث میرزا حکمران
خلخال - میرزا رضای صدیق الدوله مستوفی و
پیشکار عمل مالیات آذربایجان
اسامی سایر مأمورین آذربایجان هریک در ادارات
مخصوصه بآن طبقه ثبت شده است حاجت
بتکرار نیست.

عمله جات مخصوص دربخانه نواب اشرف
والا

ولیعهد که در رکاب نواب اشرف معظم له
بدارالخلافه آمده اند

امیرزادگان ارباب مناصب

امیرزاده شعاع السلطنه ناظر و مهرداد و رئیس
عمله جات سرکاری - امیرزاده اسحق میرزا
امیر آخور - امیرزاده روح الله میرزا پیشخدمت
باشی - امیرزاده لطفعلیخان کشیکچی باشی
ولد مرحوم مؤید الدوله - امیرزاده سلطان
مجید میرزا تفنگدار باشی ولد نواب والا

عضدالدوله - امیرزاده معزور میرزا نایب ناظر
- امیرزاده غلامحسین میرزا صدر الشعراء ولد
مرحوم ملک ایرج میرزا - امیرزاده عبدالمحمد
میرزانایب امیرآخور

باشیان و غیره

حاجی محمد حسینخان صدرالدوله - ایشیک
آقاسی باشی - مهدیخان قاجار فرشباشی -
میرزا محمد فخرالاطباء - میرزا ابوالحسن
محمد صادقباشی - محمد صادقخان آجودانباشی
قرباغی - حاجی احمد خان شاطرباشی -
عباسقلیخان امین الوزاره و غلام پیشخدمتباشی
- محمد اسمعیل خان صندوقدار - محمد
حسینخان بختیاری قوللر آقاسی باشی -
حبیب الله خان صاحبجمع - پاشاخان
یوزباشی غلامان - کلعلیخان میرشکار

مستوفیان

میرزا احمد منشی باشی - میرزا داود
وقایع نگار و مستوفی - میرزا شفیع مستوفی
خاصه و محاسب ولد میرزا ابراهیم نوری -
حاجی میرزا عبدالرحیم مستوفی و پیشکار
خالصه جات آذربایجان

منشیان

میرزا فضا الله خان منشی حضور والا - میرزا

جناب صاحب‌دیوان وزیر نظام کارگذار مملکت
فارس
ابوالفتح خان صارم الدوله پیشکار دربخانه
حضرت والا ظلّ السلطان
سایر نواب حکومت ولایات مزبوره که از
جانب نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم له
مأمور شده‌اند بعضی از چاکران دولت و بعضی
از گماشتگان مخصوص دربخانه خود نواب
اشرف والا هستند

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله فرمانفرمای مملکت
خراسان و سیستان جناب حاجی مستشار
الملک مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب والا نصره الدوله فرمانفرما و والی
مملکت کرمان و بلوچستان

ایالت کردستان

بحکومت نواب والا حاجی حسام السلطنه —
نایب لایاله امیرزاده ابوالفتح میرزا

ایالت کرمانشاهان و سرحد عراقین

امیرالامراء العظام حاجی شهاب الملک والی
ایالت کرمانشاهان و سرحددار عراقین

ایالت گیلان

امیرالامراء العظام عبدالله خان والی و

علیخان منشی ولد حاجی موسی خان قاجار —
میرزا عبدالوهاب منشی ولد مرحوم صدیق
الملک — میرزا آقا منشی — میرزا محمدعلی
منشی ولد جناب میرزا علی محمد ملاباشی

عمله خلوت

امیرزاده کامران میرزا نایب پیشخدمتباشی ولد
مرحوم اسکندر میرزا — امیرزاده عباسقلی میرزا
پیشخدمت خاصه و تلگرافچی مخصوص —
امیرزاده علی بخش میرزا پیشخدمت خاصه و
مترجم — امیرزاده باقر میرزا ولد مرحوم
عبدالفاضل میرزا — خانباخان قاجار نایب
پیشخدمتباشی — اسدالله خان قهوه‌چی باشی
— محمدحسین بیک سقاباشی

مترجمین

طاطاوس خان مسیحی مترجم و آبودان —
میرزا آنتوان مترجم مسیحی

ممالک و ایالات و ولایات مفصله ذیل:

بحکومت و صاحب اختیاری و فرمانفرمائی
نواب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ظل
السلطان ادام الله اقباله العالی: مملکت فارس
— ولایت اصفهان — ولایت یزد — ایالت
عربستان — ایالت لرستان — ایالت عراق و
کمره — بروجرد و بختیاری — گلپایگان و
خوانسار.

نواب والا جلال الدوله حکمران مملکت
فارس

حکمران گیلان و طوالش

ایالت دارالمرز مازندران
جناب محمد خان والی حکمران مازندران

استرآباد و گرگان و ترکمان

امیرالامراء العظام مصطفی قلیخان میرپنجه
صاحب اختیار و حکمران استرآباد و گرگان و
ترکمان

کاشان

محمد حسنخان پیشخدمت حضور مبارک
حاکم ولایت کاشان — میرزا حسن
سررشته دار ولایت کاشان

سمنان و دامغان

جناب اعتضادالملک حکمران سمنان و
دامغان

شاهرود و بسطام

امیرزاده محمد میرزا ولد جناب اعتضاد الدوله
حکمران شاهرود و بسطام

قزوین

نواب والا ملک آرا حکمران قزوین و توابع

گروس

بحکومت جناب حسنعلی خان وزیر فواید —
محمد خان حکمران

ولایات خمسه

نواب اللهقلی میرزا ایلخانی حکمران ولایات
خمسه

خرقانین

بحکومت امیرالامراء العظام اللهیارخان
آجودانباشی امیرتومان

همدان

ذوالریاستین حکمران ولایت همدان

ساوه و زرند

علیخان حکمران ساوه و زرند

ملایر و تویسرکان

مصطفی قلیخان حاکم ملایر و تویسرکان

کنگاور

بحکومت رحمت الله خان ساری اصلان

قم

جناب اعتضادالدوله حکمران قم

اسدآباد

بحکومت خاناباخان سرتیپ پسر سلیمانخان

نهایند

محمد ابراهیمخان سرتیپ حکمران نهایند

دماوند حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند	صاحب اختیار
فیروزکوه فضل الله خان حاکم فیروزکوه	نطنز بحکومت گماشتگان نواب والا حاجی حسام السلطنه
طارم میرزا اسدالله خان نایب الحکومه طارم از جانب جناب امین السلطان	جوشقان بحکومت گماشتگان نواب والا معزالدوله
سوادکوه میرزا رستم نایب الحکومه از جانب جناب امین السلطان	محلان بحکومت کسان جناب معتمدالملک وزیر مخصوص

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریه و مجارستان

امپراطور: فرانسوا شارل ژزف در سنه ۱۲۴۶ هجری متولد شده. ولیعهد: آرشی دوک رودلف فرانسوا شارل ژزف. پایتخت: وین. صدراعظم و وزیر دول خارجه: بارون هایمیرله. مذهب دولتی: کاتولیک و پروتستان هم دارد. جمعیت: هفتاد کرور.

دولت اسپانیا

پادشاه: الفونس دوازدهم، سنش بیست و چهار سال. وزیر اعظم: گائوس دل گاستیلو. مذهب دولتی: کاتولیک. جمعیت: سی و سه کرور و سیصد و سی و پنج هزار نفر. پایتخت: مادرید.

دول معتبره آلمان

جمعیت کلیه: هشتاد و چهار کرور. مذهب دولتی: پروتستان و بعضی کاتولیکی هستند.

اولا باد

فرمانفرما: فردریک گیلیوم لوی، سنش پنجاه و پنج سال. ولیعهد: فردریک گیلیوم لوی پلد آگوست، سنش بیست و چهار سال. پایتخت: کارلسروه. مذهب: پروتستان.

باویر

شاه: لوی دویم اتن فردریک گیلیوم، سنش سی و شش سال. پایتخت: مونیخ. مذهب: کاتولیک.

پروس

امپراطور آلمان و پادشاه پروس: فردریک گیلیوم اول. امپراطور آلمان و پادشاه پروس در سنه ۱۲۱۲ هجری متولد شده و در سنه ۱۲۹۸ به امپراطوری آلمان برقرار گردیده، سنش هشتاد و چهار سال است. ولیعهد: فردریک گیلیوم نیکلا شارل، سنش پنجاه سال. وزیر اعظم: پرنس بیزمارک. مذهب دولتی: پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند. پایتخت: برلن.

دولت ساکس

شاه: البر فردریک آگوست آن توان فردینان ژزف شارل ماری باتیست پنوموسن گیلیوم کژاویه ژورز فیدل، سنش پنجاه و سه سال. پایتخت: درزد. مذهب دولتی: پروتستان و قدری کاتولیک.

ورتمبرغ

شاه: شارل اول فردریک الکساندر، سنش پنجاه و هشت سال. پایتخت: اشتوت گارت. مذهب دولتی: پروتستان و قدری کاتولیک.

دولت انگلستان و ایرلند و اسکاتلند

پادشاه: ملکه و یکتوریا الکساندرین، سنش شصت و یکسال. ولیعهد: پرنس البرت ملقب به پرنس دوگال، سنش چهل سال. وزیر اعظم: مسیو گلدستون. پایتخت: لندن. جمعیت تمام این مملکت از انگلیس و ایرلند و اسکاتلند از قرار سنه ماضیه: شصت و هفت کرو و سیصد هزار نفر. و جمعیت تمام ممالک متصرفی انگلیس از هندوستان و غیره: چهارصد و هفتاد و شش کرو. مذهب دولتی: پروتستان و مذهب مملکت ایرلند کاتولیک. فرمانفرمای هندوستان: مارکیز دُرین.

دولت ایتالیا

پادشاه: هومبر اول، سنش سی و هفت سال. ولیعهد: ویکتور امانوئل پرنس دنابل، سنش دوازده سال. وزیر اعظم: کیرولی. مذهب: کاتولیک. جمعیت: پنجاه و چهار کرو و چهارصد و هشتاد و دو هزار نفر. پایتخت: رم.

دولت بلژیک

پادشاه: لئوپلد دویم، سنش چهل و شش سال. پایتخت: بروکسل. جمعیت: ده کرو و سیصد و سی و شش هزار نفر. مذهب دولتی: کاتولیک.

دولت پرتوغال

پادشاه: لوی فیلیپ ماری فردیناند پدر، سنش

چهل و سه سال. ولیعهد: شارل فردیناند لوی ماری. وزیر اعظم: دفنس پردادملو. پایتخت: لیزبن. جمعیت در اروپ: نه کرو و یکصد و هفتاد و دو هزار نفر، خارج از اروپ: شش کرو و دوست و هشتاد و یک هزار نفر.

دولت پی با

که هلاند نیز نامند

پادشاه: گیلوم سیم الکساندر فردریک لوی، سنش: شصت و چهار سال. ولیعهد: گیلوم الکساندر شارل فردریک، سنش سی و سه سال. پایتخت: لاهه. جمعیت: هفت کرو و سیصد و نه هزار نفر. مذهب دولتی: پروتستان.

دولت دانمارک

پادشاه: کریستیان نهم، سنش شصت و سه سال. ولیعهد: کریستیان فردریک گیلوم شارل، سنش سی و هشت سال. وزیر اعظم: یعنی رئیس وزرا: استروپ. پایتخت: کپن هاگ. مذهب دولتی: پروتستان. جمعیت سه کرو و چهارصد و سه هزار نفر.

دولت روس

امپراطور: الکساندر سیم، سنش سی و شش سال. ولیعهد: گراندوک نیکلا الکساندر ویچ، سنش سیزده سال. وزیر اعظم: پرنس کورچاکف، اما چون دو سالست ناخوش است (مسیو دوکیرس) بجای او نیابت

عیسوی و غیره نیز دارد. جمعیت: از قرار سنه میسر نیست و تحقیقاً معلوم نیست.

دولت فرانسه

رئیس جمهوری: ژول گروی. وزیر اعظم: ژول فری. وزیر امور خارجه: مسیو بازطلمی. سنت هیلر. پایتخت: پاریس. مذهب دولتی: کاتولیک. جمعیت: هفتاد و دو کرویر و صد و دو هزار نفر.

ایالت فنیگیرو

والی: پرنس نیکلای اول، سنش چهل سال. ولیعهد: پرنس سورکا، سنش هفده سال. وزیر اول: پتروفیه. پایتخت: ستین. جمعیت: یک کرویر و سی و شش هزار نفر. مذهب: اورتودکس یونانی، کمی هم کاتولیک و مسلمان هم دارد.

دولت یونان

پادشاه: ژرژ اول، سنش سی و شش سال. ولیعهد: قسطنطین. پایتخت: آتن. جمعیت: دو کرویر و چهارصد و شصت هزار نفر. مذهب: عیسوی یونانیست.

آسیا

دولت چین

امپراطور: گوانگ سو، سنش ده سال. وزیر اعظم: شاهزاده کنک. پایتخت: پکن. مذهب دولتی: بودا مذهب هستند، مسلمان و غیره هم

می کند. جمعیت: صد و هفتاد و هفت کرویر و دویست هزار نفر. مذهب: اورتودکس یونانی و مذاهب متفرقه هم دارد. پایتخت: سنت پترزبورگ.

دولت رومانی

پادشاه: شارل اول، سنش چهل و دو سال. پایتخت: بوکارست. وزیر اعظم: برایتانو. جمعیت: ده کرویر و سیصد و هفتاد و شش هزار نفر. مذهب: اورتودکس یونانی.

ایالت سربی

فرمانفرما: صیلان چهارم. ولیعهد که بسن شش سالست: پرنس الکساندر. وزیر اعظم: پیرت شاناسن. پایتخت: بلگراد. جمعیت: سه کرویر و یکصد و هشتاد و دو هزار و پانصد نفر. مذهب: کاتولیک و یونانی.

دولت سوئیس

رئیس جمهوری: مسیو مومادرز. وزیر اول: شیس. پایتخت: برن. مذهب: نصف پروتستان و نصف کاتولیک. جمعیت: پنج کرویر و سیصد هزار نفر.

دولت عثمانی

سلطان: عبدالحمیدخان، سنش سی و هشت سال. ولیعهد: محمد سلیم افندی، سنش دوازده سال. وزیر اول: سعیدپاشا. پایتخت: اسلامبول. مذهب دولتی: مسلمان سنی،

دولت زنگبار

سلطان: سید برکش بن سعید. پایتخت: بندر زانگبار. جمعیت جزیره زنگبار: صد هزار نفر، اما تمام رعیت آن مملکت مشخص نیست.

جزیره ماداگاسکار

پادشاه: ملکه راناواله دویم. پایتخت: تانارپو. جمعیت: پنج کروار.

دولت مارق

سلطان: ملاحسن. پایتخت: طنجه. جمعیت: دوازده کروار.

ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است خدیو: توفیق پاشا. پایتخت: قاهره. مذهب: اسلام سنی. جمعیت تمام مصر: سی و شش کروار.

امریکا

ینگى دنیای شمالی

جمهوری اتانونی

رئیس جمهوری: گارفی ئلد. پایتخت: واشینگتون. مذهب: اغلب پروتستان و غیره. جمعیت هفتاد و هفت کروار و سیصد هزار نفر.

جمهوری مکسیک

رئیس جمهوری: اسمش پوریو دیاس. پایتخت: مکزیک. مذهب: کاتولیک.

دارد. جمعیت کلیه: هشتصد و شصت و هفت کروار. جمعیت رعیت: هشتصد و نه کروار و چهارصد و چهل و شش هزار و صد و چهار نفر، جمعیتی که زیر حمایت هستند: پنجاه و هفت کروار.

دولت ژاپن

امپراطور (میکادو): موتس حیث، سنش بیست و نه سال. ولیعهد: چکاشی فوشیمی ثمیا. وزیر اعظم: سانجو. پایتخت: یدو. مذهب: بودا مذهب. جمعیت: شصت و شش کروار و صد و دو هزار نفر.

دولت سیام

پادشاه: تیان. وزیر اول: تیایو فرایاسور یونگ سی. پایتخت: بان کک. مذهب: بودا مذهب. جمعیت: دوازده کروار و سیصد هزار نفر.

افریقیه

ایالت تونس که جزو سلطنت عثمانیست

والی: محمدصادق پاشاییک. ولیعهد که برادر والی است: سیدی علی. پایتخت: تونس. جمعیت: چهار کروار.

دولت حبشستان

امپراطور که نکوس می نامند اسمش ژان. پایتخت: گندار. جمعیت: دوازده کروار.

جمعیت: ہیجده کروڑ و دو یست و هفتاد و بینوزر. جمعیت: دو کروڑ و سیصد ہزار نفر. شہزار نفر.

جمہوری اکواتر

رئیس جمہوری: این سیورانٹیل لا. پایتخت: کی تو. جمعیت: دو کروڑ و چھل ہزار و سیصد و هفتاد و یک نفر.

جمہوری اوروگی

رئیس جمہوری: دون لونزولا. پایتخت: مُت و یداؤ. جمعیت: چہارصد ہزار نفر.

برزیل

امپراطور: پدرو دو یم. پایتخت: ریوژانیو. جمعیت: بیست کروڑ و صد و ہشتہزار نفر.

جمہوری بولیوی

رئیس جمہوری: دون توما فریاس. پایتخت: چوکی ساکا. جمعیت چہار کروڑ.

جمہوری پاراکی

رئیس جمہوری: اوژینو اوریارت. پایتخت: اشمسیون. جمعیت از قرار سنوات ماضیہ: دو کروڑ نفر.

جمہوری پرو

رئیس جمہوری: مسیوروفرین. پایتخت: لیما. جمعیت: پنج کروڑ. مذہب کاتولیک.

ہنگی دنیای مرکزی

جمعیت کل: پنج کروڑ و صد ہزار نفر.

جمہوری سان سالواڈر

رئیس جمہوری: پایتخت: سان سالواڈر. جمعیت: چھل ہزار نفر.

جمہوری کاستاریکا

رئیس جمہوری: گواردیا. پایتخت: سان ژوزہ. جمعیت: بیست و پنج ہزار نفر.

جمہوری گواتمالا

رئیس جمہوری: ژزہ دیوفینوباریس. پایتخت: گواتمالا. جمعیت: سہ کروڑ و صد ہزار نفر. مذہب کاتولیک.

جمہوری نیکاراگوا

رئیس جمہوری: دن پدرو شامرو. پایتخت: ماناگا.

جمہوری ہندورا

رئیس جمہوری: مرگواریل پوسٹو. پایتخت: کوماپایکا.

ہنگی دنیای جنوبی

جمہوری آرژانتین

رئیس جمہوری: نیکلا اولاندا. پایتخت:

جمهوری شیلی

رئیس جمهوری: باآنیبال پنتو. پایتخت:
سانتیاگو. جمعیت: چهار کروڑ نفر.

جمهوری دول متحدہ کولمبی

رئیس جمهوری: آکیلیو پارا. پایتخت:
بگوتا. جمعیت کل دول متحدہ کولمبی:
دوازدہ کروڑ.

جزایر

جزیرہ ساندویچ

پادشاہ: لت کامحاحا (خامس) (پنجم).
پایتخت: ہولولو.

جزیرہ سن دومنک

رئیس جمهوری: گونزالس. پایتخت:
سن دومنک. جمعیت: چہارہ ہزار نفر

جمهوری ونزولا

رئیس جمهوری: دون لینارس آلکنتارا. پایتخت: پرتاپرنس.
جمعیت: ہشتصد ہزار نفر.

جزیرہ ہائیتی

رئیس جمهوری: سالومن. پایتخت: پرتاپرنس.
جمعیت: ہشتصد ہزار نفر.

کتبہ العبد الاقل الجانی ابن مرحوم میرزا
سید محمد رضا احمد الطباطبائی الاردستانی
فی جمادی الثانیہ ثیلان ثیل سنہ ۱۲۹۸